

توضیح المسائل

حضرت آیتہ ۱۵۰۱ھ العظمیٰ

فقہ اہل بیت العصمہ

آقای حاج سید محمد رضا

گلپایگانی

متع... المسلمین بطول بقائه

محرم ۱۳۹۸

بُضْعُ الْمَسَائِكِ

مطابق با فتوای

فقیه اهل بیت عصمه

حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی
متع الله المسلمین بطول بقائه

مرکز نخش:

کتابفروشی اندیشه
قم خیابان صفاییه
تلفن ۴۰۳۴

کتابخانه صد
تهران - ناصر خسرو - پاساژ مجیدی
تلفن ۵۳۷۶۶۶

مسائلی را که انسان غالباً به آنها
احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد
(مسئله ۱۱)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
این رساله با فتاویٰ حیر مطابقت
و عمل بآبان مجزی است انشاء الله تعالی
محمد رضا الموسوی گلپایگانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ
خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعَنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ

أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

احکام تقلید

مسئله ۱ - عقیده مسلمان با اصول دین باید از روی دلیل باشد ، و نمیتواند
در اصول دین تقلید نماید ، یعنی بدون دلیل گفته کسی را قبول کند . ولی اگر

از گفته غیر بمقاید دینی یقین پیدا کند در حکم بمسلمان بودن او کافی است و در احکام دین باید بامجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل بدست آورد، یا از مجتهد تقلید کند، یعنی بدستور او رفتار نماید، یا از راه احتیاط طوری بوظیفه خود عمل نماید، که یقین کند، تکلیف خود را انجام داده است، مثلا اگر عده‌ای از مجتهدین عملی را حرام میدانند، و عده دیگر میگویند حرام نیست؛ آن عمل را انجام ندهد، و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب میدانند، آنرا بجا آورد. پس کسانی که مجتهد نیستند و نمیتوانند با احتیاط عمل کنند، واجب است از مجتهد تقلید نمایند.

مسئله ۲ - تقلید در احکام یادگرفتن فتوای مجتهد است با التزام بعمل بآن و از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد و بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و حلال زاده و زنده و عادل باشد. و عادل کسی است که با ملکه عدالت کارهایی را که بر او واجب است بجا آورد و کارهایی را که بر او حرام است ترک کند، که اگر از اهل محل یا همسایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند حال او را بپرسند، خوبی او را تصدیق نمایند. و ملکه عدالت عبارتست از حالتی که وادار کند انسان را با طاعت و ترک معصیت و مجتهدی که انسان از او تقلید میکند - در صورت علم بمخالفت فتوای او با فتوای غیر - بنابر احتیاط واجب باید غیر، اعلم از او نباشد مگر آنکه فتوای غیر - اعلم موافق با احتیاط باشد و اعلم یعنی کسی که در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدهای زمان خود استادتر باشد.

مسئله ۳ - مجتهد و اعلم را از سه راه میتوان شناخت **اول** - آنکه خود انسان

یقین کند، مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

دوم - آنکه دو نفر عالم عادل، که میتوانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، بشرط آنکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نمایند **سوم** - آنکه عده‌ای از اهل علم که میتوانند مجتهد

و اعلم را تشخیص دهند، و از گفته آنان اطمینان پیدا میشود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

مسئله ۴- اگر شناختن اعلم مشکل باشد میتواند از کسی تقلید کند که یقین باعلم بودن دیگران از او نداشته باشد یا مخالفت فتوای او با فتوای اعلم معلوم نباشد. و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلید کند. ولی چنانچه یکی از آنان پر هیز کارتر باشد بهتر آنستکه از او تقلید کند.

مسئله ۵- بدست آوردن فتوی یعنی دستور مجتهد چهار راه دارد: اول شنیدن از خود مجتهد. دوم شنیدن از دو نفر عادل سوم شنیدن از کسیکه انسان بگفته او اطمینان دارد. چهارم دیدن در رساله مجتهد، در صورتیکه انسان بدرستی آن رساله اطمینان داشته باشد.

مسئله ۶- تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است، میتواند بآنچه در رساله نوشته شده عمل نماید، و اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده جستجو لازم نیست.

مسئله ۷- اگر مجتهد اعلم در رساله ای فتوی دهد، کسیکه از او تقلید میکند، بنابر احتیاط نمیتواند در آن رساله بفتوای مجتهد دیگر عمل کند ولی اگر فتوی ندهد و بفرماید احتیاط آنستکه فلانطور عمل شود، مثلاً بفرماید احتیاط آنستکه در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه تسبیحات اربعه یعنی **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ** بگویند، مقلد باید باین احتیاط، که احتیاط واجبش میگویند عمل کند و سه مرتبه بگوید و یا بفتوای مجتهدیکه علم او از مجتهد اعلم کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر است عمل نماید، پس اگر او یکمرتبه گفتن را کافی بداند، میتواند یکمرتبه بگوید و هم چنین است اگر مجتهد اعلم بفرماید مسأله محل تأمل یا محل اشکال است.

مسئله ۸- اگر مجتهد اعلم بعد از آنکه در رساله ای فتوی داده احتیاط کند،

مثلاً بفرماید ظرف نجس را که یکمرتبه در آب کر بشویند پاک میشود ، اگر چه احتیاط آنستکه سه مرتبه بشویند ، مقلد او میتواند در آن مسئله بفتوای او عمل کند و یکمرتبه بشوید و میتواند بفتوای مجتهدیکه سه مرتبه شستن را لازم میدانند رفتار کند و میتواند بعنوان احتیاط سه مرتبه بشوید .

مسئله ۹ - اگر مجتهدی که انسان از او تقلید میکند ، از دنیا برود باید از مجتهد رنده تقلید کند . ولی کسیکه در مسأله ای بفتوای مجتهدی عمل کرده یا آنرا یاد گرفته و ملتزم بعمل بآن شده باشد ، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسأله بفتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد ، میتواند در آن مسأله بفتوای مجتهدیکه از دنیا رفته باقی باشد ، اگر چه احتیاط مستحب آنست که بفتوای مجتهد زنده رفتار نماید .

مسئله ۱۰ - اگر در مسئله ای بفتوای مجتهدی عمل کند ، و بعد از مردن او در همان مسئله بفتوای مجتهد زنده رفتار نماید ، دوباره نمیتواند آنرا مطابق فتوای مجتهدیکه از دنیا رفته است انجام دهد . ولی اگر مجتهد زنده در مسئله ای فتوی ندهد ، و احتیاط نماید و مقلد مدتی بآن احتیاط عمل کند ، دوباره میتواند بفتوای مجتهدیکه از دنیا رفته عمل نماید ، مثلاً اگر مجتهدی گفتن یکمرتبه *سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ* را در رکعت سوم و چهارم نماز کافی بداند ، و مقلد مدتی باین دستور عمل نماید و یکمرتبه بگوید ، چنانچه آن مجتهد از دنیا برود و مجتهد زنده احتیاط واجب را در سه مرتبه گفتن بداند و مقلد مدتی باین احتیاط عمل کند و سه مرتبه بگوید ؛ دوباره میتواند بفتوای مجتهدیکه از دنیا رفته برگردد و یکمرتبه بگوید .

مسئله ۱۱ - مسائلی را که انسان غالباً بآنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد .

مسئله ۱۲ - اگر برای انسان مسئله ای پیش آید که فتوای اعلم را نداند اگر مخالفت فتوای غیر اعلم با اعلم معلوم نباشد و یا فتوای غیر اعلم موافق با احتیاط باشد

میتواند بغیر اعلم رجوع کند و میتواند از روی احتیاط وظیفه خود را انجام دهد .

مسئله ۱۳ - اگر کسی فتوای مجتهدی را بدیگری بگوید ، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود لازم نیست باو خبر دهد که فتوی عوض شده ولی اگر بعد از گفتن فتوی بفهمد اشتباه کرده ؛ در صورتیکه ممکن باشد باید اشتباه را برطرف کند .

مسئله ۱۴ - اگر مکلف مدنی بدون تقلید عمل کند در صورتی صحیح است که مطابق با واقع ، انجام شده باشد و اگر عبادی بوده بقصد قربت آنرا بجا آورده باشد و راه بدست آوردن مطابق شدن آن با واقع باین است که یا بعد علم پیدا کند که مطابق با واقع بوده یا آنکه مطابق فتوای مجتهدیکه فعلا وظیفه اش تقلید از اوست واقع شده باشد .

احکام طهارت

آب مطلق و مضاف

مسئله ۱۵ - آب یا مطلق است یا مضاف : آب مضاف آبیست که آنرا از چیزی بگیرند ؛ مثل آب هندوانه و گلاب ، یا با چیزی مخلوط باشد ؛ مثل آبیکه بقدری با گل و مانند آن مخلوط شود ، که دیگر بآن آب نگویند و غیر اینها آب مطلق است ، و آن بر پنج قسم است : اول آب کُر دوم آب قلیل سوم آب جاری چهارم آب باران پنجم آب چاه .

۱- آب کُر

مسئله ۱۶ - آب کُر مقدار آبیست که اگر در ظرفیکه طول و عرض و عمق آن هر یک سه و چهار انگشت است بریزند ، آن ظرف را پر کنند . و وزن آن از صد و بیست و هشت من تبریز بیست مثقال کمتر است .

مسئله ۱۷ - اگر عین نجس مانند بول و خون یا چیزی که نجس شده است مانند لباس نجس ، بآب کُر برسد . چنانچه آن آب ، بویارنگ یا مزه نجاست را بگیرد ، نجس میشود . و اگر تغییر نکند نجس نمیشود .

مسئله ۱۸ - اگر بوی آب کُر بواسطه غیر نجاست تغییر کند ، نجس نمیشود .

مسئله ۱۹ - اگر عین نجس مانند خون بآبیکه بیشتر از کُر است برسد و بویارنگ یا مزه قسمتی از آنرا تغییر دهد ، چنانچه مقداریکه تغییر نکرده کمتر از کُر باشد تمام آب نجس میشود و اگر باندازه کُر یا بیشتر باشد ؛ فقط مقداریکه بویارنگ یا مزه آن تغییر کرده نجس است .

مسئله ۲۰ - آب فواره اگر متصل بکُر باشد ، آب نجس را پاک میکند . ولی اگر قطره قطره روی آب نجس بریزد ؛ آنرا پاک نمیکند ؛ مگر آنکه چیزی روی فواره بگیرند ؛ تا آب آن قبل از قطره قطره شدن بآب نجس متصل شود و بنا بر احتیاط واجب باید آب فواره با آن آب نجس مخلوط گردد .

مسئله ۲۱ - اگر چیز نجس را زیر شیریکه متصل بکُر است بشویند ؛ آبیکه از آن چیز میریزد اگر متصل به کُر باشد و بویارنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد و عین نجاست هم در آن نباشد پاک است .

مسئله ۲۲ - اگر مقداری از آب کُر یخ ببندد و باقی آن بقدر کُر نباشد ، چنانچه نجاست به آن برسد نجس میشود ، و هر قدر از یخ هم آب شود نجس است .

مسئله ۲۳ - آبیکه باندازه کُر بوده ، اگر انسان شك کند از کُر کمتر شده یا نه ؛ مثل آب کُر است ، یعنی نجاست را پاک میکند و اگر نجاستی هم بآن برسد نجس نمیشود . و آبیکه کمتر از کُر بوده و انسان شك دارد بمقدار کُر شده یا نه حکم آب کُر ندارد .

مسئله ۲۴ - کُر بودن آب ، بدوراه ثابت میشود ؛ اول - آنکه خود انسان یقین یا اطمینان پیدا کند دوم - آنکه دومرد عادل خبر دهند .

۲- آب قلیل

مسئله ۲۵ - آب قلیل آبیست که از زمین بجوشد و از کُر کمتر باشد .

مسئله ۲۶ - اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد ، یا چیز نجس به آن برسد نجس میشود . ولی اگر از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد ، مقداریکه به آن چیز میرسد نجس و هر چه بالاتر از آنست پاک میباشد .

مسئله ۲۷ - آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد ، نجس است و آب قلیلی که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن روی آن میریزند ، و از آن جدا میشود و بعد از آن محل پاک میشود پاک است ، و آبیکه با آن مخرج بول و غائط را می شویند با پنج شرط پاک است .

اول - آنکه بویارنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد . دوم - نجاستی از خارج به آن نرسیده باشد سوم - نجاست دیگری مثل خون یا بول یا غائط بیرون نیامده باشد . چهارم - ذره های غائط در آب پیدا نباشد . پنجم - بیشتر از مقدار معمول نجاست با طرف مخرج نرسیده باشد .

۳- آب جاری

مسئله ۲۸ - آب جاری آبیست که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد مانند آب چشمه و قنات .

مسئله ۲۹ - آب جاری اگر چه کمتر از کُر باشد ، چنانچه نجاست به آن برسد ، ناوقتی بویارنگ یا مزه آن بواسطه نجاست تغییر نکرده پاک است .

مسئله ۳۰ - اگر نجاستی به آب جاری برسد ، مقداری از آن ، که بویارنگ یا مزه اش بواسطه نجاست تغییر کرده نجس است . و طرفیکه متصل بجشمه است

اگرچه کمتر از کُر باشد پاک است . و آبهای دیگر نهر اگر باندازه کُر باشد یا بواسطه آبیکه تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد ، پاک و گرنه نجس است .

مسئله ۳۱- آب چشمه ایکه جاری نیست ولی طور بست که اگر از آن بردارند باز می جوشد ، حکم آب جاری دارد . یعنی اگر نجاست به آن برسد ، تا وقتی بو بارنگت یا مزه آن بواسطه نجاست تغییر نکرده ، پاکست .

مسئله ۳۲- آبیکه کنار نهر ، ایستاده و متصل به آب جاری است؛ حکم آب جاری دارد .

مسئله ۳۳- چشمه ایکه مثلا در زمستان می جوشد و در تابستان از جوشش می افتد ، فقط وقتیکه می جوشد حکم آب جاری دارد .

مسئله ۳۴- آب حوض حمام اگرچه کمتر از کُر باشد ، چنانچه بخزینه ایکه آب آن باندازه کُر است متصل باشد ، مثل آب جاریست .

مسئله ۳۵- آب لوله های حمام و عمارات که از شیرها و دوشها میریزد اگر متصل بکُر باشد مثل آب جاریست .

مسئله ۳۶- آبیکه روی زمین جریان دارد ولی از زمین نمی جوشد ، چنانچه کمتر از کُر باشد و نجاست به آن برسد نجس میشود اما اگر از بالای افشار پائین بریزد ، چنانچه نجاست پائین آن برسد بالای آن نجس نمیشود . و اگر فشار از پائین بیلاهم باشد مثل فواره اگر بالای آن چیز نجسی برسد پائین آن نجس نمی شود .

۴- آب باران

مسئله ۳۷- اگر بچیز نجسی که عین نجاست در آن نیست يك مرتبه باران بیارد ، جائیکه باران بآن برسد پاک میشود . و در فشرش و لباس و مساند اینها فشار لازم نیست . ولی باریدن دوسه قطره فائده ندارد ، بلکه باید طوری باشد که بگویند

باران میآید .

مسئله ۳۸- اگر باران بعین نجس بیارد و بجای دیگر ترشح کند ، چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد ، و بوی یارنگک یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است . پس اگر باران بر خون بیارد و ترشح کند ، چنانچه ذره های خون در آن باشد ، یا آنکه بویا رنگک یا مزه خون گرفته باشد نجس میباشد .

مسئله ۳۹- اگر بر سقف عمارت یا روی بام آن عین نجاست باشد ، تا وقتی باران بام میبارد ، آبیکه بچیز نجس رسیده و از سقف یا ناودان میریزد پاکست و بعد از قطع شدن باران اگر معلوم باشد آبیکه میریزد ، بچیز نجس رسیده است ، نجس میباشد .

مسئله ۴۰- زمین نجسی که باران بر آن بیارد پاک میشود . و اگر باران بر زمین جاری شود و در حال باریدن بجای نجسی که زیر سقف است برسد ، آنرا نیز پاک میکند .

مسئله ۴۱- خاک نجسی که بواسطه باران گل شود و علم بر رسیدن باران بوصف اطلاق تمام اجزاء آن حاصل شود پاک است ولی حصول علم بآن مشکل است .

مسئله ۴۲- هرگاه آب باران در جایی جمع شود ، اگر چه کمتر از کُر باشد چنانچه موفیکه باران میآید ، چیز نجسی را در آن بشویند و آب ، بویا رنگک یا مزه نجاست نگیرد ، آن چیز نجس پاک میشود .

مسئله ۴۳- اگر برف برش پاکی که روی زمین نجس است باران بیارد و در حال باریدن به زمین نجس برسد ، برفش نجس نمی شود و زمین هم پاک میگردد .

۵- آب چاه

مسئله ۴۴- آب چاهی که از زمین میجوشد ، اگر چه کمتر از کُر باشد چنانچه نجاست بآن برسد ، تا وقتی بویا رنگک یا مزه آن بواسطه نجاست تغییر نکرده

پاك است ولی مستحب است پس از رسیدن بعضی از نجاستها، مقداریکه در کتابهای مفصل گفته شده از آب آن بکشند .

مسئله ۴۵- اگر نجاستی در چاه بریزد و بویارنگگ یا مزه آب آنرا تغییر دهد، چنانچه تغییر آب چاه از بین برود، بنا بر احتیاط واجب موقعی پاك میشود که با آبی که از چاه میجوشد مخلوط گردد .

مسئله ۴۶- اگر آب باران یا آب دیگر، در گودالی جمع شود و کمتر از کُر باشد پس از قطع شدن باران بر رسیدن نجاست بآن نجس میشود .

احکام آبها

مسئله ۴۷- آب مضاف که معنی آن گفته شد ، چیز نجس را پاك نمیکند ، وضو و غسل هم با آن باطل است .

مسئله ۴۸- آب مضاف هر قدر زیاد باشد ، اگر ذره ای نجاست بآن برسد نجس میشود ، ولی چنانچه از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد ، مقداریکه به چیز نجس رسیده نجس و مقداریکه بالاتر از آنست پاك میباشد . مثلاً اگر گلابرا از گلابدان روی دست نجس بریزند ، آنچه بدست رسیده نجس ، و آنچه بدست نرسیده پاك است . و همچنین اگر مثل فواره از پائین بالا با فشار بیرون آید پائین بواسطه نجس شدن بالا نجس نمیشود .

مسئله ۴۹- اگر آب مضاف نجس طوری با آب کُر یا جاری مخلوط شود که دیگر آب مضاف بآن نگویند پاك میشود .

مسئله ۵۰- آبیکه مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یانه ، مثل آب مطلق است ، یعنی چیز نجس را پاك میکند ، وضو و غسل هم با آن صحیح است و آبیکه مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یانه مثل آب مضاف است ، یعنی چیز نجس را پاك نمیکند ، وضو و غسل هم با آن باطل است .

مسئله ۵۱ - آبیکه معلوم نیست مطلق است یا مضاف و معلوم نیست که قبلاً مطلق یا مضاف بوده نجاست را پاك نمیکند ؛ وضو و غسل هم با آن باطل است. ولی اگر باندازه کُر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد حکم به نجس بودن آن نمیشود.

مسئله ۵۲ - آبیکه عین نجاست مثل خون و بول بآن برسد و بوی یارنك یا مزه آنرا تغییر دهد ، اگر چه کُر یا جاری باشد نجس می شود. ولی اگر بوی یارنك یا مزه آب، بواسطه نجاستی که بیرون آست عوض شود، مثلاً مردار یکه پهلوی آست بوی آنرا تغییر دهد نجس نمیشود.

مسئله ۵۳ - آبیکه عین نجاست مثل خون و بول در آن ریخته و بوی یا رنگ یا مزه آنرا تغییر داده ، چنانچه بکُر یا جاری متصل شود ، یا باران بر آن بیارد ، یا باد بارانرا در آن بریزد ، یا آب باران از ناودان در حال باریدن در آن جاری شود و تغییر آن از بین برود پاك می شود . ولی بنابر احتیاط واجب باید آب کُر یا جاری یا باران در حال باریدن با آن مخلوط گردد .

مسئله ۵۴ - اگر چیز نجسی را در کُر یا جاری آب بکشند، آبیکه بعد از بیرون آوردن، از آن میریزد پاك است .

مسئله ۵۵ - آبیکه پاك بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه محکوم بطهارت است و آبیکه نجس بوده و معلوم نیست پاك شده یا نه محکوم بنجاست است .

مسئله ۵۶ - نیمخورده سگ و خوک و کافر ، نجس و خوردن آن حرام است و نیمخورده حیوانات حرام گوشت ، پاك و خوردن آن مکروه میباشد .

احکام تخلی

(بول و غائط کردن)

مسئله ۵۷ - واجب است انسان وقت تخلی و مواقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلفند ؛ اگر چه مثل خواهر و مادر با او محرم باشند ، و همچنین از

دیوانه و بچه‌های ممیز که خوب و بد را می‌فهمند بپوشاند . ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند .

مسئله ۵۸- لازم نیست با چیز مخصوصی عورت خود را بپوشاند و اگر مثلاً با دست هم آنرا بپوشاند کافیست .

مسئله ۵۹- موقع تخلی باید طرف جلوی بدن یعنی شکم و سینه و زانوها رو بقبله و پشت بقبله نباشد .

مسئله ۶۰- اگر موقع تخلی طرف جلوی بدن کسی رو بقبله یا پشت بقبله باشد و عورت را از قبله بگرداند کفایت نمی‌کند . و اگر جلوی بدن او رو بقبله یا پشت بقبله نباشد احتیاط واجب آنستکه عورت در او بقبله یا پشت بقبله ننماید .

مسئله ۶۱- احتیاط مستحب آنستکه طرف جلوی بدن در موقع استبراء که احکام آن بعداً گفته میشود ، و موقع تطهیر مخرج بول و غائط، رو بقبله و پشت بقبله نباشد .

مسئله ۶۲- اگر برای آنکه نامحرم او را نبیند ، مجبور شود ، رو بقبله یا پشت بقبله بنشیند اشکال ندارد و نیز اگر از راه دیگر ناچار باشد که رو بقبله یا پشت بقبله بنشیند مانعی ندارد .

مسئله ۶۳- احتیاط واجب آنستکه بچه را در وقت تخلی رو بقبله یا پشت بقبله نشانند ولی اگر خود بچه بنشیند، جلوگیری از او واجب نیست .

مسئله ۶۴- در چهار جا تخلی حرام است اول در کوچه‌های بن بست ، در صورتیکه صاحبانش اجازه نداده باشند ، دوم در ملک کسیکه اجازه تخلی نداده است سوم در جائیکه برای عده مخصوصی وقف شده است مثل بعضی از مدرسه‌ها . چهارم روی قبر مؤمنین در صورتیکه بی احترامی به آنان باشد .

مسئله ۶۵- در سه صورت مخرج غائط فقط با آب پاکه بشود . اول آنکه با غائط نجاست دیگری مثل خون بیرون آمده باشد . دوم آنکه نجاستی از خارج

بمخرج غائط رسیده باشد سوم آنکه اطراف مخرج بیشتر از مقدار معمول آلوده شده باشد و در غیر این سه صورت می شود مخرج را با آب شست و با بدستوریکه بعداً گفته میشود ، با پارچه و سنگ و مانند اینها پاک کرد ، اگر چه شستن با آب بهتر است .

مسئله ۶۶ - مخرج بول باغیر آب پاک نمی شود. و در کُر و جاری اگر بعد از برطرف شدن بول یکمرتبه بشویند کافیست ولی با آب قلیل بنا بر احتیاط باید دو مرتبه شست و بهتر است سه مرتبه شسته شود .

مسئله ۶۷ - اگر مخرج غایب را با آب بشویند، باید چیزی از غائط در آن نماند . ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد و اگر در دفعه اول طوری شسته شود که ذره ای از غائط در آن نماند دوباره شستن لازم نیست .

مسئله ۶۸ - باسنگ و کلوخ و مانند اینها اگر خشک و پاک باشند میشود مخرج غائط را تطهیر کرد ، و چنانچه رطوبت کمی داشته باشند که بمخرج نرسد اشکال ندارد ، ولی سزاوار است از سه دفعه کمتر نباشد اگر چه اقوی آنست که پاک میشود اگر بیک مرتبه یا دو مرتبه مخرج پاکیزه شود .

مسئله ۶۹ - احتیاط واجب آنستکه سنگ یا پارچه ای که غائط را با آن برطرف میکنند ، سه قطعه باشد و اگر با سه سنگ بر طرف نشود ، باید بقدری سنگها را اضافه نمایند تا مخرج کاملاً پاکیزه شود ، ولی باقیماندن ذره های کوچکی که دیده نمیشود اشکال ندارد .

مسئله ۷۰ - پاک کردن مخرج غائط با چیزهایی که احترام آنها لازم است مانند کاغذیکه اسم خدا و پیغمبران بر آن نوشته شده معصیت و حرام است و پاک شدن مخرج با استنجاء بسرگین و استخوان محل اشکال است .

مسئله ۷۱ - اگر شك کند که مخرج را تطهیر کرده یانه ، اگر چه همیشه بعد از بول یا غائط فوراً تطهیر میکرده ، احتیاط واجب آنستکه تطهیر نماید .

مسئله ۷۲ - اگر بعد از نماز شك کند که قبل از نماز ، مخرج را تطهیر کرده یانه ، نمازیکه خوانده صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید تطهیر کند .

استبراء

مسئله ۷۳ استبراء عمل مستحبی است که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام میدهند ، برای آنکه یقین کنند بول در مَجْرَى نمانده است . و آن دارای اقسامیست و بهترین آنها اینست که بعد از قطع شدن بول ، اگر مخرج غائط نجس شده ، اول آنرا تطهیر کنند، بعد سه دفعه با انگشت میانه دست چپ از مخرج غائط تا بیخ آلت بکشند و بعد ، شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تاخته گاه بکشند و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند .

مسئله ۷۴ - آبیکه گاهی بعد از ملاعبه و بازی کردن از انسان خارج میشود و بآن مذی میگویند پاك است . و نیز آبیکه گاهی بعد از منی بیرون میآید و بآن ودی گفته میشود، اگر ظاهر محل تطهیر شده باشد، پاك است و آبیکه گاهی بعد از بول بیرون میآید و به آن ودی میگویند، اگر بول به آن نرسیده باشد، پاك است . و چنانچه انسان بعد از بول استبراء کند و بعد آبی از او خارج شود، و شك کند که بول است یا یکی از اینها پاك میباشد .

مسئله ۷۵ - اگر انسان شك کند استبراء کرده یانه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاك است یانه ، نجس میباشد و چنانچه وضو گرفته باشد باطل میشود . ولی اگر شك کند استبرائی که کرده درست بوده یانه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاك است یانه، پاك میباشد ؛ و ضوراهم باطل نمیکند .

مسئله ۷۶ - کسیکه استبراء نکرده اگر بواسطه آنکه مدتی از بول کردن او گذشته ، یقین یا اطمینان حاصل کند که بول در مَجْرَى نمانده است و رطوبتی به بیند و شك

کند پاک است یانه ، آنرطوبت پاکمی باشد ، وضورا هم باطل نمیکند .
 مسئله ۷۷- اگر انسان بعد از بول استبراء کند و وضو بگیرد ، چنانچه بعد از وضو
 رطوبتی ببیند که بداند یا بول است یامنی ، واجب است احتیاطاً غسل کند ، وضو هم
 بگیرد . ولی اگر وضو نگرفته باشد فقط گرفتن وضو کافیست .
 مسئله ۷۸- برای زن استبراء از بول نیست و اگر رطوبتی ببیند و شك کند
 پاک است یانه پاک میباشد ، وضو و غسل او را هم باطل نمیکند .

مستحبات و مکروهات تخلی

مسئله ۷۹- مستحب است در موقع تخلی جایی بنشیند که کسی او را نبیند
 و موقع وارد شدن بمکان تخلی ، اول پای چپ و موقع بیرون آمدن ، اول پای راست
 را بگذارد . و همچنین مستحب است در حال تخلی سر را بپوشاند و سنگینی بدن را
 بر پای چپ بیندازد .

مسئله ۸۰- نشستن روی خورشید و ماه در موقع تخلی مکروه است ولی
 اگر عورت خود را بوسیله ای بپوشاند مکروه نیست . و نیز در موقع تخلی نشستن
 روی باد و درجاده و خیابان و کوچه و درب خانه وزیر درختیکه میوه میدهد
 و چیز خوردن و توقف زیاد و تطهیر کردن با دست راست مکروه میباشد و همچنین است
 حرف زدن در حال تخلی ، ولی اگر ناچار باشد یا ذکر خدا بگوید مکروه نیست .

مسئله ۸۱- ایستاده بول کردن و بول کردن در زمین سخت و سوراخ جانوران
 و در آب خصوصاً آب ایستاده مکروه است .

مسئله ۸۲- خودداری کردن از بول و غائط مکروه است . و اگر برای بدن
 ضرر داشته باشد حرام است .

مسئله ۸۳- مستحب است انسان پیش از نماز و پیش از خواب و پیش از جماع
 و بعد از بیرون آمدن منی ، بول کند .

نجاسات

مسئله ۸۴ - نجاسات دوازده چیز است : اول - بول . دوم - غائط . سوم منی . چهارم - مردار . پنجم - خون . ششم و هفتم - سگ و خوک . هشتم - کافر . نهم - شراب . دهم - قُفَّاع . یازدهم و دوازدهم - عرق جنب از حرام و عرق حیوان نجاست خوار که بنا بر احتیاط واجب باید از این دو اجتناب کرد .

۲۰۱ - بول و غائط

مسئله ۸۵ - بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد که اگر رگ آنرا ببرند ، خون از آن جستن میکند ، نجس است و بنا بر احتیاط واجب باید از بول و غائط حیوان حرام گوشتی که خون آن جستن نمیکند اجتناب کرد ، ولی فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است .

مسئله ۸۶ - فضله پرندگان حرام گوشت پاک است ولی خوب است احتیاطاً از آن اجتناب شود خصوصاً در خفّاش و مخصوصاً نسبت به بول آن .

مسئله ۸۷ - بول و غائط حیوان نجاست خوار نجس است و همچنین است بول و غائط حیوانی که انسان آنرا و طی کرده یعنی با آن نزدیکی نموده ، و گوسفند بلکه بنا بر احتیاط لارم هر حیوان حلال گوشتی که گوشت آن از خوردن شیر خوک محکم شده است .

۳ - منی

مسئله ۸۸ - منی حیوانی که خون جهنده دارد نجس است .

۴ - مردار

مسئله ۸۹ - مردار حیوانی که خون جهنده دارد نجس است ، چه خودش مرده باشد

یابغیر دستوریکه در شرع معین شده آنرا کشته باشند . وماهی چون خون جهنده ندارد ، اگر چه در آب بمیرد پاک است .

مسئله ۹۰ - چیزهایی از مردار - مثل پشم و مو و کرک و استخوان و دندان - که روح نداشته پاک است .

مسئله ۹۱ - اگر از بدن انسان یا حیوانیکه خون جهنده دارد در حالیکه زنده است گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند نجس است .

مسئله ۹۲ - پوستهای مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادنشان رسیده ، اگر چه آنها را بکنند پاک است . ولی بنا بر احتیاط واجب باید از پوستی که موقع افتادنش نرسیده و آنرا کنده اند اجتناب نمود .

مسئله ۹۳ - تخم مرغیکه از شکم مرغ مرده بیرون میآید ، اگر پوست روی آن باشد ، پاک است ولی ظاهر آنرا باید آب کشید .

مسئله ۹۴ - اگر بره و بزغاله پیش از آنکه علفخوار شوند بمیرند ؛ پنیرمایه - ایکه در شیردان آنها میباشد ، پاک است . ولی ظاهر آنرا باید آب کشید .

مسئله ۹۵ - دواهای روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از خارج میآورند ، اگر انسان یقین بنجاست آنها نداشته باشد ، پاک است .

مسئله ۹۶ - گوشت و پیه و چرمیکه در بازار اسلام از دست مسلمانان گرفته شود پاک است و اگر از دست کافر گرفته شود بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب شود مگر آنکه بدانیم از دست مسلمان گرفته و اگر در بازار کفار از دست کفار بگهرد نجس است مگر آنکه بداند از بلاد اسلام بوده و اگر یکی از اینها در بازار کفار در دست مسلمان باشد احتیاط واجب اجتناب از آن است مگر آنکه مسلمان با آن معامله طهارت کند و احتمال داده شود که طهارت آنرا بدست آورده که در اینصورت پاک است .

۵- خون

مسئله ۹۷ - خون انسان و هر حیوانیکه خون جهنده دارد - یعنی: حیوانیکه اگر رگ آنرا ببرند خون از آن جستن میکند - نجس است ، پس خون حیوانیکه مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارد پاک میباشد .

مسئله ۹۸ - اگر حیوان حلال گوشت را بدستوریکه در شرع معین شده؛ بکشند و خون آن بمقدار معمول بیرون آید خونیکه در بدنش میماند پاک است ، ولی اگر بعلت نفس کشیدن یا بواسطه اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده ، خون بدن حیوان بر گردد ، آن خون نجس است و احتیاط لازم اجتناب از خون باقیمانده در اجزاء حرام حلال گوشت است .

مسئله ۹۹ - بنا بر احتیاط واجب از تخم مرغیکه ذره ای خون در آنست باید اجتناب کرد . ولی اگر خون در زرده باشد تا پوست نازک روی آن پاره نشده سفیده پاک میباشد .

مسئله ۱۰۰ - خونیکه گاهی موقع دوشیدن شیر دیده میشود ، نجس است و شیر را نجس میکند

مسئله ۱۰۱ - خونیکه از لای دندانها میآید ، اگر بواسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود ، پاک است ، ولی بهتر آنستکه آنرا فرو نبرند .

مسئله ۱۰۲ - خونیکه بواسطه کوبیده شدن ، زیر ناخن یا زیر پوست میمیرد ، اگر طوری شود که دیگر بآن خون نگویند پاک است ، و اگر بآن خون بگویند نجس است و در این صورت اگر مشقت ندارد باید برای وضو و غسل آنرا بر طرف سازند و اگر مشقت دارد باید اطراف آنرا بطوریکه نجاست زیاد نشود بشویند و پارچه یا چیزی مثل پارچه بر آن بگذارند و روی پارچه دست تری بکشند و تیمم هم بکنند احتیاطاً .

مسئله ۱۰۳ - اگر انسان نداند که خون ، زیر پوست مرده یا گوشت بواسطه کوبیده شدن بآن حالت در آمده ، پاکست .

مسئله ۱۰۴ - اگر موقع جوشیدن غذا ذره‌ای خون در آن بیفتد ، تمام غذا و ظرف آن نجس میشود . و جوشیدن و حرارت و آتش پاك کننده نیست.

مسئله ۱۰۵ - زردابه‌ایکه در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا میشود، اگر معلوم نباشد که باخون مخلوط است، پاك می‌باشد .

۷۰۶ - سگ و خوک

مسئله ۱۰۶ - سگ و خوک کی که در خشکی زندگی میکنند حتی مو استخوان و پنجه و ناخن و رطوبتهای آنها نجس است ولی سگ و خوک دریائی پاك است.

۸ - کافر

مسئله ۱۰۷ - کافر - یعنی: کسیکه منکر خدا است ، یا برای خدا شریک قرار میدهد ؛ یا رسالت حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله ﷺ را قبول ندارد. نجس است . و نیز کسیکه یکی از ضروریات دین مبین اسلام را منکر شود، چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است، نجس میباشد ، و اگر نداند احتیاطاً باید از او اجتناب کرد .

مسئله ۱۰۸ - تمام بدن کافر حتی مو و ناخن و رطوبتهای او نجس است .

مسئله ۱۰۹ - اگر پدر و مادر و جد و جدّه بچه نابالغ کافر باشند آن بچه هم نجس است ، و اگر یکی از اینها مسلمان باشد بچه پاك است .

مسئله ۱۱۰ - کسیکه معلوم نیست مسلمان است یا نه پاك میباشد. ولی اگر اماره‌ای بر اسلام او نباشد و در بلاد اسلام نباشد، احکام دیگر مسلمانان را ندارد ، مثلاً زن مسلمان نمیتواند با او ازدواج کند و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود .

مسئله ۱۱۱ - اگر مسلمانی یکی از ذرّه‌های امام علیهم السلام دشنام دهد، یا با آنان دشمنی داشته باشد، نجس است .

۹- شراب

مسئله ۱۱۲ - شراب و هر چیزیکه انسانرا مست میکند ، چنانچه بخودی خود روانه‌اشد نجس است ، و اگر مثل بنگ و حشیش روان نباشد اگر چه چیزی در آن بریزند که روان شود، پاك است.

مسئله ۱۱۳ - الكل صنعتی که برای رنگ کردن درب و میز و صندلی و مانند اینها بکار میبرند ، اگر انسان نداند که مست کننده است و یانداند که آنرا ابتدا از چیز مست کننده روان درست کرده‌اند ، پاك است.

مسئله ۱۱۴ - اگر انگور و آب انگور بخودی خود ، یا بواسطه پختن جوش بیاید پاك است ولی خوردن آن حرام است و آنچه به آتش جوش آمده اگر به آتش دو ثلث آن کم شود حلال میشود و آنچه بغیر آتش جوش آمده بسر که شدن حلال میشود .

مسئله ۱۱۵ - خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر جوش بیایند پاك و خوردن آنها حلال است ، اگر چه احتیاط غیر لازم آنستکه از آنها اجتناب کنند.

۱۰- فُقَاع

مسئله ۱۱۶ - فُقَاع که از جو گرفته میشود و به آن آب جو می گویند نجس است ، ولی آبیکه بدستور طبیب از جو میگیرند و به آن ماء الشعیر میگویند، پاك میباشد .

۱۱ و ۱۲- عرق جنب از حرام و عرق حیوان نجاسته‌خوار

مسئله ۱۱۷ - عرق جنب از حرام بنا بر احتیاط واجب نجس است: چه در حال جماع بیرون آید یا بعد از آن ، از مرد باشد یا از زن از زنا باشد یا از لواط یا از وطی

و نزدیکی کردن با حیوانات یا استمناء (واستمناء آنستکه انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید).

مسئله ۱۱۸ - اگر انسان در موقعیکه نزدیکی با زن حرام است مثلاً در روره ماه رمضان ، با زن خود نزدیکی کند ، بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود اجتناب نماید .

مسئله ۱۱۹ - اگر جنب از حرام عوض غسل تیمم نماید و بعد از تیمم عرق کند ، تا عذراو باقی است عرق او پاک است .

مسئله ۱۲۰ - اگر کسی از حرام جنب شود و بعد با حلال خود نزدیکی کند احتیاط واجب آنستکه از عرق خود اجتناب نماید ولی اگر اول از حلال جنب شده و بعد از حرام عرق او پاک است .

مسئله ۱۲۱ - بنا بر احتیاط واجب باید از عرق شتر نجاستخوار و هر حیوانیکه بخوردن نجاست انسان عادت کرده ، اجتناب کرد .

راه ثابت شدن نجاست

مسئله ۱۲۲ - نجاست هر چیز از سه راه ثابت میشود : اول - آنکه خود انسان یقین یا اطمینان کند چیزی نجس است ، و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است ، لازم نیست از آن اجتناب نماید . بنا بر این غذا خوردن در قهوه خانه ها و مهمانخانه ها ، هائیکه مردمان لاابالی و کسانیکه پاکی و نجسی را مراعات نمیکنند در آنها غذا میخورند ، اگر انسان یقین یا اطمینان نداشته باشد ، غذائیرا که برای او آورده اند نجس است اشکال ندارد دوم - آنکه کسیکه چیزی در اختیار او است بگوید آنچه نجس است ، مثلاً همسر انسان یا نوکر یا کلفت بگوید : ظرف یا چیز دیگر یکبار در اختیار او است ، نجس میباشد . سوم - آنکه دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است . و نیز اگر يك نفر عادل هم بگوید چیزی نجس است بنا بر احتیاط لازم

باید از آنچیز اجتناب کرد .

مسئله ۱۲۳ - اگر بواسطه ندانستن مسئله، نجس بودن و پاك بودن چیزی را نداند مثلاً نداند عرق جنب از حرام پاك است یا نه ، باید مسئله را بپرسد، ولی اگر با اینکه مسئله را میداند ، چیز پاك کند یا پاك است یا نه. مثلاً شك کند آنچیز خون است یا نه، یا نداند که خون پشه است یا خون انسان، پاك میباشد .

مسئله ۱۲۴ - چیز نجسی که انسان شك دارد پاك شده یا نه. نجس است و چیز پاك را اگر شك کند نجس شده یا نه؛ پاك است و اگر هم بتواند نجس بودن یا پاك بودن آنرا بفهمد لازم نیست تفحص و تحقیق کند .

مسئله ۱۲۵ - اگر بداند یکی از دو ظرف باد و لباسیکه از هر دوی آنها استفاده میکند نجس شده و نداند کدام است باید از هر دو اجتناب کند ، ولی اگر مثلاً نداند لباس خودش نجس شده یا لباسیکه هیچ از آن استفاده نمیکند و مال دیگری است، از لباس خودش هم لازم نیست اجتناب نماید .

راه نجس شدن چیز پاك

مسئله ۱۲۶ - اگر چیز پاك بچیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها بطوری تر باشد که تری یکی بدیگری برسد چیز پاك نجس میشود و اگر تری بقدری کم باشد که بدیگری نرسد، چیزیکه پاك بوده نجس نمیشود .

مسئله ۱۲۷ - اگر چیز پاکی بچیز نجس برسد و انسان شك کند که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه، آن چیز پاك نجس نمیشود .

مسئله ۱۲۸ - دو چیزیکه انسان نمیداند کدام پاك و کدام نجس است ، اگر چیز پاکی با رطوبت بیکی از آنها برسد نجس نمیشود .

مسئله ۱۲۹ - زمین و پارچه و مانند اینها اگر رطوبت داشته باشد هر قسمتی که نجاست به آن برسد نجس میشود و جاهای دیگر آن پاك است و همچنین است خیار و

خبریزه و مانند اینها .

مسئله ۱۳۰ - هرگاه سیر و روغن و مانند اینها طوری باشد که اگر مقداری از آنرا بردارند جای آن خالی نماند همینکه یکنقطه از آن نجس شد ، تمام آن نجس میشود . ولی اگر طوری باشد که جای آن در موقع برداشتن خالی بماند ، اگر چه بعد پر شود ، فقط جائیکه نجاست به آن رسیده نجس میباشد . پس اگر فضلهٔ موش در آن بیفتد جائیکه فضله افتاده نجس و بقیه پاك است .

مسئله ۱۳۱ - اگر مگس یا حیوانی مانند آن روی چیز نجسی که تر است بنشیند و بعد روی چیز پاک که آن هم تر است بنشیند چنانچه انسان بداند نجاست همراه آن حیوان بوده ، چیز پاك نجس می شود و اگر نداند پاك است .

مسئله ۱۳۲ - اگر حائی از بدن که عرق دارد نجس شود و عرق از آنجا بجای دیگر برود ، هر جا که عرق به آن برسد نجس میشود .

مسئله ۱۳۳ - اخلاطیکه از بیتی یا گلو می آید ، اگر خون داشته باشد ، جائی که خون دارد نجس و بقیه آن پاکست . پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد ، مقداریرا که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده ، نجس است و محلی را که شك دارد جای نجس به آن رسیده یا نه ، پاك میباشد .

مسئله ۱۳۴ - اگر آفتابه ای را که نه آن سوراخ است روی زمین نجس بگذارند در حالیکه آب از آن بیرون می آید آب داخل آفتابه نجس نمیشود ولی در حالیکه آب از آن بیرون نمی آید و آب نجس که در زیر آن جمع شده بواسطهٔ سوراخ متصل به آب داخل آفتابه باشد آب داخل آنهم نجس میشود .

مسئله ۱۳۵ - اگر چیزی داخل بدن شود و بنجاست برسد ، در صورتیکه بعد از بیرون آمدن ، آلوده بنجاست نباشد ، پاك است . پس اگر سوزن و چاقو و مانند اینها در بدن فرورود و بعد از بیرون آمدن ، بنجاست آلوده نباشد نجس نیست . و همچنین است آب دهان و بینی اگر در داخل بخون برسد و بعد از بیرون آمدن

بخون آلوده نباشد .

احکام نجاسات

مسئله ۱۳۶ - نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آنرا آب بکشند .

مسئله ۱۳۷ - اگر جلد قرآن نجس شود در صورتیکه بی احترامی بقرآن باشد باید آنرا آب بکشند .

مسئله ۱۳۸ - گذاشتن قرآن روی عین نجس مانند خون و مردار ، اگرچه آن عین نجس خشک باشد؛ حرام است و برداشتن قرآن از روی آن، واجب میباشد .

مسئله ۱۳۹ - نوشتن قرآن با مرکب نجس اگر چه بکحرف آن باشد حرام است . و اگر نوشته شود باید آن را آب بکشند ، یا بواسطه تراشیدن و مانند آن کاری کنند که از بین برود .

مسئله ۱۴۰ - دادن قرآن به کافر حرام ، و گرفتن قرآن از او واجب است .

مسئله ۱۴۱ - اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است، مثل کاغذی که اسم خدا یا پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا امام عَلَيْهِ السَّلَام بر آن نوشته شده؛ در مستراح بیفتد بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگر چه خرج داشته باشد؛ واجب است . و اگر بیرون آوردن آن ممکن باشد ، باید بآن مستراح نروند تا یقین کنند آن ورق پوسیده است . و نیز اگر تربت در مستراح بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد ، باید تا وقتی که یقین نکرده اند بکلی از بین رفته به آن مستراح نروند .

مسئله ۱۴۲ - خوردن و آشامیدن عین نجس مثل مردار و شراب و خوراندن آن حتی باطفال؛ حرام است بلکه باید طفل را از خوردن آن منع نمایند ، و خوردن و آشامیدن چیزی که نجس شده و خوراندن آن باشخاص بالغ و هم چنین خوراندن متنجسی که ضرر دارد باطفال، حرام است و با عدم ضرر هم احتیاط مستحب ترک خوراندن

باطفال است .

مسئله ۱۴۳ - فروختن و عاریه دادن چیز نجسی که میشود آنرا آب کشید اگر نجس بودن آنرا بطرف بگویند اشکال ندارد .

مسئله ۱۴۴ - اگر انسان به بیند کسی چیز نجسی را می خورد یا بالباس نجس نماز میخواند ، لازم نیست باو بگوید .

مسئله ۱۴۵ - اگر جائی از خانه یا فرش کسی نجس باشد و به بیند بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانیکه وارد خانه او میشوند بارطوبت بجای نجس رسیده است بنا بر احتیاط لازم باید به آنان بگوید .

مسئله ۱۴۶ - اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است ، باید به مهمانان بگوید . اما اگر یکی از مهمانان بفهمد ، لازم نیست بدیگران خبر دهد . ولی چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که ممکن است بواسطه نجس بودن آنان خود او هم نجس شود ، باید بعد از غذا با آنان بگوید .

مسئله ۱۴۷ - اگر چیزی را که عاریه کرده نجس شود ، چنانچه صاحبش آن چیز را در کاریکه شرط آن پاکی و طهارت واقعی است استعمال میکند مثل وضو و غسل احتیاط واجب آنستکه نجس شدن آن را باو بگوید و اگر در کاریکه شرط آن طهارت ظاهری است استعمال میکند مثل لباس نماز گزار ، گفتن باو واجب نیست اگر چه احتیاط خوب است .

مسئله ۱۴۸ - اگر بچه ای که تکلیفش نزدیک است ، پاك بودن یا نجس بودن چیزی که در دست خودش میباشد خبر دهد ، پذیرفته است و اگر پاکی یا نجس بودن چیز یکه در دست او نیست خبر دهد ، گفته اش پذیرفته نیست .

مطهرات

مسئله ۱۴۹ - مطهرات (پاك کننده ها) یازده چیز است :

اول آب. دوم زمین. سوم آفتاب. چهارم استحاله. پنجم کم شدن دو سوم آب انگور بنا بر قول نجاست آن و گذشت که بجوش آمدن نجس نمیشود ششم انتقال. هفتم اسلام هشتم تبعیت نهم بر طرف شدن عین نجاست. دهم استبراء حیوان نجاست. خوار یازدهم غائب شدن مسلمان. و احکام اینها بطور تفصیل در مسائل آینده گفته می شود.

۱- آب

مسئله ۱۵۰ - آب با چهار شرط چیز نجس را پاك میکند: اول آنکه مطلق باشد، پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید چیز نجس را پاك نمیکند. دوم آنکه پاك باشد. سوم آنکه وقتی چیز نجس را می شویند، آب مضاف نشود و بوی بارنگ یا مزه نجاست هم نگیرد، چهارم آنکه بعد از آب کشیدن چیز نجس عین نجاست در آن نباشد و پاک شدن چیز نجس با آب قلیل یعنی آب کمتر از کُر شرطهای دیگری هم دارد که بعداً گفته میشود.

مسئله ۱۵۱ - ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست و در کُر و جاری یک مرتبه کافیست، ولی ظرفی را که سنگ لیسیده یا از آن ظرف، آب یا چیز روان دیگری خورده، باید اول با خاک پاك، خاک کمال کرد و بعد یک مرتبه در کُر یا جاری با دو مرتبه با آب قلیل شست. و همچنین ظرفی را که آب دهان سنگ در آن ریخته بنا بر احتیاط واجب باید پیش از شستن، خاک کمال کرد.

مسئله ۱۵۲ - اگر دهانه ظرفی که سنگ دهن زده، تنگ باشد و نشود آن را خاک مال کرد، چنانچه ممکن است باید پارچه به چوبی به پیچند و بتوسط آن، خاک را بان ظرف بمالند، و اگر ممکن نیست باید خاک را در آن بریزند و بشدت حرکت دهند تا همه آن ظرف برسد.

مسئله ۱۵۳ - ظرفی را که خوک بلیسد یا از آن چیز روانی بخورد، با آب قلیل

باید هفت مرتبه شست و در کُر و جاری یکمرتبه کافیت، و لازم نیست آنرا خاکمال کنند، اگر چه احتیاط مستحب آنستکه خاکمال شود .

مسئله ۱۵۴ - اگر ظرفی را که بشراب نجس شده، با آب قلیل مثل سایر ظرفها آب بکشند ، پاک میشود ولی مستحب است که آنرا هفت مرتبه بشویند.

مسئله ۱۵۵ - کوزه ای که از گل نجس ساخته شده و یا آب نجس در آن فرو رفته اگر در آب کُر یا جاری بگذارند ؛ بهر جای آن که آب برسد پاک میشود . و اگر بخواهند باطن آنهم پاک شود باید بقدری در آب کُر یا جاری بماند که آب بنام آن فرورود .

مسئله ۱۶۵ - ظرف نجس را با آب قلیل دو جور میشود آب کشید . یکی آنکه سه مرتبه پر کنند و خالی کنند ، دیگر آنکه سه دفعه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آبرای طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند .

مسئله ۱۵۷ - اگر ظرف بزرگی مثل پاتیل و خمره نجس شود ، چنانچه سه مرتبه آنرا از آب پر کنند و خالی کنند پاک میشود . و همچنین است اگر سه مرتبه از بالا آب در آن بریزند ، بطوریکه تمام اطراف آنرا بگیرد و در هر دفعه آبی که ته آن جمع میشود بیرون آورند . و احتیاط واجب آنستکه در هر دفعه ظرفی را که با آن آبها را بیرون میآورند آب بکشند .

مسئله ۱۵۸ - اگر مس نجس و مانند آنرا آب کنند و آب بکشند ، ظاهرش پاک میشود .

مسئله ۱۵۹ - تنوریکه بیول نجس شده است ؛ اگر دو مرتبه از بالا آب در آن بریزند ، بطوریکه تمام اطراف آنرا بگیرد پاک میشود . و در غیر بول اگر بعد از برطرف شدن نجاست یکمرتبه بدستوریکه گفته شد آب در آن بریزند کافیت . و بهتر است که گودالی ته آن بکنند تا آبها در آن جمع شود و بیرون بیاورند ، بعد آن گودال را

باخاك پاك پر کنند .

مسئله ۱۶۰- اگر چیزی نجس را بعد از برطرف کردن عین نجاست یکمرتبه در آب کُریا جاری فروربند که آب بتمام جاهای نجس آن برسد، پاك میشود. و در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست .

مسئله ۱۶۱- اگر بخواهند چیزی را که ببول نجس شده با آب قلیل آب بکشند چنانچه یکمرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود، در صورتیکه بول در آنچیز نمانده باشد، یکمرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاك می شود، ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه فشار دهند تا غساله آن بیرون آید. (و غساله آبیست که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن از چیزیکه شسته میشود، خود بخود یا بوسیله فشار می ریزد) .

مسئله ۱۶۲- اگر چیزی ببول پسر شیرخواری که غذا خور نشده و شیر خوک وزن کافره نخورده، نجس شود، چنانچه یکمرتبه آب روی آن بریزند که بتمام جاهای نجس آن برسد پاك می شود، ولی احتیاجاً مستحب آنستکه یکمرتبه دیگر هم آب روی آن بریزند . و در لباس و فرش و مانند اینها فشار لازم نیست .

مسئله ۱۶۳- اگر چیزی بغیر بول نجس شود چنانچه بعد از برطرف کردن نجاست یکمرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود پاك می گردد . و نیز اگر در دفعه اولی که آب روی آن می ریزند نجاست آن برطرف شود و بعد از برطرف شدن نجاست هم آب روی آن بیاید پاك می شود . ولی در هر صورت لباس و مانند آنرا باید فشار دهند تا غساله آن بیرون آید .

مسئله ۱۶۴- اگر حصیر نجس را که با نخ بافته شده در آب کُریا جاری فرو برند، بعد از برطرف شدن عین نجاست پاك میشود. و اگر بخواهند آنرا با آب قلیل آب بکشند، فشار دادن آن لازم نیست و رسیدن آب مطلق بیاطن نخهای آن کافی است .

مسئله ۱۶۵- اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند اینها نجس شود؛ بفرو بردن در کُر و جاری پاک می گردد. و اگر باطن آنها نجس شود پاک شدن باطن آنها محل اشکال است. مگر آنکه علم برسیدن آب بوصف اطلاق بیاطن آن حاصل شود ولی رسیدن نم و رطوبت کافی نیست.

مسئله ۱۶۶- اگر انسان شك کند که آب نجس بیاطن صابون رسیده یا نه باطن آن پاک است.

مسئله ۱۶۷- اگر ظاهر برنج و گوشت یا چیزی مانند اینها بغیر بول نجس شده باشد چنانچه آنرا در ظرف پاکی بگذارند و بعد از زوال عین نجس، يك مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک میشود و اگر ببول نجس شده بعد از زوال عین، دو مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند، پاک میشود و ظرف آنهام پاک می گردد. ولی اگر بخواهند لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد در ظرفی بگذارند و آب بکشند؛ باید در هر مرتبه که آب روی آن می ریزند، آنرا فشار دهند و ظرف را کج کنند، تا غساله ای که در آن جمع شده بیرون بریزد.

مسئله ۱۶۸- لباس نجسی را که بنیل و مانند آن رنگ شده اگر در آب کُر یا جاری فرو برند و آب پیش از آنکه بواسطه رنگ پارچه مضاف شود بنام آن برسد، آن لباس پاک میشود، اگر چه موقع فشار دادن، آب مضاف یا رنگین از آن بیرون آید.

مسئله ۱۶۹- اگر لباسی را در کُر یا جاری آب بکشند، و بعد مثلاً لجن آب در آن به بینند، چنانچه احتمال ندهند که جلوگیری از رسیدن آب کرده، آن لباس پاک است.

مسئله ۱۷۰- اگر بعد از آب کشیدن لباس و مانند آن خورده گل یا اشنان در آن دیده شود و بداند که آب مطلق زیر آن گل یا اشنان رسیده، پاک است ولی اگر آب نجس بیاطن گل یا اشنان رسیده باشد، ظاهر گل یا اشنان پاک و باطن آنها نجس است.

مسئله ۱۷۱ - هر چیز نجس ، تا عین نجاسترا از آن بر طرف نکنند پاک نمی شود . ولی اگر بویارنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد . پس اگر خون را از لباس بر طرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند پاک میباشد ، اما چنانچه بواسطه بویارنگ یقین کنند یا احتمال دهند که ذره ای نجاست در آن چیز مانده نجس است .

مسئله ۱۷۲ - اگر نجاست بدن را در آب کُر یا جاری بر طرف کنند ، بدن پاک میشود . و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن لازم نیست .

مسئله ۱۷۳ - غذای نجسیکه لای دندانها مانده ؛ اگر آب در دهان بگرداند و تمام غذای نجس برسد ، پاک میشود .

مسئله ۱۷۴ - اگر موی سرو صورت را با آب قلیل آب بکشند بنا بر احتیاط واجب ، باید فشار دهند که غساله آن جدا شود .

مسئله ۱۷۵ - اگر جائی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند ، اطراف آنجا که متصل بآنست و معمولا موقع آب کشیدن آنجا نجس میشود ، با پاک شدن جای نجس پاک میشود . و همچنین است اگر چیز پاک را بهلوی چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند . پس اگر برای آب کشیدن یک انگشت نجس ، روی همه انگشتها آب بریزند و آب نجس بهمه آنها برسد ، بعد از پاک شدن انگشت نجس تمام انگشتها پاک میشود .

مسئله ۱۷۶ - گوشت و دنبه ایکه نجس شده ، مثل چیزهای دیگر آب کشیده میشود . و همچنین است اگر بدن یا لباس ، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند .

مسئله ۱۷۷ - اگر ظرف یا بدن نجس باشد ، و بعد بطوری چرب شود که جلوگیری از رسیدن آب به آنها کند ، چنانچه بخواهند ظرف و بدن را آب بکشند ، باید چربی را بر طرف کنند تا آب به آنها برسد .

مسئله ۱۷۸ - چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست؛ اگر زیر شیر یکه متصل بگراست یکدفعه بشویند ، پاک میشود و نیز اگر عین نجاست در آن باشد چنانچه عین نجاست آن ، زیر شیر یا بوسیله دیگر بر طرف شود و آبی که از آن چیز میریزد بویارنگک یا مزه نجاست نگرفته باشد ، با آب شیر پاک میگردد . اما اگر آبی که از آن میریزد ، بویا رنگک یا مزه نجاست گرفته باشد ، باید بقدری آب شیر روی آن بریزند تا در آبی که از آن جدا میشود بویارنگک یا مزه نجاست نباشد .

مسئله ۱۷۹ - اگر چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و بعد شك کند که عین نجاست را از آن بر طرف کرده یا نه ، چنانچه موقع آب کشیدن ، متوجه بر طرف کردن عین نجاست بوده ؛ آن چیز پاک است و اگر متوجه بر طرف کردن عین نجاست نبوده ، باید دوباره آن را آب بکشد .

مسئله ۱۸۰ - زمینی که آب در آن فرو نمیرود و از محل نجس هم بمحل دیگر جاری نمیشود ، اگر نجس شود با آب قلیل پاک نمیگردد مگر آنکه غسل آن را با پارچه یا ظرف بگیرند ولی زمینی که روی آن شن یا ریگ باشد - چون آبی که روی آن میریزند از آن جدا شده و در شن و ریگ فرو میرود - با آب قلیل پاک میشود .

مسئله ۱۸۱ - زمین سنگ فرش و آجر فرش و زمین سختی که آب در آن فرو نمیرود ، اگر نجس شود با آب قلیل پاک میگردد ، ولی باید بقدری آب روی آن بریزند که جاری شود . و چنانچه آبی که روی آن ریخته اند از سوراخی بیرون رود همه زمین پاک میشود و اگر بیرون نرود جایی هم که آنها جمع میشود پاک است مگر آنکه غسل بول بسا شد که نجس میشود . و برای پاک شدن محل غسله کافی است که غسل آن را در هر مرتبه بوسیله ظرف یا پارچه بگیرند .

مسئله ۱۸۲ - اگر ظاهر نمک سنگ و مانند آن نجس شود ، با آب کمتر از کُر هم پاک میشود .

مسئله ۱۸۳ - اگر شکر آب شده نجس را قند کنند و در آب کُر با جاری

بگذارند پاك نمیشود.

۲- زمین

مسئله ۱۸۴- زمین با سه شرط کف پاوته کفش نجس را، از نجاستی که بواسطه راه رفتن روی زمین نجس حاصل شده، پاك میکند و در نجاستی که از خارج پیاپاته کفش رسیده، احتیاط لازم آنستکه در تطهیر آن براه رفتن روی زمین اکتفا نکند: اول آنکه زمین پاك باشد. دوم آنکه خشک باشد. سوم آنکه اگر عین نجس مثل خون و بول، یا متنجس - مثل گلی که نجس شده - در کف پاوته کفش باشد، بواسطه راه رفتن یا مالیدن پا بزمین بر طرف شود. و نیز زمین باید خاک یا سنگ یا آجر فرش و یا موزائیک و مانند اینها باشد و براه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه و اسفالت، کف پاوته کفش نجس پاك نمیشود.

مسئله ۱۸۵- پاک شدن کف پاوته کفش نجس، بواسطه راه رفتن روی اسفالت و روی زمینیکه با چوب فرش شده، محل اشکال است.

مسئله ۱۸۶- برای پاك شدن کف پاوته کفش بهتر است پانزده قدم یا بیشتر راه بروند، اگرچه به کمتر از پانزده قدم یا مالیدن پا بزمین، نجاست بر طرف شود.

مسئله ۱۸۷- لازم نیست کف پاوته کفش نجس، تر باشد بلکه اگر خشک هم باشد براه رفتن پاك میشود.

مسئله ۱۸۸- بعد از آنکه کف پایاته کفش نجس براه رفتن پاك شد، مقداری از اطراف آنهم که معمولاً بگل آلوده میشود پاك میگردد.

مسئله ۱۸۹- کسیکه بادست و زانو راه میرود اگر کف دست یا زانوی او نجس شود، براه رفتن پاك میگردد. و همچنین است ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهارپایان.

مسئله ۱۹۰ - اگر بعد از راه رفتن ، بویارنگک یا ذره های کوچکی از نجاست که دیده نمیشود ، در کف پایا ته کفش بماند اشکال ندارد . اگر چه احتیاط مستحب آنست بقدری راهروند که آنها هم بر طرف شوند .

مسئله ۱۹۱ - نوبی کفش و مقداری از کف پا که بزمین نمیرسد ، بواسطه راه رفتن پاک نمیشود . و پاک شدن کف جوراب بواسطه راه رفتن محل اشکال است .

۳- آفتاب

مسئله ۱۹۲ - آفتاب ، زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند درب و پنجره در ساختمان بکار برده شده ؛ و همچنین میخیرا که بدیوار کوبیده اند ؛ با پنج شرط پاک میکند : اول آنکه چیز نجس بطوری تر باشد ، که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود ، پس اگر خشک باشد باید بوسیله ای آنرا تر کنند تا آفتاب خشک کند . دوم آنکه اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از تابیدن آفتاب ؛ آنرا بر طرف کنند . سوم آنکه چیزی از تابیدن آفتاب جلو گیری نکند ، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابرو مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کند ، آنچیز پاک نمی شود ولی اگر ابر بقدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلو گیری نکند ، اشکال ندارد . چهارم آنکه آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند ، پس اگر مثلاً چیز نجس بواسطه باد و آفتاب خشک شود ، پاک نمی گردد ، ولی اگر باد بقدری کم باشد که نگویند بخشک شدن چیز نجس کمک کرده ؛ اشکال ندارد . پنجم آنکه آفتاب مقداری از بنا یا ساختمان را که نجاست به آن فرورفته ، یکمرتبه خشک کند پس اگر یکمرتبه بر زمین یا ساختمان نجس بتابد و روی آنرا خشک کند و دفعه دیگر زیر آنرا خشک نماید ، فقط روی آن پاک میشود و زیر آن نجس میماند .

مسئله ۱۹۳ - پاک شدن حصیر نجس بواسطه آفتاب محل اشکال است ولی درخت و شاخه و برگ و میوه آن و گیاهها در حال اتصال بزمین بواسطه آفتاب

پاك ميشود .

مسئله ۱۹۴- اگر آفتاب بزمين نجس بتابد ، بعد انسان شك كند كه زمين موقع تايدن آفتاب تر بوده يانه؛ يا تری آن بواسطه آفتاب خشك شده يانه ، آن زمين نجس است و همچنين است اگر شك كند كه پيش از تابش آفتاب عين نجاست از آن بر طرف شده يانه ، يا شك كند كه چیزی مانع تابش آفتاب بوده يانه.

مسئله ۱۹۵- اگر آفتاب بيك طرف ديوار نجس بتابد، طرفيکه آفتاب بآن نتايد يانه پاك نميشود .

۴- استحاله

مسئله ۱۹۶- اگر جنس چیز نجس بطوری عوض شود كه بصورت چیز پاکی در آيد پاك ميشود ؛ و ميگویند استحاله شده است . مثل آنكه چوب نجس بسوزد و خاکستر گردد ؛ يا سنگ در نمكزار فرو رود و نمك شود ، ولي اگر جنس آن عوض نشود- مثل آنكه گندم نجس را آرد كنند يا نان پزند - پاك نميشود.

مسئله ۱۹۷- كوزه گلي و مانند آن كه از گل نجس ساخته شده و هم چنين ذغال چوب نجس ، نجس است .

مسئله ۱۹۸- چیز نجسی كه معلوم نيست استحاله شده يانه، نجس است .

مسئله ۱۹۹- اگر شراب بخودی خود يا بواسطه آنكه چیزی - مثل سر كه و نمك- در آن ريخته اند سر كه شود؛ پاك ميگردد .

مسئله ۲۰۰- شرابيکه از انگور نجس و مانند آن درست كنند ، يا نجاست ديگری بآن برسد ، بسر كه شدن پاك نميشود.

مسئله ۲۰۱- سر كه ايکه از انگور و کشمش و خرماي نجس درست كنند نجس است .

مسئله ۲۰۲- اگر پوشال ریز انگور یا خرما داخل آنها باشد و سرکه بریزند ضرر ندارد و این بنا بر قول بنجاست آنست بجوش آمدن و گذشت که اقوی طهارت است .

۵- کم شدن دوسوم آب انگور

مسئله ۲۰۳- آب انگوریکه با آتش جوش آمده اگر آنقدر بجوشد که ثلثان شود - یعنی: دو قسمت آن کم شود و يك قسمت آن بماند - پاك میشود . ولی اگر بخودی خود جوش بیاید فقط به سر که شدن پاك میشود و این حکم بنا بر قول بنجاست عصیر است بجوش آمدن و گذشت که اقوی طهارت است .

مسئله ۲۰۴- اگر دو قسمت آب انگور بدون جوش آمدن کم شود ، چنانچه باقیمانده آن جوش بیاید نجس نیست ولی خوردن آن حرام است.

مسئله ۲۰۵ - خوردن آب انگوریکه معلوم نیست جوش آمده یا نه حلال است ولی اگر با آتش جوش بیاید تا انسان یقین نکند که دو قسمت آن با آتش کم شده ، حلال نمیشود . و اگر بخودی خود جوش آید تا سرکه نشود حلال نمیشود .

مسئله ۲۰۶- اگر مثلاً دريك خوشه غوره یکدانه یادو دانه انگور باشد چنانچه بآبیکه از آن خوشه گرفته میشود ، آبغوره بگویند و اثری از شیرینی انگور در آن نباشد و بجوشد پاك و خوردن آن حلال است .

مسئله ۲۰۷- اگر یکدانه انگور در چیزیکه با آتش میجوشد بیفتد و بجوشد و در آن مستهلك شود، خوردن آن حلال است .

مسئله ۲۰۸- اگر بخواهند در چند دیگ شیره بپزند ، باید کفگیری را که در دیگ جوش آمده زده اند در دیگی که جوش نیامده نزنند و اگر همه جوش آمده باشد

باید کفگیر دیگری را که ثلثان نشده ، دردیگی که ثلثان شده نزنند و این حکم بنا بر قول بنجاست عصیر است بجوش آمدن ولی گذشت که نجس نمیشود .
مسئله ۲۰۹- چیزیکه معلوم نیست غوره است یا انگور ، اگر چوش بیاید خوردن آن حلال است .

۶- انتقال

مسئله ۲۱۰- اگر خون بدن انسان یا خون حیوانیکه خون جهنده دارد- یعنی: حیوانیکه وقتی رگ آنرا ببرد خون از آن جستن میکند - بدن حیوانیکه خون جهنده ندارد برود و خون آن حیوان حساب شود ، پاك میگردد و اینرا انتقال گویند. پس خونیکه زالو از انسان میمکد - چون خون زالو بآن گفته نمیشود و میگویند خون انسان است- نجس میباشد.

مسئله ۲۱۱- اگر کسی پشه ابرا که بدنش نشسته بکشد و نداند خونیکه از پشه بیرون آمده از او مکیده یا از خود پشه میباشد ، پاك است و همچنین است اگر بدانند از او مکیده ولی جزو بدن پشه حساب شود ، اما اگر فاصله بین مکیدن خون و کشتن پشه بقدری کم باشد که بگویند خون انسان است آن خون نجس میباشد و اگر بداند که آن خون را از انسان مکیده وشك کند که جزء بدن پشه شده یانه ، احتیاط اجتناب از آن است .

۷- اسلام

مسئله ۲۱۲- اگر کافر شهادتین بگوید یعنی بگوید : **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و **أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ** - مسلمان میشود. و بعد از مسلمان شدن ، بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاك است ولی اگر موقع مسلمان شدن ، عین نجاست بدن او بوده ، باید بر طرف کند و جای آنرا آب بکشد . بلکه اگر پیش از مسلمان شدن ؛ عین نجاست بر طرف

شده باشد ، احتیاط واجب آنستکه جای آنرا آب بکشد .

مسئله ۲۱۳ - اگر موقعیکه کافر بوده لباس او بارطوبت ببدنش رسیده باشد و آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او نباشد نجس است ، بلکه اگر در بدن او هم باشد ، بنا بر احتیاط لازم باید از آن اجتناب کند .

مسئله ۲۱۴ - اگر کافر شهادتین بگوید ، و انسان نداند قلباً مسلمان شده یا نه پاکست ، بلکه اگر بداند هم که اعتقاد ندارد تا اظهار کفر نکرده ، بنا بر اقوی پاک است .

۸- تبعیّت

مسئله ۲۱۵ - تبعیّت آنستکه چیز نجسی بواسطه پاک شدن چیز نجس دیگر پاک شود .

مسئله ۲۱۶ - اگر شراب سر که شود ، ظرف آنهم تا جائیکه شراب موقع جوش آمدن بآنجا رسیده پاک میشود . و پارچه و چیزی هم که معمولاً روی آن میگذارند اگر بآن رطوبت نجس شود ، پاک نمیگردد ولی اگر پشت ظرف بآن شراب آلوده شود احتیاط واجب آنستکه بعد از سر که شدن شراب از آن اجتناب کنند .

مسئله ۲۱۷ - ظرفیکه آب انگور در آن جوش می آید و چیزهاییکه مانند کفگیر برای پختن آب انگور ، بکار میرود . بنا بر قول بنجاست آب انگور جوشان بعد از کم شدن دو قسمت آب انگور پاک میشود ولی گذشت که آب انگور بجوشیدن نجس نمی شود .

مسئله ۲۱۸ - تخته یا سنگی که روی آن ؛ میترا غسل میدهند و پارچه ایکه با آن عورت میترا میپوشانند و دست کسیکه او را غسل میدهد ، بعد از تمام شدن غسل ، پاک میشود .

مسئله ۲۱۹ - کسیکه چیز بر ابادست خود آب می کشد ؛ بعد از پاک شدن آن چیز دست او هم پاک میشود .

- مسئله ۲۲۰ - اگر لباس و مانند آنرا با آب قلیل آب بکشند و باندازه معمول فشار دهند تا آبیکه روی آن ریخته اند جدا شود، آبیکه در آن میماند پاك است .
- مسئله ۲۲۱ - ظرف نجس را که با آب قلیل آب میکشند، بعد از جدا شدن آبیکه برای پاک شدن، روی آن ریخته اند، آب کمی که در آن میماند پاك است .

۹- برطرف شدن عین نجاست

- مسئله ۲۲۲ - اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون؛ یا متنجس مثل آب نجس آلوده شود، چنانچه آنها برطرف شود، بدن آن حیوان پاك میشود و همچنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی. مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود؛ آب کشیدن توی دهان لازم نیست ولی اگر دندان عاریه در دهان نجس شود بنا بر احتیاط باید آنرا آب بکشند .
- مسئله ۲۲۳ - اگر غذای دندان مانده باشد و داخل دهان خون، بیاید چنانچه انسان نداند که خون بنذا رسیده آن غذا پاك است . و اگر خون بآن برسد بنا بر احتیاط نجس میشود .
- مسئله ۲۲۴ - مقداری از لبها و پلك چشم که موقع بستن، روی هم میآید و نیز جایی را که انسان نمیداند از ظاهر بدن است یا باطن آن، اگر نجس شود بنا بر احتیاط واجب باید آب بکشد .
- مسئله ۲۲۵ - اگر گرد و خاک نجس بلباس و فرش و مانند اینها بنشیند، چنانچه طوری آنها را تکان دهند که گرد و خاک نجس از آنها بریزد، پاك میشود .

۱۰- استبراء حیوان نجاستخوار

- مسئله ۲۲۶ - بول و غائط حیوانی که بخوردن نجاست انسان عادت کرده، نجس است و اگر بخورند پاك شود، باید آنرا استبراء کنند - یعنی: تا مدتی که بعد از آمدن دیگر

نجاستخوار بآن نگویند ، نگذارند نجاست بخورد و خوراك پاك به آن بدهند - و بنا بر احتیاط مستحب بایدشتر نجاستخوار را چهل روز و گاوارسی روز و گوسفند را ده روز و مرغابیرا هفت یا پنج روز و مرغ خانگی راسه روز ؛ از خوردن نجاست جلوگیری کنند و غذای پاك به آنها بدهند و اگر بعد از اینمدت بازهم نجاستخوار به آنها گفته شود واجب است نامدتی که بعد از آنمدت دیگر نجاستخوار بآنها نگویند آنها را از خوردن نجاست جلوگیری نمایند .

۱۱- غائب شدن مسلمان

مسئله ۲۲۷ - اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگریکه مانند ظرف و فرش در اختیار او است نجس شود و آن مسلمان غائب گردد باشش شرط پاك است:

اول - آنکه آن مسلمان چیزیکه بدن یا لباسش را نجس کرده ، نجس بداند پس اگر مثلاً لباسش بمرق جنب از حرام آلوده شود و آن را نجس نداند ، بعد از غائب شدن او نمیشود آن لباس را پاك دانست .

دوم - آنکه بداند بدن یا لباسش بچیز نجس رسیده است .

سوم - آنکه انسان به بیند آنچه را در کاریکه شرط آن پاکی است استعمال میکند مثلاً به بیند با آن لباس نماز میخواند .

چهارم - آنکه آن مسلمان بداند شرط کاریکه با آنچه انجام میدهد پاکی است ؛ پس اگر مثلاً نداند که باید لباس نماز گزار پاك باشد ، و بالباسیکه نجس شده نماز بخواند ، نمیشود آن لباس را پاك دانست .

پنجم - آنکه انسان احتمال دهد آن مسلمان چیزی را که نجس شده آب کشیده است ، پس اگر یقین داشته باشد که آب نکشیده ؛ نباید آن چیز را پاك بداند . و نیز اگر نجس و پاك در نظر آن مسلمان فرق نداشته باشد ، پاك دانستن آن چیز محل

اشکال است.

ششم - آنکه بنا بر احتیاط واجب آن مسلمان بالغ باشد

مسئله ۲۲۸ - اگر خود انسان یقین کند که چیز بکر نجس بوده پاک شده است، یا دو عادل پاک شدن آن خبر دهند، آنچیز پاکست و همچنین اگر کسیکه چیز نجس در اختیار او است بگوید آنچیز پاک شده، یا مسلمانی چیز نجس را آب کشیده باشد اگر چه معلوم نباشد درست آب کشیده یا نه، پاک است.

مسئله ۲۲۹ - کسیکه وکیل شده است لباس انسان را آب بکشد، اگر بگوید آب کشیدم و انسان بگفته او اطمینان پیدا کند، آن لباس پاک است.

مسئله ۲۳۰ - اگر انسان حالی دارد که در آب کشیدن چیز نجس یقین پیدا نمی کند، میتواند بگمان اکتفا نماید.

احکام ظرفها

مسئله ۲۳۱ - ظرفیکه از پوست سگ یا خوک یا مردار ساخته شده، خوردن و آشامیدن از آنظرف حرام است و نباید آنظرف را در وضو و غسل و کارهاییکه باید با چیز پاک انجام داد، استعمال کنند بلکه احتیاط واجب آنستکه چرم سگ و خوک و مردار را، اگر چه ظرف هم نباشد استعمال نکنند

مسئله ۲۳۲ - حرام است خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و استعمال آنها مطلقا بنا بر احتیاط واجب؛ و حرمت نگاهداشتن آنها بقصد ذخیره مالی نه بعنوان ظرف معلوم نیست اگر چه احوط است.

مسئله ۲۳۳ - ساختن ظرف طلا و نقره بقصد خوردن و آشامیدن از آن و سایر استعمالات محرّمه و اجرت ساختن آن حرام است.

مسئله ۲۳۴ - خرید و فروش ظرف طلا و نقره بقصد خوردن و آشامیدن و سایر

استعمالات محرّمه و پول و عوضی هم که فروشنده میگیرد حرام است.

مسئله ۲۳۵ - گیره استکان که از طلا یا نقره میسازند اگر بعد از برداشتن استکان ، ظرف بآن گفته شود ، استعمال آن چه به تنهایی و چه با استکان حرام است و اگر ظرف بآن گفته نشود استعمال آن مانعی ندارد .

مسئله ۲۳۶ - استعمال ظرفی که روی آنرا آب طلا یا آب نقره داده اند اشکال ندارد.

مسئله ۲۳۷ - اگر فلزی را با طلا یا نقره مخلوط کنند و ظرف بسازند ، چنانچه مقدار آن فلز بقدری زیاد باشد که ظرف طلا یا نقره بآن ظرف نگویند استعمال آن مانعی ندارد .

مسئله ۲۳۸ - اگر انسان غذا تیرا که در ظرف طلا یا نقره است بقصد اینکه چون غذا خوردن در ظرف طلا و نقره حرام میباشد ، در ظرف دیگر بریزد اشکال ندارد ، و اگر باین قصد نباشد ، ریختن غذا از ظرف طلا یا نقره در ظرف دیگر حرام است . ولی در هر دو صورت خوردن غذا از ظرف دوم مانعی ندارد.

مسئله ۲۳۹ - استعمال بادگیر قلیان و غلاف شمشیر و کارد و قاب قرآن ، اگر از طلا یا نقره باشد ، اشکال ندارد . ولی احتیاط واجب آنستکه عطر دان و سرمه - دان طلا و نقره را استعمال نکنند.

مسئله ۲۴۰ - استعمال ظرف طلا یا نقره در حال ناچاری اشکال ندارد مگر برای وضوء و غسل ، که در حال ناچاری هم نمیشود از ظرف طلا و نقره استفاده کرد .

مسئله ۲۴۱ - استعمال ظرفی که معلوم نیست از طلا یا نقره است یا از چیز دیگر اشکال ندارد .

وضوء

مسئله ۲۴۲ - در وضوء واجب است صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و

روی پاها را مسح کنند .

مسئله ۲۴۳ - درازای صورت را باید از بالای پیشانی جائیکه موی سر بیرون می آید تا آخر چانه شست ، و پهنای آن بمقداری که بین انگشت وسط و شست قرار میگردد باید شسته شود ؛ و اگر مختصری از این مقدار را نشوید وضو باطل است . و برای آنکه یقین کند اینمقدار کاملاً شسته شده باید کمی اطراف آنرا هم بشوید .

مسئله ۲۴۴ - اگر صورت بادست کسی کوچکتر یا بزرگتر از معمول مردم باشد ، باید ملاحظه کند که مردمان معمولی تا کجای صورت خود را می شویند او هم تا همانجا را بشوید . و نیز اگر درپیشانی او موروئیده یا جلوی سرش موندارد باید باندازه معمول ، پیشانی را بشوید .

مسئله ۲۴۵ - اگر احتمال دهد چرك یا چیز دیگری در ابروها و گوشه های چشم و لب او هست که نمیگذارد آب بآنها برسد ، چنانچه احتمال او درنظر مردم بجا باشد ، باید پیش از وضو و ارسی کند که اگر هست برطرف نماید .

مسئله ۲۴۶ - اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد باید آبرای پوست برساند و اگر پیدا نباشد شستن مو کافیت و رساندن آب بزیر آن لازم نیست .

مسئله ۲۴۷ - اگر شك کند که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه ، بنا بر احتیاط واجب باید مورا بشوید و آبرای پوست هم برساند .

مسئله ۲۴۸ - شستن نوی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمیشود واجب نیست ، ولی برای آنکه یقین کند از جاهائیکه باید شسته شود ، چیزی باقی نمانده ، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید . و کسیکه نمی دانسته باید این مقدار را بشوید ؛ اگر بداند در وضوهائی که گرفته مقدار واجب را شسته نمازهایی که خوانده صحیح است .

مسئله ۲۴۹ - باید صورت و دستها را از بالا پائین شست و اگر از پائین بیالا

بشوید وضو باطل است .

مسئله ۲۵۰ - اگر دست را ترکند و بصورت و دستها بکشد ، چنانچه تری دست بقدری باشد که بواسطه کشیدن دست، آب کمی بر آنها جاری شود کافیهست .

مسئله ۲۵۱ - بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید .

مسئله ۲۵۲ - برای آنکه یقین کند آرنج را کاملاً شسته باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید .

مسئله ۲۵۳ - کسیکه پیش از شستن صورت دستهای خود را تامچ شسته ، در موقع وضو ، باید تا سر انگشتانرا بشوید . و اگر فقط تامچ را بشوید وضوی او باطل است .

مسئله ۲۵۴ - در وضو ، شستن صورت و دستها مرتبه اول واجب و مرتبه دوم مستحب و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام میباشد . و اینکه کدام شستن ، اول یا دوم یا سوم است مربوط بقصد کسی است که وضو میگیرد ، پس اگر بقصد شستن مرتبه اول مثلاً ده مرتبه آب بصورت بریزد ، اشکال ندارد و همه آنها شستن اول حساب میشود . و اگر بقصد اینکه سه مرتبه بشوید سه مرتبه آب بریزد مرتبه سوم آن حرام است .

مسئله ۲۵۵ - بعد از شستن هر دو دست ، باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند و احتیاط واجب آنستکه با دست راست مسح نماید و نیز احتیاط آن است که مسح از بالا بپائین باشد اگر چه اقوی جواز مسح از پائین به بالا است .

مسئله ۲۵۶ - يك قسمت از چهار قسمت سر ، که مقابل پیشانیست جای مسح میباشد . و هر جای این قسمت را بهر اندازه مسح کند کافیهست ، اگر چه احتیاط مستحب آنستکه از درازا باندازه درازی يك انگشت و از پهنا باندازه پهناي سه انگشت بسته مسح نماید .

مسئله ۲۵۷ - لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی

سر هم صحیح است . ولی کسیکه موی جلوی سر او باندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند بصورتش میریزد، یا بجای دیگر سر میرسد ، باید بن موها را مسح کند ، یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید . و اگر موهائی را که بصورت میریزد یا بجای دیگر سر میرسد، جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید. یا بر موی جاهای دیگر سر، که جلوی آن آمده مسح کند باطل است .

مسئله ۲۵۸ - بعد از مسح سر، باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سربیکی از انگشتها تا بر آمدگی روی پا مسح کند و احتیاط واجب آن است که تا مفصل را هم مسح نماید .

مسئله ۲۵۹ - پهنای مسح پا بپهنای اندازه باشد کافیست ولی بهتر آنستکه باندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید، و بهتر از آن مسح تمام روی پا است.

مسئله ۲۶۰ - احتیاط واجب آنستکه در مسح پا، دست را بر سر انگشتها بگذارد و بعد به روی پا بکشد، نه آنکه تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد .

مسئله ۲۶۱ - در مسح سر و روی پا، باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را بآن بکشد وضو باطل است . ولی اگر موقعیکه دست را میکشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد .

مسئله ۲۶۲ - جای مسح باید خشک باشد و اگر بقدری تر باشد که رطوبت کف دست بآن اثر نکند، مسح باطل است . ولی اگر تری آن بقدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده میشود بگویند فقط از تری کف دست است اشکال ندارد .

مسئله ۲۶۳ - اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمیتواند دست را با آب خارج تر کند ، بلکه باید از اعضاء دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید .

مسئله ۲۶۴ - اگر رطوبت کف دست فقط باندازه مسح سر باشد احتیاط

واجب آنست که سر را با همان رطوبت مسح کند ، و برای مسح پاها از اعضاء دیگر وضو رطوبت بگیرد .

مسئله ۲۶۵ - مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است ولی اگر بواسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد ، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد و اگر روی کفش نجس باشد ، باید چیز پاکی بر آن بیندازد و بر آنچه مسح کند . و احتیاط واجب آنستکه تیمم هم بنماید .

مسئله ۲۶۶ - اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح ، آنرا آب بکشد باید تیمم نماید .

وضوی ارتماسی

مسئله ۲۶۷ - وضوی ارتماسی آنست که انسان صورت و دستها را بقصد وضو در آب فروبرد یا آنها را در آب فرو برد و بقصد وضو بیرون آورد و اگر موقعی که دستها را در آب فرو میبرد نیست وضو کند و تا وقتی که آنها را از آب بیرون می آورد و ریزش آب تمام میشود بقصد وضو باشد ، وضوی او صحیح است و نیز اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند و تا وقتی که ریزش آب تمام میشود ، بقصد وضو باشد وضوی او صحیح می باشد .

مسئله ۲۶۸ - در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دستها از بالا پائین شسته شود ، پس اگر وقتیکه صورت و دستها را در آب فرو میبرد قصد وضو کند ، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند ، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج بیرون آورد .

مسئله ۲۶۹ - اگر وضوی بعضی از اعضاء را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد .

دعاهائیکه موقع وضو گرفتن مستحب است

مسئله ۲۷۰ - کسیکه وضو میگیرد مستحب است موقعیکه نگاهش به آب میافتد

بگوید: بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجْسًا
و موقعی که پیش از وضو دست خود را میشوید بگوید: اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ
وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ و در وقت مضمضه - یعنی آب در دهان گرداندن - بگوید :
اللّٰهُمَّ لِقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْقَاكِ وَاَطْلُقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ و در وقت استنشاق - یعنی
آب در بینی کردن - بگوید: اللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشُمُّ
رِيحَهَا و رُوْحَهَا و طَيِّبَهَا و موقع شستن رو بگوید: اللّٰهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ
الْوُجُوهُ و لَا تُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُ فِيهِ الْوُجُوهُ و در وقت شستن دست راست
بخواند: اللّٰهُمَّ اَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَاخْلُدْ فِي الْجَنَانِ بِيَسَارِي وَحَاسِبْنِي
حِسَابًا يَسِيرًا و موقع شستن دست چپ بگوید: اللّٰهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي
وَلَا مِنْ وَّرَاءِ ظَهْرِي وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً اِلَيَّ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ النَّيْرَانِ
و موقعی که سر را مسح می کند بگوید: اللّٰهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ و بِرَكَاتِكَ وَاَعْفُوكَ
و در وقت مسح پا بخواند: اللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَيَّ الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْاَقْدَامُ
وَاجْعَلْ سَعْيِي فِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَاَلْاِكْرَامِ .

شرائط وضوء

شرائط صحیح بودن وضو سیزده چیز است : شرط اول آنکه آب وضو پاک

باشد . شرط دوم آنکه مطلق باشد .

مسئله ۲۷۱ - وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است ، اگر چه انسان نجس

بودن یا مضاف بودن آنرا نداند یا فراموش کرده باشد . و اگر با آن وضو نمازی هم خوانده

باشد؛ باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند .

مسئله ۲۷۲. اگر غیر از آب گل آلود مضاف آب دیگری برای وضو ندارد، چنانچه وقت نماز تنگ است، باید نیم کند و اگر وقت دارد، احتیاط واجب آنستکه صبر کند تا آب صاف شود و وضو بگیرد .

شرط سوم - آنکه آب وضو و فضائیکه در آن وضو میگیرد مباح باشد .

مسئله ۲۷۳ - وضو با آب غصبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه، حرام و باطل است . و نیز اگر آب وضو از صورت و دستها در جای غصبی بریزد ، چنانچه در غیر آنجا نتواند وضو بگیرد؛ وضوی او باطل میباشد و اگر در غیر آنجا نتواند وضو بگیرد وضو صحیح است .

مسئله ۲۷۴ - وضو گرفتن از حوض مدرسه ای که انسان نمیداند آن حوض را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای محصلین همان مدرسه ، در صورتیکه معمولاً مردم از آب آن وضو بگیرند، اشکال ندارد .

مسئله ۲۷۵ - اگر معلوم باشد که حوض مسجدی اختصاص بنمازگزار در آن مسجد دارد، کسیکه نمیخواهد در آن مسجد نماز بخواند، نمیتواند در آن حوض وضو بگیرد ولی اگر اختصاص معلوم نباشد، میتواند از آن وضو بگیرد خصوصاً اگر بطور معمول کسانی هم که نمیخواهند در آن مسجد نماز بخوانند، از حوض آن وضو میگیرند .

مسئله ۲۷۶ - وضو گرفتن از حوض تیمچه و مسافر خانه و مانند اینها برای کسانی که ساکن آنجاها نیستند ، با علم بر ضایع صاحبان آنها؛ صحیح است هر چند علم بر ضایع ، از وضو گرفتن کسانی که در آنجاها ساکن نیستند و ممانعت نکردن صاحبان آنها، حاصل شود .

مسئله ۲۷۷ - وضو گرفتن در نه‌های بزرگند اگر چه انسان نداند که صاحب

آنها راضی است - اشکال ندارد، ولی اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند احتیاط واجب آنستکه با آب آنها وضو نگیرند .

مسئله ۲۷۸ - اگر فراموش کند آب ، غصبی است و با آن وضو بگیرد صحیح است ، ولی کسی که خودش آب را غصب کرده؛ اگر غصبی بودن آن را فراموش کند و وضو بگیرد، بنا بر احتیاط وضوی او باطل است .

شرط چهارم - آنکه ظرف آب وضو مباح باشد .

شرط پنجم - آن که ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد .

مسئله ۲۷۹ - اگر آب وضو در ظرف غصبی با طلا و نقره است و غیر از آن، آب دیگری ندارد باید تیمم کند ، و نمیتواند با آب آن‌ها وضو بگیرد . و اگر آب دیگری دارد چنانچه در ظرف غصبی یا طلا و نقره، وضوی از نماسی بگیرد یا با آن‌ها آب را بصورت و دستها بریزد، وضوی او باطل است و در صورتیکه بامشت یا چیز دیگر آب را از آن‌ها بردارد و بصورت و دستها بریزد وضوی او صحیح است؛ هر چند بواسطه تصرف در ظرف غصبی معصیت کرده است.

مسئله ۲۸۰ - بنا بر احتیاط واجب، باید در حوضیکه مثلاً يك آجر با يك سنگ آن غصبی است وضو نگیرد .

مسئله ۲۸۱ - اگر در صحن یکی از امامان یا امامزادگان که سابقاً قبرستان بوده حوض یا نهري بسازند. چنانچه انسان نداند که زمین صحن را برای قبرستان وقف کرده‌اند . وضو گرفتن در آن حوض و نهر اشکال ندارد .

شرط ششم - آن که اعضاء وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد .

مسئله ۲۸۲ - اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود ، وضو صحیح است .

مسئله ۲۸۳ - اگر غیر از اعضاء وضو جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است . ولی اگر مخرج را از بول یا غائط تطهیر نکرده باشد، احتیاط مستحب آنستکه اول آنرا تطهیر کند بعد وضو بگیرد .

مسئله ۲۸۴- اگر یکی از اعضاء وضو نجس باشد وبعد از وضو شك کنند که پیش از وضو آنجا را آب کشیده بانه، چنانچه در موقع وضو ملتفت پاك بودن و نجس بودن آنجا نبوده؛ وضو باطل است، و اگر میدانند ملتفت بوده، یا شك دارد که ملتفت بوده بانه، وضو صحیح است، و در هر صورت جائی را که نجس بوده باید آب بکشد.

مسئله ۲۸۵- اگر در صورت یادستها بریدگی یا زخمیست که خون آن بند نمیآید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری فروبرد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، بعد بدستوریکه گفته شد، وضوی ارتماسی بگیرد.

شرط هفتم- آنکه وقت برای وضو و نماز کافی باشد.

مسئله ۲۸۶- هر گاه وقت بقدری تنگ است که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده میشود، باید تیمم کند ولی اگر برای وضو و تیمم يك اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.

مسئله ۲۸۷- کسیکه در تنگی وقت نماز باید تیمم کند، اگر بقصد قربت یا برای کار مستحبی مثل خواندن قرآن وضو بگیرد، صحیح است و اگر برای خواندن آن نماز وضو بگیرد؛ بطوریکه فعلاً داعی او بر وضو گرفتن فقط آن نماز باشد، وضویش باطل است.

شرط هشتم - آنکه بقصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم- وضو بگیرد و اگر برای خنك شدن یا بقصد دیگری وضو بگیرد باطل است.

مسئله ۲۸۸- لازم نیست نیت وضو را بزبان بگوید یا از قلب خود بگذرانند ولی باید در تمام وضو متوجه باشد که وضو میگیرد. بطوریکه اگر از او پرسند چه میکنی بگوید؛ وضو میگیرم.

شرط نهم - آنکه وضو را بر تیبی که گفته شد بجا آورد. یعنی اول صورت، و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نماید- و باید

پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند و اگر باین ترتیب وضو نگیرد باطل است.
شرط دهم- آنکه کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد .

مسئله ۲۸۹- اگر بین کارهای وضو بقدری فاصله شود که وقتی میخواهد جایی را بشوید یا مسح کند؛ رطوبت جاهائیکه پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است و اگر فقط رطوبت یکی از جاهائیکه جلوتر شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد مثلاً موقعیکه میخواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست یا رطوبت صورت خشک شده باشد، احتیاط واجب آنستکه باین وضو اکتفا نکند.

مسئله ۲۹۰- اگر کارهای وضو را پشت سر هم بجا آورد ولی بواسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها رطوبت خشک شود وضوی او صحیح است .

مسئله ۲۹۱- راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، پس اگر بعد از شستن صورت و دستها چند قدم راه برود و بعد سروپا را مسح کند وضوی او صحیح است .

شرط یازدهم - آنکه شستن صورت و دستها و مسح سروپا را خود انسان انجام دهد و اگر دیگری او را وضو دهد، یا در رساندن آب بصورت و دستها و مسح سروپاها با کمک نماید، وضو باطل است .

مسئله ۲۹۲- کسیکه نمیتواند وضو بگیرد باید نائب بگیرد، که او را وضو دهد. و چنانچه مزدهم بخواند، در صورتیکه بتواند باید بدهد. ولی باید خود او نیست وضو کند و با دست خود مسح نماید، و اگر نمیتواند باید نائبش دست او را بگیرد و بجای مسح او بکشد، و اگر این هم ممکن نیست باید از دست او رطوبت بگیرند و با آن رطوبت، سروپای او را مسح کنند .

مسئله ۲۹۳- هر کدام از کارهای وضو را که میتواند بتنهائی انجام دهد، نباید در آن کمک بگیرد .

شروط دوازدهم - آنکه استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد .

مسئله ۲۹۴- کسی که بترسد که اگر وضو بگیرد، مریض شود یا اگر آب را بمصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد و باید تیمم کند و اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد ضرر داشته، احتیاط واجب آنستکه علاوه بر وضو تیمم نیز بنماید و اگر با آن وضو نماز را بجا آورده تیمم نیز بنماید و نماز را عاده کند و اگر بعد از وضوئی که با جهل بضرر گرفته ضرر رفع شد احتیاطاً دوباره وضو بگیرد .

مسئله ۲۹۵- اگر رساندن آب بصورت و دستها بمقدار کمی که وضو با آن صحیح است ضرر ندارد و بیشتر از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار وضو بگیرد .
 شرط سیزدهم - آنکه در اعضاء وضو مانعی از رسیدن آب نباشد .

مسئله ۲۹۶- اگر میدانند چیزی با اعضاء وضو چسبیده و لسی شك دارد که از رسیدن آب جلوگیری میکند یا نه، باید آنرا برطرف کند یا آب را بزیر آن برساند .
 مسئله ۲۹۷- اگر زیر ناخن چرك باشد، وضو اشکال ندارد ولی اگر ناخن را بگیرند، باید برای وضو آن چرك را برطرف کنند، و نیز اگر بیشتر از معمول بلند باشد، باید چرك زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند .

مسئله ۲۹۸- اگر در صورت و دستها و جلوی سر و روی پاها بواسطه سوختن یا چیز دیگر بر آمدگی پیدا شود، شستن و مسح روی آن کافیهست و چنانچه سوراخ شود، رساندن آب بزیر پوست لازم نیست، بلکه اگر پوست یکقسمت آن کنده شود لازم نیست آب را بزیر قسمتی که کنده نشده برساند، ولی چنانچه پوستی که کنده شده گاهی بدن می چسبد و گاهی بلند میشود، باید آنرا قطع کند یا آب را بزیر آن برساند
 مسئله ۲۹۹- اگر انسان شك کند که با اعضاء وضوی او چیزی چسبیده یا به چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، مثل آنکه بعد از گل کاری شك کند گل بدست او چسبیده یا نه، باید و ارسی کند، یا بقدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند

که اگر بوده برطرف شده یا آب بزیر آن رسیده است .

مسئله ۳۰۰- جائز است که باید شست و مسح کرد هر قدر چرك باشد، اگر چرك آن مانع از رسیدن آب ببدن نباشد اشکال ندارد، و همچنین است اگر بعد از گچ کاری و مانند آن چیز سفیدی که جلوگیری از رسیدن آب به پوست نمی نماید بردست بماند ولی اگر شك کند که با بودن آنها آب ببدن میرسد یا نه، باید آنها را برطرف کند .

مسئله ۳۰۱- اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضاء وضو مانع از رسیدن آب هست و بعد از وضو شك کند که در موقع وضو آبر با آنجا رسانده یا نه، وضوی او صحیح است .

مسئله ۳۰۲- اگر در بعضی از اعضاء وضو مانعی باشد که گاهی آب بخودی خود زیر آن میرسد و گاهی نمیرسد و انسان بعد از وضو شك کند که آب زیر آن رسیده یا نه، چنانچه بداند موقع وضو ملتفت رسیدن آب بزیر آن نبوده، احتیاط واجب آنستکه دوباره وضو بگیرد .

مسئله ۳۰۳- اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضاء وضو به بیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است، ولی اگر بداند که در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب آنستکه دوباره وضو بگیرد.

مسئله ۳۰۴- اگر بعد از وضو شك کند چیزی که مانع رسیدن آبست در اعضاء وضو بوده یا نه؛ و احتمال بدهد که در وقت وضو ملتفت بوده و اگر مانعی بوده برطرف کرده وضویش صحیح است ولی اگر بداند که وقت وضو ملتفت نبوده احتیاط لازم آنست که دوباره وضو بگیرد .

احکام وضوء

مسئله ۳۰۵- کسیکه در کارهای وضو و شرائط آن مثل پاک بودن آب و غصبی بودن آن - خیلی شك میکند، باید بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۳۰۶- اگر شك كند که وضوی او باطل شده یا نه بنا میگذارد که وضوی او باقیست ولی اگر بعد از بول استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو طوبتی از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگر وضوی او باطلست .

مسئله ۳۰۷- کسیکه شك دارد وضو گرفته یا نه باید وضو بگیرد .

مسئله ۳۰۸- کسیکه میداند وضو گرفته و حدثنی هم از او سرزده ، مثلاً بول کرده ، اگر نداند کدام جلوتر بوده ، چنانچه پیش از نماز است ، باید وضو بگیرد . و اگر در بین نماز است احتیاط آنستکه نماز را تمام کند و با وضوی دیگر اعاده کند و اگر بعد از نماز است نمازی که خوانده صحیح است و برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد .

مسئله ۳۰۹- اگر بعد از وضو یا در بین آن یقین کند که بعضی جاها رانشسته یا مسح نکرده است ، چنانچه رطوبت جاهائیکه پیش از آنست خشک شده ، باید دو باره وضو بگیرد و اگر خشک نشده باید جائیرا که فراموش کرده و آنچه بعد از آنست بشوید یا مسح کند و اگر در بین وضو در شستن یا مسح کردن جائی شك کند باید بهمین دستور عمل کند .

مسئله ۳۱۰- اگر بعد از نماز شك کند که وضو گرفته یا نه نماز او صحیح است ولی باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد .

مسئله ۳۱۱- اگر در بین نماز شك کند که وضو گرفته یا نه ، احتیاط لارم آنستکه نماز را تمام کند و بعد با وضوی دیگر آنرا اعاده نماید .

مسئله ۳۱۲- اگر بعد از نماز شك کند ، که قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز ، نمازیکه خوانده صحیح است .

مسئله ۳۱۳- اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره میریزد یا نمیتواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند ، چنانچه یقین دارد که از اول وقت نماز تا آخر آن بمقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا میکند ، باید نماز را در وقتیکه مهلت

پیدا میکند بخواند و اگر مهلت او بمقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد، فقط کارهای واجب نماز را بجا آورد و کارهای مستحب آن مانند اذان و اقامه و قنوت را ترك نماید.

مسئله ۳۱۴ - اگر بمقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمیکند و در بین نماز چند دفعه بول یا غائط از او خارج میشود، که اگر بخواند بعد از هر دفعه وضو بگیرد سخت نیست، باید ظرف آبی پهلوی خود بگذارد و هر وقت بول یا غائط از او خارج شد، فوراً وضو بگیرد و بقیه نماز را بخواند. و احتیاط واجب آنستکه کسیکه نمیتواند خود را از بول یا خارج شدن غائط؛ نگاه دارد و وضو در بین نماز موجب بهم خوردن موالات نماز شود، همان نماز را دوباره بایک وضو بخواند و اگر در بین آن نماز وضوی او باطل شد اعتنا نکند.

مسئله ۳۱۵ - کسی که بول یا غائط طوری پی در پی از او خارج میشود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او سخت است، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

مسئله ۳۱۶ - کسیکه بول یا غائط پی در پی از او خارج میشود اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، احتیاط واجب آنستکه برای هر نماز یک وضو بگیرد

مسئله ۳۱۷ - اگر مرضی دارد که نمیتواند از خارج شدن باد جلو گیری کند باید بوظیفه کسانی که نمیتوانند از بیرون آمدن بول و غائط خود داری کنند عمل نماید.

مسئله ۳۱۸ - کسیکه بول یا غائط پی در پی از او خارج میشود، باید برای هر نمازی وضو بگیرد و فوراً مشغول نماز شود ولی برای بجا آوردن سجده و تشهد فراموش شده و نماز احتیاط که باید بعد از نماز انجام داد، در صورتی که آنها را بعد از نماز فوراً بجا بیاورد، وضو گرفتن لازم نیست.

مسئله ۳۱۹ - کسیکه بول او قطره قطره میریزد، باید برای نماز بوسیله کیسه ای که در آن پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن بول بجای دیگر جلو گیری میکند،

خود را حفظ نماید ، و احتیاط واجب آنست که پیش از هر نماز مخرج بول را که نجس شده آب بکشد ، و نیز کسیکه نمیتواند از بیرون آمدن غائط خود داری کند چنانچه ممکن باشد باید بمقدار نماز از رسیدن غائط بجایهای دیگر جلوگیری نماید . و احتیاط واجب آنست که اگر مشقت ندارد ، برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد .

مسئله ۳۲۰ - کسیکه نمیتواند از بیرون آمدن بول و غائط خود داری کند در صورتیکه ممکن باشد ، باید بمقدار نماز از خارج شدن بول و غائط جلوگیری نماید اگر چه خرج داشته باشد . بلکه اگر مرض او بآسانی معالجه شود ، احتیاط واجب آنست که خود را معالجه نماید .

مسئله ۳۲۱ - کسیکه نمیتواند از بیرون آمدن بول و غائط خود داری کند ، بعد از آنکه مرض او خوب شد ، لازم نیست نمازهائی را که در وقت مرض مطابق وظیفه اش خوانده قضا نماید ولی اگر در بین وقت نماز مرض او خوب شود ، باید نمازی را که در آن وقت خوانده دوباره بخواند .

اعمالیکه باید برای آنها وضوء گرفت

مسئله ۳۲۲ - برای شش عمل وضو گرفتن واجب است : اول - برای نمازهای واجب غیر از نماز میت . دوم - برای سجده و تشهد فراموش شده ، اگر بین آنها و نماز حدثنی از او سرزده ، مثلاً بول کرده باشد و احتیاط واجب آنست که برای سجده سهو هم وضو بگیرد . سوم - برای طواف واجب خانه کعبه . چهارم - اگر نذر یا عهد کرده با قسم خورده باشد که وضو بگیرد ، پنجم - اگر نذر کرده باشد که جائی از بدن خود را بخطر آن برساند . ششم - برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده ، یا بیرون آوردن آن از محلی که بودن قرآن در آنجا اهانت بقرآن باشد در صورتی که مجبور باشد ؛

دست یا جای دیگر بدن خود را بخط قرآن برساند ، ولی چنانچه معطل شدن بمقدار وضو بی احترامی به قرآن است ؛ باید بدون اینکه وضو بگیرد ، قرآن را از آنجا بیرون آورد و اگر نجس شده آب بکشد .

مسئله ۳۲۳- مس نمودن خط قرآن- یعنی رساندن جائی از بدن به خط قرآن- برای کسیکه وضو ندارد حرام است ، و احتیاط مستحب آنست که موی خود را هم به خط قرآن نرساند . ولی اگر قرآن را بزبان فارسی یا بزبان دیگر ترجمه کنند مس آن اشکال ندارد .

مسئله ۳۲۴- جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن واجب نیست ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی بقرآن باشد ، باید از آنان جلوگیری کنند .

مسئله ۳۲۵- کسیکه وضو ندارد ، حرام است اسم خداوند متعال را بهر لغت نوشته شده باشد ، مس نماید . و احتیاط واجب آنست که اسم مبارک پیغمبر ﷺ و امام و حضرت زهراء علیهم السلام را هم مس نماید .

مسئله ۳۲۶- اگر پیش از وقت نماز بقصد اینکه باطهارت باشد ، وضو بگیرد یا غسل کند صحیح است . و نزدیک وقت نماز هم اگر بقصد مهیا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد .

مسئله ۳۲۷- کسیکه یقین دارد وقت داخل شده اگر نیت وضوی واجب کند و بعد از وضو بفهمد وقت داخل نشده ، وضوی او صحیح است .

مسئله ۳۲۸- مستحب است انسان برای نماز میت و زیارت اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم ائمه علیهم السلام وضو بگیرد و همچنین برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن و نیز برای مس حاشیه قرآن و برای خوابیدن ، وضو گرفتن مستحب است و نیز مستحب است کسیکه وضو دارد ، دوباره وضو بگیرد و اگر برای یکی از این کارها وضو بگیرد هر کاری را که باید با وضو انجام داد می تواند بجا آورد مثلاً می تواند با آن وضو نماز بخواند .

چیزهایی که وضو را باطل میکند

مسئله ۳۲۹- هفت چیز وضو را باطل می کند: اول- بول. دوم- غائط. سوم باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود. چهارم- خوابی که بواسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود اما اگر چشم نبیند ولی گوش بشنود، وضو باطل نمی شود. پنجم- چیزهایی که عقل را از بین میبرد؛ مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی. ششم- استحاضه زنان که بعداً گفته می شود- هفتم- کاریکه برای آن باید غسل کرد مانند جنابت و حیض و نفاس و حکم مس میت در جای خود گفته می شود.

احکام وضوی جبیره ای

چیزی که با آن زخم و شکسته را می بندند و دوائی که روی زخم و مانند آن میگذارند جبیره نامیده میشود.

مسئله ۳۳۰- اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید بطور معمول وضو گرفت.

مسئله ۳۳۱- اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت و دستها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، باید دست تر بر آن بکشد و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمیشود آب کشید، باید اطراف زخم را بطوری که در وضو گفته شد، از بالا پائین بشوید و گذاردن پارچه روی زخم و دست بر آن کشیدن لازم نیست اگر چه بهتر است.

مسئله ۳۳۲- اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است و روی آن باز است؛ چنانچه نتواند آنرا مسح کند. باید پارچه پاک روی آن

بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند و بنا بر احتیاط لازم تیمم هم بنماید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، مسح لازم نیست ولی باید بعد از وضو تیمم نماید .

مسئله ۳۳۳- اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد ؛ چنانچه باز کردن آن ممکن است و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید باز کند و وضو بگیرد ، چه زخم و مانند آن در صورت و دستها باشد ، با جلوی سر و روی پاها .

مسئله ۳۳۴- اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دستها باشد و بشود روی آنرا باز کرد ، چنانچه ریختن آب روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد کشیدن دست تر روی آن کافی است و پارچه گذاردن و دست روی آن کشیدن لازم نیست اگر چه احتیاطاً خوب است

مسئله ۳۳۵- اگر نمیشود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزیکه روی آن گذاشته، پاک است و رسانیدن آب بزخم ممکن است و ضرر هم ندارد ؛ باید آبرای بروی زخم برساند . و اگر زخم یا چیزیکه روی آن گذاشته نجس است ؛ چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب بروی زخم ممکن باشد ، باید آنرا آب بکشد و موقع وضو آبرای بزخم برساند ، و در صورتیکه آب برای زخم ضرر دارد ، یا آنکه رساندن آب بروی زخم ممکن نیست ، یا زخم نجس است و نمیشود آنرا آب کشید، باید اطراف زخم را بشوید و اگر جبیره پاک است ، روی آنرا مسح کند و اگر جبیره نجس است ، یا نمیشود روی آنرا دست تر کشید، مثل دوائی است که بدست می چسبد ، پارچه پاک را بطوری که جزء جبیره حساب شود ، روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد ، و اگر این هم ممکن نیست ، احتیاط واجب آنست که وضو بگیرد و تیمم هم بنماید- اگر تمام محل تیمم یا بعضی آن بی مانع باشد و اگر مواضع تیمم پوشیده باشد وضوی جبیره‌ای کافی است و تیمم جبیره‌ای لازم نیست.

مسئله ۳۳۶- اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها یا تمام هر دو دست را

گرفته باشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و بنا بر احتیاط واجب اگر تمام یا بعض مواضع تیمم پوشیده نیست تیمم هم بنماید.

مسئله ۳۳۷- اگر جبیره تمام اعضاء وضو را گرفته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و تیمم هم بنماید.

مسئله ۳۳۸- کسیکه در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، باید سرو پاها را با همان رطوبت مسح کند.

مسئله ۳۳۹- اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهائی که باز است روی پا را و جاهائی که جبیره است روی جبیره را مسح کند.

مسئله ۳۴۰- اگر در صورت یادستها چند جبیره باشد؛ باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سریا روی پاها باشد، باید بین آنها را مسح کند و در جاهائی که جبیره است باید بدستور جبیره عمل نماید.

مسئله ۳۴۱- اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید بدستور جبیره عمل کند و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید، و اگر برداشتن جبیره ممکن است باید جبیره را بردارد، پس اگر زخم در صورت و دستها است اطراف آن را بشوید و اگر در سریا روی پاها است اطراف آن را مسح کند و برای جای زخم بدستور جبیره عمل نماید.

مسئله ۳۴۲- اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست ولی بجهت دیگری آب برای آن ضرر دارد، باید تیمم کند و احتیاط مستحب آنست که وضوی جبیره‌ای هم بگیرد.

مسئله ۳۴۳- اگر جاهائی از اعضاء وضو را رگزده است و نمیتواند آنرا آب بکشد یا آب برای آن ضرر دارد؛ باید بدستور جبیره عمل کند.

مسئله ۳۴۴- اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن

ممکن نیست، یا بقدری مشقت دارد که نمیشود تحمل کرد، باید بدستور جیره عمل کند و بنا بر احتیاط واجب اگر تمام یا بعض محل تیمم بی مانع باشد تیمم هم بنماید چنانچه گفته شد.

مسئله ۳۴۵- غسل جیره‌ای مثل وضوی جیره‌ای است، و اگر ارتماسی هم بجا آورده شود صحیح است اگرچه ترتیبی بهتر است.

مسئله ۳۴۶- کسیکه وظیفه او تیمم است اگر در بعضی از جاهای تیمم اوزخم یادمل یا شکستگی باشد، باید بدستور وضوی جیره‌ای، تیمم جیره‌ای نماید.

مسئله ۳۴۷- کسیکه باید با وضو یا غسل جیره‌ای نماز بخواند، چنانچه بداند که تا آخر وقت عذراو بر طرف نمیشود، میتواند در اول وقت نماز بخواند، ولی اگر امید دارد که تا آخر وقت عذراو بر طرف شود، احتیاط واجب آنست که صبر کند و اگر عذراو بر طرف نشد در آخر وقت نماز را با وضو یا غسل جیره‌ای بجا آورد.

مسئله ۳۴۸- اگر انسان برای مرضی که در چشم او است موی چشم خود را بچسباند، باید وضو و غسل را جیره‌ای انجام دهد و احتیاط آنست که تیمم هم بنماید.

مسئله ۳۴۹- کسیکه نمیداند وظیفه اش تیمم است یا وضوی جیره‌ای، بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را بجا آورد.

مسئله ۳۵۰- نمازهایی را که انسان با وضوی جیره‌ای خوانده صحیح است ولی بعد از آنکه عذرش بر طرف شد و هنوز وضوی جیره‌ای باطل نشده است، برای نمازهای بعد بنا بر احتیاط لازم باید وضو بگیرد.

غسلهای واجب

غسلهای واجب هفت است: اول - غسل جنابت. دوم - غسل حیض. سوم - غسل نفاس. چهارم - غسل استحاضه. پنجم - غسل مس میت. ششم - غسل میت. هفتم - غسلیکه بواسطه نذر و قسم و مانند اینها واجب می شود.

احکام جنابت

مسئله ۳۵۱- بدو چیز انسان جنب می شود : اول - جماع . دوم بیرون آمدن منی ، چه در خواب باشد یا بیداری ، کم باشد یا زیاد ، باشهوت باشد یا بی شهوت ؛ با اختیار باشد یا بی اختیار .

مسئله ۳۵۲- اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها ، چنانچه باشهوت وجستن بیرون آمده و با باجستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن ، بدن سست شده ، آن رطوبت حکم منی دارد و اگر هیچ یک از این دو نشانه را نداشته باشد ، حکم منی ندارد مگر آنکه علم یا اطمینان پیدا کند که منی بوده است و در مریض لازم نیست آن آب ، باجستن بیرون آمده باشد ، بلکه اگر باشهوت بیرون آید در حکم منی است .

مسئله ۳۵۳- اگر از مردی که مریض نیست آبی باجستن بیرون آید و نداند که با شهوت بوده یا نه ، یا بعد از بیرون آمدن ، بدن سست شده یا نه ، چنانچه پیش از بیرون آمدن آن آب ، وضو داشته احتیاط مستحب آنستکه غسل کند و وضو لازم نیست و اگر وضو نداشته غسل واجب نیست و احتیاط مستحب است و واجبست وضو بگیرد و اگر بداند آنچه خارج شده یا بول است یا منی و قبلا وضو داشته باید جمع بین غسل و وضو نماید و اگر وضو نداشته غسل لازم نیست و وضو کافی است .

مسئله ۳۵۴- مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند . و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید ، که نداند منی است یا رطوبت دیگر ، حکم منی دارد .

مسئله ۳۵۵- اگر انسان جماع کند و باندازه ختنه گاه یا بیشتر داخل شود - در زن باشد یا در مرد ، در قبل باشد یا در دبر ، بالغ باشند یا نابالغ - هر دو جنب میشوند .

اگر چه منی هم بیرون نیاید .

مسئله ۳۵۶- اگر شك كند که بمقدار خسته گاه داخل شده یا نه ، غسل براو واجب نیست .

مسئله ۳۵۷- اگر نَعُوذُ بِاللَّهِ جِوَانِی را وطی کند ، یعنی با او نزدیکی نماید و منی از او بیرون آید غسل تنها کافی است و اگر منی بیرون نیاید ، چنانچه پیش از وطی وضو داشته باز هم غسل تنها کافیست و اگر وضو نداشته احتیاط واجب آنست که غسل کند؛ وضو هم بگیرد.

مسئله ۳۵۸- اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید، یا انسان شك كند که منی از او بیرون آمده یا نه، غسل بر او واجب نیست .

مسئله ۳۵۹- کسیکه نمیتواند غسل کند ولی تیمم برایش ممکن است ، بعد از داخل شدن وقت نماز هم میتواند با عیال خود نزدیکی کند.

مسئله ۳۶۰- اگر در لباس خود منی ببیند و بداند که از خود او است و برای آن غسل نکرده ، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد ، بعد از بیرون آمدن منی خوانده قضا کند ، ولی نمازهایی را که احتمال میدهد ، بعد از بیرون آمدن آن منی خوانده ، لازم نیست قضا نماید .

اعمالی که بر جنب حرام است

مسئله ۳۶۱- پنج عمل بر جنب حرام است : اول- رساندن جانی از بدن بخط قرآن، یا باسم خدا و پیغمبران و ائمه علیهم السلام ، و حضرت زهراء علیها السلام ، بطوری که در وضو گفته شد . دوم- رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر ﷺ اگر چه از یکدر داخل و از در دیگر خارج شود . سوم- توقف در مساجد دیگر ولی اگر از یکدر داخل و از در دیگر خارج شود؛ یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد

و احتیاط واجب نرفتن در حرم ائمه علیهم السلام است اگر چه از یکدر وارد و از در دیگر خارج شود. چهارم - گذاشتن چیزی در مسجد بلکه بنا بر احتیاط لازم از خارج هم چیزی در مسجد نگذارد پنجم - خواندن آیه‌ای که سجده واجب دارد و آن در چهار سوره است : اول - سوره سی و دوم قرآن (الْمَنْزِيل) دوم سوره چهل و یکم (خَمَّ سَجْدَه) سوم سوره پنجاه و سوم (وَالنَّجْم) چهارم سوره نود و ششم (اِقْرَأْ) و اگر يك حرف از این چهار آیه را هم بخواند حرام است و احتیاط مستحب آنستکه آیات دیگر سوره سجده دارا نیز نخواند .

اعمالیکه بر جنب مکروه است

مسئله ۳۶۲ - نه عمل بر جنب مکروه است : اول و دوم خوردن و آشامیدن، ولی اگر وضو بگیرد یا دستها را بشوید مکروه نیست سوم خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره هائی که سجده واجب ندارد . چهارم رساندن جائی از بدن بجلد و حاشیه و بین خطهای قرآن . پنجم همراه داشتن قرآن . ششم خوابیدن . ولی اگر وضو بگیرد یا بواسطه نداشتن آب ، تیمم کند مکروه نیست هفتم خضاب کردن بحنا و مانند آن . هشتم مالیدن روغن ببدن . نهم جماع کردن ، بعد از آنکه در خواب ، محظوم شده باشد .

غسل جنابت

مسئله ۳۶۳ - غسل جنابت برای تحصیل طهارت از جنابت ، مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب میشود . ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن ، غسل جنابت لازم نیست .

مسئله ۳۶۴ - لازم نیست در وقت غسل ، نیت کند که غسل واجب یا مستحب

می‌کنم و اگر فقط بقصد قربت - یعنی : برای انجام فرمان خداوند عالم - غسل کند کافیت .

مسئله ۳۶۵ - اگر یقین کند وقت نماز شده و نیت غسل واجب کند بعد معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده ، غسل او صحیح است .

مسئله ۳۶۶ - غسل را - چه واجب باشد و چه مستحب - بدو قسم می‌شود انجام داد .

ترتیبی و ارتعاسی :

غسل ترتیبی

مسئله ۳۶۷ - در غسل ترتیبی باید نیت غسل ، اول سر و گردن ؛ بعد طرف راست ، بعد طرف چپ بدن را بشوید . و اگر عمداً یا از روی فراموشی با واسطه ندانستن مسئله ، باین ترتیب عمل نکند ، غسل او باطل است .

مسئله ۳۶۸ - نصف ناف و نصف عورت را باید با طرف راست بدن و نصف دیگر را با طرف چپ بشوید ، بلکه بهتر است تمام ناف و عورت با هر دو طرف شسته شود .

مسئله ۳۶۹ - برای آنکه یقین کند هر سه قسمت - یعنی : سر و گردن و طرف راست و طرف چپ - را کاملاً غسل داده ، باید هر قسمتی را که میشوید مقداری از قسمت‌های دیگر را هم با آن قسمت بشوید . بلکه احتیاط مستحب آنست که تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن ، بشوید .

مسئله ۳۷۰ - اگر بعد از غسل بفهمد جائی از بدن را نشسته و نداند کجای بدنست باید دوباره غسل کند .

مسئله ۳۷۱ - اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته ، چنانچه از طرف چپ باشد ، شستن همان مقدار کافیت . و اگر از طرف راست باشد ، باید بعد

از شستن آن مقدار ؛ دوباره طرف چپ را بشوید. و اگر از سر و گردن باشد باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف راست و بعد طرف چپ را بشوید.

مسئله ۳۷۲ - اگر پیش از تمام شدن غسل، در شستن مقداری از طرف چپ شك کند؛ شستن همان مقدار کافیت، ولی اگر در شستن مقداری از طرف راست شك کند؛ باید بعد از شستن آن مقدار، طرف چپ را هم بشوید و اگر در شستن مقداری از سر و گردن شك کند، باید بعد از شستن آن، دوباره طرف راست و طرف چپ را بشوید، و اگر بعد از تمام شدن طرف چپ شك کند که یکی از اعضای سابق یا مقداری از آنرا شسته یانه، بآن شك اعتنا نکند.

غسل ارتماسی

مسئله ۳۷۳ - در غسل ارتماسی باید آب در يك آن تمام بدن را بگیرد، پس اگر بنیت غسل ارتماسی در آب فرو رود، چنانچه پای او روی زمین باشد، باید از زمین بلند کند.

مسئله ۳۷۴ - در غسل ارتماسی لازم نیست موقعی نیت کند که مقداری از بدن بیرون آب باشد بلکه اگر در حالتیکه تمام بدن زیر آب باشد، نیت کند و بدن را حرکت دهد، کافی است.

مسئله ۳۷۵ - اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد بمقداری از بدن آب نرسیده چه جای آنرا بداند یا نداند، باید دوباره غسل کند.

مسئله ۳۷۶ - اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد ولی برای ارتماسی وقت دارد، باید غسل ارتماسی کند.

مسئله ۳۷۷ - کسیکه روزه واجب گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته، نمی تواند غسل ارتماسی کند. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است.

احکام غسل کردن

مسئله ۳۷۸ - در غسل از تماسی باید تمام بدن پاک باشد ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد کافیت .

مسئله ۳۷۹ - کسیکه از حرام جنب شده و اگر بخواید با آب گرم غسل کند عرق میکند ، چون عرق او بنا بر احتیاط واجب نجس است ، باید با آب سرد غسل کند و اگر آب سرد پیدا نکند یا برای او ضرر داشته باشد ، نمیتواند در بیرون آب غسل ترتیبی کند و چنانچه بعد از آنکه تمام بدن زیر آب رفت ، نیت غسل ترتیبی کند و به نیت سر و گردن بدن را حرکت دهد بعد یک مرتبه به نیت طرف راست و مرتبه دیگر به نیت طرف چپ ، بدن را حرکت دهد ، غسل او صحیح است .

مسئله ۳۸۰ - اگر در غسل باندازه سر موئی از بدن نشسته بماند ، غسل باطل است ولی شستن جاهائی از بدن که دیده نمیشود ، مثل توی گوش و بینی واجب نیست .

مسئله ۳۸۱ - جائی را که شك دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن ، بنا بر احتیاط واجب باید بشوید .

مسئله ۳۸۲ - اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن بقدری گشاد باشد که داخل آن دیده شود ، باید آنرا شست و اگر دیده نشود ، شستن داخل آن لازم نیست .

مسئله ۳۸۳ - چیزی را که مانع رسیدن آب ببدن است ، باید برطرف کند و اگر پیش از آنکه یقین کند ، برطرف شده غسل نماید ، غسل او باطل است .

مسئله ۳۸۴ - اگر موقع غسل شك کند ، چیزی که مانع از رسیدن آب باشد در بدن او هست یا نه ؛ باید واریسی کند تا مطمئن شود که مانعی نیست .

مسئله ۳۸۵- در غسل باید، موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می شود، بشوید و شستن موهای بلند واجب نیست، بلکه اگر آب را طوری پیوست برساند که آنها را نشود، غسل صحیح است ولی اگر رساندن آب پیوست، بدون شستن آنها ممکن نباشد، باید آنها را بشوید که آب بدن برسد.

مسئله ۳۸۶- تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد- مثل: پاک بودن آب و عصبی بودن آن- در صحیح بودن غسل هم شرط است، ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا بپائین بشوید و نیز در غسل ترتیبی لازم نیست؛ بعد از شستن هر قسمت، فوراً قسمت دیگر را بشوید بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن، مقداری صبر کند و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدتی طرف چپ را بشوید اشکال ندارد ولی کسیکه نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر در تمام وقت باندازه ای که غسل کند و نماز بخواند، بول و غائط از او بیرون نمی آید، باید هر قسمت را فوراً بعد از قسمت دیگر غسل دهد و بعد از غسل هم فوراً نماز بخواند. و همچنین است حکم مستحاضه که بعداً گفته می شود.

مسئله ۳۸۷- کسیکه قصد دارد پول حمامی را بدهد یا بدون اینکه بداند حمامی راضی است، بخواند نسیه بگذارد، اگر چه بعد حمامی را راضی کند. غسل او باطل است مگر آنکه از راضی نبودن حمامی غافل باشد و قربه الی الله غسل کند که در این صورت غسل صحیح است و ضامن اجره المثل است.

مسئله ۳۸۸- اگر حمامی راضی باشد که پول حمام نسیه بماند ولی کسیکه غسل میکند، قصدش این باشد که طلب او را ندهد، یا از مال حرام بدهد، غسل او اشکال دارد مگر اینکه بداند، حمامی با این وصف هم راضی بغسل هست یا با غفلت از راضی بودن حمامی غسل کند که در هر دو صورت غسل صحیح است.

مسئله ۳۸۹- اگر بخواند، پول حرام یا پولی که خمس آنرا نداده، به حمامی بدهد غسل او باطل است ولی اگر یقین دارد که حمامی با این وصف راضی بغسل است یا با غفلت

از رضایت حمامی غسل کند، غسلش صحیح است .

مسئله ۳۹۰ - اگر کسی در موقع غسل بیش از حد متعارف آب مصرف نماید و شك داشته باشد که آیا حمامی راضی است یا نه ؛ غسل او باطل است مگر اینکه پیش از غسل از حمامی اذن بگیرد .

مسئله ۳۹۱ - اگر شك کند که غسل کرده یا نه، باید غسل کند ولی اگر بعد از غسل شك کند ، که غسل او درست بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل نماید .

مسئله ۳۹۲ - اگر در بین غسل، حدث اصغر از او سر بزند مثلاً بول کند، واجب است که غسل را تمام نماید و بعد ، وضو بگیرد ، و بهتر آنستکه غسل را احتیاطاً از سر بگیرد بقصد آنچه بر زمه او است از تمام یا اعاده لکن وضوء بعد از غسل در این صورت هم واجب است .

مسئله ۳۹۳ - اگر بخیال اینکه با اندازه غسل و نماز وقت دارد، برای خصوص آن نماز غسل کند و معلوم شود که کمتر از غسل و تمام نماز وقت داشته ، غسل او اشکال دارد ولی اگر بقصد طهارت از جنابت، غسل کرده که بعد نماز هم بخواند غسلش صحیح است اگر چه معلوم شود هیچ وقت نداشته است .

مسئله ۳۹۴ - کسیکه جنب شده اگر شك کند غسل کرده یا نه، نمازهائی را که خوانده صحیح است ولی برای نمازهای بعد، باید غسل کند .

مسئله ۳۹۵ - کسیکه چند غسل بر او واجب است ، میتواند به نیت همه آنها يك غسل بجا آورد ، یا آنها را جدا جدا انجام دهد ولی اگر در بین آنها ؛ غسل جنابت باشد و بقصد آن غسل کند ؛ غسلهای دیگر ساقط میشود .

مسئله ۳۹۶ - اگر بر جائی از بدن ؛ آیه قرآن یا اسم خداوند متعال، نوشته شده باشد ؛ بنا بر احتیاط واجب - اگر ممکن است - باید آنرا از بین ببرد ؛ و اگر ممکن نیست باید وضو و غسل را از تماسی انجام دهد ؛ و چنانچه بخواد وضو یا غسل را ترتیبی بجا آورد ؛ باید آب را طوری بپدن برساند که دست او بنوشته نرسد .

مسئله ۳۹۷ - کسیکه غسل جنابت کرده ، نباید برای نماز وضو بگیرد ولی باغسلهای دیگر نمی شود نماز خواند و باید وضو هم گرفت.

استحاضه

یکی از خونهایی که از زن خارج میشود خون استحاضه است و زن را در موقع دیدن خون استحاضه، مستحاضه میگویند .

مسئله ۳۹۸ - خون استحاضه در بیشتر اوقات ، زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش ؛ بیرون می آید و غلیظ هم نیست ولی ممکن است ، گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش ، بیرون آید .

مسئله ۳۹۹ - استحاضه سه قسم است : قلیله و متوسطه و کثیره ، استحاضه قلیله آنستکه خون فقط روی پنبه ای را که داخل فرج می نماید آلوده کند و در آن فرو نرود ، استحاضه متوسطه آنستکه خون در پنبه فرورود ، اگرچه در يك گوشه آن باشد ، ولی از پنبه بدستمالی که معمولاً برای جلوگیری از خون می بندند ، نرسد ، استحاضه کثیره آنست که خون ، پنبه را بگیرد و بدستمال هم برسد .

احکام استحاضه

مسئله ۴۰۰ - در استحاضه قلیله باید برای هر نماز يك وضو بگیرد و پنبه را عوض کند و ظاهر فرج را . اگر خون بآن رسیده - آب بکشد .

مسئله ۴۰۱ - در استحاضه متوسطه باید برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای هر نماز ؛ کارهای استحاضه قلیله را که در مسئله پیش گفته شد ، انجام دهد . و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند ، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند ؛ باید پیش از نماز

مغرب وعشا غسل نماید؛ چه آنکه خون بیاید یا قطع شده باشد.

مسئله ۴۰۲ - در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسئله پیش گفته شد، باید برای هر نماز دستمال را عوض کند، یا آب بکشد و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب وعشا؛ بجا آورد و بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد و اگر فاصله بیندازد، باید برای نماز عصر دوباره غسل کند و نیز اگر بین نماز مغرب وعشا فاصله بیندازد، باید برای نماز عشا دوباره غسل نماید و چون وجوب وضوء در استحاضه کثیره محل تأمل است، احتیاط آنستکه پیش از غسل، بقصد رجا، وضو بگیرد و در میان نماز ظهر و عصر و نماز مغرب وعشا - اگر جمع بین آنها مینماید - گرفتن وضوء، برای استحاضه کثیره، خلاف احتیاط است مگر در حال گفتن اقامه نماز دوم که با جمع عرفی منافی نباشد.

مسئله ۴۰۳ - اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز بیاید و بعد قطع شود چنانچه برای آن خون؛ وضو و غسل بجا نیاورده باشد، باید در موقع نماز، وضو و غسل را بجا آورد.

مسئله ۴۰۴ - استحاضه متوسطه که باید وضو بگیرد و غسل کند، هر کدام را اول بجا آورد صحیح است و استحاضه کثیره چنانچه گذشت احوط آنستکه پیش از غسل، وضو بگیرد.

مسئله ۴۰۵ - اگر استحاضه قلیله بعد از نماز صبح متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود، باید برای نماز مغرب وعشا غسل نماید.

مسئله ۴۰۶ - اگر استحاضه قلیله یا متوسطه بعد از نماز صبح، کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل و برای نماز مغرب وعشا غسل دیگری، بجا آورد و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب وعشا، غسل نماید.

مسئله ۴۰۷ - استحاضه کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن وقت نماز

برای نماز غسل کند، غسل او باطل است بلکه احتیاط لازم آنستکه میان غسل و نماز فاصله نیندازد مگر بخواندن نافله همان نماز .

مسئله ۴۰۸- مستحاضه قلیله و متوسطه برای هر نماز چه واجب باشد و چه مستحب باید وضو بگیرد و نیز اگر بخواند نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند، یا بخواند نمازی را که تنها خوانده است دوباره باجماعت بخواند ؛ باید تمام کارهایی را که برای مستحاضه گفته شد انجام دهد . ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو ، اگر آنها را بعد از نماز فوراً بجا آورد، لازم نیست کارهای مستحاضه را انجام دهد.

مسئله ۴۰۹- مستحاضه بعد از آنکه خودش قطع شد، فقط برای نماز اولی که میخواند؛ باید کارهای مستحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست.

مسئله ۴۱۰- اگر نداند استحاضه او چه قسم است، موقعی که میخواند نماز بخواند باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آنکه فهمید استحاضه او کدام يك از آن سه قسم است، کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهد ؛ ولی اگر بداند تا وقتی که میخواند نماز بخواند استحاضه او تغییر نمیکند، پیش از داخل شدن وقت هم میتواند خود را واریسی نماید .

مسئله ۴۱۱- مستحاضه اگر پیش از آنکه خود را واریسی کند، مشغول نماز شود چنانچه قصد قربت داشته و بوظیفه خود عمل کرده- مثلاً : استحاضه اش قلیله بوده و بوظیفه استحاضه قلیله عمل نموده - نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته، یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده - مثل آنکه : استحاضه او متوسطه بوده و بوظیفه قلیله رفتار کرده - نماز او باطل است .

مسئله ۴۱۲- مستحاضه اگر نتواند خود را واریسی نماید که متوسطه یا قلیله یا کثیره است، باید بنحوی عمل کند که یقین ببراءت ذمه ، حاصل کند پس در شك میان قلیله و متوسطه یا متوسطه و کثیره، عمل بوظیفه هر دو نماید و در شك بین هر سه قسم، عمل

بوظیفه هرسه قسم نماید ولی اگر بدانند سابقاً کدام يك از آن سه قسم بوده ؛ باید بوظیفه همان قسم رفتار نماید .

مسئله ۴۱۳ - اگر خون استحاضه در باطن باشد و از محل خود خارج نشده باشد، وضو و غسل باطل نمیشود . و اگر بیرون بیاید - هر چند کم باشد - باز محل خود خارج شده و بمحلی رسیده باشد که اگر پنبه داخل کند، آلوده بخون میشود، باید بوظایفی که گفته شد، عمل کند.

مسئله ۴۱۴ - مستحاضه اگر بعد از نماز، خود را واری کند و خون نبیند اگر چه بداند دوباره خون می آید، با وضوئی که دارد می تواند نماز بخواند.

مسئله ۴۱۵ - مستحاضه تا وقتی اطمینان دارد خون بیرون نمی آید؛ میتواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد .

مسئله ۴۱۶ - اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز، بکلی پاک میشود یا باندازه خواندن نماز خون بند می آید، باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است، بخواند .

مسئله ۴۱۷ - اگر بعد از وضو و غسل، خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد، بمقتداری که وضو و غسل و نماز را بجا آورد، بکلی پاک میشود، باید نماز را تأخیر بیندازد و موقعی که بکلی پاک شد، دوباره وضو و غسل را بجا آورد و نماز را بخواند. و اگر وقت نماز تنگ شد، لازم نیست وضو و غسل را دوباره بجا آورد، بلکه اگر وقت تیمم دارد، بجای هر يك از وضو و غسل، تیمم کند و برای نمازهای بعد، غسل و وضو بجا آورد و اگر وقت تیمم هم ندارد بهمین حال نماز بخواند و بعد با غسل و وضو آن را قضا کند .

مسئله ۴۱۸ - مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی بکلی از خون پاک شد، باید غسل کند ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش مشغول غسل شده، دیگر خون نیامده، لازم

نیست دوباره غسل نماید .

مسئله ۴۱۹ - مستحاضه قبله بعد از وضو و مستحاضه کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو ، باید فوراً مشغول نماز شود و لی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز اشکال ندارد و در نماز هم میتواند کارهای مستحب - مثل قنوت و غیر آنرا - بجا آورد .

مسئله ۴۲۰ - مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد و خون ببیند، باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود.

مسئله ۴۲۱ - اگر خون استحاضه جریان دارد و قطع نمیشود، چنانچه برای او ضرر ندارد، باید پیش از غسل و بعد از آن بوسیله پنبه از بیرون آمدن خون، جلوگیری کند. ولی اگر همیشه جریان ندارد، فقط باید بعد از وضو و غسل از بیرون آمدن خون، جلوگیری نماید، و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره بنا بر احتیاط لازم، غسل کند و اگر نماز هم خوانده، باید دوباره بخواند.

مسئله ۴۲۲ - اگر در موقع غسل، خون قطع نشود، غسل صحیح است ولی اگر در بین غسل، استحاضه متوسطه، کثیره شود و واجب است غسل را از سر بگیرد.

مسئله ۴۲۳ - احتیاط واجب آنست که مستحاضه، در تمام روزی که روزه است بمقداری که میتواند، از بیرون آمدن خون، جلوگیری کند.

مسئله ۴۲۴ - روزه مستحاضه ای که غسل بر او واجب میباشد، در صورتی صحیح است که غسل نماز مغرب و عشاء شبی که میخواهد فردای آن را روزه بگیرد، بجا آورد و بلکه بنا بر احتیاط لازم غسل نماز مغرب و عشاء شب بعد را نیز، بجا آورد. و نیز در روز غسلهایی را که برای نمازهای روزش واجب است انجام دهد. ولی اگر برای نماز مغرب و عشاء شب قبل، غسل نکند و نزدیک اذان صبح، غسل نماید که تا سحر صبح بمقدار نافله صبح زیادتیر، فاصله نشود و غسلهای نمازهای روز و غسل مغرب و عشاء شب بعد را (بنا بر احتیاط لازم) بجا آورد، روزه اش

صحیح است.

مسئله ۲۲۵ - اگر بعد از نماز عصر مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند، روزه او صحیح است و بنا بر احتیاط لازم شرط است، در صحت روزه این روز؛ غسل نماز مغرب و عشاء شب بعد؛ چنانچه گذشت .

مسئله ۲۲۶ - اگر استحاضه قلیله پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود؛ باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد، انجام دهد. و اگر استحاضه متوسطه، کثیره شود، باید کارهای استحاضه کثیره را؛ انجام دهد و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد، فائده ندارد و باید دوباره برای کثیره، غسل کند.

مسئله ۴۲۷ - اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه؛ کثیره شود، باید نماز را بشکند و برای استحاضه کثیره، غسل کند و وضو بگیرد و کارهای دیگر آنرا انجام دهد و نماز بخواند. و اگر برای هیچ کدام از غسل و وضو وقت ندارد، باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل، و دیگری بدل از وضو و اگر برای یکی از آنها وقت ندارد؛ باید عوض آن تیمم کند و دیگری را بجا آورد ولی اگر برای تیمم هم وقت ندارد نمیتواند نماز را بشکند و باید نماز را تمام کند و بنا بر احتیاط واجب قضا نماید و همچنین است اگر در بین نماز، استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود.

مسئله ۴۲۸ - اگر در بین نماز خون بند بیاید و مستحاضه نداند که در باطن هم قطع شده یانه، چنانچه بعد از نماز بفهمد قطع شده بوده، باید وضو و غسل و نماز را دوباره بجا آورد.

مسئله ۴۲۹ - اگر استحاضه کثیره متوسطه شود، باید برای نماز اول، عمل کثیره و برای نمازهای بعد، عمل متوسطه را بجا آورد - مثلاً: اگر پیش از نماز ظهر استحاضه کثیره، متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشاء فقط؛ وضو بگیرد - ولی اگر برای نماز ظهر غسل نکند و فقط بمقدار نماز عصر وقت داشته باشد، باید برای نماز عصر غسل نماید و اگر برای نماز عصر هم غسل نکند، باید برای نماز

مغرب غسل کند و اگر برای آن هم غسل نکند و فقط بمقدار نماز عشا وقت داشته باشد باید برای عشا غسل نماید .

مسئله ۴۳۰ - اگر پیش از هر نماز ، خون مستحاضه کثیره و یا متوسطه تظعن شود و دوباره بیاید ، برای هر نماز باید بیک غسل بجا آورد .

مسئله ۴۳۱ - اگر استحاضه کثیره ، قلیله شود ، باید برای نماز اول ، وضو و غسل و برای نمازهای بعد ، عمل قلیله را بجا آورد . و نیز اگر استحاضه متوسطه قلیله شود ، باید برای نماز اول ، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد ، عمل قلیله را بجا آورد .

مسئله ۴۳۲ - اگر مستحاضه ، یکی از کارهایی را که بر او واجب میباشد حتی عوض کردن پنبه را ترك کند ؛ نمازش باطل است .

مسئله ۴۳۳ - احتیاط آنستکه مستحاضه غیر از نماز ؛ هر کاری را که شرط آن طهارت است - مثل دست کشیدن بخیط قرآن - ترك کند مگر در صورتیکه بر او واجب باشد .

مسئله ۴۳۴ - اگر مستحاضه ، غسلهای واجب خود را بجا آورد ، رفتن در مسجد و توقف در آن و خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و نزدیکی شوهر با او ؛ حلال میشود ؛ اگر چه کارهای دیگر بر او واجب است - مثل عوض کردن پنبه و دستمال - انجام نداده باشد .

مسئله ۴۳۵ - اگر زن ، در استحاضه کثیره یا متوسطه ، بخواهد پیش از وقت نماز ، سوره ای را که سجده واجب دارد بخواند ، یا مسجد برود ، بنا بر احتیاط واجب ، باید غسل نماید ؛ و همچنین است اگر شوهرش بخواهد با او نزدیکی کند .

مسئله ۴۳۶ - نماز آیات بر مستحاضه ، واجب است . و باید برای نماز آیات هم کارهایی را که برای نماز یومیه گفته شد ، انجام دهد .

مسئله ۴۳۷ - هر گاه ، در وقت نماز یومیه ، نماز آیات ، بر مستحاضه واجب

شود اگر چه بخواند ، هر دورا پشت سر هم بجا آورد ، باید برای نماز آیات هم تمام کارهایی را که برای نماز یومیه بر او واجب است ، انجام دهد و نمیتواند هر دورا بایک غسل و وضو بخواند .

مسئله ۴۳۸- اگر مستحاضه بخواند نماز قضا بخواند ، باید برای هر نماز ، کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب است ؛ بجا آورد لکن احتیاط لازم ، ترك قضا است تا پاک نشود مگر با خوف فوت .

مسئله ۴۳۹- اگر زن بداند ؛ خونی که از او خارج میشود ، خون زخم نیست و بداند یا حیض است یا استحاضه ؛ و یا نفاس است یا استحاضه ، و علامت حیض و نفاس نداشته باشد ، باید بدستور استحاضه ، عمل کند و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد ، بلکه اگر شك داشته باشد که خون استحاضه است یا خونهای دیگر ، چنانچه نشانه آنها را نداشته باشد ؛ بنا بر احتیاط واجب ؛ باید کارهای مستحاضه را انجام دهد .

حیض

حیض ، خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زن خارج می شود و زن را در موقع دیدن خون حیض ، حائض می گویند .

مسئله ۴۴۰- خون حیض در بیشتر اوقات ، غلیظ و گرم و رنگ آن سیاه یا سرخ است و با فشار کمی سوزش ؛ بیرون می آید .

مسئله ۴۴۱- زنان سیده ، بعد از تمام شدن شصت سال ، یائسه می شوند یعنی ؛ خون حیض نمی بینند - و زنانیکه سیده نیستند ؛ بعد از تمام شدن پنجاه سال ، یائسه می شوند .

مسئله ۴۴۲- خونی که دختر ، پیش از تمام شدن نه سال وزن ، بعد از یائسه شدن می بیند ، حیض نیست .

مسئله ۴۴۳- زن حامله وزنی که بچه شیر می دهد ، ممکن است حیض ببیند .
 مسئله ۴۴۴- دختریکه نمیداند نه سالش تمام شده یانه ، اگر خونی ببیند که
 نشانه های حیض را نداشته باشد ، حیض نیست و اگر نشانه های حیض را داشته باشد ،
 حیض است و معلوم می شود نه سال او تمام شده است .

مسئله ۴۴۵- زنیکه شك دارد بآنسه شده یانه ، اگر خونی ببیند و نداند حیض
 است یانه ؛ باید بنا بگذارد که پائسه نشده است .

مسئله ۴۴۶- مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز ، نمیشود . و اگر
 مختصری هم از سه روز کمتر باشد ، حیض نیست .

مسئله ۴۴۷- اگر سه روز اول حیض پشت سر هم نباشد- مثل آنکه: دوروز خون
 ببیند و يك روز پاك شود و دوباره يك روز خون ببیند- بنا بر احتیاط لازم، در روزهایی
 خون می ببیند ، باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و ترك حیض و در روزهایی
 که خون نمی ببیند ، هم کارهایی را که بر حیض حرام است ، ترك کند و هم عبادتهای
 خود را بجا آورد .

مسئله ۴۴۸- لازم نیست در تمام سه روز ، خون بیرون بیاید بلکه اگر خون در
 فرج باشد بنحویکه در این سه روز هر موقع پنبه یا انگشت داخل کند آلوده شود ،
 کافی است بشرط آنکه از اول مقداری خون بیرون آمده باشد - هر چند کم باشد و
 چه بخودی خود یا بوسیله پنبه و غیر آن بیرون آمده باشد - و اگر بیرون نیامده و فقط
 در فضای فرج ریخته ، احتیاط آنستکه تا خون بیرون نیامده ، هم عبادتهای خود را
 بجا آورد و هم کارهایی را که بر حیض حرام است ترك کند، و هر گاه درین سه روز
 مختصری پاك شود - که در باطن خون نباشد - حکم بحیض بودن ، مشکل است ولی
 اگر مدت پاکی کم باشد احتیاط لازم آنستکه ، بین ترك حیض و اعمال مستحاضه،
 جمع نماید .

مسئله ۴۴۹ - لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند ولی باید در شب دوم و سوم قطع نشود ، پس اگر از اول اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سر هم خون بیاید و در شب دوم و سوم هیچ خون قطع نشود ، حیض است ولی اگر در اواسط روز اول شروع و در همان موقع از روز چهارم قطع شود ، بشرطی حیض است که در شبهای دوم و سوم و چهارم نیز خون قطع نشود.

مسئله ۴۵۰ - اگر سه روز پشت سر هم خون به بیند و پاک شود ؛ چنانچه دوباره خون ببیند و روزهاییکه خون دیده و روزهاییکه در وسط پاک بوده ، روی هم ازده روز بیشتر نشود احتیاط آنستکه ، در روزهای پاک ، عبادت‌های خود را بجا آورد و آنچه را بر حائض حرام است ترك کند .

مسئله ۴۵۱ - اگر در ایام عادت خونی به بیند که از سه روز بیشتر و ازده روز کمتر باشد و نداند ؛ خون دمل و زخم است یا خون حیض ، باید آنرا حیض قرار دهد .
مسئله ۴۵۲ - اگر صاحب عادت و قتیة در ایام عادت خونی ببیند که نداند خون زخم است یا حیض ، باید آنرا حیض قرار دهد.

مسئله ۴۵۳ - اگر خونی به بیند و شك کند که خون حیض است یا نفاس ، باحکام حیض و نفاس ، عمل کند و غسل را بقصد مافی الذمه از حیض یا نفاس ، بجا آورد .

مسئله ۴۵۴ - اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت ، باید خود را و ارسی کند ، یعنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند ، بعد بیرون آورد پس اگر اطراف آن آلوده باشد ، خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده ، حیض می باشد .

مسئله ۴۵۵ - اگر کمتر از سه روز خون به بیند و پاک شود و بعد سه روز خون ببیند و مجموع خون اول و دوم و پاک در بین ، ازده روز بیشتر نباشد ، خون دوم را حیض قرار دهد و در خون اول احتیاط آنستکه جمع کند ، بین کارهای مستحاضه و

ترك آنچه بر حائض، حرام است و در پاکی در بین کارهایی را که بر حائض حرام است ترك کند و عبادتهای خود را، بجا آورد.

احکام حائض

مسئله ۴۵۶ - چند چیز بر حائض حرام است. اول عبادتهائیکه - مانند نماز - باید با وضو یا غسل یا تیمم، بجا آورده شود ولی بجا آوردن عبادتهائیکه وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست - مانند نماز میت - مانعی ندارد. دوم تمام چیزهائیکه بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد. سوم جماع کردن در قبل، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگر چه بمقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید بلکه احتیاط واجب آنست که مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکند و در دبر زن حائض هم وطی ننماید.

مسئله ۴۵۷ - جماع کردن در روزهایی هم که حیض قطعی نیست ولی شرعاً باید آنرا حیض قرار دهد حرام است. پس زنی که بیشتر از ده روز خون می بیند و باید، بدستوریکه بعداً گفته می شود روزهای عادت خویشان خود را، حیض قرار دهد شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.

مسئله ۴۵۸ - اگر شماره روزهای حیض به سه قسمت تقسیم شود و شوهر در قسمت اول آن با زن خود در قبل جماع کند، مستحب بلکه احوط است که هیچده نخود طلا کفاره، بفقیر بدهد و اگر در قسمت دوم جماع کند، نه نخود و اگر در قسمت سوم جماع کند، چهار نخود و نیم بدهد، مثلاً زنی که شش روز خون حیض می بیند اگر شوهرش در شب یاروز اول و دوم با او جماع کند؛ مستحب بلکه احوط است که هیچده نخود طلا و در شب یاروز سوم و چهارم، نه نخود و در شب یاروز پنجم و ششم، چهار نخود و نیم بدهد.

مسئله ۴۵۹ - بهتر آنست که طلای کفاره را سکه دار، بدهد ولی اگر ممکن

نباشد، قیمت آن کافی است.

مسئله ۴۶۰ - اگر قیمت طلا، در وقتی که جماع کرده، با وقتی که میخواهد بفقییر بدهد، فرق کرده باشد باید قیمت وقتی را که میخواهد بفقییر بدهد، حساب کند.

مسئله ۴۶۱ - اگر کسی، هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم حیض؛ با زن خود جماع کند، مستحب بلکه احوط آنستکه هر سه کفاره را - که روی هم سی و یک نخود و نیم میشود - بدهد.

مسئله ۴۶۲ - اگر انسان - بعد از آنکه در حال حیض، جماع کرده و کفاره آنرا داده - دوباره جماع کند، باز هم مستحب بلکه احوط است که کفاره بدهد.

مسئله ۴۶۳ - اگر با حائض چند مرتبه جماع کند و در بین آنها، کفاره ندهد، احتیاط مستحب آنست که برای هر جماع یک کفاره بدهد.

مسئله ۴۶۴ - اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود.

مسئله ۴۶۵ - اگر مردی با حائض زنا کند یا با حائض نامحرمی - بگمان اینکه عیال خود او است - جماع نماید، احتیاط مستحب آنست که کفاره بدهد.

مسئله ۴۶۶ - کسیکه نمیتواند کفاره بدهد، استغفار کند، و هر وقت توانست احتیاط مستحب آنستکه کفاره را بدهد.

مسئله ۴۶۷ - طلاق دادن زن در حال حیض - بطوریکه در کتاب طلاق گفته میشود - باطل است.

مسئله ۴۶۸ - اگر زن بگوید: حائضم یا از حیض پاک شده‌ام، باید حرف او را قبول کرد.

مسئله ۴۶۹ - اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است.

مسئله ۴۷۰ - اگر زن در بین نماز شك کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است.

مسئله ۴۷۱ - اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده، نمازی که خوانده

باطل است .

مسئله ۴۷۲ - بعد از آنکه از خون حیض پاک شد، واجبست برای نماز و عبادت های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، غسل کند. و دستور آن مثل غسل جنابت است ولی برای نماز باید - پیش از غسل یا بعد از آن - وضو هم بگیرد. و اگر پیش از غسل، وضو بگیرد بهتر است.

مسئله ۴۷۳ - بعد از آنکه از خون حیض پاک شد - اگر چه غسل نکرده باشد - طلاق او صحیح است و شوهرش هم میتواند با او جماع کند . ولی احتیاط مستحب آنستکه پیش از غسل از جماع با او خودداری نماید اما کارهای دیگری که در وقت حیض ، بر او حرام بوده - مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن - تا غسل نکند بر او حلال نمی شود .

مسئله ۴۷۴ - اگر آب برای وضو و غسل ؛ کافی نباشد و باندازه ای باشد که بتواند ، یا غسل کند یا وضو بگیرد ، باید غسل کند و بدل از وضو تیمم نماید . و اگر فقط برای وضو کافی باشد ، باید وضو بگیرد و هوض غسل تیمم نماید و اگر برای هیچ یک از آنها آب ندارد ، باید دو تیمم کند ، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو .

مسئله ۴۷۵ - نمازهای یومیه ای که در حال حیض نخوانده، قضاندارد ولی روزه های واجب را باید قضا نماید.

مسئله ۴۷۶ - هر گاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تاخیر بیند از حائض میشود ، باید فوراً نماز بخواند .

مسئله ۴۷۷ - اگر زن نماز را تاخیر بیند از اول وقت باندازه خواندن یک نماز بگذرد و حائض شود ؛ قضای آن نماز بر او واجب است ولی در تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر ؛ باید ملاحظه حال خود را بکند مثلاً زنی که مسافر نیست اگر در اول ظهر نماز نخواند ؛ قضای آن در صورتی واجب میشود که بمقدار خواندن چهار

رکعت نماز اول ظهر بگذرد و حائض شود و برای کسیکه مسافر است گذشتن وقت بمقدار خواندن دو رکعت کافیست .

مسئله ۴۷۸ - اگر حائض در آخر وقت نماز خون پاک شود و باندازه غسل و وضو و مقدمات دیگر نماز - مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن - و خواندن یک رکعت یا بیشتر از یک رکعت ، وقت داشته باشد ، باید نماز را بخواند و اگر نخواند ، باید قضای آن را بجا آورد . بلکه اگر فقط باندازه یک رکعت نماز با طهارت وقت داشته باشد ، احتیاط لازم خواندن نماز با طهارت است - اگر چه بقدر تهیه سایر مقدمات وقت نداشته باشد - و اگر نخواند قضاء آن را بجا آورد .

مسئله ۴۷۹ - اگر حائض - بعد از پاک شدن - باندازه غسل و وضو وقت ندارد ؛ ولی میتواند باتیمم نماز را در وقت بخواند ، آن نماز بر او واجب نیست ، اما اگر قطع نظر از تنگی وقت تکلیفش تیمم است - مثل آنکه آب برایش ضرر دارد - باید تیمم کند و آن نماز را بخواند .

مسئله ۴۸۰ - اگر حائض - بعد از پاک شدن - شك کند که برای نماز وقت دارد یا نه ، باید نمازش را بخواند .

مسئله ۴۸۱ - اگر بخیال این که باندازه تهیه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارد ، نماز نخواند و بعد فهمید وقت داشته ، باید قضای آن نماز را بجا آورد .

مسئله ۴۸۲ - مستحب است زن حائض در وقت نماز ، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمیتواند وضو بگیرد ، تیمم نماید و در جای نماز رو بقبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود .

مسئله ۴۸۳ - خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جائی از بدن بوقر قرآن که خط قرآن در آن نباشد - مثل حاشیه و بین سطرها - و نیز خضاب کردن بحناء و مانند آن ، برای حائض مکروه است .

اقسام حائض

مسئله ۴۸۴- حائض برشش قسم است : اول - صاحب عادت وقتیهِ و عددیه و آن زنیستکه دو ماه پشت سرهم در وقت معین ، خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در آن دو ماه يك اندازه باشد ، مثل آنکه دو ماه پشت سرهم از اول ماه تا هفتم خون ببیند . دوم - صاحب عادت وقتیهِ و آن زنیستکه دو ماه پشت سرهم در وقت معین ، خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در آن دو ماه يك اندازه نباشد مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاك شود . سوم - صاحب عادت عددیه و آن زنیستکه شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سرهم يك اندازه باشد ، ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد مثل آنکه ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند . چهارم - مضطربه و آن زنیست که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده ، یا عادتش بهم خورده و عادت تازه ای پیدا نکرده است . پنجم - مبتدئه و آن زنیست که دفعه اول خون دیدن او است . ششم - ناسیه و آن زنیست که عادت خود را فراموش کرده است .

و هر کدام اینها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته میشود .

۱- صاحب عادت وقتیهِ و عددیه

مسئله ۴۸۵- زنانیکه عادت وقتیهِ و عددیه دارند سه دسته اند : اول زنیکه دو ماه پشت سرهم در وقت معین ، خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاك شود ، مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز اول ماه خون ببیند و روز هفتم پاك شود که عادت حیض این زن از اول ماه تا هفتم است . دوم زنیکه از خون پاك نمیشود ولی دو ماه پشت سرهم

چندروز معین - مثلاً از اول ماه تا هشتم - خونی که می بیند ، نشانه های حیض را دارد - یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می آید - و بقیه نشانه - های استحاضه را دارد ، که عادت او از اول ماه تا هشتم میشود . سوم زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین ، خون حیض ببیند و بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید ، يك روز یا بیشتر پاك شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاك بوده ، ازده روز بیشتر نشود و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاك بوده روی هم يك اندازه باشد که عادت او همان روزهایی است که بطور متفرق خون دیده و در پاکی در بین ، باید احتیاطاً عبادت های خود را بجا آورد و آنچه را بر حائض حرام است ، ترك کند و اگر در روزهای پاکی در ماههای پیش ، اتفاقاً خون به بیند ؛ باید در آن روزها احتیاطاً جمع کند میان کارهای مستحاضه و ترك حائض .

مسئله ۴۸۶- زنیکه عادت وقتیه و عددیه دارد ، اگر در وقت عادت یادو سه روز جلوتر یادو سه روز عقبتر خون ببیند ، بطوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته - اگر چه آن خون ، نشانه های حیض را نداشته باشد - باید با حکامی که برای حائض گفته شد عمل کند . و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده - مثل اینکه پیش از سه روز پاك شود - باید عبادت هایی را که بجا نیاورده ، قضا نماید .

مسئله ۴۸۷- زنیکه عادت وقتیه و عددیه دارد ، اگر چند روز پیش از عادت و همه روزهای عادت و چند روز بعد از عادت ، خون ببیند و رو بهم ازده روز بیشتر نشود همه حیض است . و اگر ازده روز بیشتر شود ، فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده ، حیض است و خونیکه پیش از آن و بعد از آن دیده ، استحاضه میباشد و باید عبادت هایی را که در روزهای پیش از عادت و بعد از عادت بجا نیاورده ، قضا نماید و اگر همه روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت ، خون ببیند و روی هم از ده روز

بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط روزهای عادت، حیض است و خونی که جلوتر از آن دیده، استحاضه میباشد و چنانچه در آنروزها عبادت نکرده، باید قضا نماید و اگر هم روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر بیشتر شود فقط روزهای عادت، حیض و باقی استحاضه است.

مسئله ۴۸۸- زنیکه عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت، خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر از ده روز بیشتر شود روزهایی که در عادت؛ خون دیده با چند روز پیش از آن که روی هم بمقدار عادت او شود، حیض، و روزهای اول را استحاضه قرار میدهد و اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت، خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر بیشتر شود، باید روزهایی که در عادت، خون دیده با چند روز بعد از آن که روی هم بمقدار عادت او شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسئله ۴۸۹- زنیکه عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید، پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون کمتر از ده روز باشد و همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر باشد - مثل آنکه پنج روز خون ببیند و پنج روز پاک شود، و دو باره پنج روز خون ببیند - چند صورت دارد:

۱- آنکه تمام خونی که دفعه اول دیده، یا مقداری از آن، در روزهای عادت باشد و خون دوم که بعد از پاک شدن می بیند در روزهای عادت نباشد، که باید همه خون اول را حیض، و خون دوم را استحاضه قرار دهد.

۲- آنکه خون اول در روزهای عادت نباشد؛ و تمام خون دوم یا مقداری از آن در روزهای عادت باشد، که باید همه خون دوم را حیض، و خون اول را استحاضه

قرار دهد .

۳- آنکه مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد و خون اولی که در روزهای عادت بوده ، از سه روز کمتر نباشد و با پاکی وسط و مقداری از خون دوم که آن هم در روزهای عادت بوده ؛ از ده روز بیشتر نباشد که در اینصورت ، اگر يك روز یا دو روز خون زودتر دیده باشد ، احتیاط آنستکه در این دوروز آنچه را که بر حائض حرامست ترك کند و کارهای مستحاضه را بجا آورد و هم چنین بمقدار آن از ایام عادت را در آخر ده روز ، احتیاط بنماید و مقداری از خون اول را که در عادت بوده با مقداری از خون دوم را که در عادت بوده ، حیض قرار دهد و در پاکی در بین احتیاط کند بترك آنچه بر حائض حرام است و عبادتهای خود را بجا آورد ، مثلا - اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده - در صورتی که يك ماه از اول تاششم ، خون به بیند و یکروز پاك شود و بعد تا چهاردهم ، خون به بیند در روز اول و دوم ماه ونهم و دهم ، باید چنانچه گفته شد احتیاط نماید و روز سوم تاششم و هشتم را حیض قرار دهد و در هفتم که پاکی در بین است نیز بنحوی که گفته شد ، احتیاط کند بترك آنچه بر حائض حرام است و فعل عبادات .

۴- آنکه مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد ؛ ولی هر يك از خون اولی و دومی ، که در روزهای عادت بوده ، از سه روز کمتر باشد ، که باید در تمام دو خون کارهایی را که بر حائض حرام است ، ترك کند و کارهای مستحاضه را بجا آورد و در پاکی در بین کارهایی را که بر حائض حرام است ، ترك کند و عبادتهای خود را انجام دهد .

مسئله ۴۹۰- زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد ، اگر در وقت عادت ، خون نبیند و در غیر آن وقت بشماره روزهای حیضش باصفات حیض خون ببیند ؛ باید همان را حیض قرار دهد ، چه پیش از وقت عادت دیده باشد چه بعد از آن .

مسئله ۴۹۱- زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد ، اگر در وقت عادت خود خون

ببیند ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از روزهای عادت او باشد و بعد از پاک شدن ، دوباره بشماره روزهای عادت که داشته خون ببیند ، باید آنچه را در وقت دیده ، حیض قرار دهد و اگر شماره روزهایش کمتر باشد اگر ممکن است کسری عدد را از آنچه بعد از عادت دیده ، تمام نماید و در مابقی عمل مستحاضه نماید اگر از ده روز تجاوز کند و اگر تجاوز نکند تمام روزهایی را که خون دیده حیض قرار دهد و در پاکی در بین احتیاط به ترك آنچه بر حائض حرام است و انجام عبادتهائی خود .

مسئله ۴۹۲- زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد ، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند ، خونی که در روزهای عادت دیده - اگر چه نشانه های حیض را نداشته باشد - حیض است ، و خونی که بعد از روزهای عادت دیده - اگر چه نشانه های حیض را داشته باشد - استحاضه است . مثلاً زنی که عادت حیض او از اول ماه تا هفتم است ؛ اگر از اول تا دوازدهم خون ببیند ؛ هفت روز اول آن ، حیض و پنج روز بعد ، استحاضه می باشد .

۲- صاحب عادت وقتیه

مسئله ۴۹۳- زنانی که عادت وقتیه دارند ، سه دسته اند : اول- زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین ، خون حیض ببیند و بعد از چند روز پاک شود ولی شماره روزهای آن در این دو ماه يك اندازه نباشد ؛ مثلاً دو ماه پشت سر هم روز اول ماه ؛ خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود ، که این زن باید روز اول ماه را روز اول عادت خود قرار دهد . دوم- زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین ، خون او نشانه های حیض را دارد - یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می آید - و بقیه آن نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون او نشانه حیض دارد ، در این دو ماه يك اندازه نیست . مثلاً در ماه اول از اول ماه تا هفتم و در ماه دوم از اول ماه تا هشتم ، خون او نشانه های

حیض و بقیه نشانه استحاظه را داشته باشد ، که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد . سوم- زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین سه روز یا بیشتر ، خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دومرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده ، از ده روز بیشتر نشود ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد ، مثلاً در ماه اول هشت روز و در ماه دوم نه روز باشد که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد .

مسئله ۴۹۴- زنی که عادت وقتیه دارد ، اگر در وقت عادت خود یاد و سه روز پیش از عادت یاد و سه روز بعد از عادت ، خون ببیند بطوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته - اگر چه آن خون ، نشانه های حیض را نداشته باشد - باید با حکامی که برای حائض گفته شد ، عمل نماید . و اگر بعد بفهمد حیض نبوده ، مثل آنکه پیش از سه روز پاک شود ، باید عبادتهائی را که بجا نیاورده قضا نماید .

مسئله ۴۹۵- زنی که عادت وقتیه دارد ، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را بواسطه نشانه های آن تشخیص دهد ، باید شماره عادت خویشان خود را ، حیض قرار دهد - چه پدری باشد چه مادری ، زنده باشند یا مرده - ولی در صورتی می تواند عادت آنان را ؛ حیض خود قرار دهد که شماره روزهای حیض همه آنان ؛ يك اندازه باشد و اگر شماره روزهای حیض آنان يك اندازه نباشد - مثلا عادت بعضی پنج روز و عادت بعض دیگر هفت روز باشد - نمی تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد ؛ مگر اینکه کسانی که عادتشان با دیگران فرق دارد ، بقدری کم باشند که در مقابل آنان هیچ حساب شوند که در این صورت باید عادت بیشتر آنان را حیض خود قرار دهد .

مسئله: ۴۹۶- زنی که عادت وقتیه دارد و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می دهد ، باید روزی را که در هر ماه اول عادت او بوده ، اول حیض خود قرار دهد ، - مثلاً زنی که هر ماه ، روز اول ماه خون میدیده و گاهی روز هفتم و گاهی روز

هشتم . پاك ميشده - چنانچه يك ماه ، دوازدهروز ، خون ببيند و عادت خويشانش هفتروز باشد ؛ بايد هفتروز اول ماه را ، حيض و باقى را استحاضه قرار دهد .
مسئله ۴۹۷ - زنیکه بايد شماره عادت خويشان خود را حيض قرار دهد چنانچه خويش نداشته باشد ، يا شماره عادت آنان مثل هم نباشد ، بايد در هر ماه از روزى که خون مى بيند ، سه روز يا شش روز يا هفت روز را ، حيض و بقيه را استحاضه قرار دهد ، و احوط آنستکه آنچه را ماه اول ، حيض قرار داد ؛ در ماه هاى بعد هم همان مقدار را قرار دهد ولى اگر صاحب عادت و قتيه باشد و عادت او در روزهاى وسط يا آخر خون باشد ؛ بايد سه روز يا شش روز يا هفت روز وسط يا آخر را که در عادت است ، حيض قرار دهد .

۳- صاحب عادت عدديه

مسئله ۴۹۸ - زنیکه عادت عدديه دارند سه دسته اند : اول - زنیکه شماره روزهاى حيض او ؛ در دو ماه پشت سر هم ، يك اندازه باشد ، ولى وقت خون ديدن او يکى نباشد ، که در اين صورت هر چند روزى که خون ديده ، عادت او ميشود مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از يازدهم تا پانزدهم خون ببيند ، عادت او پنج روز ميشود .

دوم - زنیکه از خون پاك نميشود ولى دو ماه پشت سر هم ، چند روز از خونى که مى بيند نشانه حيض و بقيه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهاى که خون نشانه حيض دارد در هر دو ماه يك اندازه است ؛ اما وقت آن يکى نيست ؛ که در اين صورت هر چند روزى که خون او نشانه حيض را دارد ، عادت او ميشود مثلاً اگر يك ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعد از يازدهم تا پانزدهم خون او نشانه حيض و بقيه نشانه استحاضه را داشته باشا ، شماره روزهاى عادت او پنج روز ميشود .

سوم - زنیکه دو ماه پشت سر هم سه روز يا بيشتر ، خون ببيند و بکروز يا بيشتر ؛

پاك شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون ، در ماه اول باماه دوم فرق داشته باشد ، که اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاك بوده ازده روز بیشتر نشود و شماره روزهای آن هم يك اندازه باشد ، تمام روزهایی که بطور متفرق خون دیده عادت او میشود و در پاکی در بین احتیاط کند به ترك آنچه بر حائض حرام است و بجا آوردن عبادت های خود. ولی اگر روزهایی که در وسط پاك بوده در هر دو ماه يك اندازه نباشد ، تحقق عادت عدویه محل اشکال است و ترك نشود احتیاط باینکه در روزهای پاکی ، جمع بین وظیفه طاهر و حائض کند و در روزهایی که خون می بیند ؛ جمع بین وظیفه حائض و مستحاضه نماید .

مسئله ۴۹۹ - زنیکه عادت عدویه دارد ، اگر بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند و ازده روز بیشتر شود ، چنانچه همه خونهایی که دیده يك جور باشد ، میتواند بشماره روزهای عادتش را از اول یا وسط ، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر همه خونهایی که دیده يك جور نباشد ، بلکه چندروز از آن ، نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد ، اگر روزنایی که خون ، نشانه حیض را دارد با شماره روزهای عادت او يك اندازه است ، باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او بیشتر است باندازه روزهای عادت را حیض ، و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد ، از روزهای عادت او کمتر است ، باید آن روزها را با چند روز دیگر که روی هم باندازه روزهای عادتش شود ، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد .

۴ - مضطربه

مسئله ۵۰۰ - مضطربه - یعنی: زنیکه چندماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا

نکرده ، با عادتش بهم خورده و عادت دیگری پیدا نکرده است - اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده يك جور باشد ، باید بعادت خویشان خود رجوع کند - چه عادت آنان هفت روز باشد یا کمتر یا بیشتر - و اگر خویشانش عادت نمی دارند یا در عادت مختلف باشند باید در هر ماه از روزی که خون می بیند ، سه روز یا هفت روز یا شش روز را بدستوریکه در مسئله ۴۹۷ گذشت حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد .

مسئله ۵۰۱ - مضطربه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد ، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز باشد ، باید بدستوریکه در مسئله قبل گفته شد رفتار نماید و اگر خونیکه نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد ؛ همه آن حیض است ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دو باره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض را داشته باشد - مثل آنکه پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند - باید در هر دو خون که نشانه حیض دارد احتیاط کند بترك آنچه بر حائض حرام است و بجا آوردن کارهای مستحاضه .

۵- مبتدئه

مسئله ۵۰۲ - مبتدئه - یعنی : زنیکه دفعه اول خون دیدن اوست - اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهاییکه دیده يك جور باشد ؛ باید عادت خویشان خود را بطوریکه در وقتیه گفته شد حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد .

مسئله ۵۰۳ - مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد ، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد ، کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد ؛ همه آن حیض است ولی اگر پیش از

گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض داشته باشد . مثل آنکه پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند . باید در هر دو خون که نشانه حیض دارد احتیاط کند بترك آنچه بر حائض حرام است و انجام کارهای مستحاضه .

مسئله ۵۰۴ - مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه داشته باشد ، چنانچه خونیکه نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد ؛ باید عادت خویشان خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر خویشانش عادت ندارند یا مختلف هستند بدستوریکه در مسئله ۴۹۷ گذشت رفتار کند .

۶ - ناسیه

مسئله ۵۰۵ - ناسیه - یعنی : زنی که عادت خود را فراموش کرده است - اگر بیشتر از ده روز خون به ببیند ؛ باید روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد ، حیض قرار دهد و اگر نتواند حیض را بواسطه نشانه های آن تشخیص دهد ، باید سه روز یا شش روز یا هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اختیار اول بنا بر احتیاط و اقوی تخییر بین سه عدد است مطلقا .

مسائل متفرقة حیض

مسئله ۵۰۶ - مبتدئه و مضطر به و ناسیه و صاحب عادت عددیه ، اگر خونی ببیند که نشانه حیض داشته باشد ، و یقین کنند که سه روز طول میکشد ، باید عبادت را ترك کنند و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده باید عبادت هائی را که بجا نیآورده اند قضا نمایند ، ولی اگر یقین نکنند که تا سه روز طول میکشد و نشانه حیض را هم نداشته

باشد ، بنا بر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را بجا آورند و کارهایی را که بر حائض حرام است ترك نمایند اگر چه تازه روز طول بکشد .

مسئله ۵۰۷ - زنیکه در حیض عادت دارد ، چه در وقت حیض عادت داشته باشد چه در عدد حیض یاهم در وقت وهم در عدد آن ، اگر دو ماه پشت سرهم بر خلاف عادت خود خونی ببیند که وقت آن یا شماره روزهای آن ، یاهم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشد ، عادتش بر میگردد بآنچه در این دو ماه دیده است مثلا اگر از روز اول ماه تا هفتم خون میدیده و پاک میشده چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه خون ببیند و پاک شود ، از دهم تا هفدهم عادت او میشود .

مسئله ۵۰۸ - مقصود از یکماه ؛ از ابتدای خون دیدن است قاسی روز ؛ نه از روز اول ماه تا آخر ماه .

مسئله ۵۰۹ - زنیکه معمولاً ماهی یکمرتبه خون می بیند ؛ اگر در یکماه دو مرتبه خون ببیند و آن خون نشانه حیض را داشته باشد ، چنانچه روزهاییکه در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد ؛ باید هر دو را حیض قرار دهد .

مسئله ۵۱۰ - اگر سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه حیض را دارد ، بعد ، ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه استحاضه را دارد و دوباره سه روز یا بیشتر خونی با نشانه حیض ببیند ؛ باید خون اول و خون آخر را حیض قرار دهد .

مسئله ۵۱۱ - اگر پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست ، باید برای عبادتهای خود غسل کند ، اگر چه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند ، بلکه اگر قبلاً هم داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند احتیاطاً غسل کند و در پاکی در بین عبادتهای خود را بجا آورد و آنچه را بر حائض حرام است ترك نماید .

مسئله ۵۱۲ - اگر پیش از ده روز پاک شود ؛ و احتمال دهد که در باطن خون هست ، باید قدری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد ، پس اگر پاک

بود غسل کند و عبادت‌های خود را بجا آورد و اگر پاك نبود - اگر چه به آب زرد رنگی هم آلوده باشد - چنانچه در حیض عادت ندارد ؛ یا عادت او ده روز است ، باید صبر کند که اگر پیش از ده روز پاك شد ، غسل کند و اگر آخر ده روز پاك شد ، یا خون او از ده گذشت ؛ آخر ده روز غسل نماید و چنانچه عادتش کمتر از ده روز است ، در صورتیکه بداند پیش از تمام شدن ده روز یا آخر ده روز پاك میشود ، نباید غسل کند . و اگر احتمال دهد خون او از ده روز میگذرد ؛ احتیاط واجب آنستکه بعد از عادت ، يك روز یا دو روز عبادت را ترك کند ، یا جمع کند بین ترك کارهایی که بر حائض حرام است و انجام کارهای مستحاضه . و بعد از دو روز تا روز دهم کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترك نماید . پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا آخر ده روز از خون پاك شد ، تمامش حیض است و اگر از ده روز گذشت ، باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادت‌های آنرا که بعد از روزهای عادت بجا نیاورده قضا نماید .

مسئله ۵۱۳ - اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند ، بعد بفهمد حیض نبوده است ، باید نمازهایی که در آن روزها بجا نیاورده قضا نماید . و اگر چند روز را بگمان اینکه حیض نیست عبادت کند ، بعد بفهمد حیض بوده ، چنانچه آن روزها را روزه گرفته باید قضا نماید .

نفاس

مسئله ۵۱۴ - از وقتیکه اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می آید ، هر خونیکه زن می بیند ، اگر پیش از ده روز یا آخر ده روز قطع شود ، خون نفاس است و زن را در حال نفاس ، نفساء می گویند .

مسئله ۵۱۵ - خونی که پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه می بیند

نفاس نیست .

مسئله ۵۱۶ - لازم نیست که خلقت بچه تمام باشد ، بلکه اگر خون بسته ای هم از رحم خارج شود و خودزن بداند ، یا چهار نفر قابله بگویند ، که اگر در رحم میماند انسان میشد ، خونی که تازه روز ببیند خون نفاس است .

مسئله ۵۱۷ - ممکن است خون نفاس يك آن بیشتر نیاید ، ولی بیشتر از ده روز نمی شود .

مسئله ۵۱۸ - هرگاه شك کند که چیزی سقط شده یانه ؛ یا چیزی که سقط شده اگر میماند انسان میشد یانه ، لازم نیست واری کند ، و خونیکه از او خارج میشود شرعاً خون نفاس نیست .

مسئله ۵۱۹ - توقف در مسجد و رساندن جائی از بدن بخط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است ، بر نفساء هم حرام است . و آنچه بر حائض واجب و مستحب و مکروه است ؛ بر نفساء هم واجب و مستحب و مکروه می باشد .

مسئله ۵۲۰ - طلاق زن در حال نفاس ، باطل است و نزدیکی کردن با او حرام میباشد و اگر شوهرش با او نزدیکی کند ، احتیاطاً مستحب آنست بدستوریکه در احکام حیض گفته شد کفاره بدهد .

مسئله ۵۲۱ - وقتی از خون نفاس پاک شد ، باید غسل کند و عبادت های خود را بجا آورد و اگر دوباره خون ببیند ، چنانچه روزهایی که خون دیده باروزهایی که در وسط پاک بوده ؛ روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد ، بنا بر احتیاط واجب روزهایی را که خون دیده ، نفاس قرار دهد و در روزهایی که در بین پاک بوده آنچه را بر نفساء حرام است ترك کند و عبادت های خود را بجا آورد .

مسئله ۵۲۲ - اگر از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست ، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند که اگر پاک است ، برای عبادت های خود غسل کند .

مسئله ۵۲۳- اگر خون نفاس ازده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت دارد، باندازه روزهای عادت او نفاس بقیه، استحاضه است. و اگر عادت ندارد، تا ده روز نفاس و بقیه، استحاضه می باشد. و احتیاط مستحب آنست که کسی که عادت دارد از روز بعد از عادت و کسی که عادت ندارد، بعد از روز دهم تا روز هجدهم زایمان، کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترك کند.

مسئله ۵۲۴- زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است؛ اگر بعد از زایمان بیشتر از روزهای عادتش خون ببیند، باید باندازه روزهای عادت را نفاس قرار دهد و بعد از آن بنا بر احتیاط واجب تا دو روز عبادت را ترك نماید و بعد از دو روز تا روز دهم، کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترك نماید و اگر از ده روز بگذرد، استحاضه است و باید روزهای بعد از عادت تا روز دهم را هم استحاضه قرار دهد و عبادتهائی را که در آنروزها بجا نیاورده قضانماید. مثلاً زنی که عادت او شش روز بوده اگر بیشتر از شش روز خون به بیند؛ باید شش روز را نفاس قرار دهد و بنا بر احتیاط واجب در روز هفتم و هشتم عبادت را ترك کند و در روز نهم و دهم، کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است، ترك نماید و اگر بیشتر از ده روز خون دید، از روز بعد از عادت او استحاضه میباشد.

مسئله ۵۲۵- زنی که در حیض عادت دارد، اگر بعد از زایمان، تا يك ماه یا بیشتر از يك ماه پی در پی خون ببیند، باندازه روزهای عادت او نفاس است و در روز از خونی که بعد از نفاس می بیند - اگر چه در روزهای عادت ماهانه اش باشد - استحاضه است، مثلاً زنی که عادت حیض او از بیستم ماه تا بیست و هفتم است، اگر روز دهم ماه زائید و تا یکماه یا بیشتر پی در پی خون دید، تا روز هفدهم نفاس و از روز هجدهم تا ده روز، حتی خونی که در روزهای عادت خود - که از بیستم تا بیست و هفتم است - می بیند، استحاضه میباشد و بعد از گذشتن ده روز، اگر خونی را که می بیند

در روزهای عادتش باشد ، حیض است چه نشانه حیض داشته باشد یا نداشته باشد و همچنین است اگر در روزهای عادتش نباشد ولی نشانه حیض داشته باشد و اگر بعد از گذشتن ده روز از نفاس ، در روزهایی که عادت حیض او نباشد ، خونی به بیند که نشانه حیض نداشته باشد ، باید احتیاطاً تا وقتی که ممکن است آن خون حیض باشد ، آنچه را بر حائض حرام است ترك کند و کارهای مستحاضه را بجا آورد .

مسئله ۵۲۶- زنی که در حیض عادت ندارد ، اگر بعد از زایمان تا يك ماه یا بیشتر از يك ماه خون به بیند ، ده روز اول آن نفاس و ده روز دوم آن استحاضه است و خونی که بعد از آن می بیند ، اگر نشانه حیض داشته باشد حیض و گرنه آن هم استحاضه می باشد .

غسل مس میت

مسئله ۵۲۷- اگر کسی بدن انسان مرده ای را ؛ که سرد شده و غسلش نداده اند مس کند - یعنی : جائی از بدن خود را بآن برساند - باید غسل مس میت نماید ؛ چه در خواب مس کند چه در بیداری ، با اختیار مس کند یا بی اختیار ، حتی اگر ناخن یا استخوان او بناخن یا استخوان میت برسد ، باید غسل کند ، ولی اگر حیوان مرده ای را مس کند ، غسل بر او واجب نیست .

مسئله ۵۲۸- برای مس مرده ای که تمام بدن او سرد نشده ، غسل واجب نیست اگر چه جائی را که سرد شده ، مس نماید .

مسئله ۵۲۹- اگر موی خود را بدن میت برساند ، با بدن خود را بموی میت یا موی خود را بموی میت برساند ، احتیاط واجب آنست که غسل کند .

مسئله ۵۳۰- برای مس بچه مرده ، حتی بچه سقط شده ای که چهار ماه او تمام شده ، غسل واجب است . بلکه بنا بر احتیاط مستحب ، برای مس بچه سقط شده ای که از چهار ماه کمتر دارد ، باید غسل کرد . بنابراین اگر بچه چهار ماهه ای مرده

بدنیا بیاید ، بنا بر احتیاط واجب مادر او باید غسل مس میت کند .

مسئله ۵۳۱- بچه‌ای که بعد از مردن مادر بدنی می‌آید ، وقتی بالغ شد بنا بر احتیاط واجب ، باید غسل مس میت کند .

مسئله ۵۳۲- اگر انسان ، میتی را که سه غسل او کاملاً تمام شده مس نماید ، غسل بر او واجب نمی‌شود ولی اگر پیش از آنکه غسل سوم تمام شود ، جثتی از بدن او را مس کند - اگر چه غسل سوم آنجا تمام شده باشد - باید غسل مس میت نماید .

مسئله ۵۳۳- اگر دیوانه یا بچه نابالغی میت را مس کند ، بعد از آنکه آن دیوانه عاقل یا بچه بالغ شد ، باید غسل مس میت نماید .

مسئله ۵۳۴- اگر از بدن زنده یا مرده‌ای که غسلش نداده‌اند ، قسمتی که دارای استخوان است جدا شود و پیش از آنکه قسمت جدا شده را غسل دهند ، انسان آنرا مس نماید : باید غسل مس میت کند ؛ ولی اگر قسمتی که جدا شده ، استخوان نداشته باشد ، اگر از میت جدا شده بنا بر احتیاط واجب غسل مس میت نماید .

مسئله ۵۳۵- برای مس استخوانی که گوشت ندارد و آنرا غسل نداده‌اند - چه از مرده جدا شده باشد ، چه از زنده - بنا بر احتیاط واجب ، باید غسل کرد و همچنین است برای مس دندانیکه از مرده جدا شده ، در صورتیکه آن مرده را غسل نداده باشند ، ولی برای مس دندانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد ، یا گوشت آن خیلی کم است ، غسل واجب نیست .

مسئله ۵۳۶- غسل مس میت را باید مثل غسل جنابت انجام دهند ولی کسیکه غسل مس میت کرده ، اگر بخواهد نماز بخواند . باید اگر وضو نداشته وضو هم بگیرد و اگر وضو داشته چون باطل شدن وضو بمس میت محل تأمل است بنا بر احتیاط وضو هم بگیرد .

مسئله ۵۳۷- اگر چند میت را مس کند یا یک میت را چند بار مس نماید ؛

بک غسل کافی است.

مسئله ۵۳۸ - برای کسیکه بعد از مس میت ، غسل نکرده است ، توقف در مسجد و جماع و خواندن آیه‌هایی که سجده واجب دارد؛ مانعی ندارد ولی برای نماز و مانند آن، باید غسل کند و راجع بوضوء بدستور مسئله پیش رفتار نماید.

احکام محضّر

مسئله ۵۳۹ - مسلمانی را که محضّر است - یعنی: در حال جان دادن می‌باشد - مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک - باید به پشت بخواباند ، بطوری که کف پاهایش بطرف قبله باشد و اگر خواباندن او کاملاً باین طور ممکن نیست ، تا اندازه ایکه ممکن است ، باید باین دستور عمل کنند و چنانچه خواباندن او بهیچ قسم ممکن نباشد ، باید او را روبقبله بنشانند و اگر آن هم نشود ، باید او را پهلوئی راست یا پهلوئی چپ روبقبله بخوابانند .

مسئله ۵۴۰ - احتیاط واجب آنست که تا وقتی غسل میت تمام نشده ، او را روبقبله بخوابانند ولی بعد از آنکه غسلش تمام شد ؛ بهتر است او را مثل حالتیکه بر او نماز میخوانند ؛ بخوابانند .

مسئله ۵۴۱ - روبقبله کردن محضّر بر هر مسلمان واجب است و بنا بر احتیاط لازم ، باید ناممکن میشود از ولی او اذن بگیرد .

مسئله ۵۴۲ - مستحب است شهادتین و اقرار بدوازده امام علیهم السلام و سایر عقائد حقه را ، بکسیکه در حال جان دادن است ، طوری تلقین کنند که بفهمد و نیز مستحب است چیزهایی را که گفته شد ، تا وقت مرگ تکرار کنند .

مسئله ۵۴۳ - مستحب است این دعاها را طوری بمحضّر تلقین کنند که بفهمد:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَأَقْبِلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ يَا مَنْ

يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاَعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَفُوُّ
الْغَفُورُ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَإِنَّكَ رَحِيمٌ

مسئله ۵۴۴- مستحب است کسی را که سخت جان می‌دهد؛ اگر ناراحت نمی‌شود

بجائی که نماز می‌خوانده ببرند .

مسئله ۵۴۵- مستحب است برای راحت شدن محضر بر بالین او ، سورة

مبارکة يس ووالصافات واحزاب و آية الكرسي و آية پنجاه وچهارم از سورة اعراف
و سه آية آخر سورة بقره ، بلکه هر چه از قرآن ممکن است بخوانند .

مسئله ۵۴۶- تنها گذاشتن محضر ، و گذاشتن چیزی روی شکم او ، و بودن

جنب و حائض نزد او ، و حرف زدن زیاد ، و گریه کردن و تنها گذاشتن زنها نزد او؛
مکروه است.

احکام بعد از مرگ

مسئله ۵۴۷- بعد از مرگ مستحب است ، چشمها ولبها وچانه میت را ببندند

و دست و پای او را دراز کنند و پارچه‌ای روی او ببندازند و اگر شب مرده است ؛ در

جائی که مرده ، چراغ روشن کنند و برای تشییع جنازه او ، مؤمنین را خبر کنند و

در تشییع ، آداب اسلام را رعایت کنند و از شرکت بانوان در تشییع مخصوصاً حرکت

آنان جلوگیری نمایند و منظره عبرت آور

تشییع جنازه را بمعصیت و تشبه بعبادات و رسوم کفار که حاکی از عدم استقلال فکری و

نفوذ بیگانگان است آلوده نکنند و اجازه ندهند که آداب و رسوم مخالفین اسلام ؛

باجتماع مسلمین راه پیدا کند . چه خوب است که مسلمین برای حفظ سنن مذهبی و

استقلال فکری خود در همه شئون روش اولیاء اسلام علیهم السلام را سرمشق قرار

دهند و از عواقب و پیچیدگی‌های تشبه به بیگانگان بپرهیزند. و نیز مستحب است در دفن میت

عجله نمایند ، ولی اگر یقین بمردن او ندارند ، باید صبر کنند تا معلوم شود و اگر میت حامله باشد و بچه در شکم او زنده باشد ، باید بقدری دفن را عقب بیندازند ، که پهلوی چپ او را بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلوی بدوزند .

احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت

مسئله ۵۴۸ - غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان - اگر چه دوازده امامی نباشد - بر هر مکلفی واجب است و اگر بعضی انجام دهند ، از دیگران ساقط میشود و چنانچه هیچکس انجام ندهد ، همه معصیت کرده‌اند

مسئله ۵۴۹ - اگر کسی مشغول کارهای میت شود بر دیگران واجب نیست ، اقدام نمایند ولی اگر او عمل را ناتمام بگذارد ، باید دیگران تمام کنند .

مسئله ۵۵۰ - اگر انسان یقین کند که دیگری مشغول کارهای میت شده ، واجب نیست بکارهای میت اقدام کند ، ولی اگر شك یا گمان دارد ، باید اقدام نماید .

مسئله ۵۵۱ - اگر کسی بداند غسل یا کفن یا نماز یا دفن میت را باطل انجام داده‌اند ؛ باید دوباره انجام دهد ، ولی اگر گمان دارد که باطل بوده ؛ یا شك دارد که درست بوده یا نه ، لازم نیست اقدام نماید .

مسئله ۵۵۲ - برای غسل و کفن و نماز و دفن میت ، باید از ولی او اجازه بگیرند .

مسئله ۵۵۳ - ولی زن ، شوهر او است و بعد از او ، مردانیکه از میت ارث می‌برند مقدم بر زنان ایشانند .

مسئله ۵۵۴ - اگر کسی بگوید : من ولی یا وصی میت می‌باشم یا بگویند : ولی میت بمن اجازه داده که غسل و کفن و دفن او را انجام دهم و احتمال داده شود که راست می‌گوید ، انجام کارهای میت با او است مگر آنکه کس دیگر بگوید : که من وصی

یا ولی میت هستم یا از ولی میت اجازه دارم ، که در اینصورت حرف کسی پذیرفته است که دو نفر عادل بگفته او؛ شهادت دهند .

مسئله ۵۵۵ - اگر میت برای غسل و کفن و دفن و نماز خود غیر از ولی ، کس دیگری را معین کند ، احتیاط واجب آنستکه ولی و آنکس هر دو اجازه بدهند . لازم نیست کسیکه میت؛ او را برای انجام این کارها معین کرده ، این وصیت را قبول کند ، ولی اگر قبول کرد ، باید بآن عمل نماید . و همچنین اگر بعد از موت از وصیت مطلع شد ، احتیاط واجب عمل بوصیت است .

احکام غسل میت

مسئله ۵۵۶ - واجب است میت را ، سه غسل بدهند : اول - بآبی که با سدر مخلوط باشد . دوم - بآبیکه با کافور مخلوط باشد . سوم - با آب خالص .

مسئله ۵۵۷ - سدر و کافور باید باندازه ای زیاد نباشد ، که آبر را مضاف کند و باندازه ای هم کم نباشد ، که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است .

مسئله ۵۵۸ - اگر سدر و کافور باندازه ای که لازم است پیدا نشود ، بنا بر احتیاط واجب باید مقداریکه به آن دسترسی دارند در آب بریزند .

مسئله ۵۵۹ - اگر سدر و کافور یا یکی از اینها پیدا نشود ، یا استعمال آن جایز نباشد - مثل آنکه غصبی باشد - باید بجای هر کدام که ممکن نیست ، میت را با آب خالص غسل بدهند .

مسئله ۵۶۰ - کسیکه برای حج یا عمره احرام بسته است ، اگر پیش از تمام کردن طواف حج یا عمره بمیرد ، نباید او را با آب کافور غسل دهند و بجای آن باید با آب خالص غسلش بدهند .

مسئله ۵۶۱ - کسیکه میت را غسل می دهد ، باید مسلمان دوازده امامی و بالغ و عاقل باشد و مسائل غسل را هم بداند .

مسئله ۵۶۲ - کسیکه میت را غسل میدهد ، باید قصد قربت داشته باشد - یعنی : غسل را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد - و برای غسل دوم و سوم هم ، نیت غسل را تجدید نماید .

مسئله ۵۶۳ - غسل بچهٔ مسلمان اگر چه از زنا باشد . واجب است و غسل و کفن و دفن کافر و اولاد او ، جایز نیست و کسی که از بچه‌گی دیوانه بوده و بحال دیوانگی بالغ شده ؛ چنانچه پدر و مادر او یا یکی از آنان مسلمان باشند ، باید او را غسل داد و اگر هیچ کدام آنان مسلمان نباشند ، غسل دادن او جایز نیست .

مسئله ۵۶۴ - بچهٔ سقط شده را ، اگر چهار ماه یا بیشتر دارد یا اگر چهار ماه ندارد ولی خلقتش تمام باشد ، باید غسل بدهند و اگر چهار ماه ندارد و خلقتش هم تمام نشده ، باید در پارچه‌ای بپیچند و بدون غسل ، دفن کنند .

مسئله ۵۶۵ - حرام است مرد ، زنا و زن ، مرد را غسل بدهد ولی زن میتواند شوهر خود و شوهر هم میتواند زن خود را غسل دهد ، اگر چه احتیاط مستحب آنست که زن ، شوهر خود و شوهر ؛ زن خود را غسل ندهد .

مسئله ۵۶۶ - مرد میتواند دختر بچه‌ای را که سن او از سه سال بیشتر نیست ، غسل دهد و زن هم میتواند پسر بچه‌ای را که سه سال بیشتر ندارد ، غسل دهد .

مسئله ۵۶۷ - اگر برای غسل دادن میتی که مرد است مرد پیدا نشود ، زنانی که با او نسبت دارند و محرمند ، مثل مادر و خواهر و عمه و خاله ، یا بواسطهٔ شیر خوردن با او محرم شده‌اند . میتوانند بارعایت ستر عورت ، او را غسل بدهند . و نیز اگر برای غسل میت زن ، زن دیگری نباشد ، مردهائیکه با او نسبت دارند و محرمند ، یا بواسطهٔ شیر خوردن با او محرم شده‌اند ، میتوانند بارعایت ستر عورت او را غسل دهند .

مسئله ۵۶۸ - اگر میت و کسیکه او را غسل میدهد هر دو مرد یا هر دو زن باشند بهتر آنست که غیر از عورت ؛ جاهای دیگر میت برهنه باشد .

مسئله ۵۶۹- نگاه کردن بعورت میت حرام است و کسیکه او را غسل می‌دهد اگر نگاه کند معصیت کرده ؛ ولی غسل باطل نمیشود.

مسئله ۵۷۰- اگر جانی از بدن میت نجس باشد ، باید پیش از آنکه آنجا را غسل بدهند ، آب بکشند . و احتیاط مستحب آنست که تمام بدن میت ، پیش از شروع بغسل پاک باشد.

مسئله ۵۷۱- غسل میت مثل غسل جنابت است . و احتیاط واجب آنست که تا غسل ترتیبی ممکن است ، میت را غسل ارتماسی ندهند و لی در غسل ترتیبی فرو بردن هر يك از سه قسمت بدن میت را در آب کثیر بی اشکال است .

مسئله ۵۷۲- کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده ، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند ؛ بلکه همان غسل میت برای او کافیست .

مسئله ۵۷۳- مزد گرفتن برای غسل دادن میت ، حرام است و اگر کسی برای گرفتن مزد ، میت را غسل دهد ، آن غسل باطل است ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدماتی غسل ، حرام نیست.

مسئله ۵۷۴- اگر آب پیدانشود ، یا استعمال آن مانعی داشته باشد ، باید عوض هر غسل ، میت را يك تیمم بدهند و احتیاط واجب آنست که يك تیمم دیگر هم عوض هر سه غسل بدهند و اگر کسی که تیمم می‌دهد ، در تیمم سوم قصد مافی الذمه نماید . یعنی : نیت کند که این تیمم را برای آنکه بتکلیف عمل شده باشد ، انجام میدهم - تیمم چهارم لازم نیست.

مسئله ۵۷۵- کسیکه میت را تیمم میدهد ، باید دست خود را بزمین بزند و بصورت و پشت دستهای میت بکشد و اگر ممکن باشد ؛ احتیاط لازم آنست که با دست میت هم او را تیمم بدهد.

احکام کفن میت

مسئله ۵۷۶ - بیت مسلمان را باید باسه پارچه - که آنها را لنگ و پیراهن و سرتاسری میگویند - کفن نمایند .

مسئله ۵۷۷ - لنگ باید از ناف تا زانو ، اطراف بدن را بپوشاند . و بهتر آنست که از سینه تا روی پا برسد . و پیراهن باید ، از سرشانه ، از دو طرف بدن ، تا نصف ساق پا برسد که تمام بدن را تا نصف ساق پا بپوشاند و بهتر آنست که تا روی پا برسد . و درازی سرتاسری باید بقدری باشد که بستن دوسر آن ممکن باشد و پهنای آن باید باندازه ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید .

مسئله ۵۷۸ - مقداری از لنگ ، که از ناف تا زانو را می پوشاند و مقداری از پیراهن که از شانه تا نصف ساق را می پوشاند ، مقدار واجب کفن است و آنچه بیشتر از این مقدار در مسئله قبل گفته شد ، مقدار مستحب کفن میباشد .

مسئله ۵۷۹ - اگر ورثه بالغ باشند و اجازه دهند که بیشتر از مقدار واجب کفن را - که در مسأله قبل گفته شد - از سهم آنان بردارند ، اشکال ندارد و احتیاط آنست که بیشتر از مقدار واجب کفن را از سهم وارثی که بالغ نشده ، بردارند اگر چه بعید نیست جواز برداشتن بمقدار عمل باستحباب - مطابق شأن میت - از جمیع ترکه ، هر چند وارث غیر بالغ باشد .

مسئله ۵۸۰ - اگر کسی وصیت کرده باشد که مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارند ، یا وصیت کرده باشد ثلث مال را بمصرف خود او برسانند ولی مصرف آن را معین نکرده باشد ، یا فقط مصرف مقداری از آن را معین کرده باشد ، میتواند مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارند .

مسئله ۵۸۱ - اگر میت وصیت نکرده باشد که کفن را از ثلث مال او بردارند و

بخواهند از اصل مال بردارند ، احتیاط واجب آنستکه مقدار واجب کفن را بیشتر از قیمتی که مطابق شأن میت است، تهیه نمایند ولی اگر کسانی از ورثه که بالغ هستند اجازه بدهند که از سهم آنان بردارند ، مقداری را که اجازه داده اند ، از سهم آنان میشود برداشت .

مسئله ۵۸۲ - کفن زن بر شوهر است ؛ اگرچه زن از خود، مال داشته باشد و همچنین اگر زن را بشرحیکه در کتاب طلاق گفته می شود ؛ طلاق رجعی بدهند و پیش از تمام شدن عده بمیرد ؛ شوهرش باید کفن او را بدهد. و چنانچه شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد ولی شوهر باید از مال او کفن زن را بدهد .

مسئله ۵۸۳ - کفن میت بر خویشان او واجب نیست ، اگرچه مخارج او در حال حیات بر آنان واجب باشد .

مسئله ۵۸۴ - احتیاط واجب آنستکه هر يك از سه پارچه کفن بقدری نازک نباشد ، که بدن میت از زیر آن پیدا باشد .

مسئله ۵۸۵ - کفن کردن با پوست مردار و چیز غصبی ، اگر چیز دیگری هم پیدا نشود ، جایز نیست . و چنانچه کفن میت غصبی باشد و صاحب آن راضی نباشد ، باید از تنش بیرون آورند ، اگرچه او را دفن کرده باشند .

مسئله ۵۸۶ - کفن کردن میت با چیز نجس و با پارچه ابریشمی خالص ، با پارچه ای که باطلا بافته شده جایز نیست ، ولی در حال ناچاری اشکال ندارد .

مسئله ۵۸۷ - کفن کردن با پارچه ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت تهیه شده ، در حال اختیار جایز نیست و احتیاط واجب آنستکه با پوست حیوان حلال گوشتی هم که بدستور شرع ذبح شده ، میت را کفن نکنند ولی اگر کفن از مو و پشم حیوان حلال گوشت باشد اشکال ندارد ، اگرچه احتیاط مستحب آنستکه با این دو هم کفن نمایند .

مسئله ۵۸۸ - اگر کفن میت بنجاست خود او ، یا بنجاست دیگری نجس شود ،

چنانچه کفن ضایع نمی‌شود، باید مقدار نجس را بشویند یا ببرند، اگر چه بعد از گذاشتن در قبر باشد و اگر شستن یا بریدن آن ممکن نیست؛ در صورتیکه عوض کردن آن ممکن باشد، باید عوض نمایند.

مسئله ۵۸۹ - کسیکه برای حج یا عمره احرام بسته اگر بمیرد؛ باید مثل دیگران کفن شود و پوشاندن سر و صورتش اشکال ندارد.

مسئله ۵۹۰ - مستحب است انسان در حال سلامتی، کفن و سدرو کافور خود را تهیه کند.

احکام حنوط

مسئله ۵۹۱ - بعد از غسل واجبست میت را حنوط کنند - یعنی: به پیشانی و کف دستها و سرزائنها و سر دوانگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند. و بنا بر احتیاط واجب در این چند موضع مقداری کافور هم بگذارند و مستحب است به سر بینی میت هم کافور بمالند، و باید کافور سائیده و تازه باشد، و اگر بواسطه کهنه بودن، عطر آن از بین رفته باشد بنا بر احتیاط کافی نیست.

مسئله ۵۹۲ - احتیاط واجب آنست که اول کافور را به پیشانی میت بمالند، ولی در جاهای دیگر ترتیب لازم نیست.

مسئله ۵۹۳ - بهتر آنست که میت را پیش از کفن کردن، حنوط نمایند اگر چه در بین کفن کردن و بعد از آن هم مانعی ندارد.

مسئله ۵۹۴ - کسیکه برای حج یا عمره احرام بسته است، اگر پیش از تمام کردن طواف بمیرد؛ حنوط کردن او جایز نیست.

مسئله ۵۹۵ - زنیکه شوهر او مرده و هنوز عده اش تمام نشده، اگر چه حرام است خود را خوشبو کند، ولی چنانچه بمیرد حنوط او واجب است.

مسئله ۵۹۶ - احتیاط مستحب آنستکه، میت را بامشک و عنبر و عود و عطرهای دیگر خوشبو نکنند و اینها را با کافور هم مخلوط ننمایند.

مسئله ۵۹۷ - مستحب است، قدری تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام را با کافور مخلوط کنند ولی باید از آن کافور بجاهائی که بی احترامی میشود نرسانند و نیز باید تربت بقدری زیاد نباشد، که وقتی با کافور مخلوط شد؛ آنرا کافور نگویند.

مسئله ۵۹۸ - اگر کافور پیدا نشود، یا فقط با اندازه غسل باشد، حنوط لازم نیست و چنانچه از غسل زیاد بیاید ولی بهمه هفت عضو نرسد، باید اول پیشانی و اگر زیاد آمد بجاهای دیگر بمالند.

مسئله ۵۹۹ - مستحب است دو چوب تر و تازه در قبر همراه میت بگذارند.

احکام نماز میت

مسئله ۶۰۰ - نماز خواندن بر میت مسلمان - اگر چه بچه باشد - واجب است؛ ولی باید پدر و مادر آن بچه؛ یا یکی از آنان مسلمان باشند و شش سال بچه هم تمام شده باشد.

مسئله ۶۰۱ - نماز خواندن بر بچه ای که شش سال او تمام نشده، مستحب است، ولی نماز خواندن بر بچه ای که مرده بدنیا آمده؛ مستحب نیست.

مسئله ۶۰۲ - نماز میت باید بعد از غسل و حنوط و کفن کردن او خوانده شود، و اگر پیش از اینها، یا در بین اینها بخوانند - اگر چه از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد - کافی نیست.

مسئله ۶۰۳ - کسیکه میخواهد نماز میت بخواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد و بدن و لباسش پاک باشد و اگر لباس او غصبی هم باشد اشکال ندارد؛ ولی احتیاط لازم آنستکه تکلم و خنده و پشت بقبله کردن و کارهایی را که مانند اینها، نماز را باطل

میکند ترك نماید.

مسئله ۶۰۴- کسیکه بمیت نماز میخواند؛ باید رو بقبله باشد و نیز واجبست میت را مقابل او پشت بخوابانند ، بطوریکه سر او بطرف راست نماز گزار و پای او بطرف چپ نماز گزار باشد .

مسئله ۶۰۵- مکان نماز گزار باید غصبی نباشد و نیز باید از جای میت پست تر یا بلند تر نباشد ، ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد .

مسئله ۶۰۶- نماز گزار باید از میت دور نباشد ، ولی کسیکه نماز میت را بجماعت میخواند اگر از میت دور باشد، چنانچه صفها بیدیگر متصل باشد، اشکال ندارد .

مسئله ۶۰۷- نماز گزار باید مقابل میت بایستد ، ولی اگر نماز بجماعت خوانده شود وصف جماعت از دو طرف میت بگذرد نماز کسانیکه مقابل میت نیستند اشکال ندارد.

مسئله ۶۰۸- بین میت و نماز گزار ، باید پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها نباشد ، ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

مسئله ۶۰۹- در وقت خواندن نماز ، باید عورت میت پوشیده باشد و اگر کفن کردن او ممکن نیست ، باید عورتش را - اگر چه با تخته و آجر و مانند اینها باشد- بپوشانند.

مسئله ۶۱۰- نماز میت را باید ایستاده و با قصد قربت بخواند و در موقع نیت ، میت را معین کند ، مثلا نیت کند : نماز میخوانم بر این میت قربة الی الله .

مسئله ۶۱۱- اگر کسی نباشد که بتواند نماز میت را ایستاده بخواند ؛ میشود نشسته بر او نماز خواند .

مسئله ۶۱۲- اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند احتیاط واجب آنست که آن شخص از ولی میت اجازه بگیرد ، و بر ولی هم واجب است که اجازه بدهد .

مسئله ۶۱۳- مکروه است بر میت چند مرتبه نماز بخوانند ، ولی اگر میت اهل علم و تقوی باشد مکروه نیست .

مسئله ۶۱۴- اگر میت را عمداً یا از روی فراموشی ، یا بجهت عذری بدون نماز دفن کنند ؛ یا بعد از دفن معلوم شود ، نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است ، تا وقتی جسد او از هم نپاشیده، واجبست با شرطهایی که برای نماز میت گفته شد بقرش نماز بخوانند .

نماز میت

مسئله ۶۱۵- نماز میت پنج تکبیر دارد و اگر نماز گزار پنج تکبیر باین ترتیب بگوید کافی است :

بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید : **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ .**

و بعد از تکبیر دوم بگوید : **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ .**
و بعد از تکبیر سوم بگوید : **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ .**

و بعد از تکبیر چهارم، اگر میت مرد است بگوید : **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ .**
و اگر زن است، بگوید : **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ** و بعد تکبیر پنجم را بگوید .
و بهتر است بعد از تکبیر اول بگوید : **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ .**

و بعد از تکبیر دوم بگوید : **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ**

وَالْمُرْسَلِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصِّدِّيقِينَ وَجَمِيعَ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ .

وبعد از تکبیر سوم بگوید : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ
وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ
الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

وبعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است ، بگوید : اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَابْنُ
عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَنَعْلَمُ مِنْهُ الْأَخِيرَ أَوْ أَنْتَ
أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَاغْفِرْ لَهُ
اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى أَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وبعد تکبیر پنجم را بگوید .

ولی اگر میت زن است بعد از تکبیر چهارم بگوید : اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَابْنَةُ
عَبْدِكَ وَابْنَةُ أُمَّتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَنَعْلَمُ مِنْهَا الْأَخِيرَ أَوْ أَنْتَ
أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَ
اغْفِرْ لَهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهَا
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . وبعد تکبیر پنجم را بگوید .

مسئله ۶۱۶- باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سرهم بخواند ، که نماز
از صورت خود خارج نشود .

مسئله ۶۱۷- کسی که نماز میت را بجماعت میخواند ، باید تکبیرها و دعاها را
آنها هم بخواند .

مستحبات نماز میت

مسئله ۶۱۸- چند چیز در نماز میت مستحب است : اول - کسیکه نماز میت
میخواند با وضو یا غسل یا تیمم باشد و احتیاط مستحب آنست که در صورتی تیمم

کند که وضو و غسل ممکن نباشد ، یا بترسد که اگر وضو بگیرد ، یا غسل کند بنماز میت نرسد . ۵۵م - اگر میت مرد است ، امام جماعت یا کسی که فرادی باو نماز میخواند ؛ مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میت زن است ، مقابل سینه اش بایستد . سوم - پابره نه نماز بخواند . چهارم - در هر تکبیر دستها را بلند کند . پنجم - فاصله او بامیت بقدری کم باشد ، که اگر باد لباسش را حرکت دهد بجنازه برسد . ششم - نماز میت را بجماعت بخواند . هفتم - امام جماعت تکبیر و دعاها را بلند بخواند و کسانی که با او نماز میخوانند آهسته بخوانند . هشتم - در جماعت اگر چه مأوم بکنفر باشد ، عقب امام بایستد . نهم - نماز گزار به میت و مؤمنین زیاد دعا کند . دهم - پیش از نماز سه مرتبه بگوید : الصلوة . یازدهم - نماز را درجائی بخوانند که مردم برای نماز میت بیشتر بانجا می روند . دوازدهم - زن حائض اگر نماز میت را بجماعت میخواند ، درصفتی تنها بایستد .

مسئله ۶۱۹- خواندن نماز میت در مساجد مکروه است ولی در مسجد الحرام مکروه نیست .

احکام دفن

مسئله ۶۲۰- واجب است میت را طوری در زمین دفن کنند ، که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند و اگر ترس آن باشد که جانور بدن او را بیرون آورد ، باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند .

مسئله ۶۲۱- اگر دفن میت در زمین ممکن نباشد ، میتوان در جای دفن ، او را در بنای تابوتی بگذارند که از درندگان محفوظ باشد و بوی او هم بیرون نیاید .

مسئله ۶۲۲- میت را باید در قبر بپهلوی راست طوری بخوابانند که جلو بدن او رو بقبله باشد .

- مسئله ۶۲۳ - اگر کسی در کشتی بمیرد ، چنانچه جسد او فاسد نمیشود و بودن او در کشتی مانعی ندارد ؛ باید صبر کنند تا بخشکی برسند و او را در زمین دفن کنند و گرنه ؛ باید در کشتی غسلش بدهند و حنوط و کفن کنند و پس از خواندن نماز میت چیز سنگینی بپایش ببندند ، یا او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و بدریا بیندازند و اگر ممکن است ، باید او را در جایی بیندازند که فوراً طعمه حیوانات نشود .
- مسئله ۶۲۴ - اگر بترسند که دشمن قبر میت را بشکافد و بدن او را بیرون آورد و گوش یابینی یا اعضای دیگر او را ببرد ؛ چنانچه ممکن باشد ، باید بطوریکه در مسئله پیش گفته شد ؛ او را بدریا بیندازند .
- مسئله ۶۲۵ - مخارج انداختن در در بلو مخارج محکم کردن قبر میت را ، در صورتی که لازم باشد ، باید از اصل مال میت بردارند .
- مسئله ۶۲۶ - اگر زن کافره بمیرد و بچه در شکم او مرده باشد ، یا هنوز روح بدن او داخل نشده باشد ، چنانچه پدر بچه مسلمان باشد ، باید زن را در قبر به پهلو چپ پشت بقبله بخوابانند که روی بچه بطرف قبله باشد .
- مسئله ۶۲۷ - دفن مسلمان ؛ در قبرستان کفار و دفن کافر ، در قبرستان مسلمانان جایز نیست .
- مسئله ۶۲۸ - دفن مسلمان در جایی که بی احترامی باشد - مانند جایی که خاکروب و کثافت میریزند - جایز نیست .
- مسئله ۶۲۹ - دفن میت ، در جای غصبی و در زمینی که مثل مسجد برای غیر دفن میت وقف شده ، جایز نیست .
- مسئله ۶۳۰ - دفن میت در قبر مرده دیگر جایز نیست ، مگر آنکه قبر ، کهنه شده و میت اولی ازین رفته باشد .
- مسئله ۶۳۱ - چیزیکه از میت جدا میشود - اگر چه مو و ناخن و دندانش باشد - باید با او دفن شود . و دفن ناخن و دندانی که در حال حیات از انسان جدا میشود ؛

مستحب است .

مسئله ۶۳۲ - اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد ، باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند .

مسئله ۶۳۳ - اگر بچه در رحم مادر بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد ، باید به آسانترین راه او را بیرون آورند و چنانچه ناچار شوند که او را قطعه قطعه کنند اشکال ندارد ؛ ولی باید بوسیله شوهرش اگر اهل فن است یا زنیکه اهل فن باشد ، او را بیرون بیاورند و اگر ممکن نیست ، مرد محرمی که اهل فن باشد و اگر آنهم ممکن نشود ؛ مرد نامحرمی که اهل فن باشد بچه را بیرون بیاورد و در صورتی که آنهم پیدا نشود زنیکه اهل فن نباشد میتواند بچه را بیرون آورد .

مسئله ۶۳۴ - هر گاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد - اگر چه امید زنده ماندن طفل را نداشته باشند - باید بوسیله کسانی که در مسأله پیش گفته شد بهلوی چپ او را بشکافند و بچه را بیرون آورند و دوباره بدوزند .

مستحبات دفن

مسئله ۶۳۵ - مستحب است ، قبر را با اندازه قد انسان متوسط گود کنند و میت را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایند ؛ مگر آنکه قبرستان دورتر از جهتی بهتر باشد - مثل آنکه مردمان خوب در آنجا دفن شده باشند ؛ یا مردم برای فاتحه اهل قبور بیشتر به آنجا بروند - و نیز مستحب است جنازه را در چند ذراعی قبر ، زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم کم نزدیک بگردند هر مرتبه ، زمین بگذارند و بردارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند و اگر میت مرد است ، در دفعه سوم طوری زمین بگذارند که سر او طرف پائین قبر باشد و در دفعه چهارم از طرف سر وارد قبر نمایند و اگر زن است در دفعه سوم طرف قبله قبر بگذارند و بیهناء وارد قبر کنند و در موقع وارد کردن ، پارچه ای روی قبر بگیرند ؛ و

نیز مستحب است جنازه را با آرامی از تابوت بگیرند و وارد قبر کنند و دعاهائیکه دستور داده شده ، پیش از دفن و موقع دفن بخوانند و بعد از آنکه میت را در لحد گذاشتند ؛ گره های کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او بسازند و پشت میت خشت خام یا کلوخی بگذارند که میت پشت برنگردد و پیش از آنکه لحد را بپوشانند ، دست راست را بشانه راست میت بزنند و دست چپ را بقوت بر شانه چپ میت بگذارند ردها نرا نزدیک گوش او ببرند و بشدت حرکتش دهند و سه مرتبه بگویند :

اسْمَعِ اِفْهَمْ يَا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ وَبِجَاى فُلَانٍ بِنَ فُلَانٍ اسْمِ مَيْتِ وَبَدْرِش رَابِغُوْبِيْنَ
مثلا اگر اسم او محمد و اسم پدرش علی است سه مرتبه بگویند :

اسْمَعِ اِفْهَمْ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بِسْ اِزْ اَنْ بَگُوْبِيْنَ ؛
هَلْ اَنْتَ عَلِيُّ الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيْكَ لَهُ وَاَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ وَسَيِّدُ النَّبِيِّنَ وَ
خَاتَمُ الْمُرْسَلِيْنَ وَاَنْ عَلِيًّا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَسَيِّدُ الْوَصِيِّيْنَ وَاِمَامًا اَفْتَرَضَ اللهُ
طَاعَتَهُ عَلَيَّ الْعَالَمِيْنَ وَاَنْ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ
عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوْسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوْسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ
وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ الْحُجَّةَ اَنْ مَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَيْهِمْ ائِمَّةَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَحُجَّجُ اللهِ عَلَيَّ الْخَلْقِ اِحْمَعِيْنَ وَاَنْتُمْ اِنْمَا هَدِيَّ

اَبْرَارُ يَا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ وَبِجَاى فُلَانٍ بِنَ فُلَانٍ اسْمِ مَيْتِ وَبَدْرِش رَابِغُوْبِيْنَ وبعده بگوید :

اِذَا اَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقْرَبَانِ رَسُوْلَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَسَلَاكَ عَنْ
رَبِّكَ وَعَنْ نَبِيِّكَ وَعَنْ دِيْنِكَ وَعَنْ كِتَابِكَ وَعَنْ قَبْلَتِكَ وَعَنْ اِيْمَتِكَ فَلَاتَخَفْ
وَلَا تَحْزَنْ وَقُلْ فِيْ جَوَابِهِمَا اِنَّهُ رَبِّيْ وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّيْ
وَ الْاِسْلَامُ دِيْنِيْ وَالْقُرْآنُ كِتَابِيْ وَالْكَعْبَةُ قَبْلَتِيْ وَاَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيُّ بْنُ اَبِيْطَالِبٍ
اِمَامِيْ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبِيُّ اِمَامِيْ وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكُرْبَلَاءَ

امامی وعلی زین العابدین امامی و محمد الباقر امامی و جعفر الصادق امامی
و موسی کاظم امامی و علی رضا امامی و محمد الجواد امامی و علی
الهادی امامی و الحسن العسکری امامی و الحجة المنتظر امامی هؤلاء
صلوات الله عليهم اجمعین ائمتی و سادتی و قادتی و شفعاؤی بهم اتولی

و من اعدائهم ابرء فی الدنيا و الآخرة ثم اعلم یا فلان بن فلان و بجای فلان بن

فلان اسم میت و پدرش را بگوید بعد بگوید: ان الله تبارک و تعالی نعم الرب و ان محمداً
(ص) نعم الرسول و ان علی بن ابیطالب و اولاده المعصومین الائمة الاثنی عشر نعم
الائمة و ان ما جاء به محمد صلی الله علیه و آله حق و ان الموت حق و سؤال منکر
و نکیر فی القبر حق و البعث حق و النشور حق و الصراط حق و المیزان حق و
و تطایر الکتب حق و ان الجنة حق و النار حق و ان الساعة آتیة لا ریب فیها

و ان الله یبعث من فی القبور پس بگوید: افهمت یا فلان و بجای فلان اسم

میت را بگوید پس از آن بگوید: ثبتك الله بالقول الثابت و هداك الله الی صراط
و مستقیم عرف الله بینك و بین اولیائك فی مستقر من رحمته پس بگوید: اللهم
جاف الارض عن جنبه و اصعد بروجه الیک و لقه منک برها نا اللهم عفوك عفوك.

مسئله ۶۳۶- مستحب است کسیکه میت را در قبر میگذارد، با طهارت و سر برهنه

و با برهنه باشد و از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید و غیر از خویشان میت کسانی که

حاضرند، با پشت دست خاك بر قبر بریزند و بگویند: انالله و انا الیه راجعون و اگر

میت زناست کسیکه با او محرم میباشد او را در قبر بگذارد و اگر محرمی نباشد خویشانش

او را در قبر بگذارند.

مسئله ۶۳۷- مستحب است قبر را مربع یا مربع مستطیل بسازند و با اندازه

چهار انگشت از زمین بلند کنند و نشانه‌ای روی آن بگذارند که اشتباه نشود و روی

قبر آب بپاشند و بعد از پاشیدن آب کسانی که حاضرند، دستها بر قبر بگذارند و انگشتها

راباز کرده ، در خاک فرو برند و هفت مرتبه ، سوره مبارکه انا انزلناه بخوانند و برای میت طلب آمرزش کنند و این دعا را بخوانند .

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَن جَنَبِيهِ وَأَصْعِدْ إِلَيْكَ رُوحَهُ وَلِقِهِ مِنْكَ رِضْوَانًا وَ
أَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَن رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ .

مسئله ۶۳۸- پس از رفتن کسانی که تشییع جنازه کرده اند ؛ مستحب است

ولی میت ، یا کسی که از طرف ولی اجازه دارد ، دعاهائی را که دستور داده شده ، به میت تلقین کند .

مسئله ۶۳۹- بعد از دفن ، مستحب است صاحبان عزا را تسلیت دهند ولی

اگر مدتی گذشته است که بواسطه تسلیت دادن ، مصیبت پادشان می آید ، ترك آن بهتر است و نیز مستحب است تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است .

مسئله ۶۴۰- مستحب است انسان در مرگ خویشان ، مخصوصاً در مرگ

فرزند صبر کند و هر وقت میت را یاد میکند اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ بگوید و برای میت قرآن بخواند و سر قبر پدر و مادر ، از خداوند حاجت بخواند و قبر را محکم بسازد که زود خراب نشود .

مسئله ۶۴۱- جایز نیست ، اسان در مرگ کسی صورت و بدن را بخرشد و

بخود لطمه بزند .

مسئله ۶۴۲- پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر و شوهر جایز نیست .

مسئله ۶۴۳- اگر زن در عزای میت صورت خود را بخرشد و یا موی

خود را بکند و یا مرد در مرگ زن و یا بچه خود یقه و لباس خود را پاره کند باید يك بنده آزاد کند یا ده فقیر را طعام دهد و یا آنها را بپوشاند و اگر بر هیچ يك از آنها قدرت نداشته باشد سه روز روزه بگیرد و اگر زن موی خود را در عزای میت ببرد کفاره آن

دوماه پی در پی روز گرفتن و یا يك بنده آزاد کردن و یا شصت مسکین طعام دادن است
مسئله ۶۴۲- احتیاط واجب آنستکه در گریه بر میت، صدرا خیلی بلند نکنند

نماز وحشت

مسئله ۶۴۵- مستحب است در شب اول قبر؛ دور کعت نماز وحشت برای میت بخوانند و دستور آن اینستکه: در رکعت اول بعد از حمد، یک مرتبه آیه الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوانند و بعد از سلام نماز بگویند:
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَيَّ قَبْرِ فُلَانٍ وَبجای کلمه فلان؛ اسم میت را بگویند.

مسئله ۶۴۶- نماز وحشت را در هر موقع از شب اول قبر میشود خواند، ولی بهتر است در اول شب، بعد از نماز عشا خوانده شود.
مسئله ۶۴۷- اگر بخواهند میت را بشهر دوری ببرند، یا بجهت دیگر دفن او تأخیر بیفتد، باید نماز وحشت را تا شب اول قبر او تأخیر بیندازند.

نیش قبر

مسئله ۶۴۸- نیش قبر مسلمان - یعنی: شکافتن قبر او - اگر چه طفل یا دیوانه باشد، حرام است. ولی اگر بدنش از بین رفته و خاک شده باشد اشکال ندارد.
مسئله ۶۴۹- نیش قبر امامزاده‌ها و شهداء و علماء و صلحاء - اگر چه سالها بر آن گذشته باشد - حرام است.

مسئله ۶۵۰- شکافتن قبر در هفت مورد حرام نیست، بلکه در بعضی از آنها واجب است اول - آنکه میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود که در آنجا بماند. دوم - آنکه کفن با چیز دیگری که با میت دفن شده، غصبی باشد و صاحب

آن راضی نشود که در قبر بماند و همچنین است اگر چیزی از مال خود میت ، که بورثه او رسیده ، با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشود که آن چیز در قبر بماند ، ولی اگر وصیت کرده باشد که دعایا قرآن یا انگشتری را با او دفن کنند ، برای بیرون آوردن اینها ، نمی توانند قبر را بشکافند مگر آنکه زیاده تر بر ثلث باشد و ورثه امضا نکرده باشند . سوم - آنکه میت بی غسل یا بی کفن دفن شده باشد ، یا بفهمند غسلش باطل بوده ، یا بغیر دستور شرع کفن شده ، یا در قبر او را رو بقبله نگذاشته اند ولی اگر نبش در این صورت باعث هتک میت و اذیت مردم شود جایز نیست . چهارم - آنکه برای ثابت شدن حقی بخوانند بدن میت را به بینند . پنجم - آنکه میت را در جایی که بی احترامی باوست - مثل قبرستان کفار ، یا جایی که کثافت و خاک رویه میریزند - دفن کرده باشند . ششم - آنکه برای يك مطلب شرعی که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است ، قبر را بشکافند ، مثلاً بخوانند بچه زنده را از شکم زن حامله ای که دفنش کرده اند بیرون آورند . هفتم - آنکه بترسند درنده ای بدن میت را پاره کند ، یا سیل او را ببرد ، یا دشمن بیرون آورد و هرگاه قسمتی از بدن میت با او دفن نشده باشد ، احتیاط لازم آنست که آن قسمت از بدن را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود .

غسلهای مستحب

مسئله ۶۵۱ - غسلهای مستحب در شرع مقدس اسلام بسیار است و از آن جمله است :

۱ - غسل جمعه : و وقت آن از اذان صبح است تا ظهر و بهتر است نزدیک ظهر بجا آورده شود و اگر تا ظهر انجام ندهد بهتر است که بدون نیت ادا و قضا تا غروب جمعه بجا آورد و اگر در روز جمعه غسل نکند مستحب است از صبح شب تا غروب قضای آنرا بجا آورد ، و کسیکه میترسد در روز جمعه آب پیدا نکند میتواند در روز پنجشنبه غسل کند و یا در شب جمعه رجا غسل را انجام دهد .

و مستحب است در موقع غسل جمعه بگوید :

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ .

۲ - غسل شب اول ماه رمضان و تمام شبهای طاق ، مثل شب سوم و پنجم و هفتم ، ولی از شب بیست و یکم مستحب است همه شب غسل کند و برای غسل شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست و نهم ، بیشتر سفارش شده است و وقت غسل شبهای ماه رمضان تمام شب است و بهتر است مقارن غروب ، یا کمی پیش از غروب بجا آورده شود ولی از شب بیست و یکم تا آخر ماه بهتر است غسل را بین نماز مغرب و عشا بجا آورد و نیز مستحب است در شب بیست و سوم غیر از غسل اول شب ، یک غسل هم در آخر شب انجام دهد .

۳ - غسل روز عید فطر و عید قربان و وقت آن از اذان صبح است تا ظهر و چون احتمال می رود که وقت آن تا غروب باشد اگر بعد از ظهر آنرا بجا آورد احتیاط آنستکه بقصد رجا باشد .

۴ - غسل شب عید فطر و وقت آن از اول مغرب است تا اذان صبح و بهتر است در اول شب بجا آورده شود .

۵ - غسل روز هشتم و نهم ذیحجه و در روز نهم بهتر است آن را نزدیک ظهر بجا آورد .

۶ - غسل روز اول و پانزدهم و بیست و هفتم و آخر ماه رجب .

۷ - غسل روز عید غدیر و بهتر است پیش از ظهر آنرا انجام دهند .

۸ - غسل روز بیست و چهارم ذیحجه .

۹ - غسل روز عید نوروز و پانزدهم شعبان و نهم و هفدهم ربیع الاول و روز بیست

و پنجم ذی قعدة .

- ۱۰ - غسل دادن بچه‌ای که تازه بدنیا آمده و وقت آن بعد از تولد است تا دوسه روز که بگویند تازه بدنیا آمده و اگر تأخیر شد رجاء غسل بدهند .
- ۱۱ - غسل زنیکه برای غیر شوهرش بوی خوش استعمال کرده است .
- ۱۲ - غسل کسیکه در حال مستی خوابیده .
- ۱۳ - غسل کسیکه جائی از بدنش را بیدن میتی که غسل داده‌اند رسانده .
- ۱۴ - غسل کسیکه در موقع گرفتن خورشید و ماه نماز آیات را عمداً نخوانده در صورتیکه تمام ماه و خورشید گرفته باشد بلکه احتیاط ترك نکردن این غسل است چنانچه احتیاط آنستکه بقصد مافی‌الذمه بجا آورد از جهت تأخیر نماز یا از جهت بجا آوردن قضاء نماز .

۱۵ - غسل کسیکه برای تماشای دار آویخته ، رفته و آن را دیده باشد ولی اگر اتفاقاً یا از روی ناچاری نگاهش بیفتد یا مثلاً برای شهادت دادن رفته باشد ، غسل مستحب نیست .

مسئله ۶۵۲ - پیش از داخل شدن در حرم مکه ، شهر مکه ، مسجد الحرام ، خانه -

کعبه ، حرم مدینه ، شهر مدینه ، مسجد پیغمبر ﷺ و حرم ائمه علیهم السلام مستحب است انسان غسل کند و اگر در یک روز چند مرتبه مشرف شود ، يك غسل کافی است و کسیکه میخواهد در یکروز داخل حرم مکه و مسجد الحرام و خانه کعبه شود ، اگر به نیت همه يك غسل کند کافی است و نیز اگر در یکروز بخواند داخل حرم مدینه و شهر مدینه و مسجد پیغمبر ﷺ شود ، يك غسل برای همه کفایت میکند و برای زیارت پیغمبر ﷺ و ائمه علیهم السلام از دور یا نزدیک و برای حاجت خواستن از خداوند عالم و همچنین برای توبه و نشاط بجهت عبادت و برای سفر رفتن خصوصاً سفر زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام مستحب است انسان غسل کند و اگر یکی از غسلهایی را که در این مسئله گفته شد بجا آورد و بعد کاری کند که وضو را باطل مینماید مثلاً

بخواهد؛ مستحب است دوباره غسل را بجا آورد .

مسئله ۶۵۳- انسان نمیتواند با غسل مستحبی؛ کاری که مانند نماز؛ وضو لازم دارد انجام دهد .

مسئله ۶۵۴- اگر چند غسل بر کسی مستحب باشد و به نیت همه ، يك غسل بجا آورد کافی است .

تیمم

در هفت مورد بجای وضو و غسل ، باید تیمم کرد :

اول- آنکه تهیه آب بقدر وضو با غسل ممکن نباشد .

مسئله ۶۵۵- اگر انسان در آبادی باشد ، باید برای تهیه آب وضو و غسل ، بقدری جستجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود و اگر در بیابان باشد ، چنانچه زمین آن پست و بلند است ، باید در هر يك از چهار طرف باندازه پرتاب يك تیر قدیمی (۱)- که با کمان پرتاب میکردند - و اگر زمین آن پست و بلند نیست؛ باید در هر طرف باندازه پرتاب دو تیر؛ جستجو نماید .

مسئله ۶۵۶- اگر بعضی از چهار طرف هموار و بعضی دیگر پست و بلند باشد؛ باید در طرفیکه هموار است باندازه پرتاب دو تیر و در طرفیکه هموار نیست؛ باندازه يك تیر جستجو کند .

مسئله ۶۵۷- در هر طرفی که یقین دارد آب نیست، در آن طرف جستجو لازم نیست.

مسئله ۶۵۸- کسبکه وقت نماز او تنگ نیست و برای تهیه آب وقت دارد ، اگر یقین ، یا اطمینان دارد ، در محلی دورتر از مقداریکه باید جستجو کند آب هست؛

(۱) مرحوم مجلسی قدس سره در کتاب شرح من لا یحضره الفقیه مقدار پرتاب تیر را دو دست گام

- باید برای تهیه آب برود ولی اگر گمان دارد آب هست؛ رفتن بآن محل لازم نیست .
- مسئله ۶۵۹- لازم نیست خود انسان در جستجوی آب برود . بلکه میتواند کسیرا که بگفته او اطمینان دارد بفرستد . بنابر این اگر یکنفر از طرف چند نفر برود کافیت .
- مسئله ۶۶۰- اگر احتمال دهد که داخل بار سفر خود ، بادر منزل ، بادر قافله آب هست ، باید بقدری جستجو نماید که به نبودن آب یقین کند ، بسا از پیدا کردن آن ناامید شود .
- مسئله ۶۶۱- اگر پیش از وقت نماز جستجو نماید و آب پیدا نکند و تاوقت نماز همانجا بماند ، چنانچه احتمال دهد که آب پیدا میکند ، احتیاط مستحب آنست که دوباره در جستجوی آب برود .
- مسئله ۶۶۲- اگر بعد از داخل شدن وقت نماز جستجو کند و آب پیدا نکند و تاوقت نماز دیگر در همانجا بماند ، چنانچه احتمال دهد که آب پیدا میشود ، احتیاط مستحب آنست که دوباره در جستجوی آب برود .
- مسئله ۶۶۳- اگر وقت نماز تنگ باشد ، یا از دزد و درنده بترسد ، یا جستجوی آب بقدری سخت باشد که نتواند تحمل کند ، جستجو لازم نیست .
- مسئله ۶۶۴- اگر در جستجوی آب نرود تاوقت نماز تنگ شود ، معصیت کرده ولی نمازش باتیمم صحیح است .
- مسئله ۶۶۵- کسیکه یقین دارد آب پیدا نمیکند ، چنانچه دنبال آب نرود و باتیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو میکرد آب پیدا میشد ؛ نمازش باطل است .
- مسئله ۶۶۶- اگر بعد از جستجو ؛ آب پیدا نکند و باتیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد ، درجائی که جستجو کرده آب بوده ؛ نماز او صحیح است .

مسئله ۶۶۷- کسیکه یقین دارد وقت نماز تنگ است، اگر بدون جستجو با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که برای جستجو وقت داشته، احتیاط واجب آنست که دوباره نمازش را بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسئله ۶۶۸- اگر بعد از داخل شدن وقت نماز، وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند، تهیه آب برای او ممکن نیست، یا نمیتواند وضو بگیرد چنانچه بتواند وضوی خود را نگهدارد، نباید آنرا باطل نماید.

مسئله ۶۶۹- اگر پیش از وقت نماز، وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند، تهیه آب برای او ممکن نیست، چنانچه بتواند وضوی خود را نگهدارد، احتیاط مستحب آنست که آنرا باطل نکند و تا ممکن است رعایت این احتیاط را بنماید.

مسئله ۶۷۰- کسیکه فقط بمقدار وضو، یا بمقدار غسل آب دارد و میداند که اگر آنرا بریزد آب پیدا نمیکند، چنانچه وقت نماز داخل شده باشد، ریختن آن حرام است و احتیاط مستحب آنست که پیش از وقت نماز هم آنرا نریزد و تا ممکن است این احتیاط را مراعات نماید.

مسئله ۶۷۱- کسیکه میداند آب پیدا نمیکند، اگر بعد از داخل شدن وقت نماز وضوی خود را باطل کند، یا آبی را که دارد بریزد معصیت کرده، ولی نمازش با تیمم صحیح است، اگر چه احتیاط مستحب آنست که قضای آن نماز را بخواند.

دوم از موارد تیمم

مسئله ۶۷۲- اگر بواسطه پیری، یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها، یا نداشتن وسیله ای که آب از چاه بکشد، دسترسی بآب نداشته باشد، باید تیمم کند و همچنین است اگر تهیه کردن آب با استعمال آن، بقدری مشقت داشته باشد که مردم تحمل

آنرا نکنند .

مسئله ۶۷۳- اگر برای کشیدن آب از چاه ،دلو وریسمان ومانند اینها لازم دارد و مجبور است بخرد ،یا کرایه نماید - اگرچه قیمت آن چند برابر معمول باشد - باید تهیه کند و همچنین است اگر آبرابچندین برابر قیمتش بفروشد ولی اگر تهیه آنها بقدری پول میخواهد که نسبت بحال او آنقدر ضرر دارد ،واجب نیست تهیه نماید .

مسئله ۶۷۴- اگر ناچار شود که برای تهیه آب قرض کند ،باید قرض نماید ولی کسیکه میداند یا گمان دارد که نمیتواند قرض خود را بدهد ، واجب نیست قرض کند .

مسئله ۶۷۵- اگر کندن چاه مشقت ندارد ،باید برای تهیه آب ،چاه بکند .

مسئله ۶۷۶- اگر کسی مقداری آب ،بی منت باو بیخشد ،باید قبول کند .

سوم از موارد تیمم

مسئله ۶۷۷- اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد ؛ یا بترسد که بواسطه استعمال آن مرض یا عیبی در او پیدا شود ،یا مرضش طول بکشد ، یا شدت کند . یا بسختی معالجه شود ،باید تیمم نماید ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد ،باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند .

مسئله ۶۷۸- لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد ،بلکه اگر احتمال ضرر بدهد . چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد و از آن احتمال ،ترس برای او پیدا شود ،باید تیمم کند .

مسئله ۶۷۹- کسیکه مبتلا بدرد چشم است و آب برای او ضرر دارد ، باید تیمم نماید .

مسئله ۶۸۰- اگر بواسطه یقین یا ترس ضرر ؛ تیمم کند و پیش از نماز بفهمد

که آب برایش ضرر ندارد؛ تیمم او باطل است. و اگر بعد از نماز بفهمد، بنا بر احتیاط مستحب باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسئله ۶۸۱- کسیکه میداند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، بنا بر احتیاط واجب باید اگر در وقت است و نماز را نخوانده تیمم هم بنماید و اگر نماز را خوانده دوباره آنرا با تیمم بخواند و اگر وقت گذشته با وضوء یا غسل آنرا قضا نماید.

چهارم از موارد تیمم

مسئله ۶۸۲- هرگاه بترسد که اگر آب را بمصرف وضو یا غسل برساند خود او یا هیال و اولاد او، یا رفیقش و کسانی که با او مربوطند - مانند نوکر و کلفت - از تشنگی بمیرند، یا مریض شوند، یا بقدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد، باید بجای وضو و غسل تیمم نماید و نیز اگر بترسد حیوانی که مال خود اوست از تشنگی تلف شود؛ باید آب را بآن بدهد و تیمم نماید همچنین است اگر کسیکه حفظ جان او واجب است، بطوری تشنه باشد که اگر انسان آب را با او ندهد تلف شود.

مسئله ۶۸۳- اگر غیر از آب پاکی که برای وضو و غسل دارد، آب نجسی هم بمقدار آشامیدن خود و کسانی که با او مربوطند داشته باشد، باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارد و با تیمم نماز بخواند، ولی چنانچه آب را برای حیوانش بخواند، باید آب نجس را بآن بدهد و با آب پاک، وضو و غسل را انجام دهد.

پنجم از موارد تیمم

مسئله ۶۸۴- کسیکه بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر

با آن وضو بگیرد یا غسل کند ، برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی ماند ؛ باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند ، ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمم کند ، باید آب را بمصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند .

ششم از موارد تیمم

مسئله ۶۸۵ - اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد ، مثلاً آب یا ظرفش غصبی است و غیر از آن ، آب و ظرف دیگری ندارد باید بجای وضو و غسل تیمم کند .

هفتم از موارد تیمم

مسئله ۶۸۶ - هر گاه وقت بقدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد ، یا غسل کند تمام نماز ؛ یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده میشود ، باید تیمم کند .

مسئله ۶۸۷ - اگر عمداً نماز را بقدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد ، معصیت کرده ولی نماز او با تیمم صحیح است اگر چه احتیاطاً مستحب آنستکه قضای آن نماز را بخواند .

مسئله ۶۸۸ - کسیکه شك دارد که اگر وضو بگیرد ، یا غسل کند وقت برای نماز اومی ماند یا نه اگر شك او در مقدار وقت باشد - مثل آنکه نداند يك ساعت وقت دارد یا نیم ساعت - باید وضو یا غسل را بجا آورد .

مسئله ۶۸۹ - کسیکه بواسطه تنگی وقت تیمم کرده ، چنانچه بعد از نماز آبیکه داشته از دستش برود ، اگر چه تیمم خود را نشکسته باشد ، در صورتیکه وظیفه اش تیمم باشد ، باید دوباره تیمم نماید .

مسئله ۶۹۰ - کسیکه آب دارد ، اگر بواسطه تنگی وقت با تیمم مشغول نماز شود

و در بین نماز آیه که داشته از دستش برود، چنانچه وظیفه اش تیمم باشد، احتیاط مستحب آنست که برای نمازهای بعد دوباره تیمم کند.

مسئله ۶۹۱- اگر انسان بقدری وقت دارد که می تواند وضو بگیرد، یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن - مثل اقامه و قنوت - بخواند؛ باید غسل کند یا وضو بگیرد، و نماز را بدون کارهای مستحبی آن بجا آورد، و بلکه اگر باندازه سوره هم وقت ندارد، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.

چیزهایی که تیمم با آنها صحیح است

مسئله ۶۹۲- تیمم بخاک و ریگ و کلوخ و سنگ صحیح است ولی احتیاط مستحب آنست که اگر خاک ممکن باشد بچیز دیگر تیمم نکند و اگر خاک نباشد، باریگ و اگر ریگ نباشد، با کلوخ و چنانچه کلوخ هم نباشد، با سنگ تیمم نماید.

مسئله ۶۹۳- تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک صحیح است و با بودن چیزیکه تیمم بر آن صحیح است. احوط آنست که بگچ و آهک پخته تیمم نکند ولی بسنگ معدنی - مثل سنگ عقیق- تیمم باطل میباشد.

مسئله ۶۹۴- اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدانشود؛ باید به گرد و غباری که در فرش و لباس و مانند اینها نشسته اگر ظاهر است تیمم کند و اگر گرد و غبار آنها ظاهر نیست، ولی وقتی دست به آن می زنند گرد بر می خیزد، احتیاط جمع بین تیمم بآن و تیمم بگل است و چنانچه اصلاً گرد پیدا نشود؛ باید بگل تیمم کند و اگر گل هم پیدانشود، احتیاط آنست که نماز را بدون تیمم بخواند ولی واجب است بعداً قضای آنرا بجا آورد.

مسئله ۶۹۵- اگر بتواند با تکاندن فرش و مانند آن خاک تهیه کند، تیمم بگرد باطل است و اگر بتواند گل را خشک کنند و از آن خاک تهیه نماید، تیمم بگل باطل می باشد.

مسئله ۶۹۶- کسیکه آب ندارد اگر برف یا یخ داشته باشد ، چنانچه ممکن است ، باید آنرا آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل نماید، و اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمم بآن صحیح است ندارد، احتیاط واجب آنستکه با برف یا یخ ، اعضاء وضو یا غسل را نمناک کند، و اگر این هم ممکن نیست به یخ یا برف تیمم نماید ؛ ولی در دو صورت اخیر نمازی را که خوانده باید قضا کند .

مسئله ۶۹۷- اگر با خاک و ریزک چیزی- مانند گاه - که تیمم بآن باطل است مخلوط شود، نمی توان به آن تیمم کرد ولی اگر آنچیز بقدری کم باشد ؛ که در خاک یا ریزک از بین رفته حساب شود ، تیمم به آن خاک و ریزک صحیح است.

مسئله ۶۹۸- اگر چیزی ندارد که بر آن تیمم کند چنانچه ممکن است ، باید بخريدن و مانند آن تهیه نماید .

مسئله ۶۹۹- تیمم بدیوار گلی صحیح است و احتیاط مستحب آنستکه با بودن زمین یا خاک خشک ، بزمین یا خاک نمناک تیمم نکند.

مسئله ۷۰۰- چیزی که بر آن تیمم می کند ، باید پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیمم به آن صحیح است ندارد، احتیاط آنست که نماز را بی تیمم بخواند ولی واجب است بعد قضاى آنرا بجای آورد .

مسئله ۷۰۱- اگر قبین داشته باشد که تیمم بچیزی صحیح است و به آن تیمم نماید ، بعد بفهمد تیمم به آن باطل بوده ، نمازهایی را که با آن تیمم خوانده ، باید دوباره بخواند .

مسئله ۷۰۲- چیزی که بر آن تیمم می کند و مکان آنچیز باید غضبی نباشد ؛ پس اگر بر خاک غضبی تیمم کند ، یا خاکی را که مال خود اوست بی اجازه، در ملک دیگری بگذارد و بر آن تیمم کند ، باطل است .

مسئله ۷۰۳- تیمم در فضای غضبی باطل است پس اگر در ملک خود، دستها

را به زمین بزند ، و بی اجازه داخل ملك دیگری شود و دستها را به پیشانی بکشد باطل است.

مسئله ۷۰۴- تیمم به چیز غصبی ؛ یا در فضای غصبی یا بر چیزی که در ملك غصبی است ؛ در صورتی باطل است که انسان بداند غصب است و عمداً تیمم کند و چنانچه نداند ، یا فراموش کرده باشد ، تیمم صحیح است ولی اگر چیزی را خودش غصب کند و فراموش کند که غصب کرده و بر آن تیمم کند ، یا ملکی را غصب نماید و فراموش کند که غصب کرده و چیزی را که بر آن تیمم میکند در آن ملك بگذارد ، یا در فضای آن ملك تیمم نماید ، باطل است .

مسئله ۷۰۵- کسیکه در جای غصبی حبس است ، اگر آب و خاک آنجا غصبی است ؛ باید با تیمم نماز بخواند .

مسئله ۷۰۶- مستحب است چیزی که بر آن تیمم میکند ، گردی داشته باشد که بدست بماند . و بعد از زدن دست بر آن ، مستحب است دست را بتکاند که گرد آن بریزد .

مسئله ۷۰۷- تیمم بر زمین گود و خاک جاده و زمین شوره زاری که نمک روی آن را نرفته مکروه است ولی اگر نمک روی آن را گرفته باشد ، باطل است .

تیمم بدل از وضوء

مسئله ۷۰۸- در تیمم بدل از وضو چهار چیز واجبست : اول- نیت . دوم زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بآن صحیح است . سوم- کشیدن تمام کف هر دو دست بنام پیشانی و دو طرف آن ، از جایی که موی سر میروید ، تا ابروها و بالای بینی و احتیاطاً باید دستها روی ابروها هم ؛ کشیده شود . چهارم- کشیدن تمام کف دست

چپ تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن تمام کف دست راست بتمام پشت دست چپ .

تیمم بدل از غسل

مسئله ۷۰۹- تیمم بدل از غسل مثل تیمم بدل از وضو است . ولی احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل را با دو ضرب انجام دهد باین نحو که : يك مرتبه دستها را بزمین بزند و به پیشانی بکشد و مرتبه دیگر دستها را بزمین بزند و به پشت دستها بکشد . و بلکه احتیاط مستحب آن است که تیمم را - چه بدل از وضو باشد ، چه بدل از غسل - به ترتیب زیر بجا آورد :

يك مرتبه دستها را بزمین بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد و یکمرتبه دیگر بزمین بزند و پشت دستها را مسح نماید .

احکام تیمم

مسئله ۷۱۰- اگر مختصری از پیشانی و پشت دستها را هم مسح نکند تیمم باطل است - چه عمداً مسح نکند ، یا مسأله را نداند ، یا فراموش کرده باشد - ولی دة زیاد هم لازم نیست و همینقدر که بگویند تمام پیشانی و پشت دست مسح شده کافیهست
مسئله ۷۱۱- برای آنکه یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده ؛ باید مقداری بالاتر از میج را هم مسح نماید ؛ ولی مسح بین انگشتان لازم نیست .

مسئله ۷۱۲- پیشانی و پشت دستها را باید از بالا بپائین مسح نماید و کارهای آن را باید پشت سر هم بجا آورد و اگر بین آنها بقدری فاصله دهد که نگویند تیمم میکند ، باطل است .

مسئله ۷۱۳- در موقع نیت باید معین کند که تیمم او بدل از غسل است ، یا بدل از

وضو و اگر بدل از غسل باشد، باید آن غسل رامعین نماید و چنانچه اشتهاً بجای بدل از وضو، بدل از غسل یا بجای بدل از غسل؛ بدل از وضو نیت کند، یا مثلاً در تیمم بدل از غسل جنابت، نیت تیمم بدل از غسل مس میت نماید، تیمم باطل است.

مسئله ۷۱۴- در تیمم باید پیشانی و کف دستها و پشت آنها پاک باشد و اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد، احتیاط واجب آنست که دو تیمم کند: یکی با کف دست و یکی با پشت دست یعنی پشت دست را با چیزی که تیمم بآن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد.

مسئله ۷۱۵- انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دستها یا کف آنها مانعی باشد - مثلاً چیزی بآنها چسبیده باشد - بر طرف نماید.

مسئله ۷۱۶- اگر پیشانی یا پشت دستها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نمیتواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند؛ باید دست را با همان پارچه با چیزی که تیمم بآن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد.

مسئله ۷۱۷- اگر پیشانی و پشت دستها موداشته باشد اشکال ندارد ولی اگر موی سر، روی پیشانی آمده باشد باید آن را عقب بزند.

مسئله ۷۱۸- اگر احتمال دهد که در پیشانی، یا کف دستها، یا پشت دستها مانعی هست، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، باید جستجو نماید، تا یقین یا اطمینان پیدا کند که مانعی نیست.

مسئله ۷۱۹- اگر وظیفه او تیمم است و نمیتواند تیمم کند، باید نایب بگیرد و کسیکه نایب می شود، باید او را با دست خود او تیمم دهد و اگر ممکن نباشد، باید نایب، دست خود را با چیزی که تیمم بآن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستهای

اوبکشد .

مسئله ۷۲۰- اگر درین تیمم شك كند که قسمی از آن رافراموش کرده بانه باید آن قسمت را با آنچه بعد از آنست بجا آورد .

مسئله ۷۲۱- اگر بعد از مسح دست چپ شك كند که درست تیمم کرده یا نه . تیمم صحیح است .

مسئله ۷۲۲- کسی که وظیفه اش تیمم است نمیتواند پیش از وقت نماز، برای نماز تیمم کند ، ولی اگر برای کار واجب دیگر ؛ یا مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذرا باقی باشد ؛ میتواند با همان تیمم نماز بخواند .

مسئله ۷۲۳- کسیکه وظیفه اش تیمم است ، اگر بداند تا آخر وقت عذرا باقی میماند ؛ دروسعت وقت میتواند با تیمم نماز بخواند ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذرا بر طرف میشود ، احتیاط لازم آنست که صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند و اگر امید دارد که عذرش بر طرف میشود ، واجب نیست صبر کند بلکه میتواند دروسعت وقت با تیمم نماز بخواند اگر چه در اینصورت هم احتیاط خوب است .

مسئله ۷۲۴- کسی که نمیتواند وضو بگیرد ، یا غسل کند ، اگر احتمال ندهد که عذرش بزودی بر طرف شود ؛ میتواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند ولی اگر احتمال دهد ؛ بزودی عذرا بر طرف میشود ، خواندن نماز قضا برای او اشکال دارد .

مسئله ۷۲۵- کسی که نمیتواند وضو بگیرد ، یا غسل کند ، جایز است نمازهای مستحبی را ، که مثل نافله های شبانه روز وقت معین دارد ، با تیمم بخواند هر چند احتمال دهد که تا آخر وقت آنها ، عذرا بر طرف میشود .

مسئله ۷۲۶- کسی که احتیاطاً باید غسل جیره ای و تیمم نماید . مثلاً جراحی در پشت او است . - اگر بعد از غسل و تیمم حدث اصغری از او سر رند - مثلاً بول کند - برای نمازهای بعد ، تا عذرش باقی است تیمم بدل از غسل واجب نیست و وضو

کافی است.

مسئله ۷۲۷- اگر بواسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند؛ بعد از برطرف شدن عذر، تیمم او باطل میشود.

مسئله ۷۲۸- چیزهاییکه وضو را باطل می کند؛ تیمم بدل از وضو را هم باطل می کند و چیزهاییکه غسل را باطل مینماید؛ تیمم بدل از غسل را هم باطل مینماید.

مسئله ۷۲۹- کسیکه نمیتواند غسل کند. اگر چند غسل بر او واجب باشد؛ میتواند بقصد بدل از همه، يك تیمم کند و بهتر آنستکه بدل از هر غسلی يك تیمم بنماید. ولی اگر بدل از غسل جنابت تیمم کرد، دیگر بدل سایر اغسال تیمم نکند مگر رجاءاً.

مسئله ۷۳۰- کسیکه نمی تواند غسل کند اگر بخواهد عملی را که برای آن غسل واجب است انجام دهد، باید بدل از غسل تیمم نماید و اگر نتواند وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد، باید بدل از وضو تیمم نماید.

مسئله ۷۳۱- اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند، نباید برای نماز وضو بگیرد ولی اگر بدل از غسلهای دیگر تیمم کند؛ باید وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد؛ باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید.

مسئله ۷۳۲- اگر بدل از غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل میکند برای او پیش آید؛ چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند، باید وضو بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب بدل از غسل تیمم ننماید و اگر نمی تواند وضو بگیرد دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو، ولی اگر تیمم او بدل از غسل جنابت بوده، چنانچه يك تیمم نماید، بقصد اینکه آنچه تکلیف اوست انجام داده باشد، کافیت.

مسئله ۷۳۳- کسی که باید برای انجام عملی - مثلا برای خواندن نماز -

بدل از وضو و بدل از غسل تیمم کند ؛ احتیاط مستحب آنست که تیمم سومی هم بقصد اینکه بتواند آن عمل را انجام دهد بنماید ، ولی اگر در تیمم اول، نیت بدل از وضو یا نیت بدل از غسل نماید و تیمم دوم را بقصد اینکه وظیفه خود را انجام داده باشد ؛ بجا آورد تیمم سوم لازم نیست .

مسئله ۷۳۴ - کسی که وظیفه اش تیمم است اگر برای کاری تیمم کند ، تا تیمم و عذر او باقی است ، کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام داد میتواند بجا آورد ولی اگر عذرش تنگی وقت بوده ، یا باداشتن آب برای نماز میت یا خوابیدن ، تیمم کرده فقط کاری را که برای آن تیمم نموده ، میتواند انجام دهد .

مسئله ۷۳۵ - در چند مورد مستحب است نمازهایی را که انسان با تیمم خوانده دوباره بخواند : اول - آنکه از استعمال آب ترس داشته و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است : دوم - آنکه میدانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی کند و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است : سوم - آنکه تا آخر وقت ، عمداً در جستجوی آب فرود و با تیمم نماز بخواند و بعد بفهمد که اگر جستجو می کرد ؛ آب پیدا میشد : چهارم - آنکه عمداً نماز را تأخیر انداخته و در آخر وقت با تیمم نماز خوانده است : پنجم - آنکه می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمیشود و آبی را که داشته ریخته است : ششم - آنکه از ترس مزاحمت جمعیت و نرسیدن بنماز جماعت ، نماز جمعه را با تیمم خوانده است .

احکام نماز

نماز مهمترین اعمال دینی است که اگر قبول در گاه خداوند عالم شود، عبادت‌های دیگر هم قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود. و همانطور که اگر انسان شبانه‌روزی پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند، چرك در بدنش نمی‌ماند نمازهای پنجگانه هم انسان را از گناهان پاک میکند. و سزاوار است که انسان نماز را در اول وقت بخواند و کسیکه نماز را پست و سبک شمارد، مانند کسی است که نماز نمی‌خواند.

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: کسیکه بنماز اهمیت ندهد و آنرا سبک شمارد، سزاوار عذاب آخرت است. روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند مردی وارد و مشغول نماز شد و رکوع و سجودش را کاملاً بجا نیاورد، حضرت فرمودند اگر این مرد در حالی که نمازش اینطور است از دنیا برود، بدین من از دنیا نرفته است، پس انسان باید مواظب باشد که با عجله و شتابزدگی نماز نخواند و در حال نماز بیاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد و مترجه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار پست و ناچیز ببیند و اگر انسان در موقع نماز کاملاً باین مطلب توجه کند، از خود بیخبر میشود، چنانکه در حال نماز تیرا از بای مبارك امیر المؤمنین عليه السلام بیرون کشیدند و آنحضرت متوجه نشدند.

و نیز باید نماز گزار توبه و استغفار نماید و گناهایی که مانع قبول شدن نماز

است ، مانند حسد ، کبر ، غیبت ، خوردن حرام ، آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکوة بلکه هر معصیتی را ترك کند و همچنین سزاوار است کارهایی که ثواب نماز را کم میکند بجا نیاورد ، مثلا در حال خواب آلودگی و خودداری از بول بنماز نایستد و در موقع نماز با آسمان نگاه نکند و نیز کارهایی که ثواب نماز را زیاد میکند بجا آورد ، مثلا انگشتی عقیق بدست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید .

نمازهای واجب

نمازهای واجب شش است: اول نماز یومیه دوم نماز آیات سوم نماز میت؛ چهارم نماز طواف واجب خانه کعبه پنجم نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است . ششم نمازیکه بواسطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب میشود.

نمازهای واجب یومیه

نمازهای واجب یومیه پنج است ظهر و عصر ، هر کدام چهار رکعت. مغرب سه رکعت. عشا ؛ چهار رکعت . صبح ؛ دو رکعت.
مسئله ۷۳۶ - در سفر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرائطی که گفته میشود دور رکعت خواند .

وقت نماز ظهر و عصر

مسئله ۱۷۳۷- اگر چوب یا چیزی مانند آنرا ، بطور عمودی در زمین هموار نصب کنند صبح که خورشید بیرون می آید ، سایه آن بطرف مغرب می افتد و هر چه آفتاب بالا

می آید این سایه کم میشود و در شهرهای ما در اول ظهر شرعی (۱) با آخرین درجه کمی میرسد و ظهر که گذشت ، سایه آن بطرف مشرق برمی گردد و هرچه خورشید رو بمغرب میرود ، سایه زیادتر می شود . بنابراین وقتی سایه با آخرین درجه کمی رسید و دو مرتبه رو زیاد شدن گذاشت، معلوم می شود ظهر شرعی شده است ولی در بعضی شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه بکلی از بین می رود ، بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد معلوم می شود ظهر شده است.

مسئله ۷۳۸ - چوب یا چیز دیگری را ، که برای معین کردن ظهر بزمین فرو می برند شاخص گویند.

مسئله ۷۳۹ - نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند؛ وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر باندازه خواندن نماز ظهر ، بگذرد که اگر کسی سهواً تمام نماز عصر را در این وقت بخواند ، نمازش باطل است و وقت مخصوص نماز عصر موقمی است که باندازه خواندن نماز عصر ، وقت بمغرب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخواند ، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند و ما بین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر ؛ وقت مشترك نماز ظهر و نماز عصر است که اگر کسی در این وقت اشتهاً تمام نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخواند ، نمازش صحیح است و باید نماز ظهر را بعد از آن بجا آورد .

مسئله ۷۴۰ - اگر پیش از خواندن نماز ظهر ، سهواً مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است ؛ چنانچه در وقت مشترك باشد ؛ باید نیت را بنماز ظهر برگرداند - یعنی : نیت کند که آنچه تا حال خوانده ام و آنچه را مشغولم و آنچه

۱- ظهر شرعی در بعضی از مواقع سال چند دقیقه پیش از ساعت دوازده و گاهی چند

دقیقه بعد از ساعت دوازده است.

بعد میخوانم همه نماز ظهر باشد - و بعد از آنکه نماز را تمام کرد ، نماز عصر را بخواند و اگر در وقت مخصوص بظهر باشد ، نماز باطل است آنرا رها میکند و هر دو نماز را بترتیب بجا میآورد و میتواند احتیاطاً نیت را بنماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند ، بعد هر دو نماز را بترتیب بجا آورد .

مسئله ۷۴۱- در زمان حضور امام علیه السلام واجب است ، انسان در روز جمعه بجای نماز ظهر دو رکعت نماز جمعه بخواند ؛ ولی در این زمان اگر کسی نماز جمعه بخواند ، احتیاط واجب آنستکه نماز ظهر را هم بخواند .

مسئله ۷۴۲- وقت نماز جمعه از اول ظهر است ، تا مقداری که مکلف بتواند نماز جمعه را با شرایط آن - از تحصیل طهارت از حدث و خبث و حضور در اجتماع - بجا آورد .

وقت نماز مغرب و عشاء

مسئله ۷۴۳- مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق ؛ که بعد از غروب آفتاب پیدا میشود ، از بالای سر انسان بگذرد .

مسئله ۷۴۴- نماز مغرب و عشاء هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند :
وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است ، تا وقتی که از مغرب باندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد ، که اگر کسی مثلاً مسافر باشد و تمام نماز عشاء را سهواً در این وقت بخواند نماز باطل است و وقت مخصوص نماز عشاء موقعی است که باندازه خواندن نماز عشاء بنصف شب مانده باشد ، که اگر کسی تا این موقع نماز مغرب را نخواند ، باید اول نماز عشاء و بعد از آن نماز مغرب را بخواند . و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشاء وقت مشترك نماز مغرب و عشاء است ، که اگر کسی در این وقت اشتهاً نماز عشاء را پیش از نماز مغرب بخواند

و بعد از نماز ملتفت شود. نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن بجا آورد. مسئله ۷۴۵- وقت مخصوص و مشترك که معنی آن در مسئله پیش گفته شد برای اشخاص فرق میکند، مثلاً اگر باندازه خواندن دو رکعت نماز از اول ظهر بگذرد وقت مخصوص نماز ظهر کسیکه مسافر است تمام شده و داخل وقت مشترك میشود ولی برای کسیکه مسافر نیست، باید باندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذرد.

مسئله ۷۴۶- اگر پیش از خواندن نماز مغرب، سهواً مشغول نماز عشا شود و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده، چنانچه تمام آنچه را خوانده یا مقداری از آنرا، در وقت مشترك خوانده و بر کوع رکعت چهارم نرفته است، باید نیت را بنماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند و اگر بر کوع رکعت چهارم رفته باید نماز را تمام کند؛ بعد نماز مغرب را بخواند و احتیاط لازم آن است که بعد از مغرب نماز عشا را اعاده نماید اما اگر تمام آنچه را خوانده در وقت مخصوص نماز مغرب خوانده باشد و پیش از رکوع رکعت چهارم یادش بیاید، میتواند احتیاطاً نیت را بنماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و دوباره نماز مغرب و بعد از آن عشا را بخواند و میتواند رها کند و هر دو نماز را بترتیب بجا آورد.

مسئله ۷۴۷- آخر وقت نماز عشا نصف شب است. و شب را باید از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد بنا بر احتیاط نه تا اول آفتاب (۱).

مسئله ۷۴۸- اگر از روی معصیت، یا بواسطه عذری نماز مغرب یا نماز عشا را تا نصف شب نخواند، بنا بر احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا و قضا کند بجا آورد.

(۱) بنا بر این تقریباً یازده ساعت ربك ربع بعد از ظهر شرعی، آخر وقت نماز مغرب

وقت نماز صبح

مسئله ۷۴۹- نزدیک اذان صبح از طرف مشرق، سفیده‌ای روییالاحر کت میکند که آنرا فجر اول گویند؛ موقعی که آن سفیده پهن شد، فجر دوم و اول وقت نماز صبح است و آخر وقت نماز صبح موقعی است که آفتاب بیرون می‌آید.

احکام وقت نماز

مسئله ۷۵۰- موقعی انسان میتواند مشغول نماز شود که یقین کند، یا اطمینان حاصل نماید وقت داخل شده است، یا اذان گوی وقت شناس مورد وثوق اذان بگوید و یاد مرد عادل بداخل شدن وقت خبر دهند.

مسئله ۷۵۱- اگر بواسطه ابر یا غبار نتواند در اول وقت نماز، بداخل شدن وقت یقین کند، چنانچه گمان داشته باشد که وقت داخل شده، میتواند مشغول نماز شود لکن احتیاط مستحب آنست که نماز را تاخیر بیندازد تا یقین کند، وقت داخل شده است، ولی در موانع غیر عامه - مثل نابینائی و زندانی بودن - احتیاط لازم اکتفا نکردن بظن است.

مسئله ۷۵۲- اگر دو مرد عادل بداخل شدن وقت خبر دهند، یا انسان یقین کند که وقت نماز شده و مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است و همچنین است اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده. ولی اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شده، یا بعد از نماز بفهمد، که در بین نماز وقت داخل شده؛ نماز او صحیح است.

مسئله ۷۵۳- اگر انسان ملتفت نباشد که باید با یقین بداخل شدن وقت، مشغول نماز شود، چنانچه بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را در وقت خوانده، نماز او صحیح

است و اگر بفهمد تمام نماز را پیش از وقت خوانده یا بفهمد که در وقت خوانده یا پیش از وقت نمازش باطل است بلکه اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز، وقت داخل شده است احتیاط واجب آنست که دوباره آن نماز را بخواند .

مسئله ۷۵۴- اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شك کند که وقت داخل شده یا نه ، نماز او باطل است ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده ، وشك کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه نمازش صحیح است .

مسئله ۷۵۵- اگر وقت نماز بقدری تنگ است ، که بواسطه بجا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز ، مقداری از آن بعد از وقت خوانده میشود . باید آن مستحب را بجا نیاورد . مثلاً اگر بواسطه خواندن قنوت ، مقداری از نماز بعد از وقت خوانده میشود ، باید قنوت نخواند .

مسئله ۷۵۶- کسیکه باندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دلدرد ، باید نماز را بنیت ادا بخواند ، ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد .

مسئله ۷۵۷- کسیکه مسافر نیست ، اگر تا مغرب باندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد ، باید نماز ظهر و عصر هر دو را بخواند و اگر کمتر وقت دارد ، باید فقط نماز عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند . و همچنین اگر تا نصف شب باندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد ، باید نماز مغرب و عشاء را بخواند و اگر کمتر وقت دارد ، باید فقط عشاء را بخواند و بعداً مغرب را بقصد مافی النمه بجا آورد و تا مقدار یک رکعت بفرج مانده قضا دادا و قضا نکند .

مسئله ۷۵۸- کسیکه مسافر است اگر تا مغرب باندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد ، باید نماز ظهر و عصر را بخواند و اگر کمتر وقت دارد ، باید فقط عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند و اگر تا نصف شب باندازه خواندن

چهار رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعداً مغرب را بقصد مافی‌الذمه بجا آورد و چنانچه بعد از خواندن عشا، معلوم شود که بمقدار يك رکعت یا بیشتر وقت به نصف شب مانده است باید فوراً نماز مغرب را بنیت ادا بجا آورد.

مسئله ۷۵۹ - مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع بآن خیلی سفارش شده است و هر چه باول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را بجماعت بخواند.

مسئله ۷۶۰ - هر گاه انسان عذری دارد که اگر بخواند در اول وقت، نماز بخواند، ناچار است مثلاً بدون ساتریا با لباس نجس نماز بخواند، چنانچه بداند عذر او تا آخر وقت باقی است، میتواند در اول وقت نماز بخواند ولی اگر احتمال دهد که عذر او از بین میرود؛ باید صبر کند تا عذرش بر طرف شود و چنانچه عذر او بر طرف نشد، در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز بخواند و اما اگر ناچار است باتیمم نماز بخواند حکم آن در مسئله ۷۲۳ گذشت و لازم نیست بقدری صبر کند که فقط بتواند کارهای واجب نماز را انجام دهد، بلکه اگر برای مستحبات نماز مانند اذان و اقامه و قنوت هم وقت دارد، میتواند تیمم کند و نماز را با آن مستحبات بجا آورد.

مسئله ۷۶۱ - کسیکه مسائل نماز و شکایات و سهویات را نمیداند و احتمال میدهد که یکی از اینها در نماز پیش آید، باید برای یاد گرفتن اینها نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد، ولی اگر اطمینان دارد که نماز را بطور صحیح تمام میکند، میتواند در اول وقت مشغول نماز شود، پس اگر در نماز مسأله‌ای که حکم آن را نمیداند پیش نیاید، نماز او صحیح است و اگر مسئله‌ای که حکم آن را نمیداند پیش آید، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال میدهد، عمل نماید و نماز را تمام کند ولی بعد از نماز باید مسئله را بپرسد که اگر نمازش باطل بوده، دوباره بخواند.

مسئله ۷۶۲ - اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار هم طلب خود را مطالبه میکند ، در صورتیکه ممکن است ، باید اول قرض خود را بدهد ، بعد نماز بخواند و همچنین است اگر کار واجب دیگری که باید فوراً آن را بجا آورد پیش آمد کند ؛ مثلاً ببیند مسجد نجس است که باید اول مسجد را تطهیر کند ، بعد نماز بخواند و چنانچه اول نماز بخواند ؛ معصیت کرده ولی نماز او صحیح است .

نمازهاییکه باید بر تیب خوانده شود

مسئله ۷۶۳ - انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشاء بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمدتاً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و یا نماز عشاء پیش از نماز مغرب بخواند باطل است .

مسئله ۷۶۴ - اگر بنیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است ، نمی تواند نیت را بنماز عصر برگرداند ، بلکه باید آنرا رها کند و نماز عصر را بخواند و همینطور است در نماز مغرب و عشاء .

مسئله ۷۶۵ - اگر در بین نماز عصر یقین کند که نماز ظهر را نخوانده است و نیت را بنماز ظهر برگرداند چنانچه یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بوده ، بنا بر - احتیاط واجب باید نیت را بنماز عصر برگرداند و بعد از تمام کردن نماز ، دوباره نماز عصر را بخواند مگر آنکه پیش از بجا آوردن جزئی از اجزاء بقصد ظهر یادش بیاید که در این صورت نماز را بنیت عصر تمام میکند و اعاده لازم نیست .

مسئله ۷۶۶ - اگر در بین عصر شك کند که نماز ظهر را خوانده یا نه ، باید نیت را بنماز ظهر برگرداند ولی اگر وقت بقدری کم است که بعد از تمام شدن نماز ، مغرب می شود باید بنا بگذارد که ظهر را خوانده و بنیت نماز عصر ، نماز را تمام کند .

مسئله ۷۶۷- اگر در نماز عشا ، پیش از رکوع رکعت چهارم شك کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، چنانچه وقت بقدری کم است که بعد از تمام شدن نماز نصف شبی شود ، باید بنیت عشا نماز را تمام کند و بعد مغرب را بقصد مافی الذمه بجا آورد و اگر بیشتر وقت دارد و يك رکعت از آن در وقت اشتراکی واقع شده باشد ، باید بنیت را بنماز مغرب برگرداند و نماز راسه رکعتی تمام کند؛ بعد نماز عشا را بخواند.

مسئله ۷۶۸- اگر در نماز عشا بعد از رسیدن بر رکوع رکعت چهارم ، شك کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، باید نماز را تمام کند ، بعد نماز مغرب را بخواند و بعد عشا نیز اعاده نماید بنا بر احتیاط لازم .

مسئله ۷۶۹- اگر انسان نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند و در بین نماز یادش بیاید، نمازی را که باید پیش از آن بخواند نخوانده است، نمیتواند نیت را بآن نماز برگرداند ، مثلاً موقعی که نماز عصر را احتیاطاً می خواند ، اگر یادش بیاید نماز ظهر را نخوانده است، نمیتواند نیت را بنماز ظهر برگرداند .

مسئله ۷۷۰- برگرداندن نیت از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب بنماز واجب، جایز نیست.

مسئله ۷۷۱- اگر وقت نماز ادا وسعت داشته باشد و انسان مشغول ادا شده باشد میتواند در بین نماز نیت را بنماز قضا برگرداند ، ولی باید برگرداندن نیت بنماز قضا ممکن باشد مثلاً اگر مشغول نماز ظهر است، در صورتی میتواند نیت را بقضای صبح برگرداند که داخل رکوع رکعت سوم نشده باشد ولی اگر با علم و تذکر بقضا شروع یاد کرده باشد عدول محل تأمل است و احوط ترك آن است.

نمازهای مستحب

مسئله ۷۷۲- نمازهای مستحب زیاد است و آنها را نافله گویند و بین نمازهای

مستحبی بخواندن نافله‌های شبانه‌روز بیشتر سفارش شده و آنها در غیر روز جمعه سی و چهار رکعت است که هشت رکعت آن نافله‌ظهر و هشت رکعت نافله عصر و چهار رکعت نافله مغرب و دو رکعت نافله عشا و یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح می‌باشد و چون دو رکعت نافله عشا را بنا بر احتیاط مستحب باید نشسته خواند ، يك رکعت حساب می‌شود . ولی در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله‌ظهر و عصر ، چهار رکعت اضافه می‌شود .

مسئله ۷۷۳- از یازده رکعت نافله شب ، هشت رکعت آن باید بنیت نافله شب و دو رکعت آن بنیت نماز شفع و يك رکعت آن ، بنیت نماز و تر خوانده شود و دستور کامل نافله شب در کتابهای دعا گفته شده است .

مسئله ۷۷۴- نمازهای نافله را می‌شود نشسته خواند ، ولی بهتر است دو رکعت نافله نشسته را يك رکعت حساب کند ، مثلا کسیکه می‌خواهد نافله ظهر را که هشت رکعت است نشسته بخواند ، بهتر است شانزده رکعت بخواند و اگر می‌خواهد نماز و ترا نشسته بخواند ، دو نماز یکر کعتی نشسته بخواند .

مسئله ۷۷۵ - نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند ولی نافله عشا را راجاء میتوان خواند .

وقت نافله‌های یومیه

مسئله ۷۷۶- نافله نماز ظهر پیش از نماز ظهر خوانده می‌شود و وقت فضیلت آن از اول ظهر است تا موقعی که سایه شاخص باندازه دو هفتم آن شود ، مثلاً اگر درازی شاخص هفت وجب باشد . هر وقت مقدار سایه آن بدو وجب رسید ، آخر وقت فضیلت نافله ظهر است و تا آخر وقت فریضه هر گاه پیش از نماز ظهر بقصد ادا بجا آورد صحیح است و هم چنین وقت اداء نافله عصر تا وقت اداء فریضه عصر است .

مسئله ۷۷۷- نافله عصر پیش از نماز عصر خوانده می شود و وقت فضیلت آن ناموقی است که سایه شاخص بچهار هفتم آن برسد و چنانچه بخواند نافله ظهر را بعد از نماز ظهر یا نافله عصر را بعد از نماز عصر بخواند بنا بر احتیاط واجب . نیت ادا و قضا نکند و بقصد مافی الذمه بجا آورد .

مسئله ۷۷۸- وقت نافله مغرب بعد از تمام شدن نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب که بعد از غروب کردن آفتاب در آسمان پیدامی شود از بین نرود اگرچه بعید نیست امتداد وقت نافله مغرب با امتداد وقت آن .

مسئله ۷۷۹- وقت نافله عشاء بعد از تمام شدن نماز عشا تا نصف شب است و بهتر است بعد از نماز عشا بلافاصله خوانده شود .

مسئله ۷۸۰- نافله صبح پیش از نماز صبح خوانده میشود و وقت آن بعد از فجر اول است تا وقتی که سرخی طرف مشرق پیدا شود و نشانه فجر اول در وقت نماز صبح گفته شد . و ممکن است نافله صبح را بعد از نافله شب بلافاصله خواند .

مسئله ۷۸۱- وقت نافله شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود .

مسئله ۷۸۲- مسافر و کسیکه برای او سخت است ، نافله شب را بعد از نصف شب بخواند ، میتواند آن را در اول شب بجا آورد .

نماز غفيله

مسئله ۷۸۳- یکی از نمازهای مستحب نماز غفيله است و وقت آن بین نماز مغرب و عشا است و در رکعت اول آن ؛ بعد از حمد باید بجای سوره این آیه را بخواند :

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ
أَنْ لِيْلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ

وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ وَدَرر كمت دوم بعد از حمد بجای سوره ابن آیه را بخوانند:
 وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعَلِّمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ
 مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
 ودر قنوت آن بگویند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا وَبِجَايِ كَلِمَةٍ كَذَا وَكَذَا حَاجَتَهَايِ خُودِ رَا بگویند و بعد بگویند:
 اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَيَّ طَلَبْتِي تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِمَا قَضَيْتَهَا لِي .

احکام قبله

مسئله ۷۸۴ - خانه کعبه که در مکه معظمه میباشد و جای خانه تا منتهای زمین
 و بالای آن تا منتهای آسمان قبله است ، و باید رو بروی آن نماز خواند ولی کسیکه دور
 است ، اگر طوری بایستد که بگویند : رو قبله نماز میخواند کافست . و همچنین
 است کارهای دیگری که - مانند سر بریدن حیوانات - باید روبه قبله انجام گیرد .
 مسئله ۷۸۵ - کسی که نماز واجب را ایستاده میخواند ، باید بصورت و سینه و
 شکم و جلوی پاهای او رو قبله باشد و احتیاط مستحب آنست که انگشتان پای او هم روبه
 قبله باشد بطوریکه بگویند : پای او رو قبله است .

مسئله ۷۸۶ - کسیکه باید نشسته نماز بخواند ، اگر نمیتواند بطور معمول
 بنشیند و در موقع نشستن ، کف پاها را بر زمین میگذارد ، باید در موقع نماز صورت و
 سینه و شکم و ساق پای او رو قبله باشد .

مسئله ۷۸۷ - کسیکه نمیتواند نشسته نماز بخواند ، باید در حال نماز به پهلوی
 راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو قبله باشد و اگر ممکن نیست ، باید به پهلوی
 چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو قبله باشد و اگر این راهم نتواند ، باید پشت

بخواهد بطوری که کف پاهای او رو بقبله باشد .

مسئله ۷۸۸ - نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده و سجده سهوا نیز بنا بر احتیاط لازم باید رو بقبله بجا آورد .

مسئله ۷۸۹ - نماز مستحبی را میشود در حال راه رفتن و سواری خواند و اگر انسان در این دو حال ، نماز مستحب بخواند ، لازم نیست رو بقبله باشد .

مسئله ۷۹۰ - کسیکه میخواهد نماز بخواند ، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید ، تا یقین کند که قبله کدام طرف است و اگر نتواند یقین پیدا کند ؛ باید بگمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راههای دیگر پیدا میشود عمل نماید ، حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که بواسطه قواعد علمی قبله را میشناسد گمان بقبله پیدا کند کافست .

مسئله ۷۹۱ - کسیکه گمان بقبله دارد ، اگر بتواند گمان قویتری پیدا کند نمیتواند بگمان خود عمل نماید ، مثلاً اگر میهمان از گفته صاحب خانه گمان بقبله پیدا کند ولی بتواند از راه دیگری گمان قویتری پیدا کند ، باید بحرف او عمل نماید .

مسئله ۷۹۲ - اگر برای پیدا کردن قبله وسیله ای ندارد ، بابا اینکه کوشش کرده ، گمانش بطرفی نمیرود ، چنانچه وقت نماز وسعت دارد ، باید چهار نماز بچهار طرف بخواند و اگر باندازه چهار نماز وقت ندارد ؛ باید باندازه ای که وقت دارد ؛ نماز بخواند مثلاً اگر فقط باندازه یک نماز وقت دارد ، باید یک نماز بهر طرفی که میخواهد بخواند . و بعد از وقت با علم بقبله بنا بر احتیاط لازم نماز راقضا کند و باید نمازها را طوری بخواند که یقین کندیکی از آنها رو بقبله واقع شده ، یا اگر رو بقبله نبوده ، بسمت راست و یا سمت چپ قبله نرسیده است .

مسئله ۷۹۳ - اگر یقین یا گمان کند که قبله در یکی از دو طرف است ، باید بهر دو طرف نماز بخواند ولی احتیاط مستحب آنست که در صورت گمان ، به چهار طرف

نماز بخواند .

مسئله ۷۹۴ - کسیکه باید بچند طرف نماز بخواند ، اگر بخواهد دو نماز بخواند که مثل نماز ظهر و عصر باید یکی بعد از دیگری خوانده شود ، میتواند که نماز اول را به آن چند طرف که واجب است بخواند ، بعد نماز دوم را شروع کند و میتواند هر دو را پشت سر هم از يك طرف بجا آورد و بعد بطرف دیگر شروع کند .

مسئله ۷۹۵ - کسیکه یقین بقبله ندارد ، اگر بخواهد غیر از نماز ، کاری کند که باید آن را رو بقبله انجام داد - مثلاً بخواهد سر حیوانی را ببرد - باید بگمان عمل نماید و اگر گمان ممکن نیست بهر طرف که انجام دهد صحیح است .

پوشانیدن بدن در نماز

مسئله ۷۹۶ - مرد باید در حال نماز - اگر چه کسی او را نمی بیند - عورتین خود را بپوشاند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند .

مسئله ۷۹۷ - زن باید در موقع نماز تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند ولی پوشاندن صورت بمقداری که در وضو شسته میشود و دستها تا مچ و پاها تا مچ بالازم نیست اما برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است ؛ باید مقداری از اطراف صورت و قدری پائین تر از مچ را هم بپوشاند .

مسئله ۷۹۸ - موقعی که انسان قضای سجده فراموش شده یا تشهد فراموش شده را بجا می آورد ، بلکه بنا بر احتیاط واجب در موقع سجده سهو هم باید خود را مثل موقع نماز بپوشاند .

مسئله ۷۹۹ - اگر انسان عمدآیا از روی ندانستن مسئله ، در نماز عورتش را نپوشاند نمازش باطل است .

مسئله ۸۰۰ - اگر در بین نماز بفهمد که عورتش پیدا است ، باید آن را بپوشاند

و احتیاط واجب آنستکه نماز را تمام کند و دوباره بخواند ، ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز عورت او پیدا بوده ، صحیح است .

مسئله ۸۰۱ - اگر در حال ایستاده لباسش عورت او را میپوشاند ولی ممکن است در حال دیگر ، مثلاً در حال رکوع و سجود نپوشاند . چنانچه موقعیکه عورت او پیدا میشود ، بوسیله ای که پوشاندن بآن در حال اختیار جایز است آنرا بپوشاند نماز او صحیح است ولی احتیاط مستحب آنست که با آن لباس نماز نخواند .

مسئله ۸۰۲ - انسان میتواند در نماز خود را با علف و برگ درخت بپوشاند ؛ ولی احتیاط مستحب آنست موقعی خود را با اینها بپوشاند که چیز دیگری نداشته باشد .

مسئله ۸۰۳ - انسان در حال نماز اگر ناچار باشد که خود را با گل بپوشاند و نماز بخواند احتیاط لازم آنستکه یکمرتبه دیگر مثل عاری نماز بخواند یعنی با ایما و اشاره

مسئله ۸۰۴ - اگر چیزی ندارد که در نماز خود را با آن بپوشاند ، چنانچه احتمال دهد که پیدا میکند ، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تاخیر بیندازد و اگر چیزی پیدا نکرد ، در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز بخواند .

مسئله ۸۰۵ - کسیکه میخواهد نماز بخواند ، اگر برای پوشاندن خود حتی برگ درخت و علف نداشته باشد و یا گودالی هم که در آن بایستد پیدا نکند و احتمال ندهد که تا آخر وقت چیزی پیدا کند که خود را با آن بپوشاند ، در صورتیکه احتمال بدهد که ناظر محترم او را می بیند ، نشسته نماز بخواند و برای رکوع و سجود بقدری خم شود که عورتش پیدا نباشد و برای سجود کمی بیشتر از رکوع خم شود و مهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد و اگر اطمینان دارد که ناظر محترم او را نمی بیند ، احتیاط آنستکه دو نماز ایستاده بخواند و موقعی که ایستاده است قبل خود را با دست بپوشاند و در یکی از آن دو نماز ، رکوع و سجود را بجا آورد و در دیگری بجای رکوع

و سجود با سر اشاره نماید اگرچه بنا بر اقوی میتواند اکتفا کند بنماز با اشاره سر؛ در رکوع و سجود و اگر گودالی هست که بتواند در آن بایستد باید نماز مختار بخواند .

لباس نماز گزار

مسئله ۸۰۶- لباس نماز گزارشش شرط دارد اول- آنکه پاک باشد. دوم- آنکه مباح باشد. سوم- آنکه از اجزاء مردار نباشد. چهارم- آنکه از حیوان حرام گوشت نباشد. پنجم و ششم- آنکه اگر نماز گزار مرد است، لباس او ابر بشم خالص و طلا باف نباشد. و تفصیل اینها در مسائل آینده گفته میشود.

شرط اول

مسئله ۸۰۷- لباس نماز گزار باید پاک باشد و اگر کسی عمداً بآلودن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.

مسئله ۸۰۸- کسیکه نمیداند بآلودن و لباس نجس نماز باطل است، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، بنا بر احتیاط لازم نمازش باطل میباشد.

مسئله ۸۰۹- اگر بواسطه ندانستن مسئله، بیخبر نجسی را نداند نجس است، مثلاً نداند عرق جنب از حرام نجس است و با آن نماز بخواند نمازش باطل است بنا بر احتیاط لازم.

مسئله ۸۱۰- اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد، نماز او صحیح است. ولی احتیاط مستحب آنستکه اگر وقت دارد، دوباره آن نماز را بخواند.

مسئله ۸۱۱- اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسئله ۸۱۲ - کسیکه در وسعت وقت مشغول نماز است ، اگر در بین نماز ؛ بدن یا لباس او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با نجاست بخواند ، ملتفت شود که نجس شده ؛ یا بفهمد بدن یا لباس او نجس است و شك کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده ، در صورتیکه آب - کشیدن بدن یا لباس ، یا عوض کردن لباس ، یا بیرون آوردن آن ، نماز را بهم نمیزند ، باید در بین نماز بدن یا لباس را آب بکشد ، یا لباس را عوض نماید ، یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده ، لباس را بیرون آورد ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباس را آب بکشد ، یا لباس را عوض کند یا بیرون آورد ، نماز بهم میخورد و یا اگر لباس را بیرون آورد برهنه میماند ، باید نماز را رها کند و بابدن و لباس پاک نماز بخواند .

مسئله ۸۱۳ - کسیکه در تنگی وقت مشغول نماز است ، اگر در بین نماز لباس او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با نجاست بخواند ، بفهمد که نجس شده ، یا بفهمد که لباس او نجس است و شك کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده ؛ در صورتیکه آب کشیدن یا عوض کردن یا بیرون آوردن لباس ، نماز را بهم نمیزند و میتواند لباس را بیرون آورد ، باید لباس را آب بکشد یا عوض کند ، یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده ؛ لباس را بیرون آورد و نماز را تمام کند ؛ اما اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده و لباس را هم نمیتواند آب بکشد یا عوض کند و بقدر تبدیل یا تطهیر و درك بکر کمت وقت ندارد مختار است در همان لباس نماز بخواند یا لباس را بیرون آورد و بدستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را تمام کند ولی چنانچه طوری است که اگر لباس را آب بکشد یا عوض کند ، نماز بهم میخورد و بواسطه سرما و مانند آن نمیتواند لباس را بیرون آورد ؛ باید با همان حال نماز را تمام کند و نمازش صحیح است .

مسئله ۸۱۴- کسیکه در تنگی وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز بدن او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را بانجاست بخواند، ملتفت شود که نجس شده، یا بفهمد بدن او نجس است و شك کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن نماز را بهم نمیزند، باید آب بکشد و اگر نماز را بهم میزند و بقدر تطهیر و درك بکر کمت وقت ندارد؛ باید با همان حال نماز را تمام کند و نماز او صحیح است.

مسئله ۸۱۵- کسی که در پاك بودن بدن یا لباس خود شك دارد، چنانچه نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباس نجس بوده، نماز او صحیح است.

مسئله ۸۱۶- اگر لباس را آب بکشد و یقین کند که پاك شده است و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاك نشده نمازی را که خوانده صحیح است.

مسئله ۸۱۷- اگر خونی در بدن یا لباس خود به بیند و یقین کند که از خونهای نجس نیست، مثلا یقین کند که خون پشه است؛ چنانچه بعد از نماز بفهمد از خونهای بوده که نمیشود با آن نماز خواند؛ نماز او صحیح است.

مسئله ۸۱۸- اگر یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست خون نجسی است که نماز با آن صحیح است، مثلا یقین کند خون زخم و دمل است؛ چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است، احتیاط واجب آنست که نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسئله ۸۱۹- اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش بارطوبت با آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید؛ نماز او صحیح است. ولی اگر بدنش بارطوبت بچیزی که نجس بودن آنرا فراموش کرده برسد و بدون اینکه خود را آب بکشد، غسل کند و نماز بخواند، غسل و نمازش باطل است و نیز اگر جائی از اعضاء وضو بارطوبت بچیزی که نجس بودن آنرا فراموش کرده

برسد و پیش از آنکه آنجا را آب بکشد، وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازش باطل میباشد .

مسئله ۸۲۰- کسی که يك لباس دارد، اگر بدن و لباسش نجس شود و باندازه آب کشیدن یکی از آنها آب داشته باشد، میتواند لباسش را بیرون آورد، و بدن را آب بکشد و نماز را بدستوری که برای برهنگان گفته شد بجا آورد و میتواند که با همان لباس نماز بخواند و اگر بواسطه سرما یا عذر دیگر نتواند لباس را بیرون آورد، هر کدام از بدن یا لباس را که بخواهد؛ میتواند آب بکشد. ولی اگر مثلاً نجاست یکی بول است که اگر بخواهد با آب قلیل آب بکشد باید دو مرتبه آب روی آن بریزد و دیگری خون است که يك مرتبه ریختن آب روی آن کافست باید آنرا که ببول نجس شده آب بکشد.

مسئله ۸۲۱- کسیکه غیر از لباس نجس، لباس دیگری ندارد، مختار است با همان لباس نماز بخواند یا نماز را بدستوری که برای برهنگان گفته شد بجا آورد ولی اگر بواسطه سرما و مانند آن نمیتواند لباسش را بیرون آورد، باید با لباس نجس نماز بخواند و نماز او صحیح است.

مسئله ۸۲۲- کسیکه دو لباس دارد، اگر بداند یکی از آنها نجس است و نداند کدام يك آنهاست، چنانچه وقت دارد؛ باید با هر دو لباس نماز بخواند مثلاً اگر میخواهد نماز ظهر و عصر بخواند باید با هر کدام يك نماز ظهر و يك نماز عصر بخواند، ولی اگر وقت تنگ است؛ باید با یکی از آن دو لباس نماز بخواند و در خارج وقت نیز آن نماز را با لباس پاک قضا نماید.

شروط دوم

مسئله ۸۲۳- لباس نماز گزار باید مباح باشد و کسیکه میداند پوشیدن لباس غصبی حرام است؛ اگر عمداً در لباس غصبی یادر لباسی که نخ یا تکه یا چیز دیگر

آن غصبی است نماز بخواند ، باطل است .

مسئله ۸۲۴- کسیکه میداند پوشیدن لباس غصبی حرام است ، ولی نمیداند

نماز را باطل میکند ، اگر عمداً بالباس غصبی نماز بخواند نمازش باطل است .

مسئله ۸۲۵- اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن نماز

بخواند ، نمازش صحیح است ولی اگر کسی خودش لباسی را غصب نماید و فراموش

کند که غصب کرده است و با آن نماز بخواند ؛ نمازش باطل است بنا بر احتیاط لازم .

مسئله ۸۲۶- اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و در بین نماز

بفهمد ، چنانچه چیز دیگری عورت او را پوشانده است و میتواند فوراً یا بدون اینکه

موالات - یعنی : پی در پی بودن - نماز بهم بخورد ، لباس غصبی را بیرون آورد ،

باید آنرا بیرون آورد و نمازش صحیح است ولی در صورت نسیان اگر خودش

لباس را غصب کرده باشد گذشت که بنا بر احتیاط لازم نماز را اعاده کند و اگر چیز

دیگری عورت او را پوشانده ، یا نمیتواند لباس غصبی را فوراً بیرون آورد ؛ یا اگر

بیرون آورد پی در پی بودن نماز بهم میخورد در صورتی که بمقدار يك رکعت هم

وقت داشته باشد ، باید نماز را رها کند و بالباس غیر غصبی نماز بخواند و اگر باین مقدار

وقت ندارد ، باید در حال نماز لباس را بیرون آورد و بدستور نماز برهنگان نماز را

تمام نماید .

مسئله ۸۲۷- اگر کسی برای حفظ جاننش با لباس غصبی نماز بخواند ؛ یا

مثلاً برای اینکه دزد لباس غصبی را نبرد با آن نماز بخواند ، نمازش صحیح است .

مسئله ۸۲۸- اگر با عین پولی که خمس یا زکوة آنرا نداده لباس بخرد نماز

خواندن در آن لباس باطل است اگر ملتفت باشد بغصب بودن در حال نماز و در

صورت عدم التفت نماز صحیح است و اگر جاهل مقصر است بحکم مسئله باید اعاده

کند بنا بر احتیاط لازم .

شرط سوم

مسئله ۸۲۹- لباس نماز گزار باید از اجزاء حیوان مرده ای که خون جهنده دارد- یعنی : حیوانی که اگر رگش را ببرند خون از آن جستن میکند- نباشد ، بلکه اگر از حیوان مرده ای که مانند ماهی و مار خون جهنده ندارد لباس تهیه کنند ، احتیاط واجب آنستکه با آن نماز نخواند .

مسئله ۸۳۰- هرگاه چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته همراه نماز گزار باشد ، اگر چه لباس او نباشد نمازش باطل است .

مسئله ۸۳۱- اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد همراه نماز گزار باشد ؛ یا با لباسی که از آنها تهیه کرده اند ، نماز بخواند نمازش صحیح است .

شرط چهارم

مسئله ۸۳۲- لباس نماز گزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد و اگر موئی از آن هم همراه او باشد ؛ نمازش باطل است .

مسئله ۸۳۳- اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بر بدن یا لباس نماز گزار باشد ، چنانچه تر باشد نماز باطل و اگر خشک شده و عین آن بر طرف شده باشد . نماز صحیح است .

مسئله ۸۳۴- اگر مو و عرق و آب دهان کسی بر بدن یا لباس نماز گزار باشد ، اشکال ندارد و همچنین است اگر مروارید و موم و عسل همراه او باشد .

مسئله ۸۳۵- اگر شك داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت ؛ چه در داخله تهیه شده باشد چه در خارجه ، احتیاط مستحب آنست که با آن نماز نخواند .

مسئله ۸۳۶- تکه صدفی و مانند آن که معلوم نیست از حیوان حرام گوشت

است نماز خواندن با آن مانعی ندارد .

مسئله ۸۳۷- پوشیدن خز خالص در نماز اشکال ندارد ، و احتیاط واجب آنستکه با پوست سنجاب نماز نخوانند .

مسئله ۸۳۸- اگر بالباسی که نمیدانند یا فراموش کرده که از حیوان حرام گوشت است نماز بخواند نماز او صحیح است .

شرط پنجم

مسئله ۸۳۹- پوشیدن لباس طلا باف در هر حال برای مرد حرام و نماز با آن باطل است ، ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد .

مسئله ۸۴۰- زینت کردن به طلا - مثل آویختن زنجیر طلا بسینه و انگشتر طلا بدست کردن و بستن ساعت مچی طلا - برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است و احتیاط واجب آنستکه از استعمال عینک طلا هم خودداری کند ، ولی زینت کردن به طلا ، برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد .

مسئله ۸۴۱- اگر مردی نداند یا فراموش کند که انگشتری یا لباس از طلا است یا شک داشته باشد و با آن نماز بخواند نمازش صحیح است .

شرط ششم

مسئله ۸۴۲- لباس مرد نماز گزار حتی عرقچین و بند شلوار او نیز بنا بر احتیاط باید ابریشم خالص نباشد و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است .

مسئله ۸۴۳- اگر آستر تمام لباس یا آستر مقداری از آن که زیاده از چهار انگشت است ابریشم خالص باشد ، پوشیدن آن برای مردم حرام و نماز در آن باطل است .

مسئله ۸۴۴- لباسی را که نمیدانند از ابریشم خالص است یا چیز دیگر ، اگر در غیر نماز بپوشد اشکال ندارد ، ولی احتیاط مستحب آنست که با آن نماز نخواند .

مسئله ۸۴۵- دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمیکند .

مسئله ۸۴۶- پوشیدن لباس ابریشمی برای زن ، در نماز و غیر نماز اشکال ندارد .
مسئله ۸۴۷- پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص و طلا باف و لباسیکه از مردار تهیه شده در حال ناچاری مانعی ندارد . و نیز کسیکه ناچار است لباس بپوشد و لباس دیگری غیر از اینها ندارد ، میتواند با این لباسها نماز بخواند .

مسئله ۸۴۸- اگر غیر از لباس غصبی و لباسی که از مردار تهیه شده ، لباس دیگری ندارد و ناچار نیست لباس بپوشد ، باید بدستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند .

مسئله ۸۴۹- اگر غیر از لباسی که از حیوان حرام گوشت تهیه شده ، لباس دیگری ندارد ، چنانچه در پوشیدن لباس ناچار باشد ، میتواند با همان لباس نماز بخواند . و اگر ناچار نباشد ؛ باید بدستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را بجا آورد .

مسئله ۸۵۰- اگر مرد غیر از لباس ابریشمی خالص یا طلا باف ، لباس دیگری نداشته باشد ، چنانچه در پوشیدن لباس ناچار نباشد ، باید بدستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند .

مسئله ۸۵۱- اگر چیزی ندارد که در نماز عورت خود را با آن بپوشاند ، واجب است اگر چه به کرایه یا خریداری باشد ، تهیه نماید . ولی اگر تهیه آن بقدری پول لازم دارد که نسبت بدارائی او زیاد است ، یا طور است که اگر پول را بمصرف لباس برساند ، بحال او ضرر دارد مختار است بدستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند ، یا تحمل ضرر کند و با لباس نماز بخواند .

مسئله ۸۵۲- کسیکه لباس ندارد اگر دیگری لباس باو به بخشد یا عاریه دهد ، چنانچه قبول کردن آن برای او مشقت نداشته باشد ، باید قبول کند بلکه اگر

عاریه کردن یا طلب بخشش برای اوسخت نیست ، باید از کسیکه لباس دارد ، طلب بخشش یا عاریه نماید .

مسئله ۸۵۳- پوشیدن لباسی که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسیکه میخواهد آن را بپوشد معمول نیست و موجب توهین یا شهرت او میشود - مثل آنکه اهل علم لباس نظامی بپوشد - حرام است ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد .

مسئله ۸۵۴- احتیاط واجب آنستکه مرد لباس زنانه وزن لباس مردانه نپوشد ، ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد .

مسئله ۸۵۵- کسیکه باید خوابیده نماز بخواند ؛ اگر برهنه باشد و لحاف یا تشک او نجس یا ابریشم خالص یا از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد ، احتیاط واجب آنست که در نماز ، خود را با آنها نپوشاند .

مواردیکه لازم نیست بدن و لباس نماز گزار پلک باشد

مسئله ۸۵۶- در سه صورت اگر بدن یا لباس نماز گزار نجس باشد ، نماز او صحیح است :

اول- آنکه بواسطه زخم یا جراحت یا دملی که در بدن او است ، لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد .

دوم- آنکه بدن یا لباس او بمقدار کمتر از درهم (که تقریباً باندازه يك اشرفی میشود) بخون آلوده باشد .

سوم- آنکه ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند .

و در دو صورت اگر فقط لباس نماز گزار نجس باشد ، نماز او صحیح است .

اول- آنکه لباسهای کوچک او مانند جوراب و عرقچین نجس باشد .

دوم - آنکه لباس زنی که پرستار بچه است نجس شده باشد واحکام این پنج صورت مفصلا در مسائل بعد گفته میشود .

مسئله ۸۵۷- اگر در بدن یا لباس نماز گزار ،خون زخم یا جراحت با دمل باشد چنانچه طوری استکه آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم سخت است، تا وقتیکه زخم یا جراحت با دمل خوب نشده است، میتواند با آن خون نماز بخواند . و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوائی که روی زخم گذاشته اند و نجس شده ، در بدن یا لباس او باشد .

مسئله ۸۵۸- اگر خون بریدگی و زخمی که بزودی خوب میشود و شستن آن آسان است ؛ و از درهم زیاد تر است در بدن یا لباس نماز گزار باشد ، نماز او باطل است .
مسئله ۸۵۹- اگر جایی از بدن یا لباس که بازخم فاصله دارد ، بر طوبت زخم نجس شود ، جایز نیست با آن نماز بخواند . ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که معمولا بر طوبت زخم آلوده می شود ؛ بر طوبت آن نجس شود ، نماز خواندن با آن مانعی ندارد .

مسئله ۸۶۰ - اگر از زخمی که توی دهان و بینی و مانند اینها است ، خونی بدن یا لباس برسد در صورتیکه زیاد تر از متعارف تجاوز باطراف نکرده باشد نماز با آن صحیح است اگر چه احتیاط آنست که با آن نماز نخواند و همچنین است خون بواسیر در صورتی که دانه هایش بیرون نباشد ، و اما با خون بواسیری که دانه های آن بیرون است میشود نماز خواند و لازم نیست مراعات این احتیاط .

مسئله ۸۶۱ - کسیکه بدنش زخم است ، اگر در بدن یا لباس خود خونی ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر جایز است با آن نماز بخواند اگر چه احتیاط مستحب آنست که با آن نماز نخواند .

مسئله ۸۶۲ - اگر چند زخم در بدن باشد و بطوری نزدیک هم باشند که يك

زخم حساب شود ، تا وقتی همه خوب نشده اند ، نماز خواندن باخون آنها اشکال ندارد ولی اگر بقدری از هم دور باشند که هر کدام يك زخم حساب شود ، هر کدام که خوب شد ، باید برای نماز ، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد اگر مجموع زیادت از درهم باشد .

مسئله ۸۶۳ - اگر سرسوزنی خون حیض ، یا نفاس ، یا استحاضه ، یا خون سگ یا خوک یا کافر ، یا مردار ؛ یا حیوان حرام گوشت در بدن ؛ یا لباس نماز گزار باشد نماز او باطل است . ولی خونهای دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت اگر چه در چند جای بدن و لباس باشد در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد ؛ (که تقریباً باندازه يك اشرفی میشود) نماز خواندن با آن اشکال ندارد .

مسئله ۸۶۴ - خونی که بلباس بی آستر بریزد و پشت آن برسد ، يك خون حساب میشود ولی اگر پشت آن ، جداخونی شود و بواسطه اتصال يك خون حساب نشود ، باید هر کدام را جدا حساب نمود پس اگر خونی که در پشت و روی لباس است روی هم کمتر از درهم باشد ، نماز با آن صحیح و اگر بیشتر باشد ، نماز با آن باطل است .

مسئله ۸۶۵ - اگر خون ، روی لباسی که آستر دارد بریزد و با آستر آن برسد ریا آستر بریزد و روی لباس خونی شود ، باید هر کدام را جدا حساب نمود ، پس اگر خون روی لباس و آستر ؛ کمتر از درهم باشد ، نماز با آن صحیح و اگر بیشتر باشد نماز با آن باطل است .

مسئله ۸۶۶ - اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم باشد و رطوبتی بآن برسد در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده باندازه درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند ، نماز با آن باطل است بلکه اگر رطوبت و خون باندازه درهم ، هم نشود و اطراف را هم آلوده نکند ، نماز خواندن با آن اشکال دارد مگر آنکه آب

در خون مستهلك شود .

مسئله ۸۶۷ - اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی بواسطه رسیدن بخون، نجس شود - اگر چه مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد - نمیشود با آن نماز خواند .

مسئله ۸۶۸ - اگر خونی که در بدن یا لباس است کمتر از درهم باشد و نجاست دیگری به آن برسد - مثلاً يك قطره بول روی آن بریزد - نماز خواندن با آن جایز نیست .

مسئله ۸۶۹ - اگر لباسهای كوچك نماز گزار مثل عرقچین و جوراب که نمیشود با آنها عورت را پوشانید نجس باشد - چنانچه از مردار ، یا حیوان حرام گوشت تهیه نشده باشد - نماز با آنها صحیح است و نیز اگر با انگشتری نجس نماز بخواند اشکال ندارد .

مسئله ۸۷۰ - احتیاط مستحب آنست که چیز نجس که ساتر عورت نباشد مانند دستمال و کلید و چاقوی نجس همراه نماز گزار نباشد .

مسئله ۸۷۱ - زنی که پرستار بچه است و بیشتر از يك لباس ندارد ، چنانچه نتواند لباس دیگری بخرد ، یا کرایه کند و یا عاریه نماید ، هر گاه شبانه روزی يك مرتبه لباس خود را آب بکشد ، اگر چه تا روز دیگر لباسش ببول بچه نجس شود میتواند با آن لباس نماز بخواند ولی احتیاط مستحب آنست که لباس خود را طرف عصر برای نماز ظهر و عصر آب بکشد و نیز اگر بیشتر از يك لباس دارد ولی ناچار است که همه آنها را بپوشد ، چنانچه شبانه روزی یکمرتبه همه آنها را آب بکشد کافست .

مسئله ۸۷۲ - مردی که پرستار بچه است اگر لباسش به بول بچه نجس شود نمیتواند با آن لباس نماز بخواند .

هستحبات لباس نماز گزار

مسئله ۸۷۳ - چند چیز در لباس نماز گزار مستحب است که از آن جمله است: عمامه با تحت الحنك ، پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه ترین لباسها و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتری عقیق .

مکروهات لباس نماز گزار

مسئله ۸۷۴ - چند چیز در لباس نماز گزار مکروه است و از آن جمله است: پوشیدن لباس سیاه و چرك و تنك و لباس شرابخوار و لباس کسی که از نجاست پرهیز نمیکند و لباسی که نقش صورت دارد و نیز باز بودن تکمه‌های لباس و دست کردن انگشتری که نقش صورت دارد مکروه میباشد .

مکان نماز گزار

مکان نماز گزار ده شرط دارد : شرط اول - آنکه مباح باشد .

مسئله ۸۷۵ - نماز خواندن در ملک غصبی اگر چه روی فرش و تخت و مانند اینها باشد ، باطل است ولی نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی مانعی ندارد اگر تصرف در سقف یا خیمه صدق ننماید .

مسئله ۸۷۶ - نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است ، بدون اجاره صاحب منفعت ، باطل است ، مثلاً در خانه اجاره‌ای اگر صاحب خانه یا دیگری بدون اجازه کسی که آن خانه را اجاره کرده نماز بخواند ، باطل است و همچنین است اگر در ملکی که دیگری در آن حتی دارد نماز بخواند ، مثلاً اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را بمصرفی برسانند ، تا وقتی ثلث را جدا نکنند ؛ نمیشود

در ملك او نماز خواند .

مسئله ۸۷۷ - کسیکه در مسجد نشسته ، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آن جا نماز بخواند باطل است .

مسئله ۸۷۸ - اگر در جائی که نمیداند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد ، یا در جائی که غصبی بودن آن را فراموش کرده نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید ، نماز او صحیح است ولی کسیکه خودش جائی را غصب کرده ، اگر فراموش کند و در آنجا نماز بخواند ، نمازش باطل است بنا بر احتیاط .

مسئله ۸۷۹ - اگر بداند جائی غصبی است ولی نداند که در جای غصبی نماز باطل است و در آنجا نماز بخواند ، نماز او باطل میباشد .

مسئله ۸۸۰ - کسیکه ناچار است نماز واجب را سواره بخواند چنانچه حیوان سواری یازین آن غصبی باشد نماز او باطل است و همچنین است اگر بخواهد بر آن حیوان نماز مستحبی بخواند .

مسئله ۸۸۱ - کسی که در ملکی بادیگری شریک است اگر سهم او جدا نباشد بدون اجازه شریکش نمیتواند در آن ملك تصرف کند و نماز بخواند .

مسئله ۸۸۲ - اگر با عین پولی که خمس و زکوة آنرا نداده ملکی بخرد ، تصرف او در آن ملك حرام و نمازش هم در آن باطل است .

مسئله ۸۸۳ - اگر صاحب ملك بزبان ، اجازه نماز خواندن بدهد و انسان بداند که قلباً راضی نیست ، نماز خواندن در ملك او باطل است و اگر اجازه ندهد و انسان یقین کند که قلباً راضی است نماز صحیح است .

مسئله ۸۸۴ - تصرف در ملك میتی که خمس یا زکوة بدهکار است ، حرام و نماز در آن باطل است ولی اگر بدهی او را بدهند یا ضامن شوند که ادا نمایند ، بنحویکه دین از عهده میت ساقط شود ، جایز است و اگر عین زکوة یا خمس در مال

میت موجود باشد فقط تصرف در آن عین قبل از ادا جایز نیست ولی تصرف و نماز در غیر آن اشکال ندارد.

مسئله ۸۸۵ - تصرف در ملك مینتی که بمردم بدهکار است ، حرام و نماز در آن باطل است ولی اگر ضامن شوند که قرضهای او را بپردازند ، یا اینکه طلبکار و وصی میت، یا طلبکار و حاکم شرع اجازه بدهند ، تصرف و نماز در ملك او مانعی ندارد.

مسئله ۸۸۶ - اگر میت قرض نداشته باشد ولی بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه یا غائب باشند ، تصرف در ملك او بدون اذن ولی شرعی حرام و نماز در آن باطل است

مسئله ۸۸۷ - نماز خواندن در مسافر خانه و حمام و مانند اینها که برای واردین آماده است با اطمینان برضایت صاحبان آنها اشکال ندارد ، ولی در غیر این قبیل جاها در صورتی میشود نماز خواند ، که مالک آن اجازه بدهد ، یا حرفی بزند که معلوم شود ، یا اطمینان حاصل شود که برای نماز خواندن اذن داده است ، مثل اینکه بکسی اجازه دهد در ملك او بنشیند و بخوابد ، که از اینها فهمیده میشود برای نماز خواندن هم اذن داده است .

مسئله ۸۸۸ - در زمین بسیار وسیعی که برای بیشتر مردم مشکل است موقع نماز از آنجا بجای دیگر بروند ، بی اجازه مالک می شود نماز خواند ولی اگر بداند که مالک زمین راضی نیست احوط آن است که در آنجا نماز نخواند .

شرط دوم

مسئله ۸۸۹ - مکان نماز گزار باید بی حرکت باشد و اگر بواسطه تنگی وقت یا جهت دیگر ناچار باشد در جایی که حرکت دارد ، مانند اتومبیل و کشتی و ترن نماز بخواند ، بقدری که ممکن است باید ، در حال حرکت چیزی نخواند و اگر آنها از قبله بطرف دیگر حرکت کنند ، بطرف قبله برگردد .

مسئله ۸۹۰ - نماز خواندن در اتومبیل و کشتی و ترن و مانند اینها ، وقتی

ایستاده‌اند مانعی ندارد.

مسئله ۸۹۱ - روی خرمن گندم وجو و مانند اینها که نمی‌شود بی حرکت ماند نماز باطل است .

شرط سوم

مسئله ۸۹۲ - بنا بر احتیاط واجب باید درجائی نماز بخواند که اطمینان داشته باشد نماز را تمام میکند و در جائیکه بواسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیت و مانند اینها اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند ، احتیاط واجب آنست که نماز نخواند .

شرط چهارم

آنکه درجائی که ماندن در آن حرام است ، مثلاً زیر سقفی که نزدیک است خراب شود نماز نخواند .

شرط پنجم

آنکه روی چیزیکه ایستادن و نشستن روی آن حرام است ، مثل فرشی که اسم خدا بر آن نوشته شده نماز نخواند .

شرط ششم

آنکه درجائیکه سقف آن کوناه است و نمیتواند در آنجا راست بایستد ؛ یا باندازه‌ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد، نماز نخواند و اگر ناچار شود که در چنین جائی نماز بخواند، باید بقدریکه ممکنست قیام و رکوع و سجود را بجا آورد.

شرط هفتم

مسئله ۸۹۳ - بنا بر احتیاط واجب باید جلوتر یا مساوی با قبر پیغمبر ﷺ و امام علیه السلام نماز نخواند .

مسئله ۸۹۴- اگر در موقع نماز چیزی مانند دیوار بین او و قبر مطهر باشد که بی احترامی نشود اشکال ندارد ، ولی فاصله شدن صندوق شریف و ضریح و پارچه ای که روی آن افتاده ، کافی نیست .

شرط هشتم

آنکه مکان نماز گزار اگر نجس است بطوری تر نباشد که رطوبت آن بیدن یا لباس او برسد ، ولی جائیکه پیشانی را بر آن میگذارد اگر نجس باشد ، در صورتیکه خشک هم باشد نماز باطل است . و احتیاط مستحب آنستکه مکان نماز گزار اصلاً نجس نباشد .

شرط نهم

مسئله ۸۹۵- مکروه است در نماز زن جلوتر از مرد یا محاذی با او بایستد و بهتر است طوری بایستد که جای سجده او کمی از جای ایستادن مرد عقبتر باشد .
مسئله ۸۹۶- اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد نماز هر دو صحیح است چه باهم وارد نماز شوند یا بترتیب ، بلی ثواب نماز هر کدام که بعد مشغول نماز شده اند کمتر است .

مسئله ۸۹۷- اگر بین مرد و زن ؛ دیوار ، یا پرده ، یا چیز دیگری باشد که یکدیگر را نبینند ، یا بین آنان اقلاده زراع که تقریباً پنج ذرع می شود ، فاصله باشد ، چنانچه زن برابر مرد یا جلوتر از او باشد نماز هر دو صحیح است و کراهت هم ندارد و همچنین است اگر مکان یکی از آنان بقدری بلند باشد که نگویند ؛ زن جلوتر از مرد یا برابر او ایستاده است .

شرط دهم

آنکه جای پیشانی نماز گزار از جای زانو ها و سر انگشتان پای او ، بیش از چهار انگشت بسته بست تر یا بلندتر نباشد و تفصیل این مسئله در احکام سجده

گفته میشود .

مسئله ۸۹۸ - بودن مردوزن نامحرم در اطاقی که کسی در آنجا نیست و کسی هم نمیتواند وارد شود ، حرام است و نمازشان هم در آنجا صحیح نیست ولی اگر یکی از آنان مشغول نماز باشد و دیگری که با او نامحرم است وارد شود ، نماز او اشکال ندارد و باطل نمیشود .

مسئله ۸۹۹ - نماز خواندن در جائی که تار و مانند آن استعمال می کنند باطل است.

مسئله ۹۰۰ - احتیاط واجب آنستکه در خانه کعبه و بر بام آن نماز واجب نخوانند ولی در حال ناچاری اشکال ندارد .

مسئله ۹۰۱ - خواندن نماز مستحب در خانه کعبه و بر بام آن اشکال ندارد بلکه مستحب است در داخل خانه مقابل هر رکعتی دور کعبه نماز بخوانند.

جاهائی که نماز خواندن در آن مستحب است

مسئله ۹۰۲ - در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است ؛ که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها مسجد الحرام است و بعد از آن مسجد پینمبر صلى الله عليه وآله و بعد از آن مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدس و بعد از آن مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله و بعد از آن مسجد بازار است .

مسئله ۹۰۳ - برای زن نماز خواندن در خانه بلکه در صندوقخانه و اطاق عقب بهتر است .

مسئله ۹۰۴ - نماز در حرم ائمه علیهم السلام مستحب بلکه بهتر از مسجد است و نماز در حرم مطهر حضرت امیر المؤمنین عليه السلام برابر با دویست هزار نماز است .

مسئله ۹۰۵ - زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نماز گزار ندارد ؛

مستحب است و همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد ، مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند .

مسئله ۹۰۶ - مستحب است انسان با کسیکه در مسجد - سر نمیشود غذا خورد و در کارها با او مشورت نکند و همسایه او نشود و از او زن نگیرد و با او زن ندهد .

جاهائیکه نماز خواندن در آن مکروه است

مسئله ۹۰۷ - نماز خواندن در چند جا مکروه است و از آن جمله است: حمام ، زمین نمکزار ، مقابل انسان ؛ مقابل دری که باز است ، در جاده و خیابان و کوچه اگر برای کسانیکه عبور میکنند زحمت نباشد و چنانچه زحمت باشد حرام و نماز باطل است ، مقابل آتش و چراغ ، در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد ، مقابل چاه و گودالی که محل بول باشد ، روبروی عکس و مجسمه چیزیکه روح دارد مگر آنکه روی آن پرده بکشند ، در اطافی که جنب در آن باشد ، در جایی که عکس باشد اگر چه روبروی نماز گزار نباشد ، مقابل قبر ، روی قبر ، بین دو قبر ، در قبرستان .

مسئله ۹۰۸ - کسیکه در محل عبور مردم نماز میخواند ، با کسی روبروی او است مستحب است جلوی خود چیزی بگذارد و اگر چوب یا ریسمانی هم باشد کافی است .

احکام مسجد

مسئله ۹۰۹ - نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است باید فوراً نجاست آن را بر طرف کند . و احتیاط واجب آنستکه طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود نجاستش را بر طرف نمایند .

مسئله ۹۱۰ - اگر نتواند مسجد را تطهیر نماید . یا کمک لازم داشته باشد و پیدانکند ، تطهیر مسجد بر او واجب نیست ولی بنا بر احتیاط واجب ، باید بکسیکه میتواند تطهیر کند اطلاع دهد .

مسئله ۹۱۱ - اگر جایی از مسجد نجس شود و تطهیر آن بدون کندن یا خراب کردن مقدار کمی از آن ممکن نباشد ، باید آنجا را بکنند یا خراب نمایند و پر کردن و ساختن آن قسمت هم واجب نیست ، ولی اگر مسجد بنحوی نجس شده باشد که برای تطهیر آن ناچار باشند تمام مسجد را خراب کنند ، چنانچه متبرعی باشد که بعد از تخریب آنرا بسازد خراب کردن آن جایز است والا جایز نیست ولی اگر ممکن است باید ظاهر آنرا بنا بر احتیاط تطهیر نمایند ، و اگر چیزی مانند آجر مسجد که ممکن است آنرا برگرداند ، نجس شود؛ باید بعد از تطهیر بنا بر احتیاط آنرا بمسجد برگرداند

مسئله ۹۱۲ - اگر مسجدی را غصب کنند و بجای آن خانه و مانند آن بسازند ، یا بطوری خراب شود که نماز خواندن در آن ممکن نباشد ، باز هم نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است .

مسئله ۹۱۳ - نجس کردن حرم ائمه علیهم السلام حرام است و اگر نجس شود چنانچه نجس ماندن آن بی احترامی باشد ، تطهیر آن واجب است ، بلکه احتیاط واجب آنست که اگر بی احترامی هم نباشد آن را تطهیر کنند .

مسئله ۹۱۴ - اگر حصیر مسجد نجس شود ، باید آن را آب بکشند ، ولی چنانچه بواسطه آب کشیدن ، خراب میشود و بریدن جای نجس بهتر است ، باید آنرا ببرند .

مسئله ۹۱۵ - بردن عین نجس - مانند خون - در مسجد اگر بی احترامی بمسجد باشد حرام است ، بلکه احتیاط مستحب آنست که اگر بی احترامی هم نباشد ، عین نجس را در مسجد نبرند . و نیز بردن چیزی که نجس شده ، در صورتی که بی احترامی

بمسجد باشد ، حرام است.

مسئله ۹۱۶ - اگر مسجد را برای روضه خوانی چادر بزنند و فرش کنند و سیاهی بکوبند و اسباب چای در آن ببرند ، در صورتیکه این کارها بمسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود ، اشکال ندارد.

مسئله ۹۱۷ - زینت کردن مسجد به طلا حرام است بنا بر احتیاط واجب ، و هم چنین است نقش کردن مسجد بصورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد ، و نقاشی چیزهایی که روح ندارد ، مثل گل و بوته مکروه است .

مسئله ۹۱۸ - اگر مسجد خراب هم بشود نمیتواند آنرا بفروشند ؛ یا داخل ملک و جاده نمایند .

مسئله ۹۱۹ - فروختن درو پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است و اگر مسجد خراب شود ، باید اینها را صرف تعمیر همان مسجد کنند و چنانچه بدرد آن مسجد نخورد ، باید در مسجد دیگر مصرف شود ولی اگر بدرد مسجدهای دیگر هم نخورد ، میتوانند آنرا بفروشند و پول آنرا اگر ممکن است صرف تعمیر همان مسجد و گرنه صرف تعمیر مسجد دیگر نمایند .

مسئله ۹۲۰ - ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک بخرابی میباشد مستحب است و اگر مسجد بصورتی در آید که تعمیر آن ممکن نباشد میتوانند آنرا خراب کنند و دوباره بسازند بلکه میتوانند مسجدی را که خراب نشده ، برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگتر بسازند .

مسئله ۹۲۱ - تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ آن مستحب است و کسی که میخواهد مسجد برود ، مستحب است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد و نه کفش خود را و ارسی کند که نجاستی بآن نباشد و موقع داخل شدن بمسجد اول پای راست و موقع بیرون آمدن ؛ اول پای چپ را بگذارد و همچنین مستحب است از همه زودتر بمسجد آید و از همه دیرتر از مسجد بیرون برود .

مسئله ۹۲۲ - وقتی انسان وارد مسجد می‌شود ، مستحب است دو رکعت نماز بقصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب بامستحب دیگری هم بخواند کافی است.

مسئله ۹۲۳ - خوانیدن در مسجد ، اگر انسان ناچار نباشد و صحبت کردن راجع بکارهای دنیا و مشغول صنعت‌شدن و خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد مکروه است و نیز مکروه است آب‌دهان و بینی و اخلاط سینه را در مسجد بیندازد و گمشده‌ای را طلب کند و صدای خود را بلند کند و لی بلند کردن صدای اذان مانعی ندارد .

مسئله ۹۲۴ - راه دادن بچه و دیوانه به مسجد مکروه است و کسی که پیاز و سیر و مانند اینها خورده که بوی دهانش مردم را اذیت می‌کند مکروه است بمسجد برود .

اذان و اقامه

مسئله ۹۲۵ - برای مردوزن مستحب است پیش از نمازهای واجب یومیه اذان و اقامه بگویند ، ولی پیش از نماز های واجب غیر یومیه مثل نماز آیات ، مستحب است سه مرتبه بگویند : **اَلصَّلَاةُ** .

مسئله ۹۲۶ - مستحب است در روز اولی که بچه دنیا می‌آید یا پیش از آنکه بندنافش بیفتد ، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند .

مسئله ۹۲۷ - اذان هیجده جمله است : **اَللّٰهُ اَكْبَرُ** چهار مرتبه **اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ** ، **اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ** ، **حَتّٰی عَلٰی الصَّلٰوةِ** ، **حَتّٰی عَلٰی الْفَلَاحِ** ، **حَتّٰی عَلٰی خَيْرِ الْعَمَلِ** ، **اَللّٰهُ اَكْبَرُ** ، **لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ** هربك دو مرتبه .

و اقامه هفده جمله است یعنی : دو مرتبه **اَللّٰهُ اَكْبَرُ** از اول اذان و یکمرتبه

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ از آخر آن کم میشود و بعد از گفتن حَتَّىٰ عَلَىٰ خَيْرِ الْعَمَلِ باید دو مرتبه قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ اضافه نمود .
 مسئله ۹۲۸- أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَوَلِيُّ اللَّهِ جزو اذان و اقامه نیست ، ولی خوبست بعد از أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بقصد قربت گفته شود .

ترجمه اذان و اقامه

اللَّهُ أَكْبَرُ یعنی : خدا بزرگتر از آنست که او را وصف کنند .
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ یعنی : شهادت میدهم که غیر خدائی که یکتا و بی همتا است خدای دیگری نیست .
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ یعنی : شهادت میدهم که حضرت محمد بن عبدالله ﷺ پیغمبر و فرستاده خداست .
 أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيَّ اللَّهِ یعنی : شهادت میدهم که حضرت علی علیه الصلوة والسلام امیرالمؤمنین و ولی خدا بر همه خلق است .
 حَتَّىٰ عَلَى الصَّلَاةِ یعنی : بشتاب برای نماز .
 حَتَّىٰ عَلَى الْفَلَاحِ یعنی : بشتاب برای رستگاری .
 حَتَّىٰ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ یعنی : بشتاب برای بهترین کارها که نماز است .
 قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ یعنی : بتحقیق نماز برپا شد .
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ یعنی : خدائی نیست مگر خدائی که یکتا و بی همتا است .

مسئله ۹۲۹- بین جمله‌های اذان و اقامه باید خیلی فاصله نشود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد ؛ باید دوباره آنرا از سر بگیرد .

مسئله ۹۳۰- اگر در اذان و اقامه صدارا در گلو بیندازد چنانچه غنا شود ،
 - یعنی : بطور آوازه خوانی که در مجالس لهو و بازیگری معمول است اذان و اقامه

رابگوید - حرام است و اگر غنا نشود مکروه میباشد .

مسئله ۹۳۱- در پنج نماز اذان ساقط میشود : اول نماز عصر روز جمعه .
دوم نماز عصر روز عرفه که روز نهم ذیحجه است . سوم نماز عشاء شب عید قربان
برای کسیکه در مشعر الحرام باشد . چهارم نماز عصر و عشاء زن مستحاضه . پنجم
نماز عصر و عشاء کسیکه نمیتواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند. و در
این پنج نماز در صورتی اذان ساقط میشود ؛ که بانماز قبلی هیچ فاصله نشود ، یا فاصله
کمی بین آنها باشد ، و فاصله شدن ناقله کافی است برای عدم سقوط اذان بنا بر اقوی .
مسئله ۹۳۲- اگر برای نماز جماعتی اذان واقامه گفته باشند ، کسیکه با آن
جماعت نماز میخواند ، نباید برای نماز خود ، اذان واقامه بگوید .

مسئله ۹۳۳- اگر برای خواندن نماز جماعت بمسجد برود و ببیند جماعت
تمام شده ، تا وقتیکه صفها بهم نخورده و جمعیت متفرق نشده ، میتواند برای نماز خود ،
اذان واقامه نگوید .

مسئله ۹۳۴- در جائیکه عده ای مشغول نماز جماعتند ، یا نماز آنان تازه تمام
شده و صفها بهم نخورده است ، اگر انسان بخواهد فرادی یا با جماعت دیگری که بر پا
میشود نماز بخواند ، باشش شرط اذان واقامه از او ساقط میشود : اول- آنکه نماز
جماعت در مسجد باشد و اگر در مسجد نباشد ، رجاء آبگوید. دوم- آنکه برای آن نماز
اذان واقامه ، گفته باشند ؛ سوم- آنکه نماز جماعت باطل نباشد. چهارم- آنکه نماز او
و نماز جماعت در یک مکان باشد . پس اگر نماز جماعت ، داخل مسجد باشد و او بخواند
در بام مسجد نماز بخواند ، مستحب است اذان واقامه بگوید . پنجم- آنکه نماز او و نماز
جماعت هر دو ادا باشد . ششم- آنکه وقت نماز جماعت مشترك باشد ، مثلاً هر دو نماز
ظهر ، یا هر دو نماز عصر بخوانند ، یا نمازی که بجماعت خوانده میشود ، نماز ظهر
باشد و او نماز عصر بخواند ، یا او نماز ظهر بخواند و نماز جماعت نماز عصر باشد .

مسئله ۹۳۵- اگر در یکی از شرطهایی که در مسئله قبل گفته شد شك کند رجاء اذان و اقامه بگوید مطابق با احتیاط عمل کرده است .

مسئله ۹۳۶- کسیکه اذان و اقامه دیگری را می شنود مستحب است هر قسمتی را که می شنود بگوید .

مسئله ۹۳۷- کسیکه اذان و اقامه دیگری را شنیده ، چه با او گفته باشد یا نه ، در صورتیکه بین آن اذان و اقامه و نمازی که میخواهد بخواند ؛ زیاد فاصله نشده باشد میتواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید .

مسئله ۹۳۸- اگر مرد اذان زن را با قصد لذت بشنود ، اذان از او ساقط نمیشود . بلکه اگر قصد لذت هم نداشته باشد ، ساقط شدن اذان اشکال دارد اگر چه خالی از وجه نیست .

مسئله ۹۳۹- هر گاه اذان و اقامه را فراموش کند و مشغول نماز شود اگر تا وارد رکوع رکعت اول نشده ، یادش آمد ، میتواند نماز را رها کرده و پس از گفتن اذان و اقامه نماز را دوباره شروع کند .

مسئله ۹۴۰- اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگویند صحیح نیست .

مسئله ۹۴۱- اگر کلمات اذان و اقامه را بدون ترتیب بگوید ، مثلاً حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ را پیش از حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ بگوید ؛ باید از جایی که ترتیب بهم خورده دوباره بگوید .

مسئله ۹۴۲- باید بین اذان و اقامه فاصله ندهد و اگر بین آنها بقدری فاصله دهد ، که اذانی را که گفته اذان این اقامه حساب نشود ، مستحب است دوباره اذان و اقامه را بگوید و نیز اگر بین اذان و اقامه و نماز بقدری فاصله دهد که اذان و اقامه آن نماز حساب نشود ، مستحب است دوباره برای آن نماز ، اذان و اقامه بگوید .

مسئله ۹۴۳ - اذان و اقامه باید بر بی صحیح گفته شود ، پس اگر بر بی غلط بگوید ، یا بجای حرفی حرف دیگر بگوید ، یا مثلاً ترجمه آنها را بفارسی بگوید صحیح نیست .

مسئله ۹۴۴ - اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر عمداً یا از روی فراموشی پیش از وقت بگوید باطل است .

مسئله ۹۴۵ - اگر پیش از گفتن اقامه شك کند که اذان گفته یانه ، باید اذان را بگوید ، ولی اگر مشغول اقامه شود و شك کند که اذان گفته یانه ، گفتن اذان لازم نیست .

مسئله ۹۴۶ - اگر در بین اذان یا اقامه پیش از آنکه قسمتی را بگوید شك کند که قسمت پیش از آن را گفته یانه ، باید قسمتی را که در گفتن آن شك کرده بگوید ، ولی اگر در حال گفتن قسمتی از اذان یا اقامه شك کند که آنچه پیش از آنست گفته یانه ، گفتن آن لازم نیست .

مسئله ۹۴۷ - مستحب است انسان در موقع گفتن اذان ، رو بقبله بایستد و با وضو یا غسل باشد و دستها را بگوش بگذارد و صدرا بلند نماید و بکشد و بین جمله های اذان کمی فاصله دهد و بین آنها حرف نزند و امدار اقامه باید با طهارت باشد بلکه لازم است بنا بر احتیاط لازم رو بقبله و ایستاده باشد .

مسئله ۹۴۸ - مستحب است بدن انسان در موقع گفتن اقامه آرام باشد و آن را از اذان آهسته تر بگوید و جمله های آنرا بهم نجسباند ولی باندازه ای که بین جمله های اذان فاصله می دهد ، بین جمله های اقامه فاصله ندهد .

مسئله ۹۴۹ - مستحب است بین اذان و اقامه يك قدم بردارد ، یا قدری بنشیند ؛ یا سجده کند ، یا ذکر بگوید ، یا دعا بخواند ؛ یا قدری ساکت باشد ، یا حرفی نزنند یا دور کعت نماز بخواند ولی حرف زدن بین اذان و اقامه نماز صحیح و نماز خواندن

بین اذان و اقامه نماز مغرب مستحب نیست .

مسئله ۹۵۰ - مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین میکنند، عادل و وقت شناس و صدایش بلند باشد و اذان را در جای بلند بگوید.

واجبات نماز

واجبات نماز یازده چیز است : اول - نیت دوم - قیام ، یعنی : ایستادن . سوم تکبیرة الاحرام ، یعنی : گفتن الله اکبر در اول نماز چهارم - رکوع . پنجم - سجود . ششم - قرائت هفتم - ذکر . هشتم - تشهد . نهم سلام . دهم - ترتیب . یازدهم موالات ، یعنی : پی در پی بودن اجزاء نماز .

مسئله ۹۵۱ - بعضی از واجبات نماز رکن است ، یعنی : اگر انسان آنها را بجا نیاورد ، یادر نماز اضافه کند ، عمداً باشد یا اشتهاً ، نماز باطل میشود و بعضی دیگر رکن نیست ، یعنی : اگر عمداً کم یا زیاد شود ، نماز باطل میشود و چنانچه اشتهاً کم یا زیاد گردد ، نماز باطل نمیشود .

رکن نماز پنج چیز است : اول - نیت . دوم - تکبیرة الاحرام . سوم - قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام و قیام متصل بر رکوع ، یعنی : ایستادن پیش از رکوع چهارم - رکوع . پنجم - دو سجده از یک رکعت .

نیت

مسئله ۹۵۲ - انسان باید نماز را بنیت قربت ، یعنی : برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا مثلاً بزبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر میخوانم قربة الی الله بلکه در نماز احتیاط ، احتیاط لازم نگفتن بزبان است .

مسئله ۹۵۳- اگر در نماز ظهر یا نماز عصر نیت کند که چهار رکعت نماز میخوانم و معین نکند ظهر است یا عصر، نماز او باطل است و نیز کسیکه مثلاً قضای نماز ظهر بر او واجب است، اگر در وقت نماز ظهر بخواند آن نماز قضا یا نماز ظهر را بخواند، باید نمازی را که میخواند؛ در نیت معین کند.

مسئله ۹۵۴- انسان باید از اول تا آخر نماز بنیت خود باقی باشد، پس اگر درین نماز بطوری غافل شود که اگر پرسند چه میکنی؟ نداند چه بگوید نمازش باطل است.

مسئله ۹۵۵- انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند؛ پس کسیکه ریا کند یعنی: برای نشان دادن بمردم نماز بخواند، نمازش باطل است خواه فقط برای مردم باشد، یا خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد.

مسئله ۹۵۶- اگر قسمتی از نماز راهم برای غیر خدا بجا آورد، نماز باطل است؛ چه آن قسمت، واجب باشد مثل حمد و سوره، چه مستحب باشد مانند قنوت، و اکن در مستحب احتیاط لازم آن است که نماز را تمام و دوباره اعاده نماید بلکه اگر تمام نماز را برای خدا بجا آورد ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوصی مثل مسجد، یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت؛ یا بطرز مخصوصی مثلاً با جماعت نماز بخواند نمازش باطل است.

تکبیرة الاحرام

مسئله ۹۵۷- گفتن الله اکبر در اول هر نماز، واجب و رکن است و باید حروف «الله» و حروف «اکبر» و دو کلمه «الله» و «اکبر» را پشت سرهم بگوید و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود و اگر به عربی غلط بگوید، یا مثلاً ترجمه آن را به فارسی بگوید صحیح نیست.

مسئله ۹۵۸- احتیاط واجب آنست که تکبيرة الاحرام نماز را بچیزیکه پیش از آن میخواند؛ مثلاً باقامه یا بدعائی که پیش از تکبیر میخواند نچسباند .

مسئله ۹۵۹- اگر انسان بخواهد الله اکبر را بچیزی که بعد از آن میخواند مثلاً به بسم الله الرحمن الرحیم بچسباند؛ باید (ر) اکبر را با پیش بخواند .

مسئله ۹۶۰- موقع گفتن تکبيرة الاحرام باید بدن آرام باشد و اگر عمدأ در حالیکه بدنش حرکت دارد، تکبيرة الاحرام را بگوید باطل است .

مسئله ۹۶۱- تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش بشنود و اگر بواسطه سنگینی یا کوری گوش یا سر و صدای زیاد نمیشنود، باید طوری بگوید، که اگر مانعی نباشد بشنود .

مسئله ۹۶۲- کسیکه لال است یا زبان او مرضی دارد که نمیتواند الله اکبر را درست بگوید، باید بهر طور که میتواند بگوید و اگر هیچ نمیتواند بگوید، باید در قلب خود بگذراند و برای تکبیر اشاره کند و زبانش را هم اگر میتواند حرکت دهد .

مسئله ۹۶۳- مستحب است بعد از تکبيرة الاحرام بگوید :

يَا مُحْسِنُ قَدْ آتَاكَ الْمُسِيءُ وَقَدَّامَرْتَ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ وَأَنْتَ
الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسِيءُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَتَجَاوَزَ عَنِّي فَبِيحِ مَا تَعْلَمُ مِنِّي .

یعنی: ای خدائیکه بینندگان احسان میکنی بنده گناهکار بدرخانه تو آمده و تو امر کرده ای که نیکوکار از گناهکار بگذرد، تو نیکو کاری و من گناهکار بحق محمد و آل محمد علیهم السلام رحمت خود را بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرست و از بدیهائی که میدانی از من سرزده بگذر .

مسئله ۹۶۴- مستحب است موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد .

مسئله ۹۶۵ - اگر شك کند که تکبیرة الاحرام را گفته یا نه ، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده ، بشك خود اعتنا نکند و اگر چیزی نخوانده ، باید تکبیر را بگوید .

مسئله ۹۶۶ - اگر بعد از گفتن تکبیرة الاحرام شك کند که آنرا صحیح گفته یا نه ، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده بشك خود اعتنا نکند و هم چنین است اگر چیزی نخوانده و لکن احتیاط مستحب آنستکه در این صورت نماز را تمام کند و دوباره بخواند .

قیام (ایستادن)

مسئله ۹۶۷ - قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل بر رکوع می گویند رکن است ، ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترك کند نمازش صحیح است .

مسئله ۹۶۸ - واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن مقداری بایستند تا یقین کند که در حال ایستادن تکبیر گفته است .

مسئله ۹۶۹ - اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده . باید بایستد و بر رکوع رود و اگر بدون اینکه بایستد بحال خمیدگی بر رکوع برگردد ، چون قیام متصل بر رکوع را بجا نیاورده ، نماز او باطل است .

مسئله ۹۷۰ - موقعیکه ایستاده است ؛ باید بدن را حرکت ندهد و بطرفی خم نشود و بجائی تکیه نکند ولی اگر از روی ناچاری باشد ، یاد در حال خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد اشکال ندارد .

مسئله ۹۷۱ - اگر موقعی که ایستاده ، از روی فراموشی بدن را حرکت دهد یا بطرفی خم شود . یا بجائی تکیه کند؛ اشکال ندارد ولی در قیام موقع گفتن تکبیر - الاحرام و قیام متصل بر کوع اگر از روی فراموشی هم باشد ، بنا بر احتیاط واجب ، باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند .

مسئله ۹۷۲ - احتیاط واجب آنستکه در موقع ایستادن ، هر دو پا روی زمین باشد ، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی يك پا هم باشد اشکال ندارد .

مسئله ۹۷۳ - کسیکه می تواند درست بایستد ، اگر باها را خیلی باز بگذارد بحدی که او را ایستاده نگویند نمازش باطل است.

مسئله ۹۷۴ - موقعیکه انسان در نماز مشغول خواندن چیزیست حتی موقع گفتن ذکرهای مستحبی نماز ، باید بدنش آرام باشد . و در موقعی که میخواهد کمی جلو یا عقب رود ، یا کمی بدن را بطرف راست یا چپ حرکت دهد ، باید چیزی نگوید ولی بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَاقْعُدُوا باید در حال برخاستن بگوید .

مسئله ۹۷۵ - اگر در حال حرکت بدن ذکر بگوید ، مثلاً موقع رفتن بر کوع یا رفتن بسجده تکبیر بگوید ، چنانچه آنرا بقصد ذکر که در نماز دستور داده اند بگوید ، باید احتیاطاً نماز را دوباره بخواند و اگر باین قصد نگوید ، بلکه بخواند ذکر می گفته باشد نماز صحیح است .

مسئله ۹۷۶ - حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد . اشکال ندارد . اگر چه احتیاط مستحب آنست که آنها را هم حرکت ندهد

مسئله ۹۷۷ - اگر موقع خواندن حمد و سوره ، یا خواندن تسبیحات بی اختیار بقدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود ، احتیاط واجب آنستکه بعد از آرام گرفتن بدن ، آنچه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند .

مسئله ۹۷۸ - اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود؛ باید بنشیند و اگر از نشستن هم عاجز شود، باید بخوابد، ولی تابدنش آرام نگرفته باید چیزی نخواند .

مسئله ۹۷۹ - تا انسان میتواند ایستاده نماز بخواند ، نباید بنشیند مثلاً کسی که در موقع ایستادن ، بدنش حرکت میکند ، یا مجبور است بچیزی تکیه دهد ، یا بدنش را کج کند ، یا خم شود یا پاهای او بیشتر از معمول باز بگذارد ، باید بهر طور که میتواند بایستد و نماز بخواند ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایستد ، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند .

مسئله ۹۸۰ - تا انسان میتواند بنشیند نباید خوابیده نماز بخواند و اگر نتواند راست بنشیند؛ باید هر طور که میتواند بنشیند و اگر بهیچ قسم نمیتواند بنشیند باید بطوری که در احکام قبله گفته شد ، به پهلوی راست بخوابد و اگر نمی تواند به پهلوی چپ و اگر آنها ممکن نیست پشت بخوابد؛ بطوریکه کف پاهای او رو بقبله باشد.

مسئله ۹۸۱ - کسیکه نشسته نماز میخواند ، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد ، و رکوع را ایستاده بجا آورد ، باید بایستد و از حال ایستاده برکوع برود و اگر نتواند ، باید رکوع را هم نشسته بجا آورد .

مسئله ۹۸۲ - کسیکه خوابیده نماز میخواند ، اگر در بین نماز بتواند بنشیند باید مقداری راکه میتواند ، نشسته بخواند . و نیز اگر میتواند بایستد ، باید مقداری راکه میتواند ، ایستاده بخواند . ولی تابدنش آرام نگرفته ، باید چیزی نخواند .

مسئله ۹۸۳ - کسیکه نشسته نماز میخواند اگر در بین نماز بتواند بایستد باید مقداری راکه میتواند؛ ایستاده بخواند ولی تابدنش آرام نگرفته ، باید چیزی نخواند .

مسئله ۹۸۲ - کسیکه میتواند بایستد اگر بترسد که بواسطه ایستادن ، مریض شود یا ضرری باو برسد ، میتواند نشسته نماز بخواند و اگر از نشستن هم بترسد ، میتواند خوابیده نماز بخواند .

مسئله ۹۸۵ - اگر انسان احتمال بدهد که تا آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند بنا بر احتیاط لازم باید نماز را تاخیر بیندازد . پس اگر نتوانست بایستد ، در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز بجا آورد .

مسئله ۹۸۶ - مستحب است در حال ایستادن ؛ بدن را راست نگهدارد ، شانه ها را پائین بیندازد ؛ دستها را روی رانها بگذارد ، انگشتها را بهم بچسباند ، جای سجده را نگاه کند ، سنگینی بدن را بطور مساوی روی دویا بیندازد ، باخضوع و خشوع باشد پاها را پس و پیش نگذارد ، اگر مرد است پاها را از سه انگشت باز تکیه و جب فاصله دهد و اگر زن است پاها را بهم بچسباند .

قرائت

مسئله ۹۸۷ - در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه ، انسان باید ، اول حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند .

مسئله ۹۸۸ - اگر وقت نماز تنگ باشد ، یا انسان ناچار شود که سوره را نخواند مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند ، دزد یاد رنده . یا چیز دیگری باو صدمه بزند ، نباید سوره را بخواند .

مسئله ۹۸۹ - اگر عمداً سوره را پیش از حمد بخواند و بعد حمد را بخواند و به رکوع رود نمازش باطل است ولی اگر بعد از حمد ، سوره را دوباره بخواند احتیاط آن است که نماز را تمام کند و دوباره اعاده نماید و اگر اشتهاً سوره را پیش از حمد

بخواند و درین آن یادش بیاید؛ باید سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد سوره را از اول بخواند.

مسئله ۹۹۰ - اگر حمد و سوره با یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن بر کوع بفهمد، نمازش صحیح است.

مسئله ۹۹۱ - اگر پیش از آنکه برای رکوع خم شود، بفهمد که حمد و سوره را نخوانده؛ باید بخواند و اگر بفهمد سوره را نخوانده، باید فقط سوره را بخواند ولی اگر بفهمد حمد تنها را نخوانده، باید اول حمد و بعد از آن دوباره سوره را بخواند و نیز اگر خم شود و پیش از آنکه به رکوع برسد، بفهمد حمد و سوره، یا سوره تنها؛ یا حمد تنها را نخوانده، باید بایستد و بهمین دستور عمل نماید.

مسئله ۹۹۲ - اگر در نماز فریضه یکی از چهار سوره ای را که آیه سجده دارد و در مسئله ۳۶۱ گفته شد، عمدتاً بخواند نمازش باطل است.

مسئله ۹۹۳ - اگر اشتهاً مشغول خواندن سوره ای شود که سجده واجب دارد چنانچه پیش از رسیدن بآیه سجده بفهمد، باید آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند و اگر بعد از خواندن آیه سجده بفهمد بنا بر احتیاط برای سجده واجب اشاره کند و سوره را تمام کند و بعد يك سوره دیگر احتیاطاً بقصد قربت مطلقه بخواند و بر کوع رود و نماز را تمام کند و بعد از نماز بنا بر احتیاط سجده آنرا بجا آورد.

مسئله ۹۹۴ - اگر در نماز آیه سجده را بشنود، نمازش صحیح است و بنا بر احتیاط برای سجده واجب اشاره کند و بعد از نماز هم سجده را بجا آورد.

مسئله ۹۹۵ - در نماز مستحب خواندن سوره لازم نیست، اگرچه آن نماز بواسطه نذر کردن واجب شده باشد، ولی در بعضی از نمازهای مستحبی مثل نماز وحشت که سوره مخصوصی دارد، اگر بخواند بدستور آن نماز رفتار کرده باشد؛ باید همان سوره را بخواند.

مسئله ۹۹۶- در نماز جمعه و در نماز ظهر روز جمعه مستحب است در رکعت اول بعد از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوم بعد از حمد؛ سوره منافقین بخواند و اگر مشغول یکی از اینها شود، بنا بر احتیاط واجب نمیتواند آنها را کند و سوره دیگر بخواند.

مسئله ۹۹۷- اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره توحید یا سوره کافرون شود؛ نمیتواند آنها را کند و سوره دیگر بخواند. ولی در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه اگر از روی فراموشی بجای سوره جمعه و منافقین، یکی از این دو سوره را بخواند، تا بنصف نرسیده؛ میتواند آنها را کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند.

مسئله ۸۹۸- اگر در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه عمداً سوره توحید یا سوره کافرون بخواند، اگر چه بنصف نرسیده باشد، بنا بر احتیاط واجب نمیتواند آنها کند و سوره جمعه و منافقین را بخواند.

مسئله ۹۹۹- اگر در نماز، غیر سوره توحید و کافرون، سوره دیگری بخواند، تا بنصف نرسیده میتواند آنها کند و سوره دیگر بخواند.

مسئله ۱۰۰۰- اگر مقداری از سوره را فراموش کند، باز روی ناچاری مثلاً بواسطه تنگی وقت یا جهت دیگر نشود آنها تمام نماید، میتواند آن سوره را کند و سوره دیگر بخواند؛ اگر چه از نصف گذشته باشد، یا سوره ای را که میخوانده توحید، یا کافرون باشد.

مسئله ۱۰۰۱- بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند.

مسئله ۱۰۰۲- مرد باید در نماز صبح و مغرب و عشا مواظب باشد که تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها را بلند بخواند.

- مسئله ۱۰۰۳- زن میتواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود، بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.
- مسئله ۱۰۰۴- اگر در جائی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند. یا در جائی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است. ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد صحیح است و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده؛ لازم نیست مقداری را که خوانده دوباره بخواند.
- مسئله ۱۰۰۵- اگر کسی در خواندن حمد و سوره بیشتر از معمول صدایش را بلند کند، مثل آنکه آنها را با فریاد بخواند، نمازش باطل است.
- مسئله ۱۰۰۶- انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسیکه به هیچ قسم نمیتواند صحیح آنرا یاد بگیرد، باید هر طور که میتواند، بخواند و احتیاط لازم آنست که نماز را بجماعت بجا آورد مگر آنکه بر او حرج باشد.
- مسئله ۱۰۰۷- کسیکه حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را بخوبی نمیداند و میتواند یاد بگیرد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید یاد بگیرد و اگر وقت تنگ است، بنا بر احتیاط واجب در صورتیکه ممکن باشد، باید نمازش را بجماعت بخواند.
- مسئله ۱۰۰۸- مزد گرفتن برای یاد دادن واجبات نماز حرام است بنا بر احتیاط واجب. ولی برای مستحبات آن اشکال ندارد.
- مسئله ۱۰۰۹- اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند یا عمداً آنرا نگوید یا بجای حرفی حرف دیگر بگوید مثلاً بجای (ض) (ظ) بگوید، یا جائی که باید بدون زیر و زبر خوانده شود، زیر و زبر بدهد، یا تشدید را نگوید نماز او باطل است.
- مسئله ۱۰۱۰- اگر انسان کلمه ای را صحیح بداند و در نماز همان طور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده، باید دو باره نماز را بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسئله ۱۰۱۱ - اگر زیروزیر کلمه‌ای رانداند یا نداند مثلا کلمه‌ای به (س) است یابه (ص) ؛ باید یاد بگیرد و چنانچه دوجور یابیشتر بخواند ؛ مثل آنکه در اهدنا الصراط المستقیم ، مستقیم را یکمرتبه باسین و یکمرتبه باصا بخواهد ، نمازش باطل است .

مسئله ۱۰۱۲ - اگر در کلمه‌ای واو باشد و حرف قبل از او در آن کلمه پیش داشته باشد و حرف بعد از او در آن کلمه همزه (ه) باشد مثل کلمه سوء باید آن واو را مدهد یعنی آن را بکشد و همچنین اگر در کلمه‌ای الف باشد و حرف قبل از الف در آن کلمه زبر داشته باشد و حرف بعد از الف در آن کلمه همزه باشد مثل جاء باید الف آنرا بکشد و نیز اگر در کلمه‌ای (ی) باشد و حرف پیش از (ی) در آن کلمه زیر داشته باشد و حرف بعد از (ی) در آن کلمه همزه باشد مثل (جیء) ، باید (ی) را بامد بخواند و اگر بعد از این واو و الف و (ی) بجای همزه (ه) حرفی باشد که ساکن است یعنی زیروزیر و پیش ندارد باز هم باید این سه حرف را بامد بخواند ، مثلا در ولا الضالین که بعد از الف ، حرف لام ساکن است ؛ باید الف آنرا بامد بخواند و چنانچه بدستوری که گفته شد رفتار نکند ؛ احتیاط آنست که نماز را تمام کند و دوباره بخواند .

مسئله ۱۰۱۳ - احتیاط آنستکه در نماز وقف بحرکت و وصل بسکون ننماید و معنی وقف بحرکت آنست که زیر یا زیر یا پیش آخر کلمه‌ای را بگوید و بین آن کلمه و کلمه بعد فاصله دهد ، مثلا بگوید : «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» و میم الرحیم را زیر بدهد و بعد قدری فاصله دهد و بگوید «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» و معنی وصل بسکون آنست که زیر یا زیر یا پیش کلمه‌ای را نگوید و آن کلمه را بکلمه بعد بچسباند مثل آنکه بگوید «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» و میم الرحیم را زیر ندهد و فوراً «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را بگوید .

مسئله ۱۰۱۴ - در رکعت سوم و چهارم نماز میتواند فقط يك حمد بخواند، يا يك مرتبه تسبیحات اربعه بگوید یعنی بگوید: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ** و میتواند در يك رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دور رکعت تسبیحات بخواند.

مسئله ۱۰۱۵ - در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را يك مرتبه بگوید . و در وسعت وقت يك مرتبه کافی است لکن سزاوار است ترك نشود سه مرتبه مگر در ضرورت .

مسئله ۱۰۱۶ - بر مردوزن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخواند .

مسئله ۱۰۱۷ - اگر در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند ، بنا بر احتیاط واجب باید «بسم الله» آن را هم آهسته بگوید .

مسئله ۱۰۱۸ - کسیکه نمیتواند تسبیحات را یاد بگیرد یا درست بخواند، باید در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند .

مسئله ۱۰۱۹ - اگر در دور رکعت اول نماز بخیال اینکه در دور رکعت آخر است تسبیحات بگوید ، چنانچه پیش از رکوع بفهمد ، باید حمد و سوره را بخواند و اگر در رکوع یا بعد از رکوع بفهمد ، نمازش صحیح است .

مسئله ۱۰۲۰ - اگر در دور رکعت آخر نماز بخیال اینکه در دور رکعت اول است حمد بخواند ، یا در دو رکعت اول نماز بگمان اینکه در دور رکعت آخر است حمد بخواند ، چه پیش از رکوع بفهمد چه بعد از آن، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۰۲۱ - اگر در رکعت سوم یا چهارم میخواست حمد بخواند تسبیحات بزبانش آمد ، یا میخواست تسبیحات بخواند حمد بزبانش آمد ، باید آن را رها کند و دو باره حمد یا تسبیحات را بخواند . ولی اگر قصدش خواندن چیزی بوده که

بزبانش آمده اگر چه بواسطه عادت باشد ، میتواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است .

مسئله ۱۰۲۲ - کسیکه عادت دارد ، در رکعت سوم و چهارم تسبیحات بخواند اگر بدون قصد مشغول خواندن حمد شود ، باید آن را رها کند و دوباره حمد یا تسبیحات را بخواند .

مسئله ۱۰۲۳ - در رکعت سوم و چهارم مستحب است بعد از تسبیحات استغفار کند ، مثلاً بگوید : **اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّيْ وَ اَتُوْبُ اِلَيْهِ** یا بگوید : **اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي** . و کسی که مشغول استغفار است ؛ اگر شك کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه ، چنانچه خود را در استغفار بعد از حمد یا تسبیحات به بیند ، باید بشك خود اعتنا نماید و الا باید حمد یا تسبیحات را بخواند . و نیز اگر نماز گزار پیش از خم شدن برای رکوع در حالی که مشغول استغفار نیست ، شك کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه باید حمد یا تسبیحات را بخواند .

مسئله ۱۰۲۴ - اگر در رکوع رکعت سوم یا چهارم یاد رحال رفتن بر رکوع شك کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه ، باید بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۰۲۵ - هر گاه بعد از تمام شدن آیه یا کلمه ای شك کند که آن را درست گفته یا نه تا داخل در رکن بعد نشده میتواند برگردد و احتیاطاً آن آیه یا کلمه را بطور صحیح بگوید ولی اگر جزء بعدی رکن باشد مثلاً در رکوع شك کند که سوره را درست خوانده یا نه نمیتواند برگردد و باید بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۰۲۶ - مستحب است در رکعت اول ، پیش از خواندن حمد بگوید : **اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ** و در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر بسم الله الرحمن الرحيم را بلند بگوید و نیز مستحب است در تمام نمازها حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند ، یعنی : آن را با آیه بعد نچسباند و در حال خواندن حمد و سوره بمعنای آیه توجه داشته باشد . و اگر نماز را بجماعت میخواند

بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فرادی میخواند؛ بعد از آنکه حمد خودش تمام شد، بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**؛ و بعد از خواندن سوره توحید، يك، يادو، ياسه مرتبه **كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي** ياسه مرتبه **كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا** بگوید، و بعد از خواندن سوره کمی صبر کند، بعد تکبیر پیش از رکوع را بگوید، یا قنوت را بخواند.

مسئله ۱۰۲۷- مستحب است در تمام نمازها در رکعت اول، سوره قدر و در رکعت دوم، سوره توحید را بخواند.

مسئله ۱۰۲۸- مکروه است انسان در تمام نمازهای يك شبانه روز سوره توحید را بخواند.

مسئله ۱۰۲۹- خواندن سوره توحید بیک نفس مکروه است.

مسئله ۱۰۳۰- سوره ای را که در رکعت اول خوانده مکروه است در رکعت دوم بخواند. ولی اگر سوره توحید را در هر دو رکعت بخواند مکروه نیست.

رکوع

مسئله ۱۰۳۱- در هر رکعت بعد از قرائت باید باندازه ای خم شود که بتواند دست را بزانو بگذارد و این عمل را رکوع میگویند.

مسئله ۱۰۳۲- اگر باندازه رکوع خم شود، ولی دستها را بزانو نگذارد اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۳۳- هر گاه رکوع را بطور غیر معمول بجا آورد، مثلاً بچپ یا راست خم شود، اگر چه دستهای او بزانو برسد، صحیح نیست.

مسئله ۱۰۳۴- خم شدن باید بقصد رکوع باشد، پس اگر بقصد کار دیگر - مثلاً برای کشتن جانور خم شود - نمیتواند آن را رکوع حساب کند بلکه باید بایستد و دوباره برای رکوع خم شود و بواسطه این عمل، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمیشود.

مسئله ۱۰۳۵- کسی که دست بازانوی او با دست وزانوی دیگران فرق دارد

مثلا دستش خیلی بلند است که اگر کمی خم شود بزانو میرسد ، یازانوی او پائین تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شود تا دستش بزانو برسد ؛ باید باندازه معمول خم شود .

مسئله ۱۰۳۶- کسیکه نشسته رکوع میکند ، باید بقدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و بهتر است بقدری خم شود که صورت نزدیک جای سجده برسد .
مسئله ۱۰۳۷- احتیاط آنست که در رکوع ، سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ يَا كَرِيمُ** مرتبه شود اگر چه مطلق ذکر از تحمید و تسبیح و تهلیل کافی است بشرط آنکه بقدر سه **سُبْحَانَ اللَّهِ** مثلا باشد ولی در تنگی وقت و در حال ناچاری گفتن **يَا كَرِيمُ** کافی است .

مسئله ۱۰۳۸- ذکر رکوع باید بعربی صحیح گفته شود و مستحب است آن را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگویند .

مسئله ۱۰۳۹- در رکوع باید بمقدار ذکر واجب ، بدن آرام باشد و در ذکر مستحب هم اگر آن را بقصد ذکری که برای رکوع دستور داده اند ؛ بگوید بنا بر احتیاط واجب ، آرام بودن بدن لازم است .

مسئله ۱۰۴۰- اگر موقعیکه ذکر واجب رکوع را میگوید ؛ بی اختیار بقدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود ، باید بعد از آرام گرفتن بدن دوباره ذکر را بگوید ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج نشود ، یا انگشتان را حرکت دهد اشکال ندارد .

مسئله ۱۰۴۱- اگر پیش از آنکه بمقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد عمداً ذکر رکوع را بگوید ، باید بعد از رسیدن به رکوع و آرام گرفتن بدن دوباره ذکر را بگوید و بنا بر احتیاط لازم نماز را پس از اتمام ، اعاده نماید ؛ و اگر بهمان ذکر اول اکتفاء نماید نماز باطل است .

مسئله ۱۰۴۲- اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، همداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است و اگر سهواً سر بردارد، چنانچه پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود، یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده؛ باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگوید و اگر بعد از آنکه از حال رکوع خارج شد، یادش بیاید، نماز او صحیح است.

مسئله ۱۰۴۳- اگر نتواند بمقدار ذکر در رکوع بماند، احتیاط واجب آنستکه بقیه آن را در حال برخاستن بگوید.

مسئله ۱۰۴۴- اگر بواسطه مرض و مانند آن در رکوع آرام نگیرد، نماز صحیح است ولی باید پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب را بگوید.

مسئله ۱۰۴۵- هر گاه نتواند باندازه رکوع خم شود؛ باید بچیزی تکیه دهد و رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند بطور معمول رکوع کند؛ باید بهر اندازه میتواند، خم شود و در این صورت احتیاط لازم آن است که نماز را دوباره بخواند و رکوع را نشسته بجا آورد و اگر هیچ نتواند خم شود، باید موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند و احتیاط لازم آنستکه نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن با سر اشاره نماید.

مسئله ۱۰۴۶- کسیکه میتواند ایستاده نماز بخواند، اگر در حال ایستاده یا نشسته نتواند رکوع کند، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره کند و اگر نتواند اشاره کند، باید بنیت رکوع چشم‌ها را هم بگذارد و ذکر آن را بگوید و بنیت برخاستن از رکوع چشم‌ها را باز کند و اگر از این هم عاجز است باید در قلب، نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید.

مسئله ۱۰۴۷- کسیکه نمی‌تواند ایستاده یا نشسته رکوع کند و برای رکوع فقط میتواند در حالی که نشسته است کمی خم شود، یا در حالی که ایستاده است با سر اشاره کند، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید و احتیاط مستحب آنست که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و هر قدر میتواند برای

رکوع خم شود .

مسئله ۱۰۴۸ - اگر بعد از رسیدن بحد رکوع سر بردارد و دو مرتبه باندازه رکوع خم شود، یا بعد از آنکه باندازه رکوع خم شود بقدری خم شود که از اندازه رکوع بگذرد و دوباره به رکوع برگردد ، چون رکوع زیاد شده است نمازش باطل است .

مسئله ۱۰۴۹ - بعد از تمام شدن ذکر رکوع ، باید راست بایستد و بعد از آنکه بدن آرام گرفت بسجده رود و اگر عمداً پیش از ایستادن ، یابیش از آرام گرفتن بدن بسجده رود نمازش باطل است .

مسئله ۱۰۵۰ - اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه بسجده برسد ، یادش بیاید ، باید بایستد بعد بر رکوع رود و چنانچه بحالت خمیدگی بر رکوع برگردد ، نمازش باطل است .

مسئله ۱۰۵۱ - اگر بعد از آنکه برای سجده دوم پیشانی بزمین رسید ، یادش بیاید که رکوع نکرده نمازش باطل است . ولی تا داخل سجده دوم نشده اگر یادش بیاید که رکوع نکرده باید بایستد و رکوع را بجا آورد و بعد از تمام شدن نماز دو سجده سهو بجا آورد احتیاطاً برای زیادی سجده .

مسئله ۱۰۵۲ - مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید و در رکوع زانوهارا بعقب دهد و پشت را صاف نگهدارد و گردن را بکشد و مساوی پشت نگهدارد و بین دو قدم رانگاه کند و پیش از ذکر یا بعد از آن صلوات بفرستد ولی آنرا نیست ذکر رکوع نگوید و بعد از آنکه از رکوع برخاست و راست ایستاد در حال آرامی بدن بگوید: **سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ** .

مسئله ۱۰۵۳ - مستحب است در رکوع زنده دست را از زانو بالاتر بگذارد و زانوهارا بعقب ندهد .

سجود

مسئله ۱۰۵۴ - نماز گزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب؛ بعد از رکوع دو سجده کند و سجده آنستکه پیشانی و کف دودست و سر دو زانو و سردو انگشت بزرگ پا را بر زمین بگذارد .

مسئله ۱۰۵۵ - دو سجده از يك رکعت با هم رکن است که اگر کسی در نماز واجب عمداً یا از روی فراموشی هر دو را ترك کند؛ یا دو سجده اضافه نماید؛ نمازش باطل است .

مسئله ۱۰۵۶ - اگر عمداً يك سجده کم یا زیاد کند ، نماز باطل میشود و اگر سهواً يك سجده کم کند حکم آن بعد از مسائل ۱۲۶۰ تا ۱۲۷۱ گفته خواهد شد .

مسئله ۱۰۵۷ - اگر پیشانی را عمداً یا سهواً بر زمین نگذارد، سجده نکرده است اگر چه جاهای دیگر بر زمین برسد . ولی اگر پیشانی را بر زمین بگذارد و سهواً جاهای دیگر را بر زمین نرساند ، یا سهواً ذکر نگوید سجده صحیح است .

مسئله ۱۰۵۸ - احتیاط واجب آنستکه در سجده سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ يَا بَإِك** مرتبه **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ** بگوید ، یا ذکر دیگری که بقدر سه **سُبْحَانَ اللَّهِ** باشد . چنانچه در رکوع گفته شد و باید این کلمات بعربی صحیح گفته شود و مستحب است **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ** را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید .

مسئله ۱۰۵۹ - در سجود باید بمقدار ذکر واجب ، بدن آرام باشد و موقع گفتن ذکر مستحب هم ، اگر آن را بقصد ذکر که برای سجده دستور داده اند بگوید ، آرام بودن بدن لازم است .

مسئله ۱۰۶۰ - اگر پیش از آنکه پیشانی بر زمین برسد یا پیش از آنکه بدن آرام بگیرد عمداً ذکر سجده را بگوید . باید بعد از رسیدن پیشانی بر زمین و آرام گرفتن بدن دوباره ذکر را بگوید و بنا بر احتیاط لازم نماز را پس از اتمام ، اعاده نماید . و اگر بهمان ذکر

اولا کتفاء نمایند نماز باطل است . و همچنین اگر پیش از تمام شدن ذکر عمداً سراز سجده بردارد ، نماز باطل است .

مسئله ۱۰۶۱ - اگر پیش از آنکه پیشانی بزمین برسد و بدن آرام گیرد، سهواً ذکر سجده را بگوید و پیش از آنکه سراز سجده بردارد ، بفهمداشتباه کرده است؛ باید دوباره در حال آرام بودن ، ذکر را بگوید .

مسئله ۱۰۶۲ - اگر بعد از آنکه سراز سجده برداشت ، بفهمد که پیش از آرام گرفتن بدن ذکر را گفته ، یا پیش از آنکه ذکر سجده تمام شود سر بر داشته ؛ نمازش صحیح است .

مسئله ۱۰۶۳ - اگر موقعی که ذکر سجده را میگوید ، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد احتیاط لازم آنستکه بعد از آرام گرفتن همه اعضا دو باره ذکر واجب را بگوید و نماز را تمام کند و اعاده نماید ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست ؛ اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد اشکال ندارد .

مسئله ۱۰۶۴ - اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده سهواً پیشانی را از زمین بردارد نمی تواند دوباره بزمین بگذارد و باید آنرا یک سجده حساب کند . ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد ، باید دو مرتبه بزمین بگذارد و ذکر را بگوید .

مسئله ۱۰۶۵ - بعد از تمام شدن ذکر سجده اول ، باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره بسجده رود .

مسئله ۱۰۶۶ - جای پیشانی نماز گزار باید از جای زانو ها و سر انگشتان پای او بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد . بلکه احتیاط واجب آنستکه جای پیشانی او از جای انگشتان و سر زانو هایش پست تر از چهار انگشت بسته نباشد .

مسئله ۱۰۶۷ - در زمین سر اشیب که سر اشیبی آن درست معلوم نیست ، اگر جای پیشانی نماز گزار از جای انگشتان پا و سر زانو های او مختصری بیش از چهار

انگشت بسته بلندتر باشد اشکال ندارد .

مسئله ۱۰۶۸ - اگر پیشانی را بچیزی بگذارد که از جای انگشتان پا و سر زانوهای او بلندتر از چهار انگشت بسته است ، چنانچه بلندی آن بقدریست که نمیگویند: در حال سجده است، باید سر را بردارد و بچیزی که بلندی آن باندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بگذارد . و اگر بلندی آن بقدریست که میگویند: در حال سجده است احتیاط واجب آن است که پیشانی را از روی آن بروی چیزی که بلندی آن باندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است ، بکشد و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

مسئله ۱۰۶۹ - باید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده میکند ؛ چیزی نباشد پس اگر مهر بقدری چرك باشد که پیشانی بخود مهر نرسد ، سجده باطل است ولی اگر مثلاً رنك مهر تغییر کرده باشد اشکال ندارد :

مسئله ۱۰۷۰ - در سجده باید کف دست را بر زمین بگذارد ولی در حال ناچاری پشت دست هم مانعی ندارد. و اگر پشت دست ممکن نباشد، باید مچ دست را بگذارد و چنانچه آذرا هم نتواند ؛ باید تا آرنج هر جا را که میتواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست ، گذاشتن بازو کافیست .

مسئله ۱۰۷۱ - در سجده باید سر دو انگشت بزرگ پا را بر زمین بگذارد و اگر انگشتان دیگر پا ، یا روی پا بر زمین بگذارد ؛ و سر دو انگشت بزرگ را بر زمین نگذارد یا بواسطه بلند بودن ناخن ، سر شست بر زمین نرسد نماز باطل است و کسیکه بواسطه ندانستن مسئله نمازهای خود را اینطور خوانده ، باید بنا بر احتیاط لازم دوباره بخواند.

مسئله ۱۰۷۲ - کسیکه مقداری از شست پایش بریده ، باید بقیه آنرا بر زمین بگذارد و اگر چیزی از آن مانده ، یا اگر مانده خیلی کوتاه است احتیاط لازم آنستکه همانرا بر زمین گذارد و ذکر سجده را بگوید و باز بقیه انگشتان را بر زمین بگذارد و دو مرتبه ذکر را بگوید و اگر هیچ انگشت ندارد ، باید هر مقداری که از پا باقی

مانده بزمین بگذارد.

مسئله ۱۰۷۳ - اگر بطور غیر معمول سجده کند ، مثلاً سینه و شکم را بزمین بچسباند ؛ یا پاها را دراز کند ، ولی هفت عضوی که گفته شد بزمین برسد اگر طوری است که عرفاً می گویند : سجده کرده ، صحیح است والا باطل است .

مسئله ۱۰۷۴ - مهر یا چیز دیگری که بر آن سجده میکند ، باید پاک باشد ولی اگر مثلاً مهر را روی فرش نجس بگذارد ، یا یکطرف مهر نجس باشد و پیشانی را بطرف پاک آن بگذارد اشکال ندارد .

مسئله ۱۰۷۵ - اگر در پیشانی دمل و مانند آن باشد ، چنانچه ممکن است باید با جای سالم پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست باید زمین را گود کند و دمل را در گودال و جای سالم را بمقداری که برای سجده کافی باشد بزمین بگذارد .

مسئله ۱۰۷۶ - اگر دمل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد ، باید بیکی ازدو طرف پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست ؛ بچانه و اگر بچانه هم ممکن نیست ، باید بهر جایی از صورت که ممکن است رجاءاً سجده کند و اگر به هیچ جای از صورت ممکن نیست با جلوی سر سجده نماید رجاءاً و در این دو صورت با اشاره نیز رجاءاً سجده نماید .

مسئله ۱۰۷۷ - کسیکه نمیتواند پیشانی را بزمین برساند ، باید بقدری که میتواند خم شود ؛ و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است ، روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند : سجده کرده است ، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را بطور معمول بزمین بگذارد .

مسئله ۱۰۷۸ - کسیکه هیچ نمیتواند خم شود ، باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند و اگر نتواند ؛ باید با چشمها اشاره نماید و در هر دو صورت احتیاط واجب آنست که اگر میتواند مهر را بلند کند و پیشانی را بر آن بگذارد و اگر ممکن نیست مهر را به پیشانی بگذارد و با سر یا چشمها هم نمیتواند اشاره کند ، باید

در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب بادت و مانند آن هم برای سجده اشاره نماید.

مسئله ۱۰۷۹ - کسیکه نمیتواند بنشیند ، باید ایستاده نیت سجده کند و چنانچه میتواند برای سجده باسر اشاره کند . واگر نمیتواند ، با چشمها اشاره نماید و اگر این را هم نمیتواند ، در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب بادت و مانند آن هم برای سجده اشاره نماید.

مسئله ۱۰۸۰ - اگر پیشانی بی اختیار بجای سجده بخورد و بلند شود سجده بعمل نیامده است و باید سجده را بطور صحیح بجا آورد و بعد از تمام شدن احتیاط مستحب آن است که دو مرتبه نماز را بخواند.

مسئله ۱۰۸۱ - جایی که انسان باید تقیه کند اگر بتواند بر حصیر یا چیزی که سجده بر آن صحیح میباشد ، طوری سجده کند که بزحمت نیفتد ، نباید بر فرش و مانند آن سجده نماید و اگر نمیتواند احتیاط لازم آن است که در صورت امکان برای نماز بجای دیگر برود والا در همانجا نماز بخواند و میتواند بر فرش و مانند آن سجده نماید .

مسئله ۱۰۸۲ - اگر روی تشك پر یا چیز دیگری که بدن روی آن آرام نمیگیرد سجده کند ، باطل است.

مسئله ۱۰۸۳ - اگر انسان ناچار شود که در زمین گل نماز بخواند ، چنانچه آلوده شدن بدن و لباس برای او مشقت ندارد بنا بر احتیاط لازم سجده و تشهد را بطور معمول بجا آورد و اگر مشقت دارد ، میتواند در حالی که ایستاده ، برای سجده باسر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند و اگر در عین مشقت سجده و تشهد را بطور معمول بجا آورد ، نمازش صحیح است .

مسئله ۱۰۸۴ - در رکعت اول و رکعت سوم که تشهد ندارد ، مثل رکعت سوم نماز ظهر و عصر و عشا بنا بر احتیاط واجب ، باید بعد از سجده دوم قدری

بی حرکت بنشیند و بعد برخیزد .

چیزهاییکه سجده بر آنها صحیح است

مسئله ۱۰۸۵ - باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین میروید؛ مانند چوب و برگ درخت سجده کرد و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی و معدنی صحیح نیست.

مسئله ۱۰۸۶ - احتیاط واجب آنست که بر برگ موس سجده نکنند .

مسئله ۱۰۸۷ - سجده بر چیزهایی که از زمین میروید و خوراك حیوانست مثل علف و گاه صحیح است.

مسئله ۱۰۸۸ - سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستند ، صحیح است ولی سجده بر دواهای خوراکی که از زمین میروید ، مانند گل بنفشه و گل گاو زبان صحیح نیست .

مسئله ۱۰۸۹ - سجده بر گیاهی که خوردن آن در بعضی از شهرها معمول است و در شهرهای دیگر معمول نیست و نیز سجده بر میوه نارس اگر چه مأکول نباشد صحیح نیست .

مسئله ۱۰۹۰ - سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ صحیح است و جایز نیست در حال اختیار بگچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن سجده کند .

مسئله ۱۰۹۱ - اگر کاغذ را از چیزیکه سجده بر آن صحیح است - مثلاً از نان تهیه کرده باشند - میشود بر آن سجده کرد ولی سجده بر کاغذی که از پسته یا شکران تهیه شده اشکال دارد .

مسئله ۱۰۹۲ - برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام میباشد ، بعد از آن حاك ؛ بعد از خاک سنگ و بعد از سنگ گیاه است .

مسئله ۱۰۹۳ - اگر چیزیکه سجده بر آن صحیح است ندارد ، یا اگر دارد

بواسطه سرما یا گرمای زیاد و مانند اینها نمیتواند بر آن سجده کند ، چنانچه لباس او از کتان یا پنبه است ، باید به لباسش سجده کند و اگر از چیز دیگر است ، باید بر پشت دست یا چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید ولی احتیاط لازم آنست که تا سجده بر پشت دست ممکن است ؛ بر چیز معدنی سجده نکند .

مسئله ۱۰۹۴ - سجده بر گل و خاک سستی که پیشانی روی آن آرام نمی گیرد

باطل است .

مسئله ۱۰۹۵ - اگر در سجده اول مهر پیشانی بچسبد و بدون این که

مهر را بردارد ، بسجده رود اشکال دارد و باید مهر را از پیشانی بردارد ، و بعد بسجده رود .

مسئله ۱۰۹۶ - اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده میکند گم شود و

چیز دیگریکه سجده بر آن صحیح است نداشته باشد ، چنانچه وقت وسعت دارد باید

نماز را رها کند و اگر وقت تنگ است ؛ باید به لباسش اگر از پنبه یا کتان است سجده

کند و اگر از چیز دیگر است بر پشت دست ؛ یا چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده

نماید و احتیاط لازم آنستکه تا سجده بر پشت دست ممکن است ، به چیز معدنی

سجده نکند .

مسئله ۱۰۹۷ - هر گاه در حال سجده بفهمد پیشانی را بر چیزی گذاشته که

سجده بر آن باطل است ، اگر ممکن باشد ، باید پیشانی را از روی آن بروی چیزی

که سجده بر آن صحیح است بکشد و اگر ممکن نباشد ، چنانچه وقت نماز وسعت

دارد . باید نماز را رها کند و اگر وقت تنگ است در صورتیکه لباسش از پنبه یا

کتان است ، باید پیشانی را از روی آن بروی لباسش بکشد و اگر از چیز دیگر است

پیشانی را از روی آن به پشت دست یا چیز معدنی بکشد با مراعات احتیاطی که در

مسئله پیش گفته شد .

مسئله ۱۰۹۸ - اگر بعد از سجده بفهمد پیشانی را روی چیزی گذاشته که سجده

بر آن باطل است ؛ اشکال ندارد .

مسئله ۱۰۹۹ - سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام میباشد و بعضی از مردم که مقابل قبرائمه علیهم السلام پیشانی را بزمین میگذارند ، اگر برای شکر خداوند متعال باشد اشکال ندارد و گرنه حرام است .

مستحبات و مکروهات سجده

مسئله ۱۱۰۰ - در سجده چند چیز مستحب است :

۱ - کسیکه ایستاده نماز میخواند بعد از آنکه سر از رکوع برداشت و کاملا ایستاد و کسیکه نشسته نماز میخواند ، بعد از آنکه کاملا نشست ، برای رفتن بسجده تکبیر بگوید .

۲ - موقعیکه میخواهد بسجده برود ، مرد اول دستها را وزن اول زانوها را بزمین بگذارد .

۳ - بینی را بمهر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد .

۴ - در حال سجده انگشتان دست را بهم بچسباند و برابر گوش بگذارد ، به طوریکه سر آنها رو بقبله باشد .

۵ - در سجده دعا کند و از خدا حاجت بخواهد و این دعا را بخواند :

يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ ارْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ یعنی : ای بهترین کسیکه از او سؤال میکنند و ای بهترین

عطا کنندگان روزی بده بمن و عیال من از فضل خودت ، پس بدرستی که تو دارای

فضل بزرگی .

۶ - بعد از سجده بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای

چپ بگذارد .

۷ - بعد از هر سجده وقتی نشست و بدنش آرام گرفت تکبیر بگوید .

۸ - بعد از سجده اول بدنش که آرام گرفت **اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّيْ وَ اَتُوْبُ اِلَيْهِ** بگوید .

۹ - سجده را طول بدهد و در موقع نشستن دستها را روی رانها بگذارد .

۱۰ - برای رفتن بسجده دوم ، در حال آرامی بدن **اللهُ اَكْبَرُ** بگوید .

۱۱ - در سجده ها صلوات بفرستد ولی آنها را بقصد ذکر ی که در سجده دستور داده اند نگوید .

۱۲ - در موقع بلند شدن مرد، اول زانو ها وزن؛ اول دستها را از زمین بردارد .

۱۳ - مرد آرنجها و شکم را بزمین نجسباند و بازو ها را از پهلو جدا نگاه دارد وزن آرنجها و شکم را بزمین بگذارد و اعضاء بدن را بیکدیگر نجسباند و مستحبات دیگر سجده در کتابهای مفصل گفته شده است .

مسئله ۱۱۰۱ - قرآن خواندن در سجده مکروه است و نیز مکروه است برای بر طرف کردن گرد و غبار ، جای سجده را فوت کند . و اگر در اثر فوت کردن دو حرف از دهان بیرون آید ، نماز باطل است و غیر از اینها مکروهات دیگری هم در کتابهای مفصل گفته شده است .

سجده واجب قرآن

مسئله ۱۱۰۲ - در هر يك از چهار سورة السجده (۳۲) و فصلت (۴۱) و النجم (۵۳) و العلق (۹۶) يك آیه سجده است که اگر انسان بخواند یا بشنود ، بعد از تمام شدن آیه ، باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد ؛ هر وقت یادش آمد باید سجده نماید و فرق نیست در شنیدن بین اینکه از خود گوینده بشنود یا بوسیله بلند گو و رادیو بشنود

مسئله ۱۱۰۳ - اگر انسان موقعیکه آیه سجده را میخواند ، از دیگری هم بشنود

بنابر احتیاط واجب ، دو سجده نماید .

مسئله ۱۱۰۴ در غیر نماز اگر در حال سجده آیه سجده را بخواند یا بشنود ، باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند .

مسئله ۱۱۰۵ - اگر انسان از بجه غیر ممیز که خوب و بد را نمی فهمد یا از کسیکه قصد خواندن قرآن ندارد ، آیه سجده را بشنود احتیاط واجب آنستکه سجده کند و همچنین است اگر از مثل نوار آیه سجده را بشنود .

مسئله ۱۱۰۶ - در سجده واجب قرآن باید جای انسان غصبی نباشد ولی لازم نیست با وضو یا غسل و رو بقبله باشد و عورت خود را بپوشاند و بدن و جای پیشانی او پاک باشد و نیز چیزهاییکه در لباس نماز گزار شرط میباشد ، در لباس او شرط نیست اما اگر لباس او غصبی است ، چنانچه سجده کردن ، تصرف در آن لباس باشد ، سجده باطل است .

مسئله ۱۱۰۷ - احتیاط واجب آنستکه در سجده واجب قرآن ، پیشانی برابر مهر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بنابر احتیاط مستحب جاهای دیگر بدن را بدستوری که در سجده نماز گفته شد بر زمین بگذارد .

مسئله ۱۱۰۸ - هر گاه در سجده واجب قرآن پیشانی را بقصد سجده بر زمین بگذارد ، اگر چه ذکر نگوید کافیست ولی گفتن ذکر ، مستحب و مطابق با احتیاط است و بهتر است بگوید : **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصَدِّيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِبَادَةٌ وَرِقَاءٌ سَجَدْتُكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقَالًا مُسْتَكْفًا وَلا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ .**

تشهد

مسئله ۱۱۰۹ - در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب

ورکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا؛ باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن؛ تشهد بخواند یعنی بگوید.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وکثر از این کفایت نمیکند و احتیاط واجب آنستکه بهمین ترتیب بگوید.

مسئله ۱۱۱۰- کلمات تشهد باید بر عربی صحیح و بطوریکه معمول است پشت سر هم گفته شود.

مسئله ۱۱۱۱- اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند و بنا بر احتیاط واجب، بعد از نماز برای ایستادن بیجا؛ دو سجده سهو بجا آورد و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید. باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند و برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو بجا آورد.

مسئله ۱۱۱۲- مستحب است در حال تشهد بران چپ بنشیند و روی پای راست را بکف پای چپ بگذارد و پیش از تشهد بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ** یا بگوید: **بِسْمِ اللَّهِ وَبِإِثْنِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ** و نیز مستحب است دستها بر رانها بگذارد و انگشتها را بیکدیگر بچسباند و بدامن خود نگاه کند و بعد از تمام شدن تشهد بگوید: **وَتَقَبَّلْ شَفَاةً تَرْفَعُ دَرَجَتَهُ**.

مسئله ۲۱۱۳- مستحب است زن در وقت خواندن تشهد، رانها را بهم بچسباند

سلام نماز

مسئله ۱۱۱۴- بعد از تشهد رکعت آخر نماز، مستحب است در حالیکه نشسته

و بدن آرام است بگوید : **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ** و بعد از آن واجب است بگوید : **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ** یا بگوید : **السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ** ولی اگر این سلام را بگوید احتیاط واجب آنستکه بعد از آن **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ** را هم بگوید .

مسئله ۱۱۱۵- اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز بهم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن نماز را باطل میکند- مثل پشت بقبله کردن - انجام نداده . باید سلام را بگوید و نمازش صحیح است .

مسئله ۱۱۱۶- اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز بهم خورده است ، چنانچه پیش از آنکه صورت نماز بهم بخورد ، کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل میکند - مثل پشت بقبله کردن - انجام نداده باشد ، نمازش صحیح است . و اگر پیش از آنکه صورت نماز بهم بخورد ؛ کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل میکند انجام داده باشد ، نمازش باطل است .

ترتیب

مسئله ۱۱۱۷- اگر عمداً ترتیب نماز را بهم بزند و جزئی را که رکن نیست جلوتر بجا آورد ؛ مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند ، احتیاط واجب آن است که بعد از حمد سوره را دوباره بخواند و نماز را تمام کند و اعاده نماید ولی اگر بهمان سوره که پیش از حمد خوانده اکتفا کند یا آنکه جزئی را که رکن است بغیر ترتیب بجا آورد و یا یک سجده را پیش از رکوع بجا آورد ، نماز باطل میشود .

مسئله ۱۱۱۸- اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد ، مثلاً پیش از آنکه رکوع کند دو سجده نماید ، نماز باطل است .

مسئله ۱۱۱۹- اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آنست و رکن

نیست بجا آورد ، مثلاً پیش از آنکه دو سجده کند تشهد بخواند ، باید رکن را بجا آورد و آنچه را اشتبهاً پیش از آن خوانده دوباره بخواند .

مسئله ۱۱۲۰- اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آنرا بجا آورد ، مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود ، نمازش صحیح است .

مسئله ۱۱۲۱- اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و چیزی را که بعد از آنست و آن هم رکن نیست بجا آورد ، مثلاً حمد را فراموش کند و سوره را بخواند چنانچه مشغول رکن بعد شده باشد ، مثلاً در رکوع یادش بیاید که حمد را نخوانده باید بگذرد و نماز او صحیح است و اگر مشغول رکن بعد نشده باشد ؛ باید آنچه را فراموش کرده بجا آورد و بعد از آن ، چیزی را که اشتبهاً جلو تر خوانده دوباره بخواند .

مسئله ۱۱۲۲- اگر سجده اول را بخمال اینکه سجده دوم است ، یا سجده دوم را بخمال اینکه سجده اول است بجا آورد ؛ نماز صحیح است و سجده اول او سجده اول و سجده دوم او سجده دوم حساب میشود .

موالات

مسئله ۱۱۲۳- انسان باید نماز را با موالات بخواند ، یعنی : کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم بجا آورد و چیزهایی را که در نماز میخواند بطوری که معمول است پشت سر هم بخواند و اگر بقدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز میخواند ، نمازش باطل است .

مسئله ۱۱۲۴- اگر در نماز سهواً بین حرفها یا کلمات فاصله بیندازد و فاصله بقدری نباشد که صورت نماز از بین برود ، چنانچه مشغول رکن بعد نشده باشد ، باید آن حرفها یا کلمات را بطور معمول بخواند و اگر مشغول رکن بعد شده باشد ، نمازش صحیح است مگر در تکبیرة الاحرام که اگر فاصله بین کلمات آن بقدری

باشد که از صورت تکبیرة الاحرام خارج شود نماز باطل است .
 مسئله ۱۱۲۵ - طول دادن رکوع وسجود و خواندن سوره های بزرگ ، موالات
 را بهم نمیزند .

قنوت

مسئله ۱۱۲۶ - در تمام نمازهای واجب و مستحب ؛ پیش از رکوع رکعت
 دوم مستحب است قنوت بخواند و در نماز و تر با آنکه يك رکعت میباشد ؛ خواندن
 قنوت پیش از رکوع مستحب است و نماز جمعه دو قنوت دارد یکی پیش از رکوع
 رکعت اول و یکی بعد از رکوع رکعت دوم و نماز آیات پنج قنوت و نماز عید فطر و
 قربان در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد .

مسئله ۱۱۲۷ - مستحب است در قنوت دستها را مقابل صورت و کف آنها را رو
 بآسمان و پهلوئی هم نگهدارد و غیر شست ، انگشتهای دیگر را بهم بچسباند و بکف
 دستها نگاه کند .

مسئله ۱۱۲۸ - در قنوت هر ذکر ی بگوید ، اگر چه يك سبحان الله باشد کافیست
 و بهتر است بگوید :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ
 السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
 وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

مسئله ۱۱۲۹ - مستحب است انسان قنوت را بلند بخواند ولی برای کسیکه
 نماز را بجماعت میخواند ، اگر امام جماعت صدای او را بشنود ، بلند خواندن قنوت
 مستحب نیست .

مسئله ۱۱۳۰ - اگر عمداً قنوت نخواند قضا ندارد و اگر فراموش کند و پیش
 از آنکه باندازه رکوع خم شود یادش بیاید ، مستحب است بایستد و بخواند و اگر در

رکوع یادش بیاید؛ مستحب است بعد از رکوع قضا کند و اگر در سجده یادش بیاید، مستحب است بعد از سلام نماز قضا نماید.

ترجمه نماز

۱- ترجمه سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : بنام خداوندی که در دنیا بر مؤمن و کافر رحم میکند و در آخرت فقط بر مؤمن .

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ : ستایش مخصوص خداوندیست که پروردگار همه موجوداتست .

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : در دنیا بر مؤمن و کافر و در آخرت فقط بر مؤمن رحم می کند .

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ : مالک روز قیامت است.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ : فقط ترا عبادت میکنیم و فقط از تو کمک میخواهیم.

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ : هدایت کن ما را بر راه راست (که آن دین اسلام است)

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ : راه کسانی که به آنان نعمت دادی (که آنان

پیغمبران و جانشینان پیغمبران هستند) .

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ : نه راه کسانی که غضب کرده ای بر ایشان و

نه آن کسانی که گمراهند .

۲- ترجمه سوره توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ : بگوای محمد ﷺ که خداوند

خدا نیست یگانه .

اللَّهُ الصَّمَدُ: خدائیکه از تمام موجودات بی نیاز است؛
 لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ: فرزند ندارد و فرزند کسی نیست .
 وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ: هیچ يك از مخلوقات ، مثل او نیست .

۳- ترجمه ذکر رکوع و سجود و ذکر هائیکه

بعد از آنها مستحب است

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ: پروردگار بزرگ من از هر عیب و نقصی پاک
 و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم .

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ: خداوند اجابت فرماید ثنای کسی را که او را ستایش
 می کند .

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ: پروردگار من که از همه کس بالاتر میباشد از
 هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم .

اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ: طلب آمرزش و مغفرت میکنم از خداوندیکه
 پروردگار من است و من بطرف او باز گشت مینمایم .

بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ: بیاری خدای متعال و قوه او بر میخیزم و
 می نشینم .

۴- ترجمه قنوت

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْكَرِيمُ: نیست خدائی مگر خدای یکتای بی همثائی که صاحب
 حلم و کرم است .

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ: نیست خدائی ، مگر خدای یکتای بی همثائی که
 بلند مرتبه و بزرگ است .

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ : پاک و منزّه است خداوندیکه پروردگار هفت آسمان و پروردگار هفت زمین است .
 وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ : پروردگار هر چیز است که در آسمانها و زمینها و مابین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است .
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ : حمد و ثنا مخصوص خداوندیست که پروردگار تمام موجودات است .

۵ - ترجمه تسبیحات اربع

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ : پاک و منزّه است خداوند تعالی و ثنا مخصوص اوست و نیست خدائی مگر خدای بی همتا و بزرگتر است از اینکه او را وصف کنند .

۶ - ترجمه تشهد و سلام

الْحَمْدُ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ : ستایش مخصوص خداوند تعالی است و شهادت میدهم که خدائی نیست مگر خدائی که یگانه است و شریک ندارد و اشهد آن محمداً عبده و رسوله : شهادت میدهم که حضرت محمد ﷺ بنده خدا و فرستاده اوست .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ : خدا یا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و تقبل شفاعته و ارفع درجته : قبول فرما شفاعت پیغمبر را و درجه آنحضرت را نزد خود بلند کن .

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ : سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت و برکات خداوند بر تو باد .

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ : سلام از خداوند عالم بر ما نمازگزاران

وتمام بندگان خوب او.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ : سلام ورحمت و برکات خداوند بر شما

مؤمنین باد .

تعقیب نماز

مسئله ۱۱۳۱ - مستحب است انسان بعد از نماز مقداری مشغول تعقیب یعنی خواندن ذکر و دعا و قرآن شود و بهتر است پیش از آنکه از جای خود حرکت کند و وضو و غسل و نیمه او باطل شود، رو قبله تعقیب را بخواند و لازم نیست تعقیب عبری باشد ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده اند بخواند .

و از تعقیبهاییکه خیلی سفارش شده است تسبیح حضرت زهراء سلام الله علیها - است که باید باین ترتیب گفته شود : ۳۴ مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ**، ۳۳ مرتبه **الْحَمْدُ لِلَّهِ** و ۳۳ مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** و می شود **سُبْحَانَ اللَّهِ** را پیش از **الْحَمْدُ لِلَّهِ** گفت ولی بهتر است بعد از **الْحَمْدُ لِلَّهِ** گفته شود .

مسئله ۱۱۳۲ - مستحب است بعد از نماز ، سجده شکر نماید و همینقدر که پیشانی را بقصد شکر بر زمین بگذارد کافیست . ولی بهتر است صد مرتبه یا سه مرتبه بایک مرتبه ، شکر الله ، یا شکرأ ، یا عفوأ بگوید . و نیز مستحب است هر وقت نعمتی بانسان میرسد یا بلائی از او دور میشود سجده شکر بجا آورد .

صلوات بر پیغمبر

مسئله ۱۱۳۳ - هر وقت انسان اسم مبارک حضرت رسول اکرم **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** مانند محمد و احمد **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** یا لقب و کنیه آنجناب را مثل مصطفی و ابوالقاسم **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** بگوید بابشود اگر چه در نماز باشد، مستحب است صلوات بفرستد .

مسئله ۱۱۳۴ - موقع نوشتن اسم مبارک حضرت رسول **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** ، مستحب

است صلوات راهم بنویسد و نیز بهتر است هر وقت آن حضرت را یاد می کند صلوات بفرستد .

مبطلات نماز

مسئله ۱۳۵ - دوازده چیز نماز را باطل میکند :

اول - آنکه در بین نمازیکی از شرائط آن از بین برود ؛ مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است . و وقت وسعت داشته باشد و بتواند از آن مکان غصبی بیرون برود ولی اگر وقت تنگ باشد بطوریکه اگر بخواهد بعد از بیرون رفتن نماز را بخواند قضا میشود نماز باطل نمیشود ولی باید آنرا در حال بیرون رفتن تمام کند و همچنین اگر نتواند بیرون برود مثل محبوس ، باید در همان جا نماز را تمام کند و صحیح است دوم - آنکه در بین نماز عمدآیا سهواً یا از روی ناچاری ، چیزیکه وضو یا غسل را باطل میکند پیش آید، مثلاً بول از او خارج شود ولی کسیکه نمیتواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر در بین نماز بول یا غائط از او خارج شود؛ چنانچه بدستوریکه در مسائل ۳۱۳ تا ۳۲۱ گفته شد ، رفتار نماید نمازش باطل نمیشود و نیز اگر در بین نماز از مستحاضه خون خارج شود ، در صورتیکه بدستور استحاضه رفتار کرده باشد . نمازش صحیح است.

مسئله ۱۱۳۶ - کسیکه بی اختیار خوابش برده، اگر نداند که در بین نماز خوابش برده یا بعد از آن، بنا بر احتیاط لازم، باید نمازش را دوباره بخواند .

مسئله ۱۱۳۷ - اگر بداند با اختیار خودش خوابیده و شك کند که بعد از نماز بوده ، یا در بین نماز یادش رفته که مشغول نماز است و خوابیده ، نمازش صحیح است .

مسئله ۱۱۳۸ - اگر در حال سجده از خواب بیدار شود و شك کند که در

سجده آخر نماز است، یا در سجده شکر، باید آن نماز را دوباره بخواند.

سوم - از مبطلات نماز آنست که مثل بعض کسانیکه شیعه نیستند دستها را رویهم بگذارد.

مسئله ۱۱۳۹ - هرگاه برای ادب دستها را روی هم بگذارد؛ اگرچه مثل آنها نباشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند. ولی اگر از روی فراموشی یا ناچاری یا برای کار دیگر - مثل خاراندن دست و مانند آن - دستها را رویهم بگذارد اشکال ندارد.

چهارم - از مبطلات نماز آنست که بعد از خواندن حمد، آمین بگوید ولی اگر اشتباها یا از روی تقیه بگوید، نماز باطل نمیشود.

پنجم - از مبطلات نماز آنست که عمداً یا از روی فراموشی پشت بقبله کند؛ یا بطرف راست یا چپ قبله برگردد؛ بلکه اگر عمداً بقدری برگردد که نگویند: رو بقبله است، اگرچه بطرف راست یا چپ نرسد، نماز باطل است.

مسئله ۱۱۴۰ - اگر عمداً سر را به پشت بگرداند نمازش باطل است و اگر سهواً سر را باین مقدار بگرداند، احتیاط واجب آنست که نماز را تمام کند و دوباره بخواند ولی اگر سر را بطرف راست یا چپ بگرداند عمداً باشد، یا اشتباهاً نمازش باطل نمیشود ولی کراهت دارد.

ششم - از مبطلات نماز آنست که عمداً کلمه ای بگوید که دو حرف یا بیشتر باشد، اگرچه معنی هم نداشته باشد، ولی اگر سهواً بگوید نماز باطل نمیشود.

مسئله ۱۱۴۱ - اگر کلمه ای بگوید که يك حرف دارد؛ چنانچه آن کلمه معنی داشته باشد مثل (ق) که در زبان عرب بمعنای این است که نگهداری کن چنانچه معنای آنرا بداند و قصد آنرا نماید، نمازش باطل میشود، بلکه اگر قصد معنای آنرا نکند ولی تلفظ معنای آن باشد، احتیاط واجب آنست که نماز را دوباره بخواند.

- مسئله ۱۱۴۲ - سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد. ولی گفتن اخ و آه و مانند اینها که دو حرف است؛ اگر عمدی باشد، نماز را باطل میکند.
- مسئله ۱۱۴۳ - اگر کلمه‌ای را بقصد ذکر بگوید مثلاً بقصد ذکر بگوید: الله اکبر و در موقع گفتن آن، صدرا بلند کند که چیزی را بدیگری بفهماند، اشکال ندارد ولی چنانچه بقصد اینکه چیزی بکسی بفهماند بگوید، اگر چه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل میشود.
- مسئله ۱۱۴۴ - خواندن قرآن در نماز؛ غیر از چهار سوره‌ای که سجده واجب دارد در مسئله ۳۶۱ گفته شد و نیز دعا کردن در نماز اشکال ندارد ولی احتیاط مستحب آن است که بغیر عربی دعا نکند.
- مسئله ۱۱۴۵ - اگر چیزی از حمد و سوره و ذکرهای نماز را عمداً یا احتیاطاً چند مرتبه بگوید اشکال ندارد. ولی اگر از روی وسواس چند مرتبه بگوید نماز باطل میشود.
- مسئله ۱۱۴۶ - در حال نماز، انسان نباید بدیگری سلام کند، و اگر دیگری باو سلام کند، باید همانطور که او سلام کرده جواب دهد، مثلاً اگر گفته: **سَلَامٌ عَلَيْكُمْ** در جواب بگوید: **سَلَامٌ عَلَيْكُمْ** ولی در جواب **عَلَيْكُمْ السَّلَامُ** باید بگوید: **سَلَامٌ عَلَيْكُمْ**.
- مسئله ۱۱۴۷ - انسان باید جواب سلام را - چه در نماز یا در غیر نماز - فوراً بگوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی جواب سلام را بقدری طول دهد، که اگر جواب بگوید جواب آن سلام حساب نشود، چنانچه در نماز باشد نباید جواب بدهد و اگر در نماز نباشد؛ جواب دادن واجب نیست.
- مسئله ۱۱۴۸ - باید جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود، ولی اگر سلام کننده کرباشد، چنانچه انسان بطور معمول جواب او را بدهد کافیت و در صورت امکان با حرکت لب یا اشاره جواب را بفهماند.

مسئله ۱۱۴۹ - جواب سلام را باید بقصد رد تحیت بگوید ، نه بقصد قرآن یا دعا .

مسئله ۱۱۵۰ - اگر زن یا سردنما محرم یا بچه ممیز - یعنی : بچه ای که خوب و بد را میفهمد - بنماز گزار سلام کند ، نماز گزار باید جواب او را بدهد ولی در جواب سلام زن نباید بگوید سلام علیک و کاف رازبر و زبر و پیش ندهد .

مسئله ۱۱۵۱ - اگر نماز گزار جواب سلام را ندهد معصیت کرده ولی نمازش صحیح است .

مسئله ۱۱۵۲ - اگر کسی بنماز گزار غلط سلام کند ، بطوریکه سلام حساب نشود ، جواب او جایز نیست .

مسئله ۱۱۵۳ - جواب سلام کسیکه از روی مسخره یا شوخی سلام میکنند و جواب سلام مردوزن غیر مسلمان واجب نیست .

مسئله ۱۱۵۴ - اگر کسی بعده ای سلام کند جواب سلام او بر همه آنان واجب است ، ولی اگر یکی از آنان جواب دهد کافیست .

مسئله ۱۱۵۵ - اگر کسی بعده ای سلام کند و کسیکه سلام کننده قصد سلام دادن باو رانداشته جواب دهد ، باز هم جواب سلام او بر آن عده واجب است .

مسئله ۱۱۵۶ - اگر کسی بعده ای سلام کند و کسیکه بین آنها مشغول نماز است شك کند که سلام کننده قصد سلام کردن باو را هم داشته یانه ، نباید جواب بدهد و همچنین است اگر بدانند قصد او را هم داشته ولی دیگری جواب سلام را بدهد اما اگر بدانند که قصد او را هم داشته و دیگری جواب ندهد ، باید جواب او را بگوید .

مسئله ۱۱۵۷ سلام کردن مستحب است و خیلی سفارش شده است که سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و کوچکتر به بزرگتر سلام کند .

مسئله ۱۱۵۸ - اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند ، بر هر یک واجب است

جواب سلام دیگری را بدهد .

مسئله ۱۱۵۹ - در غیر نماز ، مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگوید
مثلاً اگر کسی گفت: سلام علیکم در جواب بگوید: سلام علیکم ورحمة الله .

هفتم - از مبطلات نماز خنده با صدا و عمدی است و چنانچه سهواً هم با صدا بخندد
بطوریکه صورت نماز از بین برود نماز باطل است ولی لبخند نماز را باطل نمیکند .

مسئله ۱۱۶۰ - اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند بحدیکه
از صورت نماز گزار خارج شود نمازش باطل است .

هشتم - از مبطلات نماز آنستکه برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند . و احتیاط
واجب آنستکه برای کار دنیا بی صدا هم گریه نکند ، ولی اگر از ترس خدا یا برای
آخرت گریه کند ؛ آهسته باشد یا بلند ، اشکال ندارد ، بلکه از بهترین اعمال است .
نهم - از مبطلات نماز کاریست که صورت نماز را بهم بزند مثل دست زدن و بهوا
پریدن و مانند اینها کم باشد یا زیاد ؛ عمداً باشد یا از روی فراموشی . ولی کاریکه صورت
نماز را بهم نزند مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد .

مسئله ۱۱۶۱ - اگر در بین نماز بقدری ساکت بماند که نگویند: نماز میخواند،
نماز باطل میشود .

مسئله ۱۱۶۲ - اگر در بین نماز کاری انجام دهد ، یا مدنی ساکت شود و شکر
کند که نماز بهم خورده یانه ، نماز صحیح است .

دهم - از مبطلات نماز ، خوردن و آشامیدن است ؛ که اگر در نماز بنحوی
بخورد یا بیاشامد که نگویند : نماز میخواند - عمداً باشد یا از روی فراموشی - نماز
باطل میشود . ولی کسیکه میخواهد روزه بگیرد اگر پیش از اذان صبح ، نماز مستحبی
بخواند و تشنه باشد ، چنانچه بترسد که اگر نماز را تمام کند صبح شود . در صورتیکه
آب روبروی او در دوسه قدمی باشد میتواند در بین نماز آب بیاشامد ، اما باید کاری که

نماز را باطل میکند، مثل پشت کردن به قبله انجام ندهد .

مسئله ۱۱۶۳- اگر بواسطه خوردن یا آشامیدن عمدی ، مسوالات نماز بهم بخورد - یعنی :طوری شود که نگویند : نماز را پشت سر هم میخواند - باید نماز را دوباره بخواند .

مسئله ۱۱۶۴- اگر در بین نماز ، غذائی را که در دهان بالای دندانها مانده فرو برد ، نماز باطل نمیشود . و نیز اگر قند یا شکر و مانند اینها در دهان مانده باشد و در حال نماز کم کم آب شود و فرورود اشکال ندارد .

یازدهم- از مبطلات نماز شك در رکعتهای نماز دور کعتی و سه رکعتی . یا در دور کعت اول نمازهای چهار رکعتی است .

دوازدهم - از مبطلات نماز آنست که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم یا زیاد کند ، یا چیزی را که رکن نیست ، عمداً کم یا زیاد نماید .

مسئله ۱۱۶۵- اگر بعد از نماز شك کند که در بین نماز کاری که نماز را باطل میکند انجام داده بانه ، نماز صحیح است .

چیزهایی که در نماز مکروه است

مسئله ۱۱۶۶- مکروه است در نماز صورت را کمی بطرف راست یا چپ بگرداند و چشمها را بهم بگذارد ، یا بطرف راست و چپ بگرداند و باریش و دست خود بازی کند و انگشتها را داخل هم نماید و آب دهان بیندازد و بخط قرآن یا کتاب یا خط انگشتر نگاه کند و نیز مکروه است ، موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر ، برای شنیدن حرف کسی ساکت شود ، بلکه هر کاری که خضوع و خشوع را از بین برد مکروه میباشد .

مسئله ۱۱۶۷- موقعی که انسان خوابش میآید و نیز موقع خودداری کردن

از بول و غائط ، مکروه است نماز بخواند . و همچنین پوشیدن جوراب تنگ که پارا فشار دهد در نماز مکروه میباشد و غیر از اینها مکروهات دیگری هم در کتابهای مفصل گفته شده است .

مواردیکه میشود نماز واجب را شکست

مسئله ۱۱۶۸- شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است ، ولی برای حفظ مال و جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی مانعی ندارد .

مسئله ۱۱۶۹- اگر حفظ جان خود انسان یا کسیکه حفظ جان او واجب است یا حفظ مالیکه نگهداری آن واجب میباشد ، بدون شکستن نماز ممکن نباشد ، باید نماز را بشکند ولی شکستن نماز ، برای مالیکه اهمیت ندارد مکروه است .

مسئله ۱۱۷۰- اگر در وسعت وقت مشغول نماز باشد و طلبکار طلب خود را از او مطالبه کند ، چنانچه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد ، باید در همان حال بپردازد و اگر بدون شکستن نماز دادن طلب او ممکن نیست ، باید نماز را بشکند و طلب او را بدهد ، بعد نماز را بخواند .

مسئله ۱۱۷۱- اگر در بین نماز بفهمد که مسجد نجس است ، چنانچه وقت تنگ باشد ، باید نماز را تمام کند و اگر وقت وسعت دارد و تطهیر مسجد نماز را بهم نمیزند باید در بین نماز تطهیر کند ، بعد بقیه نماز را بخواند ، و اگر نماز را بهم نمیزند ، در صورتی که بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن باشد ، شکستن نماز جایز نیست و اگر بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن نباشد یا تأخیر تا بعد از نماز هتک مسجد باشد ، باید نماز را بشکند و مسجد را تطهیر نماید ، بعد نماز را بخواند .

مسئله ۱۱۷۲- کسیکه باید نماز را بشکند ، اگر نماز را تمام کند معصیت کرده ولی نماز او صحیح است . اگر چه احتیاط مستحب آنست که دوباره بخواند .

مسئله ۱۱۷۳- اگر پیش از آنکه باندازه رکوع خم شود، یادش بیاید که اذان واقامه یا اقامه را فراموش کرده، چنانچه وقت نماز وسعت دارد مستحب است برای گفتن آنها نماز را بشکنند، و اما اگر فقط اذان را فراموش کرده جائز نیست نماز را بشکنند.

شکیات

شکیات نماز ۲۳ قسم است: هشت قسم آن شکهایی است که نماز را باطل میکند و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد و نه قسم دیگر آن صحیح است.

شکهای باطل

مسئله ۱۱۷۴- شکهایی که نماز را باطل میکنند از اینقرار است:

- اول- شك در شماره رکعتهای نماز دور کعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر.
- ولی شك در شماره رکعتهای نماز مستحب دور کعتی و نماز احتیاط نماز را باطل نمیکند.
- دوم- شك در شماره رکعتهای نماز سه رکعتی.
- سوم- آنکه در نماز چهار رکعتی شك کند که يك رکعت خوانده یا بیشتر.
- چهارم- آنکه در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم، شك کند که دور کعت خوانده یا بیشتر.

پنجم- شك بین دو و پنج یاد و بیشتر از پنج.

ششم- شك بین سه و شش یا سه و بیشتر از شش.

هفتم- شك در رکعتهای نماز که نداند چند رکعت خوانده است.

هشتم- شك بین چهار و شش و بیس از شش.

مسئله ۱۱۷۵- اگر یکی از شکهای باطل برای انسان پیش آید و بقدری

فکر کند که از پیدا شدن یقین یا گمان ناامید شود میتواند نماز را بهم بزند و از سر بگیرد.

شکهاییکه نباید بآنها اعتنا کرد

مسئله ۱۱۷۶ - شکهاییکه نباید بآنها اعتنا کرد از اینقرار است :

- اول - شك در چیزی که محل بجا آوردن آن گذشته است . دوم - شك بعد از سلام نماز . سوم - شك بعد از گذشتن وقت نماز . چهارم - شك کثیر الشک پنجم - شك امام و مأوم . ششم - شك در نماز مستحبی .

۱ - شك در چیزی که محل آن گذشته است

مسئله ۱۱۷۷ - اگر در بین نماز شك کند که یکی از کارهای واجب آنرا انجام داده بانه ، مثلاً شك کند که حمد خوانده بانه ، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده ؛ باید آنچه را که در انجام آن شك کرده بجا آورد و اگر مشغول کاری که بعد از آن است شده ، بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۱۷۸ - اگر در بین خواندن آیه ای شك کند که آیه پیش را خوانده بانه ، یا وقتی آخر آیه را میخواند شك کند که اول آنرا خوانده بانه ، باید بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۱۷۹ - اگر بعد از رکوع یا سجود شك کند که کارهای واجب آن، مانند ذکر و آرام بودن بدن را انجام داده بانه ، باید بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۱۸۰ - اگر در حالی که بسجده میرود شك کند که رکوع کرده بانه ، یا شك کند که بعد از رکوع ایستاده بانه ، بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۱۸۱ - اگر در حال برخاستن شك کند که سجده را بجا آورده بانه ؛ باید برگردد و بجا آورد ، و اگر شك کند تشهد را بجا آورده بانه احتیاطاً بقصد رجاء بجا آورد .

مسئله ۱۱۸۲ - کسیکه نشسته یا خوابیده نماز میخواند ، اگر موقعی که حمد یا تسبیحات میخواند ، شك کند که سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه ، باید بشك خود اعتنا نکند . و اگر پیش از آنکه مشغول حمد یا تسبیحات شود ؛ شك کند که سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه ، باید بجا آورد .

مسئله ۱۱۸۳ - اگر شك کند که یکی از رکنهای نماز را بجا آورده یا نه ، چنانچه مشغول کاریکه بعد از آنست نشده ، باید آنرا بجا آورد ؛ مثلاً اگر پیش از خواندن تشهد شك کند که دو سجده را بجا آورده یا نه ، باید بجا آورد و چنانچه بعدیادش بیاید که آن رکن را بجا آورده بوده ؛ چون رکن زیاد شده نماز باطل است .

مسئله ۱۱۸۴ - اگر شك کند عملی را که رکن نیست بجا آورده یا نه ، چنانچه مشغول کاریکه بعد از آنست نشده ، باید آنرا بجا آورد ، مثلاً اگر پیش از خواندن سوره شك کند که حمد را خوانده یا نه ؛ باید حمد را بخواند و اگر بعد از انجام آن یادش بیاید که آنرا بجا آورده بوده ، چون رکن زیاد نشده نماز صحیح است .

مسئله ۱۱۸۵ - اگر شك کند که رکنی را بجا آورده یا نه ، چنانچه مشغول تشهد است اگر شك کند که دو سجده را بجا آورده یا نه ، باید بشك خود اعتنا نکند و اگر یادش بیاید که آن رکن را بجا نیاورده ، در صورتیکه مشغول رکن بعد نشده باید آنرا بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نماز باطل است ، مثلاً اگر پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید که دو سجده را بجا نیاورده ، باید بجا آورد و اگر در رکوع با بعد از آن یادش بیاید نماز باطل است .

مسئله ۱۱۸۶ - اگر شك کند عملی را که رکن نیست بجا آورده یا نه ؛ چنانچه مشغول کاری که بعد از آنست شده ، باید بشك خود اعتنا نکند ، مثلاً موقعی که مشغول خواندن سوره است ، اگر شك کند که حمد را خوانده یا نه باید بشك خود اعتنا نکند و اگر بعد یادش بیاید که آنرا بجا نیاورده ، در صورتیکه مشغول رکن بعد نشده ،

باید بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده ، نماز صحیح است ، بنا بر این اگر مثلا در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده ، باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نماز صحیح است .

مسئله ۱۱۸۷- اگر شك کند که سلام نماز را گفته یا نه ، چنانچه مشغول تعقیب نماز یا مشغول نماز دیگر شده ، یا بواسطه انجام کاری که نماز را بهم میزند ، از حال نماز گزار بیرون رفته ، باید بشك خود اعتنا نکند و اگر پیش از اینها شك کند باید سلام را بگوید و اگر شك کند سلام نماز را درست گفته یا نه اعتنا نکند هر چند وارد عمل دیگر نشده باشد .

۲- شك بعد از سلام

مسئله ۱۱۸۸- اگر بعد از سلام نماز شك کند که نماز صحیح بوده یا نه ، مثلا شك کند رکوع کرده یا نه ؛ یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شك کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت ، بشك خود اعتنا نکند ولی اگر هر دو طرف شك او باطل باشد ، مثلا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شك کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت ، نماز باطل است .

۳- شك بعد از وقت

مسئله ۱۱۸۹- اگر بعد از گذشتن وقت نماز ، شك کند که نماز خوانده یا نه ، یا گمان کند که نخوانده خواندن آن لازم نیست ، ولی اگر پیش از گذشتن وقت ، شك کند که نماز خوانده یا نه ؛ یا گمان کند که نخوانده ، باید آن نماز را بخواند بلکه اگر گمان کند که خوانده ، باز هم باید آنرا بجا آورد .

مسئله ۱۱۹۰- اگر بعد از گذشتن وقت شك کند که نماز را درست خوانده

بانه بشك خوداعتنا نکند .

مسئله ۱۱۹۱- اگر بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر بداند چهار رکعت نماز خوانده ولی نداند به نیت ظهر خوانده یا به نیت عصر ، باید چهار رکعت نماز قضا به نیت نمازی که بر او واجب است بخواند .

مسئله ۱۱۹۲- اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشا ؛ بداند يك نماز خوانده ولی نداند سه رکعتی خوانده یا چهار رکعتی باید قضای نماز مغرب و عشا را بخواند .

۴- كثير الشك (كسیکه زیاد شك میکند)

مسئله ۱۱۹۳- اگر برای انسان حالتی پیدا شده باشد که نتواند سه نماز پشت هم بدون شك بخواند كثير الشك است و باید بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۱۹۴- هر گاه كثير الشك در بجا آوردن چیزی شك کند ، باید بنا بگذارد که آنرا بجا آورده مگر اینکه اگر آنرا بجا آورده باشد نماز باطل شده که در این صورت ؛ باید بنا بگذارد که آنرا انجام نداده ، مثلا اگر شك کند که يك رکوع کرده یا بیشتر ، چون باز یاد شدن رکوع نماز باطل است ، باید بنا بگذارد که بیشتر از يك رکوع نکرده است .

مسئله ۱۱۹۵- کسیکه در يك چیز نماز زیاد شك میکند ؛ چنانچه در چیزهای دیگر نماز شك کند ، باید بدستور آن عمل نماید ، مثلا کسیکه زیاد شك میکند سجده کرده بانه ، اگر در بجا آوردن رکوع شك کند ، باید بدستور آن رفتار نماید یعنی : اگر ایستاده رکوع را بجا آورد ، و اگر بسجده رفته اعتنا نکند .

مسئله ۱۱۹۶- کسیکه در نماز مخصوصی مثلا در نماز ظهر زیاد شك میکند اگر در نماز دیگر مثلا در نماز عصر شك کند ، باید بدستور شك رفتار نماید .

مسئله ۱۱۹۷ - کسیکه وقتی در جای مخصوصی نماز میخواند ، زیاد شك میکند ، اگر در غیر آنجا نماز بخواند و شکی برای او پیش آید ، باید بدستورشك عمل نماید .

مسئله ۱۱۹۸ - اگر انسان شك کند که کثیرالشك شده یانه ، باید بدستور شك عمل نماید . و کثیرالشك تا وقتی یقین نکند که بحال معمول مردم برگشته باید بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۱۹۹ - کسیکه زیاد شك میکند اگر شك کند رکنی را بجا آورده یا نه واعتنا نکند بعدیادش بیاید که آنرا بجا نیاورده ، چنانچه مشغول رکن بعد نشده ، باید آنرا بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نماز باطل است ، مثلا اگر شك کند رکوع کرده یانه واعتنانکند ، چنانچه پیش از سجده دوم یادش بیاید که رکوع نکرده باید رکوع کند و نماز را تمام نماید و احتیاط مستحب آنستکه نماز را دوباره بخواند و اگر در سجده دوم یادش بیاید ؛ نمازش باطل است .

مسئله ۱۲۰۰ - کسیکه زیاد شك میکند ، اگر شك کند چیزی را که رکن نیست بجا آورده یانه واعتنا نکند و بعدیادش بیاید که آنرا بجا نیاورده ، چنانچه از محل بجا آوردن آن نگذشته ، باید آنرا بجا آورد و اگر از محل آن گذشته نمازش صحیح است مثلا اگر شك کند که حمد خوانده یانه واعتنا نکند ، چنانچه در قنوت یادش بیاید که حمد نخوانده ، باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید ، نماز او صحیح است .

۵- شك امام و مأوم

مسئله ۱۲۰۱ - اگر امام جماعت در شماره رکعتهای نماز شك کند مثلا شك کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت ؛ چنانچه مأوم یقین یا گمان داشته باشد که چهار رکعت خوانده و با امام بفهماند که چهار رکعت خوانده است امام باید نماز

را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست . و نیز اگر امام یقین یا گمان داشته باشد که چند رکعت خوانده است و مأوم در شماره رکعتهای نماز شك کند باید بشك خود اعتنا نماید .

۶- شك در نماز مستحبی

مسئله ۱۲۰۲- اگر در شماره رکعتهای نماز مستحبی شك کند، چنانچه طرف بیشتر شك نماز را باطل می کند ، باید بنا را بر کمتر بگذارد مثلا اگر در نافله صبح شك کند که دور رکعت خوانده یا سه رکعت ، باید بنا بگذارد که دور رکعت خوانده است و اگر طرف بیشتر شك نماز را باطل نمی کند ، مثلاً شك کند که دور رکعت خوانده یا يك رکعت بهر طرف شك عمل کند ، نمازش صحیح است .

مسئله ۱۲۰۳- کم شدن رکن ؛ نافله را باطل میکند ولی زیاد شدن رکن ، آن را باطل نمی کند ، پس اگر یکی از کارهای نافله را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که مشغول رکن بعد از آن شده ، باید آن کار را انجام دهد و دوباره آن رکن را بجا آورد مثلاً اگر در بین رکوع یادش بیاید که سوره را نخوانده ؛ باید برگردد و سوره را بخواند و دوباره بر رکوع رود .

مسئله ۱۲۰۴- اگر در یکی از کارهای نافله شك کند - خواه رکن باشد یا غیر رکن - چنانچه محل آن نگذشته باشد بجا آورد و اگر محل آن گذشته ، بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۰۲۵- اگر در نماز مستحبی دور کعتی گمانش به سه رکعت یا بیشتر برود، باید اعتنا نکند و نمازش صحیح است و اگر گمانش بدو رکعت یا کمتر برود ، بنا بر احتیاط واجب باید بهمان گمان عمل کند ، مثلاً اگر گمانش بيك رکعت میرود احتیاطاً باید بيك رکعت دیگر بخواند .

مسئله ۱۳۰۶ - اگر در نماز نافله کاری کند که برای آن سجده سهو واجب میشود ؛ بایک سجده یا تشهد را فراموش نماید ، لازم نیست بعد از نماز سجده سهو یا سجده و تشهد را بجا آورد .

مسئله ۱۲۰۷ - اگر شك کند که نماز مستحبی را خوانده یا نه ، چنانچه آن نماز مثل نماز جعفر طیار وقت معین نداشته باشد . بنا بگذارد که نخوانده است و همچنین است اگر مثل نافله یومیه وقت معین داشته باشد و لکن پیش از گذشتن وقت شك کند که آنرا بجا آورده یا نه ؛ ولی اگر بعد از گذشتن وقت شك کند که خوانده است یا نه ، بشك خود اعتنا نکند .

شکهای صحیح

مسئله ۱۲۰۸ - در نه صورت اگر در شماره رکتهای نماز چهار رکعتی شك کند ، باید فوراً فکر نماید پس اگر یقین یا گمان بیک طرف شك پیدا کرد همان طرف را بگیرد ، و نماز را تمام کند و الا بدستور هائی که گفته میشود عمل نماید و آن نه صورت از این قرار است :

اول - آنکه بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم شك کند دور کعت خوانده یا سه رکعت ، که باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده و بیک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز بیک رکعت نماز احتیاط ایستاده بنا بر احتیاط بدستوری که بعداً گفته میشود بجا آورد .

دوم - شك بین دوو چهار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز دور کعت نماز احتیاط ایستاده بخواند .

سوم - شك بین دوو سه و چهار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم که باید

بنابر چهار بگذارد و بعد از نماز دور کعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد .

چهارم - شك بین چهار و پنج بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم که باید بنابر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد .

ولی اگر یکی از این چهار شك بعد از سجده اول ، یا پیش از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم ؛ برای او پیش آید نماز باطل است .

پنجم - شك بین سه و چهار ، که در هر جای نماز باشد ، باید بنابر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دور کعت نشسته بجا آورد .

ششم - شك بین چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دور کعت نشسته بجا آورد .

و احتیاط لازم آنستکه در این صورت و همچنین در صورت هفتم و هشتم بعد از نماز احتیاط دو سجده سهو نیز بجا آورد .

هفتم - شك بین سه و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام ، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد .

هشتم - شك بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده ، که باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام ، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد .

نهم - شك بین پنج و شش در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام ، دو سجده سهو بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو دیگر هم برای ایستادن بیجا بنماید .

مسئله ۱۲۰۹ - اگر یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید ؛ نباید نماز

را بشکند و چنانچه نماز را بشکند معصیت کرده است پس اگر پیش از انجام کاریکه نماز را باطل میکند - مثل پشت کردن به قبله - نماز را از سر گیرد نماز دوم هم باطل است و اگر بعد از انجام کاریکه نماز را باطل میکند ، مشغول نماز شود نماز دوم صحیح است .

مسئله ۱۲۱۰ - اگر یکی از شکهاییکه نماز احتیاط برای آنها واجب است در نماز پیش آید ، چنانچه انسان نماز را تمام کند و بدون خواندن نماز احتیاط ، نماز را از سر بگیرد معصیت کرده است پس اگر پیش از انجام کاریکه نماز را باطل میکند نماز را از سر گرفته ، نماز دوم هم باطل است و اگر بعد از انجام کاریکه نماز را باطل می کند ، مشغول نماز شده نماز دوم صحیح است .

مسئله ۱۲۱۱ - وقتی یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید ، چنانکه گفته شد ، باید فوراً فکر کند ولی اگر چیزهاییکه بواسطه آنها ممکن است یقین یا گمان بیک طرف شك پیدا شود ، از بین نمی رود ، چنانچه کمی بعد فکر کند اشکال ندارد ، مثلاً اگر در سجده شك کند می تواند تا بعد از سجده فکر کردن را تأخیر بیندازد .

مسئله ۱۲۱۲ - اگر اول گمانش بیک طرف بیشتر باشد ، بعد دو طرف در نظر او مساوی شود ، باید بدستور شك عمل نماید . و اگر اول دو طرف در نظر او مساوی باشد و بطرفیکه وظیفه اوست بنا بگذارد ، بعد گمانش بطرف دیگر برود ، باید همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند .

مسئله ۱۲۱۳ - کسیکه نمیداند گمانش به يك طرف بیشتر است یا هر دو طرف در نظر او مساویست اگر احتمال میدهد بیک طرف گمانش زیادتر باشد باید آنطرف را بگیرد و الا بدستور شك عمل کند .

مسئله ۱۲۱۴ - اگر بعد از نماز بداند که در بین نماز حال تردیدی داشته که مثلاً

دور رکعت خوانده یا سه رکعت و بنارا بر سه گذاشته ولی نداند که گمایش بخواندن سه رکعت بوده، یا هر دو طرف در نظر او مساوی بوده، خوب است نماز احتیاط را بخواند. مسئله ۱۲۱۵- اگر موقعیکه تشهد میخواند، یا بعد از ایستادن شك کند که دو سجده رابجا آورده یا نه، و در همان موقع یکی از شکهاییکه اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتفاق بیفتد صحیح میباشد، برای او پیش آید مثلاً شك کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، چنانچه بدستور آن شك عمل کند نمازش صحیح است.

مسئله ۱۲۱۶- اگر پیش از آنکه مشغول تشهد شود، یا پیش از ایستادن، شك کند که دو سجده رابجا آورده یا نه، و در همان موقع یکی از شکهاییکه بعد از تمام شدن دو سجده صحیح است، برایش پیش آید نماز باطل است.

مسئله ۱۲۱۷- اگر موقعیکه ایستاده بین سه و چهار یا بین سه و چهار و پنج شك کند و بدانش بیاید که يك سجده و یا دو سجده از رکعت پیش بجای آورده، نمازش باطل است.

مسئله ۱۲۱۸- اگر شك او از بین برود و شك دیگری برایش پیش آید، مثلاً اول شك کند که دور رکعت خوانده یا سه رکعت، بعد شك کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، باید بدستور شك دوم عمل نماید.

مسئله ۱۲۱۹- اگر بعد از نماز شك کند که در نماز مثلاً بین دو و چهار شك کرده؛ یا بین سه و چهار، احتیاط واجب آنستکه بدستور هر دو عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

مسئله ۱۲۲۰- اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز شکی برای او پیش آمده ولی نداند از شکهای باطل بوده یا از شکهای صحیح و اگر از شکهای صحیح بوده کدام قسم آن بوده است، باید دور رکعت نماز احتیاط ایستاده و يك رکعت ایستاده و دور رکعت نشسته و دو سجده سهو بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند.

مسئله ۱۲۲۱ - کسیکه نشسته نماز میخواند ، اگر شکی کند که مختار است برای آن يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دور کعت نشسته بخواند ، باید دو رکعت نشسته را بجا آورد . و اگر شکی کند که معین است برای آن نماز احتیاط ایستاده بخواند بعید نیست که يك رکعت نشسته کافی باشد بجای يك رکعت ایستاده و هم چنین دور کعت نشسته بجای دور کعت ایستاده و لکن در مثل دو سه احتیاط لازم جمع بین يك رکعت نشسته و دور کعت نشسته است .

مسئله ۱۲۲۲ - کسیکه ایستاده نماز میخواند ، اگر موقع خواندن نماز احتیاط از ایستادن عاجز شود ، باید مثل کسیکه نماز را نشسته میخواند ، و حکم آن در مسئله پیش گفته شد ، نماز احتیاط را بجا آورد .

مسئله ۱۲۲۳ - کسیکه نشسته نماز میخواند ، اگر موقع خواندن نماز احتیاط بتواند بایستد ، باید بوظیفه کسیکه نماز را ایستاده میخواند عمل کند .

نماز احتیاط

مسئله ۱۲۲۴ - کسیکه نماز احتیاط بر او واجب است ؛ بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و حمد را بخواند و بر کوع رود و دو سجده نماید پس اگر يك رکعت نماز احتیاط بر او واجب است ، بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد و اگر دور کعت نماز احتیاط بر او واجب است بعد از دو سجده ، یکر کعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از تشهد سلام دهد .

مسئله ۱۲۲۵ - نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد و باید آن را آهسته بخوانند و نیت آن را بزبان نیاورند و احتیاط واجب آنستکه بسم الله الرحمن الرحیم آن را هم آهسته بگویند .

مسئله ۱۲۲۶ - اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بگوید ، نمازیکه خوانده

درست بوده، لازم نیست نماز احتیاط را بخواند. و اگر در بین نماز احتیاط بفهمد، لازم نیست آنرا تمام نماید.

مسئله ۱۲۲۷- اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد که رکتهای نمازش کم بوده، چنانچه کاری که نماز را باطل میکند انجام نداده، باید آنچه از نماز نخوانده بخواند و برای سلام بیجا دو سجده سهو بنماید. و اگر کاری که نماز را باطل میکند، انجام داده، مثلا پشت بقبله کرده، باید نماز را دوباره بجا آورد.

مسئله ۱۲۲۸- اگر بعد از نماز احتیاط بفهمد کسری نماز بمقدار نماز احتیاط بوده، مثلا در شك بین سه و چهار يك رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۲۲۹- اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نماز کمتر از نماز احتیاط بوده؛ مثلا در شك بین دو و چهار، دور رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده چنانچه منافی بجانیاورده باشد بنا بر احتیاط لازم کسری را تمام کند و نماز را دوباره بخواند تا یقین کند بتکلیف خود عمل کرده.

مسئله ۱۲۳۰- اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نماز بیشتر از نماز احتیاط بوده، مثلا در شك بین سه و چهار يك رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند؛ بعد بفهمد نماز را دو رکعت خوانده، چنانچه بعد از نماز احتیاط کاریکه نماز را باطل میکند انجام داده؛ مثلا پشت بقبله کرده، نماز را دو باره بخواند و اگر کاری که نماز را باطل میکند انجام نداده بنا بر احتیاط لازم باید دور رکعت کسری نماز را بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند.

مسئله ۱۲۳۱- اگر بین دو و سه و چهار شك کند و بعد از خواندن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، یادش بیاید که نماز را دور رکعت خوانده، لازم نیست دور رکعت نماز احتیاط نشسته را بخواند.

مسئله ۱۲۳۲- اگر بین سه و چهار شك کند و موقعیکه دور رکعت نماز احتیاط نشسته یا يك رکعت ایستاده را میخواند ، یادش بیاید که نماز راسه رکعت خوانده باید نماز احتیاط رارها کند و بنا بر احتیاط لازم کسری را بجا آورد و نماز رادوباره بخواند .

مسئله ۱۲۳۳- اگر بین دو و سه و چهار شك کند و موقعیکه دو رکعت نماز احتیاط ایستاده را میخواند ، پیش از رکوع رکعت دوم یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده ، باید نماز احتیاط رارها کند و بنا بر احتیاط لازم کسری نماز را بجا آورد و نماز رادوباره بخواند .

مسئله ۱۲۳۴- اگر در بین نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش بیشتر یا کمتر از نماز احتیاط بوده ، باید آنرا رها کند و بنا بر احتیاط لازم کسری نماز را بجا آورد و نماز را دوباره بخواند مثلا در شك بین سه و چهار اگر موقعیکه دو رکعت نماز احتیاط نشسته را میخواند ؛ یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده ، باید نماز احتیاط نشسته رارها کند و دور رکعت کسری نماز را بخواند و نماز را هم دوباره بجا آورد .

مسئله ۱۲۳۵- اگر شك کند نماز احتیاطی را که بر او واجب بوده بجا آورده یا نه ؛ چنانچه وقت نماز گذشته بشك خود اعتنا نکند و اگر وقت دارد در صورتیکه مشغول کار دیگری نشده و از جای نماز بر نخاسته و کاری هم - مثل پشت کردن بقبله که نماز را باطل میکند- انجام نداده ، باید نماز احتیاط را بخواند و اگر مشغول کار دیگری شده یا کاری که ~~نظر~~ باطل میکند بجا آورده ؛ یا بین نماز و شك او زیاد طول کشیده احتیاط واجب آنست که نماز احتیاط را بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند .

مسئله ۱۲۳۶- اگر در نماز احتیاط ، رکعی را زیاد کند ، یا مثلا بجای يك رکعت دور رکعت بخواند ؛ نماز احتیاط باطل میشود ، و باید دوباره نماز احتیاط را بخواند

و نماز را هم اعاده نماید .

مسئله ۱۲۳۷- موقعیکه مشغول نماز احتیاط است اگر در یکی از افعال آن شك کند ، چنانچه محل آن نگذشته ، باید بجا آورد و اگر محطش گذشته ، باید بشك خود اعتنا نکند ، مثلاً اگر شك کند که حمد خوانده یا نه ، چنانچه بر کوع نرفته باید بخواند و اگر بر کوع رفته ، باید بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۲۳۸- اگر در شماره رکتهای نماز احتیاط شك کند ، چنانچه طرف بیشتر شك نماز را باطل میکند ، باید بنا را بر کمتر بگذارد و از طرف بیشتر شك نماز را باطل نمیکند ، باید بنا را بر بیشتر بگذارد و در هر دو صورت بعد از تمام شدن نماز احتیاط ، اصل نماز را نیز بنا بر احتیاط دوباره بخواند مثلاً موقعیکه مشغول خواندن دور رکعت نماز احتیاط است ، اگر شك کند که دور رکعت خوانده یا سه رکعت ، چون طرف بیشتر شك نماز را باطل میکند ؛ باید بنا بگذارد که دور رکعت خوانده و اگر شك کند که يك رکعت خوانده یا دور رکعت . چون طرف بیشتر شك نماز را باطل نمیکند ؛ باید بنا بگذارد که دور رکعت خوانده است . و اصل نماز را نیز اعاده نماید .

مسئله ۱۲۳۹- اگر در نماز احتیاط چیزی که رکن نیست سهواً کم یا زیاد شود و از چیزهایی باشد که در خود نماز سجده سهو دارد احتیاط لازم آن است که سجده سهو را بجا آورد و اگر از چیزهایی است که سجده سهو ندارد در نماز احتیاط نیز لازم نیست .

مسئله ۱۲۴۰- اگر بعد از سلام نماز احتیاط شك کند که یکی از اجزاء یا شرائط آنرا بجا آورده یا نه ، بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۲۴۱- اگر در نماز احتیاط ، تشهد یا يك سجده را فراموش کند ، احتیاط واجب آنست که بعد از سلام نماز ، آنرا قضا نماید .

مسئله ۱۲۴۲- اگر نماز احتیاط و قضای يك سجده یا قضای يك تشهد یا دو سجده سهو بر او واجب شود ؛ باید اول نماز احتیاط را بجا آورد .

مسئله ۱۲۴۳- حکم گمان در نماز مثل حکم یقین است ، مثلاً اگر انسان گمان دارد که نماز را چهار رکعت خوانده ، نباید نماز احتیاط بخواند و اگر گمان دارد رکوع کرده . نباید آنرا بجا آورد و اگر گمان دارد حمد را نخوانده ، چنانچه بر رکوع نرفته ، باید بخواند ، و اگر بر رکوع رفته نمازش صحیح است .

مسئله ۱۲۴۴- حکم شك وسهو و گمان در نمازهای واجب یومیه و نمازهای واجب دیگر فرق ندارد ، مثلاً اگر در نماز آیات شك کند که يك رکعت خوانده یا دور رکعت چون شك در نماز دور رکعتی است ، نماز باطل میشود .

سجده سهو

مسئله ۱۲۴۵- برای پنج چیز بعد از سلام نماز ، انسان باید دو سجده سهو بدستوریکه بعداً گفته میشود بجا آورد :

اول - آنکه در بین نماز ؛ سهواً حرف بزند .

دوم - جائیکه نباید سلام نماز را بدهد ؛ مثلاً در رکعت اول سهو اسلام بدهد .

سوم - آنکه يك سجده را فراموش کند .

چهارم - آنکه تشهد را فراموش کند .

پنجم - آنکه در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شك کند که چهار رکعت

خوانده یا پنج رکعت و نیز اگر در جائیکه باید بایستد مثلاً موقع خواندن حمد و سوره

اشتباهاً بنشیند یا در جائیکه باید بنشیند مثلاً موقع خواندن تشهد اشتباهاً بایستد ، بنابر

احتیاط واجب ؛ باید دو سجده سهو بجا آورد . بلکه برای هر چیزی که در نماز اشتباهاً

کم یا زیاد کند ، احتیاط مستحب آنستکه دو سجده سهو بنماید . و احکام این چند

صورت در مسائل آینده گفته میشود .

مسئله ۱۲۴۶- اگر انسان اشتباهاً یا بخیال اینکه نمازش تمام شده حرف بزند

باید دو سجده سهو بجا آورد .

مسئله ۱۲۴۷- برای حرفیکه از آه کشیدن و سرفه پیدا میشود ، سجده سهو

واجب نیست . ولی اگر مثلاً سهواً آخر یا آه بگوید ، باید سجده سهو نماید .

مسئله ۱۲۴۸- اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره بطور صحیح بخواند ،

برای دوباره خواندن آن سجده سهو واجب نیست .

مسئله ۱۲۴۹- اگر در نماز سهواً چند کلمه حرف بزند و تمام آنها يك مرتبه

حساب شود ، دو سجده سهو بعد از سلام نماز کافیهست .

مسئله ۱۲۵۰- اگر سهواً تسبیحات اربعه را نگوید یا بیشتر از سه مرتبه بگوید

احتیاطاً مستحب آنستکه بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد .

مسئله ۱۲۵۱- اگر در جایی که نباید سلام نماز را بگوید سهواً بگوید :

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَالَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ يَا بَاقُوبِد: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

باید دو سجده سهو بنماید ، و همچنین اگر سهواً مقداری از این دو سلام را بگوید باید

دو سجده سهو بنماید ولی اگر سهواً بگوید السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

احتیاطاً مستحب آنستکه دو سجده سهو بجا آورد .

مسئله ۱۲۵۲- اگر در جائیکه نباید سلام دهد اشتهاً هر سه سلام را بگوید و دو

سجده سهو کافیهست .

مسئله ۱۲۵۳- اگر يك سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت

بعدیادش بیاید؛ باید برگردد و بجا آورد و بعد از نماز بنا بر احتیاط واجب برای ایستادن

بیجا دو سجده سهو بنماید .

مسئله ۱۲۵۴- اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید که يك سجده یا تشهد را از

رکعت پیش فراموش کرده ، باید بعد از سلام نماز سجده یا تشهد را قضا نماید و بعد

از آن دو سجده سهو بجا آورد .

مسئله ۱۲۵۵- اگر سجده سهو را بعد از سلام نماز عمداً بجانیاورد ، معصیت کرده ولی نماز باطل نمیشود و واجب است هر چه زودتر آنرا انجام دهد و چنانچه سهواً بجانیاورد هر وقت یادش آمد باید فوراً انجام دهد.

مسئله ۱۲۵۶- اگر شك دارد که سجده سهو بر او واجب شده یا نه ، لازم نیست بجا آورد .

مسئله ۱۲۵۷- کسیکه شك دارد مثلاً دو سجده سهو بر او واجب شده یا چهارتا اگر دو سجده بنماید کافیست .

مسئله ۱۲۵۸- اگر بداند یکی از دو سجده سهو را بجانیاورده ، و یابداند سهواً سه سجده کرده ، باید دوباره دو سجده سهو بنماید .

دستور سجده سهو

مسئله ۱۲۵۹- دستور سجده سهو اینست که بعد از سلام نماز فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی را بچیزیکه سجده بر آن صحیح است بگذارد و ذکر بگوید :
 کیفیت ذکر سجده سهو رابه سه نحو میشود انجام داد اول بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى
 اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ دوم- بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 سوم- بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 و احتیاطاً اختیار قسم سوم است - بعد باید بنشیند و دوباره بسجده رود و ذکر را بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد .

قضای سجده و تشهد فراموش شده

مسئله ۱۲۶۰- سجده و تشهد را که انسان فراموش کرده و بعد از نماز قضای آنرا بجا می آورد ؛ باید تمام شرائط نماز : مانند پاک بودن بدن و لباس و رو بقبله بودن

و شرطهای دیگر را داشته باشد .

مسئله ۱۲۶۱ - اگر سجده یا تشهد را چند دفعه فراموش کند ، مثلاً يك سجده از رکعت اول و يك سجده از رکعت دوم فراموش نماید ، باید بعد از نماز ، قضای هر دو را با سجده های سهوی که برای آنها لازم است بجا آورد و لازم نیست معین کند که قضای کدام يك آنهاست .

مسئله ۱۲۶۲ - اگر يك سجده و تشهد را فراموش کند ؛ احتیاط واجب آنست که هر کدام را اول فراموش کرده ، اول قضا نماید . و اگر نداند کدام اول فراموش شده ، باید احتیاطاً يك سجده و تشهد و بعد يك سجده دیگر بجا آورد ، یا يك تشهد و يك سجده و بعد يك تشهد دیگر بجا آورد ، تا یقین کند سجده و تشهد را بر تریبی که فراموش کرده قضا نموده است .

مسئله ۱۲۶۳ - اگر بخیال اینکه اول ، سجده را فراموش کرده ، اول قضای آنرا بجا آورد و بعد از خواندن تشهد یادش بیاید که اول تشهد را فراموش کرده احتیاط واجب آنست که دوباره سجده را قضا نماید . و نیز اگر بخیال اینکه اول تشهد را فراموش کرده ، اول قضای آنرا بجا آورد ، و بعد از سجده یادش بیاید که اول سجده را فراموش کرده ، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره تشهد را بخواند .

مسئله ۱۲۶۴ - اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که اگر عمداً یا سهواً در نماز اتفاق بیفتد نماز باطل میشود ، مثلاً پشت بقبله نماید ، احتیاط مستحب آنست که بعد از قضای سجده و تشهد دوباره نماز را بخواند .

مسئله ۱۲۶۵ - اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که يك سجده از رکعت آخر فراموش کرده ، چنانچه کاریکه عمدی و سهوی آن نماز را باطل میکند مثل پشت کردن بقبله انجام نداده ، بنا بر احتیاط واجب باید بقصد اینکه وظیفه خود را انجام داده باشد سجده فراموش شده و بعد از آن تشهد و سلام و دو سجده سهو بجا آورد و نیز اگر یادش بیاید که تشهد رکعت آخر را فراموش کرده ، احتیاطاً باید بقصد اینکه وظیفه خود را

انجام داده باشد تشهد را بخواند و بعد از آن، سلام دهد و دو سجده سهو بنماید .

مسئله ۱۲۶۶- اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که برای آن سجده سهو واجب میشود ، مثل آنکه سهواً حرف بزند ، بنا بر احتیاط واجب باید سجده یا تشهد راقضا کند و غیر از سجده سهوی که برای قضای سجده یا تشهد لازم است دو سجده سهو دیگر نیز بنماید .

مسئله ۱۲۶۷- اگر نداند که سجده را فراموش کرده یا تشهد را ، باید هر دو را قضا نماید و هر کدام را اول بجا آورد اشکال ندارد .

مسئله ۱۲۶۸- اگر شك دارد که سجده یا تشهد را فراموش کرده یا نه ، واجب نیست قضا نماید .

مسئله ۱۲۶۹- اگر بداند سجده یا تشهد را فراموش کرده و شك کند که پیش از رکوع رکعت بعد بجا آورده یا نه ، احتیاط مستحب آنستکه آنرا قضا نماید .

مسئله ۱۲۷۰- کسیکه باید سجده یا تشهد راقضا نماید ، اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شود بنا بر احتیاط لازم باید بعد از نماز سجده یا تشهد را قضا نماید ، بعد سجده سهو را بجا آورد .

مسئله ۱۲۷۱- اگر شك دارد که بعد از نماز ، قضای سجده یا تشهد فراموش شده را بجا آورده یا نه ، چنانچه وقت نماز نگذشته ، باید سجده یا تشهد راقضا نماید و اگر وقت نماز گذشته قضای آن مستحب است .

کم و زیاد کردن اجزاء و شرائط نماز

مسئله ۱۲۷۲- هر گاه چیزی از واجبات نماز را عمداً کم یا زیاد کند ، اگر چه يك حرف آن باشد ، نماز باطل است .

مسئله ۱۲۷۳- اگر بواسطه ندانستن مسئله ، چیزی از واجبات نماز را کم یا

زیاد کند؛ نماز باطل است. ولی چنانچه بواسطه ندانستن مسئله حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را آهسته بخواند، یا حمد و سوره نماز ظهر و عصر را بلند بخواند، یا در مسافرت نماز ظهر و عصر و عشا را چهار رکعت بخواند نمازش صحیح است.

مسئله ۱۲۷۲ - اگر در بین نماز بفهمد وضو یا غسلش باطل بوده، یا بدون وضو یا غسل مشغول نماز شده، باید نماز را بهم بزند و دوباره با وضو یا غسل بخواند و اگر بعد از نماز بفهمد؛ باید دو باره نماز را با وضو یا غسل بجا آورد و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسئله ۱۲۷۵ - اگر بعد از رسیدن بر کوع یادش بیاید که دو سجده از رکعت پیش فراموش کرده، نمازش باطل است و اگر پیش از رسیدن بر کوع یادش بیاید، باید برگردد و دو سجده را بجا آورد و بر خیزد و حمد و سوره یا تسبیحات را بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز بنا بر احتیاط واجب؛ برای ایستادن بیجا دو سجده سهو بنماید.

مسئله ۱۲۷۶ - اگر پیش از گفتن «السلام علینا...» و «السلام علیکم...» یادش بیاید که دو سجده رکعت آخر را بجا نیاورده، باید دو سجده را بجا آورد و دوباره تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

مسئله ۱۲۷۷ - اگر پیش از سلام نماز یادش بیاید که بکر رکعت یا بیشتر از آخر نماز نخوانده، باید مقداری را که فراموش کرده بجا آورد.

مسئله ۱۲۷۸ - اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز را نخوانده چنانچه کاری انجام داده که اگر در نماز عمداً یا سهواً اتفاق بیفتد نماز را باطل میکند، مثلاً پشت بقبله کرده، نمازش باطل است. و اگر کاری که عمدی و سهوی آن، نماز را باطل میکند انجام نداده باید فوراً مقداری را که فراموش کرده بجا آورد و برای سلام بیجا نیز دو سجده سهو بنماید.

مسئله ۱۲۷۹ - هر گاه بعد از سلام نماز عملی انجام دهد که اگر در نماز عمداً

باسهوا اتفاق بیفتد نماز را باطل میکند؛ مثلاً پشت بقبله نماید و بعد یادش بیاید که دو سجده آخر را بجای آورده، نمازش باطل است و اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل میکند، یادش بیاید، باید دو سجده ای را که فراموش کرده بجا آورد و دوباره تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو برای سلامی که اول گفته است بنماید.

مسئله ۱۲۸۰ - اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده؛ یا از روی جهل و غفلت یا فراموشی پشت بقبله یا بطرف راست یا بطرف چپ قبله بجا آورده، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید ولی اگر تفحص از قبله کرده و در تشخیص قبله اشتباه نموده اگر در وقت ملتفت شود باید دوباره نماز را بخواند و اگر در خارج باشد قضاند اردبلی احتیاطاً مستحب قضاء آن است.

نماز مسافر

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط شکسته - یعنی دو رکعت - بخواند :

شروط اول - آنکه سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد و فرسخ شرعی دوازده هزار ذراع است بذراع متعارف و بعضی گفته اند این مقدار تقریباً پنج کیلو متر و نیم است.

مسئله ۱۲۸۱ - کسیکه مجموع رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است، چنانچه هیچ يك از رفتن و برگشتن کمتر از چهار فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند بنابراین اگر رفتن سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ و یا رفتن پنج فرسخ و برگشتن سه فرسخ باشد، باید نماز را تمام - یعنی چهار رکعت - بخواند.

مسئله ۱۲۸۲ - اگر رفتن و برگشتن هر يك از چهار فرسخ کمتر نباشد نمازش

شکسته است و روزه را نیز باید افطار نماید ، خواه همان روز یا شب آن برگردد یا نه .

مسئله ۱۲۸۳ - اگر سفر مختصری از هشت فرسخ کمتر باشد ، یا انسان نداند که سفر او هشت فرسخ است یا نه ، نباید نماز را شکسته بخواند . و چنانچه شك کند که سفر او هشت فرسخ است یا نه ، در صورتیکه تحقیق کردن برایش مشقت دارد ، باید نمازش را تمام بخواند و اگر مشقت ندارد ، بنا بر احتیاط واجب باید تحقیق کند که اگر دو عادل بگویند ؛ یا بین مردم معروف باشد که سفر او هشت فرسخ است ، نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۲۸۴ - اگر يك عادل خبر دهد که سفر انسان هشت فرسخ است ، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه بگیرد و قضای آنرا هم بجا آورد .

مسئله ۱۲۸۵ - کسیکه یقین دارد سفر او هشت فرسخ است ؛ اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده ، باید آنرا چهار رکعتی بجا آورد و اگر وقت گذشته قضا نماید .

مسئله ۱۲۸۶ - کسیکه قصد مسافرت بمحل معینی نموده و یقین دارد سفرش هشت فرسخ نیست ؛ یا شك دارد که هشت فرسخ است یا نه ، چنانچه در بین راه بفهمد که سفر او هشت فرسخ بوده ، اگر چه کمی از راه باقی مانده باشد ، باید نماز را شکسته بخواند و اگر تمام خوانده دوباره شکسته بجا آورد .

مسئله ۱۲۸۷ - اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است چند مرتبه رفت و آمد کند ، اگر چه روی هم رفته هشت فرسخ شود ، باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۲۸۸ - اگر محلی دو راه داشته باشد ، يك راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد ، چنانچه انسان از راهیکه هشت فرسخ است

بآنجا برود ، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود ، باید تمام بخواند .

مسئله ۱۲۸۹ - اگر شهر دیوار دارد ، باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند ؛ و اگر دیوار ندارد باید از خانه های آخر شهر حساب نماید .

شرط دوم - آنکه از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد ، پس اگر به جائیکه کمتر از هشت فرسخ است مسافرت کند و بعد از رسیدن بآن جا قصد کند جائی برود که با مقدار یکه آمده هشت فرسخ شود ؛ چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته ، باید نماز را تمام بخواند ولی اگر بخواند از آنجا هشت فرسخ برود ، یا چهار فرسخ برود و کمتر از ده روز بماند و برگردد ، باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۲۹۰ - کسیکه نمی داند سفرش چند فرسخ است ، مثلاً برای پیدا کردن گمشده ای مسافرت میکند و نمیداند که چه مقدار باید برود تا آن را پیدا کند ، باید نماز را تمام بخواند . ولی در برگشتن ، چنانچه تا وطنش یا جائیکه میخواهد ده روز در آنجا بماند ، هشت فرسخ یا بیشتر باشد ؛ باید نماز را شکسته بخواند . و نیز اگر در بین رفتن قصد کند که چهار فرسخ برود ، چنانچه رفتن و برگشتن هشت فرسخ شود ، باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۲۹۱ - مسافر در صورتی باید نماز را شکسته بخواند که تصمیم داشته باشد هشت فرسخ برود ؛ پس کسیکه از شهر بیرون میرود و مثلاً قصدش این است که اگر رفیق پیدا کند ، سفر هشت فرسخی برود ، چنانچه اطمینان دارد که رفیق پیدا میکند ، باید نماز را شکسته بخواند و اگر اطمینان ندارد ، باید تمام بخواند .

مسئله ۱۲۹۲ - کسیکه قصد هشت فرسخ دارد ، اگر چه در هر روز مقدار کمی راه برود ، وقتی بجائی برسد که دیوار شهر را نبیند و اذان آنرا نشنود ، باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه برود که نگویند :

مسافر است ، باید نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آنستکه هم شکسته وهم تمام بخواند .

مسئله ۱۲۹۳ - کسیکه در سفر با اختیار دیگری است : مانند نوکری که با آقای خود مسافرت میکند ، چنانچه بدان سفر او هشت فرسخ است ، باید نماز را شکسته بخواند و اگر نداند بنا بر احتیاط واجب باید از او پرسد ، که اگر سفر او هشت فرسخ باشد ، نماز را شکسته بجا آورد .

مسئله ۱۲۹۴ - کسیکه در سفر با اختیار دیگری است ، اگر بداند یا گمان داشته باشد که پیش از رسیدن بچهار فرسخ از او جدا میشود و سفر نمیکند ؛ باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۲۹۵ - کسیکه در سفر با اختیار دیگریست ، اگر شك دارد که پیش از رسیدن بچهار فرسخ از او جدا میشود یا نه ، باید نماز را تمام بخواند . ولی اگر شك او از این جهت است که احتمال میدهد مانعی برای سفر او پیش آید ، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا نباشد ، باید نماز را شکسته بخواند .

شرط سوم - آنکه در بین راه از قصد خود برنگردد ، پس اگر پیش از رسیدن بچهار فرسخ از قصد خود برگردد ، یا مردد شود ، باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۲۹۶ - اگر بعد از رسیدن بچهار فرسخ از مسافرت منصرف شود ، چنانچه تصمیم داشته باشد ، که همانجا بماند یا بعد ازده روز برگردد ، یا در برگشتن و ماندن مردد باشد ؛ باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۲۹۷ - اگر بعد از رسیدن بچهار فرسخ از مسافرت منصرف شود و تصمیم داشته باشد که ده روز در آنجا نماند ، باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۲۹۸ - اگر برای رفتن بمحلی که هشت فرسخ باشد حرکت کند و بعد از رفتن مقداری از راه بخواهد جای دیگری برود ، چنانچه از محل اولی

که حرکت کرده تاجائی که میخواهد برود ، هشت فرسخ باشد ، باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۲۹۹ - اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد ، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه ، و در موقعیکه مردد است راه نرود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود باید تا آخر مسافرت نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۰۰ - اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد ، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعیکه مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که هشت فرسخ دیگر برود ، یا چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد ، تا آخر مسافرت باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۰۱ - اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد ، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه ، و در موقعیکه مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود ، چنانچه باقیمانده سفر او چهار فرسخ باشد که بابرگشتن هشت فرسخ شود باید نماز را شکسته بخواند . ولی اگر راهی که پیش از مردد شدن و راهی که بعد از آن می رود روی هم هشت فرسخ باشد ، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند .

شرط چهارم - آنکه نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد ، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند پس کسیکه میخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد ، یا ده روز در محلی بماند ، باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۳۰۲ - کسیکه نمیداند پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش میگذرد یا نه ، یا ده روز در محلی بماند یا نه ، باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۳۰۳ - کسیکه میخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد ، یا ده روز در محلی بماند ، و نیز کسیکه مردد است که از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند ، اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف شود ، باز هم

باید نماز را تمام بخواند . ولی اگر باقیمانده راه هشت فرسخ باشد ، با چهار فرسخ باشد و بخواند برگردد باید نماز را شکسته بخواند .

شروط پنجم - آنکه برای کار حرام سفر نکند و اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کند ، باید نماز را تمام بخواند و همچنین است اگر خود سفر حرام باشد مثل آنکه برای او ضرر داشته باشد ، یا زن بدون اجازه شوهر و فرزند بانهی پدر و مادر که باعث اذیت آنها شود سفری بروند که بر آنان واجب نباشد . ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد ، باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۰۴ - سفری که اسباب اذیت و پدر مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد .

مسئله ۱۳۰۵ - کسیکه سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمیکنند ، اگر چه در سفر ، معصیتی انجام دهد - مثلاً غیبت کند یا شراب بخورد - باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۰۶ - اگر مخصوصاً برای آنکه کار واجبی را ترک کند ، مسافرت نماید نمازش تمام است ، پس کسیکه بدهکار است ؛ اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه کند ، چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد و مخصوصاً برای فرار از دادن قرض مسافرت نماید ، باید نماز را تمام بخواند ولی اگر مخصوصاً برای ترک واجب مسافرت نکند ، باید نماز را شکسته بخواند اگر چه سفر باعث ترک واجب شود و احتیاط مستحب آنستکه در این صورت هم شکسته وهم تمام بخواند .

مسئله ۱۳۰۷ - اگر سفر او حرام نباشد ولی حیوان سواری یا مرکب دیگری که سوار است غصبی باشد ، یا در زمین غصبی مسافرت کند ، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته وهم تمام بخواند .

مسئله ۱۳۰۸ - کسیکه با ظالم مسافرت میکند اگر ناچار نباشد و مسافرت او

کمک بظالم باشد، باید نماز را تمام بخواند و اگر ناچار باشد یا مثلاً برای نجات دادن مظلومی با او مسافرت کند، نمازش شکسته است.

مسئله ۱۳۰۹- اگر بقصد تفریح و گردش مسافرت کند؛ حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۱۰- اگر برای لهو و خوش گذرانی بشکار رود، نمازش تمام است و چنانچه برای تهیه معاش بشکار رود، نمازش شکسته است و اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود، احتیاط واجب آنستکه نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند، ولی باید روزه نگیرد.

مسئله ۱۳۱۱- کسیکه برای معصیت سفر کرده، موقعیکه از سفر برمیگردد اگر برگشت باندازه مسافت شرعی باشد چنانچه توبه کرده و یا برگشت سفر مستقلی باشد باید نماز را شکسته بخواند و اگر برگشت باندازه مسافت شرعی نیست ولی مجموع رفت و برگشت باندازه مسافت است احتیاط لازم آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله ۱۳۱۲- کسیکه سفر او سفر معصیت است، اگر در بین راه از قصد معصیت برگردد، چنانچه بقیه راه هشت فرسخ باشد، یا چهار فرسخ باشد که با برگشت هشت فرسخ شود و قصد اقامه ده روز نداشته باشد باید نماز را شکسته بخواند و اگر بقیه راه باندازه مسافت شرعی نباشد ولی مجموع راهیکه قبل از توبه رفته و بعد از توبه میرود باندازه مسافت شرعی باشد احتیاط لازم آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله ۱۳۱۳- کسیکه برای معصیت سفر نکرده، اگر در بین راه قصد کند که بقیه راه را برای معصیت برود، باید نماز را تمام بخواند ولی نماز هائیکه شکسته خوانده صحیح است.

شروط ششم - آنکه از صحرا نشینهایی نباشد که در بیابانها گردش میکنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حشمتان پیدا کنند میمانند و بعد از چندی بجای دیگر

میروند، پس صحرا نشینها در این مسافرتها باید نماز را تمام بخوانند .

مسئله ۱۳۱۲- اگر یکی از صحرا نشینها برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان سفر کند بدون چادر و اثاثیه بلکه فقط بمنظور تعیین محل و مرتع مناسب برای احشام خودشان باشد چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد؛ احتیاط واجب آنستکه هم شکسته و هم تمام بخواند .

مسئله ۱۳۱۵- اگر صحرا نشین برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند .

شرط هفتم- آنکه شغل او مسافرت نباشد بنابراین شتردار و راننده و چویدار و کشتیان و مانند اینها، اگر چه برای بردن اثاثیه منزل خود مسافرت کنند، در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند. و همچنین در سفر اول اگر طول بکشد یا از مکانی بمکان دیگر برود که عرفاً بگویند: عمل او سفر است باید نماز را تمام بخواند ولی اگر سفر طولانی نباشد بطوریکه عرفاً نگویند: سفر عمل اوست نمازشان شکسته است.

مسئله ۱۳۱۶- کسیکه شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر مثلاً شوهر، اتومبیل خود را برای زیارت کرایه بدهد و در ضمن خودش هم زیارت کند، باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۳۱۷- حمله دار - یعنی: کسیکه برای رساندن حاجیها بمکه مسافرت میکند. چنانچه، شغلش مسافرت باشد، باید نماز را تمام بخواند و اگر شغلش مسافرت نباشد، باید شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۱۸- کسیکه شغل او حمله داریست و حاجیها را از راه دور بمکه میرد؛ چنانچه تمام سال یا بیشتر سال را در راه باشد، باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۳۱۹- کسیکه در مقداری از سال شغلش مسافرت است؛ مثل شوهریکه فقط

در تابستان یا زمستان اتومبیل خود را کرایه میدهد، باید در سفری که برای شغلش میروند نماز را تمام

بخواند ولی احتیاط مستحب آنستکه هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله ۱۳۲۰ - راننده و دوره گردی که در دوسه فرسخی شهر رفت و آمد میکند چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی برود ، باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۲۱ - کسیکه شغلش مسافرت است اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند - چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد ، چه بدون قصد بماند - باید در سفر اولیکه بعد از ده روز میرود ، نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۲۲ - کسیکه شغلش مسافرت است اگر در غیر وطن خود ده روز بماند چنانچه از اول قصد ماندن ده روز را داشته ، در سفر اولیکه بعد از ده روز میرود باید نماز را شکسته بخواند و اگر از اول قصد ماندن ده روز را نداشته ، احتیاط لازم آنستکه هم شکسته و هم تمام بخواند .

مسئله ۱۳۲۳ - کسیکه شغلش مسافرت است ، اگر شك کند که در وطن خود یا جای دیگر ده روز مانده یانه ، باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۳۲۴ - کسیکه در شهرها سیاحت میکند و برای خود وطنی اختیار نکرده باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۳۲۵ - کسیکه شغلش مسافرت نیست ، اگر مثلاً در شهری یادر دهی جنسی دارد که برای حمل آن مسافرت های پی در پی میکند ، باید نماز را شکسته بخواند ولی کسی که کارش این است که هفته ای یکبار یا بیشتر برای انجام شغلی در محلی سفر می کند مثلاً همه روزه از تهران بکرج برای تدریس یا درس خواندن می رود یا آنکه برای کاری مثل خرید و فروش از تهران بقم یا بالعکس سفر مینماید همینکه بمقداری سفر کند که عرفاً اینکار را شغل او بگویند باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۳۲۶ - کسیکه از وطنش صرف نظر کرده و میخواهد وطن دیگری برای خود اختیار کند ، اگر شغلش مسافرت نباشد ، باید در مسافرت نماز را شکسته بخواند .

شرط هشتم- آنکه به حد ترخص برسد یعنی از وطنش بجائی که قصد کرده ده روز در آنجا بماند ، بقدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آنرا نشنود ولی باید در هوا غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند و لازم نیست بقدری دور شود که مناره ها و گنبدها را نبیند ، بلی اگر بقدری دور شده که دیوار خانه های شهر کاملاً معلوم نیست ولی شبح آنها نمایان است احتیاط لازم آنستکه نماز نخواند تا وقتیکه شبح پنهان شود یا هم شکسته بخواند وهم تمام .

مسئله ۱۳۲۷ - کسیکه بسفر میرود اگر بجائی برسد که اذان را نشنود ولی دیوار شهر را ببیند ؛ یا دیوارها را نبیند و صدای اذان را بشنود ، چنانچه بخواهد در آنجا نماز بخواند ، بنا بر احتیاط واجب باید هم شکسته وهم تمام بخواند .

مسئله ۱۳۲۸ - مسافری که بوطنش بر میگردد ، وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آنرا بشنود ؛ باید نماز را تمام بخواند و نیز مسافریکه می خواهد ده روز در محلی بماند ، وقتی دیوار آنجا را ببیند و صدای اذان را بشنود ، باید نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آنستکه نماز را تأخیر بیندازند تا بمنزل برسند یا هم شکسته وهم تمام بخوانند .

مسئله ۱۳۲۹ - هرگاه شهر در بلندی باشد که از دور دیده شود ، یا بقدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود دیوار آنرا نبیند ؛ کسیکه از آن شهر مسافرت میکند ، وقتی باندازه ای دور شود که اگر آن شهر در زمین هموار بود ، دیوارش از آنجا دیده نمیشد ، باید نماز خود را شکسته بخواند . و نیز اگر پستی و بلندی خانه ها بیشتر از معمول باشد ، باید ملاحظه معمول را بنماید .

مسئله ۱۳۳۰ - اگر از محلی مسافرت کند که خانه و دیوار ندارد ؛ وقتی بجائی برسد که اگر آن محل دیوار داشت از آنجا دیده نمی شد ، باید نماز را

شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۳۱ - اگر بقدری دور شود که نداند صدائی را که میشوند صدای اذان است یا صدای دیگر ، باید نماز را شکسته بخواند . ولی اگر بفهمد اذان میگویند و کلمات آنرا تشخیص ندهد ، باید تمام بخواند .

مسئله ۱۳۳۲ - اگر بقدری دور شود که اذان خانه ها را نشنود ولی اذان شهر را که معمولاً در جای بلند میگویند بشنود ، نباید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۳۳ - اگر بجائی برسد که اذان شهر را که معمولاً در جای بلند میگویند نشنود ولی اذان را که در جای خیلی بلند میگویند بشنود ، باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۳۴ - اگر چشم یا گوش او یا صدای اذان غیر معمولی باشد، در محلی باید نماز را شکسته بخواند که چشم متوسط دیوار خانه ها را نبیند و گوش متوسط صدای اذان معمولی را نشنود .

مسئله ۱۳۳۵ - اگر موقعی که سفر می رود شك کند که بعد تر خص - یعنی : جائی که اذان را بشنود و دیوار را نبیند - رسیده یانه ، باید نماز را تمام بخواند . و در موقع برگشتن ، اگر شك کند که بعد تر خص رسیده یانه باید شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۳۶ - مسافری که در سفر از وطن خود عبور میکند ، وقتی بجائی برسد که دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آنرا بشنود ؛ باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۳۳۷ - مسافری که در بین مسافرت بوطنش رسیده ، تا وقتی در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند ولی اگر بخواهد از آنجا هشت فرسخ برود ، یا چهار فرسخ برود و برگردد ، وقتی بجائی برسد که دیوار وطن را ببیند و صدای اذان آنرا نشنود ، باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۳۸ - محلی را که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده وطن اوست ، چه در آنجا بدنی آمده و وطن پدر و مادرش باشد ، یا خودش آنجا را برای زندگی

اختیار کرده باشد .

مسئله ۱۳۳۹- اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلیش نیست مدتی بماند و بعد بجای دیگر رود ، آنجا وطن او حساب نمیشود .

مسئله ۱۳۴۰- جائی را که انسان محل زندگی خود قرار داده و ماندن خود را در آنجا محدود بمقدار معین نکرده و مثل کسیکه آنجا وطن اوست در آنجا زندگی میکند که اگر مسافرتی برای او پیش آید ، دوباره بهمان جابر میگردد ، اگر چه قصد نداشته باشد که همیشه در آنجا بماند ، وطن او حساب میشود .

مسئله ۱۳۴۱- کسیکه در دو محل زندگی میکند ، مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر میماند ؛ هر دو وطن اوست و نیز اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد ، همه آنها وطن او حساب میشود .

مسئله ۱۳۴۲ کسیکه در محلی ملك دارد ، اگر موقعیکه آن ملك را دارد شش ماه در آنجا بماند ، وقتی میتواند نماز را آنجا تمام بخواند که آنجا را برای خود وطن قرار داده باشد و بنظر عرف وطن او محسوب شود و تا بنظر عرف وطن حساب نشود باید شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۴۳- اگر بجائی برسد که وطن او بوده و از آنجا صرف نظر کرده ، نباید نماز را تمام بخواند ، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد .

مسئله ۱۳۴۴- مسافریکه قصد دارد ، ده روز پشت سر هم در محلی بماند ؛ یا میداند که بدون اختیار ده روز در محلی میماند ، در آن محل باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۳۴۵- مسافریکه میخواهد ده روز در محلی بماند لازم نیست قصد ماندن شب اول یا شب یازدهم را داشته باشد ، و همین که قصد کند از اذان صبح روز اول تا غروب روز دهم بماند ، باید نماز را تمام بخواند و همچنین اگر مثلاً قصدش این باشد که از ظهر روز اول تا ظهر روز یازدهم بماند باید تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است

که در این صورت نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند .

مسئله ۱۳۴۶- مسافریکه میخواهد دهروز در محلی بماند ، در صورتی باید نماز را تمام بخواند که بخواند تمام دهروز را در یکجا بماند پس اگر بخواند مثلا دهروز در نهدف و کوفه یا در تهران و شمیران بماند ، باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۴۷- مسافریکه میخواهد ده روز در محلی بماند باید از اول قصد ماندن دهروز در آن محل یا توابع آن مانند باغها و بساطین را داشته باشد و اگر از اول قصد بیرون رفتن از آن محل و توابع آن را داشته باشد هر چند بحد ترخص نرسد باید شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۴۸- مسافریکه تصمیم قطعی ندارد دهروز در محلی بماند مثلا قصدش این است که اگر رفیقش بیاید ، یا منزل خوبی پیدا کند ، دهروز بماند ، باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۴۹- کسیکه تصمیم دارد ، دهروز در محلی بماند ، اگر چه احتمال بدهد که برای ماندن او مانعی برسد در صورتیکه آن احتمال پیش مردم مورد اعتنا نباشد باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۳۵۰- اگر مسافر بداند که مثلا دهروز یا بیشتر به آخر ماه مانده و قصد کند که تا آخر ماه در جایی بماند ، باید نماز را تمام بخواند . ولی اگر نداند تا آخر ماه چقدر مانده و قصد کند که تا آخر ماه بماند و بعد از قصد نیز علم پیدا نکند که تا آخر ماه دهروز است باید نماز را شکسته بخواند ، اگر چه از موقعی که قصد کرده تا آخر ماه دهروز یا بیشتر باشد .

مسئله ۱۳۵۱- اگر مسافر قصد کند دهروز در محلی بماند ، چنانچه پیش از خواندن يك نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود ، یا مردد شود که در آنجا بماند یا بجای دیگر برود ، باید نماز را شکسته بخواند و اگر بعد از خواندن يك نماز

چهار رکعتی از ماندن منصرف شود ، یا مردد شود ، تا وقتی در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند .

مسئله ۱۳۵۲ - مسافری که قصد کرده روز در محلی بماند ؛ اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آنجا منصرف شود ، چنانچه يك نماز چهار رکعتی خوانده باشد ، روزه اش صحیح است و تا وقتی در آنجا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر يك نماز چهار رکعتی نخوانده باشد ، نمازهای خود را باید شکسته بخواند و احتیاط لازم آن است که روزه آن روز را تمام کند و قضاء آن را نیز بگیرد و روزه های بعد هم نمیتواند روزه بگیرد .

مسئله ۱۳۵۳ - مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند ، و اگر از ماندن منصرف شود و شك کند پیش از آنکه از قصد ماندن برگردد ، يك نماز چهار رکعتی خوانده یا نه نمازهای خود را باید در آنجا تمام بخواند اگر چه احتیاط مستحب آن است که شکسته هم بخواند .

مسئله ۱۳۵۴ - اگر مسافر بنیت اینکه نماز را شکسته بخواند ، مشغول نماز شود در بین نماز تصمیم بگیرد که ده روز یا بیشتر بماند ، باید نماز را چهار رکعتی تمام نماید .

مسئله ۱۳۵۵ - مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند ، اگر در بین نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد ، چنانچه داخل رکوع رکعت سوم نشده ، باید بنشیند و نماز را دور رکعتی تمام نماید و احتیاطاً برای قیام بیجا دو سجده سهو بجا آورد و بقیه نمازهای خود را شکسته بخواند و اگر داخل رکوع رکعت سوم شده نمازش باطل است ، و تا وقتی در آنجا هست ، باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۵۶ - مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند ، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند ، تا وقتی مسافرت نکرده ، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست

دوباره قصد ماندن ده روز کند .

مسئله ۱۳۵۷ - مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند ، باید روزه واجب را بگیرد و می تواند روزه مستحبی هم بگیرد و نافله ظهر و عصر و عشا را هم بخواند .

مسئله ۱۳۵۸ - مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند ، اگر بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی بخواند بجائی که کمتر از چهار فرسخ است برود و برگردد و دوباره در جای اول ده روز بماند ، از وقتی که می رود تا بر میگردد و بعد از برگشتن ، باید نماز را تمام بخواند ولی اگر نخواهد بعد از برگشتن ده روز بماند ، در موقع رفتن بجائی که کمتر از چهار فرسخ است و در مدتی که آنجا میماند نماز او تمام است و از آنجا که بر میگردد اگر قصد هشت فرسخ داشته باشد شکسته است و اگر قصد هشت فرسخ نداشته باشد تمام است پس مثل اهل علم که برای تبلیغ بمحلی میروند اگر بعد از قصد ده روز و خواندن يك نماز چهار رکعتی بمحل دیگر که چهار فرسخ نباشد دعوت شوند و بخواهند یکدهه یا یکماه در آن دو محل رفت و آمد کنند نمازشان در هر دو محل تمام است مگر وقتی که انشاء سفر جدید نمایند مثل اینکه روز آخر رفت و آمد از محل دوم بقصد وطن حرکت کند که در این صورت بعد از خروج از حد ترخص نماز شکسته است اگر چه از محل اول که محل اقامه بوده عبور نماید .

مسئله ۱۳۵۹ - مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند؛ اگر بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی بخواند بجای دیگری که کمتر از هشت فرسخ است برود ده روز در آنجا بماند ، باید در رفتن و در محلی که قصد ماندن ده روز دارد ، نمازهای خود را تمام بخواند . ولی اگر تا محلی که میخواهد برود هشت فرسخ یا بیشتر باشد ، باید موقع رفتن شکسته بخواند و همچنین مدتی که در آنجا میماند در صورتیکه نخواهد ده روز بماند .

مسئله ۱۳۶۰- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی بخواند بجائی که کمتر از چهار فرسخ است برود، چنانچه مردد باشد که بمحل اول برگردد یا نه، یا بکلی از برگشتن بآنجا غافل باشد یا بخواند بر گردد ولی مردد باشد که ده روز در آنجا بماند یا نه، یا آنکه از ده روز ماندن در آنجا و مسافرت از آنجا غافل باشد، باید از وقتیکه می رود تا بر میگردد و بعد از برگشتن؛ نمازهای خود را تمام بخواند

مسئله ۱۳۶۱- اگر بخيال اینکه رفقایش میخواهند ده روز در محلی بمانند، قصد کند که ده روز در آنجا بماند و بعد از خواندن يك نماز چهار رکعتی بفهمد که آنها قصد نکرده اند، اگر چه خودش هم از ماندن منصرف شود، تا مدتیکه در آنجا هست، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۶۲- اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردد باشد، بعد از گذشتن سی روز اگر چه مقدار کمی در آنجا بماند؛ باید نماز را تمام بخواند و همچنین اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ مردد شود بین ماندن در آنجا و رفتن بقیه راه از وقتی که مردد می شود باید نماز را تمام بخواند؛ ولی اگر مردد شود بین رفتن بقیه و برگشتن بمحل خود در صورتیکه بمقدار چهار فرسخ آمده باشد باید شکسته بخواند و اگر بقدر چهار فرسخ نباشد تمام بخواند.

مسئله ۱۳۶۳- مسافری که میخواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند، اگر بعد از آنکه نه روز یا کمتر در آنجا ماند، بخواند دوباره نه روز دیگر یا کمتر بماند و همینطور تا سی روز، روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۶۴- مسافری که سی روز مردد بوده، در صورتی باید نماز را تمام بخواند که سی روز را در یکجا بماند، پس اگر مقداری از آن را در جائی و مقداری را در جای دیگر بماند، بعد از سی روز هم باید نماز را شکسته بخواند.

مسائل متفرقه

مسئله ۱۳۶۵ - مسافر میتواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بلکه در شهر مکه و مدینه و مسجد کوفه نماز را تمام بخواند. ولی اگر بخواند در جائی که اول جزء مسجد کوفه نبوده و بعد باین مسجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آنستکه شکسته بخواند و نیز مسافر میتواند در حائر حضرت سیدالشهداء علیه السلام نماز را تمام بخواند. ولی احتیاط واجب آنستکه اگر دورتر از اطراف ضریح مقدس نماز بخواند، شکسته بجا آورد.

مسئله ۱۳۶۶ - کسیکه میداند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند، اگر در غیر چهار مکانی که در مسئله پیش گفته شد عمداً تمام بخواند، نمازش باطل است و همچنین است اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند و در وقت یادش بیاید ولی اگر بعد از وقت یادش بیاید قضا ندارد.

مسئله ۱۳۶۷ - کسیکه می داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند، اگر غفلت کند و تمام بخواند چنانچه در وقت یادش بیاید نمازش باطل است و باید دوباره شکسته بخواند و اگر در خارج وقت یادش بیاید قضا ندارد.

مسئله ۱۳۶۸ - مسافری که نمیداند باید نماز را شکسته بخواند؛ اگر تمام بخواند نمازش صحیح است.

مسئله ۱۳۶۹ - مسافری که می داند باید نماز را شکسته بخواند اگر بعضی از خصوصیات آنرا نداند، مثلاً نداند که در سفر هشت فرسخی باید شکسته بخواند چنانچه تمام بخواند و در وقت بفهمد نمازش باطل است و اما اگر بعد از گذشتن وقت بفهمد قضا ندارد.

مسئله ۱۳۷۰ - مسافریکه می داند باید نماز را شکسته بخواند، اگر بگمان

اینکه سفر او کمتر از هشت فرسخ است تمام بخواند ، و وقتی بفهمد سفرش هشت فرسخ بوده که هنوز وقت نماز باقی است نمازی را که تمام خوانده باید دوباره شکسته بخواند و اگر وقت گذشته قضا ندارد و در این چهار مسئله که ذکر شد اگر در خارج وقت نیز احتیاطاً قضا نماید خوب است .

مسئله ۱۳۷۱- اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید؛ باید شکسته بجا آورد و اگر بعد از وقت یادش بیاید قضای آن نماز بر او واجب نیست

مسئله ۱۳۷۲- کسیکه باید نماز را تمام بخواند ، اگر شکسته بجا آورد در هر صورت نمازش باطل است .

مسئله ۱۳۷۳- اگر مشغول نماز چهار رکعتی شود و در بین نماز یادش بیاید که مسافرت است؛ یا ملتفت شود که سفر او تا مکانیکه منظور او بوده هشت فرسخ است چنانچه بر کوع رکعت سوم نرفته باید نماز را دور رکعتی تمام کند و اگر بر کوع رکعت سوم رفته نمازش باطل است و در صورتیکه بمقدار خواندن یک رکعت هم وقت داشته باشد باید نماز را شکسته بخواند و اما اگر قصد ملاقات شخصی را داشت و گمان میکرد سر هفت فرسخی است بعد معلوم شود که در سر هشت فرسخی است نمازش را باید تمام بخواند مگر آنکه فعلاً قصد سفر هشت فرسخی نماید .

مسئله ۱۳۷۴- اگر مسافر بعضی از خصوصیات نماز مسافر را نداند، مثلاً بداند که اگر چهار فرسخ برود و همانروز یا شب آن برگردد باید شکسته بخواند چنانچه بنیت نماز چهار رکعتی مشغول نماز شود ، و پیش از رکوع رکعت سوم مسئله را بفهمد باید نماز را دور رکعتی تمام کند و اگر در رکوع رکعت سوم ملتفت شود نمازش باطل است و در صورتیکه بمقدار یک رکعت از وقت هم مانده باشد باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۷۵- مسافری که باید نماز را تمام بخواند اگر بواسطه ندانستن

مسئله بنیت نماز دور کعتی مشغول نماز شود و در بین نماز مسئله را بفهمد ، باید نماز را چهار رکعتی تمام کند و احتیاط مستحب آنست که بعد از تمام شدن نماز دوباره آن نماز را چهار رکعتی بخواند .

مسئله ۱۳۷۶ - مسافری که نماز نخوانده، اگر پیش از تمام شدن وقت بوطنش برسد ؛ یا بجائی برسد که میخواهد روز در آنجا بماند ، باید نماز را تمام بخواند . و کسی که مسافر نیست ، اگر در اول وقت نماز نخواند و مسافرت کند ، در سفر باید نماز را شکسته بخواند .

مسئله ۱۳۷۷ - اگر از مسافری که باید نماز را شکسته بخواند نماز ظهر یا عصر یا عشاء قضا شود ، باید آنرا دور کعتی قضا نماید اگر چه در غیر سفر بخواند قضای آنرا بجای آورد . و اگر از کسیکه مسافر نیست یکی از این سه نماز قضا شود ، باید چهار رکعتی قضا نماید اگر چه در سفر بخواند آنرا قضا نماید .

مسئله ۱۳۷۸ - مستحب است مسافر بعد از هر نمازی مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ** و در تعقیب نماز ظهر و عصر و عشا بیشتر سفارش شده است ، بلکه بهتر است در تعقیب این سه نماز شصت مرتبه بگوید .

نماز قضا

مسئله ۱۳۷۹ - کسیکه نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آنرا بجا آورد، اگر چه در تمام وقت نماز خواب مانده یا بواسطه مستی نماز نخوانده باشد ولی نمازهای یومیه ای را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده قضا ندارد . و هم چنین کسی که در تمام وقت بیهوش بوده قضا بر او واجب نیست .

مسئله ۱۳۸۰ - اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده باید قضای آنرا بخواند .

مسئله ۱۳۸۱ - کسیکه نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند ولی واجب نیست فوراً آنرا بجا آورد .

مسئله ۱۳۸۲ - کسیکه نماز قضا دارد میتواند نماز مستحبی بخواند .

مسئله ۱۳۸۳ - اگر انسان احتمال دهد که نماز قضائی دارد یا نمازهایی را که خوانده صحیح نبوده، مستحب است احتیاطاً قضای آنها را بجا آورد .

مسئله ۱۳۸۴ - قضای نمازهای یومیه که اداء آنها باید بهتر ترتیب خوانده شود مثل ظهر و عصر از یکروز یا مغرب و عشاء از یکشب باید قضای آنها را نیز بترتیب بخواند مثلاً اگر از کسی نماز ظهر و عصر یک روز فوت شود باید اول قضای ظهر را بخواند و بعد از آن عصر را ولی اگر کسی مثلاً یکروز نماز ظهر و روز بعد نماز عصر را نخوانده میتواند اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا نماید و ترتیب در بین آنها لازم نیست هر چند سزاوار است تا ممکن است رعایت ترتیب را بنماید .

مسئله ۱۳۸۵ - اگر بخواهد قضای چند نماز غیر یومیه مانند نماز آیات را بخواند ، یا مثلاً بخواهد قضای یک نماز یومیه و چند نماز غیر یومیه را بخواند لازم نیست آنها را بترتیب بجا آورد .

مسئله ۱۳۸۶ - گذشت در مسئله ۱۳۸۴ که در قضای نمازها ترتیب لازم نیست خصوصاً در صورتیکه ترتیب فوت را فراموش کرده باشد مگر در جائیکه در اداء آنها ترتیب واجب باشد ولی اگر بخواهد احتیاط کند و مراعات ترتیب نماید خوب است و اگر بخواهد طوری آنها را بخواند که یقین کند بترتیبی که قضا شده بجا آورده است اگر قضای یک نماز ظهر و یک نماز مغرب بر او واجب است و نمی داند کدام اول قضا شده ، احتیاطاً باید اول یک نماز مغرب و بعد از آن یک نماز ظهر و دوباره نماز مغرب را بخواند ، یا اول یک نماز ظهر و بعد از آن یک نماز مغرب و دوباره نماز ظهر را بخواند ، تا یقین کند هر کدام را که اول قضا شده

اول خوانده است .

مسئله ۱۳۸۷ - اگر نماز ظهر يك روز و نماز عصر روز ديگر ياد و نماز ظهر ياد و نماز عصر او قضا شده و نمیداند کدام اول قضا شده است ، چنانچه دو نماز چهار رکعتی بخواند بنیت اینکه اولی قضای نماز روز اول و دومی قضای نماز روز دوم باشد کافیت .

مسئله ۱۳۸۸ اگر يك نماز ظهر و يك نماز عشا يا يك نماز عصر و يك نماز عشا از او قضا شود و نداند کدام اول قضا شده است ، و بخواند احتیاط نماید باین طوری آنها را بخواند که بعین کند بترتیب بجا آورده است ؛ مثلاً اگر يك نماز ظهر و يك نماز عشا از او قضا شده و اولی آنها را نمیداند ؛ باید اول يك نماز ظهر ، بعد يك نماز عشا دوباره يك نماز ظهر ، یا اول يك نماز عشا بعد يك نماز ظهر ، دوباره يك نماز عشا بخواند .

مسئله ۱۳۸۹ - کسیکه میداند يك نماز چهار رکعتی نخوانده ولی نمیداند نماز ظهر است یا نماز عصر ؛ اگر يك نماز چهار رکعتی بنیت قضای نمازی که نخوانده بجا آورد کافیت .

مسئله ۱۳۹۰ - کسیکه پنج نماز پشت سر هم از او قضا شده و نمیداند اولی آنها کدام است و بخواند احتیاطاً مراعات ترتیب را نماید ، باید نه نماز به ترتیب بخواند مثلاً از نماز صبح شروع کند و بعد از آنکه ظهر و عصر و مغرب و عشا را بخواند دو مرتبه نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب را بخواند و اگر شش نماز پشت سر هم از او قضا شده و اولی آنها را نمیداند ، باید ده نماز بترتیب قضا کند و همینطور برای هر يك نمازی که بنمازهای قضای او اضافه میشود در صورتیکه پشت سر هم قضا شده باشد ، باید يك نماز بر مقدارى که گفته شد اضافه نماید مثلاً اگر هفت نماز او قضا شده و اولی آنها را نمیداند باید یازده نماز بترتیب بجا آورد .

مسئله ۱۳۹۱ - کسی که میدانند نمازهای پنجگانه او هر کدام از يك روز قضا شده و ترتیب آنها را نمیدانند نماز يك شبانه روز را بجا آورد کافیت ولی اگر بخواهد احتیاط کند باید پنج شبانه روز نماز بخواند و اگر شش نماز از شش روز از او قضا شده باید شش شبانه روز نماز بخواند و همچنین برای هر نمازی که بنمازهای قضای او اضافه شود، باید يك روز بیشتر بخواند تا یقین کند بترتیبی که قضا شده بجا آورده است، مثلاً اگر هفت نماز از هفت روز نخوانده باشد؛ باید هفت شبانه روز قضا نماید.

مسئله ۱۳۹۲ - کسیکه مثلاً چند نماز صبح یا چند نماز ظهر از او قضا شده و شماره آنها را نمیدانند مثلاً نمیدانند که سه یا چهار یا پنج نماز بوده، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافیت. ولی اگر شماره آنها را امیدانسته و فراموش کرده، بنا بر احتیاط واجب باید بقدری نماز بخواند که یقین کند تمام آنها را خوانده است مثلاً اگر فراموش کرده که چند نماز صبح از او قضا شده است و یقین دارد که بیشتر از ده تا نبوده، احتیاطاً باید ده نماز صبح بخواند.

مسئله ۱۳۹۳ - کسیکه فقط يك نماز قضا از روزهای پیش دارد، بنا بر احتیاط مستحب اگر ممکن است باید اول آن را بخواند بعد مشغول نماز آن روز شود و نیز اگر از روزهای پیش نماز قضا ندارد ولی يك نماز یا بیشتر از همان روز از او قضا شده است، در صورتی که ممکن باشد بنا بر احتیاط مستحب باید نماز قضای آن روز را پیش از نماز اداء بخواند.

مسئله ۱۳۹۴ - اگر در بین نماز یادش بیاید که يك نماز یا بیشتر از همان روز از او قضا شده، یا فقط يك نماز قضا از روزهای پیش دارد، چنانچه وقت وسعت دارد و ممکن است نیت را بنماز قضا برگرداند، میتواند نیت نماز قضا کند مثلاً اگر در نماز ظهر پیش از تمام شدن رکعت دوم یادش بیاید که نماز صبح آن روز قضا شده در صورتیکه وقت نماز ظهر تنگ نباشد میتواند نیت را بنماز صبح برگرداند و آنرا

دور کعتی تمام کند بعد نماز ظهر را بخواند ، ولی اگر وقت تنگ است یا نمیتواند نیت را بنماز قضا برگرداند مثلا در رکوع رکعت سوم نماز ظهر یادش بیاید که نماز صبح را نخوانده ، چون اگر بخواند نیت نماز صبح کند یک رکوع که رکن است زیاد میشود ، نباید نیت را بقضای صبح برگرداند .

مسئله ۱۳۹۵ - اگر از روزهای گذشته نمازهای قضا دارد و یک نماز یا بیشتر هم از همان روز از او قضا شده ؛ چنانچه برای قضای تمام آنها وقت ندارد، یا نمیخواهد همه را در آن روز بخواند ، مستحب است نماز قضای آن روز را پیش از نماز ادا بخواند و احتیاط مستحب آن است که بعد از خواندن قضای نمازهای سابق دوباره نماز قضائی را که در آن روز پیش از نماز ادا خوانده بجا آورد .

مسئله ۱۳۹۶ - تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز قضاها خود عاجز باشد ؛ دیگری نمیتواند نمازهای او را قضا نماید .

مسئله ۱۳۹۷ - نماز قضا را با جماعت میشود خواند ، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند مثلا اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد .

مسئله ۱۳۹۸ - مستحب است اطفال ممیز را بخواندن نمازهای واجب و نوافل تمرین و عبادت دهند ؛ بلکه مستحب است آنان را بقضای نماز هم و ادا نمایند و همچنین مستحب است تمرین و عبادت دادن آنان بر هر عبادت و عمل صالح و خلق و روش نیک .

و واجب است بر اولیاء اطفال که آنان را از هر کاری که باعث ضرر بر خودشان و یا دیگران باشد ، جلوگیری کنند و از هر کاری که شارع مقدس وجود آنها در خارج منع فرموده ، مثل زنا ، لواط ، غیبت و غنا ، واجب است اطفال را جلوگیری کرد . و حرام است آنان را در مدارس ، تحت تعلیم معلمین فاسق و بی ایمان ، که

سبب فساد اخلاق و عقیده اطفال میشوند ، بگذارند بلکه باید مخصوصاً در این زمان ، مسلمانان کمال مراقبت و مواظبت را بنمایند و تا کاملاً از وضع کردکستان ، دبستان و دبیرستان از هر جهت مطمئن نشده‌اند از فرستادن فرزندان معصوم خود باینگونه مراکز خودداری کنند و وزرو وبال فساد عقیده اولاد ، بلکه اولاد اولاد خود را تا روز قیامت بگردن نگیرند .

نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است

مسئله ۱۳۹۹ - اگر پدر بجهت عذری نماز ؛ یا روزه اش را بجا نیاورده باشد ، بعد از فوت او بر پسر بزرگتر واجب است قضا نماید یا برای انجام آن اجیر بگیرد هر چند پدر نتوانسته قضا کند ، و بنا بر احتیاط واجب اگر از روی نافرمانی هم ترك کرده باشد ؛ پسر بزرگتر باید آنرا قضا نماید .

و در مورد مادر نیز احتیاط واجب رعایت این حکم است بلکه در صورتی که وصیت نکرده باشند ، و پسر هم نداشته باشند احتیاط واجب این است که اکبر ذکور از اولیاء میت نماز و روزه او را قضا کند و بان بود ذکور اناث از آنها انجام دهند .

مسئله ۱۴۰۰ - اگر پسر بزرگتر شك دارد که پدر و مادرش نماز و روزه قضا داشته‌اند یا نه ؛ چیزی بر او واجب نیست .

مسئله ۱۴۰۱ - اگر پسر بزرگتر بداند که پدر و مادرش نماز قضا داشته‌اند و شك کند که بجا آورده‌اند یا نه ، بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید .

مسئله ۱۴۰۲ - اگر معلوم نباشد که پسر بزرگتر کدام است ، قضای نماز و روزه پدر و مادر بر هیچ کدام از پسرها واجب نیست ، ولی احتیاط مستحب آنست که نماز و روزه آنان را بین خودشان قسمت کنند ، یا برای انجام آن قرعه بزنند .

مسئله ۱۴۰۳ - اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند

بعد از آنکه اجیر ، نماز و روزه او را بطور صحیح بجا آورد ، بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست .

مسئله ۱۴۰۴ - اگر پسر بزرگتر بخواهد نماز پدر و مادر را بخواند ، باید بتکلیف خود عمل کند ، مثلاً قضاى نماز صبح و مغرب و عشاء مادرش را باید بلند بخواند .

مسئله ۱۴۰۵ - کسیکه خودش نماز و روزه قضا دارد ، اگر نماز و روزه پدر و مادر هم بر او واجب شود ، هر کدام را اول بجا آورد صحیح است .

مسئله ۱۴۰۶ - اگر پسر بزرگتر موقع مرگ پدر یا مادر نابالغ یا دیوانه باشد وقتیکه بالغ شد یا عاقل گردید ؛ باید نماز و روزه پدر و مادر را قضا نماید . و چنانچه پیش از بالغ شدن یا عاقل شدن بمیرد ، بر پسر دوم واجب است بنا بر احتیاط .

مسئله ۱۴۰۷ - اگر پسر بزرگتر پیش از آنکه نماز و روزه پدر یا مادر را قضا کند بمیرد ، چنانچه بین مرگ پدر یا مادر و مرگ او بقدری طول کشیده که میتواند قضاى نماز و روزه آنها را بجا آورد ، بر پسر دوم چیزی واجب نیست و اگر این مقدار طول نکشیده قضاى آنها بر پسر دوم واجب است بنا بر احتیاط .

نماز جماعت

مسئله ۱۴۰۸ - مستحب است نمازهای واجب خصوصاً نمازهای بومیه را بجماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشا، خصوصاً برای همسایه مسجد و کسیکه صدای اذان مسجد را میشنود بیشتر سفارش شده است .

مسئله ۱۴۰۹ - اگر يك نفر با امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعت ثواب ششصد نماز دارد و هر چه بیشتر شوند ثواب نمازشان بیشتر میشود تا بده نفر برسند و عده آنان که از ده گذشت، اگر تمام آسمانها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمیتوانند ثواب يك رکعت آنرا بنویسند .

مسئله ۱۴۱۰ - حاضر نشدن بنماز جماعت از روی بی اعتنائی جایز نیست . و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترك کند .

مسئله ۱۴۱۱ - مستحب است انسان صبر کند که نماز را بجماعت بخواند و نماز جماعت از نماز اول وقت که فرادی خوانده شود، بهتر است و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخوانند از نماز فرادی که آنرا طول بدهند بهتر میباشد .

مسئله ۱۴۱۲ - وقتی که جماعت برپا میشود، مستحب است کسیکه نمازش را فرادی خوانده دوباره باجماعت بخواند . و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده نماز دوم او کافیست .

مسئله ۱۴۱۳- اگر امام یا مأوم بخواند نمازی را که به جماعت خوانده دوباره برای مأوم دیگری که جماعت نخوانده امام شود و بجماعت بخواند جایز است ولی اگر بخواند برای دفعه سوم باز با جماعت بخواند اشکال دارد .

مسئله ۱۴۱۴- کسیکه در نماز وسواس دارد فقط در صورتیکه نماز را با جماعت بخواند، از وسواس راحت میشود، باید نماز را با جماعت بخواند .

مسئله ۱۴۱۵- اگر پدر یا مادر بفرزند خود امر کند که نماز را بجماعت بخواند و از نافرمانی او اذیت شوند؛ نماز جماعت بر او واجب میشود .

مسئله ۱۴۱۶- نماز مستحب را نمیشود بجماعت خواند، مگر نماز استسقاء که برای آمدن باران میخوانند و نمازی که واجب بوده و بجهتی مستحب شده است، مانند نماز عید فطر و قربان که در زمان امام علیه السلام واجب بوده و بواسطه غائب شدن آن حضرت مستحب میباشد .

مسئله ۱۴۱۷- موقعیکه امام جماعت نماز یومیه میخواند، هر کدام از نمازهای یومیه را میشود با وقتدا کرد ولی اگر نماز یومیه اش را احتیاطاً دوباره میخواند، اقتدا کردن با او اشکال دارد .

مسئله ۱۴۱۸- اگر امام جماعت قضای نماز یومیه خود را میخواند، میشود با او اقتدا کرد ولی اگر نمازش را احتیاطاً قضا میکند، یا قضای نماز کس دیگر را میخواند که معلوم نیست این نماز از او فوت شده یا نه، اقتدای با او اشکال دارد ولی اگر معلوم باشد که این نماز از مهت فوت شده جایز است با وقتدا کرد هر چند برای آن نماز پول گرفته باشد .

مسئله ۱۴۱۹- اگر انسان نداند نمازی را که امام میخواند نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب، نمیتواند با وقتدا کند .

مسئله ۱۴۲۰- اگر امام در محراب باشد و کسی پشت سر او اقتدا نکرده باشد،

کسانیکه دو طرف محراب ایستاده‌اند و بواسطه دیوار محراب امام را نمیبینند نمیتوانند اقتدا کنند ، بلی اگر کسی پشت سر امام اقتدا کرده باشد ، اقتدا کردن کسانیکه دو طرف او ایستاده‌اند و اتصال دارند و بواسطه دیوار محراب امام را نمیبینند اشکال ندارد .

مسئله ۱۴۲۱- اگر بواسطه درازی صف اول، کسانیکه دو طرف صف ایستاده‌اند امام را نبینند میتوانند اقتدا کنند . و نیز اگر بواسطه درازی یکی از صفهای دیگر کسانیکه دو طرف آن ایستاده‌اند ، صف جلو خود را نبینند میتوانند اقتدا نمایند .

مسئله ۱۴۲۲- اگر صفهای جماعت تادرب مسجد برسد ، کسیکه مقابل درب پشت صف ایستاده نمازش صحیح است و نیز نماز کسانیکه پشت سر او اقتدا میکنند صحیح میباشد ، و همچنین نماز کسانیکه دو طرف او ایستاده‌اند و با اتصال دارند صحیح است اگر چه صف جلورا نه بینند .

مسئله ۱۴۲۳- کسیکه پشت ستون ایستاده ، اگر از طرف راست یا چپ بواسطه مأوم دیگر بامام متصل نباشد ؛ نمیتواند اقتدا کند .

مسئله ۱۴۲۴ - جای ایستادن امام باید از جای مأوم بلندتر نباشد ، ولی اگر مکان امام مقدار خیلی کمی بلندتر باشد اشکال ندارد . و نیز اگر زمین سرا شیب باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد در صورتیکه شراشیمی آن زیاد نباشد و طوری باشد که بآن ، زمین مسطح بگویند مانعی ندارد .

مسئله ۱۴۲۵ - اگر جای مأوم بلندتر از جای امام باشد اشکال ندارد . ولی اگر بقدری بلند باشد که نگویند : اجتماع کرده‌اند ، جماعت صحیح نیست .

مسئله ۱۴۲۶ - اگر بین کسانی که در يك صف ایستاده اند بچه‌میز- یعنی : بچه‌ای که خوب وبد را میفهمد - فاصله شود ، در صورتیکه بدانند نماز او صحیح است میتوانند اقتدا کنند و اگر شك در صحت نماز او داشته باشند و فاصله زیاد باشد

که اتصال بقیه صف به امام بوسیله آن طفل باشد اقتدا مشکل است بلی فاصله شدن يك طفل مانع نیست هر چند نماز او باطل باشد.

مسئله ۱۴۲۷ - بعد از تکبیر امام اگر صف جلو آماده نماز، و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد؛ کسیکه در صف بعد ایستاده؛ میتواند تکبیر بگوید، ولی احتیاط مستحب آنست که صبر کند تا تکبیر صف جلو تمام شود.

مسئله ۱۴۲۸ - اگر بداند نماز يك صف از صفهای جلو باطل است، در صفهای بعد نمیتواند اقتدا کند، ولی اگر نداند نماز آنان صحیح است یا نه؛ میتواند اقتدا نماید.

مسئله ۱۴۲۹ - هر گاه بداند نماز امام باطل است مثلاً بداند امام وضو ندارد، اگر چه خود امام ملتفت نباشد، نمیتواند با اقتدا کند.

مسئله ۱۴۳۰ - اگر مأوم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده، یا به جهتی نمازش باطل بوده، مثلاً بی وضو نماز خوانده، نماز مأوم صحیح است.

مسئله ۱۴۳۱ - اگر در بین نماز شك کند که اقتدا کرده یا نه، چنانچه در حالی باشد که وظیفه مأوم است مثلاً بحمد و سوره امام گوش میدهد باید نماز را بجماعت تمام کند. و اگر مشغول کاری باشد که هم وظیفه منفرد وهم وظیفه مأوم است مثلاً در رکوع یا سجده باشد، باید نماز را بنیت فرادی تمام نماید.

مسئله ۱۴۳۲ - احتیاط واجب آنست که در بین نماز جماعت تا ناچار نشود نیت فرادی نکند بلی پیش از سلام امام بدون عذر میتواند فرادی نماید.

مسئله ۱۴۳۳ - اگر مأوم بواسطه عذری بعد از حمد و سوره امام نیت فرادیت کند، لازم نیست حمد و سوره را بخواند، ولی اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فرادی نماید باید مقداری را که امام نخوانده بخواند.

مسئله ۱۴۳۴ - اگر در بین نماز جماعت نیت فرادی نماید، نمیتواند دوباره

نیت جماعت کند. ولی اگر مردد شود که نیت فرادی کند یا نه و بعد تصمیم بگیرد که نماز را با جماعت تمام کند، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۲۳۵ - اگر شك کند که نیت فرادی کرده یا نه باید بنا بگذارد که نیت فرادی نکرده است.

مسئله ۱۲۳۶ - اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و برکوع امام برسد، اگرچه ذکر امام تمام شده باشد؛ نمازش صحیح است و يك رکعت حساب میشود اما اگر بمقدار رکوع خم شود و برکوع امام نرسد جماعت باطل است ولیکن احتیاط آن است که سر از رکوع بردارد و نماز را فرادی تمام کند و بعد دوباره بخواند، اگرچه حکم بصحت نماز بعید نیست.

مسئله ۱۲۳۷ - اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و بمقدار رکوع خم شود، و پیش از ذکر رکوع شك کند که برکوع امام رسیده یا نه، جماعت باطل است و باید مطابق احتیاطی که در مسئله پیش گفته شد عمل نماید اگرچه حکم به بصحت نماز چنانچه گذشت بعید نیست ولی اگر در حال اشتغال بدو رکوع یا بعد از آن شك کند جماعت او محکوم بصحت است.

مسئله ۱۲۳۸ - اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و پیش از آنکه باندازه رکوع خم شود، امام سر از رکوع بردارد؛ بنا بر احتیاط واجب باید بایستند تا امام برای رکعت بعد برخیزد و آنرا رکعت اول نماز خود حساب کند. ولی اگر برخاستن امام بقدری طول بکشد که نگویند؛ این شخص نماز جماعت میخواند؛ باید نیت فرادی نماید.

مسئله ۱۲۳۹ - اگر اول نماز یا بین حمد و سوره اقتدا کند و پیش از آنکه برکوع رود، امام سر از رکوع بردارد چنانچه عمداً رکوع خود را تاخیر نپنداخته نماز او صحیح است و الا احتیاط لازم آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند

مسئله ۱۴۲۰ - اگر موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است چنانچه بخواهد بثواب جماعت برسد ، باید بعد از نیت و گفتن تکبیرة الاحرام بنشیند و تشهد را با امام بخواند ولی سلام را نگوید و صبر کند تا امام سلام نماز را بدهد ، بعد بایستد و بدون آنکه دوباره نیت کند و تکبیر بگوید ، حمد و سوره را بخواند و آنرا رکعت اول نماز خود حساب کند .

مسئله ۱۴۲۱ - مأموم نباید جلوتر از امام بایستد و اگر مساوی او بایستد اشکال ندارد ، ولی اگر قد او بلندتر از امام است؛ بنا بر احتیاط واجب باید طوری بایستد که در رکوع و سجود جلوتر از امام نباشد .

مسئله ۱۴۲۲ - در نماز جماعت باید بین مأموم و امام پرده و مانند آن که پشت آندیده نمیشود فاصله نباشد بلکه بنا بر احتیاط لازم شیشه و مانند آن نیز فاصله نباشد و همچنین است بین انسان و مأموم دیگری که انسان بواسطه او با امام متصل شده است ولی اگر امام مرد و مأموم زن باشد ، چنانچه بین آن زن و امام یا بین آن زن و مأموم دیگری که مرد است و زن بواسطه او با امام متصل شده است پرده و مانند آن باشد اشکال ندارد .

مسئله ۱۴۲۳ - اگر بعد از شروع نماز بین مأموم و امام ، یا بین مأموم و کسیکه مأموم بواسطه او متصل با امام است ، پرده یا چیز دیگری که پشت آن را نمیتوان دید فاصله شود نمازش قهراً فرادی میشود و باید به وظیفه فرادی عمل نموده و نماز را تمام کند .

مسئله ۱۴۲۴ - احتیاط واجب آنست که بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام بیشتر از يك قدم فراه فاصله نباشد و نیز اگر انسان بواسطه مأمومی که جلوی او ایستاده با امام متصل باشد ، بنا بر احتیاط واجب باید فاصله جای سجده اش از جای ایستادن او بیشتر از يك قدم فراه نباشد . احتیاط مستحب آنست که جای سجده مأموم با جای کسی

که جلوی او ایستاده بیشتر از يك قدم معمولی فاصله نداشته باشد .

مسئله ۱۴۲۵- اگر مأموم بواسطه کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا کرده با امام متصل باشد و از جلو با امام متصل نباشد ، بنا بر احتیاط واجب باید با کسیکه در طرف راست یا چپ او اقتدا کرده ، بیشتر از يك قدم فاصله نداشته باشد .

مسئله ۱۴۲۶- اگر در نماز ، بین مأموم و امام ، باین مأموم و کسیکه مأموم بواسطه او با امام متصل است ، بیشتر از يك قدم فاصله پیدا شود نمازش صحیح است و قهراً فرادی میشود و قصد فرادی هم لازم نیست .

مسئله ۱۴۲۷- اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود ، یا همه نیت فرادی نمایند نماز صف بعد فرادی میشود هر چند صف جلو فوراً برای نماز دیگری به امام اقتدا کنند .

مسئله ۱۴۲۸- اگر در رکعت دوم اقتدا کند ، لازم نیست حمد و سوره بخواند ولی قنوت و تشهد را با امام میخواند و احتیاط آنست که موقع خواندن تشهد انگشتان دست و سینه پا را بزمین بگذارد و زانو ها را بلند کند و باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد ، حمد را تمام کند و در رکوع خود را با امام برساند و اگر در رکوع هم نمیکند احتیاط واجب آن است که حمد را تمام کند و در سجده ، خود را با امام برساند ، ولی اگر در سجده با امام برسد ؛ بهتر است که نماز را دوباره بخواند .

مسئله ۱۴۲۹- اگر موقعی که امام در رکعت دوم نماز چهار رکعتی است اقتدا کند ، باید در رکعت دوم نمازش که رکعت سوم امام است بعد از دو سجده بنشیند و تشهد را بمقدار واجب بخواند و برخیزد و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات وقت ندارد ؛ يك مرتبه بگوید و در رکوع یا سجده خود را با امام برساند .

مسئله ۱۴۵۰- اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و مأموم بداند که اگر

اقتدا کند و حمد را بخواند بر کوع امام نرسد؛ بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام بر کوع رود؛ بعد اقتدا نماید.

مسئله ۱۲۵۱- اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کند، باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، باید حمد را تمام کند و در کوع خود را با امام برساند و اگر در کوع هم نمیکنند احتیاط واجب آن است که حمد را تمام کند و در سجده خود را با امام برساند، ولی اگر در سجده با امام برسد، بهتر است که نماز را دوباره بخواند.

مسئله ۱۲۵۲- کسیکه می‌داند اگر سوره یا قنوت را تمام کند بر کوع امام نمی‌رسد، چنانچه عمداً سوره یا قنوت را بخواند و بر کوع نرسد نمازش اشکال دارد

مسئله ۱۲۵۳- کسیکه اطمینان دارد که اگر سوره را شروع کند یا تمام نماید بر کوع امام میرسد واجب نیست که سوره را شروع کند، یا اگر شروع کرده تمام نماید بلکه میتواند بمجرد رفتن امام بر کوع سوره را ترك نموده و بر کوع برود.

مسئله ۱۲۵۴- کسیکه یقین دارد، اگر سوره را بخواند بر کوع امام میرسد چنانچه سوره را بخواند و بر کوع نرسد نمازش صحیح است.

مسئله ۱۲۵۵- اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند که در کدام رکعت است میتواند اقتدا کند؛ ولی باید حمد و سوره را بقصد قربت بخواند و اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۲۵۶- اگر بخيال اینکه امام در رکعت اول یا دوم است، حمد و سوره نخواند و بعد از کوع بفهمد که در رکعت سوم یا چهارم بوده، نمازش صحیح است ولی اگر پیش از کوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد، فقط حمد را بخواند و در کوع یا سجده خود را با امام برساند.

مسئله ۱۲۵۷- اگر بخيال اینکه امام در رکعت سوم یا چهارم است حمد و سوره

بخواند و پیش از رکوع یا بعد از آن بفهمد که در رکعت اول یا دوم بوده ، نمازش صحیح است و اگر در پیش حمد و سوره بفهمد ، لازم نیست آنها را تمام کند.

مسئله ۱۲۵۸ - اگر موقعی که مشغول نماز مستحبی است جماعت برپا شود ، چنانچه اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد ، مستحب است نماز را رها کند و مشغول نماز جماعت شود. بلکه اگر اطمینان نداشته باشد که به رکعت اول برسد مستحب است به همین دستور رفتار نماید .

مسئله ۱۲۵۹ - اگر موقعی که مشغول نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی است جماعت برپا شود ، چنانچه بر رکوع رکعت سوم نرفته و اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد ، مستحب است بنابر نماز مستحبی نماز را دو رکعتی تمام کند و خود را به جماعت برساند .

مسئله ۱۲۶۰ - اگر نماز امام تمام شود و مأیوم مشغول تشهد یا سلام اول باشد لازم نیست بیست فرادی کند .

مسئله ۱۲۶۱ - کسیکه یک رکعت از امام عقب مانده بنا بر احتیاط واجب ، باید وقتی امام تشهد رکعت آخر را میخواند ، انگشتان دست و سینه پا را بر زمین بگذارد و زانوهارا بلند نگه دارد و صبر کند تا امام تشهد نماز را بگوید و بعد برخیزد و واجب نیست صبر کند تا امام سلام بگوید .

شرائط امام جماعت

مسئله ۱۱۳۶۲ - امام جماعت باید بلوغ ، عقل ، شیخه و ازاله الطمی ، عیالاً حلال الزامه ، بلوغ و نماز را بطور صحیح بخواند و نیز اگر مأیوم مرد است الطم هم باید مرد باشد بلکه در غیر نماز میت احتیاطاً لازم آن است که زن الطمت نکند هر چند مأیوم زن باشد و اعتدال کرمه بیجهت همیز که خوب و بد را میفهمد به بیجهت همیز دیگر

مانعی ندارد .

مسئله ۱۴۶۳ - امامی را که عادل میدانسته ؛ اگر شك کند بعدالت خود باقیست بانه میتواند باو اقتدا نماید .

مسئله ۱۴۶۴ - کسیکه ایستاده نماز میخواند ، نمیتواند بکسی که نشسته یا خوابیده نماز میخواند اقتدا کند و کسیکه نشسته نماز میخواند ، نمیتواند بکسیکه خوابیده نماز میخواند اقتدا نماید .

مسئله ۱۴۶۵ - کسیکه نشسته یا خوابیده نماز میخواند ، میتواند بکسی که نشسته نماز میخواند اقتدا کند و اما کسیکه خوابیده نماز میخواند ، اگر بخواهد بکسی که خوابیده نماز میخواند اقتدا نماید اشکال دارد .

مسئله ۱۴۶۶ - اگر امام جماعت بواسطه عذری باتیمم یا با وضوی جبیره ای نماز بخواند ، می شود باو اقتدا کرد و اما اگر بواسطه عذری بالباس نجس نماز بخواند اقتدای باو اشکال دارد .

مسئله ۱۴۶۷ - اگر کسی نمیتواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند ؛ نمیتواند باو اقتدا کرد بنا بر احتیاط واجب .

مسئله ۱۴۶۸ - بنا بر احتیاط مستحب کسیکه مرض خوره یا پسی دارد ، نباید امام جماعت شود .

احکام جماعت

مسئله ۱۴۶۹ - موقعی که مأوم نیت می کند ؛ باید امام را معین نماید ولی دانستن اسم او لازم نیست ، مثلا اگر نیت کند اقتدا میکنم بامام حاضر ، نمازش صحیح است .

مسئله ۱۴۷۰ - مأوم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند

ولی اگر رکعت اول یا دوم او ورکعت سوم یا چهارم امام باشد ، باید حمد و سوره را بخواند .

مسئله ۱۴۷۱ - اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشاء صدای حمد و سوره امام را بشنود ، اگر چه کلمات را تشخیص ندهد ، باید حمد و سوره را بخواند و اگر صدای امام را نشنود ، مستحب است حمد و سوره را بخواند ولی باید آهسته بخواند و چنانچه سهواً بلند بخواند اشکال ندارد .

مسئله ۱۴۷۲ - اگر مأموم بعضی از کلمات حمد و سوره امام را بشنود ، احتیاط واجب آنست که حمد و سوره نخواند .

مسئله ۱۴۷۳ - اگر مأموم سهواً حمد و سوره بخواند ، یا خیال کند صدائی را که می شود صدای امام نیست و حمد و سوره بخواند و بعد بفهمد صدای امام بوده ، نمازش صحیح است .

مسئله ۱۴۷۴ - اگر شك کند که صدای امام را میشنود یا نه ، یا صدائی بشنود و نداند صدای امام است یا صدای کس دیگر ؛ میتواند بقصد قربت مطلقه حمد و سوره بخواند .

مسئله ۱۴۷۵ - مکروه است که مأموم در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر حمد و سوره بخواند و مستحب است بجای آن ذکر بگوید .

مسئله ۱۴۷۶ - مأموم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید . بلکه احتیاط آنست که تا تکبیر امام تمام نشده تکبیر نگوید .

مسئله ۱۴۷۷ - اگر مأموم سلام امام را بشنود ؛ یا بداند چه وقت سلام میگوید احتیاط مستحب آنست که پیش از امام سلام نگوید و چنانچه همدأ یا سهواً پیش از امام سلام دهد ، نمازش صحیح است و لازم نیست دوباره با امام سلام دهد .

مسئله ۱۴۷۸ - اگر مأموم غیر از تکبیرة الاحرام ، چیزهای دیگر نماز را پیش

از امام بگوید اشکال ندارد . ولی اگر آنها را بشنود : یابداند امام چه وقت میگوید احتیاط مستحب آنست که پیش از امام نگوید .

مسئله ۱۳۷۹ - مأموم باید غیر از آنچه در نماز خوانده میشود ، کارهای دیگر آن ، مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام بجا آورد . و اگر عمداً پیش از امام یا مدتی بعد از امام انجام دهد ، معصیت کرده و احتیاط واجب آنست که نماز را تمام کند و دوباره بخواند .

مسئله ۱۳۸۰ - اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد ، چنانچه امام در رکوع باشد ، باید بر رکوع برگردد و با امام سر بردارد و در اینصورت زیاد شدن رکوع کارکن است نماز را باطل نمی کند . ولی اگر بر رکوع برگردد و پیش از آنکه بر سر برسد ، امام سر بردارد نمازش باطل است .

مسئله ۱۳۸۱ - اگر اشتبهاً سر بردارد و بیند امام در سجده است ، باید بسجده برگردد ، و چنانچه در هر دو سجده این اتفاق بیفتد برای زیاد شدن دو سجده که رکن است ، نماز باطل نمیشود .

مسئله ۱۳۸۲ - کسیکه اشتبهاً پیش از امام سر از سجده برداشته هر گاه بسجده برگردد ، و هنوز بسجده نرسیده امام سر بردارد ، نمازش صحیح است ولی اگر در هر دو سجده این اتفاق بیفتد ، نماز باطل است .

مسئله ۱۱۲۳۳ - اگر اشتبهاً سر از رکوع یا سجده بردارد و سهواً یا بخیال اینکه باطل نمی رسد ، بر رکوع یا سجده نرود ، نمازش صحیح است .

مسئله ۱۱۲۳۴ - اگر سر از سجده بردارد و بیند الطم در سجده است ، چنانچه بخیال اینکه سجده اول الطم است ، بقصد اینکه با الطم سجده کند بسجده رود و بنهطه سجده دوم الطم بود ، سجده دوم او حساب میشود و اگر بخیال اینکه سجده دوم الطم است ، بسجده رود و بنهطه سجده اول الطم بود ، باید بقصد اینکه با الطم سجده کند

تمام کند و دوباره با امام به سجده رود. و در هر دو صورت احتیاط واجب آنستکه نماز را بجماعت تمام کند و دوباره بخواند.

مسئله ۱۴۸۵ - اگر سهواً پیش از امام بر کوع رود و طوری باشد که اگر سر بردارد بمقداری از قرائت امام میرسد چنانچه سر بردارد و با امام بر کوع رود نمازش صحیح است. و اگر عمداً برنگردد، احتیاط واجب آنست که نماز را بجماعت تمام کند و دوباره بخواند.

مسئله ۱۴۸۶ - اگر سهواً پیش از امام بر کوع رود و طوری باشد که اگر برگردد بجیزی از قرائت امام نمیرسد، در صورتیکه صبر کند تا امام باو برسد، نمازش صحیح است. و اگر به قصد اینکه با امام نماز بخواند سر بردارد و با امام بر کوع رود احتیاط مستحب آنستکه نماز را تمام کند و دوباره بجا آورد.

مسئله ۱۴۸۷ - اگر سهواً پیش از امام بسجده رود، در صورتیکه صبر کند تا امام باو برسد، نمازش صحیح است و اگر به قصد اینکه با امام نماز بخواند سر بردارد و با امام بسجده رود، احتیاط مستحب آنستکه نماز را تمام کند و دوباره بجا آورد.

مسئله ۱۴۸۸ - اگر امام در رکعتی که قنوت ندارد اشتباهاً قنوت بخواند یا در رکعتی که تشهد ندارد اشتباهاً مشغول خواندن تشهد شود، مأوم نباید قنوت و تشهد را بخواند، ولی نمی تواند پیش از امام بر کوع رود، یا پیش از ایستادن امام بایستد بلکه باید صبر کند تا قنوت و تشهد امام تمام شود و بقیه نماز را با او بخواند.

چیزهایی که در نماز جماعت مستحب است

مسئله ۱۴۸۹ - اگر با عموم يك مرد باشد، مستحب است طرف راست العالم را بپوشد و اگر با زن باشد، مستحب است طرف راست العالم طوری بپوشد که باطنی و سجده اش معلومی زانو یا قدام العالم باشد و اگر يك مرد و يك زن یا يك مرد و چند زن باشد

مستحب است مرد طرف راست امام و باقی پشت سر امام بایستند و اگر چند مرد یا چند زن باشند، مستحب است پشت سر امام بایستند و اگر چند مرد و چند زن باشند، مستحب است مردان پشت سر امام و زنان پشت سر مردان بایستند.

مسئله ۱۴۹۰ - در نماز میت که امامت زن بر زنان جایز است بهتر است که ردیف یکدیگر بایستند و امام جلو تر از دیگران نایستد.

مسئله ۱۴۹۱ - مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و نقوی در صف اول بایستند.

مسئله ۱۴۹۲ - مستحب است صفهای جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده اند فاصله نباشد و شانه آنان ردیف یکدیگر باشد.

مسئله ۱۴۹۳ - مستحب است بعد از گفتن *قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ* مأمومین برخیزند.

مسئله ۱۴۹۴ - مستحب است امام جماعت حال مأمومی را که از دیگران ضعیف تر است رعایت کند و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر بداندهمه کسانی که با وقتدا کرده اند مایلند.

مسئله ۱۴۹۵ - مستحب است امام جماعت در حمد و سوره و ذکرهایی که بلند میخواند، صدای خود را بقدری بلند کند که دیگران بشنوند، ولی باید بیش از اندازه صدای بلند نکند.

مسئله ۱۴۹۶ - اگر امام در رکوع بفهمد کسی تازه رسید و میخواهد اقتدا کند مستحب است رکوع را دو برابر همیشه طول بدهد و بعد برخیزد، اگر چه بفهمد کس دیگری هم برای اقتدا وارد شده است.

چیزهاییکه در نماز جماعت مکروه است

مسئله ۱۴۹۷ - اگر در صفهای جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد

مسئله ۱۴۹۸ - مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.

مسئله ۱۴۹۹ - مسافری که نماز ظهر و عصر و عشا رادو رکعت میخواند مکروه است در این نمازها بکسی که مسافر نیست اقتدا کند و کسیکه مسافر نیست مکروه است در این نمازها بمسافر اقتدا نماید .

نماز آیات

مسئله ۱۵۰۰ - نماز آیات که دستور آن بعداً گفته خواهد شد ، بواسطه چهار چیز واجب میشود :

اول و دوم - گرفتن ماه و خورشید اگرچه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد .

سوم - زلزله اگرچه کسی هم نترسد .

چهارم - رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها در صورتیکه بآنها آیت صدق کند اگر چه کسی هم نترسد .

مسئله ۱۵۰۱ - اگر از چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است بیشتر از یکی اتفاق بیفتد ، انسان باید برای هر يك از آنها يك نماز آیات بخواند ، مثلاً اگر خورشید بگردد و زلزله هم بشود ، باید دو نماز آیات بخواند .

مسئله ۱۵۰۲ - کسیکه چند نماز آیات بر او واجب است ، اگر همه آنها برای يك چیز بر او واجب شده باشد ، مثلاً سه مرتبه خورشید گرفته و نماز آنها را نخوانده است ، موقعی که قضای آنها را میخواند ، لازم نیست معین کند که برای کدام دفعه آنها باشد ، و همچنین است اگر چند نماز برای رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها بر او واجب شده باشد ، ولی اگر برای آفتاب گرفتن ، ماه گرفتن و زلزله ؛ یا برای دو تایی اینها نمازهایی بر او واجب شده باشد ؛ بنا بر احتیاط واجب ، باید موقع نیست معین کند ، نماز آیاتی را که میخواند برای کدام يك آنها است .

مسئله ۱۵۰۳ - چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است ، در هر شهری

اتفاق بیفتد ، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست ، ولی اگر مکان آنها ، بقدری نزدیک باشد که با آن شهر یکی حساب شود نماز آیات بر آنها هم واجب است .

مسئله ۱۵۰۴ - از وقتی که خورشید یا ماه شروع بگرفتن میکند انسان ، میتواند نماز آیات را بخواند ، و باید بقدری تأخیر نیندازد که تمام قرص باز شود .

مسئله ۱۵۰۵ - اگر خواندن نماز آیات را بقدری تأخیر بیندازد که تمام قرص آفتاب یا ماه باز شود ، و بعد از باز شدن تمام آن ؛ نماز بخواند باید نیت قضا نماید . و قبل از باز شدن تمام آن ادا است .

مسئله ۱۵۰۶ - اگر مدت گرفتن خورشید یا ماه با اندازه خواندن يك ركعت نماز باشد ؛ نمازی که میخواند ادا است و همچنین است اگر مدت گرفتن آنها بیشتر باشد ولی انسان نماز را نخواند ، تا به اندازه خواندن يك ركعت بیاز شدن تمام قرص مانده باشد ولی اگر مدت گرفتن ماه یا خورشید با اندازه خواندن يك ركعت نباشد بنا بر احتیاط نیت اداء و قضا نکند و بقصد مافی الذمه نماز را بجا آورد .

مسئله ۱۵۰۷ - موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند اینها اتفاق می افتد ، انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند ادا است .

مسئله ۱۵۰۸ - اگر بعد از باز شدن آفتاب یا ماه بفهمد که تمام آن گرفته بوده ؛ باید بقضای نفلز آیات را بخواند ، ولی اگر بفهمد مقدار از آن گرفته بوده قضا بر او واجب نیست .

مسئله ۱۵۰۹ - اگر عطمانی بیگوریند که خورشید یا ماه گرفته است چنانچه نفلز از گفته آنگاه یقین پیدا نکند و نفلز آیات نخواند ؛ و بعد مطلوب شود در است گفته اند در صورتیکه تمام خورشید یا ماه گرفته باشد باید نفلز آیات را بخواند بلکه اگر مقدار از آن هم گرفته باشد ، بنا بر احتیاط مستحب نفلز آیات را بخواند و همچنین است

اگر دو نفر که عادل بودن آنان معلوم نیست ، بگویند خورشید یا ماه گرفته ، بعد معلوم شود که عادل بوده‌اند .

مسئله ۱۵۱۰ - اگر انسان به گفته کسانی که از روی قاعده علمی وقت گرفتن خورشید و ماه را میدانند ، اطمینان پیدا کند که خورشید یا ماه گرفته باید نماز آیات را بخواند . و نیز اگر بگویند فلان وقت خورشید یا ماه میگیرد و فلان مقدار طول میکشد و انسان بگفته آنان اطمینان پیدا کند باید به حرف آنان عمل نماید مثلا اگر بگویند آفتاب فلان ساعت باز میشود باید نماز را تا آنوقت تأخیر نیندازد .
مسئله ۱۵۱۱ - اگر بفهمد نماز آیاتی که خوانده باطل بوده ، باید دو باره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید .

مسئله ۱۵۱۲ - اگر در وقت نماز یومیه نماز آیات هم بر انسان واجب شود ، چنانچه برای هر دو نماز وقت دارد ، هر کدام را اول بخواند اشکال ندارد . و اگر وقت یکی از آن دو تنگ باشد ، باید اول آنرا بخواند . و اگر وقت هر دو تنگ باشد ، باید اول نماز یومیه را بخواند .

مسئله ۱۵۱۳ - اگر در بین نماز یومیه بفهمد که وقت نماز آیات تنگ است چنانچه وقت نماز یومیه هم تنگ باشد ، باید آنرا تمام کند بعد نماز آیات را بخواند و اگر وقت نماز یومیه تنگ نباشد ؛ باید آنرا بشکند و اول نماز آیات ، بعد نماز یومیه را بجا آورد .

مسئله ۱۵۱۴ - اگر در بین نماز آیات بفهمد که وقت نماز یومیه تنگ است باید نماز آیات را رها کند و مشغول نماز یومیه شود و بعد از آنکه نماز را تمام کرد بیش از انجام کاریکه نماز را بهم بزند : نفع نماز آیات را از همانجا که رها کرده بخواند .

مسئله ۱۵۱۵ - نماز آیات بر حائض و نفساء در حال حیض یا نفاس واجب نیست ولی بعد از پاک شدن بنا بر احتیاط لازم باید بجا آورد و در گرفتن ماه و خورشید بنا بر احتیاط

نیت اداء و قضا نکند ولی در غیر این دو نیت ادا کند .

دستور نماز آیات

مسئله ۱۵۱۶ - نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و دستور آن اینست که انسان بعد از نیت؛ تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره تمام بخواند و بر رکوع رود و سر از رکوع بردارد ، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند ، باز بر رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول بجا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد .

مسئله ۱۵۱۷ - در نماز آیات ممکن است انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد آیه های يك سوره را پنج قسمت کند و يك آیه یا بیشتر یا کمتر از آنرا بخواند و بر رکوع رود و سر بردارد و بدون اینکه حمد بخواند ؛ قسمت دوم از همان سوره را بخواند و بر رکوع رود و همینطور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید ، مثلاً بقصد سوره توحید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بگوید و بر رکوع رود ، بعد بایستد و بگوید : قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ دوباره بر رکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید اَللّٰهُ الصَّمَدُ باز بر رکوع رود و بعد بایستد و بگوید : لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ و برود بر رکوع بازم سر بردارد و بگوید : وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ و بعد از آن بر رکوع پنجم رود و بعد از سر برداشتن ، دو سجده کند و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از سجده دوم تشهد بخواند و سلام دهد .

مسئله ۱۵۱۸ - اگر در يك رکعت از نماز آیات ؛ پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر يك حمد بخواند و سوره را پنج قسمت کند اشکال ندارد .

مسئله ۱۵۱۹ - چیزهایی که در نماز یومیه واجب و مستحب است، در نماز آیات هم واجب و مستحب میباشد ولی در نماز آیات مستحب است بجای اذان و اقامه سه

مرتبہ بگویند: الصلوة .

مسئله ۱۵۲۰- مستحب است بعد از رکوع پنجم و دهم بگوید: **سمع الله لمن حمده** و نیز پیش از هر رکوع و بعد از آن تکبیر بگوید ولی بعد از رکوع پنجم و دهم گفتن تکبیر مستحب نیست .

مسئله ۱۵۲۱- مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر فقط يك قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافیست .

مسئله ۱۵۲۲- اگر در نماز آیات شك کند که چند رکعت خوانده و فکرش بجائی نرسد نماز باطل است .

مسئله ۱۵۲۳- اگر شك کند که در رکوع آخر رکعت اول است ، یا در رکوع اول رکعت دوم و فکرش بجائی نرسد ، نماز باطل است ولی اگر مثلاً شك کند که چهار رکوع کرده یا پنج رکوع ، چنانچه برای رفتن بسجده خم نشده ، باید رکوعی را که شك دارد بجا آورده یا نه ، بجا آورد و اگر برای رفتن بسجده خم شده ، باید بشك خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۵۲۴- هر يك از رکوع های نماز آیات رکن است که اگر عمداً یا اشتباها کم یا زیاد شود نماز باطل است .

نماز عید فطر و قربان

مسئله ۱۵۲۵- نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و باید بجماعت خوانده شود . و در زمان ماکه امام عليه السلام غائب است ، مستحب میباشد . و میشود آن را بجماعت با فردی خواند .

مسئله ۱۵۲۶- وقت نماز عید فطر و قربان از اول آفتاب روز عید تا ظهر میباشد .

مسئله ۱۵۲۷- مستحب است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند .

و در عید فطر مستحب است ، بعد از بلند شدن آفتاب افطار کنند و با احتیاط لازم زکوة فطره را هم بدهند یا جدا نمایند و بعد نماز عید را بخوانند .

مسئله ۱۵۲۸ - نماز عید فطر و قربان دور کعت است که در کعت اول بعد از خواندن حمید و سوره ؛ باید پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر يك قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و بر کوع رود و دو سجده بجا آورد و برخیزد و در کعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید بر کوع رود و بعد از کوع دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را اسلام دهد .

مسئله ۱۵۲۹ - در قنوت نماز عید فطر و قربان هر دو و ذکر ی بخواند کافست .

ولی بهتر است این دعا را بخوانند :

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ أَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَ أَهْلَ الْعَفْوِ
الرَّحْمَةِ وَ أَهْلَ التَّقْوَى وَ الْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ
عِيدًا وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُخْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَامَةً وَ مَزِيدًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ آدَخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ
وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
وَ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِمَّا
أَسْتَعَاذُ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ .

مسئله ۱۵۳۰ - در زمان غائب بودن امام علیه السلام مستحب است بعد از نماز عید

فطر و قربان دو خطبه بخوانند ، و بهتر است که در خطبه عید فطر احکام زکوة فطره و در خطبه عید قربان احکام قربانی را بگویند .

مسئله ۱۵۳۱ - نماز عید سوره مخصوصی ندارد ولی بهتر است که در کعت

اول آن سوره شمس (سوره ۹۱) و در کعت دوم سوره غاشیه (سوره ۸۸) را بخوانند یا در کعت اول سوره سبوح اسم (سوره ۸۷) و در کعت دوم سوره شمس را بخوانند

مسئله ۱۵۳۲ - مستحب است نماز عید را در صحرا بخوانند ولی در مکه مستحب است در مسجد الحرام خوانده شود .

مسئله ۱۵۳۳ - مستحب است پیاده و پابرهنه و باوقار بنماز عید بروند و پیش از نماز غسل کنند و عمامه سفید بر سر بگذارند .

مسئله ۱۵۳۴ - مستحب است در نماز عید بر زمین سجده کنند و در حال گفتن تکبیرها دستها را بلند کنند و کسیکه نماز عید میخواند ؛ اگر امام جماعت است ، یا فردی نماز میخواند ، نماز را بلند بخواند .

مسئله ۱۵۳۵ - بعد از نماز مغرب و عشاء شب عید فطر و بعد از نماز صبح آن و بعد از نماز عید فطر بلکه بعد از نماز ظهر و عصر روز عید نیز مستحب است این تکبیرها را بگوید : **اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَللّٰهُ وَ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ عَلٰی مَا هَدَانَا .**

مسئله ۱۵۳۶ - مستحب است انسان در عید قربان بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز دوازدهم است تکبیرهایی را که در مسئله پیش گفته شد بگوید و بعد از آن بگوید : **اَللّٰهُ اَكْبَرُ عَلٰی مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيْمَةِ الْاَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَبْلَانَا .** ولی اگر عید قربان را در منی باشد ، مستحب است بعد از یازده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم ذی حجه است این تکبیرها را بگوید .

مسئله ۱۵۳۷ - احتیاط مستحب آنستکه زن از رفتن بنماز عید خود داری کند ولی این احتیاط برای زن پیر نیست .

مسئله ۱۵۳۸ - در نماز عید هم مثل نمازهای دیگر ، مأموم باید غیر از حمد و سوره چیزهای دیگر نماز را خودش بخواند .

مسئله ۱۵۳۹ - اگر مأموم موقعی برسد که امام مقداری از تکبیرها را گفته

بعد از آنکه امام بر کوع رفت، باید آنچه از تکبیرها و قنوتها را که با امام نگفته خودش بگوید و اگر در هر قنوت يك سُبْحَانَ اللَّهِ بِاِيكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بگوید کافیست.

مسئله ۱۵۴۰ - اگر در نماز عید موقعی برسد که امام در رکوع است چنانچه بتواند اقتدا کند و تکبیرها و قنوتها را مختصراً اگر چه بيك سُبْحَانَ اللَّهِ باشد بگوید و در رکوع امام کند اشکالی ندارد و الا احتیاط آنستکه در حال رکوع اقتدا نکند.

مسئله ۱۵۴۱ - اگر در نماز عید يك سجده یا تشهد را فراموش کند، احتیاط آنستکه بعد از نماز آن را بجا آورد و نیز اگر کاری که برای آن سجده سهو لازم است پیش آید، بنا بر احتیاط باید بعد از نماز دو سجده سهو بنماید.

اجیر گرفتن برای نماز

مسئله ۱۵۴۲ - بعد از مرگ انسان، میشود برای نماز و عبادتهای دیگر او که در زندگی بجا نیاورده، دیگری را اجیر کنند یعنی با او مزد دهند که آنها را بجا آورد، و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد صحیح است.

مسئله ۱۵۴۳ - انسان میتواند برای بعضی از کارهای مستحبی مثل زیارت قبر پیغمبر ﷺ و ائمه علیهم السلام، از طرف زندگان اجیر شود. و نیز میتواند کار مستحبی را انجام دهد و ثواب آنرا برای مردگان یا زندگان هدیه نماید.

مسئله ۱۵۴۴ - کسیکه برای نماز قضای میت اجیر شده، باید یا مجتهد باشد یا مسائل نماز را از روی تقلید صحیح بداند یا عمل با احتیاط کند.

مسئله ۱۵۴۵ - اجیر باید موقع نیت، میت را معین نماید. و لازم نیست اسم او را بداند، پس اگر نیت کند از طرف کسی نماز میخوانم که برای او اجیر شده ام کافیست.

مسئله ۱۵۴۶ - اجیر باید یا خود را بجای میت فرض کند و عبادتهای او را قضا

نماید و یا عمل خود را عمل میت فرض کند و یا قصد کند و واجب میت را و بجا آورد ولی اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند کافی نیست .

مسئله ۱۵۴۷ - باید کسی را اجیر کنند که اطمینان داشته باشند عمل را بطور صحیح انجام میدهد .

مسئله ۱۵۴۸ - کسیکه دیگری را برای نمازهای میت اجیر کرده، اگر بفهمد که عمل را بجا نیاورده، با باطل انجام داده، باید دوباره اجیر بگیرد .

مسئله ۱۵۴۹ - هر گاه شك کند که اجیر عمل را انجام داده یا نه باید دوباره اجیر بگیرد . ولی اگر اجیر بگوید عمل را انجام داده ام کافی است و دوباره اجیر گرفتن لازم نیست و اگر شك کند که عمل او صحیح بوده یا نه، گرفتن اجیر لازم نیست .

مسئله ۱۵۵۰ - کسی را که عذری دارد و مثلاً باتیمم یا نشسته نماز میخواند، نمیشود برای نمازهای میت اجیر کرد، اگر چه نماز میت هم همان طور قضا شده باشد .

مسئله ۱۵۵۱ - مرد برای زن و زن برای مرد میتواند اجیر شود و در بلند خواندن و آهسته خواندن نماز باید بتکلیف خود عمل نماید .

مسئله ۱۵۵۲ - لازم نیست قضای نمازهای میت بترتیب خوانده شود مگر در آنچه در اداء آن ترتیب لازم است مثل ظهر و عصر یک روز .

مسئله ۱۵۵۳ - اگر با اجیر شرط کنند که عمل را بطور مخصوصی انجام دهد باید همان طور بجا آورد . و اگر با او شرط نکنند، باید در آن عمل بتکلیف خود رفتار نماید و احتیاط مستحب آنست که از وظیفه خودش و میت هر کدام که با احتیاط نزدیکتر است بآن عمل کند مثلاً اگر وظیفه میت گرفتن سه مرتبه تسبیحات اربع بوده، و تکلیف او یک مرتبه است، سه مرتبه بگوید .

مسئله ۱۵۵۴ - اگر با اجیر شرط نکنند که نماز را با چه مقدار از مستحبات آن بخواند، باید مقداری از مستحبات نماز را که معمول است بجا آورد .

مسئله ۱۵۵۵- اگر انسان چند نفر را برای نماز قضای میت اجیر کند و بخواهد احتیاط کند و ترتیب را مراعات نماید ، باید برای هر کدام آنها وقتی را معین نماید ، مثلا اگر بایکی از آنها قرار گذاشت که از صبح تا ظهر نماز قضا بخواند ، با دیگری قرار بگذارد که از ظهر تا شب بخواند . و نیز باید نمازی را که در هر دفعه شروع میکند معین نماید مثلا قرار بگذارد ، اول نمازی را که میخواند صبح باشد یا ظهر یا عصر و همچنین باید با آنها قرار بگذارد که در هر دفعه ؛ نماز یکشنبه روز را تمام کنند و اگر ناقص بگذارند آن را حساب نکنند و دفعه بعد نماز یکشنبه روز را از سر شروع نمایند .

مسئله ۱۵۵۶- اگر کسی اجیر شود که مثلا در مدت یکسال نمازهای میت را بخواند و پیش از تمام شدن سال بمیرد ، باید برای نمازهایی که میدهند بجا نیاورده دیگر بر اجیر نمایند و همچنین برای نمازهایی که احتمال میدهند بجا نیاورده باشد بنا بر احتیاط واجب .

مسئله ۱۵۵۷- کسی را که برای نمازهای میت اجیر کرده اند ، اگر پیش از تمام کردن نمازها بمیرد و اجرت همه آنها را گرفته باشد ، چنانچه شرط کرده باشند که تمام نمازها را خودش بخواند ، باید اجرت مقداری را که نخوانده از مال او بولی میت بدهند مثلا اگر نصف آنها را نخوانده ، باید نصف پولی را که گرفته از مال او بولی میت بدهند و اگر شرط نکرده باشند ، باید ورثه اش از مال او اجیر بگیرند اما اگر مال نداشته باشد بر ورثه او چیزی واجب نیست .

مسئله ۱۵۵۸- اگر اجیر پیش از تمام کردن نمازهای میت بمیرد و خودش هم نماز قضا داشته باشد ، باید از مال او برای نمازهایی که اجیر بوده دیگری را اجیر نمایند و اگر چیزی زیاد آمد ، در صورتیکه وصیت کرده باشد و ورثه اجازه بدهند ، برای تمام نمازهای او اجیر بگیرند ، و اگر اجازه ندهند ثلث آنرا به مصرف نماز خودش برسانند .

احکام روزه

روزه آنست که انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل میکند و شرح آنها بعداً گفته میشود خودداری نماید .

نیت

مسئله ۱۵۵۹ - لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند ؛ یا مثلاً بگوید ؛ فردا را روزه میگیرم ، بلکه همینقدر که برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل میکند انجام ندهد کافیست . و برای آنکه یقین کند تمام این مدت را روزه بوده ، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از مغرب ، از انجام کاری که روزه را باطل میکند خودداری نماید .

مسئله ۱۵۶۰ - انسان میتواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن ، نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه هم‌ماه را بنماید .

مسئله ۱۵۶۱ - وقت نیت روزه ماه رمضان از اول شب است تا اذان صبح .

مسئله ۱۵۶۲ - وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که باندازه نیت کردن بمغرب وقت مانده باشد که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل میکند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند روزه او صحیح است .

مسئله ۱۵۶۳ - کسیکه پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده است ،

اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند ، روزه او صحیح است چه روزه واجب باشد چه مستحب . و اگر بعد از ظهر بیدار شود ؛ نمیتواند نیت روزه واجب نماید ولی در واجب مضیق مثل روزه ماه رمضان احتیاط واجب آنستکه رجاءاً نیت روزه بنماید و آنرا تمام کند و بعد هم قضای آنرا بجا آورد .

مسئله ۱۵۶۴ - اگر بخواهد غیر روزه رمضان روزه دیگری بگیرد باید آنرا معین نماید ، مثلاً نیت کند که روزه قضا یا روزه نذر میگیرم . ولی در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان میگیرم . و هم چنین در روزه مستحبی و روزه ای که زمانش معین است تعیین لازم نیست بلکه در روزه ماه رمضان اگر نداند ماه رمضان است یا فراموش نماید و روزه دیگری را نیت کند ، روزه ماه رمضان حساب میشود .

مسئله ۱۵۶۵ - اگر بداند ماه رمضان است و عمدتاً نیت روزه غیر رمضان کند نه روزه رمضان حساب میشود و نه روزه ای که قصد کرده است .

مسئله ۱۵۶۶ - اگر مثلاً بنیت روز اول ماه روزه بگیرد ، بعد بفهمد دوم یا سوم بوده ، روزه او صحیح است .

مسئله ۱۵۶۷ - اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بیهوش شود و در بین روز بیهوش آید بنا بر احتیاط واجب باید روزه آن روز را تمام نماید و اگر تمام نکرد قضای آنرا بجا آورد .

مسئله ۱۵۶۸ - اگر پیش از اذان صبح نیت کند و مست شود و در بین روز بیهوش آید احتیاطاً امساک کند و باید قضای آنرا بجا آورد .

مسئله ۱۵۶۹ - اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بخوابد و بعد از مغرب بیدار شود ، روزه اش صحیح است .

مسئله ۱۵۷۰ - اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر ملتفت شود ؛ چنانچه کاریکه روز را باطل میکند انجام نداده باشد ، باید نیت کند و

روزه‌او صحیح است . و اگر کاری که روزه را باطل میکند انجام داده باشد، یا بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است، روزه او باطل می‌باشد. ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل میکند انجام ندهد و بعد از رمضان هم آن روزه را قضا نماید.

مسئله ۱۵۷۱ - اگر بچه پیش از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود، باید روزه بگیرد و احتیاط واجب آنستکه اگر پیش از ظهر بالغ شود و مفطری بجا نیاورده باشد آنروز را قصد روزه کند و تمام کند .

مسئله ۱۵۷۲ - کسی که برای بجا آوردن روزه مبتدی اجبر شده، اگر روزه مستحبی بگیرد اشکال ندارد ولی کسیکه روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمیتواند روزه مستحبی بگیرد و چنانچه فراموش کند و روزه مستحب بگیرد، در صورتیکه پیش از ظهر یادش بیاید، روزه مستحبی او بهم می‌خورد و میتواند نیت خود را بروزه واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر ملتفت شود؛ روزه او باطل است بلکه اگر بعد از مغرب یادش بیاید معلوم نیست روزه اش صحیح باشد .

مسئله ۱۵۷۳ - اگر غیر از روزه ماه رمضان روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد، مثلاً نذر کرده باشد که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه عمداً تا اذان صبح نیت نکند، روزه اش باطل است و اگر نداند که روزه آنروز بر او واجب است یا فراموش کند و پیش از ظهر یادش بیاید، چنانچه کاری که روزه را باطل میکند، انجام نداده باشد و بدون تأخیر نیت کند روزه او صحیح و گرنه باطل می‌باشد .

مسئله ۱۵۷۴ - اگر برای روزه ایکه واجب است و روز آن معین نیست مثل روزه کفاره عمداً تا ظهر نیت نکند اشکال ندارد . بلکه اگر پیش از نیت تصمیم داشته باشد که روزه نگیرد، یا تردید داشته باشد که بگیرد یا نه، چنانچه کاری که روزه را باطل میکند انجام نداده باشد و پیش از ظهر نیت کند، روزه او صحیح است .

مسئله ۱۵۷۵ - اگر در ماه رمضان، پیش از ظهر کافر؛ مسلمان شود روزه

بر او واجب نیست اگر چه از اذان صبح تا آنوقت کاریکه روزه را باطل میکند انجام نداده باشد بلی بعد از اسلام تا غروب از چیزهایی که روزه دار باید از آنها خودداری نماید خوب است خودداری کند .

مسئله ۱۵۷۶ - اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود واجب نیست بر او که نیت روزه کند اگر چه از اذان صبح تا آنوقت کاری که روزه را باطل میکند انجام نداده باشد .

مسئله ۱۵۷۷ - روزی را که انسان شك دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، واجب نیست روزه بگیرد . و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی تواند نیت روزه رمضان کند و می تواند نیت کند که اگر رمضان است روزه رمضان و اگر رمضان نیست روزه قضا یا مانند آن باشد و بهتر آنستکه نیت روزه قضا مانند آن بنماید و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده ، از رمضان حساب می شود .

مسئله ۱۵۷۸ - اگر روزی را که شك دارد آخر شعبان است یا اول رمضان ، به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است ، باید نیت روزه رمضان کند .

مسئله ۱۵۷۹ - اگر در روزه واجب معینی - مثل روزه رمضان - مرد شود که روزه خود را باطل کند یا نه ، یا قصد کند که روزه را باطل کند ، روزه اش باطل میشود اگر چه از قصدی که کرده توبه نماید و کاری هم که روزه را باطل میکند انجام ندهد .

مسئله ۱۵۸۰ - در روزه مستحب و روزه واجبی که وقت آن معین نیست مثل روزه کفار - اگر قصد کند کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد ، یا مرد شود که بجا آورد یا نه . چنانچه بجای آورد و در روزه واجب پیش از ظهر و در مستحب تا پیش از غروب دوباره نیت روزه کند ، روزه او صحیح است .

چیزهاییکه روزه را باطل می کند

مسئله ۱۵۸۱ - نه چیز روزه را باطل میکند :

اول - خوردن و آشامیدن. دوم - جماع. سوم - استمناء. چهارم - دروغ بستن بخداوند متعال و پیغمبر و جانشینان پیغمبر علیهم السلام. پنجم - رساندن غبار غلیظ بحلق. ششم - فرو بردن تمام سر در آب که حرام است و بنا بر احتیاط لازم روزه را هم باطل میکند. هفتم - باقیماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح. هشتم - اماله کردن با چیزهای روان. نهم - قی کردن. و احکام این هادر مسائل آینده گفته می شود.

۱- خوردن و آشامیدن

مسئله ۱۵۸۲ - اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بشامد ، روزه او باطل می شود ، چه خوردن و آشامیدن آن چیز معمول باشد مثل نان و آب ، چه معمول نباشد مثل خاك و شیره درخت و چه کم باشد یا زیاد ؛ حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورد و دوباره بدهان ببرد و رطوبت آنرا فرو برد ، روزه او باطل می شود بلکه اگر رطوبت مسواک در آب دهان بطوری از بین برود که رطوبت خارج بآن گفته نشود ولی بداند که در دهان باقی است بنا بر احتیاط لازم نباید آنرا فرو برد .

مسئله ۱۵۸۳ - اگر موقعیکه مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده ، باید لقمه را از دهان بیرون آورد و چنانچه عمداً فرو برد روزه اش باطل است و بدستوریکه بعداً گفته خواهد شد کفاره هم بر او واجب می شود .

مسئله ۱۵۸۴ - اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بشامد روزه اش باطل نمیشود.

مسئله ۱۵۸۵ - احتیاط آنستکه روزه دار از استعمال آمپول خودداری کند ،

و فرق بین آمپولها نیست . ولی اگر لازم شد و تزریق کرد روزه او باطل نمیشود .

مسئله ۱۵۸۶ - اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد ،

روزه اش باطل میشود .

مسئله ۱۵۸۷- کسیکه می خواهد روزه بگیرد ، لازم نیست پیش از اذان دندانهایش را خلال کند . ولی اگر بدانند غذائی که لای دندان مانده در روز فرو میرود ، چنانچه خلال نکند ، روزه اش باطل می شود خواه چیزی از آن فرورود یا فرو نرود .

مسئله ۱۵۸۸- فرو بردن آب دهان ، اگر چه بواسطه خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد ؛ روزه را باطل نمیکند .

مسئله ۱۵۸۹- فرو بردن اخلاط سروسینه ، تا بفضای دهان نرسیده اشکال ندارد ولی اگر داخل فضای دهان شود ، احتیاط واجب آنستکه آنرا فرو نبرد .

مسئله ۱۵۹۰- اگر روزه دار بقدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد واجب است باندازه ای که از مردن نجات پیدا کند آب بیاشامد ولی روزه او باطل می شود و اگر ماه رمضان باشد ، باید در بقیه روز از بجا آوردن کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید .

مسئله ۱۵۹۱- جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا و مانند اینها که معمولاً بحلق نمی رسد ، اگر چه اتفاقاً بحلق برسد ، روزه را باطل نمیکند . ولی اگر انسان از اول بدانند که بحلق میرسد ، روزه اش باطل می شود هر چند بحلق نرسد و باید فضای آنرا بگیرد و اگر بحلق رسیده کفاره هم بر او واجب است .

مسئله ۱۵۹۲- انسان نمیتواند برای ضعف ، روزه را بخورد ولی اگر ضعف او بقدریستکه معمولاً نمی شود آنرا تحمل کرد ، خوردن روزه اشکال ندارد .

۲- جماع

مسئله ۱۵۹۳- جماع روزه را باطل میکند ، اگر چه فقط بمقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید .

مسئله ۱۵۹۴- اگر کمتر از مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید ،

روزه باطل نمی‌شود .

مسئله ۱۵۹۵ - اگر شك کند که باندازه خفته گاه داخل شد یا نه کفاره بر او واجب نیست و اگر قصد دخول داشته با علم بمفطر بودن دخول و دخول واقع نشده یا شك در آن نماید روزه اش باطل است و قضا آن واجب است .

مسئله ۱۵۹۶ - اگر فراموش کند که روزه است و جماع نماید ؛ یا با او جماع نمایند بطوریکه از اختیار او خارج باشد روزه او باطل نمی‌شود ، ولی چنانچه در بین جماع یادش بیاید ، یا در بین مختار شود باید فوراً از حال جماع خارج شود و اگر خارج نشود ، روزه او باطل است و هم چنین اگر خودش از ترس جماع کند روزه اش باطل می‌شود .

۳ - استمناء

مسئله ۱۵۹۷ - اگر روزه دار استمناء کند - یعنی : با خود کاری کند که منی از او بیرون آید - روزه اش باطل می‌شود .

مسئله ۱۵۹۸ - اگر بی اختیار منی از او بیرون آید ، روزه اش باطل نیست ولی اگر کاری کند که بی اختیار منی از او بیرون آید ، روزه اش باطل می‌شود .

مسئله ۱۵۹۹ - هرگاه روزه دار بداند که اگر در روز بخوابد محتمل می‌شود - یعنی: در خواب منی از او بیرون می‌آید - بنا بر احتیاط مستحب نخواهد ، ولی اگر بخوابد روزه اش باطل نمی‌شود .

مسئله ۱۶۰۰ - اگر روزه دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود ، واجب نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند .

مسئله ۱۶۰۱ - روزه داری که محتمل شده ، می‌تواند بول کند و بدستوریکه

در مسئله ۷۳ گفته شد ، استبراء نماید ، اگر چه بداند بواسطه بول یا استبراء کردن باقیمانده

منی از مجری بیرون می آید .

مسئله ۱۶۰۲ - روزه داری که محتلم شده ، اگر بداند منی در مجری مانده و در صورتیکه پیش از غسل بول نکند بعد از غسل منی از او بیرون می آید ، بنا بر احتیاط واجب باید پیش از غسل بول کند .

مسئله ۱۶۰۳ - کسیکه می داند که اگر عمداً منی از خود بیرون آورد روزه اش باطل می شود ، در صورتیکه بقصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند روزه اش باطل می شود و باید قضاء آنرا بجا آورد ، اگر چه منی از او بیرون نیاید ، و اگر منی بیرون آید علاوه بر قضا کفاره نیز بر او لازم می شود و در هر دو صورت در ماه رمضان باید در بقیه روز از آنچه روزه را باطل میکند خودداری نماید .

مسئله ۱۶۰۴ - اگر روزه دار بدون قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند ، چنانچه اطمینان دارد که منی از او خارج نمی شود ، اگر چه اتفاقاً منی بیرون آید روزه او صحیح است ، ولی اگر اطمینان ندارد ، در صورتی که منی از او بیرون آید ، روزه اش باطل است .

۴ - دروغ بستن بخدا و پیغمبر

مسئله ۱۶۰۵ - اگر روزه دار بگفتن یا بنوشتن یا با شاره و مانند اینها بخدا و پیغمبران و ائمه علیهم السلام عمداً نسبت دروغ بدهد ، اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند روزه او باطل است . و احتیاط واجب آنستکه بحضرت زهراء سلام الله علیها و بجانشینان پیغمبران گذشته هم نسبت دروغ ندهد .

مسئله ۱۶۰۶ - اگر بخواهد خبری را که نمیداند راست است یا دروغ نقل کند بنا بر احتیاط واجب باید از کسیکه آن خبر را گفته ، یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده نقل نماید .

مسئله ۱۶۰۷ - اگر چیزی را با اعتقاد اینکه راست است از قول خدا یا پیغمبر نقل کند و بعد بفهمد دروغ بوده ؛ روزه اش باطل نمیشود .

مسئله ۱۶۰۸ - اگر بداند دروغ بستن بخدا و پیغمبر روزه را باطل میکند و چیزی را که میداند دروغ است بآنان نسبت دهد و بعداً بفهمد آنچه را که گفته راست بوده ، روزه اش باطل است و در ماه رمضان باید تا غروب از آنچه روزه را باطل میکند خودداری کند .

مسئله ۱۶۰۹ - اگر دروغی را که دیگری ساخته عمدتاً بخدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت دهد و روزه اش باطل میشود ولی اگر از قول کسی که آن دروغ را ساخته نقل کند اشکال ندارد .

مسئله ۱۶۱۰ - اگر از روزه دار پرسند که آیا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین مطلبی که فرموده اند و او جائیکه در جواب باید بگوید نه، عمدتاً بگوید بلی ، یا جائیکه باید بگوید بلی عمدتاً بگوید نه روزه اش باطل میشود .

مسئله ۱۶۱۱ - اگر از قول خدا یا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حرف راستی را بگوید بعد بگوید دروغ گفتم ، یا در شب دروغی را بآنان نسبت دهد و فردای آن، که روزه میاشد بگوید آنچه دیشب گفتم راست است ، روزه اش باطل میشود .

۵ - رساندن غبار غلیظ بحلق

مسئله ۱۶۱۲ - رساندن غبار غلیظ بحلق روزه را باطل میکند ؛ چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد ، یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است مثل خاک و بنا بر احتیاط واجب باید غباری را هم که غلیظ نیست بحلق فرساند .

مسئله ۱۶۱۳ - اگر بواسطه باد غبار غلیظی پیدا شود و انسان با اینکه متوجه است مواظبت نکند و بحلق برسد روزه اش باطل میشود .

- مسئله ۱۶۱۴ - احتیاط واجب آنستکه روزه دار بخار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند اینهاراهم بحلق نرساند .
- مسئله ۱۶۱۵ - اگر مواظبت نکند و غبار یا بخاریا دود و مانند اینها داخل حلق شود ، چنانچه اطمینان داشته که بحلق نمیرسد روزه اش صحیح است .
- مسئله ۱۶۱۶ - اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند یا بی اختیار غبار و مانند آن بحلق او برسد روزه اش باطل نمیشود . و چنانچه ممکن است باید آن را بیرون آورد .

۶ - فرو بردن سردر آب

- مسئله ۱۶۱۷ - اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فروبرد ؛ اگر چه باقی بدن او از آب بیرون باشد بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل میشود . ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد ، روزه باطل نمیشود .
- مسئله ۱۶۱۸ - اگر نصف سر را یکدفعه و نصف دیگر آنرا دفعه دیگر در آب فروبرد که هیچوقت تمام سر زیر آب نباشد ، روزه اش باطل نمیشود .
- مسئله ۱۶۱۹ - اگر قصد داشت که سر را زیر آب فروبرد و شك کرد که تمام سر زیر آب رفت یا نه ؛ بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل است .
- مسئله ۱۶۲۰ - اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند ، روزه باطل میشود .

- مسئله ۱۶۲۱ - اگر سر را در گلاب فرو برد بنا بر احتیاط واجب روزه باطل میشود چنانچه احتیاط واجب آنستکه سر را در آبهای مضاف دیگر هم فرو نبرد ولی در چیزهای دیگری که روان است اشکال ندارد .

- مسئله ۱۶۲۲ - اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد

با فراموش کند که روزه است و سر را در آب فروبرد، روزه اش باطل نمیشود .
 مسئله ۱۶۲۳ - اگر با اطمینان باینکه آب سر را را نمیگیرد ، خود را در آب
 بیندازد و آب تمام سر را بگیرد ، روزه اش اشکال ندارد .

مسئله ۱۶۲۴ - اگر فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد ، یا
 دیگری بزور سر او را در آب فروبرد ، چنانچه در زیر آب بادش بیاید که روزه است
 یا آنکس دست خود را بردارد ، باید فوراً سر را بیرون آورد و چنانچه بیرون نیاورد
 بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل میشود .

مسئله ۱۶۲۵ - اگر فراموش کند که روزه است و بنیت غسل سر را در آب فرو
 برد ، روزه و غسل او صحیح است .

مسئله ۱۶۲۶ - اگر بدانند که روزه است و عمداً برای غسل سر را در آب فروبرد
 چنانچه روزه او مثل روزه رمضان واجب معین باشد ؛ روزه و غسل هر دو باطل است
 و اگر روزه مستحب باشد ، یا روزه واجب باشد که مثل روزه کفاره و قمعینی ندارد
 و تمام کردن آن واجب نباشد غسل صحیح و روزه باطل میباشد .

مسئله ۱۶۲۷ - اگر برای آنکه کسی را از غرق شدن نجات دهد ، سر را در آب
 فروبرد، اگر چه نجات دادن او واجب باشد ، روزه اش باطل میشود .

۷ - باقیماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

مسئله ۱۶۲۸ - اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند ، یا اگر وظیفه او تیمم
 است عمداً تیمم ننماید در روزه ماه رمضان و قضاء آن ، روزه اش باطل است و در غیر
 این دو روزه باطل نمیشود .

مسئله ۱۶۲۹ - اگر در ماه رمضان تا اذان صبح غسل نکند و تیمم هم ننماید ولی
 از روی عمد نباشد ، مثل آنکه دیگری نگذارد غسل و تیمم کند روزه اش صحیح است .

مسئله ۱۶۳۰ - کسیکه جنب است و می خواهد روزه واجب بگیرد، در روزه رمضان ، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود ، معصیت کرده ، ولی واجب است تیمم کند و روزه اش صحیح است و در قضاء رمضان که وقتش تنگ شده احوط آنستکه تیمم کند و روزه بگیرد و بعد هم آن را بجا آورد و در قضاء موسع روزه باطل است .

مسئله ۱۶۳۱ - اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یکروز یادش بیاید ؛ باید روزه آنروز را قضا نماید و اگر بعد از چندروز یادش بیاید ، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده قضا نماید مثلاً اگر نماند سه روز جنب بوده یا چهارروز ، باید روزه سه روز را قضا کند .

مسئله ۱۶۳۲ - کسیکه در شب ماه رمضان برای هیچکدام از غسل و تیمم وقت ندارد ، اگر خود را جنب کند ؛ روزه اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب میشود . ولی اگر برای تیمم وقت دارد چنانچه خود را جنب کند معصیت کرده ولی واجب است تیمم نماید و روزه اش صحیح است .

مسئله ۱۶۳۳ - اگر گمان کند که برای غسل وقت دارد و خود را جنب نماید و بعد بفهمد وقت تنگ بوده - چه جستجو کرده و چه نکرده - واجب است با تیمم روزه بگیرد و روزه اش صحیح است .

مسئله ۱۶۳۴ - کسیکه در شب ماه رمضان جنب است و میداند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمیشود ، نباید بخوابد و چنانچه بخوابد تا صبح بیدار نشود ، روزه اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب میشود .

مسئله ۱۶۳۵ - جنب اگر عادت و اطمینان به بیدار شدن قبل از اذان صبح ندارد بنا بر احتیاط واجب نباید پیش از غسل بخوابد و اگر بخوابد - خواب اول باشد یا دوم - حکم باقیماندن عمدی با جنابت تا صبح را دارد که باید قضا روزه را بگیرد و کفاره نیز بدهد .

مسئله ۱۶۳۶- کسیکه در شب ماه رمضان جنب است اگر عادت و اطمینان به بیدار شدن پیش از اذان صبح را دارد جایز است با تصمیم بآنکه بعد از بیدار شدن غسل کند بخوابد و چنانچه در این صورت اتفاقاً تا صبح خواب بماند روزه اش صحیح است .

مسئله ۱۶۳۷- کسیکه در شب ماه رمضان جنب است و میداند که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار میشود ، چنانچه غفلت داشته باشد که بعد از بیدار شدن باید غسل کند ، در صورتیکه بخوابد و تا اذان صبح خواب بماند اگر خواب اولش باشد روزه اش صحیح است ، نه قضا دارد و نه کفاره و در خواب دوم و سوم فقط قضا براو واجب میشود .

مسئله ۱۶۳۸- کسیکه در شب ماه رمضان جنب است و میداند که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار میشود ؛ چنانچه نخواهد بعد از بیدار شدن غسل کند ، یا تردید داشته باشد که غسل کند یا نه ، در صورتیکه بخوابد و بیدار نشود ، روزه اش باطل است .

مسئله ۱۶۳۹- اگر جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود و بداند که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار میشود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند ؛ چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان بیدار نشود ، باید روزه آن روز را قضا کند و همچنین اگر از خواب دوم بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود ، قضای روزه آنروز براو واجب میشود ولی اگر عادت و اطمینان به بیدار شدن نداشته باشد بنا بر احتیاط لازم کفاره هم براو واجب می شود .

مسئله ۱۶۴۰- بنا بر احتیاط واجب خوابی را که در آن محتمل شده ؛ باید خواب اول حساب کند پس اگر بعد از بیدار شدن دوباره بخوابد و بداند یا عادت به بیدار شدن داشته باشد و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند ، چنانچه تا اذان خواب بماند ، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آنروز را بگیرد . و اگر دوباره بیدار شود

و بداند یا عادت به بیدار شدن داشته باشد و تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند در صورتیکه باز هم بخوابد و تا اذان خواب بماند، باید قضای آن روز را بگیرد و کفاره بر او واجب نیست ولی احتیاط خوب است .

مسئله ۱۶۴۱- اگر روزه دار در روز محتمل شود، واجب نیست فوراً غسل کند.

مسئله ۱۶۴۲- هر گاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و بیند محتمل شده، اگر چه بداند پیش از اذان محتمل شده روزه اش صحیح است .

مسئله ۱۶۴۳- کسیکه میخواهد قضای روزه رمضان را بگیرد، هر گاه تا اذان صبح جنب بماند، اگر چه از روی عمد نباشد اگر وقت وسعت داشته باشد روزه او باطل است و اگر وقت تنگ باشد، احتیاط واجب گرفتن روزه آنروز و عوض آن بعد از ماه مبارک است .

مسئله ۱۶۴۴- کسیکه میخواهد قضای روزه رمضان را بگیرد، اگر بعد از اذان صبح بیدار شود و بیند محتمل شده و بداند پیش از اذان محتمل شده است چنانچه وقت قضای روزه تنگ است، مثلاً پنج روز روزه قضای رمضان دارد و پنج روز هم بر رمضان مانده است، بنابر احتیاط واجب باید آنروز را روزه بگیرد و بعد از رمضان هم عوض آنرا بجا آورد و اگر وقت قضای روزه تنگ نیست، روزه اش باطل است .

مسئله ۱۶۴۵- اگر در روزه واجب غیر روزه رمضان و قضای آن، تا اذان صبح جنب بماند و لو از روی عمد باشد، چنانچه وقت آن روز معین است مثلاً نذر کرده که آنروز را روزه بگیرد؛ روزه اش صحیح است و اگر مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست، احتیاط مستحب آنستکه غیر از آن روز روزه بگیرد .

مسئله ۱۶۴۶- اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمدتاً غسل

نکند؛ یا اگر وظیفه او تیمم است عمدتاً تیمم نکند، روزه اش باطل است .

مسئله ۱۶۴۷- اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل

وقت نداشته باشد، چنانچه بخواد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، باید تیمم نماید و بنا بر احتیاط مستحب تا اذان صبح بیدار بماند. و اگر بخواد روزه مستحب یا روزه واجبی بگیرد که مثل روزه كفاره وقت آن معین نیست نمیتواند با تیمم روزه بگیرد.

مسئله ۱۶۴۸ - اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت نداشته باشد، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده، چنانچه روزه ابراً که می گیرد مثل روزه رمضان واجب معین باشد صحیح است و اگر روزه مستحب یا روزه ای باشد که مثل روزه كفاره وقت آن معین نیست، صحیح بودن آن اشکال دارد.

مسئله ۱۶۴۹ - اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود، یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند، اگر چه نزدیک مغرب باشد، روزه اش باطل است.

مسئله ۱۶۵۰ - اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و بعد از یک روز یا چند روز یادش بیاید، روزه هائی را که گرفته اشکال دارد و احتیاط لازم آنست که قضاء آنها را بگیرد.

مسئله ۱۶۵۱ - اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل کردن کوتاهی کند و تا اذان غسل نکند، روزه اش باطل است. ولی چنانچه کوتاهی نکند مثلاً منتظر باشد که حمام زنانه شود، اگر چه سه مرتبه بخوابد و تا اذان غسل نکند و در تنگی وقت تیمم کند یا از تیمم هم عاجز باشد روزه اش صحیح است.

مسئله ۱۶۵۲ - اگر زنی که در حال استحاضه است، غسلهای خود را بتفصیلی که در مسئله ۲۲۳ و ۲۲۴ گفته شد بجا آورد، روزه اش صحیح است.

مسئله ۱۶۵۳ - کسی که مس میت کرده یعنی جائی از بدن خود را ببدن میت رسانده، می تواند بدون غسل مس میت روزه بگیرد و اگر در حال روزه هم میت را مس

نماید ، روزه اش باطل نمیشود .

۸- اماله کردن

مسئله ۱۶۵۴- اماله کردن با چیز روان اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد روزه را باطل می کند .

۹- قی کردن

مسئله ۱۶۵۵- هر گاه روزه دار عمداً قی کند اگر چه بواسطه مرض و مانند آن ناچار باشد ؛ روزه اش باطل میشود ولی اگر سهواً یا بی اختیار قی کند اشکال ندارد .
مسئله ۱۶۵۶- اگر در شب چیزی بخورد که میداند بواسطه خوردن آن ، در روزی اختیار قی میکند ، احتیاط واجب آنست که روزه آن روز را قضا نماید .
مسئله ۱۶۵۷- اگر روزه دار بتواند از قی کردن خودداری کند ، چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد ، باید خودداری نماید .

مسئله ۱۶۵۸- اگر مگس در گلوئی روزه دار برود ، چنانچه ممکن باشد ، باید آنرا بیرون آورد و روزه اش باطل نمیشود . ولی اگر بداند که بواسطه بیرون آوردن آن ، قی میکند واجب نیست بیرون آوردن و روزه اش صحیح است .

مسئله ۱۶۵۹- اگر سهواً چیزی را فروبرد و پیش از رسیدن بشکم یادش بیاید که روزه است چنانچه ممکن باشد ، باید آنرا بیرون آورد و روزه اش صحیح است .

مسئله ۱۶۶۰- اگر یقین داشته باشد که بواسطه آروغ زدن ، چیزی از گلو بیرون میآید ، نباید عمداً آروغ بزند بلکه اگر احتمال بدهد بنا بر احتیاط واجب آروغ نزنند .

مسئله ۱۶۶۱- اگر آروغ بزند و چیزی در گلو یا دهانش بیاید ، باید آنرا

بیرون بریزد ولی اگر بی اختیار فرورود ، روزه اش صحیح است.

احکام چیزهایی که روزه را باطل میکند

مسئله ۱۶۶۲ - اگر انسان عمدآ و از روی اختیار کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد، روزه اش باطل میشود و چنانچه از روی عمد نباشد، اشکال ندارد ولی جنب اگر بخوابد و بتفصیلی که در مسئله ۱۶۳۹ گفته شد تا اذان صبح غسل نکند روزه اش باطل است .

مسئله ۱۶۶۳ - اگر روزه دار سهواً یکی از کارهایی که روزه را باطل میکند انجام دهد و بخیال اینکه روزه اش باطل شده ، عمدآ دوباره یکی از آنها را بجا آورد ، روزه اش باطل میشود .

مسئله ۱۶۶۴ - اگر چیزی بزور در گروی روزه دار بریزند ، یا سراورا بزور در آب فروبرند ، روزه اش باطل نمیشود ولی اگر مجبورش کنند که روزه خود را باطل کند مثلاً باوبگویند: اگر غذا نخوری ضرر مالی یا جانی بتو میزنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر چیزی بخورد ، روزه اش باطل میشود .

مسئله ۱۶۶۵ - روزه دار نباید جائی برود که میداند یا ایمن از آن نباشد که چیزی در گلویش میریزند یا مجبورش میکنند که خودش روزه خود را باطل کند، و اگر برود و چیزی در گلویش بریزند ، یا از روی ناچاری کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد روزه اش باطل میشود، بلکه اگر قصد رفتن کند ، اگر چه نرود روزه اش باطل است .

آنچه برای روزه دار مکروه است

مسئله ۱۶۶۶ - چند چیز برای روزه دار مکروه است و از آن جمله است :
دواریختن بچشم و سرمه کشیدن ، در صورتیکه مزه یا بوی آن بخلق برسد، انجام دادن

هرکاری که مانند خون گرفتن و حمام رفتن باعث ضعف میشود ، انقبیه کشیدن ، اگر نداند که بخلق میرسد و اگر بداند بخلق میرسد جایز نیست ، بو کردن گیاههای معطر و احوط ترك نشستن زن است در آب ، استعمال شیاف ، ترک کردن لباسی که در بدن است ، کشیدن دندان و هرکاری که بواسطه آن از دهان خون بیاید ، مسواک کردن بچوب تر ؛ بی جهت آب یا چیزی در دهان کردن . و نیز مکروه است انسان بدون قصد بیرون آمدن منی ، زن خود را بیوسد ، یا کاری کند که شهوت خود را بحرکت آورد . و اگر بقصد بیرون آمدن منی باشد روزه او باطل میشود .

مواردیکه قضا و کفاره واجب است

مسئله ۱۶۶۷- اگر در روزه رمضان در شب جنب شود و بتفصیلی که در مسئله ۱۶۳۹ گفته شد بیدار شود و دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود یا بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد و بیدار نشود فقط باید قضای آن روز را بگیرد . ولی اگر کار دیگری که روزه را باطل میکند عمداً انجام دهد ، در صورتیکه میدانسته آن کار روزه را باطل میکند ، قضا و کفاره بر او واجب میشود و این حکم در تماس بنا بر احتیاط واجب است .

مسئله ۱۶۶۸ - اگر بواسطه ندانستن مسأله کاری انجام دهد که روزه را باطل میکند چنانچه در یاد گرفتن مسئله تفصیر کرده و در وقت بجا آوردن آن کار احتمال مفطر بودن آنرا میداده کفاره بر او واجب میشود و اگر در وقت بجا آوردن آن غفلت داشته کفاره واجب نیست اگر چه احوط است و همچنین اگر در یاد گرفتن مسئله تفصیر نکرده باشد کفاره واجب نیست .

کفاره روزه

مسئله ۱۶۶۹ - کسیکه کفاره روزه رمضان بر او واجب است ، باید یک بنده

آزاد کند؛ یا بدستوری که در مسئله بعد گفته میشود دوماه روزه بگیرد، با شصت فقیر راسیر کند یا به هر کدام يك مد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها بدهد، و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد هر مقدار میتواند صدقه بفقرا بدهد و اگر ازدادن صدقه هم عاجز است هیچده روزپی درپی روزه بگیرد و اگر روزه هم نتوانست بگیرد استغفار کند و هر قدر میتواند روزه بگیرد و اگر اصلاً نمیتواند روزه بگیرد اکتفا با استغفار نماید؛ بگوید استغفرالله و احتیاط واجب آنستکه هر وقت بتواند کفاره را بدهد.

مسئله ۱۶۷۰ - کسیکه میخواهد دوماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، باید سی و يك روز آن را پی درپی بگیرد و اگر بقیه آن پی درپی نباشد اشکال ندارد.

مسئله ۱۶۷۱ - کسیکه میخواهد دوماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، نباید موقعی شروع کند که در بین سی و يك روز، روزی باشد که مانند عید قربان، روزه آن حرام است.

مسئله ۱۶۷۲ - کسی که باید پی درپی روزه بگیرد اگر در بین آن بدون عذر يك روز روزه نگیرد، یا وقتی شروع کند که در بین آن بروزی برسد که روزه آن واجب است، مثلاً بروزی برسد که نذر کرده آن روز را روزه بگیرد، باید روزه‌ها را از سر بگیرد.

مسئله ۱۶۷۳ - اگر در بین روزهایی که باید پی درپی روزه بگیرد، عذری مثل حیض یا نفاس، یا سفری که در رفتن آن مجبور است، برای او پیش آید، بعد از برطرف شدن عذر واجب نیست روزه‌ها را از سر بگیرد، بلکه بقیه را بعد از برطرف شدن عذر بجا می آورد.

مسئله ۱۶۷۴ - اگر بچیز حرامی روزه خود را باطل کند، چه آنچیز اصلاً حرام باشد مثل شراب و زنا، یا بجهتی حرام باشد؛ مثل خوردن غذای حلالی که

برای انسان ضرر دارد و نزدیکی کردن با عیال خود در حال حیض کفاره جمع بر او واجب میشود یعنی باید يك بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند ، یا بهر کدام آنها يك مد که تقریباً سه سیر است ، گندم یا جو یا نان و مانند اینها بدهد ، و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد ، هر کدام آنها که ممکن است باید انجام دهد .

مسئله ۱۶۷۵ - اگر روزه دار دروغی را بخدا و پیغمبر ﷺ نسبت دهد اگر چه روزه خود را بچیز حرامی باطل کرده ؛ ولی کفاره جمع که تفصیل آن در مسأله پیش گفته شد بر او واجب نمیشود .

مسئله ۱۶۷۶ - اگر روزه دار در يك روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند ، بنا بر احتیاط برای هر دفعه يك کفاره بر او واجب است . ولی اگر جماع او حرام باشد ، برای هر دفعه يك کفاره جمع واجب میشود .

مسئله ۱۶۷۷ - اگر روزه دار در يك روز ماه رمضان چند مرتبه غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل میکند انجام دهد ، برای همه آنها يك کفاره کافی است .

مسئله ۱۶۷۸ - اگر روزه دار غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل میکند انجام دهد و بعد با حلال خود جماع نماید ، بنا بر احتیاط برای هر کدام يك کفاره واجب میشود .

مسئله ۱۶۷۹ - اگر روزه دار غیر جماع کار دیگری که حلال است و روزه را باطل میکند ، انجام دهد مثلاً آب بیاشامد و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل میکند غیر از جماع انجام دهد ، مثلاً غذای حرام بخورد ، يك کفاره کافی است .

مسئله ۱۶۸۰ - اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید ؛ چنانچه آنرا فرو ببرد ، روزه اش باطل است و باید قضای آنرا بگیرد و کفاره هم بر او

واجب میشود، و اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلاً موقع آروغ زدن خون یا غذائی که از صورت غذا بودن خارج شده، بدهان او بیاید و عمداً آنرا فرو برد باید قضای آن روزه را بگیرد و کفاره جمع هم بر او واجب میشود.

مسئله ۱۶۸۱ - اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمداً روزه خود را باطل کند، باید يك بنده آزاد نماید یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد.

مسئله ۱۶۸۲ - کسیکه میتواند وقت را تشخیص دهد، اگر بگفته کسیکه میگوید مغرب شده افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است، قضا و کفاره بر او واجب میشود.

مسئله ۱۶۸۳ - کسیکه عمداً روزه خود را باطل کرده، اگر بعد از ظهر مسافرت کند، یا پیش از ظهر برای فرار از کفاره سفر نماید کفاره از او ساقط نمیشود بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش آمد کند، بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب است.

مسئله ۱۶۸۴ - اگر عمداً روزه خود را باطل کند، و بعد عذری مانند حیض یا نفاس یا مرض برای او پیدا شود، کفاره بر او واجب نیست.

مسئله ۱۶۸۵ - اگر یقین کند که روز اول ماه رمضان است و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که آخر شعبان بوده کفاره بر او واجب نیست.

مسئله ۱۶۸۶ - اگر انسان شك کند که آخر رمضان است یا اول شوال و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود اول شوال بوده کفاره بر او واجب نیست.

مسئله ۱۶۸۷ - اگر روزه دار در رمضان با زن خود که روزه دار است جماع کند، چنانچه زن را مجبور کرده باشد، کفاره روزه خودش و روزه زن را باید بدهد و اگر زن بجماع راضی بوده، بر هر کدام يك کفاره واجب میشود.

مسئله ۱۶۸۸ - اگر زنی شوهر روزه دار خود را مجبور کند که جماع نماید، یا

کار دیگری که روزه را باطل میکند انجام دهد، واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهد.
 مسئله ۱۶۸۹- اگر روزه دار در ماه رمضان، زن خود را مجبور بجماع کند و در بین جماع، زن راضی شود، بنا بر احتیاط واجب باید مرد دو کفاره و زن يك کفاره بدهد.
 مسئله ۱۶۹۰- اگر روزه دار در ماه رمضان با زن روزه دار خود که خواب است جماع نماید، يك کفاره بر او واجب میشود و روزه زن صحیح است و کفاره هم بر او واجب نیست.

مسئله ۱۶۹۱- اگر مرد زن خود را مجبور کند که غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل میکند بجا آورد، کفاره زن را نباید بدهد و بر خود زن هم کفاره واجب نیست.

مسئله ۱۶۹۲- کسیکه بواسطه مسافرت یا مرض روزه نمیگیرد، نمیتواند زن روزه دار خود را مجبور بجماع کند. ولی اگر او را مجبور نماید، کفاره بر مرد واجب نیست.

مسئله ۱۶۹۳- انسان نباید در بجا آوردن کفاره کوتاهی کند؛ ولی لازم نیست فوراً آنرا انجام دهد.

مسئله ۱۶۹۴- اگر کفاره بر انسان واجب شود و چند سال آنرا بجا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمیشود.

مسئله ۱۶۹۵- کسیکه باید برای کفاره يك روز شصت فقیر را طعام بدهد، اگر به شصت فقیر دسترسی دارد، نباید بهر کدام از آنها بیشتر از يك مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد، یا يك فقیر را بیشتر از يك مرتبه سیر نماید، ولی میتواند برای هر يك از عیالات فقیر اگر چه صغیر باشند يك مد بآن فقیر بدهد.

مسئله ۱۶۹۶- کسیکه قضای روزه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد، باید بده فقیر هر کدام يك مد که تقریباً ده

سیر است طعام بدهد و اگر نمیتواند ، سه روز روزه بگیرد .

جاهائیکه فقط قضای روزه واجب است

مسئله ۱۶۹۷- در چند صورت فقط قضای روزه بر انسان واجب است و كفاره واجب نیست :

اول - آنکه در شب ماه رمضان جنب باشد و بتفصیلی که در مسئله ۱۶۳۹ گفته شد تا اذان صبح از خواب دوم و یاسوم بیدار نشود .

دوم - عملی که روزه را باطل میکند بجانیاورد ولی نیت روزه نکند ، یاریا کند ، یا قصد کند که روزه نباشد ، یا قصد کند کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد .
سیم - آنکه در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت يك روز یا چند روز روزه بگیرد .

چهارم - آنکه در ماه رمضان بدون اینکه تحقیق کند صبح شده یا نه ؛ کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد ؛ بعد معلوم شود صبح بوده . و نیز اگر بعد از تحقیق با اینکه گمان دارد صبح شده ، کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد ؛ بعد معلوم شود صبح بوده قضای آن روزه بر او واجب است . بلکه اگر بعد از تحقیق شك کند که صبح شده یا نه یا ظن پیدا کند بآنکه صبح نشده و کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده احتیاط واجب آنست که قضای روزه آن روز را بجا آورد .

پنجم - آنکه کسی بگوید صبح نشده و انسان بگفته او کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد ، بعد معلوم شود صبح بوده است .

ششم - آنکه کسی بگوید صبح شده و انسان بگفته او یقین نکند ، یا خیال کند شوخی میکند و کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد ، بعد معلوم شود صبح

بوده است .

هفتم - آنکه کور و مانند آن بگفته دیگری افطار کنند ، بعد معلوم شود مغرب

نبوده است .

هشتم - آنکه در هوای صاف بواسطه تاریکی یقین کند که مغرب شده و افطار

کند ، بعد معلوم شود مغرب نبوده است و اگر شك داشته باشد که مغرب شده و افطار

کند و معلوم شود مغرب نبوده کفار هم واجب است . ولی اگر در هوای ابر بگمان

اینکه مغرب شده افطار کند ، بعد معلوم شود مغرب نبوده ، قضا لازم نیست .

نهم - آنکه برای خنک شدن ، مضمضه کند یعنی آب در دهان بگرداند و بی

اختیار فرورود و اگر بیجهت مضمضه کند و فرو رود احتیاط لازم قضا است . ولی

اگر فراموش کند که روزه است و آبر او فرو دهد یا برای وضو مضمضه کند و بی اختیار

فرورود ، قضا بر او واجب نیست .

مسئله ۱۶۹۸ - اگر غیر آب چیز دیگری را در دهان برد و بی اختیار فرو رود

یا آب داخل بینی کند و بی اختیار فرورود ؛ قضا بر او واجب نیست .

مسئله ۱۶۹۹ - مضمضه زیاد برای روزه دار مکروه است و اگر بعد از مضمضه

بخواد آب دهان را فرو برد ؛ بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد .

مسئله ۱۷۰۰ - اگر انسان بداند یا ایمن نباشد که بواسطه مضمضه بی اختیار یا

ارروی فراموشی آب وارد گلویش شود ، نباید مضمضه کند .

مسئله ۱۷۰۱ - اگر در ماه رمضان ، بعد از تحقیق یقین کند که صبح نشده و کاری

که روزه را باطل میکند انجام دهد ، بعد معلوم شود صبح بوده ، قضا لازم نیست .

مسئله ۱۷۰۲ - اگر انسان شك کند که مغرب شده یا نه نمیتواند افطار کند .

ولی اگر شك کند که صبح شده یا نه ؛ پیش از تحقیق هم میتواند کاری که روزه را باطل

میکند انجام دهد .

احکام روزه قضا

مسئله ۱۷۰۳- اگر دیوانه عاقل شود ، واجب نیست روزه‌های وقتی را که دیوانه بوده قضا نماید .

مسئله ۱۷۰۴- اگر کافر پیش از ظهر روز ماه رمضان مسلمان شود و کاری که روزه را باطل میکند انجام نداده باشد احتیاط مستحب آنستکه آنروز را روزه بگیرد و اگر ترك نمود قضا نماید و روزه‌های قبل قضا ندارد ولی اگر مسلمانی کافر شود و دوباره مسلمان گردد روزه‌های وقتی را که کافر بوده باید قضا نماید .

مسئله ۱۷۰۵- روزه‌ای که از انسان بواسطه مستی فوت شده ، باید قضا نماید ، اگر چه چیزی را که بواسطه آن مست شده ، برای معالجه خورده باشد .

مسئله ۱۷۰۶- اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد و بعد شك کند که چه وقت عذر او برطرف شده اگر عدد را می‌دانسته و فراموش کرده ، بنا بر احتیاط واجب باید مقدار بیشتری را که احتمال میدهد روزه نگرفته قضا نماید ؛ مثلاً کسیکه پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمیداند پنجم رمضان از سفر برگشته و باششم و قبلاً میدانسته ، باید بنا بر احتیاط شش روز قضا نماید ، ولی اگر از اول عدد را نمیدانسته میتواند بقضای مقداری که یقین دارد نگرفته ، اکتفا کند ، مثلاً اگر در او اخر ماه رمضان مسافرت کند و بعد از رمضان برگردد و نداند که بیست و پنجم مسافرت کرده یا بیست و ششم و قبلاً هم نمیدانسته ، مقدار کمتر- یعنی : پنج روز- را قضا کند کافی است .

مسئله ۱۷۰۷- اگر از چند ماه رمضان روزه قضا داشته باشد ، هر کدام را که اول بگیرد مانعی ندارد . و اگر وقت قضای رمضان آخر تنگ باشد ، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم بر رمضان مانده باشد ، احتیاط مستحب آنست که اول قضای رمضان آخر را بگیرد .

مسئله ۱۷۰۸ - اگر قضای روزه چند رمضان بر او واجب باشد که تأخیریکی کفاره دارد و تأخیر دیگری ندارد باید در نیت معین کند روزه‌ای را که میگیرد قضای کدام رمضان است .

مسئله ۱۷۰۹ - کسیکه قضای روزه رمضان را گرفته ؛ اگر وقت قضای روزه او تنگ نباشد، میتواند پیش از ظهر روزه خود را باطل نماید .

مسئله ۱۷۱۰ - اگر قضای روزه مبتدی را گرفته باشد ، احتیاط مستحب آنستکه بعد از ظهر روزه را باطل نکند .

مسئله ۱۷۱۱ - اگر بواسطه مرض ، یا حیض ، یا نفاس روزه رمضان را نگیرد و پیش از تمام شدن رمضان بمیرد ، لازم نیست روزه هائی را که نگرفته برای او قضا کنند .

مسئله ۱۷۱۲ - اگر بواسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول بکشد ، قضای روزه هائی را که نگرفته بر او واجب نیست و باید برای هر روز يك مد که تقریباً ده سیر است طعام - یعنی: گندم یا جو و مانند اینها - بفقیر بدهد ، ولی اگر بواسطه عذر دیگری مثلاً برای مسافرت روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند ، روزه هائی را که نگرفته باید قضا کند و احتیاط مستحب آنست که برای هر روز يك مد طعام هم بفقیر بدهد .

مسئله ۱۷۱۳ - اگر بواسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و بعد از رمضان مرض او بر طرف شود ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا رمضان بعد قضای روزه را بگیرد باید روزه هائی را که نگرفته قضا نماید . و نیز اگر در ماه رمضان ، غیر مرض عذر دیگری داشته باشد و بعد از رمضان آن عذر بر طرف شود و تا رمضان سال بعد بواسطه مرض نتواند روزه بگیرد ، روزه هائی را که نگرفته باید قضا کند .

مسئله ۱۷۱۴ - اگر در ماه رمضان بواسطه عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان عذر او بر طرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد ، باید روزه را قضا

کند و برای هر روز يك مدگندم یا جو و مانند اینها هم بفقیر بدهد .

مسئله ۱۷۱۵ - اگر در قضای روزه کوتاهی کند تا وقت تنك شود و در تنگی وقت عذری پیدا کند که پیش از ماه مبارك نتواند قضا نماید ، باید قضا را بعد بگیرد و برای هر روز يك مدگندم یا جو و مانند اینها بفقیر بدهد ، هر چند موقعی که عذر دارد ، تصمیم داشته باشد که بعد از برطرف شدن عذر روزه های خود را قضا کند .

مسئله ۱۷۱۶ - اگر مرض انسان چندسال طول بکشد ، بعد از آنکه خوب شد باید قضای رمضان آخر را بگیرد و برای هر روز از سالهای پیش يك مدگندم یا جو و مانند اینها بفقیر بدهد .

مسئله ۱۷۱۷ - کسیکه باید برای هر روز يك مد طعام بفقیر بدهد ، می تواند كفارة چند روز را بیک فقیر بدهد .

مسئله ۱۷۱۸ - اگر قضای روزه رمضان را چندسال تأخیر بیندازد ؛ باید قضا را بگیرد و برای هر روز يك مد طعام بفقیر بدهد .

مسئله ۱۷۱۹ - اگر روزه رمضان را عمدتاً نگیرد ، باید قضای آن را بجا آورد و برای هر روز دو ماه روزه بگیرد ، یا بشصت فقیر طعام بدهد ؛ یا يك بنده آزاد کند و چنانچه تا رمضان آینده قضای آن روزه را بجا نیاورد ، برای هر روز ، دادن يك مد بنا بر احتیاط لازم میشود .

مسئله ۱۷۲۰ - اگر روزه رمضان را عمداً نگیرد و در روز مکرر جماع کند ، بنا بر احتیاط واجب كفاره هم مکرر میشود . ولی اگر چند مرتبه کار دیگری که روزه را باطل میکند انجام دهد ، مثلاً چند مرتبه غذا بخورد ؛ يك كفاره کافی است .

مسئله ۱۷۲۱ - بعد از فوت پدر و همچنین بنا بر احتیاط واجب مادر ، پسر بزرگتر باید قضای نماز و روزه آنها را بنفصیلی که در مسئله ۱۳۹۹ گفته شد بجا آورد .

مسئله ۱۷۲۲ - اگر پدر و مادر غیر از روزه رمضان روزه واجب دیگری را مانند روزه نذر نگرفته باشند ، احتیاط واجب آنست که پسر بزرگتر قضا نماید .

احکام روزه مسافر

- مسئله ۱۷۲۳ - مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند ؛ نباید روزه بگیرد و مسافری که نمازش را تمام میخواند - مثل کسیکه شغلش مسافرت ، یا سفر او سفر معصیت است - باید در سفر روزه بگیرد .
- مسئله ۱۷۲۴ - مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد . ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است .
- مسئله ۱۷۲۵ - اگر غیر روزه رمضان روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد مثلاً نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد ، بنابر احتیاط لازم تا ناچار نشود ، نمی تواند در آن روز مسافرت کند . و اگر در سفر باشد ، چنانکه ممکن است باید بنابر احتیاط لازم قصد کند که ده روز درجائی بماند و آن روز را روزه بگیرد .
- مسئله ۱۷۲۶ - اگر نذر کند روزه بگیرد و روز آنرا معین نکند ، نمیتواند آنرا در سفر بجا آورد ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد ؛ باید آنرا در سفر بجا آورد . و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد یا نباشد ، روزه بگیرد ، باید آن روز را اگر چه مسافر باشد روزه بگیرد .
- مسئله ۱۷۲۷ - مسافر میتواند برای خواستن حاجت سه روز در مدینه طیبه روزه مستحبی بگیرد .
- مسئله ۱۷۲۸ - کسیکه نمیداند روزه مسافر باطل است ؛ اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مسئله را بفهمد ، روزه اش باطل میشود و اگر تا مغرب نفهمد ، روزه اش صحیح است .
- مسئله ۱۷۲۹ - اگر فراموش کند که مسافر است ، یا فراموش کند که روزه مسافر باطل میباشد و در سفر روزه بگیرد ، روزه اش باطل است .

مسئله ۱۷۳۰- اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت نماید باید روزه خود را تمام کند و اگر پیش از ظهر مسافرت کند ، وقتی بعد تر خص برسد ؛ یعنی بجائی برسد که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آنرا نشنود ، باید نیت روزه نداشته باشد ولی اگر قبل از ظهر بوطن برگردد و مفطر بجا نیاورده باشد ، به حد تر خص که رسید ، باید نیت روزه نماید و روزه اش صحیح است .

مسئله ۱۷۳۱- اگر مسافر پیش از ظهر بوطنش برسد ، یا بجائی برسد که میخواهد ده روز در آنجا بماند ، چنانچه کاری که روزه را باطل میکند انجام نداده باشد آنروز را روزه بگیرد و اگر انجام داده نمیتواند آنروز را روزه بگیرد .

مسئله ۱۷۳۲- اگر مسافر بعد از ظهر بوطنش برسد ، یا بجائی برسد که میخواهد ده روز در آنجا بماند ، نباید آنروز را روزه بگیرد .

مسئله ۱۷۳۳- مسافر و کسیکه از روزه گرفتن عذر دارد ، مکروه است در روز ماه رمضان جماع نماید و در خوردن و آشامیدن کاملاً خود را سیر کند .

کسانیکه روزه بر آنان واجب نیست

مسئله ۱۷۳۴- کسیکه بواسطه پیری نمیتواند روزه بگیرد . یا برای او مشقت دارد ، روزه بر او واجب نیست ولی در صورت دوم باید برای هر روز يك مد گندم یا جو مانند اینها بفقیر بدهد بلکه در صورت اول نیز بنا بر احتیاط لازم .

مسئله ۱۷۳۵- کسیکه بواسطه پیری روزه نگرفته ، اگر بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد ، باید قضای روزه هائی را که نگرفته ، بنا بر احتیاط لازم بجا آورد .

مسئله ۱۷۳۶- اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه میشود و نمیتواند تشنگی را تحمل کند ، یا برای او مشقت دارد ؛ روزه بر او واجب نیست . ولی در صورت دوم و بلکه در صورت اول هم بنا بر احتیاط لازم باید برای هر روز يك مد گندم یا جو مانند اینها به فقیر بدهد . و احتیاط مستحب آنستکه بیشتر از مقداری که ناچار

است آب نیا شامد ؛ و چنانچه بعد بتواند روزه بگیرد باید روزه‌هایی را که نگرفته قضا نماید .

مسئله ۱۷۳۷ - زنی که زائیدن او نزدیک است و روزه برای حملش یا برای خودش ضرر دارد روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز بنا بر احتیاط لازم يك مد طعام بفقیر بدهد. و روزه‌هایی که نگرفته باید قضا نماید .

مسئله ۱۷۳۸ - زنی که بچه شیر میدهد و شیر او کم است چه مادر بچه ، یا دایه او باشد ، بابت اجرت شیر دهد ، اگر روزه برای بچه یا برای خودش ضرر دارد روزه بر او واجب نیست . و باید برای هر روز يك مد طعام بفقیر بدهد و در هر دو صورت روزه‌هایی را که نگرفته باید قضا نماید، ولی اگر کسی پیدا شود که بی اجرت بچه را شیر دهد ، یا برای شیر دادن بچه از پدر یا مادر بچه یا از کس دیگری که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد ، احتیاط واجب آنست که بچه را با او بدهد و روزه بگیرد.

راه ثابت شدن اول ماه

مسئله ۱۷۳۹ - اول ماه به پنج چیز ثابت میشود:

اول - آنکه خود انسان ماه را ببیند.

دوم - آنکه عده‌ای که از گفته آنان یقین یا اطمینان پیدا میشود ، بگویند ماه رادیده‌ایم ، و همچنین است هر چیزی که بواسطه آن یقین پیدا شود.

سوم - آنکه دو مرد عال بگویند که در شب ماه رادیده‌ایم بشرط اینکه صفت ماه را بر خلاف یکدیگر نگویند و قولشان قابل تصدیق باشد پس اگر بر خلاف هم صفت ماه را بگویند یا اگر هوا ابر باشد و یا آسمان صاف باشد و هیچ کس غیر از این دو نفر نه بیند کفایت نمیکند .

چهارم - آنکه سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که بواسطه آن ، اول ماه رمضان ثابت میشود ، و سی روز از اول رمضان بگذرد که بواسطه آن ، اول ماه شوال

ثابت میشود .

پنجم - آنکه حاکم شرع حکم کند که اول ماه است.

مسئله ۱۷۴۰ - اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است ، کسی هم که تقلید او را نمیکند ، باید بحکم او عمل نماید . ولی کسیکه میدانند حاکم شرع اشتباه کرده نمیتواند بحکم او عمل نماید .

مسئله ۱۷۴۱ - اول ماه بایشگونئی منجمین ثابت نمیشود ولی اگر انسان از گفته آنان یقین پیدا کند ، باید به آن عمل نماید .

مسئله ۱۷۴۲ - بلند بودن ماه یادیر غروب کردن آن ، دلیل نمیشود که شب پیش شب اول ماه بوده است .

مسئله ۱۷۴۳ - اگر اول ماه رمضان برای کسی ثابت نشود و روزه نگیرد ، چنانچه دومرد عادل بگویند : شب پیش ، ماه را دیده ایم ، باید روزه آن روز را قضا نماید .

مسئله ۱۷۴۴ - اگر در شهری اول ماه ثابت شود ، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد ، مگر آن دو شهر باهم نزدیک باشند ، یا انسان بداند که افق آنها یکی است یا در شهری که دیده شده آفتاب زودتر از شهر خودش غروب کند .

مسئله ۱۷۴۵ - اول ماه بتلگراف ثابت نمیشود ؛ مگر دو شهری که از یکی به دیگری تلگراف کرده اند ، نزدیک یا هم افق باشند و انسان بداند که تلگراف از روی حکم حاکم شرع با شهادت دومرد عادل بوده است .

مسئله ۱۷۴۶ - روزی را که انسان نمیداند آخر رمضان است یا اول شوال ، باید روزه بگیرد . ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند .

مسئله ۱۷۴۷ - اگر زندانی نتواند بمه رمضان یقین کند ، باید بگمان عمل نماید . و اگر آنهم ممکن نباشد ، هر ماهی را که روزه بگیرد صحیح است . ولی باید بعد

از گذشتن یازده ماه از ماهی که روزه گرفته ، دوباره يك ماه روزه بگیرد .

روزه‌های حرام و مکروه

مسئله ۱۷۴۸- روزه گرفتن در روز عید فطر و قربان ، حرام است . و نیز روزی را که انسان نمیداند آخر شعبان است ، یا اول رمضان ، اگر به نیت اول رمضان روزه بگیرد حرام میباشد .

مسئله ۱۷۴۹- اگر بواسطه گرفتن روزه مستحبی حق شوهر از بین برود ، روزه بر زن حرام است . و احتیاط مستحب آنست که اگر حق شوهر هم از بین نرود ، بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد .

مسئله ۱۷۵۰- روزه مستحبی اولاد اگر باعث اذیت پدر یا مادر شود بانهی آنان حرام است ، بلکه اگر از آن نهی نکنند ولی سبب اذیت آنان شود ، یا جدهی نماید و روزه سبب اذیت او شود بنا بر احتیاط واجب روزه اولاد جایز نیست .

مسئله ۱۷۵۱- اگر پسر بدون اجازه پدر روزه مستحبی بگیرد ، و در بین روز پدر او را نهی کند اگر در مخالفت نهی اذیت میشود ، باید افطار نماید .

مسئله ۱۷۵۲- کسیکه میداند روزه برای او ضرر ندارد ، اگر چه دکتر بگوید ضرر دارد ، باید روزه بگیرد و کسیکه یقین با گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد ، اگر چه دکتر بگوید ضرر ندارد ، باید روزه نگیرد و اگر روزه بگیرد صحیح نیست .

مسئله ۱۷۵۳- اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد ؛ و از آن احتمال ، ترس برای او پیدا شود چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد ، نباید روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد صحیح نیست .

مسئله ۱۷۵۴- کسیکه عقیده اش اینست که روزه برای او ضرر ندارد ؛ اگر روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد روزه برای او ضرر داشته ؛ بنا بر احتیاط واجب باید قضای آنرا بجا آورد .

مسئله ۱۷۵۵ - غیر از روزه‌هایی که گفته شد، روزه‌های حرام دیگری هم هست که در کتابهای مفصل گفته شده است .

مسئله ۱۷۵۶ - روزه روز عاشورا و روزی که انسان شك دارد روز عرفه است یا عید قربان مکروه است .

روزه‌های مستحب

مسئله ۱۷۵۷ - روزه تمام روزهای سال ، غیر از روزهای حرام و مکروه که گفته شد ، مستحب است و برای بعضی از روزها بیشتر سفارش شده است که از آن جمله است :

۱ - پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اولی که بعد از روز دهم ماه است . و اگر کسی اینها را بجا نیاورد، مستحب است قضا نماید و چنانچه اصلاً نتواند روزه بگیرد ؛ مستحب است برای هر روز يك مد طعام یا ۱۲/۶ نخود نقره بفقیر بدهد .

۲ - سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه .

۳ - تمام ماه رجب و شعبان و بعضی از این دو ماه اگر چه يك روز باشد .

۴ - روز عید نوروز، و چهارگان نهم شوال ، روز بیست و پنجم ، و بیست و نهم ذی قعدة؛ روز اول تاروز نهم ذی حجه (روز عرفه) ، ولی اگر بواسطه ضعف روزه نتواند دغاهای روز عرفه را بخواند ، روزه آن روز مکروه است ، عید سعید غدیر (۱۸ ذی حجه) روز مباحه (۲۴ ذی حجه) روز اول و سوم و هفتم محرم . میلاد مسعود پیغمبر اکرم ﷺ (۱۷ ربیع الاول) ، پانزدهم جمادی الاولی ؛ روز مبعث حضرت رسول اکرم ﷺ (۲۷ رجب) ؛ و اگر کسی روزه مستحبی بگیرد واجب نیست آنرا بآخر رساند ، بلکه اگر برادر مؤمنش او را به غذا دعوت کند ، صاحب است دعوت او را قبول کند ؛ و

در بین روز افطار نماید .

مواردی که مستحب است انسان از کارهایی که روزه را

باطل میکند خودداری نماید

مسئله ۱۷۵۸ - برای شش نفر مستحب است در ماه رمضان اگر چه روزه نیستند از کاری که روزه را باطل میکند خودداری نمایند :

اول - مسافری که در سفر کاری که روزه را باطل میکند انجام داده باشد و پیش از ظهر بوطنش یا بجائیکه میخواهد ده روز بماند برسد .
دوم - مسافری که بعد از ظهر بوطنش یا بجائیکه میخواهد ده روز در آنجا بماند برسد .

سوم - مریضی که پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل میکند ، انجام داده باشد .

چهارم - مریضی که بعد از ظهر خوب شود .

پنجم - زنی که در بین روز از خون حیض یا نفاس پاک شود .

ششم - کافری که بعد از ظهر مسلمان شود یا پیش از ظهر مسلمان شود و پیش از مسلمان شدن مفطر بجا آورده باشد .

مسئله ۱۷۵۹ - مستحب است روزه دار نماز مغرب و عشاء را پیش از افطار کردن

بخواند . ولی اگر کسی منتظر او است یا میل زیادی بقدادارد که نمیتواند با حضور قلب نماز بخواند ، بهتر است اول افطار کند ولی بقدری که ممکن است نماز را در وقت فضیلت آن بجا آورد .

احکام خمس

مسئله ۱۷۶۰ - در هفت چیز خمس واجب میشود : اول - منفعت کسب دوم معدن . سوم - گنج . چهارم - مال حلال مخلوط بحرام . پنجم - جواهری که بواسطه غواصی یعنی فرورفتن در دریا بدست میآید . ششم - غنیمت جنگ . هفتم - زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد و احکام اینها مفصلاً گفته خواهد شد .

۱ - منفعت کسب

مسئله ۱۷۶۱ - هرگاه انسان از تجارت یا صنعت ، یا کسبهای دیگر مالی بدست آورد ، اگرچه مثلاً نماز و روزه مبتدی را بجا آورد و از اجرت آن ، مالی تهیه کند آنچه از مخارج سال خود او و عیالاتش زیاد بیاید ، باید خمس یعنی پنج يك آنرا بدستوری که بعداً گفته میشود بدهد .

مسئله ۱۷۶۲ - اگر از غیر کسب مالی بدست آورد ، مثلاً چیزی به وصیت باو بدهند یا ببخشند یا هدیه کنند یا جایزه دهند واجب است ، اگر از مخارج سالش زیاد بیاید ، خمس آن را هم بدهد .

مسئله ۱۷۶۳ - مهری را که زن میگیرد خمس ندارد . و همچنین است ارثی که بانسان میرسد . ولی اگر مثلاً با کسی خویشاوندی دوری داشته باشد و نداند چنین

خویشی دارد ؛ احتیاط مستحب آنست خمس ارثی را که از او میبرد ، اگر از مخارج سالش زیاد بیاید بدهد .

مسئله ۱۷۶۴ - اگر مالی بارت با و برسد و بداند کسیکه این مال از او بارت رسیده خمس آنرا نداده ، باید خمس آنرا بدهد و بجز اگر در خود آن مال خمس نباشد ولی انسان بداند کسیکه آن مال از او بارت رسیده ، خمس بدهکار است ، باید خمس را از مال او بدهد .

مسئله ۱۷۶۵ - اگر بواسطه قناعت کردن ، چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید ، باید خمس آنرا بدهد و همچنین کسیکه دیگری مخارج او را میدهد باید خمس تمام مالی را که بدست میآورد بدهد .

مسئله ۱۷۶۶ - چیزهاییکه زکوة بآنها تعلق میگیرد که در مسئله (۱۸۶۱) ذکر میشود اگر بعد از دادن زکوة آنها از مخارج سال زیاد بیاید باید خمس آنها را بدهد .

مسئله ۱۷۶۷ - اگر ملکی را بر افراد معینی مثلا بر اولاد خود وقف نماید ، چنانچه در آن ملک زراعت و درختکاری کنند و از آن چیزی بدست آورند و از مخارج سال آنان زیاد بیاید باید خمس آنرا بدهند . بلکه اگر طور دیگری هم از ملک نفع ببرند مثلا جارة آنرا بگیرند ، بنا بر احتیاط واجب باید خمس مقداری را که از مخارج سالشان زیاد میآید بدهند .

مسئله ۱۷۶۸ - در مالی که فقیر بابت خمس و زکوة گرفته خمس واجب نیست اما احتیاط واجب آنست که خمس مالی را که بابت صدقه مستحبی باوداده اند اگر از مخارج سالش زیاد بیاید بدهد ولی اگر از مالی که باو بابت خمس و زکوة و صدقه داده اند منفعتی برود مثلا از درختی که بابت خمس باوداده اند میوه ای بدست آورد ، و از مخارج سالش زیاد بیاید ، باید خمس آنرا بدهد .

مسئله ۱۷۶۹ - اگر باعین پول خمس نداده جنسی را بخرد ، یعنی بفروشنده

بگوید این جنس را باین پول میخرم ، چنانچه حاکم شرع معامله پنج يك آنرا اجازه بدهد ، معامله آن مقدار صحیح است. و انسان باید پنج يك جنسی را که خریده بحاکم شرع بدهد و اگر اجازه ندهد ، معامله آن مقدار باطل است. پس اگر پولی را که فروشنده گرفته از بین نرفته حاکم شرع خمس همان پول را میگیرد و اگر از بین رفته عوض خمس را از فروشنده یا خریدار مطالبه میکند .

مسئله ۱۷۷۰ - اگر جنسی را بخرد و بعد از معامله قیمت آنرا از پول خمس نداده بدهد ، معامله ای که کرده صحیح است . ولی چون از پولی که خمس در آنست فروشنده داده ، بمقدار پنج يك آن پول باو مدیون میباشد . و پولی را که فروشنده داده اگر از بین نرفته حاکم شرع پنج يك همانرا میگیرد و اگر از بین رفته عوض آنرا از خریدار یا فروشنده مطالبه میکند .

مسئله ۱۷۷۱ - اگر مالی را که خمس آن داده نشده بخرد ، چنانچه حاکم شرع معامله پنج يك آنرا اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است و حاکم شرع میتواند پنج - يك آن را بگیرد و اگر اجازه بدهد معامله صحیح است . و خریدار باید مقدار پنج - يك پول آنرا بحاکم شرع بدهد و اگر فروشنده داده میتواند از او پس بگیرد .

مسئله ۱۷۷۲ - اگر چیزی را که خمس آن داده نشده بکسی به بخشد ، پنج يك آن چیز ؛ مال او نمیشود .

مسئله ۱۷۷۳ - اگر از کافر یا از کسیکه بدادن خمس عقیده ندارد ، مالی بدست انسان آید ، واجب نیست خمس آنرا بدهد ولی زمینی را که از کافر ذمی بخرد که او از مسلمان خریده و خمسش را نداده باشد باید خمسش را بشرحی که گفته می شود بدهد .

مسئله ۱۷۷۴ - تاجر و کاسب و صنعتگر و مانند اینها از وقتی که شروع بکاسبی میکنند يك سال که بگذرد ، باید خمس آنچه را که از خرج سالشان زیاد آید بدهند و کسی که شغلش کاسبی نیست ؛ اگر اتفاقاً منفعتی ببرد ، بعد از آنکه يك

سال از موقعی که فائده برده بگذرد ، باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد .

مسئله ۱۷۷۵ - انسان می تواند در بین سال هر وقت منفعتی بدستش آمد خمس آنرا بدهد . و جایز است دادن خمس را تا آخر سال تأخیر بیندازد و اگر برای دادن خمس سال شمسی قرار دهد ؛ مانعی ندارد.

مسئله ۱۷۷۶ - کسیکه مانند تاجر و کاسب باید برای دادن خمس ، سال قرار دهد اگر منفعتی بدست آورد و در بین سال بمیرد ، باید مخارج ناموقع مرگش را از آن منفعت کسر کنند و خمس باقیمانده را بدهند .

مسئله ۱۷۷۷ - اگر قیمت جنسیکه برای تجارت خریده بالا رود ، و آنرا نفروشد و در بین سال قیمتش پائین آید ، خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست .

مسئله ۱۷۷۸ - اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده بالا رود و بامید اینکه قیمت آن بالاتر رود ، تا بعد از تمام شدن سال آنرا نفروشد و قیمتش پائین آید تمام خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست بلکه همان مقدار از عین را که در حال استقرار خمس به نسبت تمام عین خمس آن شده در حال گرانی عین و ارزانی آن باید بدهد مثلاً اگر از سرمایه خمس داده جنسی را هزار تومان خریده و در سر سال قیمت آن جنس شش هزار تومان شد شش يك آن جنس خمس آن می شود که اگر نپرداخت و قیمت آن در سال بعد هم ترقی کرد سپس تنزل نمود مثلاً بهمان هزار تومان اول رسید باید شش يك هزار تومان که قیمت روز اداه است پردازد بلی اگر در حین ترقی قیمت عین در دست او تلف شده باشد و بعد تنزل قیمت پیدا کرده باشد و بدون عذر در اداه خمس آن تأخیر کرده باشد خمس ترقی قیمت را تا روز تلف ضامن است .

مسئله ۱۷۷۹ - اگر غیر مال التجارة مالی داشته باشد که خمسش را داده ؛ یا خمس ندارد چنانچه قیمتش بالا رود ، اگر آنرا بفروشد خمس مقداری را که بر قیمتش اضافه شده اگر از مخارج سالش زیاد بیاید باید بدهد و اگر مثلا درختی که خریده میوه بیاورد ، یا گوسفند چاق شود ، باید خمس آنچه را که زیاد شده بدهد .

مسئله ۱۷۸۰ - اگر باغی احداث کند برای آنکه بعد از بالا رفتن قیمتش بفروشد ، باید بعد از باغ شدن خمس درختها و میوه و نمو درختها و زیادی قیمت باغ را بدهد ولی اگر قصدش این باشد که از میوه آن استفاده کند ، و زائد بر حاجت نباشد فقط باید خمس میوه درختها را اگر از مؤنه سال اضافه شود بدهد .

مسئله ۱۷۸۱ - اگر درخت بید و چنار و مانند اینها را بکارد ؛ سالی که موقع فروش آنها است اگر چه آنها را نفروشد ، باید خمس آنها را بدهد . ولی اگر مثلا از شاخه های آن که معمولا هر سال می برند ، استفاده ای ببرد و به تنهایی یا با منفعتهای دیگر کسبش از مخارج سال او زیاد بیاید ، در آخر هر سال باید خمس آنها بدهد .

مسئله ۱۷۸۲ - کسیکه چند رشته کسب دارد مثلا اجاره ملک میگیرد و خرید و فروش و زراعت هم میکند ؛ باید خمس آنچه را در آخر سال از مخارج او زیاد میآید بدهد . و چنانچه از يك رشته نفع ببرد و از رشته دیگر ضرر کند بنا بر احتیاط واجب باید خمس نفعی را که برده بدهد ولی اگر دو تجارت داشته باشد میتواند ضرر یکی را با نفع دیگری جبران نماید .

مسئله ۱۷۸۳ - خرجهائی را که انسان برای بدست آوردن فائده میکند و مانند دلالی و حمالی که عینش یا عوضش باقی نمی ماند جزء مخارج کسب است که اگر بخود آن خرجهای خمس تعلق نگرفته از فائده کسب میتوان جای آن گذاشت و آن مقدار را جزء فائده محسوب نکرد .

مسئله ۱۷۸۴ - آنچه از منافع کسب در بین سال بمصرف خوراک و پوشاک

و اثاثیه و خرید منزل و عروسی و جهیزیه دختر اگر در وقتی تهیه شود که معمولاً بتهیه آن حاجت است و زیارت و مانند اینها می‌رساند در صورتیکه از شأن او زیاد نباشد و زیاده روی هم نکرده باشد، خمس ندارد.

مسئله ۱۷۸۵ - مالی را که انسان بمصرف نذر و کفاره می‌رساند، جزء مخارج سالیانه است. و نیز مالی را که بکسی می‌بخشد یا جایزه می‌دهد در صورتیکه از شأن او زیاد نباشد از مخارج سالیانه حساب می‌شود.

مسئله ۱۷۸۶ - اگر انسان در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه دختر را تهیه میکنند؛ و تهیه آن مورد حاجت باشد چنانچه در بین سال از منافع آن سال جهیزیه بخرد، خمس آنرا نباید بدهد و اگر از منافع آن سال در سال بعد جهیزیه تهیه نماید باید خمس آنرا بدهد.

مسئله ۱۷۸۷ - مالی را که خرج سفر حج و زیارت‌های دیگر میکند؛ از مخارج سالی حساب میشود که در آن سال شروع بمسافرت کرده، اگر چه سفر او تا مقداری از سال بعد طول بکشد.

مسئله ۱۷۸۸ - کسیکه از کسب و تجارت فایده‌ای برده اگر مال دیگری هم دارد که خمس آن واجب نیست؛ میتواند مخارج سال خود را فقط از فایده کسب حساب کند.

مسئله ۱۷۸۹ - اگر آذوقه‌ای که برای مصرف سالی خرید، در آخر سال زیاد بیاید؛ باید خمس آنرا بدهد. و چنانچه بخواهد قیمت آنرا بدهد، در صورتیکه قیمتش از وقتیکه خریده زیاد شده باشد؛ باید قیمت آخر سال را حساب کند.

مسئله ۱۷۹۰ - اگر از منفعت کسب پیش از دادن خمس اثاثیه‌ای برای منزل بخرد و در بین همان سال احتیاجش از آن بر طرف شود اگر زائد بر مخارج سال باشد خمس آنرا باید بدهد و همچنین است زیورآلات زنانه، ولی اگر در سالهای

بعد رفع احتیاجش از آنها بشود خمس آن واجب نیست .

مسئله ۱۷۹۱ - اگر در یکسال منفعتی نبرد ، نمیتواند مخارج آن سال را از منفعتی که در سال بعد میبرد کسر نماید .

مسئله ۱۷۹۲ - اگر در اول سال منفعتی نبرد و از سرمایه خرج کند ، و پیش از تمام شدن سال منفعتی بدستش آید ، میتواند مقداری که از سرمایه برداشته از منافع کسر کند .

مسئله ۱۷۹۳ - اگر مقداری از سرمایه یک رشته کسب بتلاف یا ضرر در معامله بدون تقصیر کم شود یا از بین برود و از باقیمانده آن رشته منفعی ببرد که از خرج سالش زیاد بیاید میتواند مقداری را که از سرمایه کم شده ، از آن منافع بردارد .

مسئله ۱۷۹۴ - اگر غیر از سرمایه چیز دیگری از مالهای او از بین برود ، نمیتواند از منفعتی که بدستش میآید آن چیز را تهیه کند ، ولی اگر در همان سال بآن چیز احتیاج داشته باشد ، میتواند در بین سال از منافع کسب آن را تهیه نماید .

مسئله ۱۷۹۵ - اگر در اول سال برای مخارج خود قرض کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی ببرد . میتواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید .

مسئله ۱۷۹۶ - اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض کند ، میتواند از منافع سالهای بعد قرض خود را ادا نماید .

مسئله ۱۷۹۷ - اگر برای زیاد کردن مال ؛ یا خریدن ملکی که بآن احتیاج ندارد قرض کند ، نمیتواند از منافع کسب آن قرض را بدهد . ولی اگر مالی را که قرض کرده و چیزی را که از قرض خریده از بین برود میتواند از منافع کسب قرض را ادا نماید .

مسئله ۱۷۹۸ - انسان میتواند خمس هر چیزی را از همان چیز بدهد ، یا بمقدار قیمت خمس که بدهکار است ، پول باجنس دیگر بدهد .

مسئله ۱۷۹۹ - بعد از تمام شدن سال و مستقر شدن خمس ؛ تصرف در مالیکه

خمس آن واجب شده بدون اذن حاکم شرعی جایز نیست .

مسئله ۱۸۰۰ - کسیکه خمس بدهکار است نمیتواند آن را بذمه بگیرد یعنی خود را بدهکار اهل خمس بداند و در تمام مال تصرف کند و چنانچه تصرف کند و آن مال تلف شود ، باید خمس آن را بدهد .

مسئله ۱۸۰۱ - کسیکه خمس بدهکار است ، اگر باذن حاکم شرع خمس را بذمه بگیرد که بعد ادا نماید میتواند در تمام مال تصرف نماید و منافعی که از آن بدست میآید مال خود اوست .

مسئله ۱۸۰۲ - کسیکه بادیگری شریک است ، اگر خمس منافع خود را بدهد و شریک او ندهد و در سال بعد از مالی که خمسش را نداده برای سرمایه شرکت بگذارد هیچ کدام نمیتوانند در آن تصرف کنند .

مسئله ۱۸۰۳ - اگر بچه صغیر سرمایه ای داشته باشد و از آن منافی بدست آید ولی او میتواند پیش از بلوغ او خمس او را بدهد و اگر بعد از تمام شدن سال خمس را ندهد نمیتواند در آن مال تصرف نماید و در این صورت بر خود صغیر واجب است بعد از آنکه بالغ شد ، خمس آن را بدهد .

مسئله ۱۸۰۴ - انسان نمیتواند در مالی که یقین دارد خمسش را نداده اند تصرف کند ولی در مالی که شك دارد خمس آن را نداده اند ، میتواند تصرف نماید .

مسئله ۱۸۰۵ - کسیکه از اول تکلیف خمس نداده ، اگر ملکی بخرد و قیمت آن بالا رود ، چنانچه آن ملک را برای آن خریده که قیمتش بالا رود و بفروشد مثلاً زمینی را برای زراعت خریده است ، در صورتیکه آنرا بذمه خریده و از پول خمس نداده قیمت آنرا داده ؛ باید خمس قیمتی را که خریده بدهد . ولی اگر بعین خریده مثلاً پول خمس نداده را بفروشنده داده ، و بگویند این ملک را باین پول میخرم ، در صورتیکه حاکم شرع معامله پنج بیک آنرا اجازه بدهد ، خریدار باید خمس مقداری

را که آن ملك ارزش دارد بدهد .

مسئله ۱۸۰۶ - کسیکه از اول تکلیف خمس نداده ، اگر از منافع کسب چیزی که به آن احتیاج ندارد خریده و یکسال از منافع بدست آمده گذشته باید خمس آنرا بدهد و اگر اثاث خانه و چیزهای دیگری که بآنها احتیاج دارد مطابق شأن خود خریده ، در صورتیکه بداند در بین سالی که در آن سال فائده برده آنها را خریده ، لازم نیست خمس آنها را بدهد و اگر نداند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال ، بنا بر احتیاط مستحب باید با حاکم شرع مصالحه کند .

۲- معدن

مسئله ۱۸۰۷- اگر از معدن طلا ، نقره ، سرب ، مس ، آهن ، نفت ، ذغال سنگ ، فیروزه ، عقیق ، زاج ، نمک و معدنهای دیگر چیزی بدست آورد ، در صورتیکه بمقدار نصاب باشد ، باید خمس آنرا بدهد .

مسئله ۱۸۰۸- نصاب معدن ۱۵ مثقال معمولی طلای سکه دار است ، یعنی اگر قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده ، بعد از کم کردن مخارجی که برای بدست آوردن آن مصرف کرده به ۱۵ مثقال طلا برسد ، باید خمس آنرا بدهد .

مسئله ۱۸۰۹- استفاده ای که از معدن برده ؛ اگر قیمت آن به ۱۵ مثقال طلا نرسد خمس آن در صورتی لازم است که به تنهایی یا با منافع دیگر کسب او از مخارج سالش زیاد بیاید .

مسئله ۱۸۱۰- احتیاط لازم در گل سرشور و گچ و آهک و گل سرخ اگر بحد نصاب برسد دادن خمس است پیش از خارج کردن مؤنه سال و اگر کمتر از نصاب باشد حکم سایر منافع سال را دارد .

مسئله ۱۸۱۱- کسیکه از معدن چیزی بدست میآورد ، باید خمس آنرا بدهد چه معدن روی زمین باشد ، یا زیر آن ، در زمینی باشد که ملك است ، یا در جایی باشد

که مالک ندارد .

مسئله ۱۸۱۲- اگر نداند قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده به ۱۵ مثقال طلا میرسد یا نه ، باید بوزن کردن بازره دیگر قیمت آنرا معلوم کند .

مسئله ۱۸۱۳- اگر چند نفر چیزی از معدن بیرون آورند ، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای بدست آوردن آن مصرف کرده اند ، قیمت آن به ۱۵ مثقال طلا برسد اگر چه سهم هر کدام آنها این مقدار نباشد ، بنا بر احتیاط مستحب باید خمس آنرا بدهند .

مسئله ۱۸۱۴- اگر معدنی را که در ملک دیگریست بدون اجازه او بیرون آورد ، آنچه از آن بدست میآید ، مال صاحب ملک است . و چون صاحب ملک برای بیرون آوردن آن خرجی نکرده ، باید خمس تمام آنچه را که از معدن بیرون آمده بدهد .

۳- گنج

مسئله ۱۸۱۵- گنج مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آنرا پیدا کند و طوری باشد که بآن ؛ گنج بگویند .

مسئله ۱۸۱۶- اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند ، مال خود او است و باید خمس آنرا بدهد .

مسئله ۱۸۱۷- نصاب گنج در غیر طلا و نقره بنا بر احتیاط ۱۰۵ مثقال نقره سکه دار یا ۱۵ مثقال طلای سکه دار است یعنی اگر قیمت چیزی را که از گنج بدست میآورد ، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده به یکی از این دو نصاب برسد ، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آنرا بدهد و اما نصاب گنج طلا ۱۵ مثقال طلای سکه دار و گنج نقره - ۱۰۵ مثقال نقره سکه دار است .

مسئله ۱۸۱۸- اگر در زمینی که از دیگری خریده گنجی پیدا کند و بداند

مال کسانی که قبلاً مالک آن زمین بوده‌اند نیست، مال خود او میشود و باید خمس آنرا بدهد. ولی اگر احتمال دهد که مال یکی از آنان است، باید باو اطلاع دهد و چنانچه معلوم شود مال او نیست، باید به کسی که پیش از او مالک زمین بوده اطلاع دهد و بهمین ترتیب بنا بر احتیاط لازم بنمایند که پیش از او مالک زمین بوده‌اند خبر دهد و اگر معلوم شود مال هیچ يك آنان نیست، مال خود او میشود و باید خمس آنرا بدهد.

مسئله ۱۸۱۹- اگر در ظرفهای متعددی که در یکجا دفن شده مالی پیدا کند که قیمت آنها روی هم ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا باشد باید خمس آنرا بدهد ولی چنانچه در چند جا گنج پیدا کند، هر کدام آنها که قیمتش باین مقدار برسد؛ خمس آن واجب است و گنجی که قیمت آن باین مقدار نرسیده خمس ندارد.

مسئله ۱۸۲۰- اگر دو نفر گنجی پیدا کنند که قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد اگر سهم هر يك آنان باین مقدار نباشد، بنا بر احتیاط مستحب خمس آنرا بدهند.

مسئله ۱۸۲۱- اگر کسی حیوانی را بخورد و در شکم آن مالی پیدا کند چنانچه احتمال دهد که مال فرو شده است؛ باید باو خبر دهد. و اگر معلوم شود مال او نیست، بنا بر احتیاط لازم باید بترتیب، صاحبان قبلی آن را خبر کند و چنانچه معلوم شود که مال هیچ يك آنان نیست، اگر چه قیمت آن ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا نباشد، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آنرا بدهد.

۴- مال حلال مخلوط بحرام

مسئله ۱۸۲۲- اگر مال حلال با مال حرام بطوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم

نباشد؛ باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال میشود اگر از جهت دیگر متعلق خمس نشده باشد و الا واجب است خمس دیگری هم از بقیه مال بدهد و احتیاط لازم آنستکه این خمس را بمصرف سایر خمسها برساند لکن بقصد مافی الذمه از خمس یا صدقه .

مسئله ۱۸۲۳- اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند ولی صاحب آنرا شناسد، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد. و احتیاط واجب آنستکه از حاکم شرع هم اذن بگیرد .

مسئله ۱۸۲۴- اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند ولی صاحبش را بشناسد، باید یکدیگر را راضی نمایند و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتیکه انسان بداند چیز معینی مال او است و شک کند که بیشتر از آن هم مال او هست یا نه، باید چیزی را که یقین دارد مال او است باو بدهد و احتیاط مستحب آنست مقدار بیشتری را که احتمال میدهد مال او است باو بدهد .

مسئله ۱۸۲۵- اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، بنا بر احتیاط واجب باید مقداری را که میداند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد .

مسئله ۱۸۲۶- اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد از آن صاحبش معلوم شود چیزی بر او نیست ولی اگر مالی را که صاحبش را نمی شناسد به نیت او صدقه بدهد و بعد از آن صاحبش پیدا شد، واجب است بمقدار مالش باو بدهد .

مسئله ۱۸۲۷- اگر مال حلالی با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست ولی نتواند بفهمد کیست اگر ممکن است همرا راضی کند و اگر ممکن نشد باید آن مال را بطور مساوی بین آن چند نفر قسمت کند .

۵- جواهری که بواسطه غواصی بدست میآید

مسئله ۱۸۲۸- اگر بواسطه غواصی - یعنی : فرورفتن در دریا - لؤلؤ و مرجان یا جواهر دیگری بیرون آورند ، روئیدنی باشد ، یا معدنی ، چنانچه بعد از کم کردن مخارجیکه برای بیرون آوردن آن مصرف کرده اند ، قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد باید خمس آنرا بدهند ؛ چه در یک دفعه آنرا از دریا بیرون آورده باشند یا بنا بر احتیاط لازم در چند دفعه ، آنچه بیرون آمده از یک جنس باشد ، یا از چند جنس ، بکنفر آنرا بیرون آورده باشد ؛ یا چند نفر .

مسئله ۱۸۲۹- اگر بدون فرورفتن در دریا بوسیله اسبابی جواهر بیرون آورد و بعد از کم کردن مخارجی که برای آن مصرف کرده قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد بنا بر احتیاط خمس آن واجب است ولی اگر از روی آب دریا یا از کنار دریا جواهر بگیرد ، در صورتی باید خمس آنرا بدهد که آنچه را بدست آورده به تنهایی یا با منافع دیگر کسب اواز مخارج سالش زیادتر باشد .

مسئله ۱۸۳۰ در ماهی و حیوانات دیگری که انسان با فرورفتن و یا بدون فرو رفتن در دریای می گیرد اگر بحد نصاب برسد احتیاط لازم دادن خمس است بدون کم کردن مخارج سال و اگر بحد نصاب نرسد در صورتی که صرف در مثنوئه سال نشود بنا بر احتیاط واجب باید خمس آنرا بدهند .

مسئله ۱۸۳۱ - اگر انسان بدون قصد اینکه چیزی از دریا بیرون آورد در دریا فرورود و اتفاقاً جواهری بدستش آید و قصد تملك آنرا بنماید بنا بر احتیاط واجب اگر بحد نصاب باشد بدون کم کردن مثنوئه سال باید خمس آنرا بدهد .

مسئله ۱۸۳۲- اگر انسان در دریا فرورود و حیوانی را بیرون آورد و در شکم آن ، جواهری پیدا کند که قیمتش هیچده نخود طلا یا بیشتر باشد ، چنانچه آن حیوان مانند

صدف باشد که نوعاً در شکمش جواهر هست، باید خمس آنرا بدهد و اگر اتفاقاً جواهر بلعیده باشد، در صورتی خمس آن واجب است که به تنهایی یا با منافع دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد.

مسئله ۱۸۳۳ - اگر در رودخانه های بزرگ مانند دجله و فرات فرو رود و جواهری بیرون آورد، چنانچه در آن رودخانه جواهر عمل می آید؛ باید خمس آنرا بدهد.

مسئله ۱۸۳۴ - اگر در آب فرو رود و مقداری عنبر بیرون آورد که قیمت آن ۱۸ نخود طلا یا بیشتر باشد، باید خمس آنرا بدهد. و چنانچه از روی آب یا از کنار دریاب دست آورد اگر قیمت آن بمقدار ۱۸ نخود طلا هم نرسد؛ بنا بر احتیاط خمس آن واجب است.

مسئله ۱۸۳۵ - کسیکه کسبش غواصی یا بیرون آوردن معدن است، اگر خمس آنها را بدهد و چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید، لازم نیست، دوباره خمس آنرا بدهد.

مسئله ۱۸۳۶ - اگر بچه ای معدنی را بیرون آورد، یا مال حلال مخلوط به حرام داشته باشد، یا گنجی پیدا کند، یا بواسطه فرورفتن در دریا، جواهری بیرون آورد، ولی او باید خمس آنها را بدهد.

۶- غنیمت

مسئله ۱۸۳۷ - اگر مسلمین بامر امام علیه السلام با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ بدست آورند، بآنها غنیمت گفته میشود. و مخارجی را که برای غنیمت مصرف کرده اند، مانند مخارج نگهداری و حمل و نقل آن و نیز مقداری را که امام علیه السلام صلاح میداند بمصرفی برساند و چیزهایی که مخصوص بامام است، باید از غنیمت کنار

بگذارند و خمس بقیه آنرا بدهند.

۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد

مسئله ۱۸۳۸- اگر کافر ذمی زمینی را از مسلمان بخرد ، باید خمس آنرا از همان زمین یا از مال دیگری بدهد. و نیز اگر خانه و دوکان و مانند اینها را از مسلمان بخرد باید خمس زمین آنرا بدهد و در دادن این خمس قصد قربت لازم نیست بلکه حاکم شرع هم که خمس را از او بگیرد، لازم نیست قصد قربت نماید

مسئله ۱۸۳۹- اگر کافر ذمی زمینی را که از مسلمان خریده و خمسش را نداده بمسلمان دیگری بفروشد ، باید خریدار خمس آنرا بدهد و نیز اگر بمیرد و مسلمانی آن زمین را از او ارث ببرد . باید وارث او خمس آن زمین را بدهد .

مسئله ۱۸۴۰- اگر کافر ذمی موقع خریدن زمین شرط کند که خمس ندهد ، یا شرط کند که فروشنده خمس آنرا بدهد، شرط او صحیح نیست و باید خمس را بدهد ولی اگر شرط کند که فروشنده مقدار خمس را از طرف او بصاحبان خمس بدهد اشکال ندارد.

مسئله ۱۸۴۱- اگر مسلمان زمینی را بغير خرید و فروش ملك کافر کند و عوض آنرا بگیرد مثلاً باو صلح نماید ، کافر ذمی باید خمس آنرا بدهد .

مسئله ۱۸۴۲- اگر کافر ذمی صغیر باشد و ولی او برایش زمینی بخرد ، باید خمس آنرا بدهد.

مصرف خمس

مسئله ۱۸۴۳- خمس را باید دو قسمت کنند : يك قسمت آن سهم سادات است و بقیه به سید فقیر ، یاسید یتیم ، یاسیدی که در سفر در مانده شده بدهند و نصف دیگر آن

۷. هم امام علیه السلام است که در این زمان باید به مجتهد جامع الشرائط بدهند، یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد برسانند. ولی اگر انسان بخواهد سهم امام علیه السلام را به مجتهدی که از او تقلید نمی‌کند بدهد، در صورتی با و اذن داده میشود که بداند آن مجتهد و مجتهدی که از او تقلید میکنند، سهم امام علیه السلام را بیک طور مصرف میکنند.

مسئله ۱۸۴۴ - سیدی تیمی که باو خمس میدهند، باید فقیر باشد ولی بسیدی که در سفر در مانده شده، اگر چه در وطنش فقیر نباشد، میشود خمس داد.

مسئله ۱۸۴۵ - بسیدی که در سفر مانده شده، اگر سفر او سفر معصیت باشد یا خودش در معصیت باشد بنا بر احتیاط واجب نباید خمس بدهند.

مسئله ۱۸۴۶ - بسیدی که عادل نیست میشود خمس داد ولی بسیدی که دوازده امامی نیست؛ نباید خمس بدهند.

مسئله ۱۸۴۷ - بسیدی که معصیت کار است، اگر خمس دادن کمک به معصیت او باشد نمیشود خمس داد. و بسیدی هم که آشکارا معصیت میکند، اگر چه دادن خمس کمک به معصیت او نباشد، بنا بر احتیاط واجب نباید خمس بدهند.

مسئله ۱۸۴۸ - اگر کسی بگوید: سیدم نمیشود باو خمس داد، مگر آنکه دو نفر عادل، سید بودن او را تصدیق کنند، یا در بین مردم بطوری معروف باشد که انسان یقین یا اطمینان پیدا کند که سید است.

مسئله ۱۸۴۹ - بکسی که در شهر خودش مشهور باشد که سید است، اگر چه انسان سید بودن او یقین نداشته باشد؛ میشود خمس داد.

مسئله ۱۸۵۰ - کسی که زنش سیده است بنا بر احتیاط واجب نباید باو خمس بدهد که به مصرف مخارج خودش برساند ولی اگر مخارج دیگران بر آن زن واجب باشد و نتواند مخارج آنان را بدهد جایز است انسان خمس به آن زن بدهد که به مصرف آنان برساند.

مسئله ۱۸۵۱ - اگر مخارج سیدی که زوجه انسان نیست بر انسان واجب باشد،

بنابر احتیاط واجب ، نمیتواند از خمس خوراك و پوشاك اورا بدهد یا آنكه ملك او كند كه بمصرف مخارج خودش برساند .

مسئله ۱۸۵۲ - بسید فقیری كه مخارجش بردیگری واجب است و او نمیتواند مخارج آن سیدرا بدهد، میشود خمس داد .

مسئله ۱۸۵۳ - احتیاط واجب آنستكه بیشتر از مخارج يكسال بيك سید فقیر خمس ندهند .

مسئله ۱۸۵۴ - اگر در شهر انسان سید مستحقى نباشد و احتمال هم ندهد كه پیدا شود ؛ بانگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممكن نباشد ، باید خمس را بشهر دیگر ببرد و به مستحق برساند و میتواند مخارج بردن آن را از خمس بردارد و اگر خمس از بین برود ، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده ؛ باید عوض آنرا بدهد و اگر کوتاهی نکرده ، چیزی بر او واجب نیست .

مسئله ۱۸۵۵ - هر گاه در شهر خودش مستحقى نباشد ولی احتمال دهد كه پیدا شود اگر چه نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممكن باشد ؛ میتواند خمس را بشهر دیگر ببرد و چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکند و تلف شود ، نباید چیزی بدهد ولی نمیتواند مخارج بردن آنرا از خمس بردارد .

مسئله ۱۸۵۶ - اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود ، باز هم میتواند خمس را بشهر دیگر ببرد و به مستحق برساند، ولی مخارج بردن آنرا باید از خودش بدهد و در صورتیکه خمس از بین برود ، اگر چه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد ضامن است .

مسئله ۱۸۵۷ - اگر باذن حاکم شرع خمس را بشهر دیگر ببرد ؛ و از بین برود لازم نیست دوباره خمس بدهد . و همچنین است اگر بکسی بدهد كه از طرف حاکم شرع وکیل بوده كه خمس را بگیرد و از آن شهر بشهر دیگر ببرد .

مسئله ۱۸۵۸ - اگر خمس را از خود مال ندهد و از جنس دیگر بدهد ، باید بقیمت واقعی آن جنس حساب کند و چنانچه گرانتر از قیمت حساب کند ، اگر چه مستحق بآن قیمت راضی شده باشد ، باید مقداری را که زیاد حساب کرده بدهد .

مسئله ۱۸۵۹ - کسیکه از مستحق طلبکار است و میخواهد طلب خود را بابت خمس حساب کند ، بنا بر احتیاط ، منحب خمس را باو بدهد و بعد مستحق بابت بدهی خود باو برگرداند ، و میتواند ذمه بدهکار را بدون این کار بابت خمس بری نماید .

مسئله ۱۸۶۰ - مستحق نمیتواند خمس را بگیرد و بمالك ببخشد ، ولی کسیکه مقدار زیادی خمس بدهکار است و فقیر شده و میخواهد مدیرن اهل خمس نباشد ، اگر مستحق راضی شود که خمس را از او بگیرد و باو ببخشد اشکال ندارد .

احكام زكوة

مسئله ۱۸۶۱- زكوة نه چیز واجب است: اول- گندم، دوم- جو؛ سوم- خرما چهارم- كشمش، پنجم- طلا، ششم- نقره، هفتم- شتر، هشتم- گاو، نهم- گوسفند، و اگر کسی مالك یکی از این نه چیز باشد، یا شرایطی که بعداً گفته میشود باید مقداری را که معین شده، یکی از مصرفهایی که دستور داده‌اید برساند.

مسئله ۱۸۶۲- سلت که دانه ایست بنرمی گندم و خاصیت جودارد و علس که مثل گندم است و خوراك مردمان صنعا میباشد، زكوتشان بنابر احتیاط واجب باید داده شود.

شرائط واجب شدن زكوة

مسئله ۱۸۶۳- زكوة در صورتی واجب میشود که مال بمقدار نصاب که بعداً گفته میشود برسد و مالك آن، بالغ و عاقل و آزاد باشد و بتواند در آن مال تصرف کند.

مسئله ۱۸۶۴- اگر انسان یازده ماه مالك گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشد، اول ماه دوازدهم باید زكوة آنرا بدهد ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند.

مسئله ۱۸۶۵- اگر مالك گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در بین سال بالغ شود، باید اول سال را اول بالغ شدن خود قرار دهد.

مسئله ۱۸۶۶- بنا بر احتیاط واجب وقت واجب شدن زکوة گندم وجو وقت دانه بستن آنهاست و زکوة کشمش نیز بنا بر احتیاط وقتی واجب میشود که غوره است و موقعی هم که رنگ خرما زرد یا سرخ شد ، بنا بر احتیاط زکوة آن واجب میشود و اگر اتفاقاً ملاحظه موقعی که بآنها گندم وجو وانگور و خرما گویند موافق بانفع فقرا باشد احتیاط واجب ملاحظه صرفه فقراست مثل آنکه کسی مالک گندم یا جو شود بعد از بسته شدن دانه های آنها و پیش از آنکه بآنها گندم وجو بگویند که در چنین صورتی احتیاط واجب آنستکه زکوة آنرا بدهد ولی وقت دادن زکوة در گندم وجو موقع خرمن جدا کردن گاه آنها و در خرما و کشمش موقعی است که انگور، کشمش و رطب ، نمر شده باشد .

مسئله ۱۸۶۷- اگر موقع واجب شدن زکوة گندم وجو و کشمش و خرما که در مسئله پیش گفته شد ، صاحب آنها بالغ باشد ؛ باید زکوة آنها را بدهد .

مسئله ۱۸۶۸- اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در تمام سال دیوانه باشد ، زکوة براو واجب نیست . ولی اگر در مقداری از سال دیوانه باشد و در آخر سال عاقل گردد ، بنا بر احتیاط مستحب زکوة را بدهد .

مسئله ۱۸۶۹- اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در مقداری از سال مست یا بیهوش شود ، زکوة از او ساقط نمیشود . و همچنین است اگر موقع واجب شدن زکوة گندم وجو و خرما و کشمش مست یا بیهوش باشد .

مسئله ۱۸۷۰- مالی را که از انسان غصب کرده اند و نمیتوانند در آن تصرف کند زکوة ندارد ولی اگر زراعتی را از او غصب کنند و موقعیکه زکوة آن واجب میشود در دست غصب کننده باشد ، هر وقت بصاحبش برگشت ، احتیاط واجب آنستکه زکوة آنرا بدهد .

مسئله ۱۸۷۱- اگر طلا و نقره یا چیز دیگری را که زکوة آن واجب است قرض کند و يك سال نرزد او بماند ، باید زکوة آنرا بدهد و بر کسیکه قرض داده چیزی

واجب نیست .

زکوة گندم و جو و خرما و کشمش

مسئله ۱۸۷۲- زکوة گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب میشود که بمقدار نصاب برسند و نصاب آنها ۲۸۸ من تبریز الا ۴۵ منقال است .

مسئله ۱۸۷۳- اگر پیش ازدادن زکوة از انگور و خرما و غوره آنها و از جو و گندم بیشتر از مقدار متعارف ، مصرف کند باید زکوة آنها بدهد ولی در مقدار متعارف لازم نیست .

مسئله ۱۸۷۴- اگر بعد از آنکه زکوة گندم و جو و خرما و انگور واجب شد مالک آن بمیرد ، باید مقدار زکوة را از مال او بدهند . ولی اگر پیش از واجب شدن زکوة بمیرد ؛ هر يك از ورثه که سهم او باندازه نصاب است ، باید زکوة سهم خود را بدهد .

مسئله ۱۸۷۵- کسیکه از طرف حاکم شرع مأمور جمع آوری زکوة است موقع خرمن که گندم و جو را از گاه جدا میکنند و بعد از کشمش شدن انگور و تمر شدن رطب میتواند زکوة را مطالبه کند . و اگر مالک ندهد و چیزی که زکوة آن واجب شده ، از بین برود باید عوض آنها بدهد .

مسئله ۱۸۷۶- اگر بعد از مالک شدن درخت خرما و انگور یا زراعت گندم و جو زکوة آنها واجب شود ، مثلا خرما در ملک او زرد یا سرخ شود ، باید زکوة آنها بدهد .

مسئله ۱۸۷۷- اگر بعد از آنکه زکوة گندم و جو و خرما و انگور واجب شد ، زراعت و درخت را بفروشد ، باید زکوة آنها را بدهد .

مسئله ۱۸۷۸- اگر انسان گندم یا جو یا خرما یا انگور را بخرد و بداند که فروشنده زکوة آنها داده ، یا شک کند که داده یانه ، چیزی بر او واجب نیست . و اگر بداند که زکوة آنها نداده ، چنانچه حاکم شرع معامله مقداری را که باید از بابت

زکوة داده شود ، اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است . و حاکم شرع میتواند مقدار زکوة را از خریدار بگیرد . و اگر معامله مقدار زکوة را اجازه دهد ، معامله صحیح است . و خریدار باید قیمت آن مقدار را با حاکم شرع بدهد در صورتیکه قیمت آن مقدار را بفروشنده داده باشد ، میتواند از او پس بگیرد و همچنین صحیح میشود اگر بعد از معامله خود فروشنده زکوة آنرا بدهد .

مسئله ۱۸۷۹ - اگر وزن گندم و جو و خرما و کشمش موقعی که تراست به حد نصاب برسد و بعد از خشک شدن کمتر از آن شود ، زکوة آن واجب نیست .

مسئله ۱۸۸۰ - اگر گندم و جو و خرما را پیش از خشک شدن مصرف کند ، چنانچه خشک آنها باندازه نصاب باشد ، باید زکوة آنها را بدهد .

مسئله ۱۸۸۱ - خرمائی که تازه آنرا میخورند و اگر بماند خیلی کم میشود یا بعد از خشک شدن ، آن خرما نمیگویند ، چنانچه مقداری باشد که خشک آن به حد نصاب برسد زکوة آن واجب است .

مسئله ۱۸۸۲ - گندم و جو و خرما و کشمش که زکوة آنها را داده ، اگر چند سال هم نزد او بماند زکوة ندارد .

مسئله ۱۸۸۳ - اگر گندم و جو و خرما و انگور از آب باران یا نهر مشروب شود ، یا مثل زراعتهای مصر از رطوبت زمین استفاده کند ؛ زکوة آنده يك است و اگر بادلو و مانند آن آبیاری شود ، زکوة آن بیست يك است و اگر مقداری از باران ، یا نهر ، یا رطوبت زمین استفاده کند و بهمان مقدار از آبیاری بادلو و مانند آن استفاده نماید زکوة نصف آنده يك و زکوة نصف دیگر آن بیست يك میباشد یعنی از چهل قسمت سه قسمت آنرا باید بابت زکوة بدهند .

مسئله ۱۸۸۴ - اگر گندم و جو و خرما و انگور ، هم از آب باران مشروب شود و هم از آب دلو و مانند آن استفاده کند ، چنانچه طوری باشد که بگویند : آبیاری بادلو و مانند آن شده ، زکوة آن بیست يك است و اگر بگویند : آبیاری با آب نهر و

باران شده زکوة آن دهك است و اگر آبیاری بادلو غلبه داشته ولی چنان نباشد که بگویند: بادلو آبیاری شده باید ملاحظه نسبت کنند و احتیاط آنستکه زر نصف دهك و در نصف دیگر بیست يك زکوة بدهند .

مسئله ۱۸۸۵- اگر شك کند که آبیاری با آب باران و آب دلو بيك اندازه بوده یا آب باران غلبه داشته ، میتواند از نصف آنده يك و از نصف دیگر آن بیست يك بدهد .

مسئله ۱۸۸۶- اگر گندم و جو و خرما و انگور با آب باران یا نهر مشروب شود و به آب دلو و مانند آن محتاج نباشد ولی با آب دلو هم آبیاری شود ، و آب دلو زیاد شدن محصول کمک نکند ، زکوة آن دهك است . و اگر بادلو و مانند آن آبیاری شود و آب نهر و باران محتاج باشد ولی با آب نهر یا باران هم مشروب شود و آنها زیاد شدن محصول کمک نکنند ، زکوة آن بیست يك است .

مسئله ۱۸۸۷- اگر زراعتی را با دلو و مانند آن آبیاری کنند و در زمینی که پهلوی آنست زراعتی کنند که از رطوبت آن زمین استفاده نماید و محتاج با آبیاری نشود ، زکوة زراعتی که بادلو آبیاری شده ، بیست يك و زکوة زراعتی که پهلوی آنست ، دهك میباشد .

مسئله ۱۸۸۸- مخارجی را که برای گندم و جو و خرما و انگور کرده و معمول است که آن مخارج را از خود زراعت میدهند میتواند از حاصل کسر کند و چنانچه باقیمانده آن به حد نصاب برسد ، باید زکوة آنرا بدهد و آنچه معمول نیست از خرمن بدهند بنا بر احتیاط لازم جزء نصاب حساب نمایند لکن زکوة آن واجب نیست .

مسئله ۱۸۸۹- تخمی را که بمصرف زراعت رسانده ، اگر از خودش باشد ، بمقدار قیمت آن میتواند از حاصل کسر کند . و اگر خریده باشد ، میتواند قیمتی را که برای خرید آن داده ، جزء مخارج حساب نماید .

مسئله ۱۸۹۰- اگر زمین و وسائل زراعت یا یکی از این دو ملك خود او باشد ؛

نباید کرایه آنها را جزء مخارج حساب کند. و نیز برای کارهایی که خودش کرده، یادگیری بی اجرت انجام داده، چیزی از حاصل کسر نمیشود.

مسئله ۱۸۹۱- اگر درخت انگور یا خرما را بخرد، قیمت آن جزء مخارج نیست ولی اگر خرما یا انگور را پیش از چیدن و قبل از تعلق زکوة در مواردیکه خریدن آن صحیح است بخرد؛ پولی را که برای آن داده، جزء مخارج حساب میشود.

مسئله ۱۸۹۲- اگر زمینی را بخرد و در آن زمین گندم یا جو بکارد، پولی را که برای خرید زمین داده جزء مخارج حساب نمیشود. ولی اگر زراعت را پیش از تعلق زکوة بخرد پولی را که برای خرید آن داده میتواند جزء مخارج حساب نماید و از حاصل کم کند، اما باید قیمت گاهی را که از آن بدست میآید، از پولیکه برای خرید زراعت داده کسر نماید مثلاً اگر زراعتی را پانصد تومان بخرد و سهمی گاه آن وقت خرید صد تومان باشد، فقط چهار صد تومان آنرا میتواند جزء مخارج حساب نماید.

مسئله ۱۸۹۳- کسیکه بدون گاو و چیزهای دیگریکه برای زراعت لازم است میتواند زراعت کند، اگر اینها را بخرد، نباید پولی را که برای خرید اینها داده جزء مخارج حساب نماید.

مسئله ۱۸۹۴- کسیکه بدون گاو و چیزهای دیگریکه برای زراعت لازم است نمیتواند زراعت کند، اگر آنها را بخرد و بواسطه زراعت بکلی از بین برود، میتواند تمام قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید و اگر مقداری از قیمت آنها کم شود؛ می تواند آن مقدار را جزء مخارج حساب کند ولی اگر بعد از زراعت چیزی از قیمتشان کم نشود، نباید چیزی از قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید.

مسئله ۱۸۹۵- اگر در یک زمین جو و گندم و چیزی مثل برنج و لوبیا که زکوة آن واجب نیست بکارد چنانچه بر حسب معمول استفاده از هر دو جنس در موقع کشت منظور باشد مخارج بنسبت مداخل تقسیم میشود و اگر فائده یکی از آنها بقدری

کم باشد که در موقع کثت منظور نباشد مخارج از چیزی محسوب میشود که منظور باشد .

مسئله ۱۸۹۶ - اگر برای شخم زدن یا کار دیگری که تا چند سال برای زراعت فائده دارد خرجی کند اگر زراعت سال اول بآن محتاج باشد میتواند آنرا جزء مخارج سال اول حساب نماید .

مسئله ۱۷۹۷ - اگر انسان در چند شهر که فصل آنها بایکدیگر اختلاف دارد زراعت و میوه آنها در يك وقت بدست نمی آید گندم یا جو یا خرما یا انگور داشته باشد و همه آنها محصور يك سال حساب شود ، چنانچه چیزیکه اول میرسد باندازه نصاب باشد ، باید زکوة آن را موقعیکه میرسد بدهد و زکوة بقیه را هر وقت بدست می آید ادا نماید و اگر آنچه اول میرسد باندازه نصاب نباشد ، در صورتیکه یقین دارد با آنچه بعد بدست می آید باندازه نصاب میشود ، باز هم بعد از تعلق زکوة به بقیه واجب است زکوة آنچه را که رسیده همان وقت و زکوة بقیه را موقعیکه میرسد بدهد و اگر یقین ندارد که همه آنها باندازه نصاب شود ، صبر میکند تا بقیه آن برسد ، پس اگر روی هم بمقدار نصاب شود ، زکوة آن واجب است و اگر بمقدار نصاب نشود زکوة آن واجب نیست .

مسئله ۱۸۹۸ - اگر درخت خرما یا انگور در یکسال دو مرتبه میوه دهد اگر در هر مرتبه بمقدار نصاب نباشد زکوة آن واجب نیست .

مسئله ۱۸۹۹ - اگر مقداری خرما یا انگور تازه دارد که خشک آن باندازه نصاب میشود ، چنانچه بقصد زکوة از تازه آن بقدری بمستحق بدهد که اگر خشک شود به اندازه زکوة نباشد که بر او واجب است اشکال ندارد .

مسئله ۱۹۰۰ - اگر زکوة خرما یا خشک یا کشمش بر او واجب باشد نمیتواند زکوة آنرا خرما یا تازه یا انگور بدهد مگر خرما یا انگوری که از جمله همان خرما و کشمش باشد که زکوة به آن تعلق گرفته و نیز اگر زکوة خرما یا تازه یا انگور بر او

واجب باشد ، نمیتواند زکوة آنرا خرماى خشك يا كشمش بدهد مگر آنكه خرماى خشك يا كشمش از جمله خرما و انگورى باشد كه زكوة به آن تعلق گرفته و اگر يكى از اينها يا چيز ديگرى را بقصد قيمت زكوة بدهد مانعى ندارد .

مسئله ۱۹۰۱ - كسيكه بدهكار است و مالى هم دارد كه زكوة آن واجب شده اگر بميرد ، بايد اول تمام زكوة را از ماليكه زكوة آن واجب شده بدهد ، بعد قرض او را ادا نمايند .

مسئله ۱۹۰۲ - كسيكه بدهكار است و گندم يا جو يا خرما يا انگور هم دارد اگر بميرد و پيش از آنكه زكوة اينها واجب شود ، و رتبه قرض او را از مال ديگر بدهند ؛ هـ . كدام كه سهمشان به حد نصاب برسد ، بايد زكوة بدهد و اگر پيش از آنكه زكوة اينها واجب شود قرض او را ندهند ، چنانچه مال ميت فقط باندازه بدهى او باشد واجب نيست زكوة اينها را بدهند و اگر مال ميت بيشتر از بدهى او باشد ، در صورتيكه بدهى او بقدر يستكه اگر بخوانند ادا نمايند ، بايد مقدارى از گندم و جو و خرما و انگور را هم بطلبكار بدهند ، آنچه را بطلبكار ميدهند زكوة ندارد و بقيه مال ورثه است و هر كدام آنان كه سهمش باندازه نصاب شود ؛ بايد زكوة آن را بدهد .

مسئله ۱۹۰۳ - اگر گندم و جو و خرما و كشمشى كه زكوة آنها واجب شده خوب و بد دارد ، احتياط واجب آنستكه زكوة جنس خوب را از جنس بد ندهند .

نصاب طلا

مسئله ۱۹۰۴ - طلا دو نصاب دارد : نصاب اول آن بيست مثقال شرعى استكه هر مثقال آن ۱۸ نخود است ، پس وقتى طلا به بيست مثقال شرعى كه پانزده مثقال معمولى است برسد ، اگر شرائط ديگر را هم كه گفته شد داشته باشد ؛ بايد چهل يك آنرا كه نه نخود ميشود از بابت زكوة بدهد و اگر باين مقدار نرسد ، زكوة آن واجب نيست . و نصاب دوم آن چهار مثقال شرعى است كه سه مثقال معمولى ميشود يعنى اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود ، بايد زكوة تمام ۱۸ مثقال را از

قرار چهل يك بدهد و اگر کمتر از سه مثقال اضافه شود ، فقط باید زکوة ۱۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکوة ندارد و همچنین است هر چه بالا رود ، یعنی اگر سه مثقال اضافه شود ؛ باید زکوة تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود ، مقداری که اضافه شده زکوة ندارد .

نصاب نقره

مسئله ۱۹۰۵ - نقره دو نصاب دارد : نصاب اول آن ۱۰۵ مثقال معمولی است که اگر نقره به ۱۰۵ مثقال برسد و شرائط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد ، باید چهل يك آنرا که ۲ مثقال و ۱۵ نخود است از بابت زکوة بدهد و اگر باین مقدار نرسد ، زکوة آن واجب نیست . و نصاب دوم آن ۲۱ مثقال است ، یعنی اگر ۲۱ مثقال به ۱۰۵ مثقال اضافه شود ، باید زکوة تمام ۱۴۶ مثقال را بطوری که گفته شد بدهد و اگر کمتر از ۲۱ مثقال اضافه شود ، فقط باید زکوة ۱۰۵ مثقال آنرا بدهد و زیادی آن زکوة ندارد و همچنین است هر چه بالا رود ، یعنی اگر ۲۱ مثقال اضافه شود ، باید زکوة تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود ، مقداری که اضافه شده و کمتر از ۲۱ مثقال است زکوة ندارد . بنابراین اگر انسان چهل يك هر چه طلا و نقره دارد بدهد ؛ زکوتی را که بر او واجب بوده داده و گاهی هم بیشتر از مقدار واجب داده است مثلاً کسیکه ۱۱۰ مثقال نقره دارد ، اگر چهل يك آنرا بدهد ، زکوة ۱۰۵ مثقال آن را که واجب بوده داده و مقداری هم برای ۵ مثقال آن داده که واجب نبوده است .

مسئله ۱۹۰۶ - کسیکه طلا یا نقره او باندازه نصاب است ، اگر چه زکوة آن را داده باشد ، تا وقتی از نصاب اول کم نشده ، همه ساله باید زکوة آنرا بدهد .

مسئله ۱۹۰۷ - زکوة طلا و نقره در صورتی واجب میشود که آنرا سکه زده باشند و معامله با آن رواج باشد و اگر سکه آن از بین هم رفته باشد ، باید زکوة

آن را بدهند.

مسئله ۱۹۰۸ - طلا و نقره سکه داری که زن برای زینت بکار میبرد در صورتی که معامله با آن رواج باشد، بنا بر احتیاط زکوة آن واجب است. و اگر معامله با آن رواج نباشد اگر چه پول طلا و نقره به آن بگویند، زکوة آن واجب نیست.

مسئله ۱۹۰۹ - کسیکه طلا و نقره دارد؛ اگر هیچ کدام آنها باندازه نصاب اول نباشد - مثلاً ۱۰۴ مثقال نقره و ۱۴ مثقال طلا داشته باشد - زکوة بر او واجب نیست.

مسئله ۱۹۱۰ - چنانکه سابقاً گفته شد زکوة طلا و نقره در صورتی واجب میشود که انسان یازده ماه مالک مقدار نصاب باشد و اگر در بین یازده ماه، طلا و نقره از نصاب اول کمتر شود، زکوة بر او واجب نیست.

مسئله ۱۹۱۱ - اگر در بین یازده ماه طلا و نقره ای را که دارد با طلا یا نقره یا چیز دیگر عوض نماید یا آنها را آب کند؛ زکوة بر او واجب نیست. ولی اگر برای فرار از دادن زکوة این کارها را بکند، احتیاطاً مستحب آنست که زکوة را بدهد.

مسئله ۱۹۱۲ - اگر در ماه دوازدهم پول طلا و نقره را آب کند، باید زکوة آنها را بدهد و چنانچه بواسطه آب کردن، وزن یا قیمت آنها کم شود. باید زکوة را که پیش از آب کردن بر او واجب بوده بدهد.

مسئله ۱۹۱۳ - اگر طلا و نقره ای که دارد خوب و بد داشته باشد، میتواند زکوة هر کدام از خوب و بد را از خود آن بدهد ولی بهتر است زکوة همه آنها را از طلا و نقره خوب بدهد.

مسئله ۱۹۱۴ - طلا و نقره ای که بیشتر از اندازه معمول فلز دیگر دارد، اگر خالص آن باندازه نصاب برسد، انسان باید زکوة آنرا بدهد. و چنانچه شك دارد که خالص آن باندازه نصاب هست یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید بوسیله آب کردن

با ازراه دیگر مقدار خالص آنرا معلوم کند .
 مسئله ۱۹۱۵ - اگر طلا و نقره ای که دارد بمقدار معمول فلز دیگر بآن مخلوط
 باشد ، نمیتواند زکوة آنرا از طلا و نقره ای بدهد که بیشتر از معمول فلز دیگر دارد
 ولی اگر بقدری بدهد که یقین کند طلا و نقره خالصی که در آن هست ، باندازه کونی
 میباشد که بر او واجب است اشکال ندارد .

زکوة شتر و گاو و گوسفند

مسئله ۱۹۱۶ - زکوة شتر و گاو و گوسفند غیر از شرطهایی که گفته شد دو
 شرط دیگر دارد :

اول - آنکه حیوان در تمام سال بیکار باشد ولی اگر در تمام سال یکی دو روز
 کار کرده باشد ، بنابر احتیاط زکوة آن واجب است .

دوم - آنکه در تمام سال از علف بیابان بچرد پس اگر تمام سال یا مقداری از
 آنرا از علف چیده شده ، یا از زراعتی که ملك مالك یا ملك كس دیگر است بچرد
 زکوة ندارد . ولی اگر در تمام سال يك روز یا دو روز از علف مالك بخورد ، بنابر
 احتیاط زکوة آن واجب میباشد .

مسئله ۱۹۱۷ - اگر انسان برای شتر و گاو و گوسفند خود چراگاهی را که
 کسی نکاشته بخورد ، یا اجاره کند ، یا برای چراندن در آن باج بدهد ، باید زکوة را بدهد

نصاب شتر

مسئله ۱۹۱۸ - شتر دوازده نصاب دارد :

اول - پنج شتر و زکوة آن يك گوسفند است و تا شماره شتر باین مقدار نرسد
 زکوة ندارد .

دوم - ده شتر و زکوة آن دو گوسفند است .

سوم - پانزده شتر و زکوة آن سه گوسفند است .

چهارم - بیست شتروز کوة آن چهار گوسفند است .
 پنجم - بیست و پنج شتر و زکوة آن پنج گوسفند است .
 ششم - بیست و شش شتر و زکوة آن يك شتر است که داخل سال دوم شده باشد .
 هفتم - سی و شش شتروز کوة آن يك شتر است که داخل سال سوم شده باشد .
 هشتم - چهل و شش شتروز کوة آن يك شتر است که داخل سال چهارم شده باشد .
 نهم - شصت و يك شتر و زکوة آن يك شتر است که داخل سال پنجم شده باشد .
 دهم - هفتاد و شش شتر و زکوة آن دو شتر است که داخل سال سوم شده باشد .
 یازدهم - نود و يك شتر و زکوة آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشد .
 دوازدهم - صد و بیست و يك شتر و بالاتر از آنست که باید یا چهل تا چهل تا حساب کند و برای هر چهل تا يك شتری بدهد که داخل سال سوم شده باشد ، یا پنجاه تا پنجاه تا حساب کند و برای هر پنجاه تا يك شتری بدهد که داخل سال چهارم شده باشد و یا با چهل و پنجاه حساب کند . ولی در هر صورت ، باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند ، یا اگر چیزی باقی میماند ، از نه تا بیشتر نباشد ، مثلا اگر ۱۴۰ شتر دارد ، باید برای صد تا دو شتر که هر يك داخل سال چهارم شده و برای چهل تا يك شتر که داخل سال سوم شده بدهد .

مسئله ۱۹۱۹ - زکوة مابین دو نصاب واجب نیست پس اگر شماره شتر هائیکه دارد از نصاب اول که پنج است بگذرد ، تا به نصاب دوم که ده تا است نرسیده ، فقط باید زکوة پنج تایی آنرا بدهد . و همچنین است در نصابهای بعد .

نصاب گاو

مسئله ۱۹۲۰ - گاو دو نصاب دارد : نصاب اول آن سی تا است که وقتی شماره گاو به سی رسید اگر شرائطی را که گفته شد داشته باشد ، باید يك گوساله ای که داخل سال دوم شده از بابت زکوة بدهد ، و نصاب دوم آن چهل است و زکوة آن يك

گوساله ماده ایستکه داخل سال سوم شده باشد و زکوة مابین سی و چهل واجب نیست مثلاً کسیکه سی و نه گاو دارد ، فقط باید زکوة سی تایی آنها را بدهد و نیز اگر از چهل گاو زیاد تر داشته باشد تا به شصت نرسیده ، فقط باید زکوة چهل تایی آنها را بدهد و بعد از آنکه به شصت رسید ، چون دو برابر نصاب اول را دارد ، باید دو گوساله ای که داخل سال دوم شده بدهد و همچنین هر چه بالا رود باید سی تایی تا حساب کند یا چهل تا چهل تا یا باسی و چهل حساب نماید و زکوة آنها را بدستوریکه گفته شد بدهد ولی باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند ، یا اگر چیزی باقی میماند از نه تا بیشتر نباشد؛ مثلاً اگر هفتاد گاو دارد، باید بحساب سی و چهل حساب کند و برای سی تایی آن زکوة سی تا و برای چهل تایی آن زکوة چهل تا را بدهد ، چون اگر بحساب سی تا حساب کند، ده تا زکوة نداده میماند. ولی در جائیکه رعایت این جهت ممکن نیست مثل آنکه پنجاه گاو داشته باشد احتیاط آنستکه چهل را بگیرد اگر چه باز هم ده تا زیاد می آید .

نصاب گوسفند

مسئله ۱۹۲۱ - گوسفند پنج نصاب دارد:

- اول- چهل وزکوة آن يك گوسفند است و تا گوسفند به چهل نرسد زکوة ندارد
- دوم- صد و بیست و يك، وزکوة آن دو گوسفند است.
- سوم- دو بیست و يك وزکوة آن سه گوسفند است .
- چهارم - سیصد و يك وزکوة آن چهار گوسفند است .
- پنجم- چهار صد و بالاتر از آنستکه باید آنها را صد تا صد تا حساب کند و برای هر صد تایی آنها يك گوسفند بدهد و لازم نیست زکوة را از خود گوسفندا بدهد ، بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد ، یا مطابق قیمت گوسفند پول یا جنس دیگر بدهد کافی است .

مسئله ۱۹۲۲ - زکوة ما بين دو نصاب واجب نيست ، پس اگر شماره گوسفندهای کسی از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد تا به نصاب دوم که صد و بیست و يك است نرسیده، فقط باید زکوة چهل تاي آنرا بدهد و زيادی آن زکوة ندارد و همچنین است در نصابهای بعد.

مسئله ۱۹۲۳ - زکوة شتر و گاو و گوسفندی که بمقدار نصاب برسد واجب است چه همه آنها نر باشند، یا ماده، یا بعضی نر باشند و بعضی ماده.

مسئله ۱۹۲۴ - در زکوة، گاو و گاو میش يك جنس حساب میشود و شتر عربي وغير عربي يك جنس است. و همچنین بز و میش و شيشك در زکوة با هم فرق ندارند.

مسئله ۱۹۲۵ - اگر گوسفند برای زکوة بدهد، بنا بر احتیاط واجب باید اقلاً داخل سال دوم شده باشد. و اگر بز بدهد احتیاطاً باید داخل سال سوم شده باشد.

مسئله ۱۹۲۶ - گوسفندی را که بابت زکوة میدهد اگر قیمتش از قیمت گوسفند های متوسط در بین نصاب کمتر باشد اشکال دارد و بهتر است گوسفندی را که قیمت آن از تمام گوسفندهایش بیشتر است بدهد و همچنین است در گاو و شتر.

مسئله ۱۹۲۷ - اگر چند نفر با هم شريك باشند هر کدام آنان که سهمش به نصاب اول رسیده؛ باید زکوة بدهد و بر کسی که سهم او کمتر از نصاب اول است زکوة واجب نيست.

مسئله ۱۹۲۸ - اگر يکنفر در چند جا گاو یا شتر یا گوسفند داشته باشد و روی هم باندازه نصاب باشند، باید زکوة آنها را بدهد.

مسئله ۱۹۲۹ - اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد مريض و معيوب هم باشند، باید زکوة آنها را بدهد.

مسئله ۱۹۳۰ - اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد مريض یا معيوب یا پير باشند، ميتواند زکوة را از خود آنها بدهد. ولی اگر همه سالم و بی عيب و جوان باشند

نمی‌تواند زکوة آنها را مریض ، یا معیوب ، یا پیر بدهد . بلکه اگر بعضی از آنها سالم و بعضی مریض و دسته‌ای معیوب و دسته دیگر بی‌عیب و مقداری پیر و مقداری جوان باشد ، احتیاط واجب آنست که برای زکوة آنها سالم و بی‌عیب و جوان بدهد .

مسئله ۱۹۳۱ - اگر پیش از تمام شدن ماه یازدهم ، گاو و گوسفند و شتری را که دارد با چیز دیگر عوض کند ، یا نصابی را که دارد با مقدار نصاب از همان جنس عوض نماید ، مثلاً چهل گوسفند بدهد و چهل گوسفند دیگر بگیرد ، زکوة بر او واجب نیست .

مسئله ۱۹۳۲ - کسیکه باید زکوة گاو و گوسفند و شتر را بدهد ، اگر زکوة آنها را از مال دیگرش بدهد ، تا وقتی شماره آنها از نصاب کم نشده ، همه ساله باید زکوة را بدهد و اگر از خود آنها بدهد و از نصاب اول کمتر شوند ، زکوة بر او واجب نیست مثلاً کسیکه چهل گوسفند دارد ، اگر از مال دیگرش زکوة آنها را بدهد تا وقتی که گوسفندهای او از چهل کم نشده ، همه ساله باید یک گوسفند بدهد و اگر از خود آنها بدهد تا وقتی به چهل نرسیده ؛ زکوة بر او واجب نیست .

مصرف زکوة

مسئله ۱۹۳۳ - انسان می‌تواند زکوة را در هشت مورد مصرف کند .

اول - فقیر و آن کسی است که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسیکه صنعت یا ملک یا سرمایه‌ای دارد که می‌تواند مخارج سال خود را از منافع آن بگذراند فقیر نیست .

دوم - مسکین و آن کسی است که از فقیر سخت‌تر می‌گذراند .

سوم - کسیکه از طرف امام علیه السلام یا نائب امام مأمور است که زکوة را جمع و نگهداری نماید و بحساب آن رسیدگی کند و آنرا با امام علیه السلام یا نائب امام یا

فقرا برساند .

چهارم - كفارى كه اگر زكوة به آنان بدهند بدین اسلام مایل میشوند، یا در جنگ بمسلمانان كمك میکنند ولی بعید نیست كه اعطاء و دادن این قسم مخصوص امام عليه السلام باشد .

پنجم - خریداری بنده برای آزاد کردن .

ششم - بدهکاری كه نمیتواند قرض خود را بدهد .

هفتم - سبیل الله یعنی هر کار خیر و عمل نیکی كه از شارع مقدس نسبت به آن تشویق شده باشد مثل ساختن مرسه علوم دینیه و پل و منزلگاه برای مسافرین و زوار و مسجد و دارالایام و تعظیم شعائر و اعانت طلاب و طبع كتب دینی و نشر معارف اسلامی و هر کاری كه موجب تقرب بخداوند متعال باشد .

هشتم - ابن السبیل یعنی مسافری كه در سفر در مانده شده و احكام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد .

مسئله ۱۹۳۴ - جایز است در یک دفعه مقداری زكوة بفقیر بدهند كه غنی شود ولی اگر بمقدار مخارج یکسال گرفت بعد نمیتواند ، تا بقدر مخارج سال دارد ، بگیرد .

مسئله ۱۹۳۵ - کسیكه مخارج سالش را داشته ، اگر مقداری از آنرا مصرف کند و بعد شك کند كه آنچه باقی مانده باندا ره مخارج سال او هست یا نه نمیتواند زكوة بگیرد .

مسئله ۱۹۳۶ - صنعتگر یا مالك یا تاجری كه درآمد او از مخارج سالش كمتر است ؛ میتواند برای كسری مخارجش زكوة بگیرد . و لازم نیست ابزار کار، یا ملك یا سرمایه خود را بمصرف مخارج برساند .

مسئله ۱۹۳۷ - فقیری كه خرج سال خود و عیالانش را ندارد ؛ اگر خانه ای دارد كه ملك اوست و در آن نشسته ؛ یا مال سواری دارد ، چنانچه بدون اینها نتواند

زندگی کند ، اگر چه برای حفظ آبرویش باشد ، میتواند زکوة بگیرد و همچنین است اثاث خانه و ظرف و لباس تابستانی و زمستانی و چیزهاییکه به آنها احتیاج دارد و فقیری که اینها را ندارد ، اگر باینها احتیاج داشته باشد ، میتواند از زکوة خریداری نماید .

مسئله ۱۹۳۸ - فقیری که یاد گرفتن صنعت برای او مشکل نیست بنا بر احتیاط واجب باید یاد بگیرد و با گرفتن زکوة زندگی نکند . ولی مادامیکه از تحصیل مخارج عاجز است ، میتواند زکوة بگیرد .

مسئله ۱۹۳۹ - بکسیکه قبلا فقیر بوده و میگوید: فقیرم ، اگر چه انسان از گفته او اطمینان پیدا نکند ، میشود زکوة داد .

مسئله ۱۹۴۰ - کسیکه میگوید فقیرم و قبلا فقیر نبوده ، یا معلوم نیست فقیر بوده یا نه ، چنانچه از گفته او اطمینان پیدا نشود ، احتیاط واجب آنست که باو زکوة ندهند .

مسئله ۱۹۴۱ - کسیکه باید زکوة بدهد ، اگر از فقیری طلبکار باشد ، میتواند طلبی را که از او دارد ، بابت زکوة حساب کند .

مسئله ۱۹۴۲ - اگر فقیر بمیرد و مال او باندازه قرضش نباشد ، انسان میتواند طلبی را که از او دارد بابت زکوة حساب کند . ولی اگر مال او باندازه قرضش باشد و ورثه قرض او را ندهند ، یا به جهت دیگر انسان نتواند طلب خود را بگیرد ، بنا بر احتیاط واجب نباید طلبی را که از او دارد ؛ بابت زکوة حساب کند .

مسئله ۱۹۴۳ - چیزی را که اسان بابت زکوة بفقیر میدهد لازم نیست باو بگوید که زکوة است ، بلکه اگر فقیر خجالت بکشد ، مستحب است با اسم پیشکش بدهد ولی باید قصد زکوة نماید .

مسئله ۱۹۴۴ - اگر بخیال اینکه کسی فقیر است باو زکوة بدهد ؛ بعد بفهمد فقیر نبوده ، یا از روی ندانستن مسئله بکسی که میداند فقیر نیست زکوة بدهد . چنانچه

چیزی را که باوداده باقی باشد، باید از او بگیرد و بمستحق بدهد و اگر از بین رفته باشد، پس اگر کسیکه آن چیز را گرفته میدانسته زکوة است، انسان باید هوض آنرا از او بگیرد و بمستحق بدهد و اگر نمیدانسته زکوة است، نمیتواند چیزی از او بگیرد و باید از مال خودش زکوة را بمستحق بدهد.

مسئله ۱۹۲۵ - کسیکه بدهکار است و نمیتواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج سال خود را داشته باشد، میتواند برای دادن قرض خود از سهم بدهکاران زکوة بگیرد، ولی باید مالی را که قرض کرده در معصیت خرج نکرده باشد، یا اگر در معصیت خرج کرده، از آن معصیت توبه کرده باشد بلی از سهم فقراء میتواند زکوة بگیرد اگر چه از آن معصیت توبه نکرده باشد.

مسئله ۱۹۲۶ - اگر بکسیکه بدهکار است و نمیتواند بدهی خود را بدهد از سهم بدهکاران زکوة بدهد، بعد بفهمد قرض را در معصیت مصرف کرده، چنانچه آن بدهکار فقیر باشد میتواند آنچه را باو داده بابت زکوة حساب کند ولی احتیاط واجب آنست که اگر از آن معصیت توبه نکرده، چیزی را که باو داده بابت زکوة حساب نکند.

مسئله ۱۹۲۷ - کسیکه بدهکار است و نمیتواند بدهی خود را بدهد؛ اگر چه فقیر نباشد، انسان میتواند طلبی را که از او دارد، بابت زکوة حساب کند.

مسئله ۱۹۲۸ - مسافری که خرجی او تمام شده، یا مرکبش از کار افتاده چنانچه سفر او سفر معصیت نباشد و خود او هم در معصیت نباشد و نتواند با قرض کردن یا فروختن چیزی خود را بمقصد برساند، اگر چه در وطن خود فقیر نباشد، میتواند زکوة بگیرد. ولی اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی مخارج سفر خود را فراهم کند، فقط به مقداری که با آنجا برسد، می تواند زکوة بگیرد.

مسئله ۱۹۲۹ - مسافری که در سفر در مانده شده و زکوة گرفته بعد از آنکه بوطنش

رسید، اگر چیزی از زکوة زیاد آمده باشد، باید بنا بر احتیاط لازم آنرا بحاکم شرع بدهد و بگوید: آن چیز زکوة است.

شرائط کسانی که مستحق زکوة کوند

مسئله ۱۹۵۰ - کسی که زکوة میگیرد باید شیعه دوازده امامی باشد و اگر انسان کسی را شیعه بداند و باو زکوة بدهد ، بعد معلوم شود شیعه نبوده ، باید دوباره زکوة بدهد .

مسئله ۱۹۵۱ - اگر طفل یا دیوانه ای از شیعه فقیر باشد ، انسان میتواند بولی او زکوة بدهد ؛ بقصد اینکه آنچه رامیدهد ملك طفل یا دیوانه باشد.

مسئله ۱۹۵۲ - اگر بولی طفل و دیوانه دسترسی ندارد ، میتواند خودش یا بوسیله يك نفر امین زکوة را بمصرف طفل یا دیوانه برساند و باید موقعی که زکوة بمصرف آنان میرسد نیت زکوة کند .

مسئله ۱۹۵۳ - بفقیری که گدائی میکند ، میشود زکوة داد ولی بکسی که زکوة رادر معصیت مصرف میکند ، نمیشود زکوة داد.

مسئله ۱۹۵۴ - بکسی که معصیت کبیره را آشکار بجای آورد ، احتیاط واجب آنست که زکوة ندهند .

مسئله ۱۹۵۵ - بکسی که بدهکار است و نمیتواند بدهی خود را بدهد ، اگر چه مخارج او بر انسان واجب باشد ، میشود زکوة داد که بدهی خود را پردازد.

مسئله ۱۹۵۶ - انسان نمیتواند مخارج کسانی را که مثل اولاد خرجشان بر او واجب است از زکوة بدهد، ولی اگر مخارج آنان را ندهد ، دیگران می توانند بآنان زکوة بدهند .

مسئله ۱۹۵۷ - اگر انسان زکوة به پسرش بدهد که خرج زن و نوکر و کلفت

خود نماید اشکال ندارد .

مسئله ۱۹۵۸- اگر پسر به کتابهای علمی دینی احتیاج داشته باشد، پدر میتواند برای خود یا آنها باو زکوة بدهد .

مسئله ۱۹۵۹- پدر میتواند به پسرش زکوة بدهد که برای خود زن بگیرد پسر هم میتواند برای آنکه پدرش زن بگیرد زکوة خود را باو بدهد .

مسئله ۱۹۶۰- به زنیکه شوهرش مخارج او را میدهد، یا خرجی نمی دهد ولی ممکن است او را بدادن خرجی مجبور کنند، نمیشود زکوة داد .

مسئله ۱۹۶۱- زنیکه صیغه شده اگر فقیر باشد، شوهرش و دیگران میتوانند باو زکوة بدهند. ولی اگر شوهرش در ضمن عقد شرط کند که مخارج او را بدهد، یا بجهت دیگری دادن مخارجش بر او واجب باشد؛ در صورتیکه بتواند مخارج آن زن را بدهد، نمیشود بآن زن زکوة داد مگر آنکه مخارجش را شوهر ندهد هر چند از روی معصیت باشد .

مسئله ۱۹۶۲- زن میتواند بشوهر فقیر خود زکوة بدهد، اگر چه شوهر زکوة را صرف مخارج خود آن زن نماید .

مسئله ۱۹۶۳- سید نمیتواند از غیر سید زکوة بگیرد ولی اگر خمس و سایر جوهرات کفایت مخارج او را نکند و از گرفتن زکوة ناچار باشد؛ میتواند از غیر سید زکوة بگیرد .

مسئله ۱۹۶۴- بکسیکه معلوم نیست سید است یا نه، میشود زکوة داد .

نیت زکوة

مسئله ۱۹۶۵- انسان باید زکوة را بقصد قربت - یعنی: برای انجام فرمان خداوند عالم - بدهد و در نیت معین کند که آنچه را میدهد زکوة مال است، یا زکوة فطره ولی اگر مثلاً زکوة گندم و جو بر او واجب باشد، لازم نیست معین کند چیزی را که

میدهد زکوة گندم است بر زکوة جو .

مسئله ۱۹۶۶- کسیکه زکوة چند مال بر او واجب شده ، اگر مقداری زکوة بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند ، چنانچه چیزی را که داده همجنس یکی از آنها باشد ، زکوة همان جنس حساب میشود . و اگر همجنس هیچ کدام آنها نباشد ، بهمة آنها قسمت میشود ؛ پس کسیکه زکوة چهل گوسفند و زکوة پانزده مثقال طلا بر او واجب است ؛ اگر مثلاً يك گوسفند از بابت زکوة بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند ، زکوة گوسفند حساب میشود ولی اگر مقداری نقره بدهد به زکوة که برای گوسفند و طلا بدهکار است تقسیم میشود .

مسئله ۱۹۶۷ گرسنی را در دادن زکوة وکیل کند باید وکیل قصد قربت کند و در وکیل کردن وهم چنین وقتیکه زکوة را بوکیل میدهد قصد قربت لازم نیست و اگر کسی را فقط در رساندن زکوة بفقیر وکیل کند باید خودش در موقع دادن زکوة بوکیل قصد قربت نماید و احتیاطاً تا وقتی بفقیر میرسد بقصدش باقی باشد .

مسئله ۱۹۶۸- اگر مالك و یا وکیل او بدون قصد قربت زکوة را بفقیر بدهد و بیش از آنکه آن مال از بین برود ، خود مالك نیت زکوة کند ، زکوة حساب میشود .

مسائل متفرقه زکوة

مسئله ۱۹۶۹- موقعیکه گندم و جو را از گاه جدا میکنند و موقع خشک شدن خرما و انگور ، انسان باید زکوة را بفقیر بدهد ، یا از مال خود جدا کند و زکوة طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن ماه یازدهم باید بفقیر بدهد ، یا از مال خود جدا نماید . و اگر منتظر فقیر معینی باشد ، یا بخواهد بفقیری بدهد که از جهتی برتری دارد ؛ بنابر احتیاط لازم زکوة را جدا کند تا بعد آن فقیر معین برساند .

مسئله ۱۹۷۰- بعد از جدا کردن زكوة اگر انتظار مورد معینی را نداشته باشد احتیاط لازم آنستکه فوراً آنرا بمسئق بدهد .

مسئله ۱۹۷۱- کسیکه میتواند زكوة را بمسئق برساند ، اگر ندهد و بواسطه کوتاهی او از بین برود ، باید عوض آنرا بدهد .

مسئله ۱۹۷۲- کسیکه میتواند زكوة را بمسئق برساند ، اگر زكوة را ندهد و بدون آنکه در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود ؛ چنانچه دادن زكوة را بقدری تأخیر انداخته که نمیگویند ؛ فوراً داده است ؛ باید عوض آنرا بدهد . و اگر باین مقدار تأخیر نینداخته مثلا دوسه ساعت تأخیر انداخته و در همان دوسه ساعت تلف شده ، در صورتیکه مسئق حاضر نبوده ؛ چیزی بر او واجب نیست و اگر مسئق حاضر بوده ، بنا بر احتیاط واجب باید عوض آنرا بدهد .

مسئله ۱۹۷۳ - اگر زكوة را از خود مال کنار بگذارد ، میتواند در بقیه آن تصرف کند . و اگر از مال دیگرش کنار بگذارد ، میتواند در تمام مال تصرف نماید .

مسئله ۱۹۷۴ - انسان نمیتواند زكوتی را که کنار گذاشته برای خود بردارد و چیز دیگری بجای آن بگذارد .

مسئله ۱۹۷۵ - اگر از زكوتی که کنار گذاشته منفعتی ببرد مثلا گو سفندی که برای زكوة گذاشته بره بیاورد ، مال فقیر است .

مسئله ۱۹۷۶ - اگر موقعیکه زكوة را کنار میگذارد مسئقی حاضر باشد احتیاط لازم آنستکه زكوة را باو بدهد ؛ مگر کسی را در نظر داشته باشد که دادن زكوة باو از جهتی بهتر باشد .

مسئله ۱۹۷۷ - اگر بدون اجازه حاکم شرع با مالی که برای زكوة کنار گذاشته تجارت کند و ضرر نماید ، نباید چیزی از زكوة کم کند ولی اگر منفعت کند بنا بر احتیاط واجب باید آنرا بمسئق بدهد .

مسئله ۱۹۷۸- اگر پیش از آنکه زکوة بر او واجب شود ، چیزی بابت زکوة بمعبر بدهد ، زکوة حساب نمیشود و بعد از آنکه زکوة بر او واجب شد ؛ اگر چیزی را که بفقیر داده از بین نرفته باشد و آن فقیر هم بفقیر خود باقی باشد ، میتواند چیزی را که باو داده بابت زکوة حساب کند .

مسئله ۱۹۷۹ - فقیری که میداند زکوة بر انسان واجب نشده ، اگر چیزی بابت زکوة بگیرد و پیش او تلف شود ضامن است پس موقعی که زکوة بر انسان واجب میشود اگر آن فقیر بفقیر خود باقی باشد ، میتواند عوض چیزی را که باو داده بابت زکوة حساب کند .

مسئله ۱۹۸۰ - فقیری که نمیداند زکوة بر انسان واجب نشده ، اگر چیزی بابت زکوة بگیرد و پیش او تلف شود ، ضامن نیست و انسان نمیتواند عوض آنرا بابت زکوة حساب کند .

مسئله ۱۹۸۱ - مستحب است زکوة گاو و گوسفند و شتر را بفقیرهای آبرومند بدهد و در دادن زکوة ، خویشان خود را بر دیگران ؛ و اهل علم و کمال را بر غیر آنان و کسانی را که اهل سؤال نیستند بر اهل سؤال مقدم بدارد . ولی اگر دادن زکوة بفقیری از جهت دیگری بهتر باشد ، مستحب است زکوة را باو بدهد .

مسئله ۱۹۸۲- بهتر است زکوة را آشکارا و صدقه مستحبی را مخفی بدهند .

مسئله ۱۹۸۳- اگر در شهر کسیکه میخواهد زکوة بدهد مستحق نباشد و نتواند زکوة را بمصرف دیگری هم که برای آن معین شده برساند . چنانچه امید نداشته باشد که بعداً مستحق پیدا کند باید زکوة را بشهر دیگر ببرد و بمصرف زکوة برساند و میتواند مخارج بردن بآن شهر را از زکوة بردارد و اگر زکوة تلف شود ضامن نیست .

مسئله ۱۹۸۴- اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود ، میتواند زکوة را بشهر دیگر ببرد ولی مخارج بردن بآن شهر را باید از خودش بدهد و اگر زکوة تلف شود

ضامن است ، مگر آنکه با اجازه حاکم شرع برده باشد .

مسئله ۱۹۸۵ - اجرت وزن کردن و پیمانانه نمودن گندم و جو و کشمش و خرمائی را که برای زکوة می دهد با خود او است .

مسئله ۱۹۸۶ - کسیکه ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره یا بیشتر از بابت زکوة بدهکار است ، بنا بر احتیاط مستحب کمتر از ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره بیک فقیر ندهد و نیز اگر غیر نقره چیز دیگری مثل گندم و جو بدهکار باشد و قیمت آن به ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره برسد ، بنا بر احتیاط مستحب به یک فقیر کمتر از آن ندهد .

مسئله ۱۹۸۷ - مکروه است انسان از مستحق در خواست کند که زکونی را که از او گرفته باو بفروشد ولی اگر مستحق بخواهد چیزی را که گرفته بفروشد بعد از آنکه بقیمت رساند ، کسیکه زکوة را باو داده در خریدن آن بر دیگران مقدم است .

مسئله ۱۹۸۸ - اگر شك کند زکونی را که بر او واجب بوده داده یانه ، باید زکوة را بدهد ؛ هر چند شك او برای زکوة سالهای پیش باشد .

مسئله ۱۹۸۹ - فقیر بنا بر احتیاط لازم نمیتواند زکوة را بکمتر از مقدار آن صلح کند ، یا چیزی را گرانترا از قیمت آن بابت زکوة قبول نماید یا زکوة را از مالک بگیرد و باو ببخشد ولی کسیکه زکوة زیادی بدهکار است و فقیر شده و نمیتواند زکوة را بدهد ، چنانچه بخواهد توبه کند ، فقیر میتواند زکوة را از او بگیرد و باو ببخشد .

مسئله ۱۹۹۰ - انسان میتواند از زکوة ، قرآن یا کتاب دینی یا کتاب دعا بخرد و وقف نماید ، اگر چه بر او لادخود و بر کسانی وقف کند که خرج آنان بر او واجب است و نیز میتواند تولیت وقف را برای خود یا اولاد خود قرار دهد .

مسئله ۱۹۹۱ - انسان بنا بر احتیاط لازم نمیتواند از زکوة ملک بخرد و بر اولاد خود یا بر کسانی که مخارج آنان بر او واجب است وقف نماید که عابدی آنرا بمصرف مخارج خود برساند .

مسئله ۱۹۹۲ - فقیر میتواند برای رفتن بحج و زیارت و مانند اینها زکوة بگیرد ولی اگر بمقدار خرج سالش زکوة گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمیتواند از سهم فقرا زکوة بگیرد ولی از سهم سبیل الله مانعی دارد .

مسئله ۱۹۹۳ - اگر مالك فقیری را وکیل کند که زکوة مال او را بدهد، چنانچه آن فقیر احتمال دهد که قصد مالك این بوده که خود آن فقیر از زکوة بر ندارد نمیتواند چیزی از آن را برای خودش بردارد، و اگر یقین داشته باشد که قصد مالك این نبوده، برای خودش هم میتواند بردارد .

مسئله ۱۹۹۴ - اگر فقیر شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره را بابت زکوة بگیرد چنانچه شرطهاییکه برای واجب شدن زکوة گفته شد در آنها جمع شود؛ باید زکوة آنها را بدهد .

مسئله ۱۹۹۵ - اگر دو نفر در مالیکه زکوة آن واجب شده با هم شریک باشند و یکی از آنان زکوة قسمت خود را بدهد و بعد مال را تقسیم کنند، چنانچه بدانند شریکش زکوة سهم خود را نداده؛ تصرف او در سهم خودش هم اشکال دارد .

مسئله ۱۹۹۶ - کسیکه خمس یا زکوة بدهکار است و کفاره و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، چنانچه نتواند همه آنها را بدهد، اگر مالیکه خمس یا زکوة آن واجب شد، از بین نرفته باشد، باید خمس و زکوة را بدهد . و اگر از بین رفته باشد احتیاط لازم آنستکه اگر نذر دارد نذر را مقدم بدارد و اگر نذر ندارد میتواند خمس یا زکوة را بدهد؛ یا کفاره و قرض و مانند اینها را ادا نماید .

مسئله ۱۹۹۷ - کسیکه خمس یا زکوة بدهکار است و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، اگر بمیرد و مال او برای همه آنها کافی نباشد، چنانچه مالیکه خمس و زکوة آن واجب شده، از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکوة را بدهند و بقیه مال او را به چیزهای دیگری که بر او واجب است قسمت کنند و اگر مالیکه خمس و زکوة آن واجب شده؛ از بین رفته باشد مال او را بخمس و زکوة و قرض و نذر

و مانند اینها قسمت نمایند مثلاً اگر چهل تومان خمس بر او واجب است و بیست تومان بکسی بدهکار است و هم‌مال اوصی تومان است ، باید بیست تومان بابت خمس و ده تومان به دین او بدهند .

مسئله ۱۹۹۸ - کسیکه مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می‌تواند برای معاش خود کسب کند ، چنانچه تحصیل آن علم ؛ - اجب یا مستحب باشد ، میشود باوز کوة داد . بلکه با اشتغال بتحصیل علم مباح نیز دادن زکوة باواشکال ندارد ولی احتیاط برای اهل علم نگرفتن زکوة است مگر در صورتیکه از تحصیل مخارج عاجز باشند و لکن جایز است اشتغال بتحصیل علم هر چند باعث عجز از تحصیل نفقه بشود .

زکوة فطره

مسئله ۱۹۹۹ - کسیکه موقع مغرب شب عید فطر بالغ و عاقل و هشیار است و فقیر و بنده کس دیگر نیست ، باید برای خودش و کسانیکه نان خور او هستند ، هر نفری يك صاع که تقریباً سه کیلو است گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها بمستحق بدهد و اگر پول یکی از اینها را هم بدهد کافی است .

مسئله ۲۰۰۰ - کسیکه مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند فقیر است و دادن زکوة فطره بر او واجب نیست .

مسئله ۲۰۰۱ - انسان باید فطره کسانی را که موقع مغرب شب عید فطر ، نان خور او حساب میشوند بدهد . کوچک باشند یا بزرگ ، مسلمان باشند یا کافر ، دادن خرج آنان بر او واجب باشد یا نه . در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر .

مسئله ۲۰۰۲ - اگر کسی را که نان خور او است و در شهر دیگر است و کیل کند

که از مال او فطره خود را بدهد ، چنانچه اطمینان داشته باشد که فطره را میدهد ، لازم نیست خودش فطره او را بدهد .

مسئله ۲۰۰۳ - فطره مهمانیکه پیش از مغرب شب عید فطر بارضایت صاحبخانه وارد شده در صورتیکه بگویند : امشب نان اورا داده ، بر او واجب است هر چند نان خور او حساب نشود .

مسئله ۲۰۰۴ - فطره مهمانیکه پیش از مغرب شب عید فطر بدون رضایت صاحبخانه وارد می شود و مدتی نزد او میماند ، بنا بر احتیاط ، واجب است و همچنین است فطره کسیکه انسان را مجبور کرده اند که خرجی او را بدهد .

مسئله ۲۰۰۵ - فطره مهمانیکه بعد از مغرب شب عید فطر وارد میشود ، بر صاحبخانه واجب نیست ، اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند .

مسئله ۲۰۰۶ - اگر کسی موقع غروب شب عید فطر دیوانه یا بیهوش باشد ، زکوة فطره بر او واجب نیست

مسئله ۲۰۰۷ - اگر پیش از مغرب یا مقارن آن بچه بالغ شود ، یا دیوانه عاقل گردد ، یا فقیر غنی شود ؛ در صورتیکه شرائط واجب شدن فطره را دارا باشد ، باید زکوة فطره را بدهد .

مسئله ۲۰۰۸ - کسیکه موقع مغرب شب عید فطر ؛ زکوة فطره بر او واجب نیست ، اگر تا پیش از ظهر روز عید شرطهای واجب شدن فطره در او پیدا شود ، مستحب است زکوة فطره را بدهد .

مسئله ۲۰۰۹ - کافریکه بعد از مغرب شب عید فطر مسلمان شده ، فطره بر او واجب نیست ، ولی مسلمانیکه شیعه نبوده ، اگر بعد از دیدن ماه شعبه شود ، باید زکوة فطره را بدهد .

مسئله ۲۰۱۰ - کسیکه فقط باندازه يك صاع كه تقريباً سه كيلو است گندم و مانند آن دارد ؛ مستحب است زکوة فطره را بدهد و چنانچه عیالاتی داشته باشد و بخواهد فطره آنان را هم بدهد میتواند بقصد فطره ؛ آن يك صاع را بيکی از عیالاتش بدهد و او هم بهمین قصد بديگری بدهد و همچنین تا بنفر آخر برسد و بهتر است نفر آخر چیزی را که میگیرد بکسی بدهد که از خودشان نباشد ؛ و اگر یکی از آنها صغیر باشد ، ولی او بجای او میگیرد و احتیاط آنست چیزی را که برای صغیر گرفته بکسی ندهد .

مسئله ۲۰۱۱ - اگر بعد از مغرب شب عید فطر بچه دار شود ، با کسی نان خور او حساب شود ، واجب نیست فطره او را بدهد . اگر چه مستحب است فطره کسانی را که بعد از مغرب تا پیش از ظهر روز عید نان خور او حساب میشوند بدهد .

مسئله ۲۰۱۲ - اگر انسان نان خور کسی باشد و پیش از مغرب یا مقارن آن نان خور کس دیگر شود ، فطره او بر کسیکه نان خور او شده واجب است مثلاً اگر دختر پیش از مغرب بخانه شوهر رود ، شوهرش باید فطره او را بدهد .

مسئله ۲۰۱۳ - کسیکه دیگری باید فطره او را بدهد ، واجب نیست فطره خود را بدهد .

مسئله ۲۰۱۴ - اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد ، بر خود انسان واجب نمیشود مگر آنکه شخص غنی نان خور فقیر باشد که در این صورت احتیاط لازم آنستکه غنی فطره خود را بدهد .

مسئله ۲۰۱۵ - اگر کسیکه فطره او بر دیگری واجب است خودش فطره را بدهد ، از کسیکه فطره بر او واجب شده ساقط نمیشود .

مسئله ۲۰۱۶ - زنیکه شوهرش مخارج او را نمی دهد ، چنانچه نان خور کس دیگر باشد ، فطره اش بر آنکس واجب است . و اگر نان خور کس دیگر نیست ، در

صورتیکه فقیر نباشد ، باید فطره خود را بدهد .

مسئله ۲۰۱۷ - کسیکه سید نیست ، نمیتواند به سید فطره بدهد . حتی اگر سیدی نان خور او باشد ، نمیتواند فطره او را بسید دیگر بدهد .

مسئله ۲۰۱۸ - فطره طفلی که از مادر یا دایه شیر میخورد ، بر کسی است که مخارج مادر یا دایه را میدهد . ولی اگر مادر یا دایه مخارج خود را از مال طفل بر میدارد ، فطره طفل بر کسی واجب نیست .

مسئله ۲۰۱۹ - انسان اگر چه مخارج عیالاتش را از مال حرام بدهد ، باید فطره آنان را از مال حلال بدهد .

مسئله ۲۰۲۰ - اگر انسان کسی را اجیر نماید و شرط کند که مخارج او را بدهد باید فطره او را هم بدهد ، ولی چنانچه شرط کند که مقدار مخارج او را بدهد و مثلاً پولی برای مخارجش بدهد ، واجب نیست فطره او را بدهد .

مسئله ۲۰۲۱ - اگر کسی بعد از مغرب شب عید فطر بمیرد ، باید فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند ولی اگر پیش از مغرب بمیرد ، واجب نیست فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند .

مصرف زکوة فطره

مسئله ۲۰۲۲ - احتیاط واجب آنستکه زکوة فطره را بفقراء شیعه اثنی عشری بدهد اگر چه در شهر دیگر باشند و چون نقل این زکوة بشهر دیگر خلاف احتیاط است اگر در شهر خودش فقیر شیعه نباشد مال خود را بشهر دیگر به بردودر آنجا به قصد زکوة بشیعه بدهد .

مسئله ۲۰۲۳ - اگر طفل شیعه ای فقیر باشد ، انسان میتواند فطره را با اذن ولی شرعی او بمصرف او برساند ؛ یا بواسطه دادن بولی طفل ، ملک طفل نماید .

مسئله ۲۰۲۴ - فقیری که فطره باو میدهند، لازم نیست عادل باشد. ولی احتیاط واجب آنست که بشرابخوار و کسیکه آشکارا معصیت میکند فطره ندهند .

مسئله ۲۰۲۵ - بکسیکه فطره رادر معصیت مصرف میکند نباید فطره بدهند .

مسئله ۲۰۲۶ - احتیاط واجب آنستکه به يك فقیر کمتر از يك صاع که تقریباً سه کیلو است فطره ندهند . ولی اگر بیشتر بدهند اشکال ندارد .

مسئله ۲۰۲۷ - اگر از جنسی که قیمتش دو برابر قیمت معمولی آنست مثلاً از گندمی که قیمت آن دو برابر قیمت گندم معمولی است ، نصف صاع که معنای آن در مسئله پیش گفته شد بدهد کافی نیست و اگر آنرا بقصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد .

مسئله ۲۰۲۸ - انسان نمیتواند نصف صاع را از يك جنس مثلاً گندم و نصف دیگر آنرا از جنس دیگر مثلاً جو بدهد . و اگر آنرا بقصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد .

مسئله ۲۰۲۹ - مستحب است در دادن زکوة فطره ، خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم دارد و بعد همسایگان فقیر را ؛ بعد اهل علم فقیر را ، ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند ، مستحب است آنها را مقدم بدارد .

مسئله ۲۰۳۰ - اگر انسان بخیال اینکه کسی فقیر است باو فطره بدهد و بعد بفهمد فقیر نبوده . چنانچه مالی را که باوداده از بین نرفته باشد ، باید پس بگیرد و به مستحق بدهد . و اگر نتواند بگیرد ، باید از مال خودش فطره را بدهد ، و اگر از بین رفته باشد ، در صورتیکه گیرنده فطره میدانسته آنچه را گرفته فطره است ، باید عوض آنرا بدهد و اگر نمیدانسته ، دادن عوض براو واجب نیست و انسان باید دوباره فطره را بدهد .

مسئله ۲۰۳۱ - اگر کسی بگوید فقیرم ، نمیشود باو فطره داد ، مگر آنکه از

گفته‌ا و اطمینان پیدا شود ، یا انسان بداند که قبلا فقیر بوده است .

مسائل متفرقه زکوة فطره

مسئله ۲۰۳۲ - انسان باید زکوة فطره را بقصد قربت - یعنی : برای انجام فرمان خداوند عالم - بدهد و موقعی که آنرا میدهد ، نیت دادن فطره نماید .

مسئله ۲۰۳۳ - اگر پیش از ماه رمضان فطره را بدهد صحیح نیست بلی اگر در ماه رمضان بدهد صحیح است ولی احتیاط لازم آنستکه قصد جوب نکند مگر آنکه فطره را صبح روز عید پیش از نماز عید بدهد ولی اگر پیش از رمضان یا در ماه رمضان بفقیر قرض بدهد و بعد از آنکه فطره بر او واجب شد ؛ طلب خود را بابت فطره حساب کند مانعی ندارد .

مسئله ۲۰۳۴ - گندم یا چیز دیگری را که برای فطره میدهد ، باید به جنس دیگر یا خاڪ مخلوط نباشد ؛ و چنانچه مخلوط باشد ؛ اگر خالص آن بیک صاع که تقریباً سه کیلو است برسد ، یا آنچه مخلوط شده بقدری کم باشد که قابل اعتنا نباشد اشکال ندارد .

مسئله ۲۰۳۵ - اگر فطره را از چیز معیوب بدهد کافی نیست .

مسئله ۲۰۳۶ - کسیکه فطره چند نفر را میدهد ، لازم نیست همه را از یک جنس بدهد و اگر مثلاً فطره بعضی را گندم و فطره بعض دیگر را جو بدهد کافیست .

مسئله ۲۰۳۷ - کسیکه نماز عید فطر میخواند ، بنا بر احتیاط واجب ، باید فطره را پیش از نماز عید بدهد و یا جدا نماید . ولی اگر نماز عید نمیخواند ، میتواند دادن فطره را تا ظهر تأخیر بیندازد .

مسئله ۲۰۳۸ - اگر به نیت فطره مقداری از مال خود را کنار بگذارد و تا ظهر روز عید بمستحق ندهد ، احتیاط واجب آنستکه هر وقت آنرا می‌دهد نیت فطره نماید .

- مسئله ۲۰۳۹- اگر موقعیکه دادن زکوة فطره واجب است ، فطره راندهد و کنار هم نگذارد ، بعد آید بدون اینکه نیت ادا و قضا کند فطره را بدهد .
- مسئله ۲۰۴۰- اگر فطره را کنار بگذارد ، نمیتواند آنرا برای خودش بردارد و مال دیگری را برای فطره بگذارد .
- مسئله ۲۰۴۱- اگر انسان مالی داشته باشد که قیمتش از فطره بیشتر است ؛ چنانچه فطره راندهد و نیت کند که مقداری از آن مال برای فطره باشد اشکال دارد .
- مسئله ۲۰۴۲- اگر مالی را که برای فطره کنار گذاشته از بین برود ، چنانچه دسترس فقیر داشته و دادن فطره را تأخیر انداخته ؛ باید عوض آنرا بدهد . و اگر دسترس فقیر نداشته ضامن نیست .
- مسئله ۲۰۴۳- اگر در محل خودش مستحق پیدا شود ، احتیاط واجب آنست که فطره را بجای دیگر نبرد و اگر بجای دیگر برود تلف شود ، باید عوض آنرا بدهد .

احکام حج

مسئله ۲۰۲۲ - حج : زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالی است که دستور داده اند در آنجا بجا آورده شود و در تمام عمر بر کسی که این شرایط را دارا باشد ، يك مرتبه واجب میشود : ۱ - کمال؛ باینکه بالغ و عاقل باشد . ۲ - آنکه آزاد باشد . ۳ - بواسطه رفتن بحج مجبور نشود که کار حرامی را انجام دهد ، یا عملی اجبی را که از حج مهمتر است ترك نماید ، پس اگر مثلاً مجبور باشد از راه غصبی برود و راه دیگری هم نباشد نباید حج برود . ۴ - آنکه مستطیع باشد . و مستطیع بودن به چند چیز است :

اول - آنکه توشه راه و مرکب سواری یا مالیکه بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد .

دوم - سلامت مزاج و توانائی آنرا داشته باشد که بتواند مکه رود و حج را بجا آورد .

سوم - در راه مانعی از رفتن نباشد و اگر راه بسته باشد ، یا انسان بترسد که در راه جان یا عرض او از بین برود ، یا مال او را ببرند ، حج بر او واجب نیست . ولی اگر از راه دیگری نتواند برود ، اگر چه دورتر باشد ، باید از آن راه برود

چهارم - بقدر بجا آوردن اعمال حج وقت داشته باشد

پنجم - مخارج کسانی را که خرجی آنان بر او واجب است مثل زن و بچه و

- مخارج کسانی را که مردم خرجی دادن بآنها را لازم میدانند داشته باشد .
- ششم - بعد از برگشتن کسب ، یازراعت ، باعایدی ملك ، یاراه دیگری برای معاش خود داشته باشد که مجبور نشود بزحمت زندگی کند .
- مسئله ۲۰۴۵ - کسیکه بدون خانه ملکي رفع احتیاجش نمیشود ، وقتی حج براو واجب است که پول خانه را هم داشته باشد .
- مسئله ۲۰۴۶ - زنی که میتواند مکه برود ، اگر بعد از برگشتن از خودش مال نداشته باشد و شوهرش هم مثلاً فقیر باشد و خرجی او را ندهد ، و ناچار شود که بسختی زندگی کند ، حج براو واجب نیست .
- مسئله ۲۰۴۷ - اگر کسی توشه راه و مرکب سواری نداشته باشد و دیگری باو بگوید حج برو من خرج تو و عیالات تو را در موقعی که در سفر حج هستی می دهم در صورتیکه اطمینان داشته باشد که خرج او و عیالاتش را می دهد حج براو واجب میشود
- مسئله ۲۰۴۸ - اگر خرجی رفتن و برگشتن و خرجی عیالات کسی را در مدتی که مکه میرود و بر میگردد؛ باو به بخشند و باو شرط کنند که حج کند باید قبول نماید و حج براو واجب میشود؛ اگر چه فرض داشته باشد و در موقع برگشتن هم مالیکه بتواند با آن زندگی کند نداشته باشد .
- مسئله ۲۰۴۹ - اگر مخارج رفتن و برگشتن و مخارج عیالات کسی را در مدتی که مکه میرود و بر میگردد باو بدهند و بگویند حج برو ولی ملك او نکنند، در صورتیکه اطمینان داشته باشد که از او پس نمیگیرند، حج براو واجب میشود .
- مسئله ۲۰۵۰ - اگر مقداری مال که برای حج کفایت بکسی بدهند و باو شرط کنند که در راه مکه خدمت کسی که مال را داده بنماید ، قبول کردن آن مال بر او واجب نمیشود .
- مسئله ۲۰۵۱ - اگر مقداری مال بکسی بدهند و حج بر او واجب شود، چنانچه

حج نماید ، هر چند بعداً مالی از خود پیدا کند ، و مستطیع شود، دیگر حج بر او واجب نیست .

مسئله ۲۰۵۲- اگر برای تجارت مثلاً تا جده برود و مالی بدست آورد که اگر بخواهد از آنجا بمکه رود مستطیع باشد، باید حج کند و در صورتیکه حج نماید؛ اگر چه بعداً مالی پیدا کند که بتواند از وطن خود بمکه رود ، دیگر حج بر او واجب نیست.

مسئله ۲۰۵۳- اگر انسان اجیر شود که از طرف کس دیگر حج کند ؛ چنانچه خودش نتواند برود و بخواهد دیگری را از طرف خودش بفرستد، باید از کسیکه او را اجیر کرده اجازه بگیرد .

مسئله ۲۰۵۴- اگر کسی مستطیع شود و مکه نرود و فقیر شود، باید اگر چه بزحمت باشد بعداً حج کند و اگر بهیچ قسم نتواند حج برود ؛ چنانچه کسی او را برای حج اجیر کند، باید بمکه رود و حج کسی را که برای او اجیر شده بجا آورد و تا سال بعد در مکه بماند و برای خود حج نماید ولی اگر ممکن باشد که اجیر شود و اجرت را نقد بگیرد و کسیکه او را اجیر کرده راضی شود که حج او در سال بعد بجا آورده شود ، باید سال اول برای خود و سال بعد برای کسیکه اجیر شده حج نماید.

مسئله ۲۰۵۵- اگر در سال اولیکه مستطیع شده بمکه رود و در وقت معینی که دستور داده اند بعرفات و مشعر الحرام نرسد، چنانچه در سالهای بعد مستطیع نباشد ، حج بر او واجب نیست. ولی اگر از سالهای پیش مستطیع بوده و نرفته، اگر چه بزحمت باشد باید حج کند .

مسئله ۲۰۵۶- اگر در سال اولیکه مستطیع شده حج نکند و بعد بواسطه پیری یا مرض و ناتوانی نتواند حج نماید و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش حج کند باید دیگری را از طرف خود بفرستد ؛ بلکه اگر در سال اولیکه بقدر رفتن حج مال پیدا کرده

بواسطه پیری یا مرض یا ناتوانی نتواند حج کند، احتیاطاً واجب آنست کسی را از طرف خود بفرستد که حج نماید.

مسئله ۲۰۵۷ - کسیکه از طرف دیگری برای حج اجیر شده، باید طواف نساء را از طرف او بجا آورد و اگر بجا نیاورد؛ زن بر آن اجیر حرام میشود.

مسئله ۲۰۵۸ - اگر طواف نساء را درست بجا نیاورد یا فراموش کند چنانچه بعد از چند روز یادش بیاید و ازین راه برگردد و بجا آورد صحیح است.

احکام خرید و فروش

چیزهائی که در خرید و فروش مستحب است

مسئله ۲۰۵۹- پنج چیز در خرید و فروش مستحب است .

اول - یاد گرفتن احکام آن ، بلکه اگر بدانند در میان معاملاتیکه میکند هم معامله حرام و باطل و هم حلال و صحیح است و نتواند تشخیص دهد واجب است یاد گرفتن احکام آنها یا ترك آن معاملات.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند : کسیکه میخواهد خرید و فروش کند ، باید احکام آنرا یاد بگیرد و اگر پیش از یاد گرفتن احکام آن، خرید و فروش کند، بواسطه معامله ای باطل و شبهه ناک بهلاکت می افتد .

دوم- آنکه در قیمت جنس بین مشتریها فرق نگذارد مگر بلحاظ علم و تقوی .

سوم- آنکه در قیمت جنس سخت گیری نکند.

چهارم - چیزی را که میفروشد زیاده بدهد و آنچه را میخرد کمتر بگیرد.

پنجم - کسیکه با او معامله کرده ، اگر پشیمان شود و از او تقاضا کند که معامله

را بهم بزند ، برای بهم زدن معامله حاضر شود .

مسئله ۲۰۶۰- اگر بواسطه ندانستن مسئله نداند معامله ای که کرده صحیح است

یا باطل ، نمیتواند در مالی که گرفته تصرف نماید .

مسئله ۲۰۶۱ - کسیکه مال ندارد و مخارجی بر او واجب است مثل خرج زن و بچه، باید کسب کند و برای کارهای مستحب مانند وسعت دادن بعیالات و دستگیری از فقرا ، کسب کردن مستحب است .

معاملات مکرر

مسئله ۲۰۶۲ - عمده معاملات مکروه از این قرار است : اول - ملك فروشی .
دوم - قصابی سوم - کفن فروشی چهارم - معامله با مردمان پست، پنجم - معامله بین طلوع صبح و اول آفتاب؛ ششم - آنکه کار خود را خرید و فروش کند و جو و مانند اینها فرار دهد ، هفتم - آنکه برای خریدن جنسی که دیگری میخواهد بخرد، داخل معامله او شود.

معاملات حرام

مسئله ۲۰۶۳ - معاملات حرام و باطل برشش قسم است .

اول - خرید و فروش عین نجس مثل بول و غائط .

دوم - خرید و فروش مال غصبی ، که اگر مالکش امضا نکند باطل است و تصرف در آن حرام می باشد .

سوم - خرید و فروش چیزیکه مال نیست مثل حیوانات درنده .

چهارم - معامله چیزیکه منافع معمولی آن فقط کار حرام باشد ، مانند آلات قمار .

پنجم - معامله ای که در آن ربا باشد .

ششم - فروش جنسی که با چیز دیگر مخلوط است ، در صورتیکه آن چیز معلوم

نباشد و فروشنده هم بخریدار نگوید، مثل فروختن روغنی که آن را بایه مخلوط کرده است و این عمل را غش میگویند و مشتری هر وقت فهمید میتواند معامله را فسخ کند و در بعضی صور آن اصل معامله باطل است مثل اینکه چیزی را برخلاف جنسش ارائه دهد، مثلاً مس را به طلا روکش کند و با اسم طلا بفروشد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از ما نیست کسی که در معامله با مسلمانان غش کند یا بآنان ضرر بزند یا تقلب و حيله نماید و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می برد و راه معاش او را میبندد و او را بخودش واگذار میکند. مسئله ۲۰۶۴ - فروختن چیزی باکی که نجس شده و آب کشیدن آن ممکن است اشکال ندارد، ولی اگر مشتری آن چیز را برای کاری بخواهد که شرط آن پاک بودن است مثلاً لباس است که میخواهد با آن نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید فروشنده نجس بودن آن را باو بگوید.

مسئله ۲۰۶۵ - اگر چیز پاکمانند روغن و نفت که آب کشیدن آن ممکن نیست نجس شود، چنانچه آن را برای کاری بخواهند که شرطش پاک بودن است مثلاً روغن نجس را برای خوردن بخواهند، فروش آن حرام است. و اگر برای کاری بخواهند که شرط آن پاک بودن نیست، مثلاً بخواهند نفت نجس را بسوزانند، فروش آن اشکال ندارد.

مسئله ۲۰۶۶ - خرید و فروش دواهایی که از اعیان نجسه مثل شراب و مردار نباشد برای فائده ای که حرام نباشد جایز است و اگر از عین نجس مثل مردار باشد خرید و فروش آن حرام است، ولی اگر پول را در مقابل ظرف آن یا در مقابل زحمت و آفرینش بدهند اشکال ندارد.

مسئله ۲۰۶۷ - خرید و فروش روغن و دواهای روان و عطرها و غیره از ممالک غیر اسلامی میآورند، اگر نجس بودن آنها معلوم نباشد اشکال ندارد. ولی روغنی را

که از حیوان بعد از جاندارن آن میگیرند ، چنانچه در شهر کفار از دست کافر بگیرند و از حیوانی باشد که اگر رنگ آنرا ببرند خون از آن جستن میکند ، نجس است و معامله آن باطل میباشد .

مسئله ۲۰۶۸ - اگر روباه را بغیر دستوریکه در شرع معین شده کشته باشند ، یا خودش مرده باشد ، خرید و فروش پوست آن حرام و معامله آن باطل است .

مسئله ۲۰۶۹ - خرید و فروش گوشت و پیه و چرمیکه از ممالک غیر اسلامی میآورند ، باطل است و اگر از دست کافر در بازار اسلام گرفته شود بنا بر احتیاط لازم معامله آن باطل است ولی اگر انسان بداند که آنها از حیوانیستکه بدستور شرع کشته شده خرید و فروش آنها اشکال ندارد

مسئله ۲۰۷۰ - خرید و فروش گوشت و پیه و چرمیکه از دست مسلمان در بازار اسلام گرفته شود اشکال ندارد . ولی اگر انسان بداند که آن مسلمان آنرا از دست کافر گرفته و تحقیق نکرده که از حیوانیستکه بدستور شرع کشته شده یانه ، معامله آن باطل است و اگر از دست مسلمان در بازار کفار گرفته شود بنا بر احتیاط لازم معامله آن باطل است مگر آنکه مسلمان با آن معامله پاک بودن کند و احتمال داده شود که پاک بودن آنرا بدست آورده .

مسئله ۲۰۷۱ - خرید و فروش مسکرات حرام و معامله آنها باطل است .

مسئله ۲۰۷۲ - فروختن مال غصبی اگر مالک آن ، معامله را رد کرد باطل است و فروشنده باید پولی را که از خریدار گرفته باو بر گرداند .

مسئله ۲۰۷۳ - اگر خریدار قصدش این باشد که پول جنس را ندهد بنحویکه قصد معامله نداشته باشد معامله اشکال دارد و اگر جدا قصد معامله داشته باشد اشکال ندارد .

مسئله ۲۰۷۴ - اگر خریدار معامله را بدمه انجام دهد و بخواهد پول جنس را بعداً از حرام بدهد ، معامله صحیح است ، ولی باید مقداری را که بدهکار است از مال

حلال بدهد و اگر از حرام بدهد دینش ادا نمیشود .

مسئله ۲۰۷۵ - خرید و فروش آلات لهو و لعب مثل تار و ساز حتی سازهای کوچک حرام است .

مسئله ۲۰۷۶ - اگر چیزی را که میشود استفاده حلال از آن ببرند بقصد این بفروشد که آن را در حرام مصرف کنند مثلاً انگور را باین قصد بفروشد که از آن شراب تهیه نمایند ، معامله آن حرام و باطل است .

مسئله ۲۰۷۷ - ساختن مجسمه حرام است ولی خرید و فروش آن بعید نیست که جایز باشد اگر چه احتیاط در ترك آن است .

مسئله ۲۰۷۸ - خریدن چیزیکه از قمار ، یا دزدی ، یا از معامله باطل تهیه شده باطل و تصرف در آن معصیت و حرام است ؛ و اگر کسی آن را بخرد ، باید به صاحب اصلیش برگرداند .

مسئله ۲۰۷۹ - اگر روغنی را که بایه مخلوط است بفروشد ؛ چنانچه آن را معین کند مثلاً بگوید: این يك من روغن را میفروشم ، معامله بمقدار پیهی که در آنست باطل میشود و پولیکه فروشنده برای پیه آن گرفته مال مشتری و پیه مال فروشنده است و مشتری می تواند معامله روغن خالصی را هم که در آنست بهم بزند ولی اگر آن را معین نکند بلکه يك من روغن بفروشد ؛ بعد روغنی که به دارد بدها ، مسری میتواند آن روغن را پس بدهد و روغن خالص مطالبه نماید .

مسئله ۲۰۸۰ - اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانانه میفروشد ؛ بزبادتر از همان جنس بفروشد ، مثلاً يك من گندم را يك من ونیم گندم بفروشد ، ربا و حرام است و گناه يك درهم ربا بزرگتر از آنست که انسان هفتاد مرتبه با محرم خود زنا کند ؛ بلکه اگر يك نوع از آن جنس ، سالم و دیگری معیوب ، یا جنس یکی خوب و جنس دیگری بد باشد ، یا بایکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند ، چنانچه بیشتر از مقداری که میدهد بگیرد ، باز هم ربا و حرام است ، پس اگر مس درست را بدهد و بیشتر از آن

مس شکسته بگیرد؛ یا برنج صدری را بدهد و بیشتر از آن برنج کرده بگیرد یا طلای ساخته را بدهد و بیشتر از آن طلای نساخته بگیرد، ربا و حرام میباشد.

مسئله ۲۰۸۱ - اگر چیزی را که اضافه میگیرد غیر از جنسی باشد که میفروشد؛ مثلاً يك من گندم به يك من گندم و يك قران پول بفروشد باز هم ربا و حرام است بلکه اگر چیزی زیاده تر نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد، باز هم ربا و حرام میباشد.

مسئله ۲۰۸۲ - اگر کسیکه مقدار کمتر را میدهد چیزی علاوه کند، مثلاً يك من گندم و يك دستمال را يك من و نیم گندم بفروشد، اشکال ندارد و همچنین است اگر از هر دو طرف چیزی زیاد کنند مثلاً يك من گندم و يك دستمال را به يك من و نیم گندم و يك دستمال بفروشد.

مسئله ۲۰۸۳ - اگر چیزی را که مثل پارچه با متر و ذرع میفروشند، یا چیزی را که مثل گردو و نخم مرغ با شماره معامله میکنند، بفروشد و زیاده تر بگیرد مثلاً تا نخم مرغ بدهد و یازده تا بگیرد اشکال ندارد.

مسئله ۲۰۸۴ - جنسی را که در بعضی از شهرها با وزن، یا پیمانانه میفروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله میکنند، در شهریکه با وزن، یا پیمانانه می فروشند جایز نیست بزیا تر از آن بفروشند و در شهری که با شماره میفروشند جایز است بزیا تر از آن بفروشند.

مسئله ۲۰۸۵ - اگر چیزی را که میفروشد و عوضی را که میگیرد از يك جنس نباشد؛ زیادی گرفتن اشکال ندارد، پس اگر يك من برنج بفروشد و دو من گندم بگیرد معامله صحیح است.

مسئله ۲۰۸۶ - اگر جنسی را که میفروشد، و عوضی را که میگیرد، از يك چیز عمل آمده باشد، باید در معامله زیادی نگیرد، پس اگر يك من روغن بفروشد و در عوض آن يك من و نیم پنیر بگیرد، ربا و حرام است. و احتیاط واجب آنست

که اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله کند زیادی نگیرد .

مسئله ۲۰۸۷ - جوو گندم در ربایک جنس حساب میشود. پس اگر یک من گندم بدهد و یک من و پنج سیر جو بگیرد ، ربا و حرام است . و نیز اگر مثلاً ده من جو بخورد که سرخر من ده من گندم بدهد ، چون جو را نقد گرفته و بعد از مدتی گندم را میدهد، مثل آنست که زیادی گرفته و حرام میباشد .

مسئله ۲۰۸۸ - اگر مسلمان از کافری که در پناه اسلام نیست ، ربا بگیرد اشکال ندارد ، و نیز پدر و فرزند و زن و شوهر میتوانند از یکدیگر ربا بگیرند .

شرائط فروشنده و خریدار

مسئله ۲۰۸۹ - برای فروشنده و خریدار شش چیز شرط است :

اول - آنکه بالغ باشند .

دوم - آنکه عاقل باشند .

سوم - آنکه سفیه نباشند یعنی : مال خود را در کارهای بیخود و بیهوده مصرف نکنند .

چهارم - آنکه قصد خرید و فروش داشته باشند ، پس اگر مثلاً بشوخی بگوید مال خود را فروختم، معامله باطل است .

پنجم - آنکه کسی آنها را مجبور نکرده باشد .

ششم - آنکه جنس و عوضی را که میدهند مالک باشند و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد .

مسئله ۲۰۹۰ - معامله با بیچه نابالغ باطل است ، اگر چه پدر یا جد آن بیچه با اجازه داده باشند که معامله کند . اما اگر طفل وسیله باشد که پول را به فروشنده بدهد و جنس را بخرد ، یا جنس را بخرد و پول را بدهد و پول را بفروشد برساند

چون واقعاً دو نفر بالغ با یکدیگر معامله کرده اند ، معامله صحیح است ، ولی باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشند ، که طفل جنس و پول را بصاحب آن می‌رساند یا آنکه صاحب پول با جنس اذن داده باشند که آنرا به بیچه بدهد تا با او برساند .

مسئله ۲۰۹۱ - اگر از بیچه نابالغ چیزی بخرد ؛ یا چیزی با او بفروشد ، باید جنس با پولی را که از او گرفته به صاحب آن بدهد ، یا از صاحبش رضایت بخواهد و اگر صاحب آنرا نمی‌شناسد و برای شناختن او هم وسیله‌ای ندارد ، باید چیزی را که از بیچه گرفته ، از طرف صاحب آن عظام بدهد و احتیاط آنستکه از حاکم شرع هم اذن بگیرد و اگر پول با جنس مال خود بیچه باشد باید پولی او برساند یا از اولی اذن بگیرد .

مسئله ۲۰۹۲ - اگر کسی با بیچه نابالغ معامله کند و جنس ، یا پولی که به بیچه داده از بین برود ، نمیتواند از بیچه یا ولی او مطالبه نماید .

مسئله ۲۰۹۳ - اگر خریدار یا فروشنده را بمعامله مجبور کنند ، چنانچه بعد از معامله راضی شود و بگوید راضی هستم ، معامله صحیح است . ولی احتیاط مستحب آنست که دوباره صیغه معامله را بخوانند .

مسئله ۲۰۹۴ - اگر انسان مال کسی را بدون اجازه او بفروشد ، چنانچه صاحب مال بفروش آن راضی نشود و اجازه نکند معامله باطل است .

مسئله ۲۰۹۵ - پدر و جد پدری طفل اگر برای طفل مفسده‌ای نداشته باشد و نیز وصی پدر و وصی جد پدری اگر برای طفل مصلحت باشد میتواند مال طفل را بفروشد ؛ مجتهد عادل هم بان بودن ولی و بارعایت مصلحت میتواند مال دیوانه یا طفل یتیم یا مال کسی را که غائب است بفروشد .

مسئله ۲۰۹۶ - اگر کسی مالی را غصب کند و بفروشد و بعد از فروش صاحب مال معامله را برای خودش اجازه دهد ؛ معامله صحیح است و چیزی را که غصب کننده بمشتری داده و منفتهای آن از موقع معامله ، ملك مشتری است و چیزی را که مشتری

داده و منفعتهای آن از موقع معامله ؛ ملك کسی است که مال او را غصب کرده اند .
مسئله ۲۰۹۷ - اگر کسی مالی را غصب کند و بفروشد ، بقصد اینکه پول آن مال خودش باشد ، چنانچه صاحب مال معامله را اجازه نکند ، معامله باطل است . و اگر برای کسی هم که مال را غصب کرده اجازه نماید آن معامله صحیح نیست .

شرائط جنس و عوض آن

مسئله ۲۰۹۸ - جنسیکه میفروشند و چیزیکه عوض آن میگیرند پنج شرط دارد :

اول - آنکه مقدار آن با وزن یا پیمانه یا شماره و مانند اینها معلوم باشد .
دوم - آنکه بتوانند آن را تحویل دهند ، بنابراین فروختن اسبی که فرار کرده صحیح نیست ولی اگر اسبی را که فرار کرده با چیزیکه میتواند تحویل دهد مثلاً با يك فرش بفروشد ، اگر چه آن اسب پیدا نشود ، معامله صحیح است .
سوم - خصوصیتی را که در جنس و عوض هست و بواسطه آنها میل مردم بمعامله فرق میکند ، معین نمایند .

چهارم - کسی در جنس ، یا در عوض آن حقی نداشته باشد ، پس مالی را که انسان پیش کسی گرو گذاشته ، بدون اجازه او نمیتواند بفروشد .

پنجم - خود جنس را بفروشد نه منفعت آن را پس اگر مثلاً منفعت يك سال خانه را بفروشد ، صحیح نیست ولی چنانچه خریدار بجای پول ، منفعت ملك خود را بدهد ، مثلاً فرشی را از کسی بخرد و عوض آن ، منفعت يك ساله خانه خود را با او واگذار کند اشکال ندارد و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد .

مسئله ۲۰۹۹ - جنسی را که در شهری با وزن یا پیمانه معامله میکنند ، در آن شهر انسان باید با وزن یا پیمانه بخرد ، ولی میتواند همان جنس را در شهری که بادیدن معامله

میکنند، بادیدن خریداری نماید .

مسئله ۲۱۰۰ - چیزی را که با وزن خرید و فروش میکنند با پیمانانه هم میشود معامله کرد؛ باینطور که اگر مثلاً میخواهد ده من گندم بفروشد ، با پیمانانه ای که يك من گندم میگیرد ده پیمانانه بدهد.

مسئله ۲۱۰۱ - اگر یکی از شرطهاییکه گفته شد غیر از شرط چهارم در معامله نباشد ، معامله باطل است . ولی اگر خریدار و فروشنده راضی باشند که در مال یکدیگر تصرف کنند، تصرف آنها اشکال ندارد . و در شرط چهارم اگر گروگیرنده معامله را امضا کند یا ملک از گرو بیرون بیاید معامله صحیح است .

مسئله ۲۱۰۲ - معامله چیزی که وقف شده باطل است ، ولی اگر بطوری خراب شود که نتواند استفاده ای را که مال برای آن وقف شده از آن ببرد ، مثلاً حصیر مسجد بطوری پاره شود که نتواند روی آن نماز بخواند فروش آن اشکال ندارد و در صورتیکه ممکن باشد ، باید پول آنرا در همان مسجد بمصرفی برسانند که بمقصود واقف آن نزدیکتر باشد .

مسئله ۲۱۰۳ - هر گاه بین کسانی که مال را برای آنان وقف کرده اند بطوری اختلاف پیدا شود که اگر مال وقف را بفروشند ، گمان آن برود که مال یا جانی تلف شود، میتوان آن مال را بفروشند و بمصرفی که بمقصود واقف نزدیکتر است برسانند.

مسئله ۲۱۰۴ - خرید و فروش ملکی که آنرا بدیگری اجاره داده اند اشکال ندارد ، ولی استفاده آن ملک در مدت اجاره مال مستأجر است و اگر خریدار نداند که آن ملک را اجاره داده اند یا بگمان اینکه مدت اجاره کم است ملک را خریده باشد ، پس از اطلاع میتواند معامله خودش را بهم بزند .

صیغه خرید و فروش

مسئله ۲۱۰۵ - در خرید و فروش لازم نیست صیغه عربی بخوانند، بلکه اگر

فروشنده بفارسی بگوید : این مال را در عوض این پول فروختم و مشتری بگوید: قبول کردم ؛ معامله صحیح است ، ولی خریدار و فروشنده باید قصد انشاء داشته باشند یعنی: بگفتن این دو جمله مقصودشان خرید و فروش باشد .

مسئله ۲۱۰۶ - اگر در موقع معامله صیغه نخوانند ؛ ولی فروشنده در مقابل مالیکه از خریدار میگیرد ، مال خود را ملك او کند و او بگیرد معامله صحیح است و هر دو مالك میشوند .

خرید و فروش میوه‌ها

مسئله ۲۱۰۷ - فروش میوه‌ای که گل آن ریخته و دانه بسته ، پیش از چیدن صحیح است و نیز فروختن غوره بردرخت اشکال ندارد .

مسئله ۲۱۰۸ - اگر بخواهند میوه‌ای را که بردرخت است ، پیش از آنکه دانه ببتند و گلش بریزد بفروشند ، باید اورا به تبع چیزی از حاصل زمین مانند سبزیها بفروشند و همچنین است حکم بنا بر احتیاط لازم اگر میوه بیش از يك سال را بفروشند بلی اگر با مشتری شرط کنند که میوه را پیش از دانه بستن بچینند ؛ بدون ضمیمه معامله صحیح است .

مسئله ۲۱۰۹ - اگر خرمائی را که زرد یا سرخ شده ، بردرخت بفروشند اشکال ندارد ، ولی نباید عوض آنرا خرما بگیرند ؛ اما اگر کسی يك درخت خرما در خانه یا باغ کس دیگر داشته باشد، در صورتیکه مقدار آنرا تخمین کنند و صاحب درخت آنرا بصاحب خانه یا باغ بفروشد و عوض آن را از خرمای غیر از آن درخت بگیرد چنانچه خرمائی را که میگیرد کمتر یا زیادتر از مقداری که تخمین زده اند نباشد اشکال ندارد .

مسئله ۲۱۱۰ - فروختن خیار و بادنجان و سبزیها و مانند اینها که سالی چند مرتبه چیده میشود ؛ در صورتیکه ظاهر و نمایان شده باشد و معین کنند که مشتری در سال چند

دفعه آنرا بچیند اشکال ندارد .

مسئله ۲۱۱۱ - اگر خوشه گندم و جورا بعد از آنکه دانه بسته، بچیز دیگری غیر گندم و جو بفروشد اشکال ندارد .

نقد و نسیه

مسئله ۲۱۱۲ - اگر جنسی را نقد بفروشند ، خریدار و فروشنده بعد از معامله میتوانند جنس و پول را از یکدیگر مطالبه نموده و تحویل بگیرند و تحویل دادن خانه و زمین و مانند اینها به این است که آنرا در اختیار خریدار بگذارند که بتواند در آن تصرف کند و تحویل دادن فرش و لباس و مانند اینها باین است که آنرا طوری در اختیار خریدار بگذارند که اگر بخواهد آنرا بجای دیگری بفروشد جلویگیری نکند .

مسئله ۲۱۱۳ - در معامله نسیه باید مدت کاملاً معلوم باشد ؛ پس اگر جنسی را بفروشد که سرخرمن پول آنرا بگیرد ، چون مدت کاملاً معین نشده معامله باطل است .
مسئله ۲۱۱۴ - اگر جنسی را نسیه بفروشد ، پیش از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته اند ، نمیتواند عوض آنرا از خریدار مطالبه نماید . وای اگر خریدار بمیرد و از خودش مال داشته باشد، فروشنده میتواند پیش از تمام شدن مدت ، طلبی را که دارد از ورثه او مطالبه نماید .

مسئله ۲۱۱۵ - اگر جنسی را نسیه بفروشد ؛ بعد از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته اند ، میتواند عوض آنرا از خریدار مطالبه نماید ، ولی اگر خریدار نتواند بپردازد ، باید او را مهلت دهد .

مسئله ۲۱۱۶ - اگر بکسی که قیمت جنس را نمیداند ، مقداری نسیه بدهد و قیمت آنرا باو نگوید معامله باطل است ولی اگر بکسی که قیمت نقدی جنس را میداند نسیه بدهد و گرانتر حساب کند ، مثلاً بگوید : جنسی را که به تو نسیه میدادم تومانی یک ریال از قیمتی که نقد می فروشم گرانتر حساب میکنم و او قبول

کند اشکال ندارد .

مسئله ۲۱۱۷ - کسیکه جنسی را نسیه فروخته و برای گرفتن پول آن مدتی قرارداد داده ، اگر مثلاً بعد از گذشتن نصف مدت ، مقداری از طلب خود را کم کند و بقیه را نقد بگیرد اشکال ندارد .

معامله سلف

مسئله ۲۱۱۸ - معامله سلف آنست که مشتری پول را بدهد که بعد از مدتی جنس را تحویل بگیرد و اگر بگوید : این پول را می‌دهم که مثلاً بعد از شش ماه فلان جنس را بگیرم و فروشنده بگوید : قبول کردم ، یا فروشنده پول را بگیرد و بگوید : فلان جنس را فروختم که بعد از شش ماه تحویل بدهم معامله صحیح است .

مسئله ۲۱۱۹ - اگر پول طلا و نقره یا طلا و نقره را سلف بفروشد بی‌پول طلا و نقره یا بطلا و نقره ، معامله باطل است . ولی اگر جنسی را سلف بفروشد و عوض آن را جنس دیگر یا پول بگیرد معامله صحیح است . و احتیاط مستحب آنست در عوض جنسی که می‌فروشد پول بگیرد و جنس دیگر نگیرد .

شرائط معامله سلف

مسئله ۲۱۲۰ - معامله سلف شش شرط دارد :

اول - خصوصیات را که قیمت جنس بواسطه آنها فرق میکند معین نمایند .
ولی دقت زیاد هم لازم نیست ، همین قدر که مردم بگویند : خصوصیات آن معلوم شده کافیست ، پس معامله سلف در نان و گوشت و پوست حیوان و مانند اینها که نمیشود خصوصیاتشان را کاملاً معین کرد باطل است .

دوم - پیش از آنکه خریدار و فروشنده از هم جدا شوند ، خریدار تمام قیمت را بفروشنده بدهد ، یا بمقدار پول آن از فروشنده طلبکار باشد و طلب خود را بابت

قیمت جنس حساب کند و او قبول نماید و چنانچه مقداری از قیمت آن را بدهد، اگر چه معامله بآن مقدار صحیح است، ولی فروشنده می تواند معامله همان مقدار را بهم بزند. سوم - مدت را کاملاً معین کنند، و اگر مثلاً بگوید تا اول خرمن جنس را تحویل میدهم چون مدت کاملاً معلوم نشده معامله باطل است.

چهارم - وقتی را برای تحویل جنس معین کنند که در آنوقت، جنس بقدری کمیاب نباشد که فروشنده نتواند آنرا تحویل دهد.

پنجم - جای تحویل جنس را معین نمایند؛ ولی اگر از حرفهای آنان جای آن معلوم باشد، لازم نیست اسم آنجا را ببرند.

ششم - وزن یا پیمانه آنرا معین کنند و جنسی را هم که معمولاً با دیدن معامله میکنند اگر سلف بفروشد اشکال ندارد، ولی باید مثل بعضی از اقسام گردو و تخم مرغ تفاوت افراد آن بقدری کم باشد که مردم بآن اهمیت ندهند.

احکام معامله سلف

مسئله ۲۱۲۱ - انسان نمیتواند جنسی را که سلف خریده پیش از تمام شدن مدت بفروشد و بعد از تمام شدن مدت؛ اگر چه آنرا تحویل نگرفته باشد، فروختن آن اشکال ندارد. ولی فروختن غله مانند گندم و جو پیش از تحویل گرفتن آن مکروه است.

مسئله ۲۱۲۲ - در معامله سلف اگر فروشنده جنسی را که قرارداد کرده تحویل بدهد مشتری باید قبول کند. و نیز اگر بهتر از آنچه قرار گذاشته بدهد و طوری باشد که از همان جنس حساب شود، مشتری باید قبول نماید.

مسئله ۲۱۲۳ - اگر جنسی را که فروشنده میدهد، پست تر از جنسی باشد که قرارداد کرده، مشتری میتواند قبول نکند.

مسئله ۲۱۲۴ - اگر فروشنده بجای جنسی که قرارداد کرده، جنس دیگری

بدهد؛ در صورتیکه مشتری راضی شود اشکال ندارد.

مسئله ۲۱۲۵ - اگر جنسی را که سلف فروخته در موقعی که باید آنرا تحویل دهد نایاب شود و نتواند آنرا تهیه کند، مشتری میتواند صبر کند تا تهیه نماید، یا معامله را بهم بزند و چیزی را که داده پس بگیرد.

مسئله ۲۱۲۶ - اگر جنسی را بفروشد و قرار بگذارد که بعد از مدتی تحویل دهد و پول آنرا هم بعد از مدتی بگیرد، معامله باطل است.

فروش طلا و نقره بطلا و نقره

مسئله ۲۱۲۷ - اگر طلا را بطلا یا نقره را بنقره بفروشد، سکه‌ها را باشد یا بی سکه؛ در صورتیکه وزن یکی از آنها زیاد تر از دیگری باشد، معامله حرام و باطل است.

مسئله ۲۱۲۸ - اگر طلا را بنقره، یا نقره را بطلا بفروشد؛ معامله صحیح است و لازم نیست وزن آنها مساوی باشد.

مسئله ۲۱۲۹ - اگر طلا یا نقره را بطلا، یا نقره بفروشند، باید فروشنده و خریدار پیش از آنکه از یکدیگر جدا شوند، جنس و عوض آنرا بیکدیگر تحویل دهند و اگر هیچ مقدار از چیزی را که قرار گذاشته‌اند تحویل ندهند معامله باطل است.

مسئله ۲۱۳۰ - اگر فروشنده یا خریدار تمام چیزی را که قرار گذاشته تحویل دهد و دیگری مقداری از آنرا تحویل دهد و از یکدیگر جدا شوند، اگر چه معامله به آن مقدار صحیح است ولی کسیکه تمام مال بدست او نرسیده میتواند معامله را بهم بزند.

مسئله ۲۱۳۱ - اگر خاک نقره معدن را بنقره خالص و خاک طلای معدن را بطلای خالص بفروشند، معامله باطل است. ولی فروختن خاک نقره بطلا و خاک طلا بنقره اشکال ندارد.

مواردیکه میتوان معامله را بهم زد

مسئله ۲۱۳۲ - حق بهم زدن معامله را خیار میگویند و خریدار و فروشنده در دوازده صورت میتوانند معامله را بهم بزنند:

اول - آنکه از مجلس معامله متفرق نشده باشند و این خیار را خیار مجلس میگویند .

دوم - آنکه فروشنده یا خریدار مغبون شده باشد (خیار غبن) .

سوم - در معامله قرار داد کنند که تا مدت معینی هر دو یا یکی از آنان بتوانند معامله را بهم بزنند (خیار شرط) .

چهارم - فروشنده ، یا خریدار ، مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و طوری کند که قیمت مال در نظر مردم زیاد شود (خیار تدلیس) .

پنجم - فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد ؛ یا شرط کند مالی را که میدهد طور مخصوصی باشد ، و بآن شرط عمل نکند که در اینصورت ، دیگری میتواند معامله را بهم بزند (خیار تخلف شرط) .

ششم - در جنس یا عوض آن عیبی باشد (خیار عیب) .

هفتم - معلوم شود جنسیکه فروخته شده میان فروشنده و دیگری بطور مشاع مشترك بوده خواه فروشنده مال غیر را هم فروخته باشد یا فقط مال خودش را فروخته باشد و نگفته باشد با دیگری مشاع است و در اینصورت خریدار اگر بمعامله راضی نشد میتواند معامله را بهم بزند (خیار شرکت) .

هشتم - اگر فروشنده مال خود را که جدا است با مال شخص دیگر بفروشد و آن شخص رد کند خریدار می تواند پول آنرا از فروشنده پس بگیرد یا اصل معامله را فسخ نماید (خیار تبعض صفت) .

نهم - فروشنده خصوصیات جنس معینی را که مشتری ندیده باو بگوید ، بعد

معلوم شود طوری که گفته نبوده است که در اینصورت مشتری می تواند معامله را بهم بزند و نیز اگر مشتری خصوصیات عوض معینی را که می دهد بگوید ، بعد معلوم شود طوری که گفته نبوده است ، فروشنده می تواند معامله را بهم بزند (خیار رؤیت) .

۵۵۵- مشتری پول جنسی را که نقدخریده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل ندهد که اگر مشتری شرط نکرده باشد که دادن پول را تاخیر بیندازد ؛ فروشنده میتواند معامله را بهم بزند ولی اگر جنسی را که خریده مثل بعضی از میوه ها باشد که اگر یک روز بماند ضایع میشود ، چنانچه تا شب پول آنرا ندهد و شرط نکرده باشد که دادن پول را تاخیر بیندازد ، فروشنده می تواند معامله را بهم بزند (خیار تاخیر) .

۵۵۶- حیوانی را خریده باشد که تا سه روز میتواند معامله را بهم بزند و اگر در عوض حیوانی که خریده ، حیوان دیگری داده باشد ، فروشنده هم تا سه روز میتواند معامله را بهم بزند (خیار حیوان) .

۵۵۷- فروشنده نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد ؛ مثلاً اسبی را که فروخته فرار نماید که در اینصورت مشتری میتواند معامله را بهم بزند (خیار تعذر تسلیم) .

واحکام اینها درمسائل آینده گفته خواهد شد .

مسئله ۲۱۳۳- اگر خریدار قیمت جنس را نداند یا در موقع معامله غفلت کند و جنس را گرانتر از قیمت معمولی آن بخرد ، چنانچه بقدری گران خریده که مردم به آن اهمیت میدهند ، میتواند معامله را بهم بزند و نیز اگر فروشنده قیمت جنس را نداند ، یا موقع معامله غفلت کند و جنس را ارزانتر از قیمت آن بفروشد در صورتیکه مردم بمقداری که ارزان فروخته اهمیت بدهند ؛ میتواند معامله را بهم بزند .

مسئله ۲۱۳۴- در معامله بیع شرط که مثلاً خانه هزار تومانی را بدویست تومان

مبفروشد و قرار میگذازند که اگر فروشنده سرمدت پول را بدهد بتواند معامله را بهم بزند ، در صورتیکه خریدار و فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند معامله صحیح است .

مسئله ۲۱۳۵- در معامله بیع شرط اگر چه فروشنده اطمینان داشته باشد که هرگاه سرمدت پول را ندهد ، خریدار ملك را باو میدهد معامله صحیح است ولی اگر سرمدت پول را ندهد ؛ حق ندارد ملك را از خریدار مطالبه کند .

مسئله ۲۱۳۶- اگر جای اعلار با جای پست مخلوط کند و با اسم جای اعلابفروشد و مشتری بفهمد بعد که دانست میتواند معامله را بهم بزند .

مسئله ۲۱۳۷- اگر معامله بمال مشخصی واقع شده باشد و خریدار بفهمد مالی را که گرفته عیبی دارد مثلاً حیوانی را بخرد و بفهمد که يك چشم آن کور است ، چنانچه آن عیب پیش از معامله در مال بوده و او نمیدانسته ، میتواند معامله را بهم بزند ، یا فرق قیمت سالم و معیوب آنرا معین کند و بنسبت تفاوت قیمت سالم و معیوب از پولی که بفروشنده داده پس بگیرد مثلاً مالی را که بچهار تومان خریده ، اگر بفهمد معیوب است در صورتیکه قیمت سالم آن هشت تومان و قیمت معیوب آن شش تومان باشد ، چون فرق قیمت سالم و معیوب يك چهارم میباشد ، میتواند يك چهارم پولی را که داده یعنی يك تومان از فروشنده بگیرد .

مسئله ۲۱۳۸- اگر فروشنده بفهمد در عوضی که گرفته عیبی هست و معامله هم بشخص آن عوض واقع شده باشد نه بکلی آن ، چنانچه آن عیب پیش از معامله در عوض بوده و او نمیدانسته میتواند معامله را بهم بزند ، یا تفاوت قیمت سالم و معیوب را به نحوی که در مسئله پیش گفته شد بگیرد .

مسئله ۲۱۳۹- اگر بعد از معامله و پیش از تحویل گرفتن مال عیبی در آن پیدا شود ، خریدار میتواند معامله را بهم بزند و نیز اگر در عوض مال ، بعد از معامله و پیش از تحویل گرفتن ، عیبی پیدا شود ، فروشنده میتواند معامله را بهم بزند و اگر

بخواهند میتوانند تفاوت قیمت بگیرند .

مسئله ۲۱۴۰- اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً معامله را بهم نزند ، دیگر حق بهم زدن معامله را ندارد مگر آنکه جاهل بمسئله باشد که وقتی فهمید میتواند معامله را بهم بزند .

مسئله ۲۱۴۱- هر گاه بعد از خریدن جنس عیب آنرا بفهمد ، اگر چه فروشنده حاضر نباشد ، میتواند معامله را بهم بزند .

مسئله ۲۱۴۲- در چهار صورت اگر خریدار بفهمد مال عیبی دارد ، نمیتواند معامله را بهم بزند ؛ یا تفاوت قیمت بگیرد : اول - آنکه موقع خریدن ؛ عیب مال را بداند . دوم - بعیب مال راضی شود . سوم - در وقت معامله بگوید : اگر مال عیبی داشته باشد ، پس نمیدهم و تفاوت قیمت هم نمیگیرم . چهارم - فروشنده در وقت معامله بگوید این مال را با هر عیبی که دارد میفروشم ولی اگر عیبی را معین کند و بگوید مال را با این عیب میفروشم و معلوم شود عیب دیگری هم دارد ؛ خریدار میتواند برای عیبی که فروشنده معین نکرده مال را پس دهد ، یا تفاوت قیمت بگیرد .

مسئله ۲۱۴۳- در سه صورت اگر خریدار بفهمد مال عیبی دارد ، نمیتواند معامله را بهم بزند ولی می تواند تفاوت قیمت بگیرد اول - آنکه بعد از معامله در مال تصرف کند بطوری که مال بحال اول نباشد و تغییر کرده باشد مثل آنکه جامه را ببرد یا گندم را آرد کند . دوم - بعد از معامله بفهمد مال عیب دارد و فقط حق بر گرداندن آنرا ساقط کند . سوم - بعد از تحویل گرفتن مال ؛ عیب دیگری در آن پیدا شود . ولی اگر حیوان معیوبی را بخرد و پیش از گذشتن سه روز عیب دیگری پیدا کند اگر چه آن را تحویل گرفته باشد ، باز هم میتواند آنرا پس دهد و نیز اگر فقط خریدار تا مدتی حق بهم زدن معامله را داشته باشد و در آن مدت ، مال عیب دیگری پیدا کند ، اگر چه آنرا تحویل گرفته باشد ، می تواند معامله را بهم بزند .

مسئله ۲۱۴۴- اگر انسان مالی داشته باشد که خودش آنرا ندیده و دیگری

خصوصیات آن را برای او گفته باشد، چنانچه او همان خصوصیات را بمشتری بگوید و آنرا بفروشد و بعد از فروش بفهمد که بهتر از آن بوده، می تواند معامله را بهم بزند .

مسائل متفرقه

مسئله ۲۱۴۵ - اگر فروشنده قیمت خرید جنس را بمشتری بگوید ، باید تمام چیزهایی را که بواسطه آنها قیمت مال کم یا زیاد میشود بگوید، اگر چه بهمان قیمت یا به کمتر از آن بفروشد مثلاً باید بگوید : که نقد خریده یا نسبه .

مسئله ۲۱۴۶ - اگر انسان جنسی را بکسی بدهد و قیمت آن را معین کند و بگوید این جنس را باین قیمت بفروش و هر چه زیاده تر فروختی مال خودت باشد ، هر چه زیاده تر از قیمت آن بفروشد مال صاحب مال است و فروشنده فقط می تواند مزد زحمت خود را از صاحب مال بگیرد . ولی اگر زیادتی را بعنوان جعاله برای او قرار دهد صحیح است ؛ هر چه زیاده تر فروخت مال او است نه مال صاحب مال و همچنین اگر بگوید : این جنس را باین قیمت بتو فروختم و او بگوید : قبول کردم یا بقصد فروختن ، جنس را با او بدهد و او هم بقصد خریدن بگیرد ، هر چه زیاده تر از آن قیمت بفروشد مال خود او است .

مسئله ۲۱۴۷ - اگر قصاب گوشت نر بفروشد و بجای آن ، گوشت ماده بدهد معصیت کرده است ، پس اگر آن گوشت را معین کرده و گفته : این گوشت نر را میفروشم مشتری میتواند معامله را بهم بزند . و اگر آن را معین نکرده ، در صورتیکه مشتری بگوشتی که گرفته راضی نشود ؛ قصاب باید گوشت نر با او بدهد .

مسئله ۲۱۴۸ - اگر مشتری به بز از بگوید پارچه ای میخواهم که رنگ آن نرود و بز از پارچه ای با او بفروشد که رنگ آن برود ، مشتری می تواند معامله را بهم بزند .

مسئله ۲۱۴۹ - قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه است و اگر دروغ

باشد حرام است .

احکام شرکت

مسئله ۲۱۵۰ - اگر دو نفر بخواهند با هم شرکت کنند، چنانچه هر کدام مقداری ازمال خود را با مال دیگری بطوری مخلوط کند که از یکدیگر تشخیص داده نشود و بر بی‌بازبان دیگر صیغه شرکت را بخوانند، یا کاری کنند که معلوم باشد میخواهند با یکدیگر شریک باشند؛ شرکت آنان صحیح است.

مسئله ۲۱۵۱ - اگر چند نفر درمزدی که از کار خودشان می‌گیرند با یکدیگر شرکت کنند، مثل دلاکها که قرار می‌گذارند هر قدر مزد گرفتند با هم قسمت کنند شرکت آنان صحیح نیست و هر کدام مزد کار خود را مالک می‌شوند ولی اگر بخواهند برضایت آنچه را مزد گرفته‌اند تقسیم نمایند اشکال ندارد.

مسئله ۲۱۵۲ - اگر از کسی که جنسی را برای خود خریده دیگری خواهش کند که او را شریک کند و آنکس بقصد شریک بودن او بگوید: ترا شریک کردم و ز او هم بگوید: قبول کردم این شرکت صحیح است و باید نصف پول را کسی که شریک شده با او بدهد و همچنین اگر هر کدام دیگری را وکیل کند که جنس را برای او نسیه بخرد بعد هر شریکی جنس را برای خودش و شریکش بخرد که هر دو بدهکار شوند شرکت صحیح است.

مسئله ۲۱۵۳ - کسانی که بواسطه عقد شرکت با هم شریک می‌شوند؛ باید مکلف و عاقل باشند و از روی قصد و اختیار شرکت کنند و نیز باید بتوانند در مال خود تصرف

نمایند؛ پس آدم سفیدی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف میکند ، چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید ، اگر شرکت کند صحیح نیست .

مسئله ۲۱۵۴- اگر در عقد شرکت شرط کنند کسیکه کار میکند؛ یا بیشتر از شریک دیگر کار میکند بیشتر منفعت ببرد؛ باید آنچه را شرط کرده اند باو بدهند ولی اگر شرط کنند کسیکه کار نمیکند یا کمتر کار میکند بیشتر منفعت ببرد ، آن شرط باطل است ولی شرکتشان صحیح است مگر آنکه اذن در تصرف در مال مشترک مقید باین شرط باشد که در اینصورت اصل شرکت باطل است .

مسئله ۲۱۵۵- اگر قرار بگذارند که همه استفاده را بکنفر ببرد یا تمام ضرر را بیشتر آنرا یکی از آنان بدهد باطل است ولی اصل شرکت صحیح است مگر در صورتیکه در مسئله پیش گفته شد .

مسئله ۲۱۵۶- اگر شرط نکنند که یکی از شریکها بیشتر منفعت ببرد ، چنانچه سرمایه آنان یک اندازه باشد منفعت و ضرر را هم بیک اندازه میبرند و اگر سرمایه آنان یک اندازه نباشد باید منفعت و ضرر را بنسبت سرمایه قسمت نمایند؛ مثلاً اگر دو نفر شرکت کنند و سرمایه یکی از آنان دو برابر سرمایه دیگری باشد سهم او از منفعت و ضرر دو برابر سهم دیگری است چه هر دو بیک اندازه کار کنند ، یا یکی کمتر کار کند یا هیچ کار نکنند .

مسئله ۲۱۵۷- اگر در عقد شرکت شرط کنند که هر دو باهم خرید و فروش نمایند یا هر کدام به تنهایی معامله کنند ، یا فقط یکی از آنان معامله کند ، باید بقرار داد عمل نمایند .

مسئله ۲۱۵۸- اگر معین نکنند که کدام یک آنان با سرمایه خرید و فروش نماید ، هیچ یک آنان بدون اجازه دیگری نمیتواند با آن سرمایه معامله کند .

مسئله ۲۱۵۹- شریکی که اختیار سرمایه شرکت با اوست باید بقرار داد شرکت عمل کند ، مثلاً اگر با او قرار گذاشته اند که نسبه بخورد ، یا نقد بفروشد ، یا جنس را

از محل مخصوصی بخرد، باید بهمان قرارداد رفتار نماید. و اگر با او قراری نگذاشته باشند؛ باید بطور معمول معامله کند و دادوستدی نماید که برای شرکت ضرر نداشته باشد و نباید برخلاف معمول نسیه بخرد، یا نسیه بفروشد، یا مال شرکت را در مسافرت همراه خود ببرد.

مسئله ۲۱۶۰ - شریکی که با سرمایه شرکت معامله میکند، اگر برخلاف قراردادی که با او کرده اند خرید و فروش کند و خسارتی برای شرکت پیش آید ضامن است ولی اگر بعداً بقراردادی که شده معامله کند صحیح است، و نیز اگر با او قراردادی نکرده باشند و برخلاف معمول معامله کند، ضامن میباشد اما اگر بعداً مطابق معمول معامله کند معامله او صحیح است مگر آنکه اذن شرکاء مقید باشد باینکه برخلاف قرارداد در صورت اول و خلاف معمول در صورت دوم عمل نکند که بنابراین معامله بعد در هر دو صورت باطل است.

مسئله ۲۱۶۱ - شریکی که با سرمایه شرکت معامله میکند اگر زیاده روی نماید و در نگهداری سرمایه کوتاهی نکند و اتفاقاً مقداری از آن با تمام آن تلف شود ضامن نیست.

مسئله ۲۱۶۲ - شریکی که با سرمایه شرکت معامله میکند اگر بگوید سرمایه تلف شده و پیش حاکم شرع قسم بخورد؛ باید حرف او را قبول کرد.

مسئله ۲۱۶۳ - اگر تمام شرکاء از اجازه ای که بتصرف در مال یکدیگر داده اند برگردند، هیچ کدام نمیتوانند در مال شرکت تصرف کنند و اگر یکی از آنان از اجازه خود برگردد؛ شرکای دیگر حق تصرف ندارند ولی کسیکه از اجازه خود برگشته، میتواند در مال شرکت تصرف کند.

مسئله ۲۱۶۴ - هر وقت یکی از شرکاء نفاذ کند که سرمایه شرکت را قسمت کنند، اگر چه شرکت مدت داشته باشد، باید دیگران قبول نمایند.

مسئله ۲۱۶۵ - اگر یکی از شرکاء بمیرد، یا دیوانه، یا بیهوش شود، شرکای

دیگر نمیتوانند در مال شرکت تصرف کنند و همچنین است اگر یکی از آنان سفیه شود یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نماید یا از جهت مفلس شدن بحکم حاکم شرع از تصرف در مالش ممنوع شود .

مسئله ۲۱۶۶ - اگر شریک ؛ چیزی را نسبه برای خود بخرد، نفع و ضررش مال خود اوست ولی اگر برای شرکت بخرد و شریک دیگر بگوید : بآن معامله راضی هستم ، نفع و ضررش مال هر دوی آنان است .

مسئله ۲۱۶۷ - اگر با سرمایه شرکت معامله ای کنند ، بعد بفهمند شرکت باطل بوده ، چنانچه طوری باشد که اگر میدانستند شرکت درست نیست، بتصرف در مال یکدیگر راضی بودند ؛ معامله صحیح است و هر چه از آن معامله پیداشود ؛ مال همه آنان است ، و اگر اینطور نباشد ، در صورتیکه کسانی که بتصرف دیگران راضی نبوده اند ، بگویند : بآن معامله راضی هستیم ، معامله صحیح و گرنه باطل میباشد و در هر صورت هر کدام آنان که برای شرکت کاری کرده است، اگر بقصد مجانی کار نکرده ، میتواند مزد زحمتهای خود را باندازه معمول از شرکای دیگر بگیرد بلی کاری که انجام داده اگر معامله فضولی باشد مزد ندارد اگر چه صاحب مال معامله را امضا نماید .

احکام صلح

مسئله ۲۱۶۸ - صلح آنست که انسان بادیگری سازش کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او کند ، یا از طلب یا حق خود بگذرد که او هم در عوض مقداری از مال ، یا منفعت مال خود را با او واگذار نماید ، یا از طلب ، یا حقی که دارد بگذرد ، بلکه اگر بدون آنکه عوض بگیرد مقداری از مال ، یا منفعت مال خود را بکسی واگذار کند ، یا از طلب یا حق خود بگذرد ، باز هم صلح صحیح است .

مسئله - ۲۱۶۹ - دوفری که چیزی را به یکدیگر صلح میکنند ، باید بالغ و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و قصد صلح داشته باشند و سفیه و ممنوع از تصرف در مال بحکم حاکم شرع بواسطه افلاس نباشند .

مسئله ۲۱۷۰ - لازم نیست صیغه صلح به عربی خوانده شود ، بلکه با هر لفظی که بفهماند با هم صلح و سازش کرده اند صحیح است .

مسئله ۲۱۷۱ - اگر کسی گوسفندهای خود را به چوپان بدهد که مثلاً یکسال نگهداری کند و از شیر آن استفاده نماید و مقداری روغن بدهد ، چنانچه شیر گوسفند را در مقابل زحمتهای چوپان و آن روغن صلح کند و قرار نگذارند که روغن حاصل از خود آن شیر باشد صحیح است . و نیز اگر گوسفند را یکسال به چوپان اجاره دهد که از شیر آن استفاده کند و در عوض ، مقداری روغن بدهد صحیح است .

مسئله ۲۱۷۲ - اگر کسی بخواهد طلب یا حق خود را بادیگری صلح کند در

صورتی صحیح است که او قبول نماید ولی اگر بخواهد از طلب یا حق خود بدون صلح بگذرد قبول کردن او لازم نیست .

مسئله ۲۱۷۳ - اگر انسان مقدار بدهی خود را بدانند و طلبکار او نداند، چنانچه طلبکار طلب خود را به کمتر از مقداری که هست صلح کند ، مثلاً پنجاه تومان طلبکار باشد و طلب خود را به ده تومان صلح نماید ، زیادی برای بدهکار حلال نیست ، مگر آنکه مقدار بدهی خود را باو بگوید و او اراضی کند یا طوری باشد که اگر مقدار طلب خود را میدانست ، باز هم بآن مقدار صلح میکرد .

مسئله ۲۱۷۴ - اگر بخواهند دو چیزی را که از یک جنس و وزن آنها معلوم است بیکدیگر صلح کنند ، باید وزن یکی بیشتر از دیگری نباشد ، بلکه اگر وزن آنها معلوم نباشد و احتمال دهند که وزن یکی بیشتر از دیگری است احتیاط آنستکه آنها را بیکدیگر صلح نکنند .

مسئله ۲۱۷۵ - اگر دو نفر از یک نفر طلبکار باشند یا دو نفر از دو نفر دیگر طلبکار باشند و بخواهند طلبهای خود را بیکدیگر صلح کنند ، چنانچه طلب آنان از یک جنس و وزن آنها یکی باشد مثلاً هر دو ده من گندم طلبکار باشند ، مصالحه صحیح است و همچنین است اگر جنس طلب آنان یکی نباشد مثلاً یکی ده من برنج و دیگری دوازده من گندم طلبکار باشد . ولی اگر طلب آنان از یک جنس و چیزی باشد که معمولاً با وزن یا پیمانۀ آنرا معامله میکنند ، در صورتیکه وزن یا پیمانۀ آنها مساوی نباشد ، مصالحۀ آنان باطل است .

مسئله ۲۱۷۶ - اگر از کسی طلبی دارد که باید بعد از مدتی بگیرد ، چنانچه طلب خود را بمقدار کمتری صلح کند و مقصودش این باشد که از مقداری از طلب خود گذشت کند و بقیه را نقد بگیرد اشکال ندارد .

مسئله ۲۱۷۷ - اگر دو نفر چیزی را باهم صلح کنند ، با رضایت یکدیگر میتوانند صلح را بهم بزنند و نیز اگر در ضمن معامله برای هر دو ؛ یا یکی از آنان

حق بهم زدن معامله را قرار داده باشند ، کسیکه آن حق را دارد میتواند صلح را بهم بزند .

مسئله ۲۱۷۸ - تا وقتی خریدار و فروشنده از مجلس معامله متفرق نشده‌اند میتواند معامله را بهم بزنند . و نیز اگر مشتری حیوانی را بخرد ، تاسه روز حق بهم زدن معامله را دارد . و همچنین اگر پول جنسی را که نقد خریده تاسه روز ندهد و جنس را تحویل نگیرد؛ فروشنده میتواند معامله را بهم بزند، ولی کسیکه مالی را صلح میکند در این سه صورت حق بهم زدن صلح را ندارد و در نه صورت دیگر که در احکام خرید و فروش گفته شد میتواند صلح را بهم بزند .

مسئله ۲۱۷۹ - اگر چیزی را که بصلح گرفته معیوب باشد ، میتواند صلح را بهم بزند، ولی اگر بخواهد تفاوت قیمت صحیح و معیوب را بگیرد اشکال دارد .

مسئله ۲۱۸۰ - هر گاه مال خود را بکسی صلح نماید و با او شرط کند که اگر بعد از مرگ وارثی نداشته‌م باید چیزی را که بتو صلح کردم وقف کنی و او هم این شرط را قبول کند، احتیاط آنستکه با اذن حاکم شرع بشرط عمل نماید .

احکام اجاره

مسئله ۲۱۸۱ - اجاره‌دهنده و کسیکه چیزی را اجاره می‌کند باید مکلف و عاقل باشند و با اختیار خودشان اجاره را انجام دهند و نیز باید در مال خود حق تصرف داشته باشند . پس سفیهی که مال خود را در کارهای بی‌هوده مصرف می‌کند چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید و کسی که از تصرف در مالش بحکم حاکم شرع ممنوع شده اگر چیزی را باموالیکه از تصرف در آنها ممنوع شده اجاره کند یا آن اموال را اجاره دهد صحیح نیست .

مسئله ۲۱۸۲ - انسان می‌تواند از طرف دیگری وکیل شود و مال او را اجاره دهد .

مسئله ۲۱۸۳ - اگر ولی ، یا قیم بچه مال او را با رعایت مصلحت او اجاره دهد ، یا خود او را اجیر نماید اشکال ندارد . و اگر مدتی از زمان بالغ شدن او را جزء مدت اجاره قرار دهد، بعد از آنکه بچه بالغ شد، نمیتواند بقیه اجاره را بهم بزند. و اگر پدر یا جد پدری مال صغیر را اجاره دهند مفسده نداشتن عمل آنها برای صغیر کافی در صحت اجاره است و رعایت مصلحت لازم نیست .

مسئله ۲۱۸۴ - بچه صغیری را که ولی ندارد بدون اجازه مجتهد نمیشود اجیر کرد و کسیکه به مجتهد دسترسی ندارد، میتواند از چند نفر مؤمن که عادل باشند؛ اجازه

بگیرد و او را اجیر نماید .

مسئله ۲۱۸۵ - اجاره دهنده و مستأجر لازم نیست صیغه عربی بخوانند، بلکه اگر مالك بكسى بگويد : ملك خود را بتو اجاره دادم و او بگوید : قبول کردم ، اجاره صحیح است . و نیز اگر حرفی نزنند و مالك بقصد اینکه ملك را اجاره دهد ، آنرا بمستأجر واگذار کند و او هم بقصد اجاره کردن بگیرد اجاره صحیح میباشد .

مسئله ۲۱۸۶ - اگر انسان بدون صیغه خواندن بخواند برای انجام عملی اجیر شود ، همینکه مشغول آن عمل شد اجاره صحیح است نسبت بآنچه عمل شده و پیش از تمام شدن عمل بیش از مال الاجاره مقداری را که عمل کرده نمیتواند مطالبه کند بلکه مالك شدن او هم نسبت بزائد محل تأمل است .

مسئله ۲۱۸۷ - کسیکه نمیتواند حرف بزند ، اگر با اشاره بفهماند که ملك را اجاره داده ، یا اجاره کرده صحیح است .

مسئله ۲۱۸۸ - اگر خانه یا دکان یا طاقی را اجاره کند و صاحب ملك با او شرط کند که فقط خود او از آن استفاده نماید ، مستأجر نمیتواند آنرا بدیگری اجاره دهد ، و اگر شرط نکند میتواند آنرا بدیگری اجاره دهد ولی اگر بخواند بزیرادتر از مقداری که اجاره کرده آنرا اجاره دهد ، بنابر احتیاط لازم باید در آن ، کاری مانند تعمیر و سفید کاری انجام داده باشد ، خواه بغیر جنسی که اجاره کرده آنرا اجاره دهد یا بهمان جنس .

مسئله ۲۱۸۹ - اگر اجیر با انسان شرط کند که فقط برای خود انسان کار کند ، نمیشود او را بدیگری اجاره داد و اگر شرط نکند بنابر احتیاط لازم باید بزیرادتر از آنچه که او را اجاره کرده اجاره ندهد خواه بهمان جنس یا بغیر جنسیکه اجاره کرد اجاره دهد .

مسئله ۲۱۹۰ - احتیاط لازم اجاره ندادن زمین و کشتی و آسیا است بزیرادتر از آنچه اجاره کرده ولی در غیر این سه چیز و غیر خانه و دکان و اجیر اگر چیز دیگری

را اجاره کند و مالك با او شرط نکند که فقط خودش استفاده نماید میتواند به بیشتر از مقداری که اجاره کرده اجاره دهد .

مسئله ۲۱۹۱ - اگر خانه یادگانی را مثلاً یکساله بصد تومان اجاره کند و از نصف آن خودش استفاده نماید ، میتواند نصف دیگر آن را بصد تومان اجاره دهد ولی اگر بخواهد نصف آن را به زیادت از مقداری که اجاره کرده مثلاً بصد ویست تومان اجاره دهد ، باید در آن ، کاری مانند تعبیر انجام داده باشد .

شرائط مالی که آن را اجاره میدهند

مسئله ۲۱۹۲ - مالی را که اجاره میدهند چند شرط دارد : اول - آنکه معین باشد ، پس اگر بگوید : یکی از خانه های خود را اجاره دادم درست نیست . دوم - مستأجر ؛ آن را ببیند ، با کسیکه آن را اجاره میدهد طوری خصوصیات آن را بگوید که کاملاً معلوم باشد . سوم - تحویل دادن آن ممکن باشد ، پس اجاره دادن اسیبی که فرار کرده باطل است . چهارم - آن مال بواسطه استفاده کردن از بین نرود ؛ پس اجاره دادن نان و میوه و خوردنیهای دیگر صحیح نیست . پنجم - استفاده ای که مال را برای آن ، اجاره داده اند ممکن باشد ، پس اجاره دادن زمین برای زراعت در صورتیکه آب باران کفایت آنرا نکند و از آب نهر هم مشروب نشود ، صحیح نیست . ششم - چیزی را که اجاره میدهد مال خود او باشد و اگر مال کس دیگر را اجاره دهد ، در صورتی صحیح است که صاحبش رضایت دهد .

مسئله ۲۱۹۳ - اجاره دادن درخت اگر عین میوه آنرا بعنوان منافع درخت نمیکند اشکال دارد اما اگر درخت را اجاره دهد بجهت انتفاع از آن بصرف میوه آن صحیح است .

مسئله ۲۱۹۴ - زن میتواند برای آنکه از شیرش استفاده کنند اجیر شود و لازم نیست از شوهر خود اجازه بگیرد ، ولی اگر بواسطه شیر دادن ، حق شوهر از بین برود ،

بدون اجازه او نمیتواند اجیر شود .

شرائط استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره می‌دهند

مسئله ۲۱۹۵- استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره می‌دهند چهار شرط دارد:

اول - آنکه حلال باشد، بنابراین اجاره دادن دکان برای شراب فروشی یا نگهداری شراب و کرایه دادن حیوان برای حمل و نقل شراب باطل است . دوم - پول دادن برای آن استفاده در نظر مردم بیهوده نباشد . سوم - اگر چیزی را که اجاره می‌دهند چند استفاده دارد ، استفاده‌ای را که مستأجر باید از آن ببرد معین نمایند مثلا اگر حیوانی را که سواری می‌دهد و بار می‌برد اجاره دهند؛ باید در موقع اجاره معین کنند که سواری یا بار بری آن ، مال مستأجر است یا همه استفاده‌های آن . چهارم - مدت استفاده را معین نمایند و اگر مدت معلوم نباشد ولی عمل را معین کنند مثلا باخیاط قرار بگذارند که لباس معینی را بطور مخصوصی بدوزد کافیست .

مسئله ۲۱۹۶- اگر ابتدای مدت اجاره را معین نکنند، ابتدای آن بعد از خواندن

صیغه اجاره است.

مسئله ۲۱۹۷- اگر خانه‌ای، را مثلا یکساله اجاره دهند و ابتدای آن را یک ماه بعد

از خواندن صیغه قرار دهند، اجاره صحیح است، اگر چه موقعی که صیغه می‌خوانند خانه در اجاره دیگری باشد .

مسئله ۲۱۹۸- اگر مدت اجاره را معلوم نکنند و بگویند: هر وقت در خانه نشستی

اجاره آن، ماهی ده تومان است ، اجاره صحیح نیست.

مسئله ۲۱۹۹- اگر بمستأجر بگویند: خانه را یک ماهه بده تومان بتو اجاره دادم

و بعد از آن هم هر قدر بنشیني اجاره آن ماهی ده تومان است و او هم بگوید: قبول کردم در صورتیکه ابتدای مدت اجاره را معین کنند یا ابتدای آن معلوم باشد ، اجاره ماه اول صحیح است.

مسئله ۲۲۰۰ - خانه‌ای را که غریب و زوار در آن منزل می‌کنند، معلوم نیست چقدر در آن می‌ماند، اگر قرار بگذارند که مثلاً شبی يك تومان بدهند و صاحب خانه راضی شود، استفاده از آن خانه اشکال ندارد. ولی چون مدت اجاره را معلوم نکرده‌اند اجاره صحیح نیست و صاحب خانه هر وقت بخواهد می‌تواند آنانرا بیرون کند.

مسائل متفرقه اجاره

مسئله ۲۲۰۱ - مالی را که مستأجر بابت اجاره می‌دهد باید معلوم باشد، پس اگر از چیزهایی است که مثل گندم با وزن معامله می‌کنند، باید وزن آن معلوم باشد و اگر از چیزهایی است که مثل تخم مرغ با شماره معامله می‌کنند، باید شماره آن معین باشد و اگر مثل اسب و گوسفند است، باید اجاره دهنده آنرا ببیند، یا مستأجر خصوصیات آنرا باو بگوید.

مسئله ۲۲۰۲ - اگر زمینی را برای زراعت جو، یا گندم اجاره دهد و مال الاجاره را جو، یا گندم همان زمین قرار دهد؛ اجاره صحیح نیست.

مسئله ۲۲۰۳ - کسیکه چیزی را اجاره داده، تا آن چیز را تحویل ندهد، حق ندارد اجاره آنرا مطالبه کند و نیز اگر برای انجام عملی اجیر شده باشد پیش از انجام عمل حق مطالبه اجرت ندارد مگر آنکه شرط کرده باشد یا معمول باشد که قبل از عمل اجرت را بدهند.

مسئله ۲۲۰۴ - هر گاه چیزی را که اجاره داده تحویل دهد، اگر چه مستأجر تحویل نگیرد، یا تحویل بگیرد و تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند، باید مال الاجاره آنرا بدهد.

مسئله ۲۲۰۵ - اگر انسان اجیر شود که در روز معینی کاری را انجام دهد و در آن روز برای انجام آن کار حاضر شود، کسیکه او را اجیر کرده اگر چه آن کار را

باو مراجعه نکند ، باید اجرت او را بدهد ، مثلاً اگر خیاطی را در روز معینی برای دوختن لباسی اجیر نماید و خیاط در آنروز آماده کار باشد ، اگر چه پارچه را باو ندهد که بدوزد ، باید اجرتش را بدهد چه خیاط بیکار باشد ، چه برای خودش یا دیگری کار کند .

مسئله ۲۲۰۶ - اگر بعد از تمام شدن مدت اجاره معلوم شود که اجاره باطل بوده ، مستأجر باید مال الاجاره را به مقدار معمول بصاحب ملك بدهد ، مثلاً اگر خانه ای را یکساله بصد تومان اجاره کند بعد بفهمد اجاره باطل بوده ، چنانچه اجاره آن خانه معمولاً پنجاه تومان است ، باید پنجاه تومان را بدهد و اگر دوپست تومان است ؛ باید دوپست تومان را بپردازد . و نیز اگر بعد از گذشتن مقداری از مدت اجاره معلوم شود که اجاره باطل بوده ، باید اجاره آن مدت را بمقدار معمول بصاحب ملك بدهد .

مسئله ۲۲۰۷ - اگر چیزی را که اجاره کرده از بین برود ، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده و در استفاده بردن از آن کم زیاده روی ننموده ضامن نیست . و نیز اگر مثلاً پارچه ای را که به خیاط داده از بین برود ، در صورتیکه خیاط برخلاف دستور او عمل نکرده و در نگهداری آن هم کوتاهی نکرده باشد ، نباید عوض آنرا بدهد .

مسئله ۲۲۰۸ - هر گاه صنعتگر چیزی را که گرفته ضایع کند ضامن است .

مسئله ۲۲۰۹ - اگر قصاب سر حیوانی را ببرد و آنرا حرام کند - چه مزد گرفته باشد ، چه مجانی سر بریده باشد - باید قیمت آنرا بصاحبش بدهد .

مسئله ۲۲۱۰ - اگر حیوانی را اجاره کند و معین نماید که چقدر بار بر آن بگذارد ، چنانچه بیشتر از آن مقدار بار کند و آن حیوان بمیرد یا معیوب شود ضامن است . و نیز اگر مقدار بار را معین نکرده باشد و بیشتر از معمول بار کند و حیوان تلف شود ، یا معیوب گردد ضامن میباشد .

مسئله ۲۲۱۱ - اگر حیوانی را برای بردن بار شکستی اجاره دهد ، چنانچه

آن حیوان بلغزد، یا رم کند و بار را بشکند؛ صاحب حیوان ضامن نیست. ولی اگر بواسطه خوردن و مانند آن کاری کند که حیوان زمین بخورد و بار را بشکند ضامن است.

مسئله ۲۲۱۲- اگر کسی بچه‌ای را ختنه کند و ضرری بآن بچه برسد، یا بمیرد چنانچه بیشتر از معمول بریده باشد ضامن است. و اگر بیشتر از معمول نبریده باشد اگر فقط ختنه باو رجوع شده باشد ضامن نیست و اما اگر تشخیص ضرر داشتن یا ضرر نداشتن را هم بمهده او گذاشته باشند جراح ضامن است.

مسئله ۲۲۱۳- اگر دکتربدست خود به مریض دوا بدهد، یا درد دوا مریض را باو بگوید و مریض دوا را بخورد، چنانچه در معالجه خطا کند و به مریض ضرری برسد یا بمیرد، دکتريضامن است ولی اگر فقط بگوید: فلان دوا برای فلان مرض فائده دارد و بواسطه خوردن دوا ضرری بمریض برسد یا بمیرد دکتريضامن نیست.

مسئله ۲۲۱۴- هرگاه دکتربه مریض یا ولی او بگوید: که اگر ضرری به مریض برسد ضامن نباشد، در صورتیکه دقت و احتیاط خود را بکنند و بمریض ضرری برسد یا بمیرد دکتريضامن نیست.

مسئله ۲۲۱۵- مستأجر و کسیکه چیزی را اجاره داده، با رضایت بکدیگر میتوانند معامله را بهم بزنند. و نیز اگر در اجاره شرط کنند که هر دو یا یکی از آنان حق بهم زدن معامله را داشته باشند، میتوانند مطابق قرارداد، اجاره را بهم بزنند.

مسئله ۲۲۱۶- اگر اجاره دهنده، یا مستأجر بفهمد که مغبون شده است، چنانچه در موقع خواندن صیغه ملتفت نباشد که مغبون است، میتواند اجاره را بهم بزند، ولی اگر در صیغه اجاره شرط کنند که اگر مغبون هم باشند حق بهم زدن معامله را نداشته باشند، نمیتوانند اجاره را بهم بزنند.

مسئله ۲۲۱۷- اگر چیزی را اجاره دهد و پیش از آنکه تحویل دهد کسی آنرا غصب نماید، مستأجر میتواند اجاره را بهم بزند و چیزی را که باجاره دهنده داده پس بگیرد، یا اجاره را بهم نزند و اجاره مدتی را که در تصرف غاصب برده بمیزان

معمول از او بگیرد، پس اگر حیوانی را يك ماهه بده تومان اجاره نماید و کسی آنرا ده روز غصب کند و اجاره معمولی ده روز آن پانزده تومان باشد، میتواند پانزده تومان را از غاصب بگیرد .

مسئله ۲۲۱۸ - اگر چیزی را که اجاره کرده تحویل بگیرد و بعد دیگری آنرا غصب کند ، نمیتواند اجاره را بهم بزند و فقط حق دارد کرایه آن چیز را به مقدار معمول از غاصب بگیرد .

مسئله ۲۲۱۹ - اگر پیش از آنکه اجاره تمام شود ، ملك را بمسأجر بفروشد چون حکم بباقی ماندن اجاره مشکل است . احتیاط لازم آنستکه در این صورت در اجاره مدتی که باقی مانده مسأجر و موجر باهم مصالحه نمایند ولی اگر آنرا بدیگری بفروشد اجاره بهم نمیخورد .

مسئله ۲۲۲۰ - اگر پیش از ابتدای مدت اجاره ؛ ملك بطوری خراب شود که هیچ قابل استفاده نباشد ، یا قابل استفاده ای که شرط کرده اند نباشد ، اجاره باطل میشود و پولی که مسأجر بصاحب ملك داده باو بر میگردد . بلکه اگر طوری باشد که بتواند استفاده مختصری هم از آن ببرد ، میتواند اجاره را بهم بزند .

مسئله ۲۲۲۱ - اگر ملكی را اجاره کند و بعد از گذشتن مقداری از مدت اجاره بطوری خراب شود که هیچ قابل استفاده نباشد یا قابل استفاده ای که شرط کرده اند نباشد ، اجاره مدتی که باقیمانده باطل میشود و اگر استفاده مختصری هم بتواند از آن ببرد ، میتواند اجاره مدت باقیمانده را بهم بزند .

مسئله ۲۲۲۲ - اگر خانه ای را که مثلا دو اطاق دارد اجاره دهد و يك اطاق آن خراب شود ، اگر هر يك از اطاقها جزء اجاره باشد اجاره نسبت باطاقی که خراب شده باطل میشود اگرچه فوراً آنرا بسازد و مسأجر میتواند اجاره باقیمانده را بهم بزند .

مسئله ۲۲۲۳ - اگر اجاره دهنده یا مسأجر بمیرد ، اجاره باطل نمیشود . ولی

اگر خانه مال اجاره دهنده نباشد مثلاً دیگری وصیت کرده باشد که تا او زنده است منفعت خانه مال او باشد ، چنانچه آن خانه را اجاره دهد و بیش از تمام شدن مدت اجاره بمیرد، از وقتی که مرده اجاره باطل است .

مسئله ۲۲۲۴ - اگر صاحب کار بنا را وکیل کند که برای او عمل بگیرد ، چنانچه بنا کمتر از مقداری که از صاحب کار میگیرد به عمل بدهد ؛ زیادی آن بر او حرام است و باید آن را به صاحب کار بدهد و نیز اگر اجیر شود که ساختمان را تمام کند و برای خود اختیار بگذارد که خودش بسازد، یا بدیگری بدهد در صورتیکه کمتر از مقداری که اجیر شده بدیگری بدهد ، زیادی آن برای او حرام میباشد .

مسئله ۲۲۲۵ - اگر رنگرز قرار بگذارد که مثلاً پارچه را بنیل رنگ کند ، چنانچه با رنگ دیگری رنگ نماید حق ندارد چیزی بگیرد .

احکام جعاله

مسئله ۲۲۲۶ - جعاله آنست که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که انجام میدهند مال معینی بدهد ، مثلاً بگوید هر کس گمشده مرا پیدا کند ، ده تومان باو میدهم و بکسیکه این قرار را میگذارد جاعل و بکسیکه کار را انجام میدهد عامل میگویند و فرق بین جعاله و اینکه کسی را برای کاری اجیر کنند ، این است که در اجاره بعد از خواندن صیغه ، اجیر باید عمل را انجام دهد و کسی هم که او را اجیر کرده اجرت را باو بدهکار میشود ، ولی در جعاله عامل میتواند مشغول عمل نشود و تا عمل را انجام ندهد؛ جاعل بدهکار نمیشود .

مسئله ۲۲۲۷ - جاعل باید بالغ و عاقل باشد و از روی قصد و اختیار قرار داد کند و شرعاً بتواند در مال خود تصرف نماید ، بنابراین جعالة آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف میکند و جعالة محجور نسبت باموالیکه شرعاً از تصرف در آنها ممنوع است صحیح نیست .

مسئله ۲۲۲۸ - کاری را که جاعل میگوید انجام دهند ، باید حرام یا بیفائده نباشد ، پس اگر بگوید هر کس شراب بخورد ، یا در شب بجای تاریکی برود ده تومان باو میدهم ، جعاله صحیح نیست .

مسئله ۲۲۲۹ - اگر مالی را که قرار میگذارد بدهد معین کند مثلاً بگوید : هر کس اسب مرا پیدا کند ، این گندم را باو میدهم ، لازم نیست بگوید : آن گندم مال

کجاست و قیمت آن چقدر است . ولی اگر مال را معین کند مثلاً بگوید : کسیکه اسب مرا پیدا کند ده من گندم باو میدهم ، باید خصوصیات آن را کاملاً معین نماید .

مسئله ۲۲۳۰- اگر جاعل مزد معینی برای کار قرار ندهد؛ مثلاً بگوید: هر کس بچه مرا پیدا کند پولی باو میدهم و مقدار آن را معین نکند ، چنانچه کسی آن عمل را انجام دهد ، باید مزد او را بمقداری که کار او در نظر مردم ارزش دارد بدهد .

مسئله ۲۲۳۱- اگر عامل پیش از قرارداد ، کار را انجام داده باشد ، یا بعد از قرارداد ، بقصد اینکه پول نگیرد انجام دهد ، حقی بمزد ندارد .

مسئله ۲۲۳۲- پیش از آنکه عامل شروع بکار کند ، جاعل و عامل میتوانند جماله را بهم بزنند .

مسئله ۲۲۳۳- بعد از آنکه عامل شروع بکار کرد ؛ اگر جاعل بخواهد جماله را بهم بزند اشکال دارد .

مسئله ۲۲۳۴- عامل میتواند عمل را ناتمام بگذارد ؛ ولی اگر تمام نکردن عمل اسباب ضرر جاعل شود ، باید آنرا تمام نماید . مثلاً اگر کسی بگوید : هر کس چشم مرا عمل کند فلان مقدار باو می‌دهم و دکتر جراحی شروع بعمل کند ، چنانچه طوری باشد که اگر عمل را تمام نکند ؛ چشم معیوب می‌شود ، باید آنرا تمام نماید و در صورتیکه ناتمام بگذارد ، حقی بجاعل ندارد و ضامن عیبی که حاصل میشود نیز میباشد .

مسئله ۲۲۳۵- اگر عامل کار را ناتمام بگذارد ، چنانچه آن کار مثل پیدا کردن اسب است که تا تمام نشود ، برای جاعل فائده ندارد ، عامل نمیتواند چیزی مطالبه کند و همچنین است اگر جاعل مزد را برای تمام کردن عمل قرار بگذارد مثلاً بگوید :

هر کس لباس مرا بدوزد ده تومان باو می‌دهم ، ولی اگر مقصودش این باشد که هر مقدار از عمل که انجام گیرد ، برای آن مقدار مزد بدهد ، جاعل باید مزد مقداری را که انجام شده به عامل بدهد ، اگر چه احتیاط اینست که بطور مصالحه يك ديگر را راضی نمایند .

احکام مزارعه

مسئله ۲۲۳۶ - مزارعه آنست که مالک با زارع باین قسم معامله کند که زمین را در اختیار او بگذارد ، تا زراعت کند و مقداری از حاصل آن را بمالک بدهد .

مسئله ۲۲۳۷ - مزارعه چند شرط دارد :

اول - مالک با زارع بگوید زمین را بنو واگذار کردم و زارع هم بگوید قبول کردم ، یا بسون اینکه حرفی بزنند مالک ، زمین را واگذار کند و زارع قبول نماید ؛ ولی در اینصورت تا زارع مشغول کار نشده مالک ، و زارع می تواند معامله را بهم بزنند .

دوم - مالک و زارع هر دو مکلف و عاقل باشند و با قصد و اختیار خود مزارعه را انجام دهند و سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند و اگر مزارعه مستلزم تصرف در مال باشد محجور نباشند .

سوم - مالک و زارع از تمام حاصل زمین ببرند ، پس اگر مثلاً شرط کنند که آنچه اول یا آخر میرسد ، مال یکی از آنان باشد مزارعه باطل است .

چهارم - سهم هر کدام نصف یا ثلث حاصلی و مانند اینها باشد پس اگر مالک بگوید در این زمین زراعت کن و هر چه میخواهی بمن بده صحیح نیست .

پنجم - مدتی را که باید زمین در اختیار زارع باشد معین کنند و باید مدت بقدری

باشد که در آن مدت بدست آمدن حاصل ممکن باشد .

ششم - زمین قابل زراعت باشد و اگر زراعت در آن ممکن نباشد؛ اما بتوانند کاری کنند که زراعت ممکن شود، مزارعه صحیح است.

هفتم - اگر منظور هر کدام آنان زراعت مخصوصی است؛ چیزی را که زارع باید بکارد معین کنند ولی اگر زراعت معینی را در نظر ندارند، یا زراعتی را که هر دو در نظر دارند معلوم است، لازم نیست آنرا معین نمایند.

هشتم - مالك، زمین را معین کند، پس کسیکه چند قطعه زمین دارد و باهم تفاوت دارند، اگر بزراع بگوید در یکی از این زمینها زراعت کن و آنرا معین نکند مزارعه باطل است.

نهم - خرجی را که هر کدام آنان باید بکنند معین نمایند ولی اگر خرجی را که هر کدام باید بکنند معلوم باشد، لازم نیست آنرا معین نمایند.

مسئله ۲۲۳۸ - احتیاط لازم آنستکه مالك با زارع شرط نکند که مقداری از حاصل برای او باشد و بقیه را بین خودشان قسمت کنند، هر چند بدانند که بعد از برداشتن آن مقدار، مقداری دیگر باقی میماند.

مسئله ۲۲۳۹ - اگر مدت مزارعه تمام شود و حاصل بدست نیاید، چنانچه مالك راضی شود که با اجاره یا بدون اجاره زراعت در زمین او بماند و زارع هم راضی شود مانعی ندارد و اگر مالك راضی نشود؛ میتواند زارع را وادار کند که زراعت را بچیند و اگر برای چیندن زراعت ضرری بزراع برسد لازم نیست عوض آنرا باو بدهد ولی زارع اگر چه راضی شود که بمالك چیزی بدهد، نمیتواند مالك را مجبور کند که زراعت در زمین بماند.

مسئله ۲۲۴۰ - اگر بواسطه پیش آمدی زراعت در زمین ممکن نباشد مثلاً آب از زمین قطع شود، مزارعه بهم میخورد و اگر زارع بدون عذر زراعت نکند، چنانچه زمین در تصرف او بوده و مالك در آن تصرفی نداشته است، باید اجاره آن مدت را بمقدار معمول بمالك بدهد.

مسئله ۲۲۴۱ - اگر مالك و زارع صیغه خوانده باشند، بدون رضایت یکدیگر نمیتوانند مزارعه را بهم بزنند و نیز اگر مالك بقصد مزارعه زمینی را بکسی واگذار کند، بعد از آنکه او مشغول عمل شد؛ جایز نیست بدون رضایت یکدیگر معامله را بهم بزنند، ولی اگر در ضمن خواندن صیغه مزارعه شرط کرده باشند که هر دو پایکی از آنان حق بهم زدن معامله را داشته باشند، میتوانند مطابق قراری که گذاشته اند معامله را بهم بزنند.

مسئله ۲۲۴۲ - اگر بعد از قرارداد مزارعه؛ مالك یا زارع بمیرد، مزارعه بهم نمیخورد و وارثان بجای آنان است، ولی اگر زارع بمیرد و شرط کرده باشند که خود زارع زراعت را انجام دهد، مزارعه بهم می خورد و چنانچه زراعت نمایان شده باشد باید سهم او را بورثه اش بدهند و حقوق دیگران هم که رارع داشته، ورثه او ارث میبرند ولی نمیتوانند مالك را مجبور کنند که زراعت در زمین باقی بماند.

مسئله ۲۲۴۳ - اگر بعد از زراعت بفهمند که مزارعه باطل بوده، چنانچه بذر مال مالك بوده حاصلی هم که بدست میآید مال اوست و باید اگر زارع با امر مالك کار کرده مالك مزد او و مخارجی را که کرده و کرایه گاو یا حیوان دیگری را که مال زارع بوده و در آن زمین کار کرده باو بدهد، و اگر بذر مال زارع بوده زراعت هم مال اوست و باید اجاره زمین را اگر زمین در دست زارع بوده و خرجهایی را که مالك با مزارع کرده و هم چنین کرایه گاو یا حیوان دیگری که مال مالك بوده و در آن زراعت کار کرده باو بدهد.

مسئله ۲۲۴۴ - اگر بذر مال زارع باشد و بعد از زراعت بفهمند که مزارعه باطل بوده؛ چنانچه مالك و زارع راضی شوند که با اجرت یا بی اجرت زراعت در زمین بماند اشکال ندارد و اگر مالك راضی نشود، پیش از رسیدن زراعت هم میتواند زارع را وادار کند که زراعت را بچیند، و زارع اگر چه راضی شود چیزی بمالك بدهد؛ نمیتواند او را مجبور کند که زراعت در زمین بماند و نیز مالك نمیتواند زارع را مجبور کند که اجاره

بدهد و زراعت را در زمین باقی بگذارد .

مسئله ۲۲۲۵- اگر بعد از جمع کردن حاصل و تمام شدن مدت مزارعه ریشه زراعت در زمین بماند و سال بعد دو مرتبه حاصل دهد ، چنانچه مالک و زارع از زراعت صرف نظر نکرده باشند ، حاصل سال دوم را هم باید مثل سال اول قسمت کنند اگر معمول باشد ، که از این حاصل بیشتر از يك سال استفاده کنند و اگر زائد بر يك سال معمول نباشد تمام حاصل سال دوم مال صاحب بنده است .

احکام مساقاة

مسئله ۲۲۴۶ - اگر انسان با کسی باین قسم معامله کند که درختهای میوه‌ای را که میوه آن مال خود اوست ، یا اختیار میوه‌های آن با اوست ، تا مدت معینی بآن کس واگذار کند که تربیت نماید و آب دهد و بمقداری که قرار میگذارند از میوه آن بردارد ، این معامله را مساقاة میگویند .

مسئله ۲۲۴۷ - معامله مساقاة در درختهایی که مثل بید و چنار میوه نمیدهد صحیح نیست و در مثل درخت حنا که از برگ آن استفاده میکنند صحت آن بعید نیست .
مسئله ۲۲۴۸ - در معامله مساقاة لازم نیست صیغه بخوانند بلکه اگر صاحب درخت بقصد مساقاة آنرا واگذار کند و کسیکه کار میکند به همین قصد مشغول کار شود ، معامله صحیح است .

مسئله ۲۲۴۹ - مالك و کسیکه تربیت درختها را بعهدہ میگیرد ، باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند ؛ یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند و نیز باید مالك ، از تصرف در مالش بحکم حاکم شرع ممنوع نباشد .

مسئله ۲۲۵۰ - مدت مساقاة باید معلوم باشد و اگر اول آنرا معین کنند و آخر آنرا موقعی قرار دهند که میوه آن سال بدست میآید و بحسب عادت آن موقع معلوم باشد صحیح است .

مسئله ۲۲۵۱- باید سهم هر کدام نصف یاثلث حاصل و مانند اینها باشد و اگر قرار بگذارند که مثلاً صدمن از میوه‌ها مالک و بقیه مال کسی باشد که کار میکند معامله باطل است .

مسئله ۲۲۵۲- باید قرار مساقاة را پیش از ظاهر شدن میوه بگذارند و اگر بعد از ظاهر شدن میوه و پیش از رسیدن آن قرار بگذارند پس اگر کاریکه باعث زیادتى میوه باشد ، باقی مانده باشد ؛ معامله صحیح است و گرنه اشکال دارد اگر چه احتیاج بکاری مانند چیدن میوه و نگهداری آن داشته باشد .

مسئله ۲۲۵۳- معامله مساقاة در بونه خربزه و خیار و مانند اینها صحیح نیست .

مسئله ۲۲۵۴- درختی که از آب باران یا رطوبت زمین استفاده میکند و بآبیاری احتیاج ندارد ، اگر بکارهای دیگر مانند بیل زدن و کود دادن برای زیاد شدن میوه محتاج باشد ، معامله مساقاة در آن صحیح است .

مسئله ۲۲۵۵- دو نفری که مساقاة کرده‌اند ، با رضایت یکدیگر میتوانند معامله را بهم بزنند . و نیز اگر در ضمن خواندن صیغه مساقاة شرط کنند که هر دو یا یکی از آنان حق بهم زدن معامله را داشته باشند ، مطابق قراری که گذاشته‌اند ؛ بهم زدن معامله اشکال ندارد ، بلکه اگر در معامله شرطی کنند و عملی نشود ؛ کسی که برای نفع او شرط کرده‌اند ، میتواند معامله را بهم بزند .

مسئله ۲۲۵۶- اگر مالک بمیرد ، معامله مساقاة بهم نمیخورد و ورثه‌اش بجای او هستند .

مسئله ۲۲۵۷- اگر کسیکه تربیت درختها با او اگذار شده بمیرد معامله مساقاة باطل نمیشود پس اگر در عقد شرط نکرده باشند که خودش آنها را تربیت کند ؛ ورثه‌اش بجای او هستند و چنانچه خودشان عمل را انجام ندهند و اجیر هم نگیرند ، حاکم شرع از مال میت اجیر میگیرد و حاصل را بین ورثه میت و مالک قسمت میکند و اگر شرط کرده باشند که خود او درختها را تربیت نماید مالک با مردن او میتواند معامله را فسخ

کند یا راضی شود که ورثه او یا کسیکه آنها اجیرش میکنند درختها را تربیت نماید بلی اگر عقد بر خصوص مساقاة بمباشرت واقع شده باشد بامردن او معامله باطل میشود. مسئله ۲۲۵۸- اگر شرط کند که تمام حاصل برای مالک باشد؛ مساقاة باطل است و میوه مال مالک میباشد و کسیکه کار میکند نمیتواند مطالبه اجرت نماید ولی اگر باطل بودن مساقاة به جهت دیگر باشد، اگر کسیکه درختها را تربیت کرده بامر مالک کار کرده باشد مزد کارش را از مالک طلبکار است.

مسئله ۲۲۵۹- اگر زمینی را بدیگری واگذار کند که در آن درخت بکار و آنچه عمل میآید مال هر دو باشد بنا بر احتیاط لازم معامله باطل است، پس اگر درختها مال صاحب زمین بوده، بعد از تربیت هم مال اوست و باید مزد کسیکه آنها را تربیت کرده اگر بامر او کار کرده بدهد و اگر مال کسی بوده که آنها را تربیت کرده، بعد از تربیت هم مال اوست و میتواند آنها را بکند ولی باید گودالهایی را که بواسطه کندن درختها پیدا شده پر کند و اجاره زمین را از روزی که درختها کاشته بصاحب زمین بدهد و مالک هم میتواند او را مجبور نماید که درختها را بکند و اگر بواسطه کندن درخت، عیبی در آن پیدا شود اگر مالک آنرا کند باشد، باید تفاوت قیمت آنرا بصاحب درخت بدهد، و هیچکدام نمیتواند دیگری را مجبور نماید که با اجاره یا بدون اجاره؛ درخت را در زمین باقی بگذارد.

کسانی که نمیتوانند در مال

خود تصرف کنند

مسئله ۲۲۶۰- بچه‌ای که بالغ نشده شرعاً نمیتواند در مال خود تصرف کند و نشانهٔ بالغ شدن در زن و مرد یکی از سه چیز است: اول - تمام شدن پانزده سال قمری در مرد و نه سال قمری در زن. دوم - روئیدن موی درشت زیر شکم بالای عورت. سوم - بیرون آمدن منی.

مسئله ۲۲۶۱- روئیدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل و درشت شدن صدا و مانند اینها نشانهٔ بالغ شدن نیست، مگر آنکه انسان بواسطهٔ اینها بیبالغ شدن یقین کند.

مسئله ۲۲۶۲- دیوانه و سفیه یعنی: کسیکه مال خود را در کارهای بیهوده مصرف میکنند و کسیکه بواسطهٔ افلاس حاکم شرع او را از تصرف در مالش منع کرده باشد نمیتوانند در مال خود تصرف نمایند.

مسئله ۲۲۶۳- کسیکه گاهی عاقل و گاهی دیوانه است، تصرفی که موقع دیوانگی در مال خود میکند صحیح نیست.

مسئله ۲۲۶۴- انسان میتواند در مرضی که بآن مرض از دنیا می‌رود، هر قدر از مال خود را بمصرف خود و عیال و مهمان و کارمائی که اسراف شمرده نمیشود برساند و نیز اگر مال خود را بقیمت بفروشد، یا اجاره دهد اشکال ندارد بلکه اگر مثلاً مال خود را بکسی ببخشد یا ارزانتر از قیمت بفروشد بنا بر اقوی تصرف او صحیح است اگر چه در تمام مال باشد و محتاج با اجازهٔ ورثه نیست.

احکام و کالت

و کالت آنستکه انسان کاری را که میتواند در آن دخالت کند ، بدیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد، مثلاً کسی را وکیل کند که خانه او را بفروشد یا زنی را برای او عقد نماید ، پس آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف میکند ، چون حق ندارد در مال خود تصرف کند و کسیکه حاکم شرع او را از تصرف در مالش منع کرده باشد نمیتواند برای فروش آن، کسی را وکیل نماید .

مسئله ۲۲۶۵- در وکالت لازم نیست صیغه بخوانند و اگر انسان بدیگری بفهماند که او را وکیل کرده و او هم بفهماند قبول نموده- مثلاً مال خود را بکسی بدهد که برای او بفروشد و او مال را بگیرد- و کالت صحیح است.

مسئله ۲۲۶۶- اگر انسان کسی را که در شهر دیگر است وکیل نماید و برای او وکالت نامه بفرستد و او قبول کند- اگر چه وکالت نامه بعد از مدتی برسد- و کالت صحیح است.

مسئله ۲۲۶۷- موکل یعنی کسیکه دیگری را وکیل میکند و نیز کسیکه وکیل می شود ، باید بالغ و عاقل باشند و از روی قصد و اختیار اقدام کنند.

مسئله ۲۲۶۸- کاری را که انسان نمیتواند انجام دهد، یا شرعاً نباید انجام دهد نمی تواند برای انجام آن از طرف دیگری وکیل شود، مثلاً کسیکه در احرام حج است ، چون نباید صیغه عقد زناشویی را بخواند نمیتواند برای خواندن صیغه از طرف دیگری

و کیل شود.

مسئله ۲۲۶۹ - اگر انسان کسی را برای انجام تمام کارهای خودش و کیل کند صحیح است، ولی اگر برای یکی از کارهای خود و کیل نماید و آن کار را معین نکند و کالت صحیح نیست .

مسئله ۲۲۷۰ - اگر وکیل را عزل کند یعنی از کار برکنار نماید، بعد از آنکه خبر باو رسید نمیتواند آن کار را انجام دهد؛ ولی اگر پیش از رسیدن خبر آن کار را انجام داده باشد صحیح است .

مسئله ۲۲۷۱ - وکیل میتواند از وکالت کناره گیری کند و اگر موکل غائب هم باشد اشکال ندارد.

مسئله ۲۲۷۲ - وکیل نمیتواند برای انجام کاریکه باو واگذار شده دیگری را وکیل نماید . ولی اگر موکل باو اجازه داده باشد که وکیل بگیرد ، بهر طوریکه باو دستور داده ، می تواند رفتار نماید، پس اگر گفته باشد برای من وکیل بگیر ، باید از طرف او وکیل بگیرد و نمی تواند کسی را از طرف خودش وکیل کند .

مسئله ۲۲۷۳ - اگر انسان با اجازه موکل خودش کسی را از طرف او وکیل کند نمی تواند آن وکیل را عزل نماید و اگر وکیل اول بمیرد ، یا موکل ، او را عزل کند و کالت دومی باطل نمیشود .

مسئله ۲۲۷۴ - اگر وکیل با اجازه موکل، کسی را از طرف خودش وکیل کند موکل و وکیل اول میتوانند آن وکیل را عزل کنند و اگر وکیل اول بمیرد، با عزل شود و کالت دومی باطل می شود .

مسئله ۲۲۷۵ - اگر چند نفر را برای انجام کاری وکیل کند و بآنها اجازه دهد که هر کدام به تنهایی در آن کار اقدام کنند ، هر يك از آنان می تواند آن کار را انجام دهد و چنانچه یکی از آنان بمیرد ؛ و کالت دیگران باطل نمیشود ، ولی اگر نگفته باشد که باهم یا به تنهایی انجام دهند ، یا گفته باشد که باهم انجام دهند ؛

نمی‌توانند به‌تنهایی اقدام نمایند و در صورتیکه یکی از آنان بمیرد، و کالت دیگران باطل می‌شود.

مسئله ۲۲۷۶- اگر وکیل یا موکل بمیرد، یا دیوانه، یا بیهوش شود، و کالت باطل می‌شود و نیز اگر چیزی که برای تصرف در آن وکیل شده است از بین برود مثلاً گوسفندی که برای فروش آن وکیل شده بمیرد، و کالت باطل می‌شود.

مسئله ۲۲۷۷- اگر انسان کسی را برای کاری وکیل کند و چیزی برای او قرار بگذارد، بعد از انجام آن کار، چیزی را که قرار گذاشته باید باو بدهد.

مسئله ۲۲۷۸- اگر وکیل در نگهداری مالی که در اختیار اوست کوتاهی نکند و غیر از تصرفی که باو اجازه داده‌اند، تصرف دیگری در آن ننماید و اتفاقاً آن مال از بین برود؛ نباید عوض آنرا بدهد.

مسئله ۲۲۷۹- اگر وکیل در نگهداری مالی که در اختیار اوست کوتاهی کند؛ یا غیر از تصرفی که باو اجازه داده‌اند تصرف دیگری در آن بنماید و آن مال از بین برود؛ ضامن است. پس اگر لباسی را که گفته‌اند بفروش، بپوشد و آن لباس تلف شود، باید عوض آنرا بدهد.

مسئله ۲۲۸۰- اگر وکیل غیر از تصرفی که باو اجازه داده‌اند، تصرف دیگری در مال بکند؛ مثلاً لباسی را که گفته‌اند بفروش، بپوشد و بعداً تصرفی را که باو اجازه داده‌اند بنماید، آن تصرف صحیح است.

احکام قرض

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در آیات قرآن و اخبار راجع بآن زیاد سفارش شده است ، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد مال او زیاد میشود و ملائکه بر او رحمت میفرستند و اگر بادهکار خود مدارا کند ، بدون حساب و بسرعت از صراط میگذرد و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد ، بهشت بر او حرام میشود .

مسئله ۲۲۸۱- در قرض لازم نیست صیغه بخوانند بلکه اگر چیزی رابه نیت قرض بکسی بدهد و او هم بهمین قصد بگیرد؛ صحیح است ولی مقدار آن باید کاملاً معلوم باشد .

مسئله ۲۲۸۲- اگر دین مدت نداشته باشد هر وقت بدهکار بدهی خود را بدهد طلبکار باید قبول نماید . و اگر مدت داشته باشد پیش از مدت بنا بر احتیاط باید قبول کند .

مسئله ۲۲۸۳- اگر در صیغه قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند ، احتیاط واجب آنست که طلبکار پیش از تمام شدن مدت طلب خود را مطالبه نکند ولی اگر مدت نداشته باشد طلبکار هر وقت بخواهد ، میتواند طلب خود را مطالبه نماید .

مسئله ۲۲۸۴- اگر طلبکار طلب خود را مطالبه کند ، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد باید فوراً آنرا بپردازد و اگر تأخیر بیندازد گناهکار است .

مسئله ۲۲۸۵ - اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در آن نشسته واثاثیه منزل و چیزهای دیگری که بآنها احتیاج دارد چیزی نداشته باشد طلبکار نمیتواند طلب خود را از او مطالبه نماید ، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد .

مسئله ۲۲۸۶ - کسیکه بدهکار است و نمیتواند بدهی خود را بدهد ، چنانچه بتواند کاسبی کند ، واجب است که کسب کند و بدهی خود را بدهد .

مسئله ۲۲۸۷ - کسیکه دسترسی به طلبکار خود ندارد ، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند ؛ باید با اجازه حاکم شرع طلب او را بفقییر بدهد . و اگر طلبکار او سید نباشد ، احتیاط واجب آنست که طلب او را بسید فقیر ندهد .

مسئله ۲۲۸۸ - اگر مال میت بیشتر از خرج واجب کفن و دفن و بدهی او نباشد باید ، الش را بهمین مصرفها برسانند و بوارث او چیزی نمیرسد .

مسئله ۲۲۸۹ - اگر کسی مقداری پول طلا یا نقره قرض کند و قیمت آن کم شود ، یا چند برابر گردد ، چنانچه همان مقدار را که گرفته پس دهد کافی است ولی اگر هردو بعیر آن راضی شوند اشکال ندارد .

مسئله ۲۲۹۰ - اگر مالی را که قرض کرده از بین نرفته باشد و صاحب مال ، آنرا مطالبه کند ، احتیاط مستحب آنست که بدهکار همان مال را باو بدهد .

مسئله ۲۲۹۱ - اگر کسیکه قرض میدهد شرط کند که زیادتز از مقداری که میدهد بگیرد ، مثلاً يك من گندم بدهد و شرط کند که يك من و پنج سیر بگیرد ، یا ده تخم مرغ بدهد که یازده تا بگیرد ، ربا و حرام است . بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری برای او انجام دهد ، یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس دهد مثلاً شرط کند که يك تومانی را که قرض کرده با يك کبریت پس دهد ، ربا و حرام است . و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می گیرد بطور مخصوصی پس دهد ؛ مثلاً مقداری طلای نساخته باو بدهد و شرط کند که ساخته پس بگیرد ، باز هم ربا و حرام می باشد . ولی اگر بدون این که شرط کند ؛ خود بدهکار زیادتز از آنچه قرض

کرده پس بدهد اشکال ندارد بلکه مستحب است.

مسئله ۲۲۹۲ - ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسیکه قرض ربائی گرفته مالک آن نمیشود و نمی تواند در آن تصرف کند . ولی چنانچه قرض دهنده با علم به بطلان قرض و مالک نشدن سود راضی بتصرف قرض گیرنده باشد بطوریکه رضایت او مبنی بر این معامله باطل نباشد تصرف قرض گیرنده در آن مال جائز است .

مسئله ۲۲۹۳ - اگر گندم ، یا چیزی مانند آنرا بطور قرض ربائی بگیرد و با آن زراعت کند ، حاصلی که از آن بدست می آید مال قرض دهنده است.

مسئله ۲۲۹۴ - اگر لباسی را بدمه بخرد و بعد از پولی که بقرض ربائی گرفته ، یا از پول حلالی که مخلوط باربا است بصاحب لباس بدهد ، پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن اشکال ندارد . ولی اگر بفروشنده بگوید که این لباس را با این پول میخرم ، پوشیدن آن لباس حرام است و اگر بداند پوشیدن آن حرام است نماز هم با آن باطل میباشد .

مسئله ۲۲۹۵ - اگر انسان مقداری پول بناجر بدهد که در شهر دیگر از طرف او کمتر بگیرد ، اشکال ندارد و این را صرف برات میگویند .

مسئله ۲۲۹۶ - اگر مقداری پول بکسی بدهد که بعد از چند روز در شهر دیگر زیادتر بگیرد ، مثلاً نهصد و نود تومان بدهد که بعد از ده روز در شهر دیگر هزار تومان بگیرد و حرام است ، ولی اگر کسیکه زیادی را می گیرد در مقابل زیادی ، جنس بدهد یا عملی انجام دهد اشکال ندارد .

مسئله ۲۲۹۷ - اگر در مقابل طلبی که از کسی دارد سفته یا براتی داشته باشد و بخواهد طلب خود را پیش از وعده آن بکسر از آن بفروشد اشکال ندارد .

احکام حواله دادن

مسئله ۲۲۹۸ - اگر انسان طلبکار خود را حواله دهد که طلبش را از دیگری بگیرد و طلبکار و آند دیگری قبول نمایند، کسیکه باو حواله شده بدهکار می شود ؛ و دیگر طلبکار نمی تواند از بدهکار اولی مطالبه نماید .

مسئله ۲۲۹۹ - بدهکار و طلبکار و کسیکه باو حواله شده ، باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنانرا مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند ، یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند و هم چنین باید محجور نباشند ولی اگر حواله بر کسیکه مدیون نیست داده شود در حواله دهنده و کسیکه باو حواله شده محجور نبودن شرط نیست .

مسئله ۲۳۰۰ - حواله در صورتی صحیح است که کسیکه سر او حواله میشود قبول نماید اگر چه بدهکار باشد و همان جنس بدهی او را باو حواله دهند .

مسئله ۲۳۰۱ - موقعی که انسان حواله میدهد باید بدهکار باشد ، پس اگر بخواهد از کسی قرض کند ، تا وقتی از او قرض نکرده نمیتواند او را بکسی حواله دهد که آنچه را بعداً قرض میدهد از آنکس بگیرد .

مسئله ۲۳۰۲ - حواله دهنده و طلبکار باید مقدار حواله و جنس آنرا بدانند پس اگر مثلاً ده من گندم و ده تومان پول بیک نفر بدهکار باشد و باو بگوید یکی از دو طلب خود را از فلانی بگیر و آنرا معین نکند ، حواله درست نیست .

مسئله ۲۳۰۳ - اگر بدهی واقعاً معین باشد ولی بدهکار و طلبکار در موقع حواله

دادن ، مقدار آن یا جنس را ندانند حواله صحیح است مثلاً اگر طلب کسی را در دفتر نوشته باشد و پیش از دیدن دفتر حواله بدهد و بعد دفتر را ببیند و بطلبکار مقدار طلبش را بگوید حواله صحیح میباشد .

مسئله ۲۳۰۴ - طلبکار میتواند حواله را قبول نکند، اگر چه کسیکه باو حواله شده فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی ننماید .

مسئله ۲۳۰۵ - اگر سر کسی حواله بدهد که بدهکار نیست، چنانچه او حواله را قبول کند ، پیش از پرداختن حواله نمیتواند مقدار حواله را از حواله دهنده بگیرد ولی اگر طلبکار طلب خود را بمقدار کمتری صلح کند ؛ کسیکه حواله را قبول کرده میتواند تمام مقدار حواله شده را از حواله دهنده مطالبه نماید .

مسئله ۲۳۰۶ - بعد از آنکه حواله درست شد ، حواله دهنده و کسیکه به او حواله شده ؛ ، نمیتوانند حواله را بهم بزنند و هر گاه کسیکه باو حواله شده در موقع حواله فقیر نباشد ؛ اگر چه بعداً فقیر شود ، طلبکار هم نمیتواند حواله را بهم بزند و همچنین است اگر موقع حواله فقیر باشد و طلبکار بداند فقیر است ، ولی اگر نداند فقیر است و بعد بفهمد ، اگر چه در آنوقت مالدار شده باشد ؛ طلبکار میتواند حواله را بهم بزند و طلب خود را از حواله دهنده بگیرد .

مسئله ۲۳۰۷ - اگر بدهکار و طلبکار و کسیکه باو حواله شده ، یا یکی از آنان برای خود حق بهم زدن حواله را قرار دهند ، مطابق قراری که گذاشته اند ، میتوانند حواله را بهم بزنند .

مسئله ۲۳۰۸ - اگر حواله دهنده خودش طلب طلبکار را بدهد، چنانچه بخواهد کسیکه باو حواله شده داده است، میتواند چیزی را که داده از او بگیرد و اگر بدون خواهش او داده، نمیتواند چیزی را که داده از او مطالبه نماید .

احکام رهن

مسئله ۲۳۰۹ - رهن آنستکه بدهکار مقداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد که اگر طلب او را ندهد طلبش را از آن مال بدست آورد .

مسئله ۲۳۱۰ - در رهن لازم نیست صیغه بخوانند و همین قدر که بدهکار مال خود را بقصد گرو بطلبکار بدهد و طلبکار هم بهمین قصد بگيرد رهن صحیح است .

مسئله ۲۳۱۱ - گرو دهنده و کسیکه مال را گرو میگیرد باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنان را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند و هم چنین باید از طرف حاکم شرع از تصرف در مالش ممنوع نباشد .

مسئله ۲۳۱۲ - انسان مالی را میتواند گرو بگذارد که شرعاً بتواند در آن تصرف کند و اگر مال کسی دیگر را گرو بگذارد، در صورتی صحیح است که صاحب مال بگوید به گرو گذاشتن راضی هستم .

مسئله ۲۳۱۳ - چیزی را که گرو میگذارند، باید خرید و فروش آن صحیح باشد پس اگر شراب و مانند آنرا گرو بگذارند درست نیست .

مسئله ۲۳۱۴ - استفاده چیزی را که گرو میگذارند، مال صاحب آن است .

مسئله ۲۳۱۵ - طلبکار و بدهکار نمیتوانند مالی را که گرو گذاشته شده، بدون

اجازه یکدیگر ملك کسی کنند ، مثلاً بیخشند یا بفروشند. ولی اگر مالك آنرا بیخشند

- یا بفروشد ، بعد طلبکار بگوید راضی هستم اشکال ندارد .
- مسئله ۲۳۱۶ - اگر طلبکار چیزی را که گرو برداشته با اجازه بدهکار بفروشد پول آن هم مثل خود مال، گرو می باشد .
- مسئله ۲۳۱۷ - اگر موقعی که باید بدهی خود را بدهد طلبکار مطالبه کند و او ندهد ، طلبکار میتواند مالی را که گرو برداشته بفروشد و طلب خود را بردارد و باید بقیه را بدهکار بدهد ، ولی اگر بحاکم شرع دسترسی دارد ، باید برای فروش آن از حاکم شرع بنا بر احتیاط لازم اجازه بگیرد .
- مسئله ۲۳۱۸ - اگر بدهکار غیر از خانه ای که در آن نشسته و چیزهایی که مانند اثاثیه خانه محل احتیاج او است ، چیز دیگری نداشته باشد ، طلبکار نمیتواند طلب خود را از او مطالبه کند ولی اگر مالی را که گرو گذاشته خانه و اثاثیه هم باشد ، طلبکار میتواند بفروشد و طلب خود را بردارد .

احکام ضامن شدن

- مسئله ۲۳۱۹ - اگر انسان بخواهد ضامن شود که بدهی کسی را بدهد ، ضامن شدن او در صورتی صحیح است که بهر لفظی اگر چه عربی نباشد بطلبکار بگوید که من ضامن شده ام طلب تو را بدهم و طلبکار هم رضایت خود را بفهماند ، ولی راضی بودن بدهکار شرط نیست .
- مسئله ۲۳۲۰ - ضامن و طلبکار باید مکلف و عاقل باشند و کسی هم آنان را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند یعنی مال خود را در کار های بیهوده مصرف نکنند و طلب کار از تصرف در مالش شرعاً ممنوع نباشد ولی این شرطها در بدهکار نیست مثلاً اگر کسی ضامن شود که بدهی بچه یا دیوانه را بدهد صحیح است .
- مسئله ۲۳۲۱ - هر گاه برای ضامن شدن خودش شرطی قرار دهد ، مثلاً بگوید

اگر بدهکار فرض نورا ندادن میدهم ضامن شدن او باطل است.

مسئله ۲۳۲۲- کسیکه انسان ضامن بدهی او میشود باید بدهکار باشد؛ پس اگر کسی بخواهد از دیگری قرض کند، تا وقتی قرض نکرده؛ انسان نمیتواند ضامن او شود.

مسئله ۲۳۲۳- در صورتی انسان میتواند ضامن شود که طلبکار و بدهکار و جنس بدهی همه معین باشد، پس اگر دونفر از کسی طلبکار باشند و انسان بگوید من ضامن هستم که طلب یکی از شماها را بدهم، چون معین نکرده که طلب کدام را میدهد، ضامن شدن او باطل است. و نیز اگر کسی از دونفر طلبکار باشد و انسان بگوید من ضامن هستم که طلب یکی از آن دونفر را بدهم، چون معین نکرده که بدهی کدام را میدهد، ضامن شدن او باطل میباشد. و همچنین اگر کسی از دیگری مثلاً من گندم و ده تومان پول طلبکار باشد و انسان بگوید من ضامن یکی از دو طلب تو هستم و معین نکند که ضامن گندم است یا ضامن پول، صحیح نیست.

مسئله ۲۳۲۴- اگر طلبکار ذمه ضامن را بریء کند، ضامن نمیتواند از بدهکار چیزی بگیرد و اگر از مقداری بریء کند؛ نمیتواند آن مقدار را مطالبه نماید.

مسئله ۲۳۲۵- اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را بدهد، نمیتواند از ضامن شدن خود برگردد.

مسئله ۲۳۲۶- ضامن و طلبکار میتوانند شرط کنند که هر وقت بخواهند ضامن بودن ضامن را بهم بزنند.

مسئله ۲۳۲۷- هرگاه انسان در موقع ضامن شدن؛ بتواند طلب طلبکار را بدهد اگر چه بعد فقیر شود، طلبکار نمیتواند ضامن بودن او را بهم بزند و طلب خود را از بدهکار اول مطالبه نماید و همچنین است اگر در آن موقع نتواند طلب او را بدهد ولی طلبکار بداند و به ضامن شدن او راضی شود.

مسئله ۲۳۲۸- اگر انسان در موقعی که ضامن میشود، نتواند طلب طلبکار را بدهد و طلبکار در آنوقت نداند و بعد ملتفت شود، میتواند ضامن بودن او را بهم بزند اگر چه پیش از آنکه طلبکار ملتفت شود، ضامن قدرت پیدا کرده باشد.

مسئله ۲۳۲۹- اگر کسی بدون اجازه بدهکار ضامن شود که بدهی او را بدهد؛ نمیتواند چیزی از او بگیرد.

مسئله ۲۳۳۰- اگر کسی با اجازه بدهکار ضامن شود که بدهی او را بدهد، میتواند مقداری را که ضامن شده پس از پرداخت آن از او مطالبه نماید، ولی اگر بجای جنسی که بدهکار بوده جنس دیگری بطلبکار او بدهد، نمیتواند چیزی را که داده از او مطالبه نماید مثلاً اگر ده من گندم بدهکار باشد و ضامن، ده من برنج بدهد، نمیتواند برنج را از او مطالبه نماید، اما اگر خودش راضی شود که برنج بدهد اشکال ندارد.

احکام کفالت

مسئله ۲۳۳۱- کفالت آنست که انسان ضامن شود که هر وقت طلبکار بدهکار را خواست، بدست او بدهد و بکسیکه اینطور ضامن میشود کفیل میگویند.

مسئله ۲۳۳۲- کفالت در صورتی صحیح است که کفیل بهر لفظی اگر چه عربی نباشد بطلبکار بگوید که من ضامنم هر وقت بدهکار خود را بخواهی بدست تو بدهم و طلبکار هم قبول نماید.

مسئله ۲۳۳۳- کفیل باید مکلف و عاقل باشد و او را در کفالت مجبور نکرده باشند و بتواند کسی را که کفیل او شده حاضر نماید.

مسئله ۲۳۳۴- یکی از پنج چیز، کفالت را بهم میزند: اول- کفیل، بدهکار را بدست طلبکار بدهد. دوم- طلب طلبکار داده شود. سوم- طلبکار از طلب خود بگذرد. چهارم- بدهکار بمبرد. پنجم- طلبکار کفیل را از کفالت آزاد کند.

مسئله ۲۳۳۵- اگر کسی بزور بدهکار را از دست طلبکار رها کند، چنانچه طلبکار دسترسی باو نداشته باشد؛ کسی که بدهکار را رها کرده؛ باید او را بدست طلبکار بدهد و یا طلب طلبکار را بپردازد.

احکام و دیعه (امانت)

مسئله ۲۳۳۶- اگر انسان مال خود را بکسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند یا بدون اینکه حرفی بزنند صاحب مال بفهماند که مال را برای نگهداری باو میدهد و او هم بقصد نگهداری کردن بگیری، باید با احکام و دیعه و امانت داری که بعداً گفته میشود عمل نماید.

مسئله ۲۳۳۷- امانت دار و کسیکه مال را امانت می‌گذارد، باید هر دو بالغ و عاقل باشند، پس اگر انسان مالی را پیش بچه یا دیوانه امانت بگذارد؛ یا دیوانه و بچه مالی را پیش کسی امانت بگذارند صحیح نیست.

مسئله ۲۳۳۸- اگر از بچه یا دیوانه چیزی را بطور امانت قبول کند، باید آن را بصاحبش بدهد و اگر آن چیز مال خود بچه یا دیوانه است بولی او برساند و چنانچه پیش از آنکه بصاحبش یا بولی طفل برساند تلف شود، باید عوض آن را بدهد مگر آنکه بقصد حفظ و رساندن بآنان گرفته باشد که اگر در رساندن مال بآنان کوتاهی نکرده باشد ضامن نیست.

مسئله ۲۳۳۹- کسیکه نمیتواند امانت را نگهداری نماید؛ جایز نیست امانت را قبول کند مگر آنکه حال خود را بصاحب مال اظهار دارد.

مسئله ۲۳۴۰- اگر انسان بصاحب مال بفهماند که برای نگهداری مال او حاضر نیست، چنانچه او مال را بگذارد و برود و آن مال تلف شود، کسیکه امانت را قبول

نکرده ضامن نیست ، ولی احتیاط مستحب آنستکه اگر ممکن باشد آنرا نگهداری نماید .

مسئله ۲۳۴۱- کسیکه چیزی را امانت می گذارد ، هر وقت بخواهد میتواند آنرا پس بگیرد و کسی هم که امانت را قبول میکند ، هر وقت بخواهد میتواند آنرا بصاحبش برگرداند .

مسئله ۲۳۴۲- اگر انسان از نگهداری امانت منصرف شود و دبیعه را بهم بزند ، باید هر چه زودتر مال را بصاحب آن یا وکیل یا ولی صاحبش برساند ؛ یا بآنان خبر دهد که به نگهداری حاضر نیست و اگر بدون عذر ، مال را بآنان نرساند و خبر هم ندهد ؛ چنانچه مال تلف شود ، باید عوض آنرا بدهد .

مسئله ۲۳۴۳- کسیکه امانت را قبول میکند ؛ اگر برای آن ، جای مناسبی ندارد ، باید جای مناسب تهیه نماید و طوری آنرا نگهداری کند که مردم نگویند: در امانت خیانت کرده و در نگهداری آن کوتاهی نموده است و اگر در جائیکه مناسب نیست بگذارد و تلف شود ، باید عوض آنرا بدهد .

مسئله ۲۳۴۴- کسیکه امانت را قبول میکند ، اگر در نگهداری آن کوتاهی نکند و تعدی یعنی زیاده روی هم ننماید و اتفاقاً آن مال تلف شود ، ضامن نیست . ولی اگر آن را در جائی بگذارد که گمان میرود ظالمی بفهمد و آن را ببرد ، چنانچه تلف شود باید عوض آن را بصاحبش بدهد .

مسئله ۲۳۴۵- اگر صاحب مال برای نگهداری مال خود جائی را معین کند و بکسیکه امانت را قبول کرده بگوید: که باید مال را در اینجا حفظ کنی و اگر احتمال هم بدهی که از بین برود ، نباید آنرا بجای دیگر ببری ، چنانچه امانت دار احتمال بدهد که در آنجا از بین برود و بداند چون آنجا در نظر صاحب مال برای حفظ بهتر بوده گفته است که نباید از آنجا بیرون ببری ، میتواند آنرا بجای دیگر که بنظر خودش برای حفظ بهتر باشد ببرد و اگر در آنجا ببرد و تلف شود ضامن نیست . ولی اگر نداند بچه

جهت گفته که بجای دیگر نبرد چنانچه بجای دیگر برود و تلف شود، واجب است که عوض آنرا بدهد.

مسئله ۲۳۴۶ - اگر صاحب مال برای نگهداری مال خود جانی را معین کند ولی بکسیکه امانت را قبول کرده نگوید که آنرا بجای دیگر نبرد، چنانچه امانت دار احتمال دهد که در آنجا از بین برود، میتواند آن را بجای دیگری که مالدار آنجا محفوظتر است برود و چنانچه مال در آنجا تلف شود ضامن نیست.

مسئله ۲۳۴۷ - اگر صاحب مال دیوانه شود، کسیکه امانت را قبول کرده باید فوراً امانت را بولی او برساند و یا بولی او خبر دهد و اگر بدون عذر شرعی مال را بولی او ندهد و از خبر دادن هم کوتاهی کند و مال تلف شود، باید عوض آنرا بدهد.

مسئله ۲۳۴۸ - اگر صاحب مال بمیرد، امانت دار باید مال را بوارث او برساند، یا بوارث او خبر دهد و چنانچه مال را بوارث او ندهد و از خبر دادن هم کوتاهی کند و مال تلف شود ضامن است، ولی اگر برای آنکه میخواهد بفهمد کسیکه میگوید من وارث می‌توانم است میگوید یانه، یا میت وارث دیگری دارد یانه، مال را ندهد و از خبر دادن هم کوتاهی کند و مال تلف شود ضامن نیست.

مسئله ۲۳۴۹ - اگر صاحب مال بمیرد و چند وارث داشته باشد، کسیکه امانت را قبول کرده باید مال را بهمئورثه بدهد، یا بکسی بدهد که همه آنان گرفتن مال را باو واگذار کرده اند. پس اگر بدون اجازه دیگران تمام مال را بیکى از ورثه بدهد ضامن سهم دیگران است.

مسئله ۲۳۵۰ - اگر کسیکه امانت را قبول کرده بمیرد، یا دیوانه شود، هر کس که امانت در پیش او باشد باید هر چه زودتر آنرا بصاحبش برساند.

مسئله ۲۳۵۱ - اگر امانت دار نشانه‌های مرگ را در خود ببیند، چنانچه ممکن است؛ باید امانت را بصاحب آن یا وکیل او برساند و اگر ممکن نیست باید آنرا به حاکم شرع بدهد و چنانچه بحاکم شرع دسترسی ندارد، در صورتیکه وارث او امین است و

از امانت اطلاع دارد ، لازم نیست وصیت کند و گرنه باید وصیت کند و شاهد بگیرد و بوصی و شاهد اسم صاحب مال و جسد و خصوصیات مال و محل آنرا بگوید .

مسئله ۲۳۵۲ - اگر امانت دار نشانه‌های مرگ را در خود ببیند و بوظیفه‌ای که در مسئله پیش گفته شد عمل نکند ، چنانچه آن امانت از بین برود ، باید بنا بر احتیاط لازم عوضش را بدهد؛ اگر چه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد و مرض او خوب شود ، یا بعد از مدتی پشیمان شود و وصیت کند .

احکام عاریه

مسئله ۲۳۵۳- عاریه آنست که انسان مال خود را بدیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض ؛ چیزی هم از او نگیرد .

مسئله ۲۳۵۴- لازم نیست در عاریه صیغه بخوانند، و اگر مثلاً لباس را بقصد عاریه بکسی بدهد و او بهمین قصد بگیرد عاریه صحیح است .

مسئله ۲۳۵۵- عاریه دادن چیز غصبی و چیزی که مال انسان است ولی منفعت آنرا بدیگری واگذار کرده مثلاً آنرا اجاره داده در صورتی صحیح است که مالک چیز غصبی یا کسیکه آن چیز را اجاره کرده، بگوید: بعاریه دادن راضی هستم .

مسئله ۲۳۵۶- چیزی را که منفعتش مال انسان است مثلاً آنرا اجاره کرده ، میتواند عاریه بدهد . ولی اگر در اجاره شرط کرده باشند که خودش از آن استفاده کند ، نمیتواند آنرا بدیگری عاریه دهد .

مسئله ۲۳۵۷- اگر دیوانه و بچه مال خود را عاریه بدهند صحیح نیست ، اما اگر ولی بچه مصلحت بداند که مال او را عاریه دهد و بچه آن مال را بدستور ولی بعاریه کننده برساند اشکال ندارد .

مسئله ۲۳۵۸- اگر در نگهداری چیزی که عاریه کرده کوتاهی نکند و در استفاده از آن هم زیاده روی ننماید و اتفاقاً آن چیز تلف شود ضامن نیست، ولی چنانچه شرط کنند که اگر تلف شود عاریه کننده ضامن باشد ، یا چیزی را که عاریه کرده طلا و نقره باشد،

باید عوض آنرا بدهد .

مسئله ۲۳۵۹- اگر طلا و نقره را عاریه نماید و شرط کند که اگر تلف شود ضامن نباشد ، صحت آن شرط ، اشکال دارد ولی شرط سقوط یا اسقاط مافی الذمه مانعی ندارد .

مسئله ۲۳۶۰- اگر عاریه دهنده بمیرد ، عاریه گیرنده باید چیزی را که عاریه کرده بورثه او بدهد .

مسئله ۲۳۶۱- اگر عاریه دهنده طوری شود که شرعاً نتواند در مال خود تصرف کند مثلاً دیوانه شود ، عاریه کننده باید مالی را که عاریه کرده بولی او بدهد .

مسئله ۲۳۶۲- کسی که چیزی را عاریه داده هر وقت بخواهد میتواند آنرا پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده هر وقت بخواهد میتواند آنرا پس دهد .

مسئله ۲۳۶۳- عاریه دادن چیزی که استفاده حلال ندارد مثل ظرف طلا و نقره باطل است .

مسئله ۲۳۶۴- عاریه دادن گوسفند برای استفاده از شیر و پشم آن و عاریه دادن حیوان نر برای آبستن کردن حیوان ماده صحیح است .

مسئله ۲۳۶۵- اگر چیزی را که عاریه کرده بمالك ؛ یا وکیل ، یا ولی او بدهد و بعد آن چیز تلف شود ، عاریه کننده ضامن نیست ولی اگر بدون اجازه صاحب مال ، یا وکیل ، یا ولی او بجائی برود که صاحبش معمولاً بآنجا می برده مثلاً اسب را در اصطبلی که صاحبش برای آن درست کرده ببندد و بعد تلف شود ، یا کسی آنرا تلف کند ضامن است .

مسئله ۲۳۶۶- اگر چیز نجس را برای کاری که شرط آن پاکی است عاریه دهد مثلاً لباس را عاریه دهد که با آن نماز بخوانند ، بنا بر احتیاط واجب باید نجس بودن آنرا بکسی که عاریه میکند بگوید .

مسئله ۲۳۶۷- چیزی را که عاریه کرده بدون اجازه صاحب آن نمیتواند بدیگری

اجاره یا عاریه دهد .

مسئله ۲۳۶۸- اگر چیزی را که عاریه کرده با اجازه صاحب آن بدیگری عاریه دهد، چنانچه کسیکه اول آن چیز را عاریه کرده بمیرد یا دیوانه شود عاریه دومی باطل نمیشود .

مسئله ۲۳۶۹- اگر بداند مالی را که عاریه کرده غصبی است، باید آنرا بصاحبش برساند و نمیتواند بعاریه دهنده بدهد .

مسئله ۲۳۷۰- اگر مالی را که میداند غصبی است عاریه کند و از آن استفاده ای برود در دست او از بین برود؛ مالک میتواند عوض مال و عوض استفاده ای را که عاریه کننده برده ، از او یا از کسیکه مال را غصب کرده مطالبه کند و اگر از عاریه کننده بگیرد، او نمیتواند چیزی را که بمالک میدهد از عاریه دهنده مطالبه نماید .

مسئله ۲۳۷۱- اگر نداند مالی را که عاریه کرده غصبی است و در دست او از بین برود ، چنانچه صاحب مال عوض آنرا از او بگیرد ، او هم میتواند آنچه را بصاحب مال داده از عاریه دهنده مطالبه نماید ولی اگر چیزی را که عاریه کرده طلا و نقره باشد یا عاریه دهنده با او شرط کرده باشد که اگر آن چیز از بین برود عوضش را بدهد، نمیتواند چیزی را که بصاحب مال میدهد ، از عاریه دهنده مطالبه نماید .

احکام نکاح یا ازدواج

وزناشوئی

بواسطه عقد ازدواج ، زن بمرد حلال میشود و آن بر دو قسم است : دائم و غیر دائم . عقد دائم آنستکه مدت زناشوئی در آن معین نشود و زنی را که باین قسم عقد میکنند دائمه گویند و عقد غیر دائم آنست که مدت زناشوئی در آن معین شود ، مثلاً زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یکماه یا یکسال یا بیشتر عقد نمایند و زنی را که باین قسم عقد کنند متعه و صیغه مینامند .

احکام عقد

مسئله ۲۳۷۲ - در زناشوئی - چه دائم و چه غیر دائم - باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه عقدا یا خود زن و مرد میخوانند ، یا دیگری را و کیل میکنند که از طرف آنان بخواند .

مسئله ۲۳۷۳ - و کیل لازم نیست مرد باشد ، زن هم میتواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری و کیل شود .

مسئله ۲۳۷۴ - زن و مرد تا یقین نکنند که و کیل آنان صیغه را خوانده است نمیتوانند بیکدیگر نگاه محرمانه نمایند و گمان باینکه و کیل صیغه را خوانده است کفایت

نمیکنند ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده ام کافی است .

مسئله ۲۳۷۵ - اگر زنی ، کسی را وکیل کند که مثلاً ده روزه او را بعقد مردی در آورد و ابتدای ده روز را معین نکند ، آن وکیل میتواند هر وقت که بخواهد او را ده روز بعقد آن مرد در آورد ولی اگر معلوم باشد که زن ، روز یا ساعت معینی را قصد کرده ، باید صیغه را مطابق قصد او بخواند .

مسئله ۲۳۷۶ - یک نفر میتواند برای خواندن صیغه عقد دائم یا غیر دائم از طرف زن و مرد ، وکیل شود و نیز مرد میتواند از طرف زن وکیل شود و او را برای خود بطور دائم یا غیر دائم عقد کند ولی احتیاط مستحب آنست که عقد را دو نفر بخوانند .

دستور خواندن عقد دائم

مسئله ۲۳۷۷ - اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید :
 زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصِّدَاقِ الْمَعْلُومِ (یعنی خود را زن تو نمودم بمهری که معین شده) ، پس از آن بدون فاصله مرد بگوید : قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ (یعنی ازدواج را قبول کردم) عقد صحیح است و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنان صیغه عقد را بخواند چنانچه مثلاً اسم مرد احمد و اسم زن فاطمه باشد و وکیل زن بگوید : زَوَّجْتُ مَوْكِلَتِي فَاطِمَةَ مَوْكِلِكَ اَحْمَدَ عَلَى الصِّدَاقِ الْمَعْلُومِ ، پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید : قَبِلْتُ لِمَوْكِلِي اَحْمَدَ عَلَى الصِّدَاقِ صَحِيحٌ میباشد و بهتر آنست لفظی که مرد می گوید با لفظی که زن میگوید مطابق باشد ، مثلاً اگر زن زَوَّجْتُ میگوید مرد هم قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ بگوید .

دستور خواندن عقد غیر دائم

مسئله ۲۳۷۸ - اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را بخوانند بعد

از آنکه مدت ومهر را معین کردند ، چنانچه زن بگوید **زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ** بعد بدون فاصله مرد بگوید **قَبِلْتُ** صحیح است . و اگر دیگری را وکیل کنند اول وکیل زن بوکیل مرد بگوید : **مَتَّعْتُ مَوْكَلَتِي مَوْكَلِكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ** پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید : **قَبِلْتُ لِمَوْكَلِي هَكَذَا** صحیح میباشد .

شرائط عقد

مسئله ۲۳۷۹- عقد ازدواج چند شرط دارد :

اول- آنکه برعی صحیح خوانده شود و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را برعی صحیح بخوانند بهتر بلکه احوط آنست که کسی را که میتواند برعی صحیح بخواند وکیل کنند لکن لازم نیست و خودشان هم میتوانند بغير برعی بخوانند ، اما باید لفظی بگویند که معنی زوجت و قبلت را بنهماند .

دوم- مرد و زن ، یا وکیل آنان که صیغه را میخوانند ؛ قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را میخوانند زن بگفتن « **زَوَّجْتُكَ نَفْسِي** » قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد بگفتن « **قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ** » زن بودن او را برای خود قبول نماید . و اگر وکیل مرد و زن صیغه را میخوانند ، بگفتن « **زَوَّجْتُ** » و قبلت ، قصدشان این باشد که مرد و زنیکه آنان را وکیل کرده اند زن و شوهر شوند . سوم - کسیکه صیغه را میخواند عاقل و بنا بر احتیاط لازم بالغ باشد چه برای خودش بخواند ، یا از طرف دیگری وکیل شده باشد .

چهارم- اگر وکیل زن و شوهر یا ولی آنان صیغه را میخوانند، در عقد زن و شوهر را معین کنند مثلا اسم آنان را ببرند یا بانان اشاره نمایند . پس کسیکه چند دختر دارد ، اگر بر مردی بگوید : **زَوَّجْتُكَ اِحَدِي بَنَاتِي** (یعنی : زن تو نمودم یکی از دخترانم را) و او بگوید قبلت یعنی : قبول کردم چون در موقع عقد ، دختر را معین نکرده اند عقد باطل است .

پنجم - زن و مرد با ازدواج راضی باشند ولی اگر زن ظاهراً با کراهت اذن دهد و معلوم باشد قلباً راضی است عقد صحیح است .

مسئله ۲۳۸۰ - اگر در عقد یک حرف غلط خوانده شود که معنای آنرا عوض کند عقد باطل است .

مسئله ۲۳۸۱ - کسیکه دستور زبان عربی را نمیداند ، اگر قرائتش صحیح باشد و معنای هر کلمه از عقد را جداگانه بداند و از هر لفظی معنای آن را قصد نماید میتواند عقد بخواند .

مسئله ۲۳۸۲ - اگر زنی را برای مردی بدون اجازه آنان عقد کنند و بعد از آن مرد بگویند : بآن عقد راضی هستیم ، عقد صحیح است .

مسئله ۲۳۸۳ - اگر زن و مرد بایکی از آن دورا با ازدواج مجبور نمایند و بعد از خواندن عقد راضی شوند و بگویند : بآن عقد راضی هستیم ، اگر عقد با قصد خوانده شده باشد لازم نیست دوباره بخوانند .

مسئله ۲۲۸۴ - پدر و جد پدری میتوانند برای فرزند نابالغ ، یا دیوانه خود که بحال دیوانگی بالغ شده است ازدواج کنند و بعد از آنکه آن طفل بالغ شد ، یا دیوانه عاقل گردید ، اگر ازدواجی که برای او کرده اند ؛ مفسده ای نداشته ، نمیتواند آنرا بهم بزند و اگر مفسده ای داشته ، میتواند آنرا بهم بزند .

مسئله ۲۳۸۵ - دختریکه بحد بلوغ رسیده و رشیده است - یعنی : مصلحت خود را تشخیص میدهد - اگر بخواهد شوهر کند ، چنانچه باکره باشد ، بنا بر احتیاط واجب باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد و اجازه مادر و برادر لازم نیست .

مسئله ۲۳۸۶ - اگر پدر و جد پدری غائب باشند و اجازه گرفتن از آنان ممکن نباشد و حاجت بتزویج باشد یا دختر باکره نباشد ، اجازه پدر و جد لازم نیست .

مسئله ۲۳۸۷ - اگر پدر ، یا جد پدری برای پسر نابالغ خود زن بگیرد ، پسر

باید بعد از بالغ شدن خرج آن زن را بدهد و هم چنین پیش از بلوغ با قابلیت پسر برای استمتاع از او و تمکین زوجه باید از مال پسر نفقه اوداده شود .

مسئله ۲۳۸۸ - اگر پدر یا جد پدری برای پسر نابالغ خود زن بگیرد ؛ چنانچه بسررد موقع عقد مالی داشته ، مدیون مهر زن است و اگر در موقع عقد مالی نداشته پدر ، یا جد او باید مهر زن را بدهند .

عیبهائی که بواسطه آنها میشود عقد را بهم زد

مسئله ۲۳۸۹ - اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد میتواند عقدا را بهم بزند بشرط آنکه معلوم شود که عیب پیش از عقد بوده : اول - دیوانگی . دوم - مرض خوره . سوم - مرض برص . چهارم - کوری . پنجم - زمین گیر بودن . ششم - آنکه افضا شده باشد یعنی راه بول و حیض یا راه حیض و غائط او یکی شده باشد . هفتم - آنکه گوشت ، یا استخوانی در فرج او باشد که مانع از نزدیکی شود

مسئله ۲۳۹۰ - اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او دیوانه بوده است یا بعد از عقد دیوانه شود یا بفهمد که آلت مردی ندارد ، با مرضی دارد که نمیتواند وطی و نزدیکی نماید ، یا این دو عیب بعد از عقد و پیش از وطی پیدا شود یا بفهمد تخمهای او را بیش از عقد کشیده اند میتواند عقد را بهم بزند .

مسئله ۲۳۹۱ - اگر مرد یا زن ، بواسطه یکی از عیبهائی که در دو مسئله پیش گفته شد عقد را بهم بزند ، باید بدون طلاق از هم جدا شوند .

مسئله ۲۳۹۲ - اگر بواسطه آنکه مرد نمیتواند وطی و نزدیکی کند ؛ زن عقد را بهم بزند ، شوهر باید نصف مهر را بدهد ولی اگر بواسطه یکی از عیبهای دیگری که گفته شد مرد ، یا زن عقد را بهم بزند ، چنانچه مرد یا زن نزدیکی نکرده باشد ، چیزی

براونیست و اگر نزدیکی کرده ، باید تمام مهر را بدهد .

زنانی که ازدواج با آنان حرام است

مسئله ۲۳۹۳ - ازدواج با زنانیکه مثل مادر و خواهر و مادرزن با انسان محرم هستند حرام است .

مسئله ۲۳۹۴ - اگر کسی زنی را برای خود عقد نماید ، اگر چه با او نزدیکی نکند ، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او هر چه بالا روند بآن مرد محرم میشوند .

مسئله ۲۳۹۵ - اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی نماید ، دختر و نوه دختری و پسری آن زن هر چه پائین روند ، چه در وقت عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند بآن مرد محرم میشوند .

مسئله ۲۳۹۶ - اگر با زنی که برای خود عقد کرده نزدیکی هم نکرده باشد ناوقتی که آن زن در عقد اوست نمیتواند با دختر او ازدواج کند .

مسئله ۲۳۹۷ - عمه و خاله پدر و عمه و خاله پدر پدر و عمه و خاله مادر و عمه و خاله مادر مادر هر چه بالا روند به انسان محرمند .

مسئله ۲۳۹۸ - پدر و جد شوهر ، هر چه بالا روند و پسر و نوه پسر و دختری او هر چه پائین آیند چه در موقع عقد باشند ، یا بعداً به دنیا بیایند بزناو محرم هستند .

مسئله ۲۳۹۹ - اگر زنی را برای خود عقد کند ، دائمه باشد ، یا غیر دائمه ناوقتی که آن زن در عقد اوست نمیتواند با خواهر آن زن ازدواج نماید .

مسئله ۲۴۰۰ - اگر زن خود را بترتیبی که در کتاب طلاق گفته میشود طلاق رجعی دهد ؛ در بین عده نمیتواند خواهر او را عقد نماید ، و اگر زنی را متعه کرده باشد و مدت او را بخشیده یا تمام شده باشد در عده او بنا بر احتیاط لازم نباید خواهر او را بگیرد بلکه در عده طلاق بائن هم که بعداً بیان میشود ، احتیاط مستحب آنست که از ازدواج با خواهر او خودداری نماید .

مسئله ۲۴۰۱ - انسان نمیتواند بدون اجازه زن خود با خواهر زاده و برادر زاده

او ازدواج کند و لسی اگر بدون اجازه زنش آنان را عقد نماید و بعداً زن بگوید بآن عقد راضی هستم اشکال ندارد لکن احتیاط مستحب مؤکد آنستکه دوباره او را عقد نماید .

مسئله ۲-۲۴- اگر زن بفهمد شوهرش برادر زاده یا خواهرزاده او را عقد کرده و حرفی نزند؛ چنانچه بعداً رضایت ندهد عقد آنان باطل است .

مسئله ۳-۲۴- اگر انسان پیش از آنکه دختر عمه یا دختر خاله خود را بگیرد بامادر آنان زنا کند، دیگر نمیتواند با آنان ازدواج نماید .

مسئله ۴-۲۴- اگر با دختر عمه یا دختر خاله خود ازدواج نماید و پیش از آنکه با آنان نزدیکی کند بامادرشان زنا نماید، احتیاط واجب آنست که از ایشان جدا شود .

مسئله ۵-۲۴- اگر با زنی غیر از عمه و خاله خود زنا کند احتیاط واجب آن است که با دختر او ازدواج نکند بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست ولی اگر زنی را عقد نماید و با او نزدیکی کند و بعد بامادر او زنا کند آن زن بر او حرام نمی شود و اما اگر بعد از عقد و پیش از آنکه با او نزدیکی کند بامادر او زنا نماید احتیاط واجب آن است که آن زن را طلاق دهد و دیگر هم او را نگیرد .

مسئله ۶-۲۴- زن مسلمان نمی تواند بعقد کافر درآید . مرد مسلمان هم نمی تواند با زن کافره غیر اهل کتاب ازدواج نماید ولی متعه کردن زن اهل کتاب مانند یهود و نصاری مانعی ندارد بلکه جواز ازدواج آنان بطور دوام نیز خالی از قوت نیست با کراهت شدید در صورت نمکن از ازدواج مسلمه بلکه در اینصورت احتیاط ترك نشود .

مسئله ۷-۲۴- اگر با زنی که در عده طلاق رجعی است زنا کند آن زن بر او حرام میشود و اگر با زنی که در عده متعه، یا طلاق بائن، یا عده وفات است زنا کند بعداً میتواند او را عقد نماید، اگرچه احتیاط مستحب آنست که با او ازدواج نکند .

و معنای طلاق رجعی و طلاق بائن و عده متعه و عده وفات در احکام طلاق گفته خواهد شد.

مسئله ۲۴۰۸- اگر بازن بی شوهری که در عده نیست زنا کند؛ بعداً میتواند

آن زن را برای خود عقد نماید ولی احتیاط مستحب آنست که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعداً و راعفد نماید و همچنین است اگر دیگری بخواند آن زن را عقد کند.

مسئله ۲۴۰۹- اگر زنی را که در عده دیگری است برای خود عقد کند، چنانچه

مردوزن، یا یکی از آنان بدانند که عده زن تمام نشده و بدانند عقد کردن زن در عده حرام است آن زن بر او حرام میشود؛ اگر چه مرد بعد از عقد با آن زن نزدیکی نکرده باشد.

مسئله ۲۴۱۰- اگر زنی را برای خود عقد کند و بعد معلوم شود که در عده بوده

در صورتیکه مرد با او نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام میشود اگر چه هیچکدام نمیدانسته اند که زن در عده است و نمیدانستند عقد کردن زن در عده حرام است.

مسئله ۲۴۱۱- اگر انسان بداند زنی شوهر دارد و با او ازدواج کند. واجب

است فوراً از او جدا شود و احتیاط واجب آنستکه بعداً هم او را برای خود عقد نکند.

مسئله ۲۴۱۲- زن شوهر دار اگر زنا بدهد بر شوهر خود حرام نمیشود و چنانچه

توبه نکند و بر عمل خود باقی باشد، اگر مشهوره بزانیه بودن شود احتیاط لازم آنستکه شوهر، او را طلاق دهد و تا توبه نکند او را نگیرد ولی باید مهرش را بدهد.

مسئله ۲۴۱۳- زنی را که طلاق داده اند و زنی که متعه بوده و شوهرش مدت

او را بخشیده یا مدتش تمام شده، چنانچه بعد از مدتی شوهر کند و بعد شك کند که موقع عقد شوهر دوم عده شوهر اول تمام بوده یا از راه غفلت یا معصیت در عده شوهر کرده، باید بشك خود اعتنا نکند.

مسئله ۲۴۱۴- مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام

است اگر چه لواط کننده و لواط دهنده بالغ نباشند. ولی اگر گمان کند که دخول

شده، یا شك کند که دخول شده یا نه، برای حرام نمیشوند .

مسئله ۲۴۱۵- اگر با مادر یا خواهر یا دختر کسی ازدواج نماید و بعد از ازدواج و دخول بزوجه با آن کس لواط کند، آنان برای حرام نمیشوند و اگر بعد از عقد و پیش از دخول لواط کند بنا بر احتیاط واجب آن زن برای حرام میشود .

مسئله ۲۴۱۶- اگر کسی در حال احرام که یکی از کارهای حج است، با زنی ازدواج نماید عقداً باطل است و چنانچه میدانسته که زن گرفتن برای حرام است، دیگر نمیتواند آن زن را برای خود عقد کند .

مسئله ۲۴۱۷- اگر زنی که در حال احرام است با مردی که در حال احرام نیست ازدواج کند عقداً باطل است و اگر زن میدانسته که ازدواج کردن در حال احرام حرام است؛ باید بعداً با آن مرد ازدواج نکند .

مسئله ۲۴۱۸- اگر مرد طواف نساء را که یکی از کارهای حج است بجا نیاورد، زنش برای حرام میشود . و نیز اگر زن طواف نساء نکند شوهرش برای حرام میشود ولی اگر بعداً طواف نساء را انجام دهند بیکدیگر حلال میشوند .

مسئله ۲۴۱۹- اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند و پیش از آنکه نه سال دختر تمام شود، با او نزدیکی و دخول کند، احتیاط واجب آنستکه تا آخر عمر از دخول با او خودداری نماید .

مسئله ۲۴۲۰- زنی که شوهرش او را سه مرتبه طلاق داده بر شوهرش حرام میشود؛ ولی اگر باشرایطی که در کتاب طلاق گفته میشود با مرد دیگری ازدواج کند، پس از طلاق، شوهر اول میتواند دوباره او را برای خود عقد نماید .

احکام عقد دائم

مسئله ۲۴۲۱- زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون

رود و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند و اگر در اینها از شوهر اطاعت کند، تهیه غذا و لباس و منزل او بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند چه توانائی داشته باشد، یا نداشته باشد مدیون زن است.

مسئله ۲۴۲۲ - اگر زن در کارهایی که در مسئله پیش گفته شد اطاعت شوهر را نکند گناهکار است و حق غذا و لباس و منزل و همجواری ندارد ولی مهر او از بین نمی‌رود.

مسئله ۲۴۲۳ - مرد حق ندارد زن خود را بخدمت خانه مجبور کند.

مسئله ۲۴۲۴ - مخارج سفر زن اگر بیشتر از مخارج وطن باشد با شوهر نیست ولی اگر شوهر مایل باشد که زن را سفر ببرد، باید خرج سفر او را بدهد.

مسئله ۲۴۲۵ - زنی که از شوهر اطاعت می‌کند و شوهر خرج او را نمی‌دهد، اگر ممکن است می‌تواند خرج خود را بدون اجازه از مال او بردارد و اگر ممکن نیست چنانچه ناچار باشد که معاش خود را تهیه کند، در موقعی که مشغول تهیه معاش است اگر نمی‌تواند با اطاعت شوهر تهیه معاش کند اطاعت شوهر بر او واجب نیست ولی احتیاط آنست که از حاکم شرعی هم اذن بگیرد.

مسئله ۲۴۲۶ - اگر مرد بیش از یک زن داشته باشد باید در هر چهار شب یک شب نزدن دائمی خود بماند بلکه اگر یک زن داشته باشد نیز بنا بر احتیاط.

مسئله ۲۴۲۷ - شوهر نمی‌تواند بیش از چهار ماه نزدیکی با عیال جوان خود را ترک کند بلکه بنا بر احتیاط بیش از این مدت نزدیکی با عیال پیر خود را نیز ترک نکند.

مسئله ۲۴۲۸ - اگر در عقد دائمی مهر را معین نکنند عقد صحیح است و چنانچه مرد با زن نزدیکی کند؛ باید مهر او را مطابق مهر زن آنیکه مثل او هستند بدهد.

مسئله ۲۴۲۹ - اگر موافق خواندن عقد دائمی برای دادن مهر مدتی معین نکرده باشند، زن میتواند پیش از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر جلو گیری کند، چه شوهر توانائی دادن مهر را داشته باشد چه نداشته باشد. ولی اگر پیش از گرفتن مهر بنزدیکی راضی شود، و شوهر با او نزدیکی کند، دیگر نمیتواند بدون عذر شرعی از نزدیکی شوهر جلو گیری نماید.

متعہ یا عقد غیر دائم

- مسئله ۲۴۳۰ - متعہ کردن زن اگر چه برای لذت بردن هم نباشد صحیح است.
- مسئله ۲۴۳۱ - واجب است که شوهر بیش از چهار ماه نزدیکی بامتعه خود را اگر جوان باشد ترك نکند و بنا بر احتیاط بیش از این مدت نزدیکی بامتعه پیر خود نیز ترك نکند.
- مسئله ۲۴۳۲ - زنی که متعہ میشود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط میتواند لذت‌های دیگر از او ببرد، ولی اگر بعداً بنزدیکی راضی شود، شوهر میتواند با او نزدیکی نماید.
- مسئله ۲۴۳۳ - زنیکه متعہ شده اگر چه آبستن شود حق خرجی ندارد.
- مسئله ۲۴۳۴ - زنیکه متعہ شده حق همخوابی ندارد و از شوهر ارث نمیبرد و شوهر هم از او ارث نمیبرد.
- مسئله ۲۴۳۵ - زنیکه متعہ شده اگر نداند که حق خرجی و همخوابی ندارد عقدا و صحیح است و برای آنکه نمیدانسته، حتی بشوهر پیدا نمیکند.
- مسئله ۲۴۳۶ - زنیکه متعہ شده میتواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود؛ ولی اگر بواسطه بیرون رفتن، حق شوهر از بین میرود، بیرون رفتن او حرام است.

مسئله ۲۴۳۷ - اگر زنی مردی را وکیل کند که بملت و مبلغ معین او را برای خود متعه نماید ، چنانچه مرد او را بعقد دائم خود در آورد ؛ یا بغیر از مدت بامبلغی که معین شده او را متعه کند ، وقتی که آن زن فهمید ، اگر بگوید . اضی هستم عقد صحیح و گرنه باطل است .

مسئله ۲۴۳۸ - اگر پدر یا جد پدری برای محرم شدن ، یکساعت یا دو ساعت زنی را بعقد پسر نابالغ خود در آورد کافی است . و نیز میتواند دختر نابالغ خود را برای محرم شدن ، بعقد کسی در آورد ولی باید آن عقد برای دختر مفسده نداشته باشد .

مسئله ۲۴۳۹ - اگر پدر یا جد پدری ، طفل خود را که در محل دیگری است و نمیداند زنده است یا مرده ؛ برای محرم شدن بعقد کسی در آورد ، بر حسب ظاهر محرم بودن حاصل می شود و چنانچه بعداً معلوم شود که در موقع عقد ؛ آن دختر زنده نبوده ، عقد باطل است و کسانی که بواسطه عقد ظاهر محرم شده بودند نامحرمند .

مسئله ۲۴۴۰ - اگر مرد مدت کثرت زن را ببخشد ، چنانچه با او نزدیکی کرده باید تمام چیزی را که قرار گذاشته با او بدهد و اگر نزدیکی نکرده ، باید نصف آن را بدهد

مسئله ۲۴۴۱ - مرد میتواند زنی را که متعه او بوده و هنوز عده اش تمام نشده بعقد دائم خود در آورد .

احکام نگاه کردن

مسئله ۲۴۴۲ - نگاه کردن مرد بپدین زن نامحرم و دختری که نه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را میفهمد و نگاه کردن باو عادتاً امکان تهییج و تحریک شهوت دارد و همچنین نگاه کردن بموی آنان چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است

و نگاه کردن بصورت و دست آنان اگر بقصد لذت باشد حرام است ، بلکه حرام بودن نگاه بآنها بدون قصد لذت هم خالی از قوت نیست و نیز نگاه کردن زن ببدن مرد نامحرم حرام میباشد .

مسئله ۲۴۴۳ - اگر انسان بدون قصد لذت بصورت و دست زنیکه اهل کتاب است مثل زن یهودیه و نصرانیه نگاه کند ، در صورتیکه نترسد که بحرام بیفتد و سیر نگاه نکند اشکال ندارد . و احتیاط واجب آنست که بغیر صورت و دست او نگاه نکند .

مسئله ۲۴۴۴ - زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند ، بلکه احتیاط واجب آنست که از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را میفهمد و از نگاه کردن تحریک و تهییج شهوة او عادتاً ممکن باشد بدن و موی خود را بپوشاند .

مسئله ۲۴۴۵ - نگاه کردن بعورت دیگری حتی بعورت بچه ممیزی که خوب و بد را میفهمد حرام است ، اگر چه از پشت شیشه یا در آئینه یا آب صاف و مانند اینها باشد . ولی زن و شوهر میتوانند بتمام بدن یکدیگر نگاه کنند .

مسئله ۲۴۴۶ - مرد وزنی که بایکدیگر محرمند اگر قصد لذت نداشته باشند میتوانند غیر از عورت بتمام بدن یکدیگر نگاه کنند .

مسئله ۲۴۴۷ - مرد نباید با قصد لذت ببدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم ببدن زن دیگر با قصد لذت حرام است .

مسئله ۲۴۴۸ - مرد نباید عکس زن نامحرم را ببیند ، و اگر زن نامحرمی را بشناسد نباید بعکس او خصوص در مواردی که معرض هتك و فساد باشد نگاه کند .

مسئله ۲۴۴۹ - اگر زن بخواهد زن دیگر ، یا مردی غیر از شوهر خود را تنقیه کند ؛ یا عورت او را آب بکشد ، باید چیزی در دست کند که دست او به عورت آن مرد یا زن نرسد و همچنین است اگر مرد بخواهد مرد دیگر ، یا زنی غیر از خود را تنقیه

کند ، یا عورت او را آب بکشد .

مسئله ۲۴۵۰ - اگر مرد برای معالجه زنی نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و دست بدن او بزند اشکال ندارد ، ولی اگر بانگاه کردن بتواند معالجه کند ، نباید دست بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند .

مسئله ۲۴۵۱ - اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که بعورت او نگاه کند ، اشکال ندارد .

مسائل متفرقه زناشوئی

مسئله ۲۴۵۲ - کسیکه بواسطه نداشتن زن بحرام میافتد ، واجب است زن بگیرد ،

مسئله ۲۴۵۳ - اگر شوهر در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده ، میتواند عقد را بهم بزند .

مسئله ۲۴۵۴ - ماندن مرد و زن نامحرم در محل خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمیتواند وارد شود حرام است چه بد کرد خدا مشغول باشند یا بصحبت دیگر ، خواب باشند یا بیدار ، و نمازشان هم در آنجا صحیح نیست ولی اگر طوری باشد که کس دیگر نتواند وارد شود ، با بچه ای که خوب و بد را میفهمد در آنجا باشد اشکال ندارد .

مسئله ۲۴۵۵ - اگر مرد مهر زن را در عقد معین کند و قصدش این باشد که آنرا ندهد ، عقد صحیح است و مهر را هم باید بدهد .

مسئله ۲۴۵۶ - مسلمانی که منکر خدا یا پیغمبر شود ، یا حکم ضروری دین یعنی حکمی را که مسلمانان جزء دین اسلام میدانند مثل واجب بودن نماز و روزه انکار کند ، در صورتیکه بداند آن حکم ضروری دین است مرتد میشود .

مسئله ۲۴۵۷ - اگر زن پیش از آنکه شوهرش با او نزدیکی کند بطوری که در مسئله پیش گفته شد مرتد شود ، عقد او باطل میگردد . و همچنین است اگر بعد از

نزدیکی مرتد شود ولی بائسه باشد یعنی اگر سیده است شصت سال و اگر سیده نیست پنجاه سال او تمام شده باشد اما اگر بائسه نباشد ، باید بدستوری که در احکام طلاق گفته خواهد شد عده نگهدارد ، پس اگر در بین عده مسلمان شود عقد باقی و اگر تا آخر عده مرتد بماند عقد باطل است .

مسئله ۲۴۵۸ - مردی که مسلمان زاده است اگر مرتد شود، زنش بر او حرام میشود و باید بمقداری که در احکام طلاق گفته میشود عده وفات نگهدارد .

مسئله ۲۴۵۹ - مردی که از پدر و مادر غیر مسلمان دنیا آمده و مسلمان شده اگر پیش از نزدیکی با عیالش مرتد شود ، عقدا و باطل میگردد . و اگر بعد از نزدیکی مرتد شود ، چنانچه زن او در سن زنانی باشد که حیض می بینند باید آن زن بمقداری که در احکام طلاق گفته میشود عده نگهدارد ، پس اگر پیش از تمام شدن عده ، شوهر او مسلمان شود عقد باقی و گرنه باطل است .

مسئله ۲۴۶۰ - اگر زن در عقد با مرد شرط کند که او را از شهری بیرون ببرد و مردم قبول کند ، باید زن را از آن شهر بدون رضایت او بیرون ببرد .

مسئله ۲۴۶۱ - اگر زن انسان از شوهر دیگرش دختری داشته باشد ، انسان میتواند آن دختر را برای پسر خود که از آن زن نیست عقد کند و نیز اگر دختری را برای پسر خود عقد کند ، میتواند با مادر آن دختر ازدواج نماید .

مسئله ۲۴۶۲ - اگر زنی از زنا آبستن شود ، در صورتیکه خود آن زن ، یا مردی که با او زنا کرده ، یا هر دوی آنان مسلمان باشند ، برای آن زن جایز نیست بچه را سقط کند .

مسئله ۲۴۶۳ - اگر کسی بازنی که شوهر ندارد و در عده کسی هم نیست زنا کند ، چنانچه بعد او را عقد کند و بچه ای از آنان پیدا شود ، در صورتیکه ندانند از نطفه حلال است یا حرام ، آن بچه حلال زاده است .

مسئله ۲۴۶۲ - اگر مرد نداند که زندر عده است یا نداند که عقد در عده حرام است و با او ازدواج کند، چنانچه زن هم نداند و بچه ای از آنان بدنیا آید، حلال زاده است و شرعاً فرزند هر دو میباشد ولی اگر زن میدانسته که در عده است و میدانسته که عقد در عده حرام است شرعاً بچه، فرزند پدر است و در هر دو صورت عقد آنان باطل است و بیکدیگر حرام میباشد.

مسئله ۲۴۶۵ - اگر زن بگوید یا نه ام نباید حرف او را قبول کرد ولی اگر بگوید شوهر ندارم یا در عده نیستم حرف او قبول میشود.

مسئله ۲۴۶۶ - اگر بعد از آنکه انسان با زنی ازدواج کرد، کسی بگوید آن زن شوهر داشته وزن بگوید نداشتم؛ چنانچه شرعاً ثابت نشود که زن شوهر داشته، باید حرف زن را قبول کرد.

مسئله ۲۴۶۷ - تا هفت سال دختر تمام نشده؛ پدر نمی تواند او را از مادرش جدا کند.

مسئله ۲۴۶۸ - مستحب است در شوهر دادن دختری که بالغه است یعنی مکلف شده عجله کنند، حضرت صادق علیه السلام فرمودند: یکی از سعادت های مرد آنست که دخترش در خانه او حیض نبیند.

مسئله ۲۴۶۹ - اگر زن مهر خود را بشوهر صلح کند که زن دیگر نگیرد، احتیاط آنست که زن مهر را نگیرد و شوهر هم با زن دیگر ازدواج نکند.

مسئله ۲۴۷۰ - کسیکه از زنا بدنیا آمده، اگر زن بگیرد و بچه ای پیدا کند آن بچه حلال زاده است.

مسئله ۲۴۷۱ - هر گاه شوهر در روزه ماه رمضان یا در حال حیض زن با او نزدیکی کند معصیت کرده، ولی اگر بچه ای از آنان بدنیا آید حلال زاده است.

مسئله ۲۴۷۲ - زنی که یقین دارد شوهرش در سفر مرده اگر بعد از عده وفات

که مقدار آن در احکام طلاق گفته خواهد شد ، شوهر کند و شوهر اول از سفر برگردد ، باید از شوهر دوم جدا شود و بشوهر اول حلال است ولی اگر شوهر دوم با او نزدیکی کرده باشد ، زن باید عده نگهدارد و شوهر دوم باید مهر او را بدهد و اگر مهر المسای او با مهر المثل تفاوت دارد در تفاوت آن بنا بر احتیاط باهم مصالحه نمایند ولی خرج عده ندارد .

احکام شیردادن

مسئله ۲۴۷۳ - اگر زنی بچه‌ای را با شرائطی که در مسئله ۲۴۸۳ گفته خواهد شد، شیر دهد، آن بچه باین عده محرم میشود: اول - خود زن و آن را مادر رضاعی میگویند. دوم - شوهر زن که شیر مال اوست و او را پدر رضاعی میگویند. سوم - پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند، اگر چه پدر و مادر رضاعی او باشند. چهارم - بچه‌هایی که از آن زن بدنیا آمده‌اند؛ یا بدنیا آیند. پنجم - بچه‌های اولاد آن زن هر چه پائین روند، چه از اولاد او بدنیا آمده، یا اولاد او بچه‌ها را شیر داده باشند.

ششم - خواهر و برادر آن زن اگر چه رضاعی باشند.

هفتم - عم و عمة آن زن اگر چه رضاعی باشند.

هشتم - دائی و خاله آن زن اگر چه رضاعی باشند. نهم - اولاد شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است، هر چه پائین روند، اگر چه اولاد رضاعی او باشند. دهم - پدر و مادر شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است، هر چه بالا روند. یازدهم - خواهر و برادر شوهری که شیر مال اوست اگر چه خواهر و برادر رضاعی او باشند. دوازدهم - عم و عمة و دائی و خاله مادر و شوهری که شیر مال اوست هر چه بالا روند، اگر چه رضاعی باشند. و نیز عده دیگری هم که در مسائل بعد گفته میشود؛ بواسطه شیردادن محرم میشوند.

مسئله ۲۴۷۴ - اگر زنی بچه‌ای را با شرائطی که در مسئله ۲۴۸۳ گفته میشود

شیر دهد ، پدر آن بچه نمیتواند با دخترانی که از آن زن بدنيا آمده اند ازدواج کند و نیز نمیتواند دختران شوهری را که شیرمال او است ، اگرچه دختران رضاعی او باشند برای خود عقد نماید ولی جایز است با دختران رضاعی آن زن ازدواج کند اگرچه احتیاط مستحب آنست که با آنان ازدواج نکند و نگاه محرمانه هم بآنان ننماید .

مسئله ۲۴۷۵- اگر زنی بچه ای را با شرائطی که در مسئله ۲۴۸۳ گفته میشود شیر دهد؛ شوهر آن زن که صاحب شیر است بخواهرهای آن بچه محرم نمیشود ولی احتیاط مستحب آنست که با آنان ازدواج ننماید و نیز خویشان شوهر بخواهر و برادر آن بچه محرم نمیشوند .

مسئله ۲۴۷۶- اگر زنی بچه ای را شیر دهد ، به برادرهای آن بچه محرم نمیشوند و نیز خویشان آن زن به برادر و خواهر بچه ای که شیر خورده محرم نمیشوند .

مسئله ۲۴۷۷- اگر انسان با زنی که دختری را شیر کامل داده ازدواج کند و با آن زن نزدیکی نماید ، دیگر نمیتواند آن دختر را برای خود عقد کند .

مسئله ۲۴۷۸- اگر انسان با دختری ازدواج کند ، دیگر نمیتواند با زنی که آن دختر را شیر کامل داده ازدواج نماید .

مسئله ۲۴۷۹- انسان نمیتواند با دختری که مادر ؛ یا مادر بزرگ انسان او را شیر کامل داده ازدواج کند و نیز اگر زن پدر انسان از شیر پدر او دختری را شیر داده باشد ، انسان نمیتواند با آن دختر ازدواج نماید . و چنانچه دختر شیر خواری را برای خود عقد کند ، بعد مادر ، یا مادر بزرگ ، یا زن پدر او آن دختر را شیر دهد ، عقد باطل میشود .

مسئله ۲۴۸۰- با دختری که خواهر ، یا زن برادر انسان از شیر برادر او را شیر کامل داده ، نمیشود ازدواج کرد و همچنین است اگر خواهرزاده ، یا برادرزاده ؛ یا نوه خواهر ، یا نوه برادر انسان آن دختر را شیر داده باشد .

مسئله ۲۴۸۱- اگر زنی بچه دختری خود را شیر دهد ، آن دختر بشوهر خود حرام

میشود . همچنین است اگر بچه‌ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد . ولی اگر بچه‌پسر خود را شیر دهد ، زن پسرش که مادر آن طفل شیرخوار است بر شوهر خود حرام نمیشود .

مسئله ۲۴۸۲- اگر زن پدر دختری بچه شوهر آن دختر را از شیر پدر آن دختر دهد آن دختر بشوهر خود حرام میشود ، چه بچه از همان دختر یا از زن دیگر شوهر او باشد .

شرائط شیردانی که علت محرم شدن است

مسئله ۲۴۸۳- شیردانی که علت محرم شدن است هشت شرط دارد :

اول - بچه شیر زن زنده را بخورد ؛ پس اگر از پستان زنیکه مرده است شیر بخورد فائده ندارد .

دوم- شیر آن زن از حرام نباشد، پس اگر شیر بچه‌ای را که از زنا بدنيا آمده به بچه دیگر بدهند ، بواسطه آن شیر؛ بچه بکسی محرم نمیشود .

سوم - بچه شیر را از پستان بمکد ، پس اگر شیر را در گلوی او بریزند نتیجه ندارد .

چهارم- شیر؛ خالص و با چیز دیگر مخلوط نباشد .

پنجم - شیر از يك شوهر باشد. پس اگر زن شیردهی را طلاق دهند، بعد شوهر دیگری کند و از او آبستن شود و تا موقع زائیدن، شیری که از شوهر اول داشته باقی باشد و مثلاً هشت دفعه پیش از زائیدن از شیر شوهر اول و هفت دفعه بعد از زائیدن از شیر شوهر دوم به بچه‌ای بدهد ، آن بچه به کسی محرم نمی شود .

ششم- بچه بواسطه مرض شیر راقی نکند و اگر قی کند بنا بر احتیاط واجب کسانی که بواسطه شیر خوردن بآن بچه محرم میشوند، باید با او ازدواج نکنند و نگاه

محرمانه هم باو نمایند.

هفتم - پانزده مرتبه ، یا یکشبانه روز بطوری که در مسئله بعد گفته میشود شیر سیر بخورد ؛ یا مقداری شیر باو بدهند که بگویند: از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روئیده است؛ بلکه اگر ده مرتبه هم باو شیر دهند؛ احتیاط مستحب آنست که سانیکه بواسطه شیر خوردن او باو محرم میشوند ؛ باو ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم باو نمایند .

هشتم - دو سال بچه تمام نشده باشد و اگر بعد از تمام شدن دو سال ، او را شیر دهند بکسی محرم نمیشود ، بلکه اگر مثلاً پیش از تمام شدن دو سال ، چهارده مرتبه و بعد از آن، يك مرتبه شیر بخورد بکسی محرم نمیشود، ولی چنانچه از موقع زائیدن زن شیرده بیشتر از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه ای را شیر دهد آن بچه بکسانیکه گفته شد بنا بر احتیاط لازم محرم میشود ولی احتیاط بترك نظر کسانیکه باین رضاع باو محرم شده اند ترك نشود .

مسئله ۲۴۸۲ - باید بچه در بین یکشبانه روز، غذا یا شیر کسی دیگر را نخورد ولی اگر کمی غذا بخورد که نگویند در بین ، غذا خورده اشکال ندارد و نیز باید پانزده مرتبه را از شیر يك زن بخورد و در بین پانزده مرتبه شیر کسی دیگر را نخورد و در هر دفعه بدون فاصله شیر بخورد ، ولی اگر در بین شیر خوردن نفس تازه کند ؛ یا کمی صبر کند که از اولی که پستان در دهان میگیرد تا وقتی سیر میشود ، يك دفعه حساب شود اشکال ندارد .

مسئله ۲۴۸۵ - اگر زن از شیر شوهر خود بچه ای را شیر دهد ، بعد شوهر دیگر کندواز شیر آن شوهر هم بچه دیگر را شیر دهد آن دو بچه بیکدیگر محرم نمی شوند اگر چه بهتر است با هم ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم بیکدیگر نمایند .

مسئله ۲۴۸۶ - اگر زن از شیر يك شوهر چندین بچه را شیر دهد ، همه آنان بیکدیگر و بشوهر و بزنی که آنان را شیر داده محرم میشوند .

مسئله ۲۴۸۷ - اگر کسی چند زن داشته باشد ، و هر کدام آنان بارهائیت شرائط ، بچه‌ای را شیر دهد ، همه آن بچه‌ها بیکدیگر و بآن مرد و بهمه آن زنان محرم میشوند .

مسئله ۲۴۸۸ - اگر کسی دوزن داشته باشد و یکی از آنان بچه‌ای را مثلاً هشت مرتبه و دیگری هفت مرتبه شیر بدهد آن بچه بکسی محرم نمیشود .

مسئله ۲۴۸۹ - اگر زنی از شیریک شوهر پسر و دختری را شیر کامل بدهد خواهر و برادر آن دختر بخواهر و برادر آن پسر محرم نمیشوند ولی احتیاط مستحب آنستکه بایکدیگر ازدواج نکنند .

مسئله ۲۴۹۰ - انسان نمیتواند بدون اذن زن خود ، بازنانی که بواسطه شیر خوردن ؛ خواهرزاده یا برادرزاده زن او شده‌اند ازدواج کند . و نیز اگر باپسری لواط کند ، احتیاط واجب آنستکه دختر و خواهر و مادر و مادر بزرگ آن پسر را که رضاعی هستند یعنی بواسطه شیر خوردن ، دختر و خواهر و مادر او شده‌اند ، برای خود عقد نکند .

مسئله ۲۴۹۱ - زنیکه برادر انسان را شیر داده بانسان محرم نمیشود ، اگر چه احتیاط مستحب آنستکه با او ازدواج نکند .

مسئله ۱۴۹۲ - انسان نمیتواند با دو خواهر ، اگر چه رضاعی باشند یعنی به واسطه شیر خوردن ، خواهر بیکدیگر شده باشند ازدواج کند و چنانچه دوزن را عقد کند و بعد بفهمد خواهر بوده‌اند ، در صورتیکه عقد آنان در یک وقت بوده هر دو باطل است و اگر در یک وقت نبوده عقد اولی صحیح و عقد دومی باطل میباشد .

مسئله ۲۴۹۳ - اگر زن از شیر شوهر خود کسانی را که گفته میشود شیر دهد ، شوهرش بر او حرام نمیشود ، اگر چه بهتر آنست که احتیاط کنند .

اول - برادر و خواهر خود را . دوم - همو و عمه و دائی و خاله خود را .

سوم - اولاد هم و اولاد دائی خود را . چهارم - برادرزاده خود را .

- پنجم - برادر شوهر ، یا خواهر شوهر خود را . ششم - خواهرزاده خود ، یا خواهرزاده شوهرش را . هفتم - عمو و عمه و دایی و خاله شوهرش را . هشتم - نوه زن دیگر شوهر خود را .
- مسئله ۲۴۹۴ - اگر کسی دختر عمه یا دختر خاله انسان را شیر دهد بانسان محرم میشود ولی احتیاط مستحب آنستکه از ازدواج با او خود داری نماید.
- مسئله ۲۴۹۵ - مردی که دوزن دارد ، اگر یکی از آن دوزن ، فرزند عموی زن دیگر را شیر دهد ، زنی که فرزند عموی او شیر خورده ، بشوهر خود حرام نمیشود .

آداب شیر دادن

- مسئله ۲۴۹۶ - برای شیر دادن بچه بهتر از هر کس مادر اوست و سزاوار است که مادر برای شیر دادن از شوهر خود مزد نگیرد و خوبست که شوهر مزد بدهد و اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد ، شوهر می تواند بچه را از او گرفته و به دایه بدهد .
- مسئله ۲۴۹۷ - مستحب است دایه ای که برای طفل میگیرند ، دوازده امامی ، و دارای عقل و عفت و صورت نیکو باشد و مکروه است ؛ کم عقل ، یا غیر دوازده امامی یا بد صورت ، یا بد خلق ، یا زنازاده باشد . و نیز مکروه است دایه ای بگیرند که بچه ای که دارد از زنا بدنیآ آمده باشد .

مسائل متفرقه شیر دادن

- مسئله ۲۴۹۸ - مستحب است از زن جلوگیری کرد که هر بچه ای را شیر ندهد زیرا ممکن است فراموش شود که به چه کسانی شیر داده اند و بعداً دو نفر محرم بایکدیگر ازدواج نمایند.

مسئله ۲۴۹۹ - کسانی که بواسطه شیر خوردن ، خویشی پیدا میکنند مستحب است یکدیگر را احترام نمایند ، ولی از یکدیگر ارث نمیبرند و حقوق خویشی که انسان با خویشان خود دارد برای آنان نیست .

مسئله ۲۵۰۰ - در صورتیکه ممکن باشد ، مستحب است بچه را دو سال تمام شیر بدهند .

مسئله ۲۵۰۱ - اگر بواسطه شیر دادن ؛ حق شوهر از بین نرود ، زن میتواند بدون اجازه شوهر ، بچه دیگری را شیر دهد ، ولی جایز نیست بچه ای را شیر دهد که بواسطه شیر دادن بآن بچه بشوهر خود حرام شود ، مثلاً اگر شوهر او دختر شیر خواری را برای خود عقد کرده باشد ، زن نباید آن دختر را شیر دهد ؛ چون اگر آن دختر را شیر دهد ، مادر زن شوهرش میشود و بر او حرام میگردد .

مسئله ۲۵۰۲ - اگر کسی بخواهد زن برادرش با او محرم شود ، باید دختر شیر خواری را مثلاً ده روزه برای خود عقد کند و در آن ده روز با شرائطی که در مسئله ۲۴۸۳ گفته شد زن برادرش آن دختر را شیر دهد .

مسئله ۲۵۰۳ - اگر مرد پیش از آنکه زنی را برای خود عقد کند ، بگوید : بواسطه شیر خوردن ، آن زن بر او حرام شده - مثلاً بگوید شیر مادر او را خورده - چنانچه تصدیق او ممکن باشد نمیتواند با آن زن ازدواج کند و اگر بعد از عقد بگوید و خود زن هم حرف او را قبول نماید ، عقد باطل است پس اگر مرد با او نزدیکی نکرده باشد ، یا نزدیکی کرده باشد ولی در وقت نزدیکی کردن ، زن بداند بر آن مرد حرام است ، مهر ندارد و اگر بعد از نزدیکی بفهمد که بر آن مرد حرام بوده ، شوهر باید مهر او را بدهد و اگر مهر المثل او با مهر المسمی تفاوت دارد در مقدار تفاوت را با هم مصالحه نمایند .

مسئله ۲۵۰۴ - اگر زن پیش از عقد بگوید : بواسطه شیر خوردن بر مردی حرام شده ؛ چنانچه تصدیق او ممکن باشد ، نمیتواند با آن مرد ازدواج کند و اگر بعد از

عقد بگوید ؛ مثل صورتی است که مرد بعد از عقد بگوید : که زن بر او حرام است و حکم آن در مسئله پیش گفته شد .

مسئله ۲۵۰۵ - شیردانی که علت محرم شدن است بدو چیز ثابت میشود :

اول - خبر دادن عده‌ای که انسان از گفته آنان یقین یا اطمینان پیدا کند .

دوم - شهادت دو مرد عادل یا چهار زن عادل ؛ ولی باید شرایط شیردادن را هم

بگویند مثلا بگویند : مادیده‌ایم که فلان بچه بیست و چهار ساعت از پستان فلان زن

شیر خورده و چیزی هم در بین نخورده و همچنین سایر شرایط را که در مسئله ۲۴۸۳

گفته شد شرح دهند .

مسئله ۲۵۰۶ - اگر شك کنند بچه بمقداری که علت محرم شدن است شیر

خورده یا نه ، یا گمان داشته باشند که بآن مقدار شیر خورده ، بچه بکسی محرم نمیشود

ولی بهتر آنست که احتیاط کنند .

احکام طلاق

مسئله ۲۵۰۷ - مردی که زن خود را طلاق میدهد؛ باید بالغ و عاقل باشد و با اختیار خود طلاق دهد و اگر او را مجبور کنند که زنش را طلاق دهد؛ طلاق باطل است. و نیز باید قصد طلاق داشته باشد؛ پس اگر صبغه طلاق را بشوخی بگوید صحیح نیست.

مسئله ۲۵۰۸ - زن باید در وقت طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد و شوهرش در آن پاکی با او نزدیکی نکرده باشد و تفصیل این دو شرط در مسائل آینده گفته میشود.

مسئله ۲۵۰۹ - طلاق دادن زن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است

اول - آنکه شوهرش بعد از ازدواج با او نزدیکی نکرده باشد.

دوم - معلوم باشد آبستن است و اگر معلوم نباشد و شوهر در حال حیض طلاقش بدهد، بعد بفهمد آبستن بوده احتیاطاً مستحب آنست که دوباره او را طلاق دهد ولی قبل از طلاق دوم با او معامله زن و شوهری ننماید.

سوم - مرد بواسطه غائب بودن نتواند بفهمد که زن از خون حیض یا نفاس پاک است یا نه.

مسئله ۲۵۱۰ - اگر زن را از خون حیض پاک بدانند و طلاقش دهد بعد معلوم شود که موقع طلاق در حال حیض بوده، طلاق باطل است و اگر او را در حیض بدانند و طلاقش دهد بعد معلوم شود پاک بوده، طلاق صحیح است.

مسئله ۲۵۱۱ - کسیکه میداند زنش در حال حیض یا نفاس است ، اگر غائب شود - مثلا مسافرت کند - و بخواهد اورا طلاق دهد ؛ باید تا مدتی که معمولاً زن از حیض یا نفاس پاک میشود صبر کند .

مسئله ۲۵۱۲ - اگر مردی که غائب است بخواهد زن خود را طلاق دهد ، چنانچه بتواند اطلاع پیدا کند که زن او در حال حیض یا نفاس است یا نه ، اگر چه اطلاع او از روی عادت حیض زن ، یا نشانه های دیگری باشد که در شرع معین شده ، باید تا مدتی که معمولاً زنان از حیض یا نفاس پاک میشوند صبر کند .

مسئله ۲۵۱۳ - اگر با عیالش که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی کند و بخواهد طلاقش دهد ، باید صبر کند تا دوباره حیض ببیند و پاک شود . ولی زنی را که نه سالش تمام نشده ، یا آبستن است ، یا اینکه بائسه شده ، اگر بعد از نزدیکی طلاق دهند اشکال ندارد .
مسئله ۲۵۱۴ - اگر با زنی که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی کند و در همان پاکی طلاقش دهد ، چنانچه بعد معلوم شود که موقع طلاق آبستن بوده بنا بر احتیاط مستحب دوباره اورا طلاق دهد .

مسئله ۲۵۱۵ - اگر با زنی که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی کند و مسافرت نماید چنانچه بخواهد در سفر طلاقش دهد ، باید بقدری که زن معمولاً بعد از آن پاکی خون می بیند و دوباره پاک میشود ، صبر کند .

مسئله ۲۵۱۶ - اگر مرد بخواهد زن خود را که بواسطه مرضی حیض نمی بیند طلاق دهد ، باید از وقتی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از جماع با او خود داری نماید و بعد اورا طلاق دهد .

مسئله ۲۵۱۷ - طلاق باید بصیغه عربی صحیح خوانده شود و دو مرد عادل آنرا بشنوند و اگر خود شوهر بخواهد صیغه طلاق را بخواند و اسم زن او مثلا فاطمه باشد ، باید بگوید : **زَوْجَتِي فَاطِمَةُ طَالِقٌ** - یعنی : زن من فاطمه رهاست - و اگر دیگری را وکیل کند ، وکیل باید بگوید : **زَوْجَةُ مَوْلِي فَاطِمَةُ طَالِقٌ** .

مسئله ۲۵۱۸ - زنی که متعه شده ، مثلا یکماه یا یکساله اورا عقد کرده اند

طلاق ندارد و درها شدن او باین است که مدتش تمام شود یا مرد مدت را باو ببخشد باین ترتیب که بگوید : مدت را بتوبه بخشیدم و شاهد گرفتن و پاک بودن زن از حیض لازم نیست.

عده طلاق

مسئله ۲۵۱۹- زنیکه نه سالش تمام نشده وزن یائسه عده ندارد، یعنی : اگر چه شوهرش با او نزدیکی کرده باشد، بعد از طلاق میتواند فوراً شوهر کند.

مسئله ۲۵۲۰- زنی که به سالش تمام شده و یائسه نیست اگر شوهرش با او نزدیکی کند و طلاقش دهد، بعد از طلاق باید عده نگهدارد یعنی : بعد از آنکه در پاکتی طلاقش داد، و مقداری هر چند کم باشد بعد از طلاق پاک بود بقدری صبر کند که دوباره حیض ببیند و پاک شود و همینکه حیض سوم را دید عده او تمام میشود و میتواند شوهر کند ولی اگر بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد و طلاقش بدهد عده ندارد یعنی : میتواند بعد از طلاق فوراً شوهر کند .

مسئله ۲۵۲۱- زنیکه حیض نمی بیند اگر در سن زنانی باشد که حیض می بینند ، چنانچه شوهرش او را طلاق دهد، باید بعد از طلاق سه ماه عده نگهدارد.

مسئله ۲۵۲۲- زنی که عده او سه ماه است، اگر اول ماه طلاقش بدهند ، باید سه ماه هلالی یعنی : از موقعیکه ماه دیده میشود تا سه ماه عده نگهدارد . و اگر در بین ماه طلاقش بدهند ، باید باقی ماه را با دو ماه بعد از آن و نیز کسری ماه اول را از ماه چهارم عده نگهدارد تا سه ماه تمام شود ، مثلاً اگر غروب روز بیستم ماه طلاقش بدهند و آن ماه بیست و نه روز باشد، باید نه روز باقی ماه را با دو ماه بعد از آن و بیست روز از ماه چهارم عده نگهدارد و احتیاط مستحب آنست که از ماه چهارم بیست و یک روز عده نگهدارد، تا با مقداری که از ماه اول عده نگهداشته سی روز شود.

مسئله ۲۵۲۳- اگر زن آبستن را که حملش از شوهرش باشد طلاق دهند ؛ عده اش تا دنیا آمدن؛ یا سقط شدن بچه او است بنابراین اگر مثلاً یک ساعت بعد از طلاق

بچه اوبدنیا بیاید ، عده اش تمام میشود و اگر حمل از شوهرش نباشد خواه از زنا باشد یا از شبهه بوضع حمل عده طلاق تمام نمیشود بلی عده وطی به شبهه به وضع حمل تمام میشود و زنا عده ندارد.

مسئله ۲۵۲۴ - زنی که نه سالش تمام شده و یا نسه نیست اگر متعه شود مثلا یکماهه . یا یکساله شوهر کند ، چنانچه شوهرش با او نزدیکی نماید و مدت آنزن تمام شود ، یا شوهر مدت را با او ببخشد باید عده نگهدارد ، پس اگر حیض می بیند واجب است بمقدار دو حیض یا بمقدار دو پاکی هر کدام که بیشتر است عده نگهدارد و اگر حیض نمی بیند ، احتیاط واجب آنست که چهل و پنج روز از شوهر کردن خودداری نماید .

مسئله ۲۵۲۵ - ابتدای عده طلاق از موقعی است که خواندن صیغه طلاق تمام میشود ، چو زن بداند طلاقش داده اند ، یا نداند پس اگر بعد از تمام شدن عده بفهمد که او را طلاق داده اند ، لازم نیست دوباره عده نگهدارد .

عده زنی که شوهرش مرده

مسئله ۲۵۲۶ - زنی که شوهرش مرده اگر آبستن نباشد ، باید چهار ماه و ده روز عده نگهدارد یعنی : از شوهر کردن خودداری نماید اگر چه یا نسه یا متعه باشد ، یا شوهرش با او نزدیکی نکرده باشد ، و اگر آبستن باشد ، باید تا موقع وضع حمل عده نگهدارد ولی اگر بیش از گذشتن چهار ماه و ده روز ، بچه اش بدنیا بیاید باید تا چهار ماه و ده روز پس از مرگ شوهرش صبر کند و این عده را عده وفات میگویند .

مسئله ۲۵۲۷ - زنی که در عده وفات میباشد حرام است لباس الوان بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب شود بر او حرام میباشد .

مسئله ۲۵۲۸ - اگر زن یقین کند که شوهرش مرده و بعد از تمام شدن عده وفات شوهر کند ، چنانچه معلوم شود شوهر او بعداً مرده است ، باید از شوهر دوم جدا شود و در صورتیکه آبستن باشد . بمقداری که در عده طلاق گفته شد ، برای شوهر دوم عده طلاق

وبعد برای شوهر اول عدۀ وفات نگهدارد ، و اگر آبستن نباشد برای شوهر اول عدۀ وفات وبعد برای شوهر دوم عدۀ طلاق نگهدارد .

مسئله ۲۵۲۹ - ابتدای عدۀ وفات از موقعی است ، که زن از مرگ شوهر مطلع شود .

مسئله ۲۵۳۰ - اگر زن بگوید عدهام تمام شده ، بادو شرط از او قبول میشود اول - آنکه مورد تهمت نباشد . دوم - از طلاق یا مردن شوهر بقدری گذشته باشد که در آن مدت تمام شدن عده ممکن باشد .

طلاق بائن و طلاق رجعی

مسئله ۲۵۳۱ - طلاق بائن آنست که بعد از طلاق ، مرد حق ندارد بزنی خود رجوع کند یعنی: نمیتواند بدون عقد او را بزنی قبول نماید و آن بر پنج قسم است: اول - طلاق زنی که نه سائش تمام نشده باشد . دوم - طلاق زنی که یائسه باشد . سوم - طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد . چهارم - طلاق سوم زنی که او را سه دفعه طلاق داده اند . پنجم - طلاق خلع و مبارات و احکام اینها بعداً گفته خواهد شد .

غیر اینها طلاق رجعی است که بعد از طلاق تا وقتی زن در عده است ، مرد میتواند با رجوع نماید .

مسئله ۲۵۳۲ - کسیکه زنش را طلاق رجعی داده ؛ حوام است او را از خانه ای که موقع طلاق در آن خانه بوده بیرون کند ، ولی در بعضی از مواقع که در کتابهای مفصل گفته شده ، بیرون کردن او اشکال ندارد . و نیز حرام است زن برای کارهای غیر لازم از آن خانه بیرون برود .

احکام رجوع کردن

مسئله ۲۵۳۳ - در طلاق رجعی مرد بدو قسم میتواند بزین خود رجوع کند :

اول - حرفی بزیند که معنایش این باشد که او را در باره زن خود قرار داده است
دوم - کاری کند که از آن بفهمند رجوع کرده است .

مسئله ۲۵۳۴ - برای رجوع کردن لازم نیست مرد شاهد بگیرد ، یا بزین
خبر دهد ، بلکه اگر بدون اینکه کسی بفهمد ، بگوید : بزینم رجوع کردم صحیح است .

مسئله ۲۵۳۵ - مردی که زن خود را طلاق رجعی داده ؛ اگر مالی اراو بگیرد
و با او صلح کند که دیگر باور رجوع نکند ، حق رجوع او از بین نمیرود و مالی
که در مقابل آن گرفته مالک نمیشود .

مسئله ۲۵۳۶ - اگر زنی را دو مرتبه طلاق دهد و باو رجوع کند ، یا دو مرتبه
اورا طلاق دهد و بعد از هر طلاق عقدش کند ، بعد از طلاق سوم ، آن زن بر او حرام است .
ولی اگر بعد از طلاق سوم بدیگری شوهر کند ؛ با چهار شرط بشوهر اول حلال
میشود ، یعنی : میتواند آن زن را دو باره عقد نماید : اول - آنکه عقد شوهر
دوم عقد دائم باشد و اگر مثلاً یکماهه یا یکساله او را عقد کند ، بعد از آنکه از
او جدا شد شوهر اول نمیتواند او را عقد کند . دوم - شوهر دوم با او نزدیکی
و دخول کند . و بنا بر احتیاط واجب انزال هم بنماید . سوم - شوهر دوم طلاقش دهد
یا بمیرد . چهارم - عده طلاق یا عده وفات شوهر دوم تمام شود .

طلاق خلع

مسئله ۲۵۳۷ - طلاق زنی را که بشوهرش مایل نیست و مهر یا مال دیگر

خود را باو می بخشد که طلاقش دهد ، طلاق خلع گویند .

مسئله ۲۵۳۸ - اگر شوهر بخواند صیغه طلاق را بخواند ، چنانچه اسم زن مثلا فاطمه باشد میگوید : **زَوْجَتِي فَاطِمَةَ خَالَعْتَهَا عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ هِيَ طَالِقٌ** (یعنی زنم فاطمه را طلاق خلع دادم اورها است) .

مسئله ۲۵۳۹ - اگر زنی کسی را وکیل کند که مهر او را بشوهرش ببخشد و شوهر همان کس را وکیل کند که زن را طلاق دهد ، چنانچه مثلا اسم شوهر محمد و اسم زن فاطمه باشد وکیل ، صیغه طلاق را اینطور میخواند : **عَنْ مَوْكَلَّتِي فَاطِمَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِمَوْكَلِّي مُحَمَّدٍ لِيُخْلَعَهَا عَلَيْهِ** . پس از آن بدون فاصله میگوید : **زَوْجَةٌ مَوْكَلِّي خَالَعْتَهَا عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ هِيَ طَالِقٌ** . و اگر زنی کسی را وکیل کند که غیر از مهر چیز دیگری را بشوهر او ببخشد که او را طلاق دهد ، وکیل باید بجای کلمه مهرها آن چیز را بگوید مثلا اگر صد تومان داده باشد بگوید : **بَدَلْتُ مِائَةَ تُوْمَانٍ**

طلاق مبارات

مسئله ۲۵۴۰ - اگر زن و شوهر یکدیگر را نخواهند وزن مالی بمرد بدهد که او را طلاق دهد ، آن طلاق را مبارات گویند .

مسئله ۲۵۴۱ - اگر شوهر بخواند صیغه مبارات را بخواند ، چنانچه مثلا اسم زن فاطمه باشد ، باید بگوید : **بَارَاتُ زَوْجَتِي فَاطِمَةَ عَلَيَّ مَهْرَهَا فَهِيَ طَالِقٌ** - یعنی مبارات کردم زنم فاطمه را در مقابل مهر او پس او رهاست - و اگر دیگری را وکیل کند ؛ وکیل باید بگوید : **بَارَاتُ زَوْجَةٍ مَوْكَلِّي فَاطِمَةَ عَلَيَّ مَهْرَهَا فَهِيَ طَالِقٌ** و در هر دو صورت اگر بجای کلمه **عَلَيَّ مَهْرَهَا** بگوید **بِمَهْرِهَا** اشکال ندارد .

مسئله ۲۵۴۲ - صیغه طلاق خلع و مبارات باید بر بی خوانده شود ولی اگر زن

برای آنکه مال خود را بشوهر ببخشد مثلا بفارسی بگوید : برای طلاق ، فلان مال را بتو بخشیدم اشکال ندارد .

مسئله ۲۵۲۳ - اگر زن درین عده طلاق خلع ، یا مبرات از بخشش خود بر گردد، شوهر میتواند رجوع کند و بدون عقد دوباره اورا زن خود قرار دهد .
 مسئله ۲۵۲۴ - مالی را که شوهر برای طلاق مبرات میگیرد ؛ باید بیشتر از مهر نباشد ولی در طلاق خلع اگر بیشتر باشد اشکال ندارد .

احکام متفرقه طلاق

مسئله ۲۵۴۵ - اگر با زن نامحرمی بگمان اینکه عیال خود اوست نزدیکی کند ؛ چهن بداند که او شوهرش نیست ؛ باگمان کند شوهرش میباشد ، باید عده نگهدارد .

مسئله ۲۵۴۶ - اگر با زنی که میداند عیالش نیست زنا کند ، اگر زن بداند که آن مرد شوهر او نیست ، لازم نیست عده نگهدارد و در صورتیکه زن گمان کند شوهرش میباشد احتیاط لازم نگاه داشتن عده است .

مسئله ۲۵۴۷ - اگر مرد ، زنی را گول بزند که از شوهرش طلاق بگیرد و زن او شود طلاق و عقد آن زن صحیح است ولی مرد و معصیت بزرگی کرده اند .

مسئله ۲۵۴۸ - هرگاه زن در ضمن عقد با شوهر شرط کند که اگر شوهر مسافرت نماید ؛ یا مثلاًش ماه باو خرجی ندهد اختیار طلاق با او باشد ، این شرط باطل است . ولی چنانچه شرط کند و کالت فعلی خود را از طرف شوهر که اگر شوهر مسافرت کند یا مثلاً ناشش ماه خرجی ندهد ، طلاق خود را بدهد این شرط صحیح است و تا شوهر او را عزل نکرده و یا عزلش از و کالت باو نرسیده چنانچه خود را طلاق دهد صحیح است .
 مسئله ۲۵۴۹ - زنی که شوهرش گم شده ، اگر بخواهد بدیگری شوهر کند باید نزد مجتهد عادل برود و بدستور او عمل نماید .

مسئله ۲۵۵۰ - پدر و جد پدری دیوانه که دیوانگی او متصل بزمان صغیر بودنش

باشد میتواند زن او را طلاق بدهند و اگر متصل نباشند با حاکم شرع است و احتیاط لازم آنستکه حاکم هم از آنان اذن بگیرد .

مسئله ۲۵۵۱ - اگر پدر یا جد پدری برای طفل خود زنی را متعه کند ، اگر چه مقداری از زمان تکلیف بچه جزء مدت عقد باشد ، مثلاً برای پسر چهارده ساله اش زنی را دو ساله متعه کند ، چنانچه صلاح بچه باشد؛ میتواند مدت آن زن را ببخشد ولی زن دائمی او را نمیتواند طلاق دهد .

مسئله ۲۵۵۲ - اگر از روی علامتی که در شرع معین شده ، مرد دو نفر را عادل بداند و زن خود را پیش آن دو طلاق بدهد ، دیگری که شك در عدالت آن دو داشته باشد میتواند آن زن را بعد از تمام شدن عده اش برای خود یا برای کس دیگر عقد کند ولی برای کسیکه آن دو را فاسق بداند اکتفاء به آن طلاق اشکال دارد و احتیاط واجب آنست که از ازدواج با او خود داری نماید و برای دیگری هم او را عقد نکند .

مسئله ۲۵۵۳ - اگر کسی زن خود را بدون اینکه او بفهمد طلاق بدهد ، چنانچه مخارج او را مثل وقتیکه زنش بوده بدهد و مثلاً بعد از یکسال بگوید : یکسال پیش تو را طلاق دادم و شرعاً هم ثابت کند ، میتواند چیزهایی را که در آن مدت برای زن تهیه نموده و او مصرف نکرده است از او پس بگیرد ، ولی چیزهایی را که مصرف کرده نمیتواند از او مطالبه نماید .

احکام غضب

غضب آنست که انسان از روی ظلم؛ بر مال یا حق کسی مسلط شود و این یکی از گناهان بزرگ است که اگر کسی انجام دهد، در قیامت بعداب سخت گرفتار میشود از حضرت پیغمبر اکرم ﷺ روایت شده است که هر کس يك وجب زمین از دیگری غضب کند در قیامت آن زمین را از هفت طبقه آن مثل طوق بگردن او میاندازند.

مسئله ۲۵۵۴- اگر انسان نگذارد مردم از مسجد و مدرسه و پل و جاهای دیگری که برای عموم ساخته شده استفاده کنند، حق آنان را غضب نموده و همچنین است اگر کسی در مسجد جائی برای خود بگیرد و دیگری نگذارد که از آنجا استفاده نماید.

مسئله ۲۵۵۵- چیزی را که انسان پیش طلبکار گرو میگذارد، باید پیش او بماند که اگر طلب او را ندهد طلب خود را از آن بدست آورد پس اگر پیش از آنکه طلب او را بدهد آن چیز را از او بگیرد، حق او را غضب کرده است.

مسئله ۲۵۵۶- مالی را که نزد کسی گرو گذاشته اند، اگر دیگری غضب کند صاحب مال و طلبکار میتواند چیزی را که غضب کرده از او مطالبه نمایند و چنانچه آن چیز را از او بگیرند، باز هم در گرو است و اگر آن چیز از بین برود و عوض آنرا بگیرند، آن عوض هم مثل خود آن چیز گرو میباشد.

مسئله ۲۵۵۷- اگر انسان چیزی را غضب کند، باید بصاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آنرا باو بدهد.

مسئله ۲۵۵۸- اگر از چیزی که غضب کرده منفعتی بدست آید مثلا از گوسفند

بره‌ای پیدا شود ، مال صاحب مال است و نیز کسیکه مثلا خانه‌ای را غضب کرده ، اگر چه در آن ننشیند باید اجازه آنرا بدهد .

مسئله ۲۵۵۹ - اگر از بچه یا دیوانه چیزی را غضب کند ؛ باید آنرا بولی او بدهد و اگر از بین رفته باید عوض آنرا بدهد .

مسئله ۲۵۶۰ - هر گاه دو نفر با هم چیزی را غضب کنند هر کدام آن دو ضامن نصف آنست ، اگر چه هر يك به تنهایی میتواند آنرا غضب نماید .

مسئله ۲۵۶۱ - اگر چیزی را که غضب کرده با چیز دیگری مخلوط کند - مثلا گندمی را که غضب کرده با جو مخلوط نماید - چنانچه جدا کردن آنها ممکن است اگر چه زحمت داشته باشد ، باید جدا کند و بصاحبش برگرداند .

مسئله ۲۵۶۲ - اگر ظرف طلا و نقره یا چیز دیگری را که ساختنش حرام است غضب کند و خراب نماید ، لازم نیست مزد ساختن آنرا بصاحبش بدهد ولی اگر مثلا گوشواره‌ای را که غضب کرده خراب نماید ، باید آنرا بامزد ساختنش بصاحب آن بدهد و چنانچه برای اینکه مزد ندهد ، بگوید آنرا مثل اولش میسازم ، مالك مجبور نیست قبول نماید . و نیز مالك نمیتواند او را مجبور کند که آنرا مثل اولش بسازد .

مسئله ۲۵۶۳ - اگر چیزی را که غضب کرده بطوری تغییر دهد که از اولش بهتر شود مثلا طلائی را که غضب کرده گوشواره بسازد ، چنانچه صاحب مال بگوید مال را بهمین صورت بده ، باید باو بدهد و نمیتواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد ، بلکه بدون اجازه مالك حق ندارد آنرا بصورت اولش در آورد و اگر بدون اجازه او آن چیز را مثل اولش کند ، باید تفاوت قیمت ساخته و نساخته آنرا هم بصاحبش بدهد .

مسئله ۲۵۶۴ - اگر چیزی را که غضب کرده بطوری تغییر دهد که از اولش بهتر شود ، و صاحب مال بگوید باید آنرا بصورت اول در آوری واجب نیست آنرا

بصورت اولش در آورد .

مسئله ۲۵۶۵ - اگر در زمینی که غصب کرده زراعت کند، یا درخت بنشاند ، زراعت و درخت و میوه آن مال خود اوست . و چنانچه صاحب زمین راضی نباشد که زراعت و درخت در زمین بماند ، غاصب بساید فوراً زراعت یا درخت خود را اگر چه ضرر کماید از زمین بکند و نیز باید اجاره زمین را در مدتی که زراعت و درخت در آن بوده بصاحب زمین بدهد و خرابیهائی را که در زمین پیدا شده ؛ درست کند مثلاً جای درختها را پر نماید . و اگر بواسطه اینها قیمت زمین از اولش کمتر شود ، باید تفاوت آن را هم بدهد . و نمیتواند صاحب زمین را مجبور کند که زمین را باو بفروشد ، یا اجاره دهد . و نیز صاحب زمین نمیتواند او را مجبور کند که درخت یا زراعت را باو بفروشد .

مسئله ۲۵۶۶ - اگر صاحب زمین راضی شود که زراعت و درخت در زمین او بماند ، کسیکه آن را غصب کرده ، لازم نیست درخت و زراعت را بکند ولی باید اجاره آن زمین را از وقتی که غصب کرده تا وقتی که صاحب زمین راضی شده بدهد .

مسئله ۲۵۶۷ - اگر چیزی را که غصب کرده از بین برود ، در صورتیکه مثل گاو و گوسفند باشد که قیمت اجزاء آن با هم فرق دارد - مثلاً گوشت آن يك قیمت و پوست آن قیمت دیگر دارد - باید قیمت آنرا بدهد و چنانچه قیمت بازار آن فرق کرده باشد ، باید قیمت وقتی را که تلف شده بدهد و احتیاط مستحب آنستکه بالاترین قیمتی را که از زمان غصب تا زمان پرداخت قیمت داشته بدهد .

مسئله ۲۵۶۸ - اگر چیزی را که غصب کرده و از بین رفته مانند گندم و جو باشد که قیمت اجزایش با هم فرق ندارد ، باید مثل همان چیزی را که غصب کرده بدهد ولی چیزی را که میدهد باید خصوصاً صیانتش مثل چیزی باشد که آن را غصب کرده و از بین رفته است .

مسئله ۲۵۶۹ - اگر چیزی را که مثل گوسفند قیمت اجزاء آن با هم فرق دارد

غصب نماید و از بین برود، چنانچه قیمت بازار آن فرق نکرده باشد ولی در مدتی که پیش او بوده مثلاً چاق شده باشد، باید قیمت وقتی را که چاق بوده بدهد.

مسئله ۲۵۷۰- اگر چیزی را که غصب کرده دیگری از او غصب نماید و از بین برود، صاحب مال میتواند عوض آن را از هر يك از آنان بگیرد، با از هر کدام آنان مقداری از عوض آن را مطالبه نماید و چنانچه عوض مال را از اولی بگیرد، اولی میتواند آنچه را داده از دومی بگیرد ولی اگر از دومی بگیرد، او نمیتواند آنچه را داده از اولی مطالبه نماید.

مسئله ۲۵۷۱- اگر چیزی را که میفروشد یکی از شرایط معامله در آن نباشد - مثلاً چیزی را که باید با وزن خرید و فروش کنند بدون وزن معامله نمایند - معامله باطل است. و چنانچه فروشنده و خریدار با قطع نظر از معامله راضی باشند که در مال بکدیگر تصرف کنند اشکال ندارد و گرنه چیزی را که از یکدیگر گرفته اند مثل مال خصمی است و باید آن را بهم برگردانند و در صورتیکه مال هر يك در دست دیگری تلف شود، چه بدانند معامله باطل است چه ندانند، باید عوض آن را بدهد.

مسئله ۲۵۷۲- هر گاه مالی را از فروشنده بگیرد که آن را ببیند یا مدتی نزد خود نگهدارد تا اگر پسندید بخرد، در صورتیکه آن مال تلف شود؛ باید عوض آن را بصاحبش بدهد.

احکام مالی که انسان

آنها پیدا میکند

مسئله ۲۵۷۳ - مالی را که انسان پیدا میکند اگر نشانه‌ای نداشته باشد که بواسطه آن، صاحبش معلوم شود، بنا بر احتیاط لازم باید از طرف صاحبش صدقه بدهد.

مسئله ۲۵۷۴ - اگر مالی پیدا کند که نشانه دارد و قیمت آن از ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار کمتر است، چنانچه صاحب آن معلوم باشد و انسان نداند راضی است یا نه، نمیتواند بدون اجازه او بردارد و اگر صاحب آن معلوم نباشد، میتواند بقصد اینکه ملك خودش شود بردارد و احتیاط واجب آنست که هر وقت صاحبش پیدا شد اگر عین مال باقی است آنها را به صاحبش رد کند، ولی اگر عین از بین رفته دادن عوض لازم نیست.

مسئله ۲۵۷۵ - هر گاه چیزی که پیدا کرده نشانه‌ای دارد که بواسطه آن میتواند صاحبشرا پیدا کند، اگر چه بداند صاحب آن کافری است که در امان مسلمانان است در صورتیکه قیمت آن چیز به ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار برسد باید از روزی که آنها پیدا کرده تا یکسال در جاهائی که مردم اجتماع می کنند اعلان کند و لازم نیست که هر روز اعلان کند بلکه اگر تا یکسال طوری بگوید و اعلان کند که مردم بگویند اعلان

میکند کافی است .

مسئله ۲۵۷۶- اگر انسان خودش نخواهد اعلان کند، میتواند بکسیکه اطمینان دارد بگوید که از طرف او اعلان نماید .

مسئله ۲۵۷۷- اگر تا یکسال اعلان کند و صاحب مال پیدا نشود ، میتواند آنرا برای خود بردارد ، بقصد اینکه هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آنرا باو بدهد یا برای اونگهداری کند که هر وقت پیدا شد باو بدهد ولی احتیاط مستحب آنستکه از طرف صاحبش صدقه بدهد .

مسئله ۲۵۷۸- اگر بعد از آنکه یکسال اعلان کرد و صاحب مال پیدا نشد مال را برای صاحبش نگهداری کند و از بین برود ، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده و تعدی یعنی زیاده روی هم ننموده ضامن نیست ولی اگر از طرف صاحبش صدقه داده باشد یا برای خود برداشته باشد، ضامن است .

مسئله ۲۵۷۹- کسیکه مالی را پیدا کرده ، اگر عمداً بدستوری که گفته شد اعلان نکند ؛ گذشته از اینکه معصیت کرده، باز هم واجب است اعلان کند .

مسئله ۲۵۸۰- اگر بچه نابالغ چیزی پیدا کند ولی او باید اعلان نماید .

مسئله ۲۵۸۱- اگر انسان در بین سالی که اعلان میکند ، از پیدا شدن صاحب مال نا امید شود و بخواهد آنرا صدقه بدهد اشکال ندارد .

مسئله ۲۵۸۲- اگر در بین سالی که اعلان میکند مال از بین برود ، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده ؛ یا تعدی یعنی زیاده روی کرده باشد ؛ باید عوض آن را بصاحبش بدهد و اگر کوتاهی نکرده و زیاده روی هم ننموده ، چیزی بر او واجب نیست .

مسئله ۲۵۸۳- اگر مالی را که نشانه دارد و قیمت آن به ۱۲۶ نخود نقره سکه دار می رسد در جائی پیدا کند که معلوم است بواسطه اعلان ، صاحب آن پیدا نمی شود ؛ میتواند در روز اول آنرا از طرف صاحبش صدقه بدهد و چنانچه صاحبش پیدا شود و بصدقه دادن راضی نشود ، باید عوض آنرا باو بدهد و ثواب صدقه ای که داده

مال خود اوست .

مسئله ۲۵۸۲ - اگر چیزی را پیدا کند و بخیال اینکه مال خود او است بردارد بعد بفهمد مال خودش نبوده ، باید تا یکسال اعلان نماید و همچنین است اگر مثلاً پای خود را به گمشده‌ای بزند و آنرا از جای خودش حرکت دهد .

مسئله ۲۵۸۵ - باید موقع اعلان ، جنس چیزی را که پیدا کرده بگوید مثل اینکه بگوید : کتابی پیدا کرده‌ام یا لباسی ، و اگر همینقدر بگوید : چیزی پیدا کردم ، کافی نیست .

مسئله ۲۵۸۶ - اگر کسی چیزی را پیدا کند و دیگری بگوید مال من است در صورتی باید باو بدهد که نشانه‌های آنرا بگوید . ولی لازم نیست نشانه‌هایی را که بیشتر اوقات صاحب مال هم ملفت آنها نیست بگوید .

مسئله ۲۵۸۷ - اگر قیمت چیزی را که پیدا کرده به ۱۲۶ نفیسه سکه - دار برسد چنانچه اعلان نکند و در مسجد ؛ یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارد و آن چیز از بین برود ؛ یا دیگری آن را بردارد ، کسی که آنرا پیدا کرده ضامن است .

مسئله ۲۵۸۸ - هرگاه چیزی پیدا کند که اگر بماند فاسد میشود ، باید قیمت آنرا معین کند یا برای خودش بردارد و یا بدیگری بفروشد و پولش را برای صاحبش نگهدارد و احتیاط لازم آنست که این کار باذن حاکم شرع ، یا وکیل او باشد ، و در هر دو صورت وجوب اعلان تا یکسال ساقط نمیشود و اگر تا یکسال صاحبش پیدا نشد ، میتواند در ثمن تصرف کند و با آنرا از طرف صاحبش صدقه بدهد ، و هر وقت صاحب مال پیدا شود باید عوض ثمن و یا قیمتی را که بعهده گرفته و مال را برای خود برداشته ، باو رد کند ، بلی اگر ثمن را صدقه داده باشد و صاحب مال بصدقه راضی شود چیزی بر او نیست .

مسئله ۲۵۸۹ - اگر چیزی را که پیدا کرده موقع وضو گرفتن و نماز خواندن

همراه او باشد ، در صورتی که قصدش این باشد که صاحب آن را پیدا کند اشکال ندارد .

مسئله ۲۵۹۰ - اگر کفش او را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند، چنانچه بدانند کفشی که مانده مال کسی است که کفش او را برده ، می تواند بجای کفش خودش بردارد ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد ، باید هر وقت صاحب آن پیدا شد زیادی قیمت را باو بدهد و چنانچه از پیدا شدن او نا امید شود ، باید با اجازه حاکم شرع زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهد و اگر احتمال دهد کفشی که مانده مال کسی نیست که کفش او را برده در صورتیکه قیمت آن از ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار کمتر باشد ، میتواند برای خود بردارد و اگر بیشتر باشد باید تا یک سال اعلان کند و بعد از یک سال احتیاطاً از طرف صاحبش صدقه بدهد .

مسئله ۲۵۹۱ - اگر مالی را که کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار ارزش دارد پیدا کند و از آن صرف نظر نماید و در مسجد یا جای دیگر بگذارد، چنانچه کسی آنرا بردارد ، برای او حلال است .

احکام سر بریدن

وشکار کردن حیوانات

مسئله ۲۵۹۲ - اگر حیوان حلال گوشت را بدستوری که بعداً گفته میشود سر ببرند - وحشی باشد یا اهلی - بعد از جان دادن ، گوشت آن حلال و بدن آن پاک است ولی حیوانی که نجاستخوار شده، اگر بدستوری که در شرع معین نموده اند ، آن را استبراء نکرده باشند و حیوانی که انسان با آن وطی و نزدیکی کرده بعد از سر بریدن گوشت آن حلال نیست .

مسئله ۲۵۹۳ - حیوان حلال گوشت وحشی مانند آهو و کبک و بز کوهی و حیوان حلال گوشتی که اهلی بوده و بعداً وحشی شده مثل گاو و شتر اهلی که فرار کرده و وحشی شده است ، و سهولت ذبحش میسر نیست اگر بدستوری که بعداً گفته میشود آنها را شکار کنند پاک و حلال است ولی حیوان حلال گوشت اهلی مانند گوسفند و مرغ خانگی و حیوان حلال گوشت وحشی که بواسطه تربیت کردن اهلی شده است و ذبحش سهولت میسور است ، با شکار کردن پاک و حلال نمیشود .

مسئله ۲۵۹۴ - حیوان حلال گوشت وحشی در صورتی با شکار کردن پاک و حلال میشود که بتواند فرار کند یا پرواز نماید، بنابراین بچه آهو که نمیتواند فرار کند و بچه کبک که نمیتواند پرواز نماید ؛ با شکار کردن پاک و حلال نمیشود

و اگر آهو و بچه اش را که نمیتواند فرار کند؛ با يك تیر شکار نمایند آهو حلال و بچه اش حرام است .

مسئله ۲۵۹۵ - حیوان حلال گوشتی که مانند ماهی خون جهنده ندارد، اگر بغیر دستور شرعی که در صید ماهی گفته میشود بمیرد پاك است ولی گوشت آنرا نمیشود خورد .

مسئله ۲۵۹۶ - حیوان حرام گوشت که خون جهنده ندارد، مانند مار با سر بریدن حلال نمیشود ولی مرده آن پاك است چه خودش بمیرد یا سرش را ببرند .

مسئله ۲۵۹۷ - سگ و خوک بواسطه سر بریدن و شکار کردن پاك نمیشوند و خوردن گوشت آنها هم حرام است. و حیوان حرام گوشتی را که درنده و گوشتخوار است مانند گرگ و پلنگ اگر بدستوری که گفته میشود سر ببرند، یا با تیر و مانند آن شکار کنند پاك است ولی گوشت آن حلال نمیشود و اگر با سگ شکاری آنرا شکار کنند، پاك شدنش هم اشکال دارد .

مسئله ۲۵۹۸ - فیل و خرس و بوزینه و موش و حیواناتیکه مانند مار و سوسمار در داخل زمین زندگی میکنند، اگر خون جهنده داشته باشد و بخودی خود بمیرند نجسند. بلکه اگر سر آنها را هم ببرند، یا آنها را شکار نمایند، پاك شدن بدنشان اشکال دارد و احتیاط لازم اجتناب از آنهاست .

مسئله ۲۵۹۹ - اگر از شکم حیوان زنده بچه مرده ای بیرون آید؛ یا آن را بیرون آورند، خوردن گوشت آن حرام است .

دستور سر بریدن حیوان

مسئله ۲۶۰۰ - دستور سر بریدن حیوان آنستکه حلقوم (مجرای نفس) و مری (مجرای غذا) و دوشاهرگ را که در دو طرف حلقوم است که بآنها اوداج اربعه گفته

میشود از پائین برآمدگی زیر گلوبطور کامل ببرند و اگر آنها را بشکافند کافی نیست.
 مسئله ۲۶۰۱ - اگر بعضی از چهار رگ را ببرند و صبر کنند تا حیوان بمیرد
 بعد بقیه را ببرند فائده ندارد؛ بلکه اگر باین مقدار هم صبر نکنند ولی بطور معمول
 چهار رگ را طوری پشت سر هم ببرند که يك کار شمرده شود اشکال دارد اگر چه پیش
 از جان دادن حیوان ، بقیه رگها را ببرند .

مسئله ۲۶۰۲ - اگر گرگ گلوی گوسفند را بطوری بکند که از چهار رگی
 که در گردن است و باید بریده شود ، چیزی نماند ، آن حیوان حرام میشود ولی
 اگر مقداری از گردن را بکند و چهار رگ باقی باشد ، یا جای دیگر بدن را بکند ،
 در صورتی که گوسفند زنده باشد و بدستوری که گفته شد سر آن را ببرند حلال و پاک میباشد .

شرائط سر بریدن حیوان

مسئله ۲۶۰۳ - سر بریدن حیوان پنج شرط دارد :

اول - کسیکه سر حیوان را میبرد - چه مرد باشد ، چه زن - باید مسلمان باشد
 و اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر علیهم السلام را نکند . و بیچه مسلمان هم اگر ممیز باشد
 یعنی خوب و بد را بفهمد میتواند سر حیوان را ببرد .

دوم - سر حیوان را با چیزی ببرند که از آهن باشد ولی چنانچه آهن پیدانشود
 و محتاج بذبح حیوان باشند با چیز تیزی که چهار رگ را جدا کند - مانند شیشه
 و سنگ تیز - میشود سر حیوان را ببرد .

سوم - در موقع سر بریدن ، صورت و دست و پا و شکم حیوان رو بقبله باشد
 و کسیکه میدانند باید رو بقبله سر ببرد ، اگر عمداً حیوان را رو بقبله نکند ، حیوان حرام
 میشود . ولی اگر فراموش کند ، یا مسئله را نداند ، یا قبله را اشتباه کند ، یا نداند
 قبله کدام طرف است ، یا نتواند حیوان را رو بقبله کند ، اشکال ندارد .

چهارم - وقتی میخواهد سر حیوان را ببرد ، یا کارد بگلویش بگذارد ، به نیت سر بریدن نام خدا را ببرد و همین قدر که بگوید بِسْمِ اللّٰهِ کافی است و اگر بدون قصد سر بریدن نام خدا را ببرد ، آن حیوان پاک نمیشود و گوشت آنهم حرام است و همچنین است اگر از روی جهل به مسئله نام خدا را نبرد ؛ ولی اگر از روی فراموشی نام خدا را نبرد ، اشکال ندارد .

پنجم - حیوان بعد از سر بریدن حرکتی نکند اگر چه مثلاً چشم یا دم خود را حرکت دهد ، یا پای خود را بزمین زند و یا آنکه باندازه معمول خون از بدنش بیرون آید

دستور کشتن شتر

مسئله ۲۶۰۴ - در تذکیر علاوه بر پنج شرطیکه برای سر بریدن حیوانات گفته شد ، باید کارد یا چیز دیگری را که از آهن و برنده باشد ، در گودی بین گردن و سینه اش فرو کنند .

مسئله ۲۶۰۵ - وقتی میخواهند کارد را بگردن شتر فرو ببرند ؛ بهتر است که شتر ایستاده باشد ولی اگر در حالیکه زانوها را بزمین زده ، یا به پهلو خوابیده و دست و پا و سینه اش رو بقبله است ، کارد را در گودی گردنش فرو کنند اشکال ندارد .

مسئله ۲۶۰۶ - اگر بجای اینکه کارد در گودی گردن شتر فرو کنند سر آنرا ببرند ؛ یا گوسفند و گاو و مانند اینها را مثل شتر کارد در گودی گردنش فرو کنند ، گوشت آنها حرام و بدن آنها نجس است ولی اگر چهار رگ شتر را ببرند و تازنده است کارد در گودی گردنش فرو کنند ، گوشت آن حلال و بدن آن پاک است و نیز اگر کارد در گودی گردن گاو یا گوسفند و مانند اینها فرو کنند و تازنده است سر آنرا ببرند حلال و پاک میباشد .

مسئله ۲۶۰۷ - اگر حیوانی سرکش شود و نتوانند آنرا بدستوری که در شرع معین شده بکشند ، یا مثلاً در چاه بیفتد و احتمال بدهند که در آنجا بمیرد و کشتن آن

بدستور شرع ممکن نباشد، هر جای بدنش را که زخم بزنند و در اثر آن زخم جان بدهد حلال میشود و رو بقبله بودن آن لازم نیست ولی باید شرائط دیگری را که برای سر بریدن حیوان گفته شد؛ دارا باشد.

مستحبات سر بریدن حیوان

مسئله ۲۶۰۸ - چند چیز در سر بریدن حیوان مستحب است :

- اول - موقع سر بریدن گوسفند؛ دودست و یک پای آنرا ببندند و پای دیگرش را باز بگذارند و موقع سر بریدن گاو چهار دست و پایش را ببندند و دم آنرا باز بگذارند و موقع کشتن شتر دو دست آنرا از پائین تازانو؛ یا زیر بغل بیکدیگر ببندند و پاهایش را باز بگذارند و مستحب است مرغ را بعد از سر بریدن رها کنند تا پروبال بزند.
- دوم - کسیکه حیوان را میکشد رو بقبله باشد.
- سوم - پیش از کشتن حیوان آب جلوی آن بگذارند.
- چهارم - کاری کنند که حیوان کمتر اذیت شود مثلاً کارد را خوب تیز کنند و با عجله سر حیوان را ببرند.

مکروهات سر بریدن حیوان

مسئله ۲۶۰۹ - چند چیز در سر بریدن حیوان مکروه است.

- اول - آنکه کارد را پشت حلقوم فرو کنند و بطرف جلو بیاورند که حلقوم از پشت آن بریده شود.
- دوم - آنکه پیش از بیرون آمدن روح، سر حیوان را از بدنش جدا کنند، بلکه احتیاط واجب ترک اینکار است اگر چه گوشت ذبیحه بواسطه آن حرام نمیشود ولی اگر از روی غفلت یا بواسطه تیز بودن کارد بی اختیار سر حیوان جدا شود

مکروه نیست .

سوم - آنکه پیش از بیرون آمدن روح ؛ پوست حیوان را بکنند ؛ بلکه احتیاط واجب ترك آن است اگر چه گوشت ذبیحه بواسطه آن حرام نمی شود .
چهارم - آنکه پیش از بیرون آمدن روح ، مغز حرام را که در تیره پشت است ببرند .

پنجم - آنکه در جایی حیوان را بکشند که حیوان دیگر آنرا ببیند .
ششم - آنکه در شب یا پیش از ظهر روز جمعه سر حیوان را ببرند ولی در صورت احتیاج عیبی ندارد .
هفتم - آنکه خود انسان چهارپائی را که پرورش داده است بکشد .

احکام شکار کردن با اسلحه

مسئله ۲۶۱۰ - اگر حیوان حلال گوشت وحشی و یا اهلی را که وحشی شده با اسلحه شکار کنند ، با پنج شرط حلال و بدنش پاك است :

اول - آنکه اسلحه شکار مثل کارد و شمشیر برنده باشد ، یا مثل نیزه و تیر ، تیز باشد که بواسطه تیز بودن ، بدن حیوان را پاره کند و اگر بوسیله دام یا چوب و سنگ و مانند اینها حیوانی را شکار کنند پاك نمی شود و خوردن آنها حرام است .
و اگر حیوانی را با تفنگ شکار کنند ، چنانچه گلوله آن تیز باشد که در بدن حیوان فرورود و آنرا پاره کند پاك و حلال است ، و اگر گلوله تیز نباشد بلکه با فشار در بدن حیوان فرورود و حیوان را بکشد ؛ یا بواسطه حرارتش بدن حیوان را بسوزاند و در اثر سوزاندن ، حیوان بمیرد پاك و حلال بودنش اشکال دارد .

دوم - کسیکه شکار میکند ، باید مسلمان باشد یا بجهت مسلمان باشد که خوب و بد را بفهمد و اگر کافر یا کسیکه اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر ﷺ را می کند

حیوانی را شکار نماید ، آن شکار حلال نیست .

سوم - اسلحه را برای شکار کردن حیوان بکار برد و اگر مثلاً جایی را نشان کند و اتفاقاً حیوانی را بکشد ، آن حیوان پاک نیست و خوردن آن هم حرام است .
چهارم - در وقت بکار بردن اسلحه نام خدا را ببرد و چنانچه عمداً نام خدا را نبرد شکار حلال نمیشود ولی اگر فراموش کند اشکال ندارد .

پنجم - وقتی بحیوان برسد که مرده باشد ، یا اگر زنده است باندازه سر بریدن آن وقت نباشد و چنانچه باندازه سر بریدن وقت باشد و سر حیوان را نبرد تا بمیرد حرام است .

مسئله ۲۶۱۱ - اگر دو نفر حیوانی را شکار کنند ، یکی از آنان مسلمان و دیگری کافر باشد آن حیوان حلال نیست و اگر هر دو مسلمان باشند یکی از آنها نام خدا را ببرد و دیگری عمداً نام خدا را نبرد ، آن حیوان حلال نیست بنا بر احتیاط لازم .

مسئله ۲۶۱۲ - اگر بعد از آنکه حیوانی را تیر زدند مثلاً در آب بیفتد و انسان بداند که حیوان بواسطه تیر و افتادن در آب جان داده ، حلال نیست بلکه اگر شك کند که فقط برای تیر بوده بانه ، حلال نمی باشد و اگر حیوانی را شکار کنند و از نظر ناپدید شود و بعد از آن مرده آن حیوان پیدا شود اگر بدانند که موت آن فقط مستند به سلاح شکار بوده حلال است ولی اگر احتمال دهند که سلاح شکار به ضمیمه چیز دیگر سبب مرگ حیوان شده محکوم بنجاست و حرمت است .

مسئله ۲۶۱۳ - اگر با سنگ غصبی یا اسلحه غصبی حیوانی را شکار کند ، شکار حلال است و مال خود او می شود ولی گذشته از اینکه گناه کرده ، باید اجرت اسلحه یا سنگ را بصاحبش بدهد .

مسئله ۲۶۱۴ - اگر باشمشیر یا چیز دیگری که شکار کردن با آن صحیح است با شرطهایی که در صفحه گذشته گفته شد ، حیوانی را دو قسمت کنند ، و سر و گردن

در يك قسمت بماند و انسان وقتی برسد که حیوان جان داده باشد ؛ هر دو قسمت حلال است و همچنین است اگر حیوان زنده باشد ولی باندازه سر بریدن وقت نباشد اما اگر باندازه سر بریدن وقت باشد و ممکن باشد که مقداری زنده بماند ؛ قسمتی که سر و گردن ندارد حرام و قسمتی که سر و گردن دارد ؛ اگر سر آنرا بدستوری که در شرع معین شده ببرند حلال و گرنه آنهم حرام میباشد .

مسئله ۲۶۱۵ - اگر با چوب یا سنگ با چیز دیگری که شکار کردن با آن صحیح نیست ؛ حیوانی را دو قسمت کنند ، قسمتی که سر و گردن ندارد حرام است و قسمتی که سر و گردن دارد، اگر زنده باشد و ممکن باشد که مقداری زنده بماند و سر آنرا بدستوری که در شرع معین شده ببرند ، حلال و گرنه آن قسمت هم حرام میباشد .

مسئله ۲۶۱۶ - اگر حیوانی را شکار کنند ، یا سر ببرند و بچه زنده ای از شکم آن بیرون آید چنانچه آن بچه را بدستوری که در شرع معین شده سر ببرند حلال و گرنه حرام میباشد .

مسئله ۲۶۱۷ - اگر حیوانی را شکار کنند یا سر ببرند و بچه مرده ای از شکم بیرون آورند ، چنانچه خلقت آن کامل باشد و مویا پشم در بدنش روئیده باشد پاک و حلال است .

شکار کردن با سنگ شکاری

مسئله ۲۶۱۸ - اگر سنگ شکاری حیوان وحشی و یا اهلی وحشی شده حلال گوشتی را شکار کند پاک بودن آن حیوان شش شرط دارد :

اول - سنگ بطوری تربیت شده باشد که هر وقت آنرا برای گرفتن شکار بفرستند برود و هر وقت از رفتن جلوگیری کنند بایستد و نیز باید عادتش این باشد که تا صاحبش نرسد از شکار نخورد ، ولی اگر اتفاقاً شکار را بخورد اشکال ندارد .

دوم - صاحبش آنرا بفرستد و اگر پیش خود دنبال شکار رود و حیوانی را شکار

کند خوردن آن حیوان حرام است . بلکه اگر پیش خود دنبال شکار رود و بعد اصحابش بانگ بزند که زودتر آنرا بشکار برساند ، اگر چه بواسطه صدای صاحبش شتاب کند ، بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن آن شکار خودداری نمایند .

سوم - کسیکه سنگ را میفرستد باید مسلمان باشد یا بچه مسلمان باشد که خوب و بد را بفهمد و اگر کافر یا کسیکه اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله را میکند سنگ را بفرستد ، شکار آن حرام است .

چهارم - وقت فرستادن سنگ نام خدا را ببرد و اگر عمدآنام خدا را نبرد ، آن شکار حرام است ولی اگر فراموش کند اشکال ندارد .

پنجم - شکار بواسطه زخمی که از دندان سنگ پیدا کرده بمیرد پس اگر سنگ شکار را خفه کند ، یا شکار از دو بدن یا ترس بمیرد حلال نیست .

ششم - کسیکه سنگ را فرستاده ، وقتی برسد که حیوان مرده باشد ، یا اگر زنده است باندازه سر بریدن آن وقت نباشد و چنانچه وقتی برسد که باندازه سر بریدن وقت باشد و سر حیوان را نبرد تا بمیرد حلال نیست .

مسئله ۲۶۱۹ - کسیکه سنگ را فرستاده اگر وقتی برسد که بتواند سر حیوان را ببرد ، چنانچه مثلاً بواسطه بیرون آوردن کارد و مانند آن وقت بگذرد و آن حیوان بمیرد حلال است ، ولی اگر چیزی همراه او نباشد که با آن ، سر حیوان را ببرد و حیوان بمیرد احتیاط واجب آنست که از خوردن آن خودداری کنند .

مسئله ۲۶۲۰ - اگر چند سنگ را بفرستند و با هم حیوانی را شکار کنند ، چنانچه همه آنها دارای شرائطی که گفته شد بوده اند . شکار حلال است و اگر یکی از آنها دارای شرائط نبوده ، شکار حرام است .

مسئله ۲۶۲۱ - اگر سنگ را برای شکار حیوانی بفرستد و آن سنگ حیوان دیگری را شکار کند ؛ آن شکار حلال و پاک است . و نیز اگر آن حیوان را با حیوان دیگری شکار کند ، هر دوی آنها حلال و پاک میباشد .

مسئله ۲۶۲۲- اگر چند نفر با هم سنگ را بفرستند و یکی از آنان کافر باشد آن شکار حرام است؛ و اگر همه مسلمان باشند و یکی از آنان عمداً نام خدا را نبرد، بنا بر احتیاط لازم آن شکار حرام است.

مسئله ۲۶۲۳- اگر باز یا حیوان دیگری غیر سنگ شکاری، حیوانی را شکار کند، آن شکار حلال نیست ولی اگر وقتی برسند که حیوان زنده باشد و بدستوری که در شرع معین شده سر آنرا ببرند حلال است.

صید ماهی

مسئله ۲۶۲۴- اگر ماهی فلس دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد پاک و خوردن آن حلال است. و چنانچه در آب بمیرد پاک است ولی خوردن آن حرام می باشد بلی اگر دامی در آب برای صید ماهی نصب کنند و ماهی بعد از به دام افتادن در آب بمیرد حلیت آن بعید نیست اگر چه احوط ترك خوردن آن است و ماهی بی فلس را اگر چه زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد حرام است.

مسئله ۲۶۲۵- اگر ماهی از آب بیرون بیفتد، یا موج آنرا بیرون بیندازد، یا آب فرورود و ماهی در خشکی بماند، چنانچه پیش از آنکه بمیرد، با دست یا وسیله دیگر کسی آنرا بگیرد، بعد از جان دادن حلال است.

مسئله ۲۶۲۶- کسی که ماهی را صید میکند، لازم نیست مسلمان باشد و در موقع گرفتن؛ نام خدا را ببرد.

مسئله ۲۶۲۷- ماهی مرده ای که معلوم نیست آنرا زنده از آب گرفته اند یا مرده، چنانچه در دست مسلمان باشد، حلال است و اگر در دست کافر باشد، اگر چه بگوید آنرا زنده گرفته ام حرام می باشد مگر آنکه یقین حاصل شود یا دو شاهد عادل شهادت دهند که راست می گوید.

مسئله ۲۶۲۸- بنا بر احتیاط باید از خوردن ماهی زنده خودداری کرد، هر چند

حلیت آن بعد از گرفتن بعید نیست .

مسئله ۲۶۲۹ - اگر ماهی زنده را بریان کنند ، یاد بیرون آب پیش از جان دادن بکشند ، احتیاط آنست که از خوردن آن خودداری نمایند اگر چه حلیت آن بعید نیست .

مسئله ۲۶۳۰ - اگر ماهی را بیرون آب دو قسمت کنند و یک قسمت آن در حالی که زنده است در آب بیفتد ، بنا بر احتیاط واجب قسمتی را که بیرون آب مانده نباید خورد .

صید ملخ

مسئله ۲۶۳۱ - اگر ملخ را بادست یا بوسیله دیگری زنده بگیرند . بعد از جان دادن خوردن آن حلال است و لازم نیست کسیکه آنرا میگیرد مسلمان باشد و در موقع گرفتن ؛ نام خدا را ببرد ولی اگر ملخ مرده ای در دست کافر باشد و معلوم نباشد که آن را زنده گرفته یانه ، اگر چه بگوید زنده گرفته ام حلال نیست مگر آنکه یقین حاصل شود یا دو شاهد عادل شهادت دهند که راست میگوید .

مسئله ۲۶۳۲ - خوردن ملخی که بال در نیاورده و نمیتواند پرواز کند حرام است .

احکام خوردنیها و آشامیدنیها

مسئله ۲۶۳۳ - خوردن گوشت مرغی که مثل شاهین چنگال دارد حرام است و پرستو حلال میباشد ، و احتیاط واجب آنست که از خوردن گوشت همدند خودداری نمایند .

مسئله ۲۶۳۴ - اگر چیزی را که روح دارد از حیوان زنده جدا نمایند ، مثلا دنبه یا مقداری گوشت از گوسفند زنده ببرند ، نجس و حرام میباشد .

مسئله ۲۶۳۵ - پانزده چیز از حیوانات حلال گوشت ، حرام است .

۱ - خون ۲ - فضله ۳ - نری ۴ - فرج ۵ - بچه دادن ۶ - غدد که آن را دشول می گویند ۷ - نخم که آن را دنبلان می گویند ۸ - چیزیکه در مغز کله است و بشکل نخود میباشد ۹ - مغز حرام که در میان تیره پشت است ۱۰ - پی که در دو طرف تیره پشت است ۱۱ - زهره دان ۱۲ - سپرز (طحال) ۱۳ - بول دان (مئانه) ۱۴ - حدقه چشم (مردمک) بنابر احتیاط لازم ۱۵ - چیزی که در میان سم است و بان ذات الاشاجع می گویند بنا بر احتیاط لازم .

مسئله ۲۶۳۶ - خوردن سرگین و بول حیوان و آب دماغ و چیزهای خبیث دیگر که طبیعت انسان از آن متنفر است حرام میباشد ، ولی اگر پاک باشد و مقداری از آن بطوری با چیز حلال مخلوط شود که در نظر مردم ناپود حساب شود ؛ خوردن آن اشکال ندارد .

مسئله ۲۶۳۷ - خوردن خاک حرام است ولی خوردن کمی از تربت حضرت

سیدالشهداء علیه السلام برای شفا اشکال ندارد .

مسئله ۲۶۳۸ - فرو بردن آب بینی و خلط سینه که در فضای دهن نیامده باشد حرام نیست ولی اخلاط بینی و سینه که در فضای دهن وارد شود احتیاطاً لازم نرك فرو بردن آنست و فرو بردن غذائیکه موقع خلل کردن ، از لای دندان بیرون میآید ، اگر طبیعت انسان از آن متضرر نباشد اشکال ندارد .

مسئله ۲۶۳۹ - خوردن چیزیکه برای انسان ضرر دارد حرام است ولی اگر ضرر کم باشد که عقلاً اعتنا نکنند حرام نیست .

مسئله ۲۶۴۰ - خوردن گوشت اسب و قاطر و الاغ مکروه است و اگر کسی با آنها وطی کند یعنی : نزدیکی نماید ، حرام میشوند و باید آنها را از شهر بیرون ببرند و در جای دیگر بفروشند .

مسئله ۲۶۴۱ - اگر با حیوان حلال گوشتی مانند گاو و گوسفند نزدیکی کنند ، بول و سرگین آنها نجس میشود و آشامیدن شیر آنها هم حرام است و باید فوری آن حیوان را بکشند و بسوزانند و کسیکه با آن وطی کرده ؛ بول آن را بصاحبش بدهد .
مسئله ۲۶۴۲ - آشامیدن شراب حرام و در بعضی از اخبار بزرگترین گناه شمرده شده است و اگر کسی آن را حلال بداند کافر است . از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

شراب ریشهٔ بدیها و منشأ گناهان است و کسیکه شراب میخورد ، عقل خود را از دست می دهد ، و در آن موقع خدا را نمی شناسد ، و از هیچ گناهی باك ندارد ، و احرام هیچکس را نگه نمیدارد ، حق خویشان نزدیک را رعایت نمیکند و از زشتیهای آشکار رونمی گرداند ، و روح ایمان و خداشناسی از بدن او بیرون میرود ، و روح ناقص خبیثی که از رحمت خدا دور است در او میماند ، و خدا و فرشتگان و پیغمبران و مؤمنین او را لعنت میکنند ، و تا چهل روز نماز او قبول نمیشود ، و روز قیامت روی او سیاه است ، و زبان از دهانش بیرون میآید ، و آب دهان او بسینه اش میریزد و فریاد تشنگی او بلند است .

مسئله ۲۶۴۳ - نشستن سر سفره ایکه در آن شراب میخورند، اگر انسان یکی از آنان حساب شود حرام و چیز خوردن از آن سفره نیز حرام است .

مسئله ۲۶۴۴ - گوشتهائی که از بلاد کفار می آورند و تذکیه آنها شرعاً ثابت نشده، نجس و خوردن آن حرام است؛ و خرید و فروش آنها نیز جایز نیست، نوشته و گفته اشخاص غیر موثق و مجهول الحال شرعاً اعتبار ندارد .

مستحبات غذا خوردن

مسئله ۲۶۲۵ - چند چیز در غذا خوردن مستحب است : اول - هر دو دست را پیش از غذا بشوید. دوم - بعد از غذا نیز هر دو دست را بشوید و بادستمال خشک کند . سوم - میزبان پیش از همه شروع بغذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد و پیش از غذا اول میزبان دست خود را بشوید، بعد کسیکه طرف راست او نشسته و همینطور تا برسد بکسیکه طرف چپ او نشسته و بعد از غذا اول کسیکه طرف چپ میزبان نشسته دست خود را بشوید و همینطور تا بطرف راست میزبان برسد و به او ختم شود. چهارم - در اول غذا بِسْمِ اللّٰهِ بگوید ولی اگر سربك سفره چند جور غذا باشد در وقت خوردن هر کدام آنها گفتن بِسْمِ اللّٰهِ مستحب است، پنجم - بادست راست غذا بخورد. ششم - باسه انگشت یا بیشتر غذا بخورد و بادو انگشت نخورد. هفتم - اگر چند نفر سربك سفره نشسته اند هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد. هشتم - لقمه را کوچک بردارد. نهم - سر سفره زیاد بنشیند و غذا خوردن را طول بدهد. دهم - غذا را خوب بجود. یازدهم - بعد از غذا خداوند عالم را حمد کند. دوازدهم - انگشتان را بلیسد. سیزدهم - بعد از غذا اخلاص نماید ولی باچوب انار و چوب ریحان و نی و برگ درخت خرما خلال نکند. چهاردهم - آنچه بیرون سفره میریزد جمع کند و بخورد ولی اگر در بیابان غذا میخورد، مستحب است

آنچه میریزد، برای پرندگان و حیوانات بگذارد. پانزدهم - در اول روز و اول شب غذا بخورد و در بین روز و در بین شب غذا نخورد. شانزدهم - بعد از خوردن غذا به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بیندازد. هفدهم - در اول غذا و آخر آن نمک بخورد. هیجدهم - میوه را پیش از خوردن با آب بشوید.

مکروهات غذا خوردن

مسئله ۲۶۴۶ - چند چیز در غذا خوردن مکروه است :

اول - در حال سیری غذا خوردن. دوم - پر خوردن سوم - نگاه کردن بصورت دیگران در موقع غذا خوردن. چهارم - خوردن غذای گرم و داغ. پنجم - فوت کردن به چیزی که میخورد یا میآشامد. ششم - بعد از گذاشتن نان در سفره، منتظر چیز دیگری شدن هفتم - پاره کردن نان با کارد. هشتم - گذاشتن نان زیر ظرف غذا. نهم - پاك کردن گوشتی که با استخوان چسبیده بطوریکه چیزی در آن نماند. دهم - پوست کندن میوه. یازدهم - دور انداختن میوه پیش از آنکه کاملاً آنرا بخورد.

مستحبات آب آشامیدن

مسئله ۲۶۴۷ - در آشامیدن آب چند چیز مستحب است :

اول - آبر بطور مکیدن یا شامد. دوم - در روز ایستاده آب بخورد. سوم - پیش از آشامیدن آب بسم الله و بعد از آن الحمد لله بگوید. چهارم - به سه نفس آب بیاشامد. پنجم - از روی میل آب بیاشامد. ششم - بعد از آشامیدن آب حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و اهل بیت بزرگوارش را یاد کند و قاتلان آن حضرت را لعنت نماید.

مکروهات آب آشامیدن

مسئله ۲۶۴۸ - زیاد آشامیدن آب و آشامیدن آن بعد از غذای چرب و در شب بحال ایستاده مکروه است و نیز آشامیدن آب بادمست چپ و هم چنین از جای شکسته کوزه و جایی که دسته آنست مکروه میباشد .

احکام نذر و عهد

مسئله ۲۶۴۹ - نذر آنست که انسان بر خود واجب کند که کار خیری را برای خدا بجا آورد ، یا کاری را که نکردن آن بهتر است برای خدا ترک نماید .

مسئله ۲۶۵۰ - در نذر باید صیغه حوآنده شود ولی لازم نیست آنرا بعربی بخوانند پس اگر بگوید : چنانچه مریض من خوب شود ، برای خدا ده تومان به فقیر میدهم ، نذر او صحیح است .

مسئله ۲۶۵۱ - کسیکه نذر میکند باید مکلف و عاقل باشد و با اختیار خود نذر کند بنابراین نذر کردن کسیکه او را مجبور کرده اند ، یا بواسطه عصبانیت شدن بی اختیار نذر کرده صحیح نیست .

مسئله ۲۷۵۲ - آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف میکند ، اگر نذر کند مالش را بمصرفی برساند ، صحیح نیست .

مسئله ۲۶۵۳ - اگر شوهر از نذر کردن زن جلو گیری نماید ، و یا زن بدون اجازه شوهر نذر کند ، نذر او باطل است .

مسئله ۲۶۵۴ - اگر زن با اجازه شوهر نذر کند ، شوهرش نمیتواند نذر او را بهم بزند ، یا او را از عمل کردن نذر جلو گیری نماید .

مسئله ۲۶۵۵ - اگر فرزند با اجازه پدر نذر کند ، باید بآن نذر عمل نماید .

بلکه اگر بدون اجازه او هم نذر کند ، عمل کردن بآن نذر واجب است ولی اگر پدراز کاری منع کرده باشد و یا بعد نذر از آن کار منع کند نذر آن صحیح نیست .

مسئله ۲۶۵۶ - انسان کاری را میتواند نذر کند که انجام آن برایش ممکن باشد بنا بر این کسیکه نمیتواند پیاده کر بلا برود ، اگر نذر کند که پیاده برود ، نذراو صحیح نیست

مسئله ۲۶۵۷ - اگر نذر کند که کار حرام یا مکروهی را انجام دهد ، یا کار واجب یا مستحبی را ترک کند ؛ نذراو صحیح نیست .

مسئله ۲۶۵۸ - اگر نذر کند که کار مباحی را انجام دهد یا ترک نماید ، چنانچه بجا آوردن آن وترکش از هر جهت مساوی باشد ، نذراو صحیح نیست . و اگر انجام آن از جهتی بهتر باشد و انسان بقصد همان جهت نذر کند - مثلاً نذر کند غذائی را بخورد که برای عبادت قوت بگیرد - نذراو صحیح است . و نیز اگر ترک آن از جهتی بهتر باشد و انسان برای همان جهت نذر کند که آنرا ترک نماید - مثلاً برای اینکه دود مضر است نذر کند که آنرا استعمال نکند - نذراو صحیح میباشد .

مسئله ۲۶۵۹ - اگر نذر کند نماز واجب خود را در جائی بخواند که بخودی خود ثواب نماز در آنجا زیاد نیست مثلاً نذر کند نماز را در اطاق بخواند ، چنانچه نماز خواندن در آنجا از جهتی بهتر باشد مثلاً بواسطه اینکه خلوت است انسان حضور قلب پیدا میکند ، نذر صحیح است .

مسئله ۲۶۶۰ - اگر نذر کند عملی را انجام دهد ، باید همانطور که نذر کرده بجا آورد پس اگر نذر کند که روز اول ماه صدقه بدهد . یا روزه بگیرد ، یا نماز اول ماه بخواند ، چنانچه قبل از آنروز یا بعد از آن بجا آورد کفایت نمیکند . و نیز اگر نذر کند که وقتی مریض او خوب شد صدقه بدهد ، چنانچه پیش از آنکه خوب شود صدقه را بدهد کافی نیست .

مسئله ۲۶۶۱ - اگر نذر کند روزه بگیرد ولی وقت و مقدار آنرا معین نکند ، و

چنانچه يك روز روزه بگيرد كافی است. و اگر نذر کند نماز بخواند و مقدار و خصوصیات آن را معین نکند ، اگر يك نماز دور کمتی بخواند کفایت میکند و اگر نذر کند صدقه بدهد و جنس و مقدار آن را معین نکند ، اگر چیزی بدهد که بگویند صدقه داده ، بنذر عمل کرده است و اگر نذر کند کاری برای خدا بجا آورد ، در صورتیکه يك نماز بخواند یا يك روز روزه بگیرد ، یا چیزی صدقه بدهد ؛ نذر خود را انجام داده است .

مسئله ۲۶۶۲ - اگر نذر کند روز معینی را روزه بگیرد ؛ باید همان روز را روزه بگیرد و نمیتواند در آن روز مسافرت کند و اگر بواسطه مسافرت روزه نگیرد ، باید گذشته از قضای آن روز کفاره هم بدهد . یعنی : يك بنده آزاد کند یا به شصت فقیر طعام دهد یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد ولی اگر ناچار شود که مسافرت کند . با عذر دیگری مثل مرض یا حیض برای او پیش آید ، قضای تنها کافیهست .

مسئله ۲۶۶۳ - اگر انسان از روی اختیار بنذر خود عمل نکند ، باید بمقداری که در مسئله پیش گفته شد کفاره بدهد .

مسئله ۲۶۶۴ - اگر نذر کند که تا وقت معینی عملی را ترک کند بعد از گذشتن آن وقت میتواند آن عمل را بجا آورد و اگر پیش از گذشتن وقت از روی فراموشی یا ناچاری انجام دهد ، چیزی بر او واجب نیست ولی باز هم لازم است که تا آن وقت آن عمل را بجا نیاورد و چنانچه دوباره پیش از رسیدن آن وقت بدون عذر آن عمل را انجام دهد ، باید بمقداری که در دو مسئله پیش گفته شد کفاره بدهد .

مسئله ۲۶۶۵ - کسیکه نذر کرده عملی را ترك کند و وقتی برای آن معین نکرده است ، اگر از روی فراموشی ، یا ناچاری ، یا ندانستن ، آن عمل را انجام دهد کفاره بر او واجب نیست . ولی بعداً هر وقت از روی اختیار آنرا بجا آورد ، باید بمقداری که در سه مسئله پیش گفته شد کفاره بدهد .

مسئله ۲۶۶۶ - اگر نذر کند که در هر هفته روز معینی مثلاً روز جمعه را روزه بگیرد چنانچه یکی از جمعه ها عید فطر یا قربان باشد یا در روز جمعه عذر دیگری مانند

- حیض برای او پیدا شود، باید آن روز را روزه نگیرد و باید قضای آنرا بجا آورد .
- مسئله ۲۶۶۷ - اگر نذر کند که مقدار معینی صدقه بدهد، چنانچه پیش از دادن صدقه بمیرد؛ باید آن مقدار را از مال او صدقه بدهند .
- مسئله ۲۶۶۸ - اگر نذر کند که بفقیر معینی صدقه بدهد، نمیتواند آنرا بفقیر دیگر بدهد و اگر آن فقیر بمیرد، بنا بر احتیاط باید بورثه او بدهد .
- مسئله ۲۶۶۹ - اگر نذر کند که بزیارت یکی از ائمه علیهم السلام مثلا بزیارت حضرت اباعبدالله علیه السلام مشرف شود، چنانچه بزیارت امام دیگر برود کافی نیست و اگر بواسطه عذری نتواند آن امام را زیارت کند، چیزی بر او واجب نیست .
- مسئله ۲۶۷۰ - کسیکه نذر کرده زیارت برود و غسل زیارت و نماز آنرا نذر نکرده، لازم نیست آنها را بجا آورد .
- مسئله ۲۶۷۱ - اگر برای حرم یکی از ائمه علیهم السلام یا امامزادگان چیزی نذر کند؛ باید آنرا در تعمیر و روشنائی و فرش حرم و مانند اینها مصرف کند، یا بزوار و خدام آنان بدهد .
- مسئله ۲۶۷۲ - اگر برای خود امام علیه السلام چیزی نذر کند، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده، باید بهمان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده، باید بفقراء و زوار بدهد، یا مسجد و مانند آن بسازد، و ثواب آنرا هدیه آن امام نماید، و همچنین است اگر چیزی را برای امامزاده ای نذر کند .
- مسئله ۲۶۷۳ - گوسفندی را که برای صدقه، یا برای یکی از ائمه علیهم السلام نذر کرده اند، اگر پیش از آنکه بمصرف نذر برسد شیر بدهد، یا بپخته بیاورد، مال کسی است که آنرا نذر کرده ولی پشم گوسفند و مقداری که چاق میشود جزء نذر است .
- مسئله ۲۶۷۴ - هر گاه نذر کند که اگر مریض او خوب شود؛ یا مسافر او بیاید، عملی را انجام دهد؛ چنانچه معلوم شود که پیش از نذر کردن مریض خوب شده، یا مسافر آمده است، عمل کردن بنذر لازم نیست .

مسئله ۲۶۷۵ - اگر پدر یا مادر نذر کند که دختر خود را بسپد شوهر دهد ، بعد از آنکه دختر به تکلیف رسید ، اختیار با خود اوست و نذر آنان اعتبار ندارد .

مسئله ۲۶۷۶ - هر گاه با خدا عهد کند که اگر به حاجت شرعی خود برسد کار خیری را انجام دهد ، بعد از آنکه حاجتش بر آورده شد ، باید آن کار را انجام دهد ، و نیز اگر بدون آنکه حاجتی داشته باشد ، عهد کند که عمل خیری را انجام دهد ، آن عمل بر او واجب میشود .

مسئله ۲۶۷۷ - در عهد هم مثل نذر باید صیغه خوانده شود و نیز کاری را که عهد میکنند انجام دهد ، باید یا عبادت باشد مثل نماز واجب و مستحب یا کاری باشد که انجام آن بهتر از ترکش باشد .

مسئله ۲۶۷۸ - اگر بمهد خود عمل نکند ؛ باید کفاره بدهد یعنی : شصت فقیر را سیر کند ، یا دو ماه روزه بگیرد ، یا یک بنده آزاد کند .

احکام قسم خوردن

مسئله ۲۶۷۹ - اگر قسم بخورد که کاری را انجام دهد یا ترك کند - مثلاً قسم بخورد که روزه بگیرد ، یادود استعمال نکند - چنانچه عمداً مخالفت کند، باید کفاره بدهد یعنی : يك بنده آزاد کند ، ياده مسكين را اطعام کند ياده فقير را بپوشاند و اگر اينها را نتواند ، بايد سه روز روزه بگیرد .

مسئله ۲۶۸۰ - قسم چند شرط دارد :

اول - کسیکه قسم میخورد باید بالغ و عاقل باشد و از روی قصد و اختیار قسم بخورد پس قسم خوردن بچه و دیوانه و مست و کسیکه مجبورش کرده اند ، درست نیست و همچنین است اگر در حال عصبانی بودن بی اختیار قسم بخورد .

دوم - کاری را که قسم میخورد انجام دهد ، باید حرام و مکروه نباشد و کاری را که قسم میخورد ترك کند ، باید واجب و مستحب نباشد و اگر قسم بخورد که کار مباحی را بجا آورد ، باید ترك آن در نظر مردم بهتر از انجامش نباشد و نیز اگر قسم بخورد کار مباحی را ترك کند ، باید انجام آن در نظر مردم بهتر از تركش نباشد .

سوم - یکی از اسمهای خداوند عالم قسم بخورد که بغير ذات مقدس او گفته نمی شود مانند خدا - و الله . و نیز اگر باسمى قسم بخورد که بغير خدا هم میگویند ولی بقدری بخدا گفته می شود که هر وقت کسی آن اسم را بگوید ، ذات مقدس حق در نظر می آید ؛ مثل آنکه بخالق و رازق قسم بخورد صحیح است .

چهارم - قسم را بزبان بیاورد و اگر بنویسد یا در قلبش آنرا قصد کند صحیح

نیست ولی آدم لال اگر با اشاره قسم بخورد صحیح است .

پنجم - عمل کردن بقسم برای او ممکن باشد و اگر موقعی که قسم میخورد ممکن باشد و بعداً از عمل بآن عاجز شود، از وقتیکه عاجز می شود ، قسم او بهم میخورد . و همچنین است اگر عمل کردن بنذر بقدری مشقت پیدا کند که نشود آن را تحمل کرد .

مسئله ۲۶۸۱ - اگر پدر آنچه را فرزند قسم خورده بجا بیاورد بگوید بجا نیاورد و آنچه را قسم خورده بجا نیاورد بگوید بجا آور قسم او بی اثر می شود .

مسئله ۲۶۸۲ - اگر زن بدون اجازه شوهر قسم بخورد ، و شوهر کاری را که زن قسم خورده بجا نیاورد بگوید بجا آور یا قسم خورده بجا آورد بگوید بجا نیاورد قسم زن بی اثر می شود .

مسئله ۲۶۸۳ - اگر انسان از روی فراموشی ، یا ناچاری بقسم عمل نکند کفاره بر او واجب نیست و همچنین است اگر مجبورش کنند که بقسم عمل نماید و قسمیکه آدم و سواسی میخورد ، مثل اینکه می گوید **وَاللّٰهَ الْاِنَّ** مشغول نماز می شود و بواسطه سواس مشغول نمی شود ؛ اگر سواس او طوری باشد که بی اختیار بقسم عمل نکند کفاره ندارد .

مسئله ۲۶۸۴ - کسیکه قسم می خورد ، اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد ، حرام و از گناهان بزرگ می باشد ، ولی اگر برای اینکه خودش یا مسلمان دیگری را از شر ظالمی نجات دهد ، قسم دروغ بخورد اشکال ندارد بلکه گاهی واجب می شود ، اما اگر بتواند توبه کند یعنی : موقع قسم خوردن طوری نیت کند که دروغ نشود ، بنا بر احتیاط واجب باید توبه نماید مثلاً اگر ظالمی بخواهد کسی را اذیت کند و از انسان پرسد که او را ندیده ای و انسان یکساعت قبل او را دیده باشد ، احتیاط آنستکه بگوید او را ندیده ام و قصد کند که از پنج دقیقه پیش ندیده ام .

احکام وقف

مسئله ۲۶۸۵ - اگر کسی چیزی را وقف کند، از ملك او خارج میشود و خود او و دیگران نمیتوانند آن را ببخشند ، یا بفروشند و کسی هم از آن ملك ارث نمیرد ولی در بعضی از موارد که در مسئله ۲۱۰۲ و ۲۱۰۳ گفته شد ، فروختن آن اشکال ندارد .

مسئله ۲۶۸۶ - لازم نیست صیغه وقف را بعربی بخواند ، بلکه اگر مثلا بگوید : خانه خود را وقف کردم و خودش یا کسیکه خانه را برای او وقف کرده ، یا وکیل ، یا ولی آنکس بگوید : قبول کردم ، وقف صحیح است ولی اگر برای افراد مخصوصی وقف نکند ؛ بلکه مثل مسجد و مدرسه برای عموم وقف کند ، یا مثلا بر فقرا یا سادات وقف نماید احتیاط لازم آن است که حاکم شرع یا کسیکه از طرف او منصوب است قبول نماید .

مسئله ۲۶۸۷ - اگر ملکی را برای وقف معین کند و پیش از خواندن صیغه وقف پشیمان شود ، یا بمیرد ، وقف درست نیست .

مسئله ۲۶۸۸ - کسیکه مالی را وقف می کند ، باید قصد قربت داشته باشد و از موقع خواندن صیغه ، مال را برای همیشه وقف کند و اگر مثلا بگوید : این مال بعد از مردن من وقف باشد ، چون از موقع خواندن صیغه تا مردنش وقف نبوده ، صحیح نیست . و نیز اگر بگوید : تاده سال وقف باشد و بعد از آن نباشد یا بگوید

تا ده سال وقف باشد ، بعد پنج سال وقف نباشد و دوباره وقف باشد ، وقف صحیح نمی باشد .

مسئله ۲۶۸۹ - وقف در صورتی صحیح است که مال وقف را بتصرف کسیکه برای او وقف شده یا وکیل ، یا ولی او بدهند ولی اگر چیزی را بر اولاد صغیر خود وقف کند و بقصد اینکه آن چیز ملك آنان شود ، از طرف آنان نگهداری نماید ، وقف صحیح است .

مسئله ۲۶۹۰ - اگر مسجدی را وقف کنند ، بعد از آنکه يك نفر در آن مسجد نماز خواند ، وقف درست میشود .

مسئله ۲۶۹۱ - کسیکه مال خود را وقف میکند ، باید مکلف و عاقل باشد و شرعاً بتواند در مال خود تصرف کند ، بنابراین سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند ، چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید اگر چیزی را وقف کند صحیح نیست و همچنین محجور نسبت باموالیکه بحکم حاکم شرع از تصرف در آنها منع شده است .

مسئله ۲۶۹۲ - اگر مالی را برای کسانی که بدنیامده اند وقف کند ، درست نیست ولی اگر برای زندگان و بعد از آنان برای کسانی که بعداً بدنیامی آیند وقف نماید مثلاً چیزی را بر اولاد خود وقف کند که بعد از آنان وقف نوه های او باشد و هر دسته ای بعد از دسته دیگر از وقف استفاده کنند ، صحیح است .

مسئله ۲۶۹۳ - اگر چیزی را بر خودش وقف کند مثل آنکه دکانی را وقف کند که عایدی آنرا بعد از مرگ او خرج مقبره اش نمایند ؛ صحیح نیست . ولی اگر مثلاً مالی را بر فقرا وقف کند و خودش فقیر شود ، میتواند از منافع وقف استفاده نماید .

مسئله ۲۶۹۴ - اگر برای چیزی که وقف کرده متولی معین کند ، باید مطابق قرارداد او رفتار نمایند . و اگر معین نکند ، چنانچه بر افراد مخصوصی مثلاً بر اولاد خود وقف کرده باشد و آنان بالغ باشند ؛ اختیار با خود آنان است و اگر بالغ نباشند اختیار

باولی ایشان است و برای استفاده از وقف اجازه حاکم شرع لازم نیست .

مسئله ۲۶۹۵- اگر ملکی را مثلاً بر فقرا یا سادات وقف کند ، یا وقف کند که منافع آن بمصرف خیرات برسد؛ در صورتیکه برای آن ملك متولی معین نکرده باشد ، اختیار آن با حاکم شرع است .

مسئله ۲۶۹۶- اگر ملکی را بر افراد مخصوصی مثلاً بر اولاد خود وقف کند که هر طبقه ای بعد از طبقه دیگر از آن استفاده کنند ، چنانچه متولی ملك آنرا اجاره دهد و بمیرد احتیاط لازم آنست که مستأجر از متولی بعد نیز اجاره کند ولی اگر متولی نداشته باشد و يك طبقه از کسانی که ملك بر آنان وقف شده ، آنرا اجاره دهند و در بین مدت اجاره بمیرند ، اجاره باطل میشود و در صورتیکه مستأجر مال الاجاره تمام مدت را داده باشد ، مال الاجاره از زمان مردنشان تا آخر مدت اجاره را از مال آنان می گیرد .

مسئله ۲۶۹۷- اگر ملك وقف خراب شود از وقف بودن بیرون نمیرود .

مسئله ۲۶۹۸- ملکی که مقداری از آن وقف است و مقداری از آن وقف نیست اگر تقسیم نشده باشد ، حاکم شرع یا متولی وقف می تواند بانظر خیره سهم وقف را جدا کند .

مسئله ۲۶۹۹- اگر متولی وقف خیانت کند و عایدات آنرا بمصرفی که معین شده نرساند ، حاکم شرع باید بجای او متولی امینی معین نماید .

مسئله ۲۷۰۰- فرشی را که برای حسینیه وقف کرده اند ، نمیشود برای نماز بمسجد ببرند ، اگر چه آن مسجد نزدیک حسینیه باشد .

مسئله ۲۷۰۱ اگر ملکی را برای تعمیر مسجدی وقف نمایند ؛ چنانچه آن مسجد احتیاج بتعمیر ندارد و انتظار هم نمیرود که تا مدتی احتیاج بتعمیر پیدا کند ، میتوانند عایدات آن ملك را بمصرف مسجدی که احتیاج بتعمیر دارد برسانند .

مسئله ۲۷۰۲- اگر ملکی را وقف کند که عایدی آنرا خرج تعمیر مسجد نمایند

و به امام جماعت و یکی که در آن مسجد اذان می گوید بدهند ، در صورتیکه بدانند یا اطمینان داشته باشند که برای هر يك چه مقدار معین کرده، باید همانطور مصرف کنند و اگر یقین یا اطمینان نداشته باشند ، باید اول ، مسجد را تعمیر کنند و اگر چیزی زیاد آمد ، امام جماعت و کسیکه اذان می گوید در تقسیم آن با يك دیگر مصالحه کنند.

احکام وصیت

مسئله ۲۷۰۳ - وصیت آنست که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کارهایی انجام دهند ؛ یا بگوید : بعد از مرگش چیزی از مال او ملك کسی باشد، یا برای اولاد خود و کسانی که اختیار آنان با اوست قیّم و سرپرست معین کند و کسی را که با و وصیت میکنند وصی میگویند .

مسئله ۲۷۰۴ - کسیکه نمیتواند حرف بزند ، اگر با اشاره مقصود خود را بفهماند ، برای هر کاری میتواند وصیت کند و اگر میتواند حرف بزند بنا بر احتیاط اکتفا با اشاره بانوشته نکند .

مسئله ۲۷۰۵ - اگر نوشته ای بامضاء یا مهر میت ببینند ، چنانچه مقصود او را بفهماند و معلوم باشد که برای وصیت کردن نوشته ، بنا بر احتیاط لازم باید تا مقدار ثلث مطابق آن عمل کنند ولی نسبت بسهم صغیر این احتیاط خلاف احتیاط است لکن بعد از بلوغ تا مقدار ثلث این احتیاط را ترك نکند بلکه اگر بدانند مقصودش وصیت کردن نبوده و چیزهایی رانوشته است که بعداً مطابق آن وصیت کند، احتیاط واجب آنستکه بآن عمل نمایند و نسبت بسهم صغیر احتیاط مراعات شود.

مسئله ۲۷۰۶ - کسیکه وصیت میکند باید عاقل باشد و از روی اختیار و وصیت کند و باید سفیه نباشد یعنی : مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکند ولی بالغ بودن شرط صحت وصیت نیست و همین قدر که وصیت کننده ده سال داشته باشد و راه های خیر و کارهای نیک را بشناسد میتواند بکارهای خیر وصیت کند .

مسئله ۲۷۰۷ - کسیکه از روی عمد بقصد خود کشی مثلاً زخمی بخود زده باسستی خورده است که بواسطه آن ؛ یقین یا گمان به مردن او پیدا می شود ، اگر وصیت کند که مقداری از مال او را بمصرفی برسانند ، صحیح نیست .

مسئله ۲۷۰۸ در وصیت تملکیه قبول موصی له معتبر است پس اگر شخصی وصیت کند که چیزی بکسی بدهند در صورتی آنکس آنچه را مالک می شود که وصیت را قبول کند و لازم نیست قبول بعد از موت وصیت کننده باشد بلکه اگر پیش از موت او هم باشد کفایت می کند بلی اگر قبول پیش از موت وصیت کننده باشد به مجرد قبول آنچه را مالک نمی شود بلکه بعد از موت وصیت کننده بدون حاجت به قبول دیگر مالک می شود و اگر قبول بعد از موت باشد بمجرد قبول آن چیز را مالک می شود .

مسئله ۲۷۰۹ - وقتی انسان نشانه های مرگ را در خود دید ، باید فوراً امانتهای مردم را بصاحبانش برگرداند و اگر بمردم بدهکار است و موقع دادن آن بدهی رسیده باید بدهد ، و اگر خودش نمیتواند بدهد ، یا موقع دادن بدهی او نرسیده ، باید وصیت کند و بر وصیت شاهد بگیرد ، ولی اگر بدهی او معلوم باشد ، وصیت کردن لازم نیست .

مسئله ۲۷۱۰ - کسیکه نشانه های مرگ را در خود می بیند ، اگر خمس و زکوة و مظالم بدهکار است ؛ باید فوراً بدهد و اگر نمیتواند بدهد ، چنانچه از خودش مال دارد ؛ یا احتمال میدهد کسی آنها را ادا نماید ؛ باید وصیت کند . و همچنین است اگر حج بر او واجب باشد .

مسئله ۲۷۱۱ - کسیکه نشانه های مرگ را در خود می بیند ، اگر نماز و روزه قضا دارد ، باید وصیت کند که از مال خودش برای آنها اجیر بگیرند ، بلکه اگر مال نداشته باشد ولی احتمال بدهد کسی بدون آنکه چیزی بگیرد آنها را انجام میدهد ، باز هم واجب است وصیت نماید و اگر قضای نماز و روزه او به تفصیلی که در

صفحه ۲۶۷ گفته شد ، برپسر بزرگترش واجب باشد ؛ باید باو اطلاع دهد ، یا وصیت کند که برای او بجا آورند .

مسئله ۲۷۱۲- کسیکه نشانه‌های مرگ را در خود می‌بیند ، اگر مالی پیش کسی دارد یا درجائی پنهان کرده است که ورثه نمیدانند ؛ چنانچه بواسطه ندانستن حقیقت از بین برود ، باید بآنان اطلاع دهد و لازم نیست برای بچه‌های صغیر خود قیم و سرپرست معین کند ، ولی در صورتیکه بدون قیم مالشان از بین میرود ، یا خودشان ضایع میشوند ، باید برای آنان قیم امینی معین نماید .

مسئله ۲۷۱۳- وصی باید مسلمان و بالغ و عاقل و مورد اطمینان باشد .

مسئله ۲۷۱۴- اگر کسی چند وصی برای خود معین کند ، چنانچه اجازه داده باشد که هر کدام به تنهایی بوصیت عمل کنند ، لازم نیست در انجام وصیت از یکدیگر اجازه بگیرند و اگر اجازه نداده باشد - چه گفته باشد که هر دو باهم بوصیت عمل کنند ، یا نگفته باشد - باید بانظر یکدیگر بوصیت عمل نمایند و اگر حاضر نشوند که با یکدیگر بوصیت عمل کنند ، حاکم شرع آنان را مجبور میکند و اگر اطاعت نکنند ، بجای آنان دیگران را معین مینماید .

مسئله ۲۷۱۵- اگر انسان از وصیت خود برگردد مثلاً بگوید ثلث مالش را بکسی بدهند بعد بگوید باوندند و وصیت باطل میشود و اگر وصیت خود را تغییر دهد ، مثل آنکه قیمی برای بچه‌های خود معین کند ؛ بعد دیگری را بجای او قیم نماید ، وصیت اولش باطل میشود و باید بوصیت دوم او عمل نمایند .

مسئله ۲۷۱۶- اگر کاری کند که معلوم شود از وصیت خود برگشته مثلاً خانه‌ای را که وصیت کرده بکسی بدهند ، بفروشد یا دیگری را برای فروش آن وکیل نماید و وصیت باطل میشود .

مسئله ۲۷۱۷- اگر وصیت کند چیز معینی را بکسی بدهند ، بعد وصیت کند که نصف همان را بدیگری بدهند باید آن چیز را دو قسمت کنند و بهر کدام از آن

دو نفر يك قسمت آنرا بدهند .

مسئله ۲۷۱۸- اگر کسی در مرضی که بآن مرض میبیرد ، مقداری از مالش را بکسی ببخشد و وصیت کند که بعد از مردن او هم مقداری بکس دیگر بدهند ، آنچه بخشیده از اصل خارج میشود و آنچه وصیت کرده اگر بیشتر از ثلث نباشد ، با اگر بیشتر است و ورثه اجازه بدهند ، بوصیت او عمل میشود و اگر بآنچه وصیت کرده بیشتر از ثلث باشد و ورثه هم اجازه ندهند ، باید تا مقدار ثلث ترک آن بوصیتش عمل شود .

مسئله ۲۷۱۹- اگر وصیت کند که ثلث مال او را بفروشد و عایدی آنرا بمصرفی برساند ، باید مطابق گفته او عمل نمایند .

مسئله ۲۷۲۰- اگر در مرضی که بآن مرض میبیرد ، بگوید : مقداری بکسی بدهکار است ، چنانچه متهم باشد که برای ضرر زدن بورثه گفته است ؛ باید مقداری را که معین کرده از ثلث او بدهند و اگر متهم نباشد و کسی هم منکر گفته او نشود باید از اصل مالش بدهند .

مسئله ۲۷۲۱- کسیکه انسان وصیت میکند که چیزی باو بدهند باید وجود داشته باشد ، پس اگر وصیت کند به بچه‌ای که ممکن است فلان زن باو حامله شود چیزی بدهند باطل است ولی اگر وصیت کند به بچه‌ای که در شکم مادر است چیزی بدهد ، اگر چه هنوز روح نداشته باشد ، وصیت صحیح است ؛ پس اگر زنده بدنیا آمد ؛ باید آنچه را که وصیت کرده باو بدهند و اگر مرده بدنیا آمد ، وصیت باطل میشود و آنچه را که برای او وصیت کرده ، ورثه میان خودشان قسمت میکنند .

مسئله ۲۷۲۲- اگر اسان بفهمد کسی او را وصی کرده ، چنانچه با اطلاع وصیت کننده برساند که برای انجام وصیت او حاضر نیست ، لازم نیست بعد از مردن او بوصیت عمل کند ولی اگر پیش از مردن او نفهمد که او را وصی کرده ، یا بفهمد

و باو اطلاع ندهد که برای عمل کردن بوصیت حاضر نیست یا در وقتی اطلاع دهد که نتواند دیگری را وصی خود سازد در صورتیکه مشقت نداشته باشد، باید وصیت او را بنا بر احتیاط لازم انجام دهد و نیز اگر وصی پیش از مرگ، موقعی ملتفت شود که مریض بواسطه شدت مرض نتواند بدیگری وصیت کند بنا بر احتیاط لازم باید وصیت را قبول نماید.

مسئله ۲۷۲۳- اگر کسیکه وصیت کرده بمیرد و وصی نداند که مقصود میت این بوده که خودش کارهایی را که وصیت کرده انجام دهد و در گفته میت هم شاهد و قریب‌های بر این معنی نباشد وصی میتواند دیگری را برای انجام کارهای میت وکیل کند ولی اگر بداند که مقصود میت این بوده که خودش انجام دهد نمیتواند بدیگری واگذار کند.

مسئله ۲۷۲۴- اگر کسی دونفر را وصی کند؛ که باهم بوصیت او عمل کنند چنانچه یکی از آن دو بمیرد، یا دیوانه، یا کافر شود، حاکم شرع يك نفر دیگر را بجای او معین میکند و اگر هر دو بمیرند، یا دیوانه یا کافر شوند، حاکم شرع، اگر معلوم نباشد که میت نظر داشته دونفر کارهایش را انجام دهند، یک نفر را و اگر معلوم باشد که نظر بدو نفر داشته دونفر دیگر را معین میکند.

مسئله ۲۷۲۵- اگر وصی نتواند بتنهائی کارهای میت را انجام دهد، حاکم شرع برای کمک او يك نفر دیگر را معین میکند.

مسئله ۲۷۲۶- اگر مقداری از مال میت در دست وصی تلف شود؛ چنانچه در نگهداری آن کوتاهی و تعدی نکرده ضامن نیست و اگر کوتاهی کرده یا تعدی نموده مثل امیت وصیت کرده است که فلان مقدار بفقراي فلان شهر بدهد و او مال را بشهر دیگری برده و در راه از بین رفته، ضامن است بلکه اگر در بین راه هم تلف نشود و بفقراء شهری دهد که مورد وصیت نبوده ضامن است.

مسئله ۲۷۲۷- هرگاه انسان کسی را وصی کند، و بگوید که اگر آنکس

بمیرد فلانی وصی باشد ، بعد از آنکه وصی اول مرد ، وصی دوم باید کارهای میت را انجام دهد .

مسئله ۲۷۲۸ - حجی که بر میت واجب است و بدهکاری و حقوقی را که مثل خمس و زکوة و مظالم ، ادا کردن آنها واجب میباشد ، باید از اصل مال میت بدهند؛ اگر چه میت برای آنها وصیت نکرده باشد .

مسئله ۲۷۲۹ - اگر مال میت از بدهی و حج واجب و حقوقی که مثل خمس و زکوة و مظالم بر او واجب است زیاد بیاید ، چنانچه وصیت کرده باشد که ثلث یا مقداری از ثلث را بمصرفی برسانند ، باید بوصیت او عمل کنند و اگر وصیت نکرده باشد؛ آنچه میماند مال ورثه است .

مسئله ۲۷۳۰ - اگر مصرفی را که میت معین کرده ، از ثلث مال او بیشتر باشد ، وصیت او در بیشتر از ثلث در صورتی صحیح است که ورثه حرفی بزنند ، یا کاری کنند که معلوم شود عملی شدن وصیت را اجازه داده اند و تنهاراضی بودن آنان کافی نیست و اگر مدتی بعد از مردن او هم اجازه بدهند صحیح است .

مسئله ۲۷۳۱ - اگر مصرفی را که میت معین کرده ؛ از ثلث مال او بیشتر باشد و پیش از مردن او ورثه اجازه بدهند که وصیت او عملی شود ، بعد از مردن او نمیتوانند از اجازه خود برگردند .

مسئله ۲۷۳۲ - اگر وصیت کند که از ثلث او خمس و زکوة یا بدهی دیگر او را بدهند و برای نماز و روزه او اجیر بگیرند و کار مستحبی هم مثل اطعام بفقرا انجام دهند ، باید اول بدهی او را از ثلث بدهند و اگر چیزی زیاد آمد برای نماز و روزه او اجیر بگیرند و اگر از آن هم زیاد آمد بمصرف کار مستحبی که معین کرده برسانند و چنانچه ثلث مال او فقط باندازه بدهی او باشد ، ورثه هم اجازه ندهند که بیشتر از ثلث مال ، مصرف شود ؛ وصیت برای نماز و روزه و کارهای مستحبی باطل است .

مسئله ۲۷۳۳- اگر وصیت کند که بدهی او را بدهند و برای نماز و روزه او اجیر بگیرند و کار مستحبی هم انجام دهند. چنانچه وصیت نکرده باشد که اینها را از ثلث بدهند؛ باید بدهی او را از اصل مال بدهند و اگر چیزی زیاد آمد، ثلث آن را بمصرف نماز و روزه و کارهای مستحبی که معین کرده برسانند و در صورتیکه ثلث کافی نباشد، پس اگر ورثه اجازه بدهند باید وصیت او عملی شود و اگر اجازه ندهند، باید نماز و روزه را از ثلث بدهند و اگر چیزی زیاد آمد بمصرف کار مستحبی که معین کرده برسانند.

مسئله ۲۷۳۴- اگر کسی بگوید که میت وصیت کرده فلان مبلغ بمن بدهند، چنانچه دو مرد عادل گفته‌اند او را تصدیق کنند، یا قسم بخورد و يك مرد عادل هم گفته‌اند او را تصدیق نماید، یا يك مرد عادل و دو زن عادل یا چهار زن عادل بگفته‌اند او شهادت دهند، باید مقداری را که میگوید باو بدهند. و اگر يك زن عادل شهادت دهد، باید يك چهارم چیزی را که مطالبه میکند باو بدهند و اگر دو زن عادل شهادت دهند، نصف آنرا و اگر سه زن عادل شهادت دهند، باید سه چهارم آنرا باو بدهند و نیز اگر دو مرد کافر ذمی که در دین خود عادل باشند گفته‌اند او را تصدیق کنند؛ در صورتیکه میت ناچار بوده است که وصیت کند و مرد و زن عادل هم در موقع وصیت نبوده، باید چیزی را که مطالبه میکند باو بدهند.

مسئله ۲۷۳۵- اگر کسی بگوید من وصی میتم که مال او را بمصرفی برسانم یا میت مرا قیم بچه‌های خود قرار داده، در صورتی باید حرف او را قبول کرد که دو مرد عادل گفته‌اند او را تصدیق نمایند.

مسئله ۲۷۳۶- اگر وصیت کند چیزی بکسی بدهند و آنکس پیش از آنکه قبول کند یارد نماید بمیرد، تا وقتی ورثه او وصیت را رد نکرده‌اند، میتواند آن چیز را قبول نمایند ولی این در صورتی است که وصیت کننده از وصیت خود برنگردد و اگر نه حتی بآن چیز ندارند.

احکام ارث

مسئله ۲۷۳۷ - کسایکه بواسطه خویشی ارث می‌برند سه دسته هستند:

دسته اول - پدر و مادر و اولاد میت است و بان بودن اولاد . اولاد اولاد هر چه پائین رود هر کدام آنان که بمیت نزدیکتر است ارث می‌برد و تا یکنفر از این دسته هست دسته دوم ارث نمی‌برند .

دسته دوم - جد، یعنی: پدر بزرگ و جد و یعنی: مادر بزرگ و خواهر و برادر است و بان بودن برادر و خواهر ، اولاد ایشان هر کدام آنان که بمیت نزدیکتر است ارث می‌برد و تا یکنفر از این دسته هست دسته سوم ارث نمی‌برند .

دسته سوم - عم و عمه و دایی و خاله و اولاد آنان است و تا یکنفر از عموها و عمه‌ها و داییها و خاله‌های میت زنده‌اند ؛ اولاد آنان ارث نمی‌برند ولی اگر میت عموی پدری و پسر عموی پدر و مادری داشته باشد ، ارث به پسر عموی پدر و مادری میرسد و عموی پدری ارث نمی‌برد .

مسئله ۲۷۳۸ - اگر عم و عمه و دایی و خاله خود میت و اولاد آنان و اولاد اولاد آنان نباشند ، عم و عمه و دایی و خاله پدر و مادر میت ارث می‌برند و اگر اینان نباشند ، اولادشان ارث می‌برند و اگر اینان هم نباشند ، عم و عمه و دایی و خاله جد و جد میت و اگر اینان نباشند ، اولادشان ارث می‌برند .

مسئله ۲۷۳۹ - زن و شوهر بتفصیلی که در مسائل ۲۷۷۹ تا ۲۷۸۸ گفته میشود،

از یکدیگر ارث میبرند .

ارث دسته اول

مسئله ۲۷۴۰ - اگر وارث میت فقط يك نفر از دسته اول باشد مثلاً پدر یا مادر یا يك پسر یا يك دختر باشد ، همه مال میت باو می رسد و اگر چند پسر یا چند دختر باشند همه مال بطور مساوی بین آنان قسمت می شود ، و اگر يك پسر و يك دختر باشد مال را سه قسمت می کنند ، دو قسمت را پسر و يك قسمت را دختر می برد و اگر چند پسر و چند دختر باشند ، مال را طوری قسمت می کنند که هر پسر دو برابر دختر ببرد .

مسئله ۲۷۴۱ - اگر وارث میت فقط پدر و مادر او باشند ، مال سه قسمت میشود دو قسمت آن را پدر و يك قسمت را مادر می برد ولی اگر میت دو برادر ، یا چهار خواهر یا يك برادر و دو خواهر هم داشته باشد که همه آنان پدری باشند یعنی : پدر آنان با پدر میت یکی باشد ، خواه مادرشان هم با مادر میت یکی باشد یا نه ، اگر چه نامیت پدر و مادر دارد اینان ارث نمی برند ، اما بواسطه بودن اینان مادرشش يك مال را میبرد و بقیه را پدر میدهند .

مسئله ۲۷۴۲ - اگر وارث میت فقط پدر و مادر و يك دختر باشد ؛ چنانچه میت دو برادر یا چهار خواهر یا يك برادر و دو خواهر پدری نداشته باشد ، مال را پنج قسمت میکنند ، پدر و مادر ، هر کدام يك قسمت و دختر سه قسمت آنرا میبرد و اگر دو برادر یا چهار خواهر یا يك برادر و دو خواهر پدری داشته باشد ، مال را شش قسمت میکنند ، پدر و مادر ، هر کدام يك قسمت و دختر سه قسمت میبرد و يك قسمت باقیمانده را چهار قسمت می کنند يك قسمت را پدر و سه قسمت را بدختر می دهند مثلاً اگر مال را ۲۴ قسمت کنند ، ۱۵ قسمت آنرا بدختر و ۵ قسمت آنرا پدر و ۴ قسمت آن را به مادر می دهند .

مسئله ۲۷۴۳ - اگر وارث میت فقط پدر و مادر و يك پسر باشد ، مال را شش

قسمت می کنند ، پدر و مادر هر کدام يك قسمت و پسر چهار قسمت آن را میبرد و اگر چند پسر یا چند دختر باشند آن چهار قسمت را بطور مساوی بین خودشان قسمت می کنند و اگر پسر و دختر باشند ؛ آن چهار قسمت را طوری تقسیم میکنند که هر پسری دو برابر دختر میبرد .

مسئله ۲۷۴۴ - اگر وارث میت فقط پدر و يك پسر ، یا مادر و يك پسر باشد ، مال را شش قسمت میکنند ، يك قسمت آن را پدر یا مادر و پنج قسمت را پسر میبرد .

مسئله ۲۷۴۵ - اگر وارث میت فقط پدر ، یا مادر ، یا پسر و دختر باشد ، مال را شش قسمت میکنند ، يك قسمت آن را پدر ؛ یا مادر میبرد و بقیه را طوری قسمت میکنند که هر پسری دو برابر دختر بیرد .

مسئله ۲۷۴۶ - اگر وارث میت فقط پدر و يك دختر ، یا مادر و يك دختر باشد مال را چهار قسمت میکنند ، يك قسمت آن را پدر یا مادر و بقیه را دختر میبرد .

مسئله ۲۷۴۷ - اگر وارث میت فقط پدر و چند دختر یا مادر و چند دختر باشد مال را پنج قسمت میکنند ، يك قسمت را پدر یا مادر میبرد و چهار قسمت را دختران بطور مساوی بین خودشان قسمت میکنند .

مسئله ۲۷۴۸ - اگر میت اولاد نداشته باشد ، نوه پسری او اگر چه دختر باشد سهم پسر میت را میبرد و نوه دختری او اگر چه پسر باشد ، سهم دختر میت را میبرد مثلا اگر میت يك پسر از دختر خود و يك دختر از پسرش داشته باشد ، مال را سه قسمت میکنند يك قسمت را به پسر دختر و دو قسمت را به دختر پسر می دهند .

ارث دسته دوم

مسئله ۲۷۴۹ - دسته دوم از کسانی که بواسطه خویشی ارث میبرند ، جد یعنی : پدر بزرگ و جد یعنی : مادر بزرگ و برادر و خواهر هیت است و اثر برادری

خواهر نداشته باشد ، اولادشان ارث میبرند .

مسئله ۲۷۵۰ - اگر وارث میت فقط يك برادر ، یا يك خواهر باشد ، همه مال باو می رسد و اگر چند برادر پدر و مادری ، یا چند خواهر پدر و مادری باشد ، مال بطور مساوی بین آنان قسمت میشود و اگر برادر و خواهر پدر و مادری باهم باشند هر برادری دو برابر خواهر می برد مثلا اگر دو برادر و يك خواهر پدر و مادری دارد مال را پنج قسمت می کنند ، هر يك از برادران دو قسمت و خواهر يك قسمت آنرا میبرد .

مسئله ۲۷۵۱ - اگر میت برادر و خواهر پدر و مادری دارد ، برادر و خواهر پدری که از مادر بامیت جدا است ارث نمی برد و اگر برادر و خواهر پدر و مادری ندارد ؛ چنانچه فقط يك خواهر یا يك برادر پدری داشته باشد ، همه مال باو میرسد و اگر چند برادر یا چند خواهر پدری داشته باشد ، مال بطور مساوی بین آنان قسمت می شود و اگر هم برادر و هم خواهر پدری داشته باشد ، هر برادری دو برابر خواهر می برد .

مسئله ۲۷۵۲ - اگر وارث میت فقط يك خواهر یا يك برادر مادری باشد ، همه مال باو میرسد . و اگر چند برادر مادری یا چند خواهر مادری یا چند برادر و خواهر مادری باشند ، مال بطور مساوی بین آنان قسمت می شود .

مسئله ۲۷۵۳ - اگر میت برادر و خواهر پدر و مادری و برادر و خواهر پدری و يك برادر یا يك خواهر مادری داشته باشد ، برادر و خواهر پدری ارث نمی برند و مال را شش قسمت میکنند ؛ يك قسمت آنرا به برادر یا خواهر مادری و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری میدهند و هر برادری دو برابر خواهر میبرد .

مسئله ۲۷۵۴ - اگر میت برادر و خواهر پدر و مادری و برادر و خواهر پدری و برادر و خواهر مادری داشته باشد ، برادر و خواهر پدری ارث نمیبرد و مال را سه قسمت میکنند ، يك قسمت آنرا برادر و خواهر مادری بطور مساوی بین خودشان

قسمت میکنند و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری می‌دهند و هر برادری دو برابر خواهر می‌برد .

مسئله ۲۷۵۵ - اگر وارث میت فقط برادر و خواهر پدری و يك برادر مادری یا يك خواهر مادری باشد ، مال را شش قسمت میکنند ، يك قسمت آنرا برادر یا خواهر مادری میبرد و بقیه را به برادر و خواهر پدری می‌دهند و هر برادری دو برابر خواهر می‌برد .

مسئله ۲۷۵۶ - اگر وارث میت فقط برادر و خواهر پدری و چند برادر و خواهر مادری باشد ، مال را سه قسمت میکنند ، يك قسمت آنرا برادر و خواهر مادری بطور مساوی بین خودشان قسمت میکنند و بقیه را به برادر و خواهر پدری می‌دهند و هر برادری دو برابر خواهر می‌برد .

مسئله ۲۷۵۷ - اگر وارث میت فقط برادر و خواهر وزن او باشد ، زن ارث خود را به تفصیلی که گفته می‌شود می‌برد . و خواهر و برادر بطوری که در مسائل گذشته گفته شد ارث خود را می‌برند . و نیز اگر زنی بمیرد و وارث او فقط خواهر و برادر و شوهر او باشد ، شوهر نصف مال را می‌برد و خواهر و برادر بطوری که در مسائل پیش گفته شد ارث خود را می‌برند . ولی برای آنکه زن یا شوهر ارث می‌برد از سهم برادر و خواهر مادری چیزی کم نمی‌شود و از سهم برادر و خواهر پدر و مادری یا پدری کم میشود مثلا اگر وارث میت شوهر و برادر و خواهر مادری و برادر و خواهر پدر و مادری او باشد ، نصف مال بشوهر می‌رسد و يك قسمت از سه قسمت اصل مال را به برادر و خواهر مادری می‌دهند و آنچه میماند مال برادر و خواهر پدر و مادری است ، پس اگر همه مال او شش تومان باشد ، سه تومان بشوهر و دو تومان به برادر و خواهر مادری و يك تومان به برادر و خواهر پدر و مادری می‌دهند

مسئله ۲۷۵۸ - اگر میت خواهر و برادر نداشته باشد ، سهم ارث آنرا به اولادشان می‌دهند و سهم برادر زاده و خواهر زاده مادری بطور مساوی بین آنان قسمت

میشود و از سهمی که به برادرزاده و خواهر زاده پدری یا پدر و مادری میرسد، هر پسر دو برابر دختر می برد .

مسئله ۲۷۵۹ - اگر وارث میت فقط يك جَد یا يك جدّه است ، چه پدری باشد یا مادری ، همه مال باو میرسد و با بودن جد میت پدر جدّ او ارث نمیبرد .

مسئله ۲۷۶۰ - اگر وارث میت فقط جدّ و جدّه پدری باشد ، مال سه قسمت میشود ، دو قسمت را جدّ و يك قسمت را جدّه میبرد و اگر جدّ و جدّه مادری باشد مال را بطور مساوی بین خودشان قسمت میکنند .

مسئله ۲۷۶۱ - اگر وارث میت فقط يك جَد یا جدّه پدری و يك جَد یا جدّه مادری باشد مال سه قسمت می شود ، دو قسمت را جدّ یا جدّه پدری و يك قسمت را جدّ یا جدّه مادری میبرد .

مسئله ۲۷۶۲ - اگر وارث میت جدّ و جدّه پدری و جدّ و جدّه مادری باشد مال سه قسمت میشود ، يك قسمت آنرا جدّ و جدّه مادری بطور مساوی بین خودشان قسمت می کنند و دو قسمت آنرا به جدّ و جدّه پدری می دهند و جدّ دو برابر جدّه می برد .

مسئله ۲۷۶۳ - اگر وارث میت فقط زن و جدّ و جدّه پدری و جدّ و جدّه مادری او باشد زن ارث خود را به تفصیلی که گفته می شود می برد و يك قسمت از سه قسمت اصل مال را به جدّ و جدّه مادری می دهند که بطور مساوی بین خودشان قسمت میکنند و بقیه را بجدّ و جدّه پدری میدهند و جدّ دو برابر جدّه میبرد و اگر وارث میت شوهر و جدّ و جدّه باشد ، شوهر نصف مال را می برد و جدّ و جدّه بدستوری که در مسائل گذشته گفته شد ارث خود را می برند .

ارث دسته سوم

مسئله ۲۷۶۴ - دسته سوم عموم عمه و دایی و خاله و اولاد آنان است بتفصیلی

که گفته شد که اگر از طبقه اول و دوم کسی نباشد. اینها ارث میبرند.

مسئله ۲۷۶۵ - اگر وارث میت فقط يك عمو یا يك عمه است، چه پدر و مادری باشد یعنی: با پدر میت از يك پدر و مادر باشد، یا پدری باشد یا مادری؛ همه مال باو می رسد و اگر چند عمو یا چند عمه باشند همه پدر و مادری، یا همه پدری یا همه مادری باشند، مال بطور مساوی بین آنان قسمت میشود و اگر عمو و عمه هر دو باشند همه پدر و مادری؛ یا همه پدری باشند، عمو دو برابر عمه میبرد مثلاً اگر وارث میت دو عمو و يك عمه باشد، مال را پنج قسمت میکنند، يك قسمت را به عمه میدهند و چهار قسمت را عموها بطور مساوی بین خودشان قسمت میکنند.

مسئله ۲۷۶۶ - اگر وارث میت فقط عمو و عمه مادری باشند، مال بطور مساوی بین آنان قسمت می شود.

مسئله ۲۷۶۷ - اگر وارث میت عمو و عمه باشد بعضی پدری و بعضی مادری و بعضی پدر و مادری باشند، عمو و عمه پدری ارث نمیبرند، پس اگر میت يك عمو یا يك عمه مادری دارد مال را شش قسمت میکنند، يك قسمت را بعمو یا عمه مادری و بقیه را بعمو و عمه پدر و مادری میدهند و عموی پدر و مادری دو برابر عمه پدر و مادری میبرد و اگر هم عمو و هم عمه مادری دارد، مال را سه قسمت میکنند دو قسمت را بعمو و عمه پدر و مادری میدهند و عمو دو برابر عمه میبرد و يك قسمت را بعمو و عمه مادری می دهند که بطور مساوی بین خودشان قسمت میکنند و احتیاط آنست که در تقسیم باید دیگر مصالحه کنند.

مسئله ۲۷۶۸ - اگر وارث میت فقط يك دائی؛ یا يك خاله باشد؛ همه مال باو میرسد و اگر هم دائی و هم خاله باشد همه پدر و مادری؛ یا پدری؛ یا مادری باشند، مال بطور مساوی بین آنان قسمت میشود و احتیاط آنست که در تقسیم باید دیگر مصالحه کنند.

مسئله ۲۷۶۹ - اگر وارث میت فقط يك دائی، یا يك خاله مادری؛ و دائی و خاله پدر

و مادری و دائی و خاله پدري باشد، دائی و خاله پدري ارث نميبرند؛ و مال را شش قسمت ميکنند، يك قسمت را به دائی يا خاله مادري و بقيه را به دائی و خاله پدري و مادري ميدهند و احتياط آنستکه در تقسيم با يکديگر مصالحه کنند.

مسئله ۲۷۷۰ - اگر وارث ميت فقط دائی و خاله پدري و دائی و خاله مادري و

دائی و خاله پدري و مادري باشد، دائی و خاله پدري ارث نميبرند و بايد مال را سه قسمت کنند يك قسمت آنرا دائی و خاله مادري بطور مساوی بين خودشان قسمت نمايند و بقيه را به دائی و خاله پدري و مادري بدهند و احتياط آنست که در تقسيم آن با يکديگر مصالحه کنند.

مسئله ۲۷۷۱ - اگر وارث ميت يك دائی يا يك خاله و يك عمو يا يك عمه باشد

مال را سه قسمت ميکنند؛ يك قسمت را دائی يا خاله و بقيه را عمو يا عمه ميبرد.

مسئله ۲۷۷۲ - اگر وارث ميت يك دائی يا يك خاله و عمو و عمه باشد، چنانچه

عمو و عمه پدر و مادري يا پدري باشند، مال را سه قسمت ميکنند، يك قسمت را دائی يا خاله ميبرد و از بقيه دو قسمت بعمو و يك قسمت بعمه ميدهند، بنا بر اين اگر مال را نه قسمت کنند، سه قسمت را آن به دائی يا خاله و چهار قسمت را به عمو و دو قسمت را به عمه ميدهند.

مسئله ۲۷۷۳ - اگر وارث ميت يك دائی يا يك خاله و يك عمو يا يك عمه مادري

و عمو و عمه پدر و مادري يا پدري باشد، مال را سه قسمت ميکنند يك قسمت آنرا دائی يا خاله ميدهند و دو قسمت با قيمانده را شش قسمت ميکنند، يك قسمت را بعمو يا عمه مادري و بقيه را بعمو و عمه پدري و مادري يا پدري ميدهند و عمود و برابر عمه ميبرد. بنا بر اين اگر مال را نه قسمت کنند، سه قسمت را به دائی يا خاله و يك قسمت را به عمو يا عمه مادري و پنج قسمت ديگر را به عمو و عمه پدري و مادري يا پدري ميدهند.

مسئله ۲۷۷۴ - اگر وارث ميت يك دائی يا يك خاله و عمو و عمه مادري و عمو و

عمه پدر و مادري يا پدري باشد؛ مال را سه قسمت ميکنند يك قسمت را دائی يا خاله

می برد و دو قسمت باقیمانده را سه سهم میکنند ، يك سهم آنرا بطور مساوی بین عمو و عمه مادری قسمت میکنند و دو سهم دیگر را بین عمو و عمه پدر و مادری یا پدری قسمت می نمایند و عمودو برابر عمه میرد . بنابراین اگر مال را نه قسمت کنند ، سه قسمت آن سهم خاله بادائی و دو قسمت سهم عمو و عمه مادری و چهار قسمت سهم عمو و عمه پدر و مادری یا پدری میباشد .

مسئله ۲۷۷۵ - اگر وارث میت چند دائی و چند خاله باشد که همه پدر و مادری یا پدری یا مادری باشند و عمو و عمه هم داشته باشد ، مال سه سهم میشود ، دو سهم آنرا بدستوری که در مسئله پیش گفته شد ، عمو و عمه بین خودشان قسمت میکنند و يك سهم آنرا دائی ها و خاله ها بطور مساوی بین خودشان قسمت مینمایند .

مسئله ۲۷۷۶ - اگر وارث میت ، دائی یا خاله مادری و چند دائی و خاله پدر و مادری یا پدری و عمو و عمه باشد ، مال سه سهم میشود ، دو سهم آنرا بدستوری که سابقاً گفته شد عمو و عمه بین خودشان قسمت میکنند ، پس اگر میت يك دائی یا يك خاله مادری دارد يك سهم دیگر آنرا شش قسمت میکنند ، يك قسمت را به دائی یا خاله مادری میدهند و بقیه را به دائی و خاله پدر و مادری یا پدری میدهند که بنا بر احتیاط در تقسیم آن با هم مصالحه می کنند و اگر چند دائی مادری یا چند خاله مادری یا هم دائی مادری و هم خاله مادری دارد آن يك سهم را سه قسمت میکند يك قسمت را دائی ها و خاله های مادری بطور مساوی بین خودشان قسمت میکنند و بقیه را به دائی و خاله پدر و مادری یا پدری میدهند که بنا بر احتیاط در تقسیم آن با هم مصالحه میکنند .

مسئله ۲۷۷۷ - اگر میت عمو و عمه و دائی و خاله نداشته باشد ، مقداری که به عمو و عمه میرسد ، با اولاد آنان و مقداری که بدائی و خاله میرسد ، با اولاد آنان داده میشود .

مسئله ۲۷۷۸ - اگر وارث میت عمو و عمه و دائی و خاله پدر و عمو و عمه و دائی و خاله مادر او باشند ، مال سه سهم میشود ، يك سهم آنرا عمو و عمه و دائی و خاله مادر میت بطور مساوی بین خودشان قسمت میکنند و دو سهم دیگر آنرا سه قسمت میکنند

يك قسمت رادائی و خاله پدرمیت بطور مساوی بین خودشان قسمت مینمایند و دو قسمت دیگر آنرا بعمو و عمه پدرمیت میدهند و عمود و برابر عمه میبرد

ارث زن و شوهر

مسئله ۲۷۷۹- اگر زنی بمیرد و اولاد نداشته باشد، نصف مال را شوهر او و بقیه را ورثه دیگر میبرند و اگر از آن شوهر یا از شوهر دیگر اولاد داشته باشد، چهار يك مال را شوهر و بقیه را ورثه دیگر میبرند.

مسئله ۲۷۸۰- اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد چهار يك مال را زن و بقیه را ورثه دیگر میبرند و اگر از آن زن یا از زن دیگر اولاد داشته باشد، هشت يك مال را زن و بقیه را ورثه دیگر میبرند، و زن از زمین ارث نمی برد، نه از خود زمین و نه از قیمت آن چه زمین خانه مسکونی باشد یا زمین باغ و زراعت و زمینهای دیگر و نیز از عین هوائی بنا و اشجار ارث نمیبرد ولی از قیمت آنها و قیمت درخت و زراعت و ساختمانی که در زمین باغ و زراعت و زمینهای دیگر است ارث میبرد.

مسئله ۲۷۸۱- اگر زن بخواهد در چیزهایی که از آنها ارث نمیبرد، مانند زمین- خانه مسکونی، تصرف کند، باید از ورثه دیگر اجازه بگیرد. و نیز احتیاط مستحب آنست که ورثه تا سهم زن را نداده اند، در چیزهایی که زن از قیمت آنها ارث میبرد؛ مانند بنا و درخت بدون اجازه او تصرف نکنند. و چنانچه پیش از دادن سهم زن، اینها را بفروشند، معامله صحیح است و محتاج با اجازه زن نیست.

مسئله ۲۷۸۲- اگر بخواهند بنا و درخت و مانند آنها قیمت نمایند، باید حساب کنند که اگر آنها بدون اجازه در زمین بمانند تا از بین بروند، چقدر ارزش دارند و سهم زن را از آن قیمت بدهند.

مسئله ۲۷۸۳- مجرای آب قنات و مانند آن حکم زمین را دارد و آجر و چیزهایی که در آن بکار رفته، در حکم ساختمان است.

مسئله ۲۷۸۴- اگر میت بیش از يك زن داشته باشد، چنانچه اولاد نداشته باشد،

چهار يك مال ، واگر اولاد داشته باشد ، هشت يك مال بشرحی كه گفته شد ، بطور مساوی بین زنان او قسمت میشود ، اگر چه شوهر با هیچ يك از آنان یا بعض آنان نزدیکی نکرده باشد ؛ ولی اگر در مرضی كه بآن مرض از دنیا رفته ، زنیرا عقد کرده و با او نزدیکی نکرده است ، آن زن از او ارث نمیرد و حق مهر هم ندارد .
مسئله ۲۷۸۵ - اگر زن در حال مرض ، شوهر کند و بهمان مرض بمیرد ، شوهرش اگر چه با او نزدیکی نکرده باشد ، از او ارث میبرد .

مسئله ۲۷۸۶ - اگر زنی را به ترتیبی كه در احكام طلاق گفته شد ؛ طلاق رجعی بدهند و در بین عده بمیرد ، شوهرش از او ارث میبرد . و نیز اگر شوهر در بین عده زن بمیرد ، زن از او ارث میبرد . ولی اگر بعد از گذشتن عده رجعی یا در عده طلاق بائن یکی از آنان بمیرد ، دیگری از او ارث نمیرد .

مسئله ۲۷۸۷ - اگر شوهر در حال مرض عیالش را طلاق دهد و پیش از گذشتن دوازده ماه هلالی بمیرد ، زن با سه شرط از او ارث میبرد .

اول - آنكه در این مدت شوهر دیگر نکرده باشد .

دوم - بواسطه بی میلی بشوهر ، مالی باو نداده باشد كه به طلاق دادن راضی شود . بلکه اگر چیزی هم بشوهر ندهد ولی طلاق به تقاضای زن باشد ، باز هم ارث بردنش اشكال دارد .

سوم - شوهر ؛ در مرضی كه در آن مرض زنی را طلاق داده ؛ بواسطه آن مرض بمیرد . پس اگر از آن مرض خوب شود و بجهت دیگری از دنیا برود ، زن از او ارث نمیرد و اگر از آن مرض خوب نشد لکن بمرض دیگر از دنیا رفت بنا بر احتیاط لازم زن با سایر ورثه مصالحه نمایند .

مسئله ۲۷۸۸ - لباسی كه مرد برای پوشیدن زن خود گرفته ؛ اگر چه زن آنرا پوشیده باشد ، بعد از مردن شوهر ، جزء مال شوهر است .

مسائل متفرقه ارث

مسئله ۲۷۸۹- اگر مردی بمیرد و غیر از قرآن وانگشتر و شمشیر و لباسی را که پوشیده، مال داشته باشد این چهار چیز مال پسر بزرگتر است و اگر غیر از اینها نداشته باشد اینها مال همه ورثه است و اگر میت از این چهار چیز بیشتر از یکی دارد؛ مثلاً دو قرآن یا دو انگشتر دارد، احتیاط واجب آنست که پسر بزرگتر آنها با ورنه دیگر مصالحه کند.

مسئله ۲۷۹۰- اگر پسر بزرگ میت بیش از یکی باشد مثلاً از دوزن او در يك وقت دو پسر بدنیا آمده باشد، باید لباس و قرآن وانگشتر و شمشیر میت را بطور مساوی بین خودشان قسمت کنند.

مسئله ۲۷۹۱- اگر میت قرض داشته باشد، چنانچه قرضش باندازه مال او یا زیادتر باشد، باید چهار چیزی هم که مال پسر بزرگتر است و در مسئله پیش گفته شد بقرض او بدهند و اگر قرضش کمتر از مال او باشد، باید از آن چهار چیزی هم که به پسر بزرگتر می رسد، به نسبت بقرض او بدهند، مثلاً اگر همه دارائی او شصت تومان است و به مقدار بیست تومان آن از چیزهائی است که مال پسر بزرگتر است و سی تومان هم قرض دارد، پسر بزرگ باید بمقدارده تومان از آن چهار چیز را بابت قرض میت بدهد.

مسئله ۲۷۹۲- مسلمان از کافر ارث میبرد ولی کافر اگر چه پدر یا پسر میت باشد از مسلمان ارث نمیبرد.

مسئله ۲۷۹۳- اگر کسی یکی از خویشان خود را عمداً و بناحق بکشد، از او ارث نمی برد ولی اگر از روی خطا باشد مثل آنکه سنگ را به او بیندازد و اتفاقاً یکی از خویشان او بخورد و او را بکشد از او ارث میبرد ولی ارث بردن او از دینه قتل که بعداً گفته میشود محل اشکال است.

مسئله ۲۷۹۴ - هر گاه بخواهند ارث را تقسیم کنند ، برای بچه ای که در شکم است که اگر زنده بدنیا بیاید ارث می برد ، سهم دو پسر را کنار میگذارند ولی اگر احتمال بدهند بیشتر است مثلا احتمال بدهند که زنی به سه بچه حامله باشد ، سهم سه پسر را کنار میگذارند ، و چنانچه مثلا يك پسر یا يك دختر بدنیا آمد ، زیادی را ورثه بین خودشان تقسیم می کنند .

احکام حدی که برای بعضی

از گناهان معین شده است

مسئله ۲۷۹۵ - اگر کسی با یکی از محارم نه دکه مثل مادر و خواهر با او نسبت دارند زنا کند ، بحکم حاکم شرع باید او را بکشند و همچنین است اگر مرد کافر با زن مسلمان زنا کند و در اخبار بسیار وارد شده است که انجام دادن یکی از حدها باعث میشود که مردم کار نامشروع نکنند و دنیا و آخرت آنان را حفظ میکنند و منفعتش برای آنان بیشتر است از اینکه چهل روز باران بیارند

مسئله ۲۷۹۶ - اگر مرد مسلمان آزادی با غیر محارم خود زنا کند ، بدون اکراه زن ، باید او را صد تازیانه بزنند و چنانچه سه مرتبه زنا کند و در هر دفعه صد تازیانه اش بزنند در دفعه چهارم باید او را بکشند و اگر زن را اکراه نماید ، باید آن مرد را بکشند ولی کسی که زن عقد دائمی با ملک یمین دارد ، و در حالی که بالغ و عاقل و آزاد بوده با او نزدیکی کرده ، و هر وقت هم بخواهد میتواند با او نزدیکی کند ، اگر با زنی که بالغه و عاقله است زنا کند ، باید او را سنگسار نمایند بلکه بعید نیست جمع بین صد تازیانه که اول بزنند و سنگسار نمودن که بعد از تازیانه باشد و اگر زن داشته باشد و تاکنون با او نزدیکی نکرده باشد ؛ باید علاوه بر صد تازیانه سر او را بتراشند و از شهریکه این عمل را در آن مرتکب شده بیرون کنند .

مسئله ۲۷۹۷ - اگر مردی ببیند که کسی با زن او زنا میکند ، چنانچه نترسد که

با ضرری بزنند ، اگر بدانند زنهم راضی باین عمل است میتواند هر دو را بکشد و الا زن را نمی تواند بکشد و اگر آنان را نکشد ، آن زن بر او حرام نمیشود .

مسئله ۲۷۹۸ - اگر مرد مکلف عاقلی با مکلف عاقل دیگر لواط کند ، اگر هر دو باین عمل راضی باشند باید هر دو را بکشند و اگر یکی مکره باشد و از ترس جاننش مرتکب شده او را نباید کشت و حاکم شرع میتواند لواط کننده را با شمشیر بکشد ، یا سنگسار کند ، یا زنده با آتش بسوزاند ، یا دست و پای او را ببندد و از جای بلندی بزیر اندازد و یا دیواری را روی او خراب کند .

مسئله ۲۷۹۹ - اگر يك نفر کس دیگری را امر کند که بناحق کسی را بکشد در صورتی که قاتل و کسیکه باو دستور داده ، هر دو مکلف و عاقل باشند ، قاتل را باید کشت و کسی را که امر کرده باید حبس کرد تا بمیرد .

مسئله ۲۸۰۰ - اگر فرزند ، پدر یا مادر را عمدأ بکشد ؛ باید او را بکشند ، ولی اگر پدری فرزند خود را عمدأ بکشد ، باید بدستوری که در احکام دیه گفته میشود دیه بدهد و هر قدر حاکم شرع صلاح میدانند او را تعزیر نمایند .

مسئله ۲۸۰۱ - هر گاه کسی پسری را از روی شهوت بیوسد ، حاکم شرع از سی تانودونه هر قدر صلاح میداند تازیانه باو میزند ، و روایت شده است که خداوند عالم دهانه ای از آتش بدهان او میزند و ملئکه آسمان و زمین و ملئکه رحمت و غضب بر او لعنت میکنند و جهنم برای او مهیا خواهد بود . ولی اگر توبه کند توبه او قبول میشود .

مسئله ۲۸۰۲ - اگر کسی مرد و زن را برای زنا یا دو نفر را برای لواط بهم برساند ، باید هفتاد و پنج تازیانه باو بزنند و اگر مرد باشد و در مرتبه دوم این عمل را مرتکب شود باید علاوه بر هفتاد و پنج تازیانه از محلی که در آن محل اینکار را کرده بیرونش کنند .

مسئله ۲۸۰۳ - اگر کسی بخوهد با زنی زنا کند ، یا با پسری لواط نماید

و بدون آنکه او را بکشند جلوگیری از او ممکن نباشد، کشتن او جایز است .
 مسئله ۲۸۰۴ - اگر شخص بالغ عاقل بمرد یا زن مسلمانی که بالغ و عاقل
 و آزاد است رعلنا زنا کار نباشد نسبت زنا یا لواط بدهد ، یا ولد الزنا بگوید ، باید هشتاد
 تازیانه از روی لباس باو بزنند .

مسئله ۲۸۰۵ - کسی که مکلف و عاقل است اگر از روی احتیاج شراب بخورد
 در دفعه اول و دوم باید اگر مرد باشد تمام بدنش را غیر از عورت برهنه کند و هشتاد
 تازیانه باو بزنند و در دفعه سوم یا چهارم باید او را بکشند و زن را نباید برهنه کنند .
 مسئله ۲۷۰۶ - کسیکه مکلف و عاقل است اگر چهار نخود و نیم طلای سکه دار
 یا چیز دیگری را که باین مقدار ارزش دارد بدزدد . چنانچه شرائطی را که در شرع
 برای آن معین شده دارا باشد . در دفعه اول باید چهار انگشت دست راست او را از بیخ
 ببرند و کف دست و شست او را بگذارند و در دفعه دوم بنا بر احتیاط باید پای چپ
 او را از وسط قدم ببرند و در دفعه سوم باید او را حبس کنند تا بمیرد و چنانچه مال دارد
 خرج او را از مال خودش و اگر ندارد از بیت المال بدهند و در صورتیکه در زندان دزدی
 کند ، باید او را بکشند

احکام دیه

مسئله ۲۸۰۷ - اگر کسی عمداً و بناحق دیگری را بکشد ، ولی کشته می‌تواند قاتل را عفو کند یا بکشد اگر شرایط قصاص در قاتل و مقتول باشد یا مقداری که در مسئله بعد گفته میشود از او دیه بگیرد ، اما اگر از روی خطا بکشد مثلاً برای حیوانی تیر بیندازد و اشتبهاً کسی را بکشد ، ولی کشته حق ندارد او را بکشد ، اما می‌تواند دیه بگیرد .

مسئله ۲۸۰۸ - دیه کشتن مرد مسلمان آزاد که قاتل باید بدهد یکی از شش چیز است : اول - صدشتر که داخل سال ششم شده باشند . دوم - دویست گاو . سوم - هزار گوسفند . چهارم - دویست حله و هر حله دو پارچه‌ای است که در یمن می‌یافتند . پنجم - هزار منقال شرعی طلا که هر منقال آن ۱۸ نخود سکه‌دار است ششم - ده هزار درهم که هر درهمی ۱۲۶ نخود نقره سکه‌دار است و از زن مسلمان آزاد نصف هریک است .

مسئله ۲۸۰۹ - دیه چند چیز مثل دیه کشتن است که مقدار آن در مسئله پیش گفته شد : اول - آنکه دو چشم کسی را کور کند ، یا چهار پلک چشم او را از بین ببرد و اگر یک چشم او را کور کند ؛ باید نصف دیه کشتن را بدهد . دوم - دو گوش کسی را ببرد ، یا کاری کند که هر دو گوش او کور شود و امید خوب شدن در آن نباشد و اگر یک گوش او را ببرد یا کور کند ، باید نصف دیه کشتن را بدهد و اگر نرمه گوش او را

ببرد ، بايدثلث ديه کشتن را بدهد .

سوم - تمام بينی يا فرمه بينی کسير ابررد .

چهارم - زبه . کسيرا که لال نيست از بيخ ببرد و اگر مقداری از آن را ببرد بايد به نسبت نقص حروف بيست و هشتگانه ديه بدهد که اگر يك حرف نتواند بگويد يك بيست و هشتم ديه و اگر دو حرف نتواند دو بيست و هشتم ، و اگر تمام زبان کسي که لال باشد ببرد ، ثلث ديه را بايد بدهد و اگر مقداری از زبان لال را ببرد ، بايد بنسبت نقص زبان ديه بدهند :
يعنی : در نصف ؛ نصف ثلث و در ربع ، ربع ثلث ديه را بدهند .

پنجم - تمام دندانهای کسيرا از بين ببرد و ديه هر کدام از دو از ده دندان جلوی دهان که شش عدد بالاوشش عدد پائين مي باشد ، پنجاه منقال شرعی طلا است و هر منقال شرعی ۱۸ نخود است و اگر یکی از شانزده دندان عقب را که هشت عدد آنها بالا و هشت عدد پائين است از بين ببرد بايد بيست و پنج منقال شرعی طلا بدهد .
ششم - هر دو دست کسی را از بند جدا کند و اگر يك دست را از بند جدا کند ، بايد نصف ديه کشتن را بدهد .

هفتم - ده انگشت کسی را ببرد و ديه هر انگشت ، ده يك ديه کشتن است .
هشتم - شت کسی را طوری بشکند که نتواند بنشیند و ديگر درست نشود .
نهم - هر دو پستان زنی را ببرد و اگر یکی از آنها را ببرد بايد نصف ديه کشتن را بدهد
دهم - هر دو پای کسی را تا مفصل ، يا همه ده انگشت پارا ببرد و ديه هر انگشت :
ده يك ديه کشتن است . يازدهم - تخم های مردی را از بين ببرد .

دوازدهم - طوری به کسی آسیب برساند که عقل او از بين برود .
سیزدهم - بکسی صدمه ای بزند که ديگر بوی خوب و بد را نفهمد و اگر بکسی صدمه ای بزند که منی از او خارج نشود . بنا بر احتیاط واجب بايد ديه کامله بدهد .

مسئله ۲۸۱۰ - اگر انسان کسيرا عمداً و بناحق بکشد و ولی مقتول عفو کند يا ديه از او بگيرد بايد دوماه روزه بگيرد و شصت فقير را سير کند و يك بنده آزاد نمايد و

اگر اورا بکشند احتیاط لازم آنست که کبار از ورثه کفارہ را بنحویکه ذکر شد از سهم الارث خود بدهند ولی اگر اشتهاً بکشد عاقله باید دیه او را بدهد و خود قاتل يك بنده آزاد کند و اگر نتواند بنده آزاد کند ، دو ماه روزه بگیرد و اگر این راهم نتواند؛ شصت فقیر را سیر کند .

مسئله ۲۸۱۱ - کسیکه سوار حیوان است ، اگر کاری کند که آن حیوان بکسی آسیب برساند ، ضامن است و نیز اگر دیگری کاری کند که حیوان بسوار خود یا بکس دیگر صدمه بزند ، ضامن میباشد .

مسئله ۲۸۱۲ - اگر انسان کاری کند که زن حامله سقط کند و سقط شده محکوم باسلام و حریت باشد چنانچه چیزی که سقط شده نطفه باشد ، دیه اش بیست مثقال شرعی طلای سکه دار است ؛ که هر مثقال آن ۱۸ نخود میباشد . و اگر علقه یعنی خون بسته باشد ، چهل مثقال . و اگر مضغه یعنی پاره گوشت باشد ، شصت مثقال . و اگر استخوان شده باشد ، هشتاد مثقال . و اگر گوشت آورده ولی هنوز روح در او دمیده شده ، صد مثقال . و اگر روح در او دمیده شده ، چنانچه پسر باشد ، دیه او هزار مثقال و اگر دختر باشد ، دیه او بانصد مثقال شرعی طلا است .

مسئله ۲۸۱۳ - اگر زن حامله کاری کند که بچه اش سقط شود ؛ باید دیه آن را به تفصیلی که در مسئله پیش گفته شد ، بوارث بچه بدهد و بخود زن چیزی از آن نمیرسد .

مسئله ۲۸۱۴ - اگر کسی زن حامله را بکشد ، باید دیه زن و بچه را بدهد .

مسئله ۲۸۱۵ - اگر پوست سر ، یا صورت مردی را پاره کند ، باید يك شتر باو بدهد و اگر بگوشت برسد و قدری از آبراهم ببرد ، باید دو شتر بدهد . و اگر خیلی از گوشت را پاره کند ، باید سه شتر بدهد . و اگر به پرده نازک استخوان برسد ، چهار شتر و اگر استخوان نمایان شود ؛ پنج شتر و اگر استخوان بشکند ، ده شتر . و اگر بعضی از

ریزه‌های استخوان از جای خود بیرون آید ، پانزده شتر . واگر به پرده مغز سر برسد ، باید سی و سه شتر بدهد .

مسئله ۲۸۱۶ - اگر بصورت کسی سبلی یا چیز دیگر بزند بطوریکه صورت او سرخ شود ، باید يك مثقال ونیم شرعی طلای سکه‌دا که هر مثقالی ۱۸ نخود است بدهد . واگر کبود شود ؛ سه مثقال واگر سیاه شود باید شش مثقال شرعی طلا بدهد ولی اگر جای دیگر بدن کسی را بواسطه زدن ، سرخ یا کبود یا سیاه کند ، باید نصف آنچه را که گفته شد بدهد .

مسئله ۲۸۱۷ - اگر بحیوان حلال گوشت یا حرام گوشتی که ملك او باشد کسی زخم بزند ، یا چیزی از بدن آنرا ببرد ، باید تفاوت قیمت سالم و معیوب آنرا بصاحبش بدهد .

مسئله ۲۸۱۸ - اگر انسان سنگ شکاری کسی را بکشد ، باید بیست و يك مثقال معمولی نقره سکه‌دار بدهد . واگر سنگی که نگهداری خانه را میکند یا سکه نقره کسی را تلف نماید ، باید ده مثقال ونیم نقره سکه‌دار بدهد . واگر سنگی که پاسبانی زراعت را میکند بکشد ، باید ، نه من ونیم و سه سیر و چهارده مثقال ونیم گندم که تقریباً ۲۹ کیلو و ۷۵ گرم میشود بدهد .

مسئله ۲۸۱۹ - اگر حیوان زراعت یا مال کسی را از بین ببرد ، چنانچه صاحب حیوان در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد ، باید مقداری را که ضرر زده بصاحب مال یا زراعت بدهد .

مسئله ۲۸۲۰ - اگر بچه یکی از گناهان کبیره را انجام دهد ، ولی یادگیری باذن ولی او میتواند بقدری که ادب شود و دبه واجب نشود او را بزند .

مسئله ۲۸۲۱ - اگر کسی بچه‌ای را طوری بزند که دبه واجب شود ، دبه مال طفل است واگر مرده باید بورئه او بدهد و چنانچه مثلاً پدر بچه بقدری او را بزند که

بمیرد دیه او را ورثه دیگرش میبرند و بخود پدر از دیه چیزی نمیرسد .
مسئله ۲۸۲۲ - دیه اعضاء و جراحات وارده بر زن تا مقدار ثلث دیه مرد نرسیده
با مرد مساوی است و بمقدار ثلث دیه مرد که رسید دیه زن نصف دیه مرد است .

مسائل متفرقه

مسئله ۲۸۲۳ - اگر ریشه درخت همسایه در ملك انسان بیاید، میتواند از آن جلوگیری کند و چنانچه ضروری هم از ریشه درخت باو برسد، میتواند از صاحب درخت بگیرد .

مسئله ۲۸۲۴ - جهیزیه ای که پدر بدختر میدهد، اگر مثلا بواسطه صلح یا بخشش ملك او کرده باشد، نمیتواند از او پس بگیرد و اگر ملك او نکرده باشد، پس گرفتن آن اشکال ندارد .

مسئله ۲۸۲۵ - اگر کسی بمیرد، ورثه بالغ او میتواند از سهم خودشان خرج عزاداری میت نمایند ولی از سهم صغیر نمیشود چیزی برداشت .

مسئله ۲۸۲۶ - اگر انسان غیبت مسلمان را بکند، اگر مفسده ای پیدا نشود و آن مسلمان از شنیدن این حرف اذیت نمیشود خوب است از آن مسلمان خواهش کند که او را حلال نماید . و چنانچه ممکن نباشد، برای او از خدا طلب آمرزش کند و اگر بواسطه غیبتی که کرده توهینی از آن مسلمان شده، در صورتیکه ممکن است، باید آن توهین را بر طرف نماید .

مسئله ۲۸۲۷ - انسان نمیتواند بدون اذن حاکم شرع از مال کسیکه میداند خمس نمیدهد، خمس را بردارد و بحاکم شرع برساند.

مسئله ۲۸۲۸ - آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازیگری است، غنا و حرام

میباشد. و اگر نوحه یا روضه یا قرآن را هم باغنا بخوانند حرام است ولی اگر آنرا با صدای خوب بخوانند که غنا نباشد اشکال ندارد.

مسئله ۲۸۲۹ - کشتن حیوانی که اذیت میرساند و مال کسی نیست، اشکال ندارد.

مسئله ۲۸۳۰ - جایزه‌ای را که بانک به بعضی از کسانی که در صندوق پس انداز

حساب دارند میدهد، چون برای تشویق مردم از خودش میدهد و ضرر آن بکسی نمیرسد حلال است.

مسئله ۲۸۳۱ - اگر چیزی را به صنعتگری بدهند که درست کند و صاحب آن

نیاید آنرا ببرد؛ چنانچه صنعتگر جستجو کند و از پیدا کردن صاحب آن ناامید شود، باید آنرا به نیت صاحبش صدقه بدهد و میتواند بمقدار مزد کاری که انجام داده از آن بردارد و بنا بر احتیاط از حاکم شرع هم اذن بگیرد.

مسئله ۲۸۳۲ - سینه زدن در کوچه و بازار با اینکه زنان عبور میکنند، در

صورتیکه سینه‌زن پیراهن پوشیده باشد اشکال ندارد و نیز اگر جلوی جمعیت عزادار بی‌رق و مانند آن بپزند، مانعی ندارد ولی باید استعمال آلات لهو نشود.

مسئله ۲۸۳۳ - تعزیه و شبیه خوانی اگر مشتمل بر آلات لهو از قبیل طبل و

شیپور و صنج نباشد و اشعار دروغ و غنانخوانند و مرد لباس زن نپوشد و اجتماع مرد و زن در یکجا نباشد، اشکال ندارد ولی سزاوار است که به تعزیه خوانی تنها اکتفا نکنند و مجالس روضه که در آنها علاوه بر ذکر مصائب حضرت خامس آل عبا علیه السلام، معارف و عقائد اسلامی و تفسیر آیات و احادیث و احکام شرعیه بیان می‌شود نیز تشکیل دهند

مسئله ۲۸۳۴ - گذاشتن دندان طلا و دندان‌هایی که روکش طلا دارد، برای زن

مانعی ندارد و برای مرد اگر زینت حساب شود جایز نیست.

مسئله ۲۸۳۵ - حرام است انسان استمناء کند یعنی: با خود کاری کند که منی از

او بیرون آید.

مسئله ۲۸۳۶ - تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد حرام

است و در این حکم تمام مردم یکسانند و حکم خدا بواسطه مسخره مردم تغییر

نمیکنند پس کسی هم که اول تکلیف اوست ، یا اگر ریش نتراشد مردم او را مسخره می کنند، چنانچه ریش بتراشد یا طوری ماشین کند که مثل تراشیدن باشد حرام میباشد. مسئله ۲۸۳۷ - مستحب بلکه احوط است که ولی بچه پیش از آنکه بچه بالغ شود او را ختنه نماید و اگر او را ختنه نکند ، بعد از بالغ شدن بر خود بچه واجب است.

مسئله ۲۸۳۸ - سر کشیدن و نگاه کردن بخانه مردم بی اجازه صاحب خانه حرام است خواه از بالای بام یا از روزنه و مانند آن باشد .

مسئله ۲۸۳۹ - اگر پدر و مادر فقیر باشند و نتوانند کاسبی کنند ؛ فرزند آنان اگر بتواند ، باید خرجی آنان را بدهد.

مسئله ۲۸۴۰ - اگر کسی فقیر باشد و نتواند کاسبی کند ، پدر او باید خرجی او را بدهد . و اگر پدر ندارد، یا نمیتواند خرجی او را بدهد، چنانچه فرزندی هم نداشته باشد که بتواند خرجی او را بدهد ؛ جد پدری او باید خرجی او را بدهد . و اگر جد پدری ندارد ، یا نمی تواند خرجی او را بدهد ؛ مادرش باید خرجی او را بدهد و اگر مادر هم ندارد نمیتواند خرجی او را بدهد ، باید مادر پدر ؛ و مادر مادر ، و پدر مادر با هم خرجی او را بدهند. و اگر مادر پدر و مادر مادر ندارد ، پدر مادر ، باید خرجی او را بدهد.

مسئله ۲۸۴۱ - دیواری که مال دونفر است ، هیچ کدام آنان حق ندارد بدون اذن شریک دیگر آنرا بسازد ، یا سر تیر یا پایه عمارت خود را روی آن دیوار بگذارد یا بدیوار میخ بکوبد ولی کارهایی که معلوم است شریک راضی است با آن کارها تصرف شمرده نشود مانند تکیه دادن بدیوار و لباس انداختن روی آن اشکال ندارد .

مسئله ۲۸۴۲ - عکاسی و نقاشی صورت ، مکروه است .

مسئله ۲۸۴۳ - درخت میوه‌ای که شاخه آن از دیوار باغ بیرون آمده ، اگر انسان نداند صاحبش راضی است ، نمیتواند از میوه آن بچیند و اگر میوه آن روی زمین هم ریخته باشد ، نمیتواند آن را بردارد .

مسئله ۲۸۴۴ - کسی که مدتی خمس نمیداده و در آن مدت املاکی خریداری نموده و آن املاک ترقی قیمت پیدا کرده ، اگر خرید آنها برای تجارت بوده برای اداء خمس ، باید قیمت فعلی را حساب کند و اگر برای تجارت نبوده چنانچه معامله را بدمه انجام داده و پولیکه بعنوان قیمت آن ملک پرداخته خمس بآن تعلق گرفته بوده در این صورت باید خمس قیمت خرید را بپردازد ، و اگر معامله را بعین آن پول واقع ساخته ، در صورتی که حاکم شرع آن معامله را امضاء کند خمس قیمت یوم الاداء واجب است و نیز اگر قیمت ملک را از ربح سال خرید ملک پرداخته باشد باید خمس قیمت فعلی را بپردازد خواه معامله را بدمه انجام داده باشد و یا بعین ربح و همچنین است حکم اگر ملک را نسبه خریداری شده باشد و قیمت آن را از ربح بین سال پرداخت نموده باشد که در این صورت هم قیمت فعلی ملک حساب می‌شود .

مسئله ۲۸۴۵ - کسی که مدتی خمس نمیداده و در آن مدت اثاث خانه و لوازم زندگی خریده ، اگر میدانند که آنها را در سال حصول فائده از فائده همان سال خریداری نموده خمس به آنها تعلق نمیگیرد و اگر نمیدانند احوط مصالحه با حاکم شرع است هر چند این احتیاط لازم نیست .

مسئله ۲۸۴۶ - انتفاع بردن از خون در غیر خوردن و نیز فروختن آن برای انتفاع حلال جائز است ، پس آنچه اکنون متعارف است که خون را می‌فروشند برای استفاده مریض‌ها و مجروحین اشکال ندارد و لکن کسیکه میخواهد خون خود را بدیگری بدهد احتیاط آنستکه پول را در مقابل اجازه خون گرفتن از او بگیرد ، و این احتیاط حتی الامکان ترك نشود ، لکن اگر گرفتن خون برای صاحب آن ضرر داشته باشد اشکال دارد خصوصا اگر ضرر زیاد باشد جایز نیست .

مسئله ۲۸۴۷ - تلقیح نطفهٔ مرد بعیال خودش مانعی ندارد و اولاد ملحق بطرفین است و از پدر و مادر ارث می‌برد و تلقیح نطفهٔ اجنبی به اجنبیه حرام است.

مسئله ۲۸۴۸ - تشریح مردهٔ مسلمان حرام است اگر چه برای یاد گرفتن باشد و قطع اعضاء آن دیه دارد ولی تشریح مردهٔ غیر مسلمان جایز است و دیه ندارد.

مسئله ۲۸۴۹ - اگر جزئی از اجزاء مینه بظاهر بدن انسان زنده وصل شود چنانچه حیوة در آن حلول کند، جزء بدن او محسوب است، و قبل از حلول حیوة چون مضطر است در حمل آن، در حال نماز احکام ضرورت بر آن جاری است.

مسئله ۲۸۵۰ - اگر جزئی از حیوان نجس العین رابه بدن انسان زنده وصل کنند در صورتیکه بیمار مضطر به چنین عملی باشد مانعی ندارد و بعد از حلول حیوة در آن، جزء بدن انسان محسوب می‌شود و طاهر است.

مسئله ۲۸۵۱ - (سرقفلی) کسی که ملکی را اجاره میکند و در هنگام اجاره؛ در ضمن عقد خارج لازم، با مالک شرط میکند که پس از انقضاء مدت، حق اولویت استیجار برای او باشد، اقوی صحت این شرط است، و مادامیکه مستأجر برای اجاره حاضر است، مالک حق اجاره دادن بدیگری را ندارد و در اینصورت مستأجر می‌تواند از مالک یادگیری وجهی بگیرد و اینحق را اسقاط کند و اینرا در عرف سرقفلی گویند لکن اگر مستأجر از دیگری وجهی بگیرد، دهندهٔ وجه بدون اجازهٔ مالک نمیتواند در ملک تصرف کند، و چنانچه در هنگام اجاره شرط نکنند ولی علم به آن داشته باشد که مطابق بعض قوانین غیر مشروعه مادامیکه مستأجر اجاره را می‌پردازد مالک حق تخلیهٔ ملک را ندارد و تصریح به آن نکند، مالک پس از انقضاء مدت اجاره شرعاً حق مطالبهٔ تخلیه را دارد و بر مستأجر واجب است تخلیه کند.

مسئله ۲۸۵۲ - اگر کسی از پول خمس داده شده سرقفلی ملکی را بخرد چنانچه

بخواهد در آخر سال آنرا بفروشد ، مازاد را باید جزء منافع سال بحساب آورد ، و اگر از منافع بین سال برای تجارت، سرفظلی را خریده باشد مانند منافع دیگر تجاری است که باید در آخر سال حق سرفظلی را قیمت کرده و خمس آنرا پرداخت کند ، قیمت آن زیاد شده باشد یا کم ؛ ولی اگر برای کسب در آن محل خریده تا فروخته خمس همان مقدار که خریده واجب است و ترقی قیمت آن خمس ندارد ، بلی هر وقت آنرا فروخت زیادی قیمت جزء منافع همان سال است .

مسئله ۲۸۵۳- (چك وسفته) آنچه در این زمان مرسوم است که چك یا سفته ای مثلاً بمبلغ سه هزار تومان بمدت معین به بانک یا بشخص دیگر واگذار میکنند بمبلغ کمتر ، مادامیکه قرض واستقراض نباشد ، بلکه فروش مافی الذمه باشد عیبی ندارد بشرط آنکه اگر مافی الذمه مکیل و موزون باشد بمثل خودش فروخته نشود و نیز بشرط آنکه چك یا سفته بيمورد و صوری نباشد .

مسئله ۲۸۵۴ - خرید و فروش چك وسفته صوری که در این زمان داد و ستد میکنند باطل است و راه صحیح و شرعی آن اینست که دهنده چك یا سفته و کالت دهد بفروشنده که مبلغ مکتوب در سفته را به بانک مثلاً در عهده من بفروش و مبلغ مأخوذ در قبال آنرا برای خودت قرض بردار ؛ لکن در موقع پرداخت وجه ببانک این زیادی را از باب ابراء ذمه دهنده سفته تبرعاً پردازد و اگر آن مبلغ را بخود دهنده سفته پرداخت کند ، باید زیادی را بذل کند و نیز دهنده سفته نمی تواند در ابتداء زیادی را با قرض گیرنده در ضمن قرض دادن شرط نماید ولی اگر بگوید من بتو کالت میدهم که مثلاً هزار تومان در عهده من به بانک بفروشی به نهصد تومان و نهصد تومان را به عنوان قرض الحسن برداری ؛ لکن چون این کالت مستلزم یکصد تومان ضرر من است و کالت را بشرط آن میدهم که ضرر مرا تو متحمل شوی و در موقع پرداخت وجه به بانک ذمه مرا بری نمائی ، صحیح است و باید این و کالت را با این شرط در ضمن عقد خارج لازم قرار دهند که بعداً حق الزام داشته باشد .

مسئله ۲۸۵۵- (بیعه) اگر شخصی با شرکتی قرارداد کند که هر سال مبلغی بدون عوض بدهد و در مقابل شرط کند که اگر آسیبی به تجارتخانه یا ماشین یا منزل یا وجود خودش برسد، آن شرکت خسارت او را جبران؛ یا آسیب را برطرف، یا مرض را معالجه نماید، عمل باین قرارداد با رضایت طرفین اشکال ندارد و در صورت عدم رضایت و اجبار، گیرنده وجه ضامن است، بلی اگر در ضمن عقد صلح چنین شرطی بنمایند صحت چنین صلح باین شرط بعید نیست و الزام آور است.

مسئله ۲۸۵۶- ازدواج مسلم یا مسلمه با بهائی جائز نیست و اگر عقد بین آنها واقع شده است باطل است، چه زن باشد و چه مرد؛ و جدا شدن آنها واجب است و بر مسلمانان لازم است آنها را جدا کنند و محتاج به طلاق نیست، لکن اگر زن نمیدانسته که مرد بهائی است یا مسئله را نمیدانسته که نباید به بهائی شوهر کند، بعد از جدائی از او باید عده وطی به شبهه که عده طلاق است نگهدارد.

مسئله ۲۸۵۷- کسب کردن با قدرت بقدر مایحتاج خود و عیال واجب النفقه واجب است بلکه بجهت اداء دین هم بنا بر احتیاط.

مسئله ۲۸۵۸- بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، نان و آب داده و او را از مرگ نجات دهد.

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۵۵	احکام وضو	۲	احکام تقلید
۵۸	چیزهائیکه باید برای آنها وضو گرفت	۸	احکام طهارت
۶۰	چیزهائیکه وضو را باطل میکند	۸	آب مطلق و مضاف، ۱- آب کر
۶۰	احکام وضوی جبیره‌ای	۱۰	۳۰۲ - آب قلیل و آب جاری
۶۳	غسلهای واجب	۱۱	۴ - آب باران
۶۴	احکام جنابت	۱۲	۵ - آب چاه
۶۵	کارهائیکه بر جنب حرام است	۱۳	احکام آبها
۶۶	کارهائیکه بر جنب مکروه است	۱۴	احکام تخلی (بول و غائط کردن)
۶۶	غسل جنابت	۱۷	استبراء
۶۷	غسل ترتیبی	۱۸	مستحبات و مکروهات تخلی
۶۸	غسل ارتعاسی	۲۳-۱۹	نجاسات
۶۹	احکام غسل کردن	۲۴	راه ثابت شدن نجاست
۷۲	استحاضه	۲۵	راه نجس شدن چیزهای پاک
۷۲	احکام استحاضه	۲۷	احکام نجاسات
۷۹	حیض	۲۳-۲۸	مطهرات
۸۲	احکام حائض	۴۳	احکام ظرفها
۸۶	اقسام حائض	۴۴	وضو
۸۶	۱- صاحب عادت و قته و عدویه	۴۸	وضوی ارتعاسی
۹۰	۲- صاحب عادت و قته	۴۹	دعا هائیکه موقع وضو گرفتن مستحب است
۹۲	۳- صاحب عادت عدویه	۴۹	شرائط وضو

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۲۹	چهارم و پنجم از موارد تیمم	۹۳	۴- مضطر به
۱۳۰	ششم و هفتم از موارد تیمم	۹۴	۵- مبتدئه
۱۳۱	چیزهایی که تیمم بآنها صحیح است	۹۵	۶- ناسیه
۱۳۳	تیمم بدل از وضو	۹۵	مسائل متفرقه حیض
۱۳۴	تیمم بدل از غسل	۹۷	نفاس
۱۳۴	احکام تیمم	۱۰۰	غسل مس میت
۱۳۹	احکام نماز	۱۰۲	احکام مختصر
۱۴۰	نمازهای واجب	۱۰۳	احکام بعد از مرگ
۱۴۰	نمازهای واجب یومیه	۱۰۴	احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت
۱۴۰	وقت نماز ظهر و عصر	۱۰۵	احکام غسل میت
۱۴۲	وقت نماز مغرب و عشا	۱۰۸	احکام کفن میت
۱۴۴	وقت نماز صبح	۱۱۰	احکام جنوط
۱۴۴	احکام وقت نماز	۱۱۱	احکام نماز میت
۱۴۷	نمازهایی که باید بترتیب خوانده شود	۱۱۳	نماز میت
۱۴۸	نمازهای مستحب	۱۱۴	مستحبات نماز میت
۱۴۹	وقت نافله های یومیه	۱۱۵	احکام دفن
۱۵۰	نماز غفله	۱۱۷	مستحبات دفن
۱۵۱	احکام قبله	۱۲۱	نماز وحشت
۱۵۳	پوشانیدن بدن در نماز	۱۲۱	نیش قبر
۱۵۵	لباس نماز گزار	۱۲۲	فسلهای مستحب
	مواردیکه لازم نیست بدن و لباس	۱۲۵	تیمم
۱۶۳	نماز گزار پاک باشد	۱۲۷	دوم از موارد تیمم
۱۶۷	مستحبات و مکروهات لباس نماز گزار	۱۲۸	سوم از موارد تیمم

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۱۲	ترجمه نماز	۱۶۷	مکان نماز گزار
۲۱۵	تعقیب نماز		جاهائیکه نماز خواندن در آنها
۲۱۵	صلوات بر پیغمبر <small>صلوات الله علیه</small>	۱۷۲	مستحب است
۲۱۶	مبطلات نماز		جاهائیکه نماز خواندن در آنها مکروه
۲۲۱	کارهائیکه در نماز مکروه است	۱۷۳	است
	مواردیکه میشود نماز واجب را	۱۷۳	احکام مسجد
۲۲۲	شکست	۱۷۶	اذان و اقامه
۲۲۳	شکبات	۱۸۱	واجبات نماز
۲۲۳	شکهای باطل	۱۸۱	نیت
۲۲۴	شکهایی که نباید بآنها اعتنا کرد	۱۸۲	تکبیرة الاحرام
۲۳۰	شکهای صحیح	۱۸۴	قیام (ایستادن)
۲۳۲	نماز احتیاط	۱۸۷	قرائت
۲۳۸	سجده سهو	۱۹۲	رکوع
۲۴۰	دستور سجده سهو	۱۹۸	سجود
۲۴۰	قضای سجده و تشهد فراموش شده		چیزهائیکه سجده بر آنها صحیح
۲۴۲	کم و زیاد کردن اجزاء و شرائط نماز	۲۰۳	است
۲۴۴	نماز مسافر	۲۰۵	مستحبات و مکروهات سجده
۲۶۰	مسائل متفرقه	۲۰۶	سجده واجب قرآن
۲۶۲	نماز قضا	۲۰۷	تشهد
	نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر	۲۰۸	سلام نماز
۲۶۷	واجب است	۲۰۹	ترتیب
۲۶۹	نماز جماعت	۲۱۰	موالات
۲۷۷	شرائط امام جماعت	۲۱۱	قنوت

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۳۱۰	مواردیکه قضاو کفاره واجب است	۲۷۸	احکام جماعت
۳۱۰	کفاره روزه	۲۸۱	مستحبات نماز جماعت
	جاهائیکه فقط قضای روزه واجب است	۲۸۲	مکروهات نماز جماعت
۳۱۵	احکام روزه قضا	۲۸۳	نماز آیات
۳۱۷	احکام روزه مسافر	۲۸۶	دستور نماز آیات
۳۲۰	کسانیکه روزه بر آنها واجب نیست	۲۸۷	نماز عید فطر و قربان
۳۲۲	راه ثابت شدن اول ماه	۲۹۰	اجیر گرفتن برای نماز
۳۲۲	روزه های حرام و مکروه	۲۹۳	احکام روزه
۳۲۵	روزدهای مستحب	۲۹۷	چیزهائیکه روزه را باطل میکند
	مواردی که مستحب است انسان از کارهائیکه روزه را باطل میکند خود داری نماید	۲۹۷	۱- خوردن و آشامیدن
۳۲۶	احکام خمس	۲۹۸	۲- جماع
۳۲۷	۱- منفعت کسب	۲۹۹	۳- استمناء
۳۳۵	۲- معدن	۳۰۰	۴- دروغ بستن بخدا و پیغمبر
۳۳۶	۳- گنج	۳۰۱	۵- رساندن غبار غلیظ بحلق
۳۳۷	۴- مال حلال مخلوط بحرام	۳۰۲	۶- فرو بردن سردرب آب
	۵- جواهری که بواسطه خواصی بدست می آید		۷- باقیماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح
۳۳۹	۶- غنیمت	۳۰۳	
۳۴۰	۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد	۳۰۸	۸- اماله کردن ۹- قی کردن
۳۴۱		۳۰۹	احکام چیزهائیکه روزه را باطل میکند
		۳۰۹	آنچه برای روزه دار مکروه است

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۳۹۱	خرید و فروش میوه	۳۴۱	مصرف خمس
۳۹۲	نقد و نسیه	۳۴۵	احکام زکوة
۳۹۳	معامله سلف	۳۴۵	شرائط واجب شدن زکوة
۳۹۳	شرائط معامله سلف	۳۴۷	زکوة گندم و جو و خرما و کشمش
۳۹۴	احکام معامله سلف	۳۵۲	نصاب طلا
۳۹۵	فروش طلا و نقره بطلا و نقره	۳۵۳	نصاب نقره
	مواردیکه می توان معامله را بهم	۳۵۵	زکوة شتر و گاو و گوسفند
۳۹۶	زد	۳۵۵	نصاب شتر
۴۰۰	مسائل متفرقه	۳۵۶	نصاب گاو
۴۰۱	احکام شرکت	۳۵۷	نصاب گوسفند
۴۰۵	احکام صلح	۳۵۹	مصرف زکوة
۴۰۸	احکام اجاره	۳۶۲	شرائط کسانیکه مستحق زکوة کوند
۴۱۰	شرائط مالی که آنرا اجاره میدهند	۳۶۴	نیت زکوة
	شرائط استفاده ای که مال را برای آن	۳۶۵	مسائل متفرقه زکوة
۴۱۱	اجاره میدهند	۳۷۰	زکوة فطره
۴۱۲	مسائل متفرقه اجاره	۳۷۳	مصرف زکوة فطره
۴۱۷	احکام جماعه	۳۷۵	مسائل متفرقه زکوة فطره
۴۱۹	احکام زارع	۳۷۷	احکام حج
۴۲۳	احکام مساقاة	۳۸۱	احکام خرید و فروش
	کسانیکه نعی توانند در مال خود	۳۸۲	معاملات مکرر و دو حرا
۴۲۶	تصرف کنند	۳۸۷	شرائط فروشنده و خرید
۴۲۷	احکام وکالت	۳۸۹	شرائط جنس و عوض آن
۴۴۰	احکام قرض	۳۹۰	صیفة خرید و فروش
۴۳۳	احکام حوائه دادن		
۴۳۵	احکام رهن		
۴۳۶	احکام ضامن شدن		
۴۳۸	احکام کفالت		

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۷۶	طلاق خلع	۲۳۹	احکام ودیعه (امانت)
۲۷۷	طلاق مبارات	۲۴۳	احکام عاریه
۲۷۸	احکام متفرقه طلاق	۲۲۶	احکام نکاح
۲۸۰	احکام غصب	۲۴۶	احکام عقد
	احکام مالی که انسان آنرا پیدا میکند	۲۲۷	دستور خواندن عقد دائم و عقد غیر دائم
۲۸۲	احکام سر بریدن و شکار کردن حیوانات	۲۴۸	شرایط عقد عیبهائی که بواسطه آنها میشود عقدا
۲۸۸	دستور سر بریدن حیوانات	۲۵۰	بهم زد
۲۸۹	شرایط سر بریدن حیوانات	۲۵۱	زنائی که ازدواج با آنان حرام است
۲۹۰	دستور کشتن شتر	۲۵۲	احکام عقد دائم
۲۹۱	احکام شکار کردن با اسلحه	۲۵۶	منعه با عقد غیر دائم
۲۹۳	شکار کردن با سنگ شکاری	۲۵۷	احکام نگاه کردن
۲۹۵	صید ماهی	۲۵۹	مسائل متفرقه زناشویی
۲۹۷	صید ملخ	۲۶۳	احکام شیردادن
۲۹۸	احکام خوردنیها و آشامیدنیها		شرایط شیردانی که علت محرم شدن است
۵۰۳	احکام نذر و عهد	۲۶۵	آداب شیردادن
۵۰۹	احکام قسم خوردن	۲۶۸	مسائل متفرقه شیردادن
۵۱۱	احکام وقف	۲۷۱	احکام طلاق
۵۱۵	احکام وصیت	۲۷۳	عده طلاق
۵۲۲	احکام ارث	۲۷۴	عده زنی که شوهرش مرده
۵۲۳	مسائل متفرقه ارث	۲۷۵	طلاق بائن و طلاق رجعی
	احکام حدی که برای بعضی از گناهان معین شده	۲۷۶	احکام رجوع کردن
۵۳۵	احکام دیه		
۵۳۸	مسائل متفرقه		
۰۴۳			

انتشارات اندیشه
قم صفائیه
تلفن ۴۰۳۴

انتشارات صدر
تهران ناصر خسرو پاساژ مجیدی
تلفن ۵۳۷۶۹۶

چاپ چهلم

قم سازمان چاپ مهر تلفن ۵۲۴۴